

جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی تربیهٔ معلم

مهارتهای پیداگوژی

عالی



۱۳۹۲ هـ.ش

مهارتهای پیداگوژی عالی



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت مـــعارف
ریاست عمومی تربیهٔ معلم

مهارتهای پیداگوژی عالی

مؤلف: داکتر ایدنا میچل

سال:۱۳۹۲

مشخصات کتاب

نام کتاب:	مهارتهای عالی پیداگوژی
مؤلف:	مؤلف: داکتر ایدنا میچل
مترجم:	زبیر عمری، عبدالله اسماعیل زاده، جمیله صوفی زاده، عبدالمومن مومن، وحید نورستانی و شفیق تصمیم
ایدیت:	لطف الله صافی
کمپوز:	رحیم الله شریفی، فریدون سلیمی
دیزاین:	عصمت الله عمرزوی
تیراژ:	
سال:	۱۳۹۲ هـ ش
چاپ:	
صاحب امتیاز:	وزارت معارف/ریاست عمومی تربیهٔ معلم


بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحیم

تعلیم و تربیه بخش عمده و اساسی برای پیشرفت یک جامعه است که برحسب نیاز زمان و شرایط ملی و بین المللی هر کشور باید به آن رشد و انکشاف داده شود. با درنظرداشت این واقعیت ضرورت احساس میشود تا در سیستم تعلیم و تربیهٔ کشور مان تغیرات اساسی و بنیادین رونما گردد. بنابران بدون انکشاف مسلکی و ارتقای ظرفیت آموزگاران امکان به میان امدن تغییر و انکشاف وجود ندارد؛ زیرا برنامهٔ تربیوی شناخت از پیداگوژی معاصر برای آموزگارانی تدوین گردیده است که برنامه های آموزشی قبلی را به پایهٔ اکمال رسانیده اند.

در رهنمود هایی که برای تیم های طرح کنندهٔ این مواد و مشاورین مربوط داده شده بود، نشاندهی گردیده بود تا دران تیوری ها و نظریاتی که در امر تدریس و آموزش در مکاتب ابتدایی کمک نموده بتواند به سطح بین المللی منحیث تجارب موفق و پذیرفته شده شناخته شده اند به صورت عمیق تدقیق و تحقیق شود.

ما میخواهیم تا آموزگاران افغان برای امور مسلکی شان بنیاد اساسی ایجاد کنند. آرزومندیم تا چنان کتاب درسی و رهنمود تدوین گردد تا آموزگاران ازان منحیث ماخذ استفاده نمایند. هکذا آرزومندیم تا برای آموزگارانی که مواد آموزشی با کیفیت پایین داده شده است چنان محتویات آموزشی را آماده سازیم که برایشان دلچسپ و انگیزنده باشد.

ما میدانیم که آموزگاران افغانستان میخواهند تا با میتودهای جدید، تجارب موفق و اصولی آشنایی حاصل کنند که بتواند زمینه ساز اصلاحات گردد.

ما باور داریم که آموزگاران افغانستان دارای ذکاوت خیلی خوب اند، با اشتیاق تمام میخواهند دارای قابلیت های مسلکی باشند. بنابران مواد موجود به منظور راهگشایی بهبود تدریس، بهبود روابط بین صنف و خانواده، تفاوتهای فردی شاگردان و نیازمندی های مشخص شان، احترام به تفاوتهای فردی و شناخت از اهداف غیر مربی نصاب که معمولاً خالی از تمایلات شخصی نمی باشد، اختصاص یافته است . درین مورد آموزش فصل هایی اختصاص داده شده است که اموزگاران را تشویق میکند تا به پرسشهای مربوط به تعلیم و تربیه به شیوه های مختلف جواب ارایه کنند. به گونهٔ مثال : به چی کسانی باید اموزش داده شود. چی چیز و چگونه به شاگردان تدریس شود. به همین منوال، چی کسی باید جواز تدریس را داشته باشد وغیره.

در اخیر آموزگاران تشویق میگردند که به گونهٔ یک متخصص مسلکی و رشد یابنده در مورد خویش باندیشند و بر مبنای پلان سنجیده شده از فرصت های ارتقای ظرفیت استفاده نمایند.

کارکنان ریاست عمومی تربیهٔ معلم و نهادهای همکار این ریاست که در عرصهٔ تربیهٔ معلم کار میکنند، آرزومند تطبیق، بازنگری و اصلاح این برنامهٔ جدید میباشند.

هکذا ما از آموزگاران خویش توقع داریم تا نظریات خود را با ما شریک سازند تا در تطبیق برنامه های مان در عرصهٔ تربیهٔ معلم به اهداف مان دست یابیم.

قابل یاد آوریست که میخواهم از داکتر ادنامیشل، اعضای محترم علمی و مسلکی ریاست عمومی تربیۀ معلم، کارکنان طباعتی، استادان محترم تربیۀ معلم کشور، تمام اشتراک کننده هایی که درین برنامۀ آموزشی با ما سهم گرفته اند و موسسات خارجی مانند یونیسف (UNESEF)، سیدا (CIDA) و بانک جهانی (WORLD BANK) که در چاپ این کتاب ها مساعدت های مالی نموده اند، از صمیم قلب اظهار سپاس نمایم. از خداوند متعال برای شان موفقیت های بیشتر آرزو میکنم.

سوسن وردک

رییسۀ عمومی تربیۀ معلم

و مشاور ارشد مقام وزارت معارف

فهرست مطلب

فصل اول

فصل دوم

فصل سوم

فصل چهارم

فصل پنجم

فصل ششم

فصل هفتم

فصل هشتم

فصل نهم

فصل دهم

فصل یازدهم

فصل دوازده هم

فصل سیزدهم

فصل چهاردهم

فصل پانزدهم

فصل شانزدهم

فصل هفدهم

فصل اول

معرفی پیداگوژی پیشرفته
معیارها، اصول و بهترین روشهای کاری

مقــدمه

در افغانستان، تعلیم و تربیه بعد از سالهایی از هم پاشیدگی به سبب جنگ و تخریب، حالا زیربنا های مکتب، رو به بهبود میباشد. برای ده ها هزار طفل و جوان که مشتاق حصول تعلیم اند، معلمین استخدام میشوند. در زندگی شاگردان مهمترین عناصر کتاب درسی، صنف، مؤفقیت در امتحانات نه، بلکه عنصر مهم معلم میباشد. معلم برای آموزش معیار وضع نموده شاگردان را تشویق و الهام میبخشد، دروازهٔ جهان را بروی آنها باز نموده یک احساس اعتماد به نفس برای آنها ایجاد مینماید که در هیچ جای دیگر برای شان میسر نیست. بعضی از معلمین ماهر، فضاء صنف را طوری عیار مینمایند که یک محل خوب برای آموزش باشد، اما همه معلمین بالای زندگی و آموزش شاگردان دارای تأثیر اند. بناءً، خیلی مهم است که معلمین باید نه تنها افراد خوش برخورد و از لحاظ اخلاق قوی باشند بلکه مانند معلمین مسلکی، دارای تعلیم بوده و بالای مضامینی که تدریس مینمایند مسلط باشند و بدانند که تدریس را چگونه برای شاگردان پرمفهوم سازند. همچو مهارت های مسلکی را نمیتوان به آسانی فرا گرفت، و اکثراً تطبیق آنها در صنف مشکل میباشد، اما آنها اساس استراتیژی های تدریس را فراهم مینمایند که از اوایل سالهای طفولیت الی پوهنتون قابل تطبیق اند. این مجموعه تریننگ برای تداوم آموزش آنعده معلمین طرح گردیده که از قبل دارای بنیاد قوی در افغانستان میباشند. این تریننگ برای تقویت تریننگ های قبلی و توسعه بخشیدن مزید قابلیت های مسلکی که در تریننگ های قبلی به آن رسیدگی شده است، میباشد.

بطور مثال، ریاست عمومی تربیه معلم استخدام معلمین و تریننگ را بمنظور پر کردن کمبودی های معلمین در صنوف مکاتب در سراسر افغانستان، آغاز نموده است. چون اکثریت معلمین در مضمون مربوطه و روش تدریس، دارای تعلیم محدود و یا (کم) بودند، بناءً از یکدهه به اینطرف فعالیت های جدید آغاز و برای افزایش دانش و مهارت های معلمین، بطور متداوم توسعه داده میشود.

هرچند برای خیلی از معلمین در سطح کشور در مورد دانش و مهارتها هنوز خلا های جدی وجود دارد، با آنهم، بهترین معلمین نیز از انکشاف مسلکی اضافی بهره مند میشوند. هدف این مواد آموزشی، بدون در نظر داشت صنف و یا مضمون، فراهم نمودن نظریات جدید برای انکشاف تدریس در صنف میباشد.

هدف این مجموعه پیداگوژی پیشرفته آگاه ساختن و الهام بخشیدن به معلمین بوده که شامل معلوماتی است که سطح دانش معلم را در مورد تدریس افزایش میدهد، و معلمین را بر می انگیزد تا در مورد مسلک با افتخار خویش و تقدیر های جدید فکر کنند و همچنان معلمین را تشویق مینماید تا طرق جدید تدریس را برای شاگردان خویش تلاش نمایند. معلمین را در شناخت شاگردان منحیث افراد و مرکز فعالیت آموزشی تدریس خویش کمک مینماید. این کتاب تریننگ معلمین که بر ۱۵ فصل مشتمل است یک تسلسل مرتب را تعقیب نمی نماید بلکه معلم- خواننده میتواند هر ترتیبی را که مفید پندارد، بخواند.

تاریخچه و پس منظر

باز بینی ذیل در مورد پس منظر کار های قبلی در بخش قابلیت های معلمین در افغانستان و چارچوب قابلیت های موجوده را که در این سند ارائه گردیده، نظر می اندازیم. این برای معلمین ایکه با این گزارش آشنایی ندارند و همچنان معلمینی که دخیل بودند، مورد دلچسپی خواهد بود.

قسمت بیشتر فصل بعدی در مورد تاریخ جدید اخیر، از یک گزارش «تدریس برای آموختن مؤفق: یک چارچوب برای معلمین افغانستان، منسجم و یکجا نمودن میتودها، روشهای تدریس و محتویات نصاب تعلیمی ملی»، از یک گزارش BESST برای وزارت معارف و USAID، ۳۰ مارچ، ۲۰۰۹- اقتباس شده است.

در سال ۲۰۰۱، وزارت معارف بمنظور احیاء مجدد تعلیم و تربیه، به اعمار مکاتب، جذب مجدد شاگردان به سیستم تعلیم و تربیه، ایجاد نصاب تعلیمی جدید و استخدام و آموزش ترینگ معلمین، آغاز نمود. در سال ۲۰۰۴، وزارت معارف به همکاری مالی UNICEF و پوهنتون کولمبیای نیویارک ایالات متحده امریکا، یک تیم کاری معیار های معلمین مکاتب ابتدایی را تشکیل نمود. ایجاد معیار های معلم، بخشی از یک پروگرام ملی اصلاحات تربیه معلم با تمویل کنندگان متعدد و سکتور های مختلف، بنام پروگرام تربیه معلم (TEP)، بود. فعالیت های کلیدی و نتایج ناشی از (TEP) شامل ایجاد دو مجموعه (INSET- I و INSET- II)؛ تشکیل یک نمونه، مدل از بالا به پایین- مربیان کلیدی مستقر در کابل، ماستر ترینر ها مستقر در ولایات- و مربیان معلم مستقر در ولسوالی ها، بود. این فعالیت ها بر ایجاد و آزمایش یک سند مشاهده صنف، پلانگذاری مفصل برای مراکز منبع معلمین بسطح ولسوالی ها- که مشتمل بر تربیه تقریباً ۵۰،۰۰۰ معلم در INSET- I،بود. این پروژه و فعالیت های آینده آن تحت سرپرستی ریاست تربیه معلم وزارت معارف به پیش برده میشدند.

تیم کاری، معیار ها، Task force (که در بالا تذکر رفت)، بعد از ماه ها بحث و تجدید نظر، سندی را برای توزیع، بحث مزید، و اقدام — که در آن هشت معیار را شناسایی نمودند تا اساس تعلیم و تربیه برای معلمین در افغانستان باشد، تهیه نمود. در ضمن هر معیار کتگوری های فرعی: (۱) دانش، (۲) مهارت ها (۳) رفتار و روش، بدقت تشریح گردیدند. گزارش تیم کاری چنین تصریح نمود: «معیارهای وسیع، بیانیه های تشریحی در مورد اینکه معلمین باید چه چیز ها را بدانند تا بتوانند آنرا در صنف اجرا نمایند- و نیز گرایش ها یا روش و رفتاریکه آنها باید در مورد کار خویش داشته باشند.»

توافق بالای معیار ها، یک گام مقدماتی بسوی چارچوب قابلیت بود که در آن معلمین توسط دیگران ارزیابی گردد و یا قابلیت های خویش را خود ارزیابی نمایند. معیار های اوایل سال ۲۰۰۴، یک جزء لاینفک چارچوب این سند را نشان میدهد. به دو معیار اول از طرف تیم کاری اولویت داده شد، به این عقیده که تا آنها باید اول تطبیق گردد و دیگران بطور تدریجی شامل شوند. فهرست معیار های ۲۰۰۴ برای معلمین، که تا هنوز بخشی از پروگرام ملی تربیه معلم است، قرار ذیل میباشد:

<u>معیار ۱:</u> معلمین میدانند که اطفال به طرق مختلف می آموزند و ضروریات متفاوت دارند و این را نیز میدانند که علاقمندی و شرکت همه شاگردان را در تمرینات چگونه جلب نمایند تا فرصتی برای آموختن آنها فراهم گردد.

<u>معیار ۲:</u> معلم در مضمونی که تدریس مینماید، مهارت کافی کسب کرده است و میتواند آنرا طوری تدریس نماید که موافق با ارزش های اسلامی باشد و قادر است که تجارب آموختن و مواد ممد آموزش را تهیه نموده مضمون را با در نظر داشت سن و توانایی شاگردان پرمفهوم سازد.



معیار ۳: معلم میداند که اطفال چگونه می آموزند و پیش رفت میکنند و برای آنها فرصت های آموزش را فراهم مینماید که چگونگی آموختن، پیشرفت خودی و انکشاف شخصیت را تقویت نمایند.

معیار ۴: معلم فضاء آموزشی را ایجاد نماید که شاگردان به عمل متقابل مثبت اجتماعی و اشتراک فعال در آموزش تشویق شوند.

معیار ۵: معلم آگاه است که در هر سطح سیستم تعلیم و تربیه، نتایج پلان شده و پلان نشده، اهداف، پالیسی ها و روش ها در سطوح ملی، محلی و صنف وجود دارد، قادر است تا در جهت رسیدگی به شرایط در حال تغییر در پلانگذاری و تدریس انعطاف پذیر باشد.

معیار ۶: معلم باید فضاء صنف را طوری عیار نماید که شاگردان در حل مشکلات به فکر انتقادی و ابتکاری تشویق گردد.

معیار ۷: معلم باید شاگردان را به ارجگذاری و احترام به ارزش های اسلامی و فرهنگ افغانی، تشویق نماید.

معیار ۸: معلم باید شاگردان را تشویق طوری نماید تا مکلفیت را بدوش گرفته در برابر مردم و اجتماع احساس مسؤولیت نمایند.

گزارش سال ۲۰۰۴ تیم کاری همچنان شامل تأیید آموزش شاگرد محوری بود که خصوصیات یک صنف شاگرد محوری و نقش معلم در صنف را چنین توضیح میدهد:

۱- خصوصیات

أ. تدریس بالای ذهن آموزنده تمرکز میکند نه بالای عمل آموزنده.
ب. شاگردان مصروف، فعال و علاقمند میباشند.
ج. تمرکز توجه بالای ضروریات و علاقمندی شاگردان میباشد.
د. شاگردان یکدیگر را کمک میکنند (آموزش تعاونی، آموزش همتا، همسن و کار گروپی).
ه. آموزش به زندگی شاگرد مرتبط است.
و. شاگردان مشکلات را حل مینمایند و در مورد حل مشکلات به تفکر انتقادی مجال دارد.
ز. شاگردان در صنف به بحث و استدلال میپردازند.
ح. شاگردان بعوض گوش دهنده، فکر کننده اند و میدانند که برای آموزش در صنف از مواد چگونه استفاده نمایند.
ط. آموزش مفید و متقابل است.

۲- نقش معلم در صنف های شاگرد محوری

أ. یک تسهیل کننده و رهنما است.
ب. در بین شاگردان علاقمندی مشترک را جستجو میکند.
ج. تجارب آموزش را پلانگذاری مینماید و دارای یک هدف یا مقصد میباشد.
د. شاگردان را تشویق میکند تا استعداد های خویش را رشد دهند و فعال باشند.
ه. شاگردان را برای اتخاذ یک نقش فعال در آموزش آماده میسازد.
و. در احساس شاگردان که به استعداد آنها ارج گذاشته میشود و نیز در آموختن قدردانی به یکدیگر، کمک مینمایند.



گام بعدی، در ایجاد معیار ها عبارت از رسیدگی به دانش و مهارتهای تدریس نسبتاً در سطح پایین در بین معلمین در مکاتب بود. وزارت معارف تصمیم گرفت که یک پروگرام ملی آموزش، تریننگ معلمین داخل- خدمت INSET را برای تمام معلمین در کشور، هرچه زود تر تطبیق نماید. از همه ولسوالی ها مربیان برای تریننگ در پروگرام INSET انتخاب گردیدند. یک نمونه، مدل cascade (سیستم خوشهٔ در نظر گرفته شد تا در قدم اول برای مربیان آموزش داده شود – و سپس آنها به سایر معلمین در ولسوالی های مربوطه خویش آموزش دهند و بعداً آنها معلمین محلی را آموزش دهند، تا اینکه همه معلمین از تریننگ INSET، با میتودولوژی و ترتیب کار آشنا شوند. در ریاست عمومی تربیه معلم منحیث پروگرام ملی برای آموزش معلمین داخل- خدمت NPITT مدغم گردیدند که فعالیت های ایجاد سیستم کمک برای معلمین BESST و پروگرام بهبودی تعلیم معیاری (EQUIP) در آن شامل ساخته شدند. یک طبقه دیگر کمک و نظارت، ایجاد مربیان با تجربه- تحت نام تیم آموزش معلمین ولسوالی (DT_3) در هر ولایت، بود. نمونه،

مدل cascad بر تیم (DT_3) با مربیان ارشد، رهبران مرکزی، و کدرهای تربیه معلم که مسؤولیت توزیع، پخش تریننگ ها را بدوش داشتند، مشتمل بود.

<u>چارچوب قابلیت معلم:</u> وزارت معارف، برای ایجاد یک چارچوب قابلیت معلم، در یک اقدام افزایش معاش معلمین، به TED هدایت داد تا برای ارزیابی دانش، آگاهی بر محتوای مضمون و اسلوب تدریس، یک امتحان ملی را اساس گذاری نماید. پنج ساحه قابلیت شناسایی گردید:

۱. دانش در مورد محتوای مضمون و نصاب تعلیمی.
۲. دانش در مورد پیشرفت اطفال و نوجوانان و اصول نظری آموزش
۳. دانش در مورد سازماندهی و تنظیم صنف
۴. دانش در مورد استراتیژی های تدریس برای معلمین مجرب افغانستان.
۵. انکشاف مسلکی، طرز کار مسلکی و دخیل بودن در کار مردم محل.

نقش در حال توسعه دارالمعلمین ها

آنچه در ولایات وجود نداشت، نقش نهاد های آموزشی تریننگ دهنده بود. تعداد نهاد های آموزشی، تریننگ دهنده افزایش داده شد. این نهاد که اکنون بنام دارالمعلمین ها (TTCs) یاد میشوند، در تعلیم قبل از- خدمت معلمین در سطوح تعلیم مرحله سوم یا تعلیم بالاتر از صنف ۱۲، یک نقش مهم را ایفا مینمایند، و منحیث مراکز معیاری و منبع انکشاف روش و اسلوب مؤثرتر در مکاتب عمل مینمایند. یک پروگرام (STEP) که به کمک جاپان فعالیت دارد، برای معیاری ساختن پروگرام تعلیم معلمین در دارالمعلمین ها، نصاب تعلیمی جدید را هم در مضمون و هم در پیداگوژی ایجاد نموده است. در ساحاتیکه معلمین به آسانی به دارالمعلمین ها رسیده نمیتوانند، دارالمعلمین های الحاقیه ایجاد گردیدند که نصاب درسی را برای معلمین، منحیث شاگردان دارالمعلمین، فراهم مینماید.

تلاش های کنونی ریاست عمومی تربیهٔ معلم برای معلمین افغانستان

کار های کنونی ریاست عمومی تربیه معلمTED تعداد زیاد فعالیت ها مبتنی بر پروژه های که قبلاً تشریح گردیدند، احتوا میکند. این مجموعه، پیکیج، تداوم فلسفه تعلیمی، اصول، معیار های که در دهه گذشته ایجاد گردیده اند، برای پیداگوژی پیشرفته فراهم مینماید. موضوعات مذکور معیار های ایجاد شده را تکرار و تقویت مینمایند، اما به سطح



عمیقتر و وسعت بیشتر کتاب رهنما با معلمین سخن نمی زند اما یک سطح دانش مسلکی وعلاقمند به معلومات که دانش معلم را توسعه بخشیده و برای آموزش بیشتر رهنمایی خواهد کرد.

موضوعاتیکه در INSET-I شامل گردیده اند، اکنون آموزش پیداگوژیکی اساسی را برای تقریباً همه معلمین در افغانستان فراهم نموده است، و با موضوعات این کتاب رهنما، مشابه میباشند. بطور مثال، جدول محتویات قبلی INSET-I، شامل موضوعات ذیل میباشد:

معلومات عمومی تدریس (پیداگوژی)

- دانش، مهارتها طرز فکرو فهم
- تفاوت بین آموزش فعال تریننگ، آموزش تقلیدی و کلاسیک
- فعالیت چیست؟
- نقش معلم و شاگرد در آموزش فعال.
- طرح، نقشه فعالیت آموزشی.
- اقسام فعالیت های آموزشی.
- سؤالات و استفاده آن در تدریس و آموزش.
- ایجاد یک محیط آموزش عاری از ترس.
- آموزش فعال از طریق همکاری در کار گروپی.

شناخت طفل

- شناخت رشد طفل
- مشکلات و نیازمندی های شاگردان در مکتب.
- اشتراک شاگردان در فعالیت ها.

مواد درسی

- کنترول و انضباط صنف
- سازمان دادن صنف از طریق کنترول شاگردان.
- سازمان دادن صنف با استفاده از مواد و ساحه، جای.

پلانگذاری

- پلان درسی و اقسام آن
- ساختن پلان درسی
- پلان عمومی سالانه
- مشخص نمودن اهداف آموختن

ارزیابی

- اهمیت ارزیابی.
- روشها، میتود های ارزیابی.
- ارزیابی جامع.



تنوع، گوناگونی

- مشابهت ها و اختلافات.
- تصورات، پنداشتها.
- عدالت در صنف.

معلم، خواننده موضوعات و معیار های که در بالا فهرست گردیده، تشخیص داده خواهند فهمید که این اهدافی اند که در صنف ها باید حاصل گردد. اصول متضمن هر اظهار قابلیت، ارزشهای جامعه اسلامی افغانستان، ارزشهای خانواده ها، و ارزش ها و آرمانهای تعلیمی جامعه را منعکس میسازد. این نظریات در مورد تدریس و آموختن جدید نیستند، اما در مکتب های زیاد بنابر عادت، به عوض دانش در مورد بزرگی، ارزش هر انسان- بشمول طفل رشد کننده و آموزنده، روش های عنعنوی عملی میگردد. همچنان، معلمی، یک وظیفه خیلی مغلق و مشکل میباشد. ما سؤال های زیاد را از معلمین می پرسیم وقتیکه معیار های جدید را به پیشروی آنها میگذاریم. اما، نتایج وضع نمودن معیار های جدید و بلند بردن سطح تدریس، به یک جامعه تعلیم یافته شهروندان افغانستان که بتوانند جامعه خود را تقویت و فرهنگ را حفاظت نمایند، منتج خواهد شد.

معلمینی که مسلکی میشوند

یک اداره در حال پیشرفت تحقیق تأیید مینماید که کیفیت تدریس، و خود معلم در مکتب برای آموزش و پیشرفت شاگردان در حایز اهمیت میباشد.

تدریس یک سعی و تلاش مسلکی میباشد، که ممارست مؤثر از فهمیدن دانش در رشتۀ مربوط و تعهد به همه شاگردان و خانواده های آنها، ناشی میگردد.

بهتریت، تدریس، دانش، مهارتها، استعداد هنری، علاقمندی و تعهد را ایجاب مینماید. معلمین مؤثر نکات ذیل را توحید مینمایند:

۱. به اطفال و جامعه از لحاظ اخلاقی نگرانی و توجه.
۲. قابلیت در مورد موضوع اصلی.
۳. انتخاب با غور و تعمق روش های پیداگوژیکی با غور و تعمیق.
۴. دانش عمیق در مورد شاگردان خویش، بشمول دانش در مورد آموزش و انکشاف اطفال و نوجوانان؛ و درک در مورد توانایی های انفرادی، علاقمندی، نیازمندی؛ و دانش در مورد خانواده ها و اجتماع ها.

تدریس مؤثر ایجاد دقیق مجتمعات آموزنده مبتنی بر اعتماد و احترام و نیز کار های روزمره، توقعات، منابع، و استراتیژی های که دخیل بودن معنوی شاگردان مختلف را کمک میکند، ایجاب مینماید.

تدریس مؤثر از طریق پلانگذاری محتاط که بالای نتایج معین برای آموزش شاگردان و شیوه استعمال لحظات قابل تدریس، متمرکز میباشد.

تدریس مؤثر به طرقی که معلمین به توانایی ها و نیازمندی های هر شاگرد پاسخ بگوید، و ضمناً دخیل ساختن و کمک با تمام شاگردان در آموختن آنها، آشکار کند.

تدریس مؤثر یک شکل رسیدگی است که معلمین شواهد و تحلیل توانایی ها و کوشش های شاگرد، و پیشرفت خود آنها برای راهنمایی تمرین در کمک با آموختن شاگرد به کار میبرند.

تدریس مؤثر با دخیل بودن در داخل یک مجتمع مسلکی بستگی دارد. مزید برآن، تدریس مؤثر ایجاب مینماید که توانایی برای منسجم نمودن عناصر دانش مسلکی در خدمت آموختن، رشد و پیشرفت شاگردان مختلف در سراسر اوضاع متغییر، موجود باشد.
بالآخره، تدریس مؤثر مجموعه مکلفیت های اخلاقی و مسلکی عام را که شامل یک تعهد عمیق و بنیادی برای رشد و مؤفقیت هر شاگرد، با هم شریک میسازد.

دانش کاربرد معیار ها

علاوه از دولت افغانستان، جامعه بین المللی نیز برای معلمین معیار ها را وضع مینمایند. بیشتر این تلاش ها با کار ها در افغانستان سازگار و قابل مقایسه است. بیائید که به بعضی از مثال های سازمانها و تیم های مربیان که منحیث اشخاص مسلکی برای معلمین، دارای یک دید اند، نظر بیاندازیم.

معیار ها منحیث مقررات جهت کنترول اقدام مشخص معلمین، بیان نگردیده اند، بلکه در عوض وقتیکه ایجاد، اصلاح، و استعمال آنها توسعه یابد، معلمین را رهنمایی خواهند کرد. معیار های مذکور برای مقاصد متنوع، بکار برده شده اند، بشمول:

- انعکاس فوری مورد آموختن شاگردان و روش تدریس
- تنظیم اهداف مسلکی در جهت بهبود روش های تدریس برای کمک به آموزش شاگردان.
- رهنمایی، نظارت و ارزیابی پیشرفت طرز کار یک معلم برای رسیدن به اهداف مسلکی.

بورد ملی هیئت معیار های معلم ایالات متحده امریکا

۱. معلمین در برابر شاگردان و آموزش آنها متعهد اند.

معلمین ماهر و باتجربه تعهد سپرده اند که دانش را در دسترس همه شاگردان قرار دهند.
آنها به این باور عمل میکنند که همه شاگردان میتوانند بیاموزند. آنها با شاگردان بطور منصفانه رفتار میکنند، با درک تفاوت های انفرادی که شاگردان آنها را از یکدیگر متمایز میسازد این تفاوت ها را در عملکرد های خود در نظر میگیرند. آنها روش ها، عملکرد های خویش را طوریکه مناسب باشد، بر بنیاد های مشاهده و درک، علاقمندی، توانایی ها، مهارت ها دانش، وضعیت های خانواده، و روابط با همسالان شاگردان خویش، مرتب میسازند.

معلمین ماهر و با تجربه میدانند که شاگردان آنها چگونه می آموزند و پیشرفت مینمایند. آنها نظریه های مروج درک و فراست را در طرز کار خویش شامل مینمایند. آنها از نفوذ و تأثیر شرایط و فرهنگ بالای رفتار و سلوک آگاه اند. آنها ظرفیت درک شاگردان و احترام به آموختن را تقویت مینمایند. آنها به پرورش عزت نفس، انگیزه، شخصیت، حس مسؤولیت اجتماعی، و احترام به اختلافات انفرادی، فرهنگی، قومی، مذهبی و نژادی را یکسان اهمیت میدهند.

۲. معلمین مضامین را که تدریس مینمایند و اینکه آن مضامین را به شاگردان چگونه تدریس نمایند، میدانند.

معلمین ماهر و با تجربه از مضامینی که تدریس مینمایند فهم و درک غنی دارند و اینکه دانش در مضمون آنها چگونه ایجاد و تنظیم گردیده، و ربط با سایر رشته ها، و تطبیق آن در نظم جهان واقعی را نیز احساس و درک میکنند. در حالیکه با نشان دادن صادقانه حکمت و معرفت جمعی فرهنگ و تقویت ارزش دانش رشته ای (محتویات مضمون) آنها ارزش ظرفیت تحلیلی و تنقیدی شاگردان خویش را نیز انکشاف میدهند.



معلمین ماهر و با تجربه، در مورد چگونگی انتقال موضوع درس دانش تخصصی را به شاگردان در کنترول دارند. آنها در مورد نظریه و دانش پیشینه که معمولاً شاگردان در مورد هر مضمون دارند، یا استراتیژی ها و منابع تعلیمی که میتواند مفید باشد، آگاهی دارند. فهرست کارهای آموزشی آنها را قادر میسازد که برای آموختن مضامینی که تدریس مینمایند، طرق متعدد را ایجاد نمایند و در فهماندن شاگردان که مشکلات را چگونه پیشنهاد و حل نمایند، مهارت دارند.

۳. معلمین مکلفیت دارند تا آموزش شاگردان را تنظیم و نظارت نمایند.

معلمین ماهر و با تجربه بمنظور جلب و حفظ علاقمندی شاگردان، نظم تعلیمی را ایجاد، نموده، غنی، حفظ و تغییر میدهند. آنها در دوران تدریس خویش بطور خیلی مؤثر از وقت استفاده مینمایند.

آنها در مشغول نگهداشتن شاگردان و جوانان در جهت کمک با تدریس خویش، و استفاده از دانش و مهارت های همکاران برای تکمیل دانش و مهارتهای خود، مهارت دارند.

معلمین ماهر و با تجربه دارای تخنیک های تدریسی میباشند و میدانند که چه وقت از آنها استفاده نمایند. آنها وقت خود را وقف روش های عالی و تدریس با کیفیت کرده اند و میدانند که به هر شاگرد فرصت موفقیت را چگونه فراهم نمایند.

معلمین ماهر و با تجربه میدانند که گروپ های شاگردان را چگونه مشغول نگهدارند که یک فضاء آموزش با دسپلن اطمینانی و برای حصول اهداف مکتب برای شاگردان، تدریس را چگونه تنظیم نمایند.

آنها در وضع نمودن اصول و قواعد سلوک و رفتار متقابل بین شاگردان و معلمین، مهارت دارند. آنها میدانند که شاگردان به آموختن چگونه تشویق نمایند و در صورت مواجه شدن با مشکلات مؤقت، علاقمندی آنها را چگونه حفظ نمایند.

معلمین ماهر و با تجربه میتوانند پیشرفت هر شاگرد و همچنان در مجموع پیشرفت صنف را ارزیابی نمایند. آنها برای ارزیابی رشد و فهم شاگردان از روش های متعدد استفاده میکنند و در مورد رشد و پیشرفت شاگردان، به سایر شاگردان، والدین و اداره مکتب، میتوانند بطور واضح تشریح نمایند.

۴. معلمین در مورد طرز کارخویش بطور منظم می اندیشند و از تجارب می آموزند.

معلمین ماهر و با تجربه نمونه های اشخاص تعلیم یافته اند، و هرگاه بخواهید صفات نیک، کنجکاوی، تحمل، صداقت، شایستگی، احترام به تنوع، و ارجگذاری به اختلافات فرهنگی، توانایی استدلال، وسعت نظر، ابتکار و تحمل خطرات، تجربه و حل مشکلات، را به شاگردان تفهیم نمایند و بطور تمثیل عملاً نشان میدهند.

معلمین ماهر و با تجربه، دانایی خویش را در مورد انکشاف بشری، موضوع درس، تدریس و رهنمایی و شناخت شاگردان، به منظور قضاوت معقولانه راجع به طرز کار سالم، بکار میبرند. تصامیم آنها نه تنها بر مبنای محتوای مضامین آنها، بلکه بر تجارب آنها نیز استوار اند. آنها در آموزش پیهم متعهد و مشغول اند که شاگردان خویش را نیز به آن تشویق مینمایند.

بمنظور تقویت تدریس خویش، معلمین ماهر و با تجربه روش های کار خویش را بطور جدی و منتقدانه بررسی میکنند، به فهرست کارهای انجام دادنی خویش وسعت میبخشند، دانش خویش را توسعه میدهند، قضاوت های خود را متمرکز مینمایند، و تدریس خود را با مفکوره ها، نظریات و اکتشافات جدید سازگار میسازند.

۵. معلمین اعضاء مجتمعات تعلیم اند.

معلمین ماهر و با تجربه، از طریق کار دسته جمعی با سایر مسلک ها در مورد ایجاد پالیسی، نصاب تعلیمی و پیشرفت کارمندان اگر در مؤثریت و سود مندی مکتب باشد مساعدت مینمایند.
آنها میتوانند پیشرفت مکتب و تخصیص وسایل منابع مکتب را در روشنی درک و فهم خویش از اهداف ملی و محلی تعلیم، ارزیابی نمایند.

آنها در مورد وسایل منابع مختص با مکتب و مجتمع که میتواند برای بهبود و منفعت شاگردان استفاده شود، بخوبی آگاه اند، و در کاربرد همچو منابع وسایل مطابق ضرورت، مهارت دارند.

معلمین ماهر و با تجربه، برای تشریک مساعی و کار مبتکرانه با والدین شاگردان طرق مختلف را سراغ دارند تا والدین را در کارهای سودمند به مکتب دخیل نمایند.

تغییر در تعلیم و تربیه از طریق پیاده کردن استندرد ها به منظور داشتن معلمین دارای تصدیقنامه

با داشتن معلمین ماهر و با تجربه در معیار بلند، علاوه بر چندین عوامل کلیدی، خواسته های متذکره فوق، تغییر به میان می آید.

- مفهوم تغییر، داشتن یک شغل در تدریس، از طریق شناخت و دادن مکافات به معلمین ماهر و با تجربه و زمینه سازی برای معلمین در مسؤولیت پذیری، حیثیت و تلافی بدون مجبور شدن به ترک صنف، پیشرفت نمایند.
- تغییر فرهنگ تدریس از طریق تسریع رشد به اساس اصول تدریس، با دادن ارزش واقعی به قضاوت مسلکی تکمیل طرز کار در همه اظهارات مختلف آن، و با تشویق معلمین در جستجوی دانش جدید و عملکرد بهتر از طریق یک اسلوب ثابت همکاری و تفکر با همسالان و دیگران
- تغیر شیوه ای که مکاتب با ایجاد پابر جا سازی یا بر قرار سازی مقام های استادان بی نظیر اداره و تنظیم کرده اند.
- تغییر ماهیت آمادگی و انکشاف مسلکی معلم در حال پیشرفت از طریق وضع یک اساس مبتنی بر معیار برای انکشاف از طریق شغل مسلک قابل درک که معلمین بشکل احتمالی آنرا آغاز و به معلمین ماهر و با تجربه منتج میگردد
- تغییر در فکر کمیسیون خدمات ملکی افغانستان و دولت در مورد استخدام و جبران معلمین از طریق تشویق مدیران رئیسان و کمیته تنظیم مکاتب که در تدریس جایزه و امتیاز را اعطاء کرده و معلمین ماهر و با تجربه را استخدام نمایند.

یک دید جامع وانکشافی برای تدریس

در حالیکه به معیارها بطور جداگانه رسیدگی خواهد شد، تدریس بطور واضح یک تلاش جامع و منسجم است که مشتمل بر ترکیب پیچیده اجزای باهم مرتبط، میباشد. تدریس و تعلیم هردو، توسط عوامل بیرون از صنف، متأثر میگردد.

تدریس بیشتر از یک روش (میتودولوژی) میباشد. شناخت یک معلم در مورد پیشرفت شاگرد، خانواده و مردم محل، مضمون و نصاب تعلیمی، و روش ها (میتود های تدریسی)، استراتیژی ها، و منابع، همه اینها با چگونگی پلانگذاری و تطبیق آن، رهنمایی و ارزیابی آموختن شاگرد توسط معلم مستقیماً بستگی دارد.

دانستنی های تعلیم و تدریس اخلاقی، فلسفی و نظری به معلمین توانایی میبخشد تا در مورد استراتیژی های تعلیمی، تدریسی و طرق کمک با آموزش و انکشاف شاگردان، تصامیم معقول و آگاهانه را اتخاذ نمایند.
مصروفیت مسلکی تدریس باید منحیث یک روند مختلط و متحرک (دینامیک) بطور جامع درک گردد که در آن عناصرعملی و تصوری باهم بافت خورده باشد.
دانش، مهارتها و ممارست معلمین در اثناء وظیفه مسلکی آنها و ضمن وضعیت های متغییر، انکشاف می یابد. برای مشغول ساختن و رهنمایی شاگردان متفاوت در یک جهان سریعاً رو به تغییر و تکنالوژی رو به افزایش، معلمین با کفایت به رشد مسلکی متداوم و مستمر نیاز دارند.

معلمین منحیث فراگیرنده های مسلکی هیچگاه «تکمیل کننده» نیستند، این مهم نیست که تعلیم رسمی، آمادگی و تجارب آنها تا حد وسیع و ممتاز است. اگر معلمین بخواهند که مهارتها، قابلیت و اجرآت آنها بمرور زمان انکشاف یابند، آنها باید انعکاس دهنده، دانش مسلکی و مهارت ها و وسعت نظر در تدریس به شاگردان را، بطور فعال تقویت نمایند.

یک نظر انکشافی به تدریس، به سالهای اول وظیفه هر معلم، توجه خاص میدهد. معلمین جدید در مصروفیت مسلکی آنها به طرق متنوع، به پیش میروند، به میزان سرعت مختلف در ساحات مختلف تدریس انکشاف مینمایند. درست مثل شاگردان که در ساحات نصاب تعلیمی مختلف به میزان سرعت مختلف پیش میروند. کمک مؤثر، رهنمایی، ارزیابی و مطالعات پیشرفته در اثناء سال های اول وظیفه (بشمول آمادگی معلم) برای انکشاف و موفقیت معلمین جدید در مسلک، بسیار ضروری میباشد.

معلمین انفرادی در داخل و خلال شغل (وظیفه) در سطوح مختلف تجربه و مهارتها، در نقش های مختلف و شرایط مختلف، انکشاف مینمایند. معلمین در خلال شغل (وظیفه)، در سطوح مختلف قبل از آمادگی و تجارب مربیان، همکاران و نظارت کنندگان که آنها را برای انکشاف مصروفیت حمایت میکنند شاید معیار های مذکور را مفید خواهند یافت.

وضعیت تدریس در افغانستان

معلمین، مربیان مسلکی در افغانستان، به یک جمعیت خیلی متنوع شاگردان، خدمت مینمایند. این تنوع در بین شاگردان، تجارب تعلیمی را برای معلمین و شاگردان یکسان غنامند و نیرو مند میسازد. بناءً این برای معلمین که متوجه و علاقمند پس منظر های مختلف اجتماعی- فرهنگی، نژادی، قومی، زبانی و اقتصادی همه شاگردان اند، یک نیاز مبرم است که بدانند تفاوت ها در آموزش، توانایی ها، جنسیت (جندر)، ساختار خانواده و سایر جنبه های انسانی، بالای آموزش و تدریس چگونه تأثیر گذار است.

معیارهای افغانستان و توقعات قابلیت برای کمک با معلمین، ایجاد مجتمعات صنف و نصاب تعلیمی که در آن شاگردان با پس منظر های متنوع، طرز آموختن، توانمندی ها، علاقمندی ها، ضروریات و توانایی ها، منحیث شاگردان سفارش و رهنمایی میگردد. کاربرد اصطلاح «همه شاگردان» در سراسر موضوعات پیداگوژی پیشرفته، برای همه طیف شاگردان و ضرورت به معلمین در جهت تقویت مستمر درک و فهم شاگردان آنها، خانواده ها و مردم محل، انعکاس دهنده یک تعهد میباشد.

معیار ها همچنان به تنوع پس منظر های معلمین، دید، مهارتها، دانش و مصروفیت ها، ارج میگذارد. تدریس یک مسلک نیست که در آن یک روش در ممارست مسلکی برای همه معلمین در هر گونه شرایط، مؤثر باشد. هر چند معیار



های مذکور یک دید مشترک تفوق در تدریس را وضاحت بیان مینماید، معلمین مختلف معیار های بطرق مختلف به کار میبرند. با ارجگذاری به طرق مختلف که در آن معلمین امتیاز و تفوق مسلکی را در مصروفیت تعقیب مینمایند، مکاتب تعلیم همه شاگردان را غنا و ارتقا می بخشند.

نتیـــجه

در این بخش مواد، برای خواندن و فکر کردن میباشد. کتاب رهنمای تریننگ، موضوعات را برای بحث و تمرین ها را بمنظور تشویق حل مشکلات، فراهم مینماید. در فصل بعدی، قبل از فکر کردن در مورد پیداگوژی و طرز تدریس مشخص، ما در مورد اهمیت فلسفه راجع به تعلیم شما، رسیدگی خواهیم نمود. در فصل دوم، در مورد آن سؤالاتیکه به معلم مفهوم دارد، از شما پرسیده خواهد شد. بطور مثال، مقاصد اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، برای تعلیم و مکاتب کدام اند؟ جوابات زیادی به این سؤال وجود دارد. در افغانستان در مورد مکاتب و اهداف آنها درک مشترک چه وقت پیدا شد؟ شما خواهید دید که این یک سوال ساده با جواب ساده نیست. مردم با این گونه سؤالات قرن ها مبارزه نموده اند و در آینده نیز به یافتن جواب به آن، ادامه خواهند داد.



فصل دوم

مفهوم فلسفی
سوالات اساسی پیرامون تعلیم و تربیه
ما به چی عقیده هستیم؟

مقــدمه

در هر نسل، در عرصه سیاسی، کلتوری و حتی در هر خانواده به سوالات ابتدائی در مورد تعلیم و تربیه پاسخی ارائه گردیده است. بعضی اوقات این سوالات واضح و اشکار نبوده با آن هم برای شان پاسخ ارائه گردیده است. عقاید ما در مورد تعلیم و تربیه به نحوی از لحاظ تاریخ، عرف، اقتصاد، تکنالوژی، رسوم و عنعنات تغیرشکل یافته است، مگر در بعضی جوامع تغییر شکل، تهدید آمیز و پر مقاومت به نظر می رسد. عادات مروج انسانی از نسلی به نسلی دیگری در اتصال بوده مگر اینکه با حوادث غیر مترقبه مانند: مصیبت، جنگ و یا (در دورۀ زنده گی ما) تأثیرات اساسی اختراعات، تکنالوژی و دانش جدید از هم منقطع گردد.

زمانیکه ما با این نوع سوالات بزرگ روبرو می شویم، پاسخ ما همواره براساس باورهای محبوب و قابل پذیرش و یا مقاومت ما در مقابل تغییر خواهد بود چگونه میتوان در مورد سوالات افغانستان روش و پاسخی دریافت شود؟ پاسخ شما چه می باشد و شما آنرا چطور با همکاران و یا دوستان خود مقایسه می نمایید؟ نظریات خود را توضیح نمایید.

۱. مقاصد تعلیم و تربیه
۲. آیا آموزش مکتبی متفاوت از آموزش غیر مکتبی است؟
۳. آیا تعلیم و تربیه باید یکی از مسئولیت های خانواده، محل، حکومت یا از هر سه شان باشد؟
۴. کی باید تعلیم و تربیه را کسب نماید؟
۵. چی چیز باید تدریس شود؟ (محتویات نصاب، مهارت ها، سلوک ها، رویه و روش، دانش).
۶. چی کسی باید نصاب را تعین نماید؟
۷. برای چی کسی باید اجازه داده شود تا جوانان یک اجتماع را تدریس نمایند؟
۸. یک دانش آموز چگونه باید باشد؟... خوب، بد، غیر فعال، فعال.
۹. به یک شاگرد چگونه تدریس گردد؟
۱۰. وضعیت و چگونگی دانش و حقیقت چیست؟... ثابت است، تغییر ناپذیر است، متغییر است، در حالت رشد است، پایدار است.

در این فصل ما به طور مختصر درباره هر یک از سوالات فوق به بحث پرداخته ایم و همچنان به ارائه مفهوم جوابات ضمنی بعضی از سوالات وبه دریافت نظریات ضد و نقیض درباره ادوار کهن و جدید می پردازیم.

مقاصد تعلیم و تربیه

بعضی معتقد اند که تعلیم و تربیه برای شهری شدن است که شهروند نمونه و یک شخص پسندیده بار آید. بدین لحاظ، تعلیم و تربیه وسیلۀ برای تربیه شاگردان به حیث شهروندان با مسؤلیت می باشد. تعلیم و تربیه برای هم شهری

در برگیرنده نظری است که مکاتب در یک جامعه بزرگ برای تربیه شاگردان که بتوانند نقش خویش را در زنده گی، فامیل و حلقات اجتماعی و اقتصادی افغان ایفاء نمایند خدمت می نماید. این هدف تشخیص کننده این است که یک شهروند باتحصیل جز لاینفک برای بناو حفظ اقتصاد، سیستم سیاسی و اجتماعی افغانستان می باشد.

بعضی معتقد اند که تعلیم وتربیه دست آورد های ذهنی است. به اساس این نظریه مکاتب باید بالای فعالیت های ذهنی، تمرینات ذهنی و برنامه های که در انکشاف سطح ذهنی شاگردان کمک نموده تمرکز نمایند. این باور به اساس فرضیه ای است که مغز به مثل عضله ای است که بواسطه تمرینات ذهنی انکشاف نموده و مکاتب باید در این مورد برای شاگردان از وسائل مختلف برای انکشاف ذهنی شان استفاده نمایند.

بعضی معتقد اند که تعلیم و تربیه و سیله ای برای اهداف اقتصادی بوده، تا بتواند یک شخص را قادر به دریافت وظیفه و زنده گی خوب نماید. آماده سازی شاگردان برای دریافت وظیفه در بازار، در برگیرنده تعلیمات حرفه ای می باشد. بدین باور که مکاتب باید شاگردان را تربیه نمایند تا بتوانند بحیث قوای کار عمل نموده و کارکنان مثمری باشند. این نظر هدف تعلیم و تربیه را طوری تشخیص می سازد که جنبه عملی هدف مکتب به نحوی برآورده گردد. در یک سیتم تعلیمی که کوشش می نماید تا همه شهروندان اش را با نور دانش مزین سازد، بنابر آن برخی از فارغین مکاتب به پوهنتون ها می روند. گرچه افراد با دانش و با تجربه در تمام عرصه های یک اجتماع ضروری پنداشته می شود. حتی کارگران که با دست های شان کار می کنند و خانم های که اداره کننده گان خانه های شان اند باید با زیور دانش و توانائی ارائه دلائل منطقی اراسته گردند.

تعلیم و تربیه برای انکشاف فردی

بعضی معتقد اند که تعلیم وتربیه وسیله ای است برای آماده سازی یک فرد که گویا مستدلل باشد و مفکورهٔ داشته باشد که خوب نتیجه گیری کرده بتواند، آنها معتقد اند که اهداف تعلیم و تربیه به وسعت افق فکری شاگردان و انکشاف قوه آموزش شان کمک می نماید. تعلیم و تربیه انکشاف بخشنده ای استعداد هر انسان می باشد. هر شخص منحصر به فرد بوده و تعلیم و تربیه در بالابردن خردمندی فردی، حسی و فزیکی کمک می نماید. تعلیم و تربیه به حیث چرخی در انکشاف و موفقیت در عرصه زنده گی فرد مشاهده گردیده است.

انکشاف شخصیت: اخلاق مذهبی و صفات ممتاز در رابطه به علم اخلاق

این نظریه در برگیرنده باورهایی است که بیانگر اهداف بنیادی مکاتب، موضوعات در رابطه به مسائل صحیح و غلط، نگرانی های اخلاقی و دانش مذهبی می باشد.

هر یکی از این اهداف، مفاهیمی برای تصامیم در مورد محتوای تعلیم و تربیه و چگونگی تدریس آن می باشد. زمانیکه مردم از این اهداف موافقت شان را ابراز نمی دارند، این منجر به جوانه زدن برخی از مناقشات در مورد تنظیم مکاتب برای آموزش و پرورش میگردد.

یک جامعه در مورد تعلیم و تربیه اهداف متعددی دارد. این اهداف مختلف با هم مخلوط و ترکیب یافته، و نیاز به مناقشه با یکدیگر دارند. بعضی می خواهند تا همه آنها در یک مساوات قرار داشته باشند. گرچه، زمانیکه از یک شخص پرسیده میشود که کدام یکی از آنها حایز بیشترین اهمیت است، آن شخص با استفاده از ماخذی جوابش را ارائه می نماید.

نقل قول: هدف تعلیم و تربیه باید برای تدریس باشد نسبت به این که چگونه فکر کنیم، یا بالای چه فکر کنیم.
نسبت به این که اذهان خود را انکشاف دهیم، تا ما را در مورد خودمان قادر به تفکر سازد، نه اینکه حافظه خویش را با افکار دیگران پر نمایم.

تعلیم و تربیه تنها آمادگی برای زنده گی نیست بلکه در حقیقت خودش زنده گی است. (جان دیوی).

۱. آیا آموزش مکتبی متفاوت از آموزش غیر مکتبی است؟

آیا مکاتب برای تعلیم و تربیه ضروری اند؟ آیا کسب دانش با تعلیم و تربیه یکسان است، و یا تعلیم و تربیه با کسب دانش یکسان است؟ بعضی خواهند گفت که اهداف مکاتب عرضه تعلیم و تربیه برای همه مردم–اطفال، جوانان و بزرگ سالان می باشد. این بدین معنی است که ما نخست به پاسخ سوال «تعلیم و تربیه چیست؟» برعلاوه بر سوال مهمتر دیگری «هدف تعلیم و تربیه چیست؟» می پردازیم.

سالها قبل، پیش از اینکه مکاتب اعمار گردد، مردم برای بقاء زنده گی و ارتباطات خویش به آموختن دانش و مهارت ها پرداخته، این آموزش ها از انتقال دانش از نسلی به نسلی دیگری انجام یافته است. پدران به پسران شان آموخت. مادران به دختران شان آموخت و بالآخره بزرگان به جوانان. این ارزش ها و دانش همه از طریق قصه ها و عرف انتقال یافته اند. آموزش همه محدود به مهارت های ضروری که نیاز به هدف فوری در زنده گی داشت، بود. بعضی اوقات اینطور به نظر می رسد که یک شخص به مکتب می رود بدون اینکه از تعلیم و تربیه بهره مند گردد. هر یکی ما با یک شخص بی سواد آشنائی داریم، و ممکن است حتی شخص بی سوادی که خرد، شعور همگانی، و توانائی منطقی را بدون رفتن به مکتب دریافت نموده باشد. امکان دارد آنرا از فامیل، بزرگان، جامعه و یا درک و تجارب شخصی خویش حاصل نموده باشد.

آهسته آهسته بحیث مراکز کوچک بنای مکاتب نهاده شد. برای اینکه از آن اطفال اشخاص با رسوخ و سرمایه مستفید گردند و اساسات نوشتن، خوانش، محاسبه و بحث در مورد (تربیه شخصیت) از طرف استادان ارائه می گردد. معاش استادان توسط فامیل ها پرداخته می شد و حکومت در این مورد کدام دخالت نداشت. برای اینکه به ارائه مختصر این قصه دراز و مغلق بپردازیم، ظهور مکاتب برای بخشی بزرگی از اجتماع زمانی امکان پذیر شد و اتفاق افتاد که تعداد کثیری ازمردم این هدف را انکشاف دادند. به طور مثال: رهبران مذهبی برای تربیه استادان که بتوانند در راستاء تعلیمات دینی تعلیمات کسب نموده تا بتوانند بعداً اطفال و بزرگ سالان را که از سواد بی بهره مانده اند با تعلیمات ابتدائی اسلامی مزین سازند. رهبران سیاسی، حکماء، پادشاهان و غیره اهمیت تعلیم و تربیه را در راستای تربیه مامورین اداری و کارهای اداره دریافتند. از همه مهمتر، آنها ارزش تعلیم را در اداره حکومت برای کنترول گروه ها، ایجاد حس وفاداری و برخورد با مردم و سلوک، دریافته و می توان مکاتب را برای مقاصد سیاسی استفاده نمود. تاریخ مواردی زیادی را به همین گونه شاهد بوده است، حتی در جهان امروزی که ما هم می توانیم در مورد آن تفکر نماییم، طوری که نصاب مکاتب به نحوی طرح گردیده که تمامی ارزشهای ملی و سیاسی در نظر گرفته شده است. اکثراً در بعضی مواقع منجر به تعصبات در تاریخ و اجتماع می گردد، گاهی این مهارت ها و تعلیمات برای مقاصد خاص سانسور می گردد.

امروز، جوامع در سراسر جهان از طریق حکومات شان تعلیم و تربیه را برای همه اطفال و جوانان اعلان نموده اند. این یک حقیقت است که افغانستان هم شاهد آن است، و در قانون اساسی افغانستان هم تذکر یافته است.

بعضی از کشورها تعلیم و تربیه همگانی را از طریق کمک مالی مردم تهیه نموده اند. بعضی از جوامع برعلاوه سیستم تعلیمی دولتی به تعلیمات خصوصی هم پرداخته اند که تحت نظارت حکومات شان می باشد. مشکل این است که هر جامعه بالای اهداف تعلیم و تربیه فکر نموده، در محتوای نصاب ملی و کتب درسی قبول شده، در تربیه معلمین، و مداخله ثبت جوامع محلی و فامیل ها در قبول کردن مسؤلیت در مکاتب برای دریافت نتایج مثبت آموزشی شاگردان همواره فکر می کند.

۲. آیا تعلیم و تربیه یکی از مسئولیت های خانواده، مردم محل و حکومت است یا از هر سه شان ؟

ارائه پاسخ برای این سوال در عصر امروزی اسان به نظر می رسد، مگر تنش ها در هر جامعه درباره تفاوت ها درمورد باور های اساسی که چی را باید تدریس کرد و تدریس با کدام اهداف باشد، جریان دارد. اکثراً فامیل ها از طرف حکومت در نا خبری و نا آگاهی در مورد اینکه چی تدریس خواهد شد و استادان شان کی ها خواهد بود قرار می گیرند. در بعضی از کشورها، حرکتی برای (کسب تعلیمات خانگی) به طور سرسام آوری در حال ازدیاد می باشد، زمانیکه فامیل ها و گروه ها تصمیم گرفتند که مکاتب تحت اداره حکومت مواد و مسائل را تدریس می نمایند که در مغایرت با باور ها و عقاید فامیل ها قرار دارند. اکثراً در بعضی مناطق تفاوت ها منطقوی منجر به مخالفت ها میان جوامع و پالیسی های حکومت میگردد. مانند؛ فرق میان روستاء ها و شهرها، فرق میان اقلیت های مذهبی و مردمان که نصاب تعلیمی را کنترول میکنند. ما این تنش های قابل درک را در افغانستان مشاهده کرده می توانیم. حکومت در بعضی از مواقع میتواند رول والدین به خود گیرند و در بررسی اینکه شاگردان چطور و چی را باید بیآموزند همکاری نمایند. از طرف دیگر والدین هم باید به این باور باشند که اطفال شان متعلق به خودی شان است نه متعلق به حکومت، و مسؤلیت فامیل ها نسبت به حکومت. در قبال اطفال شان در اولویت قرار دارد فامیل های که در جوامع شان گروپ ها را تشکیل داده اند هم متعقد اند که تعلیم و تربیه اطفال یک موضوع محلی است نه ملی.

با در نظرداشت احساسات قوی والدین حکومات را از حرکت به سوی تصمیم گیری از سطح محلی تا سطح ملی نتوانست جلوگیری نماید. رنجش های ناشی از تغیرات در مورد کنترول منجر به تنش ها و مقاومت در کشورهای جهان می گردد. افغانستان را هم نمی توان استثناء قرار داد. تنش ها وقتی اشکار میگردد که مردم در مقابل بعضی از پالیسی های ملی و پروگرامهای که برای معلمین و شاگردان براه انداخته می شود مقاومت می ورزند. هیچ نوع پاسخ ساده ای برای سوال که در این موضوع طرح شده ارائه نمائیم. مثل اینکه هیچ نوع پاسخ های ساده ای برای سوالات که در این فصل بالای آن بحث شده ارائه نمائیم. بیایید به سوال شماره ۴ مراجعه نماییم وببینیم اگر بحث در مورد سهل تر باشد.

۳. کی باید تعلیم و تربیه را کسب نماید؟

طبیعتاً، همه ما می خواهیم بگوییم «برای همه، اطفال و جوانان، شهروندان حق دارند تا تعلیم بیاموزند.» پس ما باید در این مورد بحث نماییم که هدف ما دراین مورد و تطبیق عملی پاسخ ساده چیست. به طور مثال: آیا ما تعلیم و تربیه را صرف برای بهترین ها طرح نماییم و بگذاریم تا شاگردان با استعداد ضعیف عقب مانده و از تعلیم بی بهره بمانند؟ آیا اطفال با ناتوانایی ها و اطفال اقلیت ها به باد فراموشی گذاشته شوند؟ آیا برای شاگردان طبقه اناث اجازه ورود و توجه کمتر معطوف شود و به حیث شاگردان مهم و توانا نگریسته نشوند؟

درس های یونانی

دو هزار سال قبل فیلسوف یونانی «افلاطون» بحثی داشت که بشر را می توان مانند فلزات به سه دسته تقسیم کرد: طلا، نقره، و آهن یا برنج. وی وجود انسانی به نحوی برای توضیح نظریه اش در رابطه به اجتماع طوری که یک واحد به واسطه سه نوع فردی که به شکل کلی با هم وصل هستند تقسیم کرد. سر انسان (طلا) قسمت بالایی جسم بود؛ سینه انسان (نقره) وسیله فراهم کننده جرأت برای جسم بود؛ مگر بزرگترین قسمت وجود تنه بود، پائین کمر (اعضای آهن یا برنج –صنوف پائین اجتماع). حال انکه، ماهیت اساسی طفل به شکل عمومی بیان گر میراث جینیتکی است، این ممکن بود که شما طفلی رابا ماهیت طلایی در یک صنف پائین از فامیل دریابید و برعکس آن هم امکان پذیر



است. طبیعت یک فرد در اوائل طفولیت به واسطه بعضی امتحانات فزیکی و ذهنی برای مشخص سازی توانائی و خلاقیت شان مشخص می گردد. صرف باهوش ترین و قویترین، بعد از امتحانات ابتدائی وتعلیمات مقدماتی، می توان تعلیمات ذهنی و فزیکی را فرا بگیرند. تحت پلان افلاطون، این اطفال بعداً تنظیم و طبقه بندی گردیده تا زمانیکه بیشترین آنها غربال گردیده به طرف تعلیمات حرفوی یا به کتگوری دوم که گروپ عساکر یا محافظین با جرأت است سوق می شوند. عالیترین، با هوش ترین، قویترین و با استعداد ترین شدیدترین مراحل تعلیم و تربیه را ادامه خواهند داد تا زمانیکه یک گروپ خوردی از مردها به عالیترین درجات آموزش با درک همگانی از دانش و حقیقت برسد. اینها شاید پادشاهان فیلسوف خواهند بود تا بتوانند با خرد و حقیقت شان بالای گروه ها حکومت نمایند. آن شهروندان که خود را به ارزش نقره ثابت ساختند شاید صنف از تعلیم یافته گانی باشند که دارای مهارتهای ذهنی و فزیکی بیشتری بودند، مگر زیرک، قوی و با اعتماد هم بودند. اینها شاید صنف اولیا یا نگهبان جامعه باشد، عساکرقوی با قلب های شجاع برای جامعه. آنهای که طبیعت شان کمتر مشابهت به فلزات دارد، مثل آهن یا برنج، کسانیکه گروهای ازجامعه را ساختند، مانند کارگران، بامهارت و بی مهارت، کسانیکه کارهای روزمره جامعه را انجام می دهند. هر صنف از اهمیت برخوردار بوده باید رفتار منصفانه با ایشان صورت گیرد. افلاطون جامعه را بحیث جسم مشاهده نموده است. پادشاهان فیلسوف (طلا) سر را تشکیل داده بودند، محافظین و نگهبانان (نقره) قلب وسینه را تشکیل داده بودند، وقسمت وسط بدن، که متشکل از بطن و پاها و قسمت پائین وجود بودند (آهن یا برنج) طبقه پائین جامعه را تشکیل می داد.

قضاوت وقتی در یک جامعه صورت می گرفت که هر یکی به ذوق دلش کارش را انجام می داد و با هر بخشی از جامعه به شکل مناسب برخورد صورت می گرفت. به گفته افلاطون، زمانیکه یک انگشت ما زخم می بردارد، تمام وجود ما درد اش را احساس می نماید. به همین شکل، اگر یک قسمت از جامعه زخم می بردارد، طبیعاً تماماً جامعه از آن متأثر می گردد. به همین لحاظ، به نظر افلاطون، هر یکی از اعضای جامعه باید در کارش همیشه وقت خوش داشته و با صلح و امنیت در جامعه شان زنده گی نمایند.

برای افلاطون، گرچه خانم ها با مرد ها از لحاظ ذهنی مساوی، ولی از لحاظ فزیکی در درجه دوم قرار دارند. او توقع نداشت که آنها از لحاظ تعلیمی موفق گردیده و به درجات بلند علمی مانند مدارج فیلسوف برسند، لیکن برای آنها باید فرصت های داده شود تا در ایام طفولیت توانائی های فطری خویش را نشان بدهند. ثانیاً، او حوصله یا علاقه برای شاگردان با ناتوانی های جسمی نداشت. از دیدگاه او چه کسی باید تعلیم را دریافت کنند واضح است که اشخاص با استعداد های روشن و عالی. این نظریه تا مدت ها در جوامع مختلف جهان قابل تطبیق بود. ما در باره نظریات افلاطون در این فصل دوباره برمی گردیم.

۱. چی چیز باید تدریس شود؟ (محتویات نصاب، مهارت ها، سلوک ها، رویه و روش، دانش)

این یک موضوع بسیار واضح درتعلیم و تربیه است. آیا باید نصاب موضوعات سنتی را تحت پوشش قرار بدهد؟ آیا در نصاب صرف مهارت های ابتدائی نوشتن، خواندن، ریاضیات و مسائل اسلامی مورد تمرکز صورت بگیرد؟ چی اهمیت برای مضامین ساینسی داده میشود و برای کدام نوع ساینس؟ نظریه چیست؟ در مورد معرفی مضامین جدید از قبیل تکنالوژی، اقتصاد، صحت و تغذیه، مطالعات صلح و غیره. آیا این ساعات درسی تعلیم و تربیه را ضعیف می سازد؟ چگونه والدین و شهروندان در مورد تغیرات در نصاب عقاید متفاوت از خود نشان داده اند؟

افلاطون یکی از شاگردان سقراط، باور سنتی را در مورد ماهیت دانش تقویت بخشید، این موضوع از فرهنگ های جهان شرقی و غربی اقتباس شده است، این دانش بواسطه مغز ابدی ما یعنی استعداد فطری که از طرف خداوند(ج)



است داده شده خدای لایزال خارج از تجربه بشر است کسب گردیده است. دانش حقیقی که به شکل جاویدانی آن موجود است آنرا برای بشر صرف از طریق دماغ، از طریق تفکر و تعمق و محاسبه می توان برملا ساخت، نه از طریق آزمایش، تجربه ویا حواس ما. ماهیت دانش وابسته به علم ماوراء طبیعی است، یا فراتر از تجارب فزیکی می باشد. افلاطون به این عقیده بود که روح بشر در جهان ابدی ویا در جهان غیر فزیکی قرار داشته که در آن حالت تمامی دانش آن برملا می گردد. روح که در جسم فزیکی ما وجود دارد، باید کوشش های ذهنی خود را برای به یاد آوردن چیز های که قبل از تولد موجود بود، ادامه دهد.

برای دوباره جمع آوری دانش و برای شناخت حقیقت، این کاملاً کوششهای ذهنی است که برای مقاصد تعلیمی مورد استفاده قرار می گیرد. این بود نقش کسب دانش– برای بیرون کشیدن معلومات از شاگردان چیزی که آنها از قبل در قسمتی از ذهن خود می دانستند. تجربه که به استفاده از حواس لمس کردن، شنیدن، دیدن، تمرین کردن، مقایسه کردن صورت می گیرد کمترین اشکال آموزش را تشکیل می داد. شاگردان ضرورت داشتند تا به جدیت مورد کنترول و تشویق قرار گرفته و بالای آموزش از طریق: فکرکردن، به یاد آوردن و تعمق کردن تمرکز نمایند.

یقیناً، این تعریف یک شکل ساده ای از تشریحات نظریه افلاطون می باشد. بعضی مردم در دوران زنده گی بر مطالعات و تفاسیر شان در مورد مفهوم دانش، ماهیت حقیقت، پروسه آموزش و رابطه فلسفه او با سیستم های جامعه انجام میدهند و آنرا ادامه میدهند. این تشریحات مختصر واضح میسازد تا برای استادان زمینه درک را در رابطه به طرق تمرین عملی در سراسر جهان که متأثر از باور های افلاطون می باشد که آموزش کاملاً یک عمل ذهنی میداند باشد مهیأ میسازد.

در عین حال، ارسطو، شاگرد افلاطون و بعداً استاد اسکندر مقدونی، یک نظریه متفاوت را در مورد دانش و روشهای مختلف چگونگی آموزش انکشاف داد.

ارسطو در عرصه فلسفه یونان قدیم، یک شخصیت بلند بود که در راستای منطق، میتافزیک، ریاضیات، فزیک، بیولوژی، نبات شناسی، عقاید، سیاست، زراعت، طب، و تیاتر سهم بارزی داشته است. او اول شاگرد افلاطون بود که بعداً شاگرد سقراط گردید. او نظر به سقراط و افلاطون دارای مفکوره عمل بود که بر مشاهده و تجربه استوار بود، و همچنان برای رد نظریه افلاطون در مورد ماهیت دانش از شهرت خاصی برخوردار است.

ارسطو در زمان حیات افلاطون در بعضی از موارد از او پیشی گرفته بود. قسمی که افلاطون هم درمواردی از آن ذکر کرده است. ولی شواهد نشان می دهد که ارسطو هیچگاهی احترامش را در قبال افلاطون از دست نداده است. و این حقیقت در نوشته های دیگرش هم ذکر گردیده است. از نام افلاطون صرف برای رد عقیده اش و اینکه میتود اش را یک میتود مخرب برای ساینس بیان نماید ذکر کرده بود.

تأکید ارسطو در مورد ارائه دلایل خوب ترکیب یافته از میتود ها و باور های ساینسی او می باشد که سابقه بیشترین کارهای وی را تشکیل می دهد. گرچه نظریات وی دربعضی از مواقع مشابه به افلاطون بود، روش وی در قبال دانش بسیار جنبه رهبری کننده و عملی کننده داشت. افلاطون از میتود های قیاسی استفاده می کرد (آغاز آن با نظریات بزرگ یا نتیجه و راه اش را با دلایل عقلی ردیابی می کرد.)
ارسطو از میتودی که ما آنرا بنام میتود استنتاجی می دانیم برای اکتشاف و شناسائی مواد استفاده می کرد. او اجسام، نباتات، حیوانات، را از طریق آزمایشات، تجربه و مقایسه حقیقی طبقه بندی نمود. او باور داشت که از طریق حواس،

لمس کردن، بینائی، شنوائی، چشائی، آزمایش و مقایسه مثال های انفرادی اجسام، می توان درک خوبی را درباره همه ایشان انکشاف داد. این ارسطو بود که چارچوب منظم و با دسپلین را در باره نبات شناسی، بیولوژی و بسیاری از مضامین ساینسی برقرار ساخت.

در دراز مدت، افلاطون برنده ای بحث را آموزش غیر فعال نسبت به آموزش فعال دانست؛ حفظ نمودن نسبت به تجربه نمودن؛ حل های که به حفظ کردن استوار باشد نسبت به حل مشکلات ترجیح میداد. نوشته های ارسطو در جامعه عرب شناخته شده وحصه ازبنیاد بسیاری از علماء و فیلسوف ها گردید، مگرنتوانست معیار برای تعلیم و تربیه گردد. درنسل های فعلی، نظریه ها در مورد آموزش از طریق تجربه و همچنان از طریق تفکر و بیان دلایل جزی پروسه تعلیم و تربیه، نصاب و تدریس معلم گردید. بالآخره بالای سوال بسیار مهم و بحث انگیز برمی گردیم.

۲. چی کسی باید نصاب را تعین نماید؟

بدون مباحثه طویل نمی توان پاسخ ساده ای برای این سوال ارائه کرد. آیا مربیان، استادان و متخصصین موضوع می توانند تصمیم گیرند که کدام موضوعات باید جز نصاب گردد؟ آیا وزراء حکومت وچهره های سیاسی می توانند در مورد تصمیم گیرند؟ آیا بزرگان مذهبی می توانند تصمیم گیرنده گان باشند؟ آیا والدین می توانند نقش اساسی را در تصمیم گیری برای اینکه اطفال وجوانان چی را باید بیآموزند داشته باشند؟ چی نقش را شاید و باید شاگردان در تصمیم گیری اینکه چی را باید بیآموزند ایفاء نمایند؟

اگر شما تشریک مساعی مشترک را از اینها می خواهید، پس کدام راهبردهای را شما می توانید پیشنهاد نمائید تا ما را به یک موافقت عمومی برساند؟ قدرت یک ملت متکی به این است که بر اطفال شان کدام موضوعات تدریس می شوند و چگونه تدریس شود. در باره تاریخ معارف افغانستان و چگونگی معرفی نظریات جدیدی از طرف حکومت که منجربه تغیر دراجتماع گردید، فکر نمائید. همچنان درباره چگونگی نظریات که سبب اذیت بعضی از گروه ها گردیده و حتی فروپاشی حکومات گردیده فکر نمائید.

۳. برای چی کسی باید اجازه داده شود تا جوانان یک اجتماع را تدریس نماید؟

کی ها باید معلمین باشند؟ این سوال مهم از نسل ها باعث علاقمندی مردم گردیده بود. آیا معلمین باید والدین یا دوستان و اقارب باشند؟ آیا معلمین باید بزرگان مذهبی باشند؟ آیا معلمین اشخاص هستند که در رشته های مختلف تربیت یافته و از طرف اراکین حکومت برای تدریس برگزیده شده اند؟ آیا عمدتاً آنها اشخاصی باشند با دانش عمیق یا آنها افرادی باشند با شخصیت عالی؛ پیر یا جوان، مرد یا زن، مجرد یا متاهل؟ کی باید معیار ها را تنظیم نماید؟ کی باید عملیه انتخاب را پیش ببرد؟

در بعضی از جوامع معلمین از ارزش و اعتبار عالی برخوردار هستند. در بعضی از جوامع آنها بی احترام و تحقیر می گردند. شما درباره درجه احترام برای معلمین در افغانستان چی ابراز می دارید؟ در بعضی از جوامع معلمین که برای صنوف پائین تدریس میدارند از احترام کمتری برخوردار هستند، مگر معلمین یا استادان که در سطوح بلند یا دانشگاه تدریس می دارند ازاحترام عالیتری برخوردار هستند. عکس این موضوع این است که معلمین صنوف پائین بیشترین اثر را در آموزش یک طفل داشته و عامل بالقوه برای آموزش آینده می باشند.

برای قرن ها در جهان، تدریس نه به حیث یک مسلک و نه جلب توجه شاگردان عالی و بهتر قرار می گرفت. به قول معروف: (کسانیکه استعداد کار را دارند، آنها کار کند و کسانیکه کار کرده نمیتوانند، تدریس کنند) در هرفرهنگ قصه های شوخی آمیز وتمسخر آمیزی در رابطه به معلمین وجود دارد تا بتوانند آنها را ابله و احمق جلوه بدهند. در دو قرن

اخیر، زمانیکه از اهمیت تعلیم همه اگاه شدند، و دانستند که تعلیم برای همه اقشار جامعه به حقیقت مبدل گردیده است، ارزش شیوه تدریس مغلق تر و مشخص تر گردید. و نظریه که هر کسی با دانش اندکی می تواند تدریس نماید به مرور زمان آهسته از بین رفت. ما در آغاز مشاهده تفاوت های میابیم زمانیکه یک شخص با هوش و دانشمند برای تدریس تربیه می گردد، و مسؤل آموزش صنوف می باشد.

ما شاهد انجام این تحول از یک دهه بدین سو در افغانستان هستیم. سوال باقی می ماند، هرچند، که کی باید معلم گردد. و کی باید اطفال ما را تدریس نماید؟

ما درباره تربیه معلمین با استفاده از میتود ها یا پیداگوژی بحث می نمائیم. در عین حال، کنایه موضوع این است که این کلمه مشتق شده از کلمه یونانی است که به حیث پیداگوگوس Pedagogues ترجمه گردیده است. و معنی آن (رهنمائی طفل) است. پیداگوگ یک غلام یونانی بود که با یک طفل بحیث رهنما به طرف منزل که توسط یک معلم رهنمائی میشد، می رفت. این پیداگوگ مؤظف بود تا به شکل یک محافظ باید ازپسر محافظت نموده و نگذارد تا با کدام خطری یا مشکلی مواجه گردد. در یونان قدیم، یک پیداگوگ اکثراً یک غلامی است که رهنمایی و نظارت پسر آقایش را میکند. اشکار است که به دختران تدریس نمیشد این در برگیرنده انتقال وی به مکتب و یا محل ورزشی و مؤاظبت وی می باشد.

بعضی اوقات این پیداگوگ از کشورهای دیگر گرفتار می گردید و خودش باسواد می بود. در آن مواقع می توانست پسر را در آموزش معاونت نماید. بنابراین، این لغت آهسته آهسته از مفهوم غلامی به مفهوم یک معلم خسته کن تغیر نمود. تغیر جدیدی در این اواخر به وقوع پیوست این است که استفاده از کلمه پیداگوژی به معنی میتود های تدریس است. می بینیم که چگونه لغات و معنی آن تغیر می نماید.

٤. یک دانش آموز چگونه باید باشد؟... خوب، بد، غیر فعال، فعال

پاسخ ها در مورد این سوال در عنعنات عمیق یک جامعه نهفته است. دین اغلباً عالیترین منبع عقاید مارا در باره ماهیت یک طفل بیان می دارد. برای قرن ها بزرگان باور داشتند که اطفال ماهیت ابتدائی را برای هدایت شان به بد رفتاری از ابتدای تولد در خود دارند. این قرن ها را در بر خواهد گرفت تا بدی را از وجود اطفال دور نمایند و یا حداقل کوشش نمایند. بعضی از جوامع به این عقیده بودند که اطفال با بزرگان اصلاً تفاوتی ندارند، صرف کوچک هستند. بدین لحاظ، اطفال هم شکل بزرگان لباس می پوشند و از ایشان توقع برده می شود تا مثل بزرگان رویه نمایند. اگر آنها این خواست را برآورده نتواستند، به وسیله چوب ویا انواع مختلف تنبیه ها که در عصر امروزی توهین طفل نامیده می شود، درس داده می شد.

این اداب در عصر امروزی در اکثر نقاط جهان و حتی در بیشترین جوامع تعلیم و تربیه، جایکه اطفال نمی تواند توقعات بزرگان را برآورده سازند، افغانستان را نمی توان از آن مستثنی قرارداد، مورد استفاده است.

با گذشت قرن ها، آوازهای به طرفداری اطفال بلند شد، مگر در دو قرن اخیر تحریک های بمیان آمد، مگر در بعضی از مواقع این نوسانات به جای دیگری سوق داده می شد. به طور مثال، درقرن هجدهم (جنتری غربی) یک نویسنده فرانسوی بنام، ژان ژاک روسو، داستانی را درباره پسری بنام امیل (یک پسر افسانوی)، کسیکه به مثل یک نجیب زاده ای وحشی بدون کدام هدایت و رهنمائی بزرگ شد، و برایش اجازه داد تا هر کاری که دلش می خواست انجام دهد. در جمله آغازین کتاب روسیو نوشته بود: «همه چیز خوب است تا زمانیکه دست خلق کننده اشیاه (خداوند) بالای شان باشد؛ همه چیزبا دخالت بشر منحط می گردد.» او عقیده داشت که طفل با خوبی های طبیعی به دنیا آمده ولی مراقبت

نادرست و مکاتب نامساعد خواب های طفل را از بین می برد. همه اطفال فطرتاً خوب می باشند، نه خراب و نه زشت قیافه–همه این خوبی ها از طرف خداوند است. اگر گذاشته شود که به خواست طبیعت نمو نماید، او یک شخصی آزاد و با روحیه عالی به بار خواهد آمد. خوانش برای او تدریس نشده بود، صرف آموخته بود. زمانیکه او بلاخره علاقمندی اش را در سن ۱۲سالگی نشان داد. یک طفل می تواند مستقیماً درباره ای طبیعت از اثر زنده گی در دهات با حیوانات و نباتات بیآموزد؛ او می تواند درباره ساینس از طریق سوالات و تجاربی که در ذهنش به طور طبیعی خطور می کند بیآموزد. این کتاب از شهرت خاصی برخوردار بوده و به طور وسیع مطالعه گردیده است. این کتاب عاری از روش غیر آموزشی بود؛ و این در اذهان اشخاصیکه آزار و اذیت اطفال را به طور گسترده ای بد می دیدند چنگ زد. گرچه این کتاب برای مدت طولانی در فرانسه و اروپا ممنوع قرار داده شد، با آن هم این نظریات بعداً جزی از برنامه ملی تعلیم و تربیه فرانسه گردید.

بعضی از نوشته های است که چگونگی انکشاف طفل را بشکل خاص از طفولیت تا ایام بلوغ بیان نموده است. این کتاب مارا به مبدا چیزیکه منجر به تحرک طبیعی طفل تمام می شود و در نتیجه ما را به مفهوم مکتب شاگرد محوری رهنمائی می نماید.

در مکتب شاگرد محوری شیوه یعنی میتود های تدریس را در بعضی از کشورهای جهان تغیر داده شد و معلمین را در عرصه جلب علاقمندی اطفال، سوالات شان، و اشتراک شان در آموزش ازطریق پروژه های تعاونی با همتایان که نیاز به پلان سازی و حل مشکلات دارند تشویق وترغیب نمایند، بسیاری از معلمین فلسفه و اساسات را درعقب این پیداگوژی درک ننموده، و فکر کرده اند که معنی آن صرف به شاگرد اجازه دادن است تا هر چه بخواهد و علاقمندی دارد بکند، و نصاب را از نظر انداخته اند.

این پیداگوژی جدید توان را بر ناکامی درشعار (کودک محوری) تشخیص نموده، ولی یک تعادل را میان نصاب درخواست شده از طرف جامعه و کنجکاوی و علاقمندی های طبیعی شاگردان را پیشنهاد می دارد.

در افغانستان، بسیاری از مکاتب و بعضی از معلمین تا هنوز مقید بر باور شان اینکه اگر اطفال ذاتاً بد نیستند، آنها آنقدر خوب هم نیستند که نیاز به رهنمائی های قوی نداشته باشند. این بعضی اوقات، مکرراً، از طریق تنبیه های بسیار شدید برای اطفال در صنوف نمایش داده می شود. این پیداگوژی جدید از معلمین می خواهد تا به میل خوب طفل شان، و به آرزوی شان که می خواهند یک شاگرد وشخص مؤفق، و به نیاز شان که باید از طرف معلمین و هم صنفیان شان احترام گردند، باور داشته باشند. این پیداگوژی مکتب دوستدار طفل می باشد.

۵. چگونه به یک شاگرد تدریس گردد؟

این سوال طبیعتاً درباره ماهیت یک طفل مباحثات قبلی را به دنبال دارد. و هیچ پاسخ دقیقی وجود ندارد. باورها و فلسفه تعلیمی میتواند برپاسخ های مبنی بر اینکه مردم چگونه می آموزند نفوذی داشته باشد.

فکتورهای که می تواند چگونگی تدریس یک شاگرد را شکل دهد چیست؟ محیط صنف و موقعیت، اندازه صنف، سنین و تفاوت ها در شاگردان، دانش و تجارب معلم، و یقیناً صحت، حالت فزیکی، ذهنی و احساس یک شاگرد می تواند فرقی را به میان بی آورد.

اگر ما درجهان صلح آمیز امروزی با این باور که ما یکدیگر را احترام، نظریات یکدیگر را گوش، برای یک دیگر در موقع ضرورت کمک و در راستای آموزش یکدیگر را معاونت ورزیم، این همه در عرصه تدریس اطفال تغیرات به بار می آورد.

٦. وضیعت و چگونگی دانش و حقیقت چگونه است؟... ثابت است، تغییر نا پذیر است، متغییـر اسـت، در حالت رشد است، پایدار است

این سوال آنقدر ضروری پنداشته نمی شود، مگر اینکه اساس و دستوری پنهانی برای روش ها وتدریس پیداگوژی است. اگر ما باور و عقیده ای افلاطون را درباره اینکه در جهان همه چیز از قبل تکمیل بود و صرف به واسطهٔ کوشش های ذهنی شناخته شده، بعداً ما حقیقت را به واسطهٔ یک احساس معتبر می آموزیم بپذیریم اگر ما به اینکه دانش هنگامیکه کشف گردید، کامل و مستقل بود، پس، ما نباید ابهام و شک در باره اینکه چی و چطور تدریس می کنیم داشته باشیم. که چطور تدریس میکنیم و چگونه تدریس میکنیم. حقیقت حقیقت است، و راستی راستی.

حکایت افلاطون در مورد مغاره

۲۴۰۰ سال قبل، مردی که، ما آنرا در جهان امروزی به حیث یک فیلسوف یونانی «افلاطون» می شناسیم، کسی که افراد را عمیقاً درک می کرد. او می دانست که همهٔ بشر در مقابل تغیر متنفر هستند. او می دانست که همهٔ بشر به زنده گی سطحی و شناخته شده آرام و آسوده اند. او می دانست که بشر معتقد ومتعلق به نورم ها و اصول اخلاق در جامعهٔ شان بوده که آنها هیچگاهی بدون آن زنده نخواهند ماند. حتی اگر در بعضی مواقع آنها این را هم احساس نمایند که نورم ها به چیزیکه باور داشتند در مطابقت نیست، آنها هیچ گاه دربارهٔ آن پرسش نمیکردند.

به وسیلهٔ تصویر حکایت افلاطون در مورد مغاره او توانست تمامی خصوصیات بشر را؛ به طور مثال: گذشتن از یک مسیر معلوم و آشنا، بدون اینکه یک زنده گی پر از موانع و مشکلات را به پیش ببرند. «این یک حقیقت واقعی است.»

در یک کتاب قدیم باستان، بنام جمهوریت، افلاطون میان برادرش«گلوکان» و سقراط دربارهٔ ماهیت و طبیعت و حقیقت و چگونگی آموختن آن بحثی کرده که. چگونه یک شخص می تواند خرافات وفریب را عقب گذاشته و به درک اینکه حقیقت چیست بپردازد؟

این حکایت شیوهٔ دریافت اشیاء را در اطراف ما و شیوهٔ که ما زنده گی خود را هدایت می دهیم پیشنهاد می نماید، در حقیقت این یک واقعیت نیست. ما انسانها، نادانی زنده گی های نا مکمل، تعقیب راه ها، دساتیر، نورم ها، عقایدی که به واسطهٔ نسل های قبلی ما عیار گردیده پیشتاز می شماریم، بدون اینکه در بارهٔ آن پرسشی نماییم. افلاطون، این تعهد انسانها را به شکل اسیران غار ترسیم کرده است.

او با معرفی منظر کشی که در آن چیزیکه افراد آنرا حقیقت می شمارند، در حقیقت شاید یک فریب بوده، دور از حقیقت و واقعیت، را درک میکنند. او از برادرش خواست تا دربارهٔ مسکن گزین شدن اسیرانیکه زولانه گردیده و در بی حرکتی در مغار نگهداری گردیده تصور نماید: نه تنها دست ها و پاهای آنها در آنجا نگهداری شده بلکه سرهای شان نیز در یک نقطه ثابت متمایز گردیده و آنها مجبور به تماشای دیوار مقابل شان هستند. در عقب اسیران یک آتش بسیار وسیع قرار داشت، و در بین آتش و اسیران یک گردش گاهی برجستهٔ قرار داشت، که در امتداد آن مردم می توانستند اشیاۀ را بالای سرشان انتقال دهند «دربرگیرندهٔ پیکر های مردان وحیوانات ساختهٔ چوب، سنگ و اشیاۀ دیگر می باشد.» این اسیران سایه های که بواسطهٔ افراد افگنده می شد تماشا می کردند، بدون آنکه بدانند سایه ها اند. در آنجا همچنان آوازهای که از اثر گردش گاه در آن سوی دیوار تولید می کنند شنیده می شد، مگر حتی انسوی آتش، بیرون از دهن مغاره نور طبیعی آفتاب در درخشش است.



نسل ها آمدند و نسل ها رفتند، و اسیران با همان نادانی و نا آگاهی شان در مغاره های تاریک به زنده گی شان ادامه می دادند، تا زمانیکه یکی از این اسیران آغاز به پرسش ها نموده و مؤفق به فرار گردید. او روی پا ایستاده، رویش را سوی آتش که در دهن مغاره افگنده شده بود دور داده، و او آغاز به حرکت بطرف راهی تاریکی که به آتش دهن مغاره متصل می گردید نمود. تا بلاخره به جهان که در خارج از مغاره قرار دارد و آفتاب روشن در درخشش می باشد می رسد. اگر شخصی می بود تا برایش اشیاءٔ و سایه هایکه در ذهن اش هنگامیکه او با زولانه ها در مغاره اسیر بود حک کند نشان میداد، او باور نخواهد کرد که آنها همانا سایه های اند که او آنرا در حقیقت پذیرفته است. او نمی توانست حیوانات، اشیاء و انسان ها را به شکل جسم تشخیص دهد. اوقادر به نامگذاری آنها نبود، او باور داشت که سایه های دیوارهای داخل مغاره نسبت به چیزهای که او آغاز به تماشای آن نموده بیشتر حقیقت دارد.

این اسیر، اکنون آزاد است رویش را بطرف آتش میگرداند ولی دیده نمی تواند، او در اثر زنده گی در تاریکی های مغاره تقریباً نابینا گردیده است.

او می خواست دوباره بسوی همان تاریکی های مغاره بر گردد، زیرا او در آنجا احساس راحتی و آرامش می نمود. ولی او را به سوی رفتن به روشنی مجبور نمودند، مگر او از درد دیدن اشیاه و اشکال متفاوت که در مقابل اش در این روشنی قرار داشت قهر و پریشان به نظر می رسید. او در نخست نمی توانست این اجسام را بشکل حقیقی آن قبول نماید.

این مرد در دنیای روشنی آفتاب به قسم یک بندی نه، بلکه به قسم یک پرسنده از سبب نابلدی با روشنی آفتاب یا به اثر طبیعت و موجودیت تمام عناصر آن با خیلی مشکلات روبرو شده بود. این پرسنده با وجود این همه مشکلات برای دریافت حقیقت به اکتشاف این جهان جدید آغاز کرد.

او گام بسوی یک راهی تنها، ناآشنا برای دریافت حقیقت گام نهاد، ولی با آن هم روحیه پرسشگرائی اش را از دست نداد.

بعد از چند وقت زنده گی در سطح زمین با شعاع آفتاب، این اسیر آزاد توانائی سازگاری را در خود دریافته بود. او قصد دیدن چیزهای بیشتر و بیشتری را داشت، تا زمانیکه او بتواند بسوی آفتاب بنگرد. او درک خواهد کرد که آفتاب، نظر به گفته های سقراط، منبع برای فصل ها و سال ها، اداره کننده و نظارت کنندهٔ همه اشیأ قابل رویت، و یک دلیل و منبع برای آن همه اشیأ که او و دوستانش تماشا می کردند.

بازگشت به مغاره

او خانهٔ نخستش را بخاطر می آورد، یک جای تاریک، او بخاطر میآورد. که در امتحان خرد در آنجا مؤفق و چگونه دوستان اسیرش در تاریکی های جهالت و نادانی زنده گی کرده اند. او حالا خودش را خوشحال و دوستانش را قابل ترحم فرض می کرد. او می خواهد پس برگردد و دربارهٔ چیزهای که حقیقت و واقعیت است معلوماتی را بیان نماید، مگر زمانیکه به آنجا بر می گردد، او از این بیشتر نمی توانست سایه های که با آنها تماس داشت مشاهده نماید، او نمی توانست با آنها به شکل قبلی اثر متقابل را قائم نماید، او ازاین بیش تعاملی با تاریکی ها نداشته و در خانه اش بیگانه بود.

زمانیکه این پرسشگر، حالا یک فیلسوف، داشته های خود را در مورد دانش جدید با اسیران که تا هنوز درتاریکی مغاره بندی اند شریک می سازد، او با نا باوری های آنها مقابل می گردد. مردم او را منحیث یک شخص خطرناکی که باید از جامعه برای حفظ عقاید شان دور گردد فکرمی کند. آنها او را چون یک شخص دیوانه یا یک شخص فاسد فکر می کردند، و آنها نمی خواستند که راه او را از برآمدن مغاره تعقیب نمایند. این افراد همه مخالف با هر نوع تغیر هستند، که



این فیلسوف می خواهد از طریق دانش و حقیقت واقعی خود برای آنها بیان نماید. اما این همه با نورم ها و عقاید که از طرف اجداد شان برای آنها تسلیم شده خو و عادت گرفته اند.

برای افلاطون، این مرد روشنفکر همان پادشاه فیلسوف بود، کسیکه کوشش نمود تا خود را به مراحل عالی درک و فهم برساند. سقراط این سوال را پرسید: «اگر آنها دسترسی به آن شخصی که کوشش می نمود تا آنها را رها و رهنمائی نماید دسترسی داشتند پس چرا آنها آن شخص را از بین نبردند؟»

(و یقیناً، این همان چیزی است که سقراط خودش آنرا عملاً انجام داده، از اینکه نظریات خود را خودش دوباره رد نماید، خواهان نوشیدن جوس زهردار گردید.) در نظریه افلاطون برای جامعه فیلسوفان (روشنفکران جامعه) یک وظیفه خطیرو مهمی را به عهده دارند که همانا درک و تدریس شهروندانی است که در تاریکی ها باقی مانده اند.

بوسیله خلاصه از حکایت افلاطون در مغاره، اکثریت بشر می خواهند که از زنده گی پر از وحشت، کمرنگ و نسبت به زنده گی به نادانی به زنده گی پر از مسائل جدید، مفکوره های تازه، چالش های جدید که بالآخره آنها را با حقیقت های بزرگ زنده گی آشنا می سازند، اگرچه، این راه شاید پر از دردها و مشکلات باشد. آیا اکثریت بشر موافق با «واقعیت های جمعی اجتماع» است بطور مثال: حقیقت که همگان با آن موافق اند، حتی اگر آنها به شکل تصوری یا غیر واقعی مانند سایه ها در دیوارهای مغاره هم باشد.

به حیث یک معلم با هوش شما شاید این حکایت را بسیار نمایشی و جالب درک کنید؛ شما همچنان شاید با دیدگاهٔ که چطور یک شخص می تواند تعلیم یافته و روشنفکر گردد مخالف باشید. شاید شما با نظریه افلاطون که سفر با سوی خرد مملو با درد و مشکلات است مخالف باشید، شما شاید با این نظریه که دانش و حقیقیت اصیل قابل دسترسی برای کسانی است که قوه جذب عالی حقیقیت را داشته باشد و انسانان عادی باید در همان تاریکی های جهل و نادانی زیست نمایند موافق یا مخالف باشید، شما شاید با نظریه او دربارهٔ اینکه: «دانش به شکل غیرقابل تغیر و دائمی در یک جهان جدا از زنده گی بشر وجود دارد، و صرف بعضی ها با کوشش های ذهنی خود می تواند آنرا دوباره بدست بیاورند.» موافق یا مخالف باشید.

باور و عقیده ما در مورد ماهیت دانش که چگونه می توانیم بیاموزیم، برای شکل دادن انتظار شما از شاگردان برای آموزش حایز اهمیت است. این همچنان میتواند با نحوهٔ استفاده از تجارب، آزمایشات، حواس، و ارتباطات اجتماعی در پروسه آموزش تأثیر گذار باشد.

بنابراین، بحث های تشویقی افلاطون نظریات مارا با منبع دانش برای قرن ها شکل داده است. علماء بدون اینکه ازمقام پرسشی نمایند در جستجوی حقیقت اصیل بودند. آنها با ابهام و عدم اطمینان ناراحت بودند. گرچه اگر، ما بدین باور که نمی دانیم چیزهای راکه تا هنوز در مورد جهان به شناخت نیاز دارد، ما شاگردان خود را می پرسیم، به تحقیق، برای دریافت امکانات برای تفکر عمیق تشویق می نمائیم. ما آنها را برای بازی با چالش ها و مفکوره ها نسبت به اینکه جوابات که امکان نادرست بودن یااشتباء آن باشد، تشویق می نماییم. ما هنوز هم می توانیم نظریه افلاطون را در رابطهٔ اینکه بسیاری از انسانها زنده گی شان را تاحدی در تاریکی «در جهل و نادانی» سپری نموده اند، درک کرده و قدردانی نمائیم.

به حیث معلمین، اگر ما به این عقیده باشیم که حتی معلمین تمامی جوابات را با خود ندارند، در آنوقت ما می توانیم با شاگردان خود بی الایشانه بیاموزیم بدون اینکه حیثیت و ابرو خویش را منحیث رهبران آموزش از دست بدهیم.

سرانجام، این پرسش ها و بحث و پاسخ های آن با ما به حیث معلمین مجرب برای تفکر عمیق دربارۀ وظیفه و هدف ما کمک می نماید. این معلمین اند که در دست های شان آینده جهان به وسیلۀ فراهم کردن آموزش با کیفیت برای نسل آینده نهفته است.

نتیجه گیری

به این پرسش ها، پاسخ های ما، یک مفهومی است برای فصل بعدی، که در آن دربارۀ میتود ها، بهترین تمرین های پیشنهادی برای استفاده در صنوف درسی مورد بحث قرار می گیرد. این تمرینات برای تعلیمات ابتدائی، تعلیمات اساسی، و برای مضامین اختصاصی که درصنوف متوسطه و ثانوی تدریس می گردد قابل تطبیق می باشد. این بهترین زیبنده خواهد بود که باید معلمین افغان آنرا در صنوف خود تطبیق نموده و مواد را خود شان تهیه نمایند. شما، منحیث یک معلم رول یک میانجیگر را در بین بهترین تمرینات و فلسفه تعلیم و تربیه ایفاء می نماید.

روز دوم

کتاب رهنما برای ترینگ پیداگوژی عالی

سوالات بزرگ

اهـداف: اشتراک کننده گان قادر خواهند بودتا:

- دربارۀ نظریات مختلف در رابطۀ به سوالات عمیق فلسفی در تعلیم و تربیه که در برگیرندۀ اینکه به کی باید تعلیم داده شود، چرا، در کدام ساحات تعلیمی، کی باید مدرسین باشند، و کی باید هزینۀ تعلیم را بپردازد، می باشد.
- در بارۀ رسوم طویل تاریخی که طرز اندیشه را در مورد سوالات مباحثه ای شکل داده اگاهی حاصل نمایند.

اشیاء مورد ضرورت:

۱. همیشه ورق های چارت، مارکر های رنگه و نوار چسب آماده می باشد.
۲. داشتن کتابچه برای هر یک از اشتراک کننده گان برای نوشتن
۳. توزیع یک نقل از سوالات امتحان فلسفه برای هر اشتراک کننده
۴. داشتن تصویر بزرگی از مردان آهنین یعنی افلاطون (به ضمیمه مراجعه نماید).
۵. داشتن تصویر بزرگ از مغارۀ افلاطون (به ضمیمه مراجعه نماید).

وقت	فعالیت
۸:۳۰ – ۸:۳۵	تلاوت قرآن مجید
۸:۳۵ – ۹:۰۰	معرفی ورکشاپ
۹:۰۰ – ۱۰:۰۰	حل سوالات به شکل انفرادی
۱۰:۰۰ – ۱۰:۱۵	وقفۀ چای
۱۰:۱۵–۱۲:۰۰	گروپ های سه نفری دربارۀ پاسخ برای هر پرسش بحث نموده و بعد از ده دقیقه تغییر گروپ نمایند. مربی باید برای شان یادآوری نماید که هیچ نوع پاسخ درستی وجود نداشته آنها باید در مورد این پاسخ ها نسبت به رسیدن به توافق عمومی بحث نمایند.
۱۲:۰۰ – ۱:۳۰	طعام چاشت و وقفه نماز (از وقت اضافی برای تهیه چارت ها و طرح پلان استفاده شود.)
۱:۳۰ – ۲:۰۰	در گروپ های اصلی سه نفری خود، موضوعات را برای یکدیگر به آواز بلند بخوانید، و یا خاموشانه به شکل انفرادی بخوانید، (بخش یونانی هارا). از صفحه ۶ آغاز نموده و در صفحه ۱۰ ختم نمایید، نظریۀ افلاطون در مورد ماهیت بشر، که بواسطۀ ارسطو استنباط گردیده است.
۲:۳۰ – ۲:۴۵	وقفۀ چای
۲:۴۵ – ۳:۱۵	مربی یا یکی از اشتراک کننده گان باید موضوع حکایت افلاطون را بخواند و یا بیان نماید. (در فصل دوم و در ضمیمه)
۳:۱۵–۳:۵۰	در گروپ های خود در مورد مفهوم و معنی حکایت بحث نمایند، چی معناهای را برای آموزش افاده می نمایند؟

	با درنظرداشت نظریهٔ افلاطون در مورد معنی و چگونگی آموزش و منحیث انسان چی نقش را ایفاء می نمایم؟ آیا شما با این نظریه که میگوید آموزش راه حرکت کردن از تاریکی ها بسوی روشنی است موافق اید؟
۳:۵۰ -۳:۵۵	کارخانگی: بخشی از این فصل را برای خوانش شب انتخاب نماید. (۵ صفحه) به اشتراک کننده گان توصیه نمایید که آنها باید دو فصل را مطالعه نمایند.
۳:۵۵ -۴:۰۰	جمع آوری، پاک کاری و اختتام

فصل سوم

میتودولوژی و تجارب موفق در پیداگوژی

معرفی و برسی عمومی

تمام دانشمندان به شمول افغانها به این عقیده اند که چطور باید تدریس کرد. این عقاید بر موجودیت حکمت و فلسفه ساحه تعلیم و تربیه که در فرهنگ نفوذ دارد، استوار است. این عقاید درباره تدریس بهتر برای معلمین در مکاتب است که ارتباط مستقیم به سوالاتی دارد که جواب آن در جامعه مطرح میشود این موضوع در فصل اول مورد بحث قرار گرفته شده است و همچنان دربرگیرنده اهداف تعلیم و تربیه است، که چی باید تدریس شود، چگونگی ماهیت شاگردان، و از این قبیل سوالات دیگر. تدریس و فلسفه تعلیم و تربیه با تاریخ رشته های عمیق دارد که هیچگاه در تغیرات اجتماعی و سراسری بشکل آشکار مورد بحث قرار گرفته نشده است.

در حال حاضر تعداد بی نظیری از شاگردان بخاطر کسب تحصیل برای زنده گی در جهان متغیر،به مکتب میروند بدین لحاظ معلمین چالش های زیادی را متقبل شدند که در تاریخ هیچگاهی با چنین مشکلات روبرو نشده بودند. جامعه از شاگردان توقع دارد تا بیاموزند. معلمین توقع دارند تا در تدریس خود موفق باشند. در عین حال میتود های کهنه زمانی کاربرد بود که معلمین تنها مسؤلیت یک گروپ کوچک شاگردان لایق و فعال را داشتند نه به صنوف بزرگ شاگردان که توانایی های مختلف داشتند.

علوم امروزی جهان برای ما میاموزاند که چطور باید آموخت. ما در مورد اهداف تعلیم و تربیه بار دیگر دقت و یا فکر میکنیم. وقتی که در مورد تدریس صحبت می کنیم به این نتیجه میرسیم که هدف تعلیم و تربیه شاگردان است نه استخدام معلمین. در افغانستان به تعداد شاگردان از قبیل اطفال و جوانان در مکاتب افزود میگردد، این کار برای مشغول کردن شاگردان و جلوگیری آنها از کوچه ها و یا از مشکلات نیستند. بلکه بطور واضح و عمیق مهم است تا شاگردان دانش و مهارت را بطور واقعی آن بیاموزند تا بتوانند که به فامیل، مردم محل و جامعه خود همکار باشند. تعلیم و تربیه در افغانستان یک فعالیت سرگرم کننده و ضیاع وقت نیست وقت در صنف اهمیت حیاتی دارد مثل حیات بسیار به زودی میگذرد. و معلمین چطور باید از این وقت به حیث مسؤلیت وجدانی خود استفاده کنند. بدین لحاظ این مهم و ارزنده است تا معلمین بدانند که چطور و به چی شیوه تدریس کنند. این مهم است تا برای استادان فهمانده شود که چطور تدریس کنند و تمرینات را باید تا حد امکان باید درست انجام دهند تا اطمینان حاصل کنند که شاگردان شان درس را بصورت درست آموخته اند.

تفکیک تدریس بهتر برای معلمین مشکل است و این موضوعی است که محققین بیشتر ممالک به آن دلچسپی دارند. تدریس بهتر نمیتواند که از جامعه و عقاید عمومی درباره تعلیم و تربیه مجزا باشد. تدریس بهتر نمیتواند که در انزوا و مجزاء از جامعه که مردم در آن زندگی میکند صورت گیرد. تدریس بهتر همیشه وابسته به فلسفه اساسی — و عقایدی است که در این باره سوالات اساسی مورد بحث قرار گرفته است. معلمین علوم جدید را مورد مطالعه قرار میدهند تا بدانند اینکه شاگردان چطور بهتر میاموزند و اساسات میتود های تدریس را میاموزند که به این شکل تمام شاگردان میتوانند بیاموزند و بهتر رشد و ترقی کنند البته شاگردان تمام مکتب و تمام صنوف، نه اینکه صرف شاگردان برگزیده. نتایج این مطالعات مارا برای چیزی که تدریس بهتر نامیده میشود رهنمائی مینماید.

معلمین نیاز به این دارند تا نکات پیشنهاد شده ذیل را درک کنند: و معلمین باید این را تشخیص کرده بتوانند که آیا تدریس آنها برای صنوف شان مناسب است یا نه چگونه از میتود ها استفاده کنند و موثریت تدریس بهتر را چگونه ارزیابی کنند.

درباره تجارب موفق فقط یک لست نیست، لست های متعدد دیگری نیز وجود دارد که در برگیرنده ارزش های مشابه هستند. این نظریات عام در برگیرنده ایجاد صنوفی میباشد البته جا یکه دانش آموز در آن احترام گردد، و معلمین باید اینرا درک کنند که یادگیری به شکل انفرادی صورت میگیرد هر چند آنها یک گروپ بزرگ را تدریس میکنند. لست تجارب موفق در برگیرنده این است که شاگردان زمانی بهتر میاموزند که خود شان بشکل فعالانه در فعالیت ها اشتراک کنند نه اینکه تمام شاگردان غیر فعال بوده و تمام درس توسط معلم گفته شود، فعال بودن به این معنی نه که در صنف قدم بزنند و همیشه کار گروپی کنند. به این معنی که ذهن خود را به درس مصروف ساخته تا به علاقمندی های خود نائل آیند، ما این موضوع را در فصل های بعدی مورد بحث قرار میدهیم. میتود های تدریس شامل تدریس و تمرینات بهتر میگردد، همچنان میتوان این میتود ها را در صنوفی که تدریس شان ضعیف است نیز تطبیق گردد. بیائید برای یک لحظه در مورد محتوای میتود تدریس صحبت کنیم. یک میتود تدریس میتواند که مثمر و غیر مثمر باشد. موفق و یا نا موفق باشد. دوست دار طفل باشد و یا برای شاگردان بی تفاوت باشد. به طور مثال یک میتود مانند کار گروپی میتواند به شکل بسیار ضعیف استفاده شود و شاید وقت آموزش در آن فعالیت ضایع شود در آن هدف معلم در این فعالیت واضح نمی باشد.

یک میتود تدریس متشکل از قواعد و میتود های اند که در تدریس صورت میگیرد. به طور عموم میتود های که بیشتر از آن استفاده میگردد در برگیرنده سهم گیری شاگردان در صنف، نمایش، قرائت، حفظ و یا شامل ترکیبی از اینها میباشد. انتخاب میتود مناسب وابسته به معلومات و مهارت های است که تدریس میگردد، و همچنان این شاید تاثیر گذار بر استعداد و علاقه شاگردان نیز باشد. یک معلم شاید از میتود های مناسب و خوب استفاده کند، و شاید این میتود ها موثر واقع نشود، و شاید نتیجه آموزش طوریکه آرزو میداشت بدست نیاید.

در نخست بیائید معلومات پس منظر میتودولوژی و تدریس پیداگوژی و تغییر آنرا در روشنی دانش نوین نظر به نیاز جامعه مورد بحث قرار دهیم. سپس بعضی نظریات را در مورد تدریس در گذشته ها ارائه خواهند نمود.

این معلومات باعث برانگیختن مباحثه توسط معلمین میگردد، که بعداً آنها میتوانند تطبیق تدریس خود را در صنف مطالعه کنند و لست جدید تدریس تجارب موفق را که برای مکاتب و مضامین مختلف در نصاب تعلیمی افغانستان مناسب باشد ترتیب دهد.

بخش ۱: در باره میتود های تدریس از گذشته تا حال

تعلیم و تربیه کهن و قدیمی

در سال ۳۰۰۰ قبل از میلاد برای اولین بار نوشتن و آئین نگارش به میان آمد. و در آن عصر نوشته و نگارش یک وظیفه و یک شغل معتبر به شمار میرفت که به نویسنده بودن به مهارت زیاد نیاز داشت. یعنی اشخاصیکه میخواستند یک نویسنده یا استرانوم باشند باید از دانش و مهارت های عالی برخوردار میبودند.

فلسفه یونان قدیم ما را به طرح میتود های سوالات تعلیمی که در مباحثات ملی مورد بحث بود رهنمائی میکند. افلاطون در کتاب اش که به نام جمهوریت یاد میشود یک سیستم رهنمودی را که وی احساس میکرد که با تعلیم و تربیه میتوان آنچه که در خیالات ما است بتوانیم آنرا به حقیقت تبدیل کنیم. افلاطون در باره پیروان سقراط مواردی که مربوط به میتود طرح سوالات عمیق میشود مورد بحث قرار داده است. پیروان سقراط تدریس را با حفظ نمودن



موضوعات رد میگردند، و طرفدار طرح سوالات و استدلال منطقی با دلایل قانع کننده بودند، فرضیه های اساسی را مورد سوال قرار میدادند و در مورد آن بحث و استدلال میکردند. این نوع تدریس با طرح سوالات مبنی بر فرضیه های اساسی یک انقلاب بزرگ ولی خطرناک سیاسی را به میان آورد. این نوع تدریس که بشکل اساس فکر میکنند، خطر بزرگ برای کسانی پنداشته میشوند، که خواهان دوام حالت فعلی اند.

و بعد از آن بیشتر محققین مانند محققین رومی کوشش بر این داشتند تا طریقه مشخصی را پیدا کنند که شاگردان را تشویق کنند تا از ذکاوت خود استفاده کنند و به آنها کمک شود تا بهتر بیاموزند.

تدریس میتودولوژی در تعلیم و تربیه یک محتوای جدید در پروسه آموزش و پرورش است. میتود های جدید عصر فعلی دربر گیرنده تلویزیون، رادیو، کمپیوتر وغیره میباشد. بعضی دانشمندان تعلیم و تربیه به این عقیده اند که استفاده از تکنالوژی باوجود اینکه در بعضی حالات تسهیل بخش است اما تکنالوژی را نمیتوان یک بخش از میتود های تعلیمی شمرد زیرا که تکنالوژی دربرگیرنده افکار عمیق نبوده و آنچه را که ما آرزو داریم نمیتوانیم بیاموزیم. یک میتود تدریس آموزش از طریق باز پرسی نیز وجود دارد که ارتباط به تحقیق و بازرسی علوم دارد.

برای اینکه تدریس ما بطور موثر صورت گیرد یک میتود موثر باید توسط معلم تعین گردد. یک معلم اختیار دارد تا روش تدریس خود را انتخاب کند. معلمین شاید پلان درسی شانرا از ذهن خود شان بنویسند و یا شاید از معلمین دیگر تقاضای گرفتن پلان درسی را کنند. زمانیکه معلم تصمیم میگیرد و روش تدریس خود را انتخاب میکند، بر علاوه این معلم نیاز دارد تا در مورد شاگردان معلومات قبلی داشته باشد و اهداف آموزش آنها را بداند. معلمین باید بدانند که اطفال با طریقه های مختلف میاموزند همچنان علاقه دارند تا تقدیر و تشویق شوند.

شاگردان به طریقه های مختلف معلومات را کسب میکنند. برای اینکه مطمئن شویم که همه شاگردان مساویانه آموخته اند باید معلمین از میتود ها و روش های مختلف تدریس استفاده کنند. پلان درسی شاید به طریقه های مختلف تحقق پذیرد مانند میتود سوال کردن، تشریح، تعاونی و نمایشی.

برای معلمین بسیار مهم است تا محتوای مهم را بیاموزند و یا قبول کنند، این تنها معلم نیست که محور صنف درسی باشد و نه اینکه تمام کارکرد ها را انجام دهد. بلکه شاگردان که آموزنده گان اند باید فعال باشند، فعال بودن به این معنی نیست که بطور فزیکی در صنف فعال باشند به این معنی که از لحاظ فکر و روح فعال باشند درباره معلومات فکر کنند، گوش فرا دهند، سوال کنند و درک کنند نه اینکه صرف معلومات را حفظ کنند.

آموزش میتواند سمعی، بصری و وابسته به حرکت باشد. این مهم است تمام این سه حواس را تا حد امکان در تدریس خویش در نظر گیرید. همچنان این نکته نیز مهم است تا در مورد درسی که ارائه میگردد باید سوالات و معلومات دلچسپ و جالب اضافه گردد با چنین تمرینات شاگردان تشویق گردیده و جرئت شان بیشتر گردیده و به مضامین تخصصی دلچسپی و علاقه پیدا میکنند و میتوانند که معلومات را به خوبی بیاموزند. استفاده از مثال ها و قصه ها نیز درک و فهم شاگردان را بیشتر میسازد. استفاده از موضوعات و مثال ها و قصه های که مربوط به درس باشد درس را بیشتر جالب نموده و به آسانی میتوان به خاطر سپرد. بر علاوه استفاده از میتود قصه، ارائه معلومات را آسان نموده و به خاطر سپردن آنرا آسان میسازد زیرا که این یک ارتباط میان ارائه درس حقیقی و دنیائی واقعی را نشان میدهد و مثال ها ارتباط به تجارب انسان ها دارد. با این میتود میتوان هر چیز را واضح تر درک کرد و همچنان این طریقه ارتباط مستقیم به رشته های عصبی دارد.

بخش ۲: هدف ما از تجارب موفق چیست؟

کلمه تجارب موفق همیشه توسط متخصصین علوم طب، حقوق و معماران همه روزه به خاطر اجرای کار بهتر در رشته تخصصی خود مورد استفاده قرار گرفته میشود. اگر یک شخص مسلکی در کار های خود تجارب موفق و ستندرد ها را تعقیب کند، وی همیشه از تحقیقات زمان موجوده آگاه بوده و به مشتریان خود از دانش و تکنالوژی جدید استفاده نموده و با یک روند عالی خدمات موثر را انجام خواهد داد. به طور مثال اگر یک داکتر ستندرد ها و تحقیقات جدید را در مورد دوا ها و علوم طب تعقیب نکند، در تداوی وی حادثه بدی اتفاق خواهد افتاد، در این صورت همکاران وی بر ضد وی انتقاد کرده و خواهد گفتند که این یک تجربه موفق نیست.

تا حال در تعلیم و تربیه کدام اصطلاح در ارتباط به موجودیت کار هنری در تعلیم و تربیه نداریم، در حقیقت بعضی از معلمین سابقه کار حتی تحقیقات جدید بر اساس ستندرد های تعلیم و تربیه را در مورد تدریس رد میکنند. آنها میگویند که «من فقط اساسات را تدریس میکنم،» بعضی از معلمین میگویند، «این تقریبا سی سال است که من یکنواخت تدریس میکنم و خوب به پیش میروم، و من با اصطلاح میتود جدید موافق نیستم.» همچنان معلمین که از خود راضی هستند نیز مانند داکترانی کار میکنند که میگویند که من امروز از دوا های استفاده میکنم که سی سال قبل استفاده میکردم. من هیچ چیز را تغییر نداده ام و من به این شیوه های جدید و نو آوری ها توجه ندارم.
تدریس منحیث یک مسلک یک راه طولانی است که باید تعقیب کرد و ما نیز هنوز در آن راه هستیم.

آن معلمینی که در باره تحقیق و نظریات جدی هستند، به تحقیق و نو آوری عقیده دارند، پیشرفت و ترقی انسان را امکان پذیر میدانند پس اصطلاح خاص مسلک ما باید مشق تمرینات بهتر و نو آوری در رشته ما باشد. بدین لحاظ ما اصطلاح تمرین بهتر و یا تجارب موفق را به افغانستان و کشور های دیگر وارد کرده ایم. این اصطلاح مختصر و کوتاه برای استفاده افکار، مسولیت ها، داشتن معلومات و دانش و استفاده از میتود های نوین و جدید تدریس است.

نظریات تجارب موفق چندین منابع

تجارب موفق و یا تمرینات بهتر یک بخش اصلی نصاب تعلیمی است که ارتباطات و یا سخنگو یی مربوط به تحقیقات تعلیم و تربیه را نشان میدهد. تدریس و یا تمرینات بیشتر دقت و دخالت را در نصاب تعلیمی توسط تفکر، مهارت های حل مشکلات و توسط یکجا نمودن آموزش فعال به وجود میاورد. ارتباطات (درک و فهم درباره رشته های مختلف علمی) توسط فرصت ها و باهمکاری ایجاد میشود. تدریس بهتر در سطوح مختلف آموزش قابل تطبیق است و باعث ایجاد یک ساختار خوب در تدریس میگردد.

تدریس بهتر دربرگیرنده تعادل و باهمی درنصاب تعلیمی است. آن شاگردانی که نصاب تعلیمی را با تعادل به دست میاورند، در حقیقت میتوانند که دانش، مهارت ها و توانائی ها را انتقال و نظریات را میتوان باهم مرتبط ساخت. آنها به شکل اکادمیک موفق خواهند بود مانند کسانیکه آزمون های موفق ستندرد شاگردان را سنجش میکنند.

چهار نکات تجارب موفق برای معلمین

- شامل ساختن تعادل و توازن نصاب تعلیمی در تدریس.
- تدریس یک نصاب تعلیمی کامل.
- متمایز ساختن تدریس بر اساس نیاز های انفرادی شاگردان.
- مهیاء ساختن فرصت های آموزش فعال برای شاگردان.

بخش ۳: تجارب موفق چگونه به نظر میرسد؟

صنف درسی که نشان دهنده تجارب موفق باشد به مجردیکه شما داخل آن گردید، فهمیده میتوانید که این صنف دارای تجارب موفق است.

- شاگردان مصروف بالای وظیفه بوده و دقت بر کار خود دارند.
- معلمین بشکل فعال در گروپ ها مصروف اند.
- احساسات لذت بخش و حرکات با هدف وجود دارد، با افکار دقیق اساس در فضای پر طراوت مصروف اند.
- معلمین اکثراً از وظایفی که جنبه همکارانه دارد، و مرتبط به زندگی واقعی اند استفاده میکنند تا شاگردان را به محور و یا عمق آموزش داخل سازند.
- ترتیب و تنظیم صنف درسی نظر به اهداف آموزش متفاوت بوده و قابل تغییر است.
- شاگردان مشتاق کمک از والدین و دیگران هستند تا بطور داوطلبانه وظایف و کار های خانگی خود را انجام دهند.
- فعالیت ها و لکچر های صنف در جاهای مناسب و مختلف اجراء میشود.
- کتب و مواد درسی متعددی در دسترس قرار دارد.

پیشنهادات و سفارشات عمومی برای تجارب موفق

<u>کمتر از این و بیشتر از آن</u>

<u>کمـــتر</u>

- کمتر هدایت و رهنمائی معلم در درس.
- کمتر غیر فعال بودن نشستن، گوش فرادادن، جذب کردن و گرفتن معلومات بشکل غیر فعالانه.
- کمتر ارائه دروس، انتقال معلومات از معلم به شاگرد توسط یک طریق.
- کمتر تشویق و تقدیر شاگردان خاموش و آرام در صنف درسی.
- کمتر صرف نمودن وقت درس در تکمیل کردن خانه خالی ها، فعالیت های روی صفحه کاغذ، کتاب های سوالات و تمرینات مربوط به درس و دیگر فعالیت هایکه در حال نشستن صورت میگیرد.
- کمتر صرف نمودن وقت درس شاگردان در مطالعه نمودن کتب درسی.
- کمتر وادار نمودن شاگردان توسط معلمین و دستور دادن توسط معلمین برای یادگیری یک تعداد زیاد مضامین مختلف بصورت عاجل که از توان آنها بالاتر باشد.
- کمتر حفظ کردن موضوعات تشریحی توسط شاگردان.
- کمتر تاکید بالای شاگردان به خاطر درجه و مقایسه ها در مکتب.
- در آزمون با جواب های کوتاه کمتر استفاده کردن.

<u>بیـشتر</u>

- آموزش تجربی، قیاسی و عملی بیشتر.
- بیشتر آموزش فعال همراه با سر و صدا ها و حرکات شاگردان البته در همکاری انجام فعالیت ها و گفتگوها.
- بیشتر داشتن نقش های مختلف معلمین شامل نمایش دادن، تمثیل. و غیره.
- تاکید بیشتر بالای تفکرات عمیق و آموزش محتویات کلیدی کار در ساحه و اصول آن.
- بیشتر مطالعه موضوعات و عناوین توسط شاگردان، تا آنها عمق موضوع را درک کرده بتوانند.
- بیشتر مطالعه کتب درسی منابع ابتدائی و مواد تحقیقی.

بخش ۴: تجدید کردن مکاتب با تجارب موفق بیشتر

- دادن مسئولیت بیشتر به شاگردان به خاطر انجام کار های شان، تعین اهداف، نگهداشت یادداشت ها، نظارت، تشریک مساعی، نمایشات و ارزیابی.
- بیشتر اختیار انتخاب از شاگردان (به طور مثال انتخاب کتاب ها، نوشتن عناوین، انتخاب تیم و یا گروپ کاری و انتخاب پروژه های تحقیقی).
- بیشتر توجه به احساسات، عواطف و نیاز های مختلف دانشی شاگردان (شیوه های آموزش) به طور انفرادی.
- بیشتر انکشاف صنف با وابسته گی با همدیگر، همدستی و همکاری بیشتر با همدیگر در جمع از شاگردان به شمول معلم که وی نیز یک آموزنده است.
- تشکیل صنوف مختلف بیشتر برای شاگردان، تا نیاز های شاگردان به شکل انفرادی برآورده شود و شاگردان بتوانند فعالیت ها را به شکل انفرادی انجام دهند البته بدون تبعیض نژادی و کناره گیری شاگردان.
- بیشتر انتقال کمک های خاص به شاگردان نیازمند، خاص در صنف ها بشکل دوامدار.
- بیشتر داشتن نقش های مختلف معلمین، والدین و مدیران.

روش های طرح نمودن پرسش و یا سوال

رهنمود های طرح سوال که میتوان آنرا به طور نمونه در تجارب موفق استفاده کرد

طرح سوال وسیله است که فاصله ها بین ارائه درس معلم و درک فهم شاگرد را از میان برمیدارد. طرح سوال وسیله است که شاگردان را جرئت میدهد تا در مورد درس ارائه شده دقت کرده و بالای آن عمل کنند. تحقیقات نشان داده است که ۸۰٪ از اوقات درسی مکتب در طرح سوالات و جوابات استفاده میشود. مگر تمام سوالات موثر واقع نمیشود و در چنین حالات از وقت خوب استفاده نمیشود. بیشتر سوالات دارای جواب ساده بوده و نیاز به یاد آوری معلومات دارد و به تفکر عمیق شاگردان نیاز نیست. طرح سوالاتی که به تفکر عمیق نیاز دارد نه تنها برای انکشاف سلوک شاگردان بوده بلکه شاگردان را در داخل صنف به درس شان زیاد مصروف میسازد.

دلایل زیادی برای طرح سوال وجود دارد که میتوان به شکل ذیل طبقه بندی کرد مانند، دلچسپی و توجه شاگردان به درس، تشخیص و بررسی از آموزش شاگردان، بیاد آوردن معلومات قبلی و با طرح سوالات شاگردان میتوانند که نظریات و احساسات خود را بیان کنند. و میتوان هزاران دلیل دیگر وجود داشته باشد.

سوالات میتواند که بسته باشد (نیاز به جواب خلص و کوتاه دارد) و یا سوالات میتواند باز باشد (نیاز به جواب های گوناگون و مختلف دارد) بعضی اوقات چنین سوالات را به هم نزدیک مینامند (یک جواب بسته) و دیگر آنرا متفاوت و مختلف میسازند (یک جواب بهتر نیست، بلکه بعضی جوابات میتوان درست نباشد). سوالاتی که دارای جواب مختلف اند بیشتر شاگردان را وادار میسازد تا افکار عمیق و پیچیده داشته و با دقت زیاد فکر کنند.

معلمین که میخواهند تدریس شان مؤثر واقع شود، نحوی طرح نمودن سوالات و اهداف سوالات شان متفاوت میباشد. (برای آن شاگردانی که سوال مربوط شان میشود تمام صنف، گروپ ها و یا بشکل انفرادی) و سطح سوالات (برای شاگردان ضعیف و برای شاگردان لایق سوالات بشکل متفاوت بر اساس سویهٔ شاگردان طرح میشود.

معلمین که تدریس شان مؤثر است سوالات را با تسلسل طرح میکنند با سوالاتی که ساده تر است آغاز میکنند و شاگردان میتوانند چنین سوالات را با یادآوری از موضوعات قبلی دروس خویش جواب دهند، و به این ترتیب از سوالات



ساده شروع و به سوالات مغلق و پیچیده میرسد. این نمونه ها نمیتواند درست و یا غلط باشد. تسلسل سوالات وابسته به محتوای مواد درسی و یا وابسته به اهداف معلم میباشد.

استراتیژی مفید طرح سوال به شاگردان کمک میکند تا برای دریافت جواب درست از کاوش تحقیق و جستجو استفاده کنند. تحقیق کاوش و جستجو تمرینِ است که با تعقیب آن یک شاگرد میتواند جواب یک سوال را از سوال دیگر دریافت کند و دوباره موضوعات را باهمدیگر ارتباط دهند و همچنان شاگردان را وادار میسازد تا درباره جواب بهتر بیشتر فکر و دقت کنند. و همچنان به شاگردان کمک میکند تا بیشتر عمیق فکر و دقت کنند.

یک استراتیژی مفید دیگر در جریان روند سوال و جواب، استفاده از چند لحظه انتظار است شاید این انتظار از سه الی پانزده ثانیه وقتی است که به شاگرد باید داده میشود تا در مورد سوال فکر کند، البته قبل از اینکه معلم به خاطر دریافت جواب به شاگرد دیگر رجوع کند. این وقت برای شاگردان به خاطر فکر کردن داده شود نه به خاطر صحبت کردن. حد اقل سه ثانیه وقت به شاگرد باید داده شود، (حساب کند که چقدر وقت ضرورت است) آیا نیاز به چند لحظه است. یک مشوره خوب برای معلمین اینست که زمانیکه شما سوال را طرح میکنید یک وقفه باید بین سوال و جواب تان موجود باشد.

پیشنهاد دیگر اینست که فقط جواب درست و جوابی که توقع میرود قبول نکنید. حتی به جواباتی که مفهوم ندارد نیز دقت کنید. از سوالات تحقیقی برای درک و تفکر شاگردان استفاده کنید. زمانیکه جواب غلط ارائه میشود بطور فوری نگویید که جواب غلط است و به طرف شاگرد دیگر بروید تا جواب درست ارائه شود، جوابی که شما میخواهید. کوشش کنید تا دریابید که شاگرد نخست جواب را ارائه میکند، درباره سوال چی فکر میکند. آنها شاید سوال را غلط درک کرده باشند و یا شاید جواب درست را برای سوال دیگری ارائه کنند.

هرگاه یک معلم بشکل فوری به یک شاگرد بگوید که جواب شما غلط است، روحیه وی ضعیف و احساس حقارت نموده و فکر میکند که نا فهم است .

سوالاتی را نکنید که سبب تنبه و تحقیر شاگردان میشود. به طور مثال سوال کردن از یک شاگردی که باعث مختل شدن فضائی صنف میگردد. اگر سوالی طرح کنیم که جواب آنرا نداند پس آن شاگرد خجالت میشود و در مقابل صنف احساس حقارت میکند. طرح سوال از شاگردی که هیچگاه به شکل داوطلب حاضر نبوده که سوال را جواب دهد و شما بالای وی فشار وارد کنید که جواب بدهد در این صورت وی احساس خجالت نموده و از این طریق توهین میشود و چنین طریقه خیلی طریقه ضعیف پرسیدن سوال است. راه حل دیگری برای این مشکلات دریافت نموده و آنرا حل کنید.

این فلسفه تفکر به تمام نصاب ها و به تمام درجه بندی ها رسیده است. چه آنرا تجارب موفق نامید یا آموزش باهمی، مطالعات در رابطه به رشته های مختلف، و یا تدریس معتبر، و یا کدام نام دیگر و یا بدون نام، این حرکت سریع، پهناور و عمیق برای مدت طولانی موجود خواهد بود. این آموزش به طور قوی توسط تحقیقات تعلیمی و تربیتی تحت نام مختلف با تیوری های مختلف طراحی کردند، تحت آزمون قرار گرفته و طی چندین سال ها بهبود پیداکرده است. این پیشنهادات شامل نظریات، سلوک و عملکرد های که بر اساسات اسلام با فلسفه اسلامی و در سراسر تمام ممالک استوار است. کردنده اند. به دلیل تعلیم و تربیه ضعیف معلمین و حالات نامنظم تحصیل و مکتب داری در دوره ده سال گذشته اگر چه آن معلمین که این مواد را مورد مطالعه قرار میدهند، هماهنگی بین فلسفه تجارب موفق و اصول اسلام را ملاحظه خواهند نمود.

بخش ۵: اصول اساسی تجارب موفق

اگر ما لست های کمتر وبیشتر را مورد مطالعه قرار دهیم، ما ۱۳ اصول مرتبط فرضیه ها و یا تیوری هایکه نمونه تعلیم و تربیه را مشخص میسازد تشخیص خواهیم نمود. این اصول بطور عمیق باهم مرتبط بوده و بالای همدیگر تاثیر گذار اند. لست اصول ها به سه دسته گروپ بندی میگردد.

پنج اصل این اصول خطاب به آموزش و پرورش شاگرد محوری است.

۱. شاگرد محوری: بهترین نقطه آغاز تحصیل دلچسپی جوانان در تمام نصاب است. سوالات شاگردان همیشه باید در اولویت قرار گیرد و در جریان درس انتخاب محتوا باید برای شان اختیاری باشد. نصاب تعلیمی ستندرد ملی باید اساس محتوای تدریس باشد، و میتود های تدریس نصاب تعلیمی را پر مفهوم و دلچسپ برای شاگردان ساخته و به زندگی عادی شان ربط بدهد.

۲. تجارب عملی برای آموزش در هر سن بسیار با اهمیت است: شاگردان باید در محتوای هر مضمون تجاربی که امکان پذیر است داشته باشند. به این دلیل مضامین ساینس دارای لابراتوار بوده که در پهلوی آن از میتود های تدریس نیز استفاده میشود تا بتوانند شاگردان را بصورت فزیکی و ذهنی مصروف و مشغول نگهدارند.

۳. کلي: آموزش شاگردان زمانی میتواند بهتر باشد که تمام نظریات و واقعات را با هدف مطالعه کنند نه اینکه بخشی از آن را مطالعه کنند. این اصل معلمین را به مشکلات مواجه میسازد تا معلومات را با دیگر بخش ها و به کل ارتباط دهد و شاگردان را تشویق کند که تصویر بزرگی از موضوع را مشاهده و همچنان مفهوم موضوع را درک کنند.

۴. موثق: موضوعات و مواد اصلی، نظریات مغلق و معتبر در نصاب، دروس و کتب درسی موجود است که میتوان محتوای آنرا برای شاگردان بسیار کمزور و ساده ساخت. اگرچه این موضوع بطور باور نکردنی در افغانستان مشکل است، شاید دانش معلمین در این موضوع محدود باشد و یا شاید به کمبود کتب درسی و مواد درسی مواجه شوند.

۵. پر چالش: آموزش شاگردان زمانی بهتر خواهد بود که آنها چالش های واقعی، و مسؤلیت های آموزش خویش را بدانند.

پنج اصل بعدی**:** توجه ما را به اصل معرفتی و انکشافی تدریس و آموزش معطوف میسازد.

۱. معرفتی: آموزش موفق و مؤثر زمانی صورت میگیرد که شاگردان محتوای موضوع را با افکار عمیق، دقت و تحقیق و با نظارت خودی درست درک کنند. تفکر عمیق و یا دقیق به طبقه بندی تفکری که توسط بلوم طبقه بندی گردیده بود دلالت میکند. که از سطح پائین (دانستن حقایق) آغاز و به سطح بلند (تحلیل و تطبیق مهارت ها) ختم میگردد. برای معلومات بیشتر روند طرح سوال را در بخش ۴ مطالعه کنید.

۲. انکشافی: شاگردان باید با مراحل مختلف قابل تعریف استوار و محکم رشد کنند، و تحصیل و تعلیم شان باید توسط فعالیت های انکشافی مطابق سطوح مختلف شاگردان صورت گیرد.

۳. سازندگی گرا: شاگردان محتوا را فقط با حواس پنجگانه و واقعی بدست نمیاورند، آنها دانشی را که با آن مواجه اند بطور ذهنی در مورد آن ابتکاری میکنند، که شامل زبان، سواد آموزی و ریاضیات میشود. آن شاگردانی که بشکل انفرادی میاموزند آموختن معلومات مختلف یا جدید، معلومات قبلی خود را درک میکنند. آنها دانش جدید را با دانش قبلی یکجا نموده و بر اساس دانش نو شکل ساختاری جدیدی را به میان میاورند.

۴. بیانگر: برای یکجا نمودن نظریات، ساختار پر مفهوم، و بخاطر سپردن معلومات، شاگردان باید برای تمام فعالیت های ارتباطی از قبیل سخنرانی ها، نویسندگی، رسامی، فن شاعری، نمایشنامه، و هنر های بصری قایم کنند.

۵. انعکاسات: برای اینکه تعادل در تأکید تجارب شاگردان صورت گیرد، باید به شاگردان فرصت داده شود که معلومات کسب شدهٔ از تجارب خود را منعکس نماید که از موضوعات تدریس شده چی را به کدام اندازه آموخته اند و احساس کرده اند و برای شان تدریس گردیده است.

سه اصل اخیر: سه اصل اخیر و نهائی یادآوری میکند تا توجه خاصی را در قبال جنبه های اجتماعی و میان فردی در پروسه تدریس و آموزش در مکاتب داشته باشیم.

۱. اجتماعی: محیط اجتماعی خارج از صنف همیشه بالای آموزش تاثیر گذار میباشد. و آموزش باید اکثراً عمل متقابل باشد. و برای معلمین ضروری است که در داخل صنف عمل متقابل آموزش باشد تا شاگردان در آموزش شان پیشرفت داشته باشند.
۲. تعاونی: در آموزش تعاونی و فعالیت های آن، آموزش بهتر صورت میگیرد نسبت به روش های آموزش انفرادی..
۳. دموکراتیک: صنف نمونهٔ از اجتماع است، شاگردان میاموزند که منحیث یک همشهری در مکتب چطور زندگی کنند.

تشریحات دیگر در مورد اصول های تجارب موفق که شاید محتوا را بیشتر واضح سازد، قبلاً ارائه گردیده است.

بخش ۶: مجموعه دیگری از اصول تجارب موفق

۱. آموزش و تدریس باید شاگرد محوری باشد، و این نکته را از دلچسپی، علاقه و سوالات شاگردان میتوان دریافت کرد. شاگرد محوری در یک مکتب در برگیرنده حس کنجکاوی شاگردان است که نزد شاگردان سوالاتی از خود شان طرح میگردد که فکرمیکنند از کدام درس چقدر آموخته میتوانند و چی را میخواهند که بیاموزند. معلمین شاگردان را کمک کنند که لست از سوالات را ترتیب دهند و سپس از تجارب شان استفاده نموده و لست آنها را شکل بدهند و به تحقیق درباره موضوعات ذیل آغاز کنند. بعضی اوقات این را ایجاد مجموعه مینامند که شاگردان را وادار میسازد که بیشتر بر موضوعات توجه کنند و همیشه آماده باشند. معنی اصطلاحی ایجاد مجموعه به این معنی است که شاگردان تا حد نهائی برای موضوعات باید آماده باشند. معلمین شاگرد محوری را باید طوری ایجاد کنند که در بر گیرنده تمام مهارت ها، محتوای دانش برابر به برنامه های تحصیلی و یا مطابق به نصاب تعلیمی ملی بوده و بر علاوه آن همیشه در تسلسل بوده و مختلط و به هم آمیخته باشد. مگر شاگرد محوری معنی معلم غیر فعال را ندارد، معلمین نیز باید به نیاز ها و خواست های که باعث انکشاف شاگردان میشود توجه داشته باشند. معلمین باید از این تجارب قسمی استفاده کنند که شاگردان از درس لذت برده و بطور عمیق داخل موضوع گردند. مهم است تا معلمین نیز به صنف دلچسپی داشته باشند، تا بدانند که چطور میتوانند شاگردان را در موضوعات مختلف دخیل سازند. بنابرین شاگرد محوری در تعلیم و تربیه در آغاز باید با زندگی واقعی شاگردان یکجا باشد. معلمین باید همیشه به خواست ها و سوالات شاگردان گوش فرادهند و تعادل را میان شاگردانیکه فعالیت ها را تعقیب میکنند و آنهائیکه به رهنمائی نیاز دارند حفظ کنند. تا باشد که آنها را رهنمائی کنند.
۲. مکاتب باید تا حد امکان تاکید بیشتر بر آموزش تجربی داشته باشند.
۳. شاگردان درس را با انجام دادن فعالیت، خوبتر درک میکنند نسبت به اینکه صرف بشنوند. این یک موضوع ساده روانشناسی بوده که در مضامین مختلف به طور مختلف تطبیق میگردد. شاگردان در مضمون خوانش و آئین نگارش با ساختن و ترتیب کردن و خواندن تمام متن های اصلی بیشتر میدانند نسبت به انجام دادن تمرینات و



حفظ کردن مواد. در ریاضیات کار کردن با اشیأ – تنظیم کردن، حساب کردن و آماده کردن نمونه ها برای اعداد و اشکال و انجام پروژه های دیگر که شامل جمع آوری معلومات، تخمین کردن، محاسبه کردن، طرح نتیجه گیری و تصمیم گیری میباشد میتوانید انجام دهید. در مضامین ساینس راه اندازی آزمایشات، و ساختن سیر علمی منطقوی برای تحقیق حالات. در مضامین علوم اجتماعی شاگردان میتوانند از نظریات و اعتقادات بررسی داشته باشند و میتوانند که یک راپور گروپی تهیه کنند تا به دیگر اعضای صنف تدریس گردد. و نیز میتوانند تمثیل و تماشا و نمایشنامه از واقعات و رویداد های مشهور تاریخ را تمثیل کنند. در تمام مضامین مکتب مقصد اصلی کمک نمودن به شاگردان است که درباره موضوعات دقیقتر و بیشتر فکر کنند، مفهوم اساسی موضوعات را درک کنند.

۴. در تمام مضامین باید آموزش کلی باشد. در نصاب تعلیمی عنعنوی معلومات به شکل جدا جدا و قسمت قسمت برای شاگردان ارائه میگردید در حالیکه معلمین چنین تدریس را پر مفهوم و درک احتمالی یک مضمون میدانستند، هدف و مفهوم برای شاگردان واضح نبود.

این روش از جز به کل برای شاگردان قابل تحلیل نبوده و شاگردان نمیدانستند که به چه دلیل آنها چنین فعالیت ها را انجام میدهند. همچنان این روش شاگردان را از حالت اساسی آموزش بی بهره میساخت، بنابرین شاگردان نمیتوانستند که مواد درسی را بصورت کلی آن بدانند و همینطور محتوا را نیز نمیدانستند.

ما میدانیم که شاگردان نیاز برای داشتن مهارت و توانائی ها را دارند مانند نوشتن املاء و ضرب کردن، و ارزشیابی شواهد خوب برای نوشتن استدلال. مگر آموزش کلی به معنی حاصل کردن توانائی ها بطور مؤثر با رفتن از کل به جز به طور مثال زمانیکه شاگردان تمام کتاب ها را مطالعه میکنند، تمام قصه ها را مینویسند، و حل معادلات را در دوباره رفتن به جز و همچنان از جز به کل میتوانند.

بخش ۷: چک لست معلمین مسلکی شش ساحه تجارب موفق

۱. مشارکت و کمک به تمام شاگردان در آموزش.
۲. ایجاد، برقرار داشتن و حفظ کردن محیط آموزشی مؤثر برای آموزش شاگردان.
۳. سازماندهی مضامین تخصصی برای آموزش شاگردان.
۴. طرح پلان آموزشی و آموزش تجربی برای تمام شاگردان.
۵. ارزیابی آموزش شاگردان.
۶. رشد و انکشاف به حیث یک ماهر مسلکی تعلیم و تربیه.

تجربه موفق اول

مصروف کردن و حمایت تمام شاگردان در آموزش

معلمین میدانند و توجه دارند درباره اینکه شاگردان خود را در آموزش به کار گمارند یعنی آنها را مصروف به درس سازند. آنها آموزش را با دانش قبلی، پس منظر شاگردان، تجارب شاگردان و دلچسپی شاگردان ارتباط دهند. آنها مضامین تخصصی را با مفهوم زندگی واقعی ربط میدهند. معلمین روش های مختلف تدریس، منابع و تکنالوژی ها را استفاده میکنند تا نیازمندی های آموزش شاگردان را مرفوع سازند. آنها فکر کردن عمیق را توسط تحقیق، حل مشکلات و منعکس ساختن انکشاف میدهند. آنها از شاگردان مراقبت میکنند تدریس و رهنمائی ها را سازگار به شاگردان میسازند.



۱,۱ با استفاده از دانش شاگردان را درآموزش دخیل سازند

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- شاگردانم را منحیث مردم عام و منحیث شاگرد میشناسم.
- دلایل را برای سلوک و بر خورد درک کردم.
- یک برخورد و سلوک خاص را در شاگردان تشخیص کرده ام.
- با شاگردان اعتماد را بناء نهادم و بر قرار کردن ارتباطات را پرورش دادم تا شاگردان بشکل علمی ترقی کنند.
- تدریس را قسمی تنظیم کردم که انعکاس دهنده دانش شاگردان باشد.
- تدریس مختلف را بر اساس چیز هایکه در مورد شاگردان میدانم مانند توانائی ها، دلچسپی ها و نیاز های شان مهیا کردم.
- شناخت والدین شاگردان و ارتباط آن به جامعه که ما درآن زندگی داریم.

۱,۲ ارتباط دانش قبلی شاگردان به سابقه تعلیمی تجارب زندگی و دلچسپی های آنها

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- کمک نمودن شاگردان برای ایجاد ارتباطات میان دانش قبلی و مواد جدید تدریس.
- ارتباط دادن صنف درسی با تجارب زندگی و پس منظر فرهنگی.
- کمک به تمام شاگردان برای استفاده مهارت های زبان اول و دوم و رسیدن به اهداف آموزشی.
- باز نمودن یک درس و یا یک بخش کتاب برای جلب نمودن توجه و دلچسپی شاگردان.
- طرح نظریات و سوالات در جریان درس به خاطر درک بیشتر شان.

۱,۳ ارتباط مضامین تخصصی به متن زندگی واقعی و پر مفهوم

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- ایجاد ارتباط میان مضمون تخصصی و هدف آموزش
- ایجاد ارتباط میان مضمون تخصصی و متن زندگی واقعی
- طلب بازدهی و عکس العمل شاگردان درباره مضمون تخصصی و زندگی شان.
- به کار گماشتن تمام شاگردان در آموزش تجارب مختلف که راه های مختلف را برای آموزش مساعد میسازد.
- فراهم آوری فرصت ها برای تمرین نمودن تمام مهارت ها در محتوای پر مفهوم.

۱,٤ استفاده از روش های تدریس، منابع، و تکنالوژی های مختلف برای تکمیل نمودن نیاز های شاگردان

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- انتخاب شیوه های تدریس مختلف برای مصروف ساختن شاگردان به درس.
- استفاده میتودهای مختلف تدریس برای معرفی و تشریح محتوای مضمون تخصصی و پروسه آن تا تمام شاگردان آنرا درک کنند.
- استفاده رهنمائی های مختلف برای دانستن نیاز های اساسی آموزشی شاگردان و ازدیاد مشارکت فعال شاگردان در آموزش.
- تهیه و تدارک مواد و منابع، تهیه وسایل تسهیل کننده و استفاده از لوازم مناسب کمکی و تکنالوژی های دیگر برای آموزش مختلف شاگردان.
- به کار بردن تکنالوژی متعدد برای تسهیل آموزش شاگردان.
- باز رسی و استفاده منابع، برای کاهش مشکلات.



۱,۵ رشد و انکشاف تفکر عمیق توسط تحقیق، حل مشکلات، انعکاس دادن و بازتاب

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند»

- تشویق شاگردان برای استفاده روش ها و راه حل برای مشکلات.
- تشویق شاگران برای پرسیدن سوالات مغلق و ملاحظات مختلف و گوناگون، در مورد مضامین تخصصی.
- میسر ساختن فرصت ها برای شاگردان تا در باره محتوای مضامین بحث و ارزیابی کنند.
- پرسیدن سوالات برای تسهیل مباحثات، واضح کردن و توسعه دادن افکار شاگردان.
- کمک شاگردان برای تفکر و گفتگوهای واضح و روشن.
- کمک شاگردان برای تطبیق آموزش قبلی در حالات جدید.
- تشویق شاگردان برای خلاقیت، تصورات و اختراعات.
- کمک شاگردان برای انکشاف و استفاده روش ها و تکنالوژی برای دسترسی به دانش و معلومات.

۱,٦ مراقبت آموزش شاگردان و رهنمائی ها در هنگام تدریس

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- فهم و درک شاگردان را به شکل دوامدار بررسی کنید و پلان درسی را بر طبق آن اصلاح کنید.
- برای درک و فهم شاگردان در درسهای تان استراتیژی های مختلف را جا دهید.
- مراقبت آموزش شاگردان و تشخیص نیاز های آنها.
- تجدید پلان درسی و سرعت بخشیدن آن، زمانیکه تشخیص گردد که سرعت درس بسیار کم است.
- تغیر آوری در پلان درسی در آغاز، نظر به دلچسپی و سوالات شاگردان.
- تهیه کمک ها و فرصت های بیشتر برای آموزش شاگردان زمانیکه بعضی شاگردان به اهداف نایل شده باشند و بعضی شان نه شده باشند.
- تجدید نظر در پلان درسی زمانیکه وقت کافی برای تطبیق پلان باشد.

تجربه موفق دوم

ایجاد و حفظ محیط مناسب و موثر برای آموزش شاگردان

معلمین رشد اجتماعی و مسؤلیت ها را انکشاف میدهند جامعهٔ که در آن با شاگردان منصفانه و با احترام برخورد میگردد. آنها فضای آموزشی را ایجاد میکند که دارای انعکاس مختلف، و عمل متقابل مؤثر و ساختار گرا، میان شاگردان باشد. آنها فضای آموزش را قسمی ایجاد و حفظ میکنند که شاگردان بطور فزیکی و روانی احساس امن کنند. معلمین محیط آموزشی خیلی دقیق را با توقعات و کمک های مناسب برای شاگردان مهیا میسازند. معلمین شاگردان را انکشاف داده و با آنها مکاتبه میکنند. در صنف درسی روزمره روند، نورم، و کمک برای شاگردان که فعال نیستند موجود بوده و محیط آموزشی برای آنها محیا است که همه آنها میتوانند بیاموزند. و همچنان معلمین به آموزش خوش بین بوده و اوقات بیشتر را در رهنمائی ها سپری میکنند.

۱,۲ رشد و انکشاف اجتماع و مسؤلیت ها با جامعه ئی که در مقابل شاگردان برخورد منصفانه و احترامانه صورت میگیرد

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- فضائی صنف را با عدالت، اتحاد و احترام ترقی دهید مانند یک نمونه تا ارزش های فرهنگی و معنوی افراد حفظ گردد.



- کمک شاگردان برای قبول نمودن و احترام گذاشتن به فرهنگ، نژاد، مذهب، زبان و اقتصاد شاگردان تفاوت های آموزشی و توانائی ها، هویت و جنسیت، ساختار فامیلی و دیگر جوانب را نیز احترام کنید.
- مصروف ساختن شاگردان در شریک نمودن مشکلات با همدیگر و دریافت راه حل و همچنان حل نمودن مناقشات با همدیگر.
- تهیه فرصت های آموزشی تا باشد که شاگردان با همدیگر با یکدلی و محبت مفاهمه و درک نمایند.
- انکشافات مهارت های رهبریت و فرصت های تطبیق آن.
- ایجاد فرهنگ در صنف درسی تا باشد که شاگردان احساس مسولیت بر آن و با همدیگر کنند.
- کمک با شاگردان تا به هویت خود افتخار نموده و خود را منحیث شخص با ارزش و کمک کننده به جامعه خود نشان دهند.
- انکشاف فعالیت ها و عمل های متقابل در بین شاگردان که باعث کمک به آنها گردد تا همدیگر را خوبتر بشناسند.

۲,۲ ایجاد محیط آموزشی که باعث ترقی، آموزش، انعکاس مختلف، تشویق و رهنمائی های ساختاری و موثر در بین شاگردان میگردد

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- تجهیز و تنظیم صنف باید نظر به نیاز های شاگردان صورت گیرد.
- ایجاد یک نصاب متحرک و پر انگیزش برای محیط آموزشی صنف که باعث کمک آموزش اکادمیک و انکشاف اصطلاحات اکادمیک گردد.
- اطمینان براینکه شاگردان تنوع را تقدیر و تشویق نمایند.
- تهیه و تدارک، دست رسی شاگردان به منابع، تکنالوژی و صنف ها با سهولت های مناسب.
- ایجاد فضائی آموزشی جهت آموزش برای هر شاگرد.
- ساختار یک محیط آموزشی مساوی برای تمام شاگردان.

۳,۲ ایجاد و حفظ فضای صنف آموزشی جهت مسؤنیت فزیکی، ذهنی و احساسی.

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- تنظیم محیط آموزشی برای تسهیل دهی مثبت و مؤثر عمل متقابل در صنف
- تشویق، کمک و تشخیص دست آورد ها و هم آهنگی تمام شاگردان
- تشویق شاگردان برای بیان کردن افکار و نظریات شان در باره موضوع و یا مضمون مورد بحث
- انکشاف سریع و لایق شدن هر شاگرد
- ایجاد فضائی محفوظ و آموزش قابل دسترس برای تمام شاگردان

٤,۲ ایجاد فضای آموزشی خیلی دقیق که توام با توقعات زیاد باشد و کمک های مناسب برای تمام شاگردان

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- ایجاد فضائی مؤثر با دست آورد ها در صنف.
- داشتن توقعات زیاد از تمام شاگردن.
- تحریک و تشویق تمام شاگردان برای آشکار کردن آموزش و آماده گی چالش های اهداف آموزش.
- تهیه فرصت ها برای تمام شاگردان تا کار های خود را آزمایش و ارزیابی کنند و از کار های همتائی خود بیاموزند.
- اطمینان دست یابی شاگردان به محتوای اکادمیک و چالش های مختلف.



۲,۵ انکشاف مفاهمه و حفظ ستندرد ها برای سلوک افراد و گروپ

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- تسهیل دهی شاگردان در سهم گیری تصمیم گیری های صنف.
- کمک های سریع برای شاگردان با سلوک های مناسب.
- هماهنگی با فامیل ها، فامیل ها و اجتماع برای حفظ و ایجاد ارتباطات و مفاهمه ستندرد برای سلوک شاگردان.
- درک اصول های اساسی سلوک شاگردان، انکشاف نیازمندی های افراد و بکار گرفتن دانش در کمک مثبت در پیش رفت صنف.
- کار بیشتر برای جلو گیری و جواب سریع برای کم کردن مشکلات سلوکی.
- درک و جواب برای سلوک و برخورد های نا مناسب و حل آن از راه مناسب و منصفانه.
- کمک شاگردان برای آموزش و دانستن مسؤلیت های شان درباره سلوک و کار های شان.

۶,۲ به کار گیری پروسیجر، نورم و کمک برای سلوک مثبت روزمره در صنف و اطمینان بر اینکه فضائی آموزشی برای تمام شاگردان مساعد است

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- دخیل نمودن تمام شاگردان در انکشاف پروسیجر های روزمره صنف.
- کمک به شاگردان در عبور از یک فعالیت و به فعالیت بعدی بطور مؤثر و ساده.
- کار برد و تطبیق دانش فزیکی، اجتماعی و دانشی و انکشاف احساس برای اطمینان بر اینکه وقت و کمک های مساوی و منصفانه برای تمام شاگردان مهیاء گردید تا فعالیت های آموزشی خود را انجام دهند.
- انکشاف تقسیم اوقات روزانه، کار های عادی روزمره صنف و نورم هاییکه باعث آموزش بیشتر میگردد.
- جور کردن پروسیجر و نورم روزمره برای اطمینان موفقیت شاگردان با نیاز های مشخص.

۷,۲ استفاده از وقت رهنمائی برای خوش بینانه ساختن آموزش

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- سازماندهی درس برای خوش بینانه ساختن وقت آموزش.
- تدریس سریع برای تکمیل نمودن اهداف آموزش.
- منسجم نمودن حواس شاگردان در حیطه فعالیت تا اینکه ما بتوانیم از ضیاع وقت جلوگیری نمایم.
- تنظیم کردن اوقات تدریس برای اینکه تمام شاگردان مصروف باقی بمانند.
- ساختار وقت و فرصت ها برای آموزش مستقل و آموزش تعاونی.
- تعادل آماده گی های اوقات اداری و تدریسی.

تجربه موفق سوم

سازماندهی مضامین تخصصی برای آموزش شاگردان

معلمین کار برد دانش عمیق مضامین تخصصی، ستندرد های محتوای اکادمیک، و ساختار نصاب را ارائه میکنند. آنها دانش و انکشاف مسلکی شاگردان را به کار میبرند تا مطمئن گردند که شاگردان محتواء را درک نموده اند. آنها نصاب را سازماندهی میکنند تا برای درک و فهم شاگردان بر مبنای مضامین تخصصی تسهیل بخشند. معلمین استراتیژی های تدریسی که بر مضامین تخصصی مناسب است به کار میبرند. آنها از منابع مختلف از قبیل تکنالوژی، و استندرد ها با مواد



تدریس هم ردیف مینماید برای اینکه آموزش مضامین تخصصی برای تمام شاگردان قابل حصول گردد. آنها تمرکز بیشتر بر نیاز های شاگردانی که زبان دوم را میاموزند و شاگردانی که نیاز های خاص دارند با تهیه نمودن مساوات و دسترسی بر محتواء و صرف نظر از جنسیت، تعصبات نژادی، فرهنگی، زبانی، توانائی ها و ناتوانی ها توجه میکنند.

۱,۳ نمایش دانش مضمون تخصصی، ستندرد ها محتوای اکادمیک و ساختار نصاب تعلیمی

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- اطمینان براینکه دانش مضمون تخصصی شما به حد کافی است و میتوانید که شاگردان را در آموزش کمک کنید.
- ادامه و نگهداشت دانش متداول مضمون تخصصی.
- تشخیص، درک و تدریس موضوعات کلیدی، اصولی و اساسی ساختن ارتباطات در محتویات ستندرد اکادمی و ساختار نصاب تعلیمی موجوده.
- مختلط نمودن مفاهیم کلیدی، موضوعات، ارتباطات و رابطه با تمام نکات مضمون تخصصی.
- اطمینان بر اینکه دانش شما در مضمون تخصصی تان در بر گیرنده نظریات مختلف بوده و به نحوی برای تنظیم درس و دسپلین صنف مناسب باشد.
- حفظ کردن و به کار گرفتن درک و فهم مرتبط به محتواء ستندرد ها و ساختار آن.

۲,۳ کاربرد دانش انکشاف و تخصص شاگردان برای اطمینان درک و فهم شاگردان از مضمون تخصصی

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- کاربرد دانش انکشاف شخص و آموزش تیوری برای شاگردان مبتکر که من تدریس میکنم
- حاصل کردن درک شاگردان بشکل انفرادی دانشی، اجتماعی، احساسی و رشد فزیکی
- مرتبط نمودن محتوای که تدریس میگردد با دانش و تجارب قبلی شاگردان
- بنا کردن درک و فهم شاگردان که زبان دوم میاموزند سطح فراگیری زبان به خاطر دانستن کمک های بهتر در آموزش شان
- ایجاد درک و فهم شاگردان با نیاز های خاص ومهم به خاطر دانستن اینکه چی وقت و چطور در تدریس تغیر آورد؟

۳,۳ سازماندهی نصاب برای تسهیل درک و فهم شاگردان درمضامین تخصصی

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- استفاده از دانش و آماده گی های شاگردان برای آموزش، برای سازماندهی، ترتیب و افزایش نصاب تعلیمی.
- کاربرد دانش من درمضمون تخصصی برای تنظیم نصاب، ترتیب پلان درسی و انتخاب روش های تدریس که نشان دهنده مفاهیم عمده میباشد.
- سازماندهی مضامین تخصصی برای آشکار ساختن ارزش های متفاوت فرهنگی و جنبه های فکری.
- یکجا کردن توقعات مضمون و صنف در ساختار نصاب تعلیمی و سازماندهی موضوعات مضمون.
- به کار بردن ستندرد ها و پذیرش نصاب توسط طریقه هاییکه که در آموزش شاگردان مؤثر باشد.

٤,۳ کار برد استراتیژی های تدریس که برای مواد مضامین تخصصی مناسب است

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- انکشاف و استفاده از روش های مختلف و مناسب در مضمون تخصصی.
- غنی ساختن تجارب زنده گی دانش قبلی شاگردان و افزایش علاقمندی شاگردان که به این طریق مفهوم درس برای شاگردان واضح بوده و درک آن آسان میگردد



- استفاده میتود ها و روش های تدریس مؤثر که نشان دهنده محتواء و ارتباط آن با تمام ساحات مضمون باشد.
- روبرو ساختن تمام شاگردان به چالشها تاکه در ساحه مضمون عمیق تفکر کنند.
- کمک کردن به شاگردان که در مضمون تخصصی عمیق فکر کنند و به آن علاقمندی پیداکند.
- استفاده روش هاییکه موضوعات گنگ و مغلق را قابل درک برای شاگردان بسازد.

۵,۳ استفاده از منابع، تکنالوژی و ستندرد های هم ردیف با مواد درسی، شامل تهیه مواد که مضمون تخصصی را برای تمام شاگردان قابل دسترس میسازد

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- دانستن تمام انواع مواد، منابع و تکنالوژی که توسط مکتب تهیه گردیده است.
- انتخاب مواد، منابع و تکنالوژی که به تمام شاگردان در آموختن مضمون تخصصی کمک نماید.
- انتخاب و استفاده مواد آموزشی و منابع که دارای انعکاس متنوع در صنف باشد.
- استفاده تکنالوژی که انتقال دهنده مفاهیم عمده در مضمون تخصصی باشد.
- آموزش درباره دسترسی به منابع تدریسی جدید که کمک کننده آموزش شاگردان باشد.

۶,۳ تمرکز بر نیازمندی های شاگردانی که زبان دوم را میاموزند با نیازمندی های خاصی که باید دسترسی مساویانه در محتواء برای شان تهیه گردد

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- ستندرد های تدریس و آموزش زبان دوم که در فراگیری به سطح زبان دوم شاگردان من رسیده اند در نظر گرفته اند.
- بر اهداف و مقاصد شاگردان من با نیاز های خاص، پلان تعلیمی انفرادی(IEP) در نظر گرفته اند.
- مواد، منابع و تکنالوژی های که برای مضمون تخصصی و شاگردانی که زبان دوم میاموزند و نیاز های خاص دارند کمک کننده باشد، در نظر گرفته اند.
- اطمینان دسترسی بر مفاهیم و موضوعات مغلق در ستندرد های محتوای اکادمیک و ساختار نصاب موجوده برای شاگردان در سطوح مختلف آموزش تخصصی زبان و شاگردان با نیاز های خاص.

تجربه موفق چهارم

پلان درسی و طرح تجارب آموزشی برای تمام شاگردان

معلمین با استفاده از دانش شاگردان آماده گی های اکادمیک، تخصص در زبان، پس منظر فرهنگی، و انکشاف انفرادی پلان های تدریس خود را تهیه میکنند. و اهداف خود را برای آموزش شاگردان دنبال میکنند. آنها کورس های کوتاه مدت و دراز مدت را برای کمک به آموزش شاگردان پلان میکنند. معلمین پلان درسی خود را با استراتیژی های مختلف یکجا نموده تا نیاز های متنوع تمام شاگردان مرفوع گردد. آنها پلان های درسی را طوری ترتیب میدهند که آموزش شاگردان را مورد ارزیابی قرار داده و تمام نیاز های شاگردان مرفوع گردد.

۱,۴ استفاده از دانش آماده گی های اکادمیک، تخصص در زبان، پس منظر فرهنگی و انکشاف انفرادی شاگردان پلان درسی خود را ترتیب میدهند.

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- ارتباط دادن دانش قبلی و تجارب شاگردان در نصاب تعلیمی و پلان درسی.



- استفاده از معلومات در مورد زندگی شاگردان، فامیل های آنها و اجتماع آنها و داشتن معلومات برای ترتیب نمودن پلان های نصاب تعلیمی و پلان های درسی.
- استفاده از دانش شاگردان در درک و دانش انفرادی، اجتماعی، احساسی و انکشاف فزیکی برای تهیه پلان درسی و تطبیق مناسب آن برای مرفوع نمودن نیاز های عمده شاگردان.
- تنظیم پلان درسی که برای ترقی و دسترسی شاگردان به محتوای اکادمیک و ستندرد ها برای تمام شاگردان.
- استفاده از دانش آموزش زبان دوم شاگردان در بلند بردن سطح تخصص زبان برای تهیه کتب درسی، کمک و سهولت برای آموزش مضامین تخصصی و انکشاف زبان.
- استفاده از دانش شاگردان برای آموزش نیاز های گوناگون و تهیه پلان درسی که برای آموزش شاگردان تسهیل کننده باشد.

۲,٤ تعین اهداف آموزشی شاگردان

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- بناء نهادن قوت و نیرو، دلچسپی ها و نیاز های تمام شاگردان برای ایجاد توقعات بیشتر برای آموزش شاگردان.
- ایجاد اهداف کوتاه مدت و دراز مدت بر اساس محتوای اکادمیک و ستندرد ها و انعکاس توانائی ها، دلچسپی ها و نیاز ها.
- تشخیص اهداف آموزش که تمرکز بر تمام شاگردان از لحاظ توانائی های زبان و نیاز های گوناگون آموزش داشته باشد.
- ایجاد اهداف آموزش بر اساس توقعات مکتب، ولسوالی و اجتماع باشد.
- کار کردن با شاگردان و فامیل های شان برای رسیدن به اهداف آموزش.
- انکشاف اهداف آموزشی که شاگردان را به آموزش بعدی شان آماده و کامیاب میسازد.
- افهام و تفهیم واضح، پر چالش و توقعات قابل دسترس برای تمام شاگردان.

٤,۳ انکشاف و تسلسل پلان های درسی کوتاه مدت و دراز مدت برای کمک به آموزش شاگردان.

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- طراحی یک پروگرام درسی که در آن مدت کوتاه و مدت دراز در نظر گرفته شده باشد.
- استفاده از نتیجه ارزیابی برای ترتیب پلان های کوتاه مدت و دراز مدت.
- یکجا نمودن جوانب مختلف مضامین تخصصی در ترتیب پلان.
- انتخاب تسلسل استراتیژی های مناسب درسی برای محتوای درس های مغلق برای نیاز ها و آموزش شاگردان.
- تنظیم پلان پروگرام درسی کمک کننده برای شاگردان که زبان دوم را میاموزند و دارای نیاز های گوناگون اند.
- یکجا نمودن نظریات متخصصین مسلکی و دانش شاگردان در نصاب تعین شده و ارزیابی آن بخش.
- تعاون با همکاران در تصمیم گیری درسی.
- طراحی پلان های تدریس بخاطر سهم گیری شاگردان و دست آورد های انفرادی اهداف آموزش.

٤,٤ پلان گذاری تدریس با استراتیژی های مناسب برای مرفوع کردن نیاز های آموزشی شاگردان

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- انکشاف پلان های تدریس برای بهبود و توسعه درک و فهم شاگردان در مضامین تخصصی



- اطمینان بر اینکه هر روش تدریس ارتباط به اهداف آموزشی دارد
- پلان تدریس طوری ترتیب گردد که وقت کافی برای آموزش، مرور بر درس و ارزیابی باشد
- استفاده دانش مضمون تخصصی، و شاگردان برای تهیه پلان درسی مناسب که در برگیرنده فعالیت ها و وقت بیشتر باشد
- بررسی درک و فهم شاگردان، آماده گی برای اصلاح و عیار ساختن و سرعت بخشیدن تدریس در وقت مناسب به حالت ویژه گی در آوردن که با شرایط انفرادی توافق کند.
- معلومات بیشتر در مورد ستندرد های آموزش زبان دوم به طور مناسب، و بر اساس سطح کسب کسانی که زبان دوم میاموزند
- معلومات بیشتر در مورد نیاز های ویژه شاگردان که شامل انکشاف پلان انفرادی تعلیم و تربیه (IEP) و انکشاف اهداف و مقاصد تدریس باشد.
- انتخاب مواد درسی، منابع و تکنالوژی های که برای آموزش شاگردان زبان دوم کمک کننده باشد همچنان برای شاگردانی که نیاز های ویژه دارند مفید واقع شود.

٥,٤ ترتیب پلان درسی و مواد تحصیلی برای ارزیابی و مرفوع کردن نیاز های آموزشی تمام شاگردان

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- گفتگو ها و نشست ها با همکاران برای تشخیص مشکلات شاگردان در محتوای درس و یا در مهارت ها بخاطر ساختن پلان قویتر و نیرومند تر درآینده.
- آماده گی برای اصلاح و تغیر مناسب بر اساس ارزیابی شاگردان آموزش شاگردان در هنگام تدریس.
- موجودیت پلان های قوی درسی بعد از تشخیص سطح تخصصی شان در آموزش زبان دوم.
- موجودیت پلان های قوی آموزشی مطابق نیاز های خاص شاگردان.
- محاسبه بر موفقیت ها و تطبیق موضوعات که آموخته ام در باره مؤثریت و نا مؤثریت روش های تدریس و موجودیت پلان برای دروس آینده.
- بدست آوردن مضوعات که در یک درس مشخص آموخته ام بخاطر بازدید و تغیر پلان ها دوباره قبل از آغاز تدریس.

تجربه موفق پنجم

ارزیابی آموزش شاگردن

معلمین دانش اهداف و مشخصات را تطبیق و از انواع ارزیابی استفاده میکنند. آنها معلومات ارزیابی را از منابع مختلف جمع آوری و تحلیل نموده و برای آگاهی تدریس از آنها استفاده میکنند. آنها معلومات را به طور انفرادی و با همکاران خود بازنگری و آموزش شاگردان را نظارت میکنند. معلمین معلومات ارزیابی را برای تعین پلان ها واهداف، و برای اصلاح و بهبود تدریس استفاده میکنند. آنها شاگردان را در ارزیابی خودی، تعین اهداف و بهبود تدریس دخیل میسازند. معلمین تکنالوژی قابل دسترس را برای بهبود در ارزیابی، تحلیل و مفاهمه و ارتباطات آموزش شاگردان استفاده میکنند.

١,٥ کار برد دانش، مشخصات، اهداف و استفاده از انواع مختلف ارزیابی

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- معلومات قابل درک در مورد انواع مختلف ارزیابی و استفاده از موثریت و محدویت های آن که در تدریس من جاگزین است.



- انتخاب روش ها و وسایل ارزیابی مناسب برای نتایج آموزش ارزیابی شده.
- استفاده از دانش و محتوای ارزیابی مانند اعتبار و اعتماد برای انتحاب ارزیابی مناسب برای شاگردان.
- طراحی طبقه بندی گوناگون منابع مختلف معلومات و انعکاس آموزش شاگردان.

۲,۵ جمع آوری و تحلیل معلومات ارزیابی از منابع مختلف برای آگاهی تدریس

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- نگهداری یادداشت های متداوم و قابل درک از دست آورد های شاگردان به شکل گروپی و انفرادی.
- جمع آوری انتخاب و انعکاس بر شواهد آموزش شاگردان.
- کار با فامیل های شاگردان برای جمع آوری معلومات در مورد شاگردان و آموزش آنها.
- استفاده آزمون های معیاری و وسایل تشخیصی و انکشاف ارزیابی برای درک پیشرفت آموزش شاگردان.
- ارزیابی سلوک شاگردان برای کمک به آموزش.
- درک اینکه به یک ارزیابی چطور نمره داده میشود و معلومات در اصطلاح راپور دهی و نتایج چی معنی را افاده میکند.

۳,۵ باز نگری معلومات بشکل انفرادی و دسته جمعی برای مراقبت آموزش شاگردان

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- باز نگری معلومات ارزیابی شاگردان با همکاران با دسته جمعی.
- استفاده از نتایج ارزیابی برای نظارت تدریس و رهنمائی در پلان گذاری و تدریس.
- استفاده از معلومات ارزیابی برای تشخیص اینکه چی وقت و چطور محتوای که تدریس شده باز نگری گردد.
- استفاده از معلومات ارزیابی برای از بین بردن فاصله ها میان کارکرد های شاگردان و استعداد های نهانی آنها.
- استفاده از نتایج ارزیابی برای پلان تدریس و کمک بر شاگردان که زبان دوم میاموزند.
- استفاده از نتایج ارزیابی برای تهیه پلان تدریس برای شاگردان با نیاز های خاص و کمک به شاگردان (IEP) و یا پلان انفرادی تعلیم و تربیه.

٤,۵ استفاده از معلومات ارزیابی برای ایجاد پلان ها و اهداف آموزش جهت تفکیک کردن و اصلاح تدریس

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- دریافت معلومات ارزیابی برای کمک و انکشاف اهداف آموزش.
- بازدید و باز نگری اهداف آموزشی شاگردانیکه بعد از وقت می آموزند یا شاگردانیکه به وقت اضافی جهت تدریس ضرورت دارند.
- اطمینان اهداف آموزشی شاگردان محتویات کلیدی، مهارت ها و کاربرد ها.
- استفاده از ارزیابی غیر رسمی برای تنظیم رهنمائی در هنگام تدریس.
- استفاده از منابع مختلف برای ارزیابی و سنجش رشد و انکشاف شاگردان و بازنگری پلان های تدریس.
- کار برد پلان ها و اهداف متفاوت بر اساس نیازمندی های مختلف شاگردان.
- درک نیاز های مشخص شاگردانی که زبان دوم میاموزند و دارای نیاز های خاص اند قسمیکه از ارزیابی برای معلومات معلم استفاده میکنیم.



۵,۵ مشارکت تمام شاگردان در ارزیابی خودی، تعین اهداف و نظارت، رشد و ترقی شاگردان

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- استفاده از ارزیابی کامل در پروسه آموزش.
- ایجاد یک پروسه ارزیابی متقابل میان شاگرد و معلم.
- طراحی استراتیژی های ارزیابی برای تمام شاگردان.
- انکشاف و استفاده از وسایل و رهنمود ها که برای شاگردان کمک کننده باشد به کار های خود دقت و به اهداف آموزش خود نظارت داشته باشند.
- تهیه نمودن فرصت برای تمام شاگردان تا در مباحثات با همتای خود شرکت نموده و از کار خود محاسبه داشته باشند.
- مساعد نمودن فرصت ها برای تمام شاگردان تا دانش و آموزش خود را در داخل و خارج از صنف انعکاس و نمایش دهند.

۶,۵ استفاده از تکنالوژی مناسب و قابل دسترس برای تسهیل ارزیابی، تحلیل و ارتباطات و مفاهمه شاگردان (قسمیکه تکنالوژی در مکاتب افغانستان قابل دسترس است)

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- انتخاب منابع تکنالوژی های قابل دسترس که برای ارزیابی تسهیل آور باشد.
- استفاده از تکنالوژِی برای تحلیل آموزش شاگردان و آگاهی تدریس.
- استفاده از منابع تکنالوژی مناسب برای مفاهمه در مورد آموزش شاگردان با فامیل های شان.

۷,۵ استفاده از معلومات ارزیابی برای شریک ساختن بازدهی قابل درک شاگردان با فامیل های شان

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- فراهم آوری معلومات درباره رشد و انکشاف شاگردان، طوریکه آنها در فعالیت های شان مشغول اند.
- ایجاد ارتباطات متداوم و به وقت با فامیل های شاگردان و دیگر منابع که باعث رشد و انکشاف شاگردان میگردد.
- ارتباط و مفاهمه با فامیل های شاگردان در مورد نتیجه ارزیابی به طریقه احترامانه و قابل درک.
- تهیه زمینه ها برای فامیل های شاگردان تا از معلومات ارزیابی شاگردان برای بهبود آموزش شان در خانه نیز استفاده صورت گیرد.

تجربه موفق ششم

رشد و انکشاف به حیث یک مدرس ماهر و مسلکی تعلیم و تربیه

معلمین با تجارب تدریسی خود به خاطر بهبود آموزش شاگردان محاسبه میکنند. آنها اهداف مسلکی را تعین نموده و به شکل متداوم و با هدف در رشد و انکشاف مسلکی مشغول اند. آنها با همکاران خود مساعدت نموده و در توسعه جامعه مسلکی با معلمین و شاگردان در آموزش کمک میکنند. معلمین میاموزند و با فامیل ها کار میکنند تا شاگردان را در آموزش شان کمک کنند. آنها جامعه محلی را در کمک با پروگرام های تدریسی نامزد میسازند. آنها مسؤلیت های مسلکی را حفظ میکنند تا پر تحرک و خلاق باشند. معلمین نشان میدهند که سلوک اخلاقی مسؤلیت های مسلکی هستند.



۱,٦ محاسبه بر تجارب تدریس در کمک به آموزش شاگردان

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- ارزیابی انکشاف من به حیث یک معلم اضافه.
- آموزش در مورد تدریس طوریکه من با شاگردان خود عمل متقابل و مشاهده داشتم.
- محاسبه بر موفقیت های تدریسی و حرکت به پیش بسوی تمرینات.
- تحلیل تدریس برای درک اینکه چی نوع کمک و همکاری برای تدریس شاگردان صورت گیرد.
- آگاهی استعداد های نهانی شاگردان که شاید در تدریس و یا در آموزش شاگردان اثر گذار باشد.

۲,٦ تعین اهداف مسلکی و مشارکت در رشد و انکشاف مقاصد مسلکی و متداوم

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- حفظ و بر قراری سلوک و آموزش متداوم.
- تعیین اهداف و جستجوی فرصت ها برای رشد و انکشاف مسلکی.
- اطمینان بر اینکه اهداف مسلکی توسط منابع مناسب آگاهی یافته است مانند دانش بر اساس تدریس، اولویت های مکاتب و ناحیه ها، همکاران، ناظرین و سرپرست ها، مشوره دهنده ها، و محاسبه شخصی ما.
- استفاده از ادبیات مسلکی، انکشاف بخش مسلکی و دیگر فرصت های مسلکی که باعث ازدیاد درک و فهم در تدریس و آموزش میگردد.
- آکاهی و آموزش بیشتر در مورد قواعد و مسؤلیت های مسلکی خود ما.
- جستجوی متداوم بر روش هایکه نصاب تعلیمی را قابل حصول به تمام شاگردان میگرداند.
- توسعه دادن دانش و تطبیق موثر میتود و تکنالوژی های جدید.

۳,٦ مساعدت با همکاران و دیگر کمک ها در آموزش و تدریس شاگردان در یک جامعه مسلکی

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- مساعدت با معلمین، بخش اداری، متخصصین تعلیم و تربیه، معلمین همکار و دیگر کارمندان، والدین، فامیل ها و دیگر داوطلب ها و اطمینان بر اینکه نیاز های گوناگون شاگردان مرفوع و علاقمند به درس میشوند.
- پذیرفتن و شنیدن از بازتاب و بازدهی همکاران، مشاوران و دیگر آمرین در کمک به تجارب تدریس و آموزش شاگردان.
- کمک به اهداف ملی و اولویت های مکاتب، ولسوالی ها و ولایات.
- همکاری با مکاتب به پیمانه های وسیع فعالیت ها و اتخاذ تصامیم.
- ایجاد و حفظ ارتباطات مؤثر با دیگر مکاتب و کارمندان تا اینکه به حیث عضو با ارزش و مفید در جامعه و مکتب باشند.
- کمک و مساعدت در تعلیم و آموزش معلمین دیگر.
- مساعدت و منفعت گرفتن از موسسات مسلکی دیگر برای بهبود تدریس.
- منفعت اضافه نمودن دانش بر اساس مسلک.

٤,٦ همکاری فامیل ها در آموزش شاگردان

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- دانستن در مورد پس منظر قبیلوی، نژادی، فرهنگی، زبانی و دیگر معلومات اجتماعی و اقتصادی فامیل های شاگردان.



- مشارکت فامیل ها به حیث منابع دانش در مورد قوت، دلچسپی، و نیاز های شاگردان و کمک در آموزش و رشد و انکشاف شخصی آنها.
- پیشکش پروگرام های تعلیمی برای تمام فامیل های شاگردان به شکل دقیق و قابل درک.
- مساعد نمودن فرصت ها برای تمام فامیل های شاگردان و مشارکت آنها در صنوف درسی جامعه و مکتب.

٥,٦ مشارکت جامعه محلی در کمک به پروگرام های تدریس

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- ازدیاد درک و فهم در مورد فرهنگ های محلی شاگردان.
- قدردانی و ارزش دهی برای محلی که شاگردان در آن زیست دارند و قدردانی نقش محلی در آموزش شاگردان.
- تشخیص خدمات اجتماعی و منابع برای مؤثریت شاگردان و فامیل های آنان، محله ها و مردم محل.
- جستجو کردن منابع اضافی از مردم محلی جهت استفاده از کار و حرفه ها به هدف کمک بر آموزش شاگردان.
- مهیاء نمودن تجارب محلی که شاگردان را در آموزش شان کمک کند.

٦,٦ اداره و تنظیم مسولیت های مسلکی برای حفظ تحرک و کارکرد های تمام شاگردان

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- رقابت با خلاقیت و ذکاوت خود و تمام مسلک ام.
- دریافت کمک و انکشاف استراتیژی ها برای مسولیت های مسلکی و نیاز های شخصی.
- تاکید و حفظ سلوک مثبت با شاگردان و همکاران.
- همکاری و مساعدت با مشکلات معلمین.
- تشخیص منابع که با تجدید کار های مسلکی کمک می کند.

٧,٦ اثبات مسولیت های مسلکی، سلوک و رفتار اخلاقی

زمانیکه معلمین رشد و انکشاف میکنند از خود میپرسند که «چی را چطور انجام میدهند؟»

- درک آگاهی و تایید دستورالعمل های مسلکی، مسولیت های سلوکی و رفتاری و مقررات قانونی قابل تطبیق در مسلک.
- مساعدت و کمک با مکتب و موفقیت شاگردان با درک و فهم اهداف آموزشی، ستندرد ها، و مقاصد ایجاد شده و مرتبط به کشور موسسات محلی و شرکاء.
- معلومات بیشتر مسلکی و انجام وظیفه در مکتب، ناحیه، ولایت و تعقیب پالیسی ها و رهنمائی های متحدانه.
- توسعه دانش مسلکی و مسؤلیت های قانونی برای آموزش، سلوک و امن شاگردان
- حفظ سلوک مسلکی در صنف و در مکتب.
- رفتار مناسب با شاگردان و فامیل های شان در خارج از صنف درسی.
- به نمایش گذاشتن وظایف مسلکی به شاگردان، همکاران و مکتب.

نتیــجه گیری

در این فصل شاید بعضی نظریات اصول ها برای خوانندگان تکراری باشد. اگرچه تکرار این مطالب قصدی و عمدی میباشد. هدف برای معلمین این است تا تکراری از طریقه های مختلف تجارب موفق که در تحقیق پیداگوژی و ادبیات بطور مکرر مورد بحث است اطلاع حاصل کنند و برای مستحکم نمودن آن توسط تکرار بر تجاربی که بیشتر تکرار و تاکید گردیده است تجاربی اند که در صنف درسی برای آموزش و تدریس بیشتر قابل رشد و بهبود شاگردان میباشند.

در فصل بعدی تمرکز بیشتر ما بر رشد و انکشاف شاگردان، اطفال و جوانانی که شما برای شان تدریس خواهید نمود خواهد بود. اهداف و مقاصد فصل بعدی در مورد اهمیت دانستن هردو طریقه که یکی منحصر به فرد و دیگر آن پیش بینی در باره انکشاف شاگردان و آموزش برای خلاقیت و شاگرد محوری در صنوف و مکاتب افغانستان است، خواهد بود.

فصل چهارم

تیوری تعلیم وتر بیه برای معلمین

ما میتوانیم تصور نماییم که انسانها چطور می آموزند ودر عین زمان میتوانیم تصور نماییم که ما چطور میتوانیم آنها را تدریس نماییم. به نزد ما این یک پروسه ساده شمرده میشود. زیرا ما مشاهده میکنیم که ما سعی مینماییم که فعالیت کنیم، کاری را انجام دهیم و در اینصورت می آموزیم. ما هدایت میدهیم، ما صحبت میکنیم و ما هر چیز را از هر کس میپرسیم که ممکن است این ها در ذات خود تدریس باشند.

باید علاوه نمود که هر کس چیز های را می آموزد، ولی بیایید از خود بپرسیم که آیا واقعاً ما میتوانیم که چیزی را به انسانها تدریس نماییم و یا انسانها را واداریم که بعد از اینکه ما تدریس نمودیم چیزی را بیاموزند؟

در اثنایکه ما پیرامون آموزش صحبت مینماییم دفعتاً مکاتب، مطالعه، معلم و صنف به نظر و تصور ما زنده میآید. ولی باید بدانیم که آموزش صرف در حیطه مکتب خلاصه نمیگردد. در فصل گذشته ما پیرامو ن تمایز و فرق ها میان تعلیم وتربیه و آموزش که در مکتب صورت میگیرد بحث نمودیم. باید بخاطر سپرد که پروسه آموزش ماورای مکتب از گهواره تا گور صورت گرفته و یا ادامه دارد. ولی اگر تعمق نماییم و یا بپرسیم که چطور این پروسه صورت میگیرد جواب این سوال تا هنوز تا حدی منحیث یک رمز بشکل مرموز باقیمانده است. ما میدانیم که بخش از آموزش بالوسیله مغز و فعالیت های عضلاتی، علایق و نیاز های ما صورت میگیرد ولی در عین زمان بعضاً شما چیزی را نا آگاهانه می آموزید و زمانی هم شما مشاهده میکنید که چیزی را میدانید ولی نمیدانید که این را چی وقت و چطور و از کجا آموخته اید! باید متذکر شد که این فعالیت ذهنی و جسمی را به طور تصادفی و نا آگاهانه بعضاً از طریق مغز و ادراکا ت واحساس آموخته اید. پس بیایید که از خود بپرسیم.

- آموزش چطور رخ داده است؟
- و در عین زمان باید از خود بپرسیم چطور میتوانیم آنچه که اموخته ایم بخاطر داشته باشیم؟
- چرا فراموشی صورت میگیرد؟

اگر معلمین و متخصصین جوابات سوالات فوق را بدانند در اینصورت پروسه تدریس سهل و ساده خواهد بود.

به هر صورت میتوان گفت که ما پیرامون پروسه آموزشی بعضی چیز ها را میدانیم که ما را پیرامون آموزش و نحوه صورت گرفتن ان کمک میکند و در عین زمان میتوان گفت که هنوز هم ما پیرامون پروسه آموزش بیشتر می آموزیم.

بعد از همه تذکرات فوق میتوان گفت که در واقعیت آمر تیوری آموزش توضیح میدهد که چطور انسانها و حیوانات می آموزند و در عین زمان ما را هدایت میدهند که هر چی بیشتر پیرامون پروسه مغلق آموزش بیاندیشیم.

بعد از تذکرات فوق میتوان گفت که تیوری های آموزشی در مجموع نمیتوانند که این پروسه را کاملاً شرح نماید ولی از جانب دیگر تیوری ها میتوانند مثالهای از آموزش که صورت میگیرد به ما ارایه دارند. تیوری ها به ما می آموزاند که باید در پی دریافت جوابات کارکرد. تیوری ها نمیتوانند که خود همه جوابات را برای ما ارایه دارند ولی بر عکس تیوری ها مارا به کنجکاوی و جستجو رهنمایی میکنند تا هر چه بیشتر و عمیقتر پیرامون پروسه آموزش بیاندیشیم و فعالانه عمیقاً تفکر نماییم.



آنچه که تا حالا پیرامون پروسه آموزش از طریق تحقیق علمی قابل درک است عبارت است از تنظیم و صنف بندی همه معلومات و یافته های همین تحقیق ها بوده که به گونه: تیوری های آموزشی تبارز مینمایند.

این کتگوری ها و یافته های تیوری های آموزشی معمولاً با هم در توافق نبوده از همین جاست که در مجموع میتوان همه این تیوری هارا به چهار کتگوری تنظیم نمود که هر کدام به نوبه شان پیرامون آموزش و تدریس مطالب مخصوص در خود دارند. این کتگوری های اساسی و یا این چوکات های فلسفی که محتوی تیوری های آموزش اند عبارت اند از:

۱. سلوک گرایی یا Behaviorism
۲. تیوری آموزش اجتماعی یا Social learning theory
۳. بینش گرایی یا ذهنی گرایی یاCognitivism
۴. ساختار گرایی یا Constructivism

لازم است تا هر کدام از این تیوری ها را بطور خلاصه مور د مطالعه قرار دهیم وباید متذکر شد که درک همه جانبه این تیوری ها مارا کمک میکند تا هر چه بیشتر از این ها در پروسه تدریس و آموزش استفاده نماییم. تا جایکه از تجارب در ساحه تدریس و آموزش پیداست و اکثراً معلمین بدون اینکه درک نمایند در پروسه تدریس این تیوری را مورد استفاده قرار میگیرد. معلمین باید اولتر از همه از عقاید و نظریات شخصی شان هدفمندانه در امر تدریس و آموزش استفاده نمایند. قابل یادآوریست که هیچکدام از این تیوری ها در ذات شان کاملاً درست و یا کاملاً غلط نمیباشند. بهتر است تا شما اولاً نظریات شخصی تانرا مطابق تجارب تان با درک درست اطفال و پروسه اموزش در امر تدریس و آموزش شاگردان به کار اندازید. باید بخاطر داشت که هر کدام از این تیوری ها، ضعف ها خوبی ها و محدودیت شانرا دارند. بیائید که برای درک بهتر هر کدام از این تیوری و طرق تدریس را مورد مطالعه قرادر دهیم:

۱. سلوک گرایی یا Behaviorism

این تیوری قدیمترین و قوی ترین تیوری تعلیم وتربیه میباشد. مبنی بر این تیوری صرفاً سلوک های قابل دید انسان مورد استفاده قرار میگیرد و بس. بر مبنای این تیوری آموزش عبارت از فراگیری بعضی از سلوک های جدید قابل دید بوده که ازشرایط محیطی اکتساب میگردند. بر مبنی عقاید سلوک گرایان آموزش عبارت از تغیر سلوک انسان میباشد. با در نظر داشت این عقیده مر بیون تعلیم وتر بیه میکوشند تا محیط دلخواه شانرا طوری تنظیم و یا اعیار نمایند که باعث آموزش مبنی بر سلوک مطلوب، تعلیم وتر بیه بر مبنای قابلیت ها، انکشاف مهارت و ترینگ طوری تنظیم مینمایند تا از طریق شان آموزش مطلوب صورت گیرد.

برمبنای این تیوری انسان در واقعیت امر در پروسه اکتساب و اموزش پسیف یا غیر فعال بوده و این محرکات محیطی هستند که انسان در برابر شان عکس العمل نشان میدهد و این به جز از اموزش چیزی دیگری نمیباشد. از لحاظ این تیوری مغز انسان مانند لوحه سفید وپاک بوده که محرکات مثبت و یا منفی محیطی در ان تصاویر خود را بجا میگذارند. بر بنیاد عقاید سابقه تعداد کثیری از سلوک گرایان به این عقیده بوده اند که پروسه آموزش از طریق مکافات و تقدیر سلوک مطلوب و مجازات و تقبیح سلوک منفی صورت میگیرد. شما بهتر میدانید که قسمت بیشتر تیوری های سابق معمولاً تجارب شانرا پیرامون آموزش بالای بعضی از حیوانات انجام داده اند که در زمینه میتوان از تجربه سگ پاولوف یاد آورشد.

۲. تیوری آموزش اجتماعی یا Social learning theory

بعد از همه تذکرات باید دانست که سلوک گرایان عمدتاً سلوک های قابل دید را مورد تاکید قرار داده و طبق نظر شان آموزش عبارت از همین سلوک های قابل دید میباشد. سلوک گرایان به تدریس مستقیم، تعین و انتخاب اهداف، استراتیژی های آموزشی، تکرار، تمرین، حفظ کردن، امتحانات، دسپلین مغزیMental discipline و مکافات برای سلوک مطلوب و مجازات برای محوه سلوک منفی عقیده مند بوده و اموزش را ثمر این فعل و انفعال (عمل و عکس العمل) میدانند. تیوری آموزش اجتماعی یا Social learning theory بیان ساده این تیوری عبارت است از تقلید از دیگران ویا خود را مانند دیگران جلوه دادن. بر مبنای این تیوری انسانها از یک دیگر شان تقلید میکنند و از از طریق مشاهده، تقلید و هم مانندی، از یک دیگر می آموزند. اکثراً این تیوری را بنام پل فی مابین تیوری ادراکی و تیوری سلوک گرایی پنداشته میشود. زیرا در این تیوری نیز بالای مفاهیم مانند توجه، حافظه و تشویق تاکید صورت میگیرد. در این تیوری مانند تیوری سابقه عقیده بر این است که اطفال قبل از باسواد شدن می اموزند. باید متذکر شد که این تیوری هنوز هم مورد استفاده قرار دارد.

انسانها از طریق مشاهده دیگران (مشاهده سلوک – طرز تلقی – و محصول این سلوک ها) می آموزند.
سلوک تعداد کثیری از انسانها از طریق مشاهده تقلید، جلوه دادن مانند دیگران و از سلوک های جدید ایشان تقلید میکنند و می آموزند و در نتیجه این آموزش بعد ها عادت شده و اعمال انسانها را سمت دهی میکند.«Bandura»

تیوری آموزش اجتماعی سلوک انسانرا بر مبنای داد وستد دو جانبه متواتر فی مابین تیوری شناختی، سلوک گرایی و اثرات محیطی شرح مینماید. Lev VYGOTSKY روانشناس و مربی تعلیم و تربیه روسی در این مورد خدمات شایانی نموده چنانچه وی توانسته است که تیوری های (بشر گرایی، اجتماعی و سازنده گی) را باهم مر تبط نموده است. موصوف را عقیده بر این است که کار های گروپی شا گردان و یا کار ها و همکاری شاگردان با یک دیگر زیاده از همه با ارزش میداند. وی اظهار میدارد که آموزش یک پدیده انفرادی نی بلکه بر عکس اطفال در صورت که باهم بوده یک دیگرشانرا کمک نموده و از یک دیگر می آموزند. مطابق تیوری دانشمند متذکره علاوه مینماید که اطفال مفاهیم مشکل را وقتی خوب می آموزند که از طرف دیگر اطفال کمک گردد و در این صورت اطفال به همکاری دیگر اطفال میتوانند که به آموزش قدم های بعدی که به تنهایی نمیتوانند بیاموزند فایق آیند. که این مفهوم را بنام «Zone proximal» یاد مینماید. وی علاوه مینماید که اطفال باید اولتر از همه در پله های نیاز ها نیاز اولی اش رفع گردد که در عین زمان این تهداب خوب برای آموزش و یا حصول نیاز بعدی کمک میکند. وی برای اعمار یک جامعه خوب تیوری اجتماعی را علاوه بر انکشاف اجتماعی اطفال، تهداب خوب برای انکشاف جامعه قلمداد می کند. از این جا به وضاحت میتوان مشاهده نمود که اطفال چطور می آموزند؟ و ما باید منحیث معلمین چطور تدریس نماییم؟
باید بخاطر داشت که آموزش در داخل صنف توسط دیگران از طریق (تقلید و هم مانند سازی)

صورت میگیرد. شما بهتر میدانید که از سالهای گذشته تا حال مهارت های مانند سپورت – نجاری، نل دوانی – و معماری را شاگردان از طریق تقلید و هم مانند سازی می آموزند. معلم در داخل صنف منحیث نمونه و یا مودل بوده و اطفال شیوه تلفظ عکس العمل در برابر حوادث عاجل و نحوه آموزش را عمدتاً از همین مودل (معلم) می آموزند. بازی نقش ها درامه ها و کار های گروپی نیز میتوانند عوامل خوب آموزش برای شاگردان گردند.

باید علاوه نمود که در اینصورت شاگرد قوی مسایل را برای شاگرد ضعیف شرح مینماید. در این نوع فضای آموزشی (سلوک های مهربانی، غمخواری - تقدیر نمودن - و لذت بردن) نیز دخیل میباشد. در فرجام در اینصورت صنف به نزد



شاگردان بخش کوچک از اجتماع شا ن بوده که در نهایت امر این اجتماع کوچک به قریه - مملکت - و جهان ار تباط قایم مینماید.

۳. تیوری احساس یا ادراکیCognitivism

این تیوری به سوالات که چطور انسانها از طریق ارتباط دادن هر چیز به فعالیت های مغزی می آموزند. در این تیوری بدون اینکه هر چیز را به سلوک های دیدنی و کنترول این ها از طریق مکافات یا مجازات صرف به فعالیت های مغزی تاکید صورت میگیرد. ایشان با تیوری سلوک گرا در مناقشه بوده و میگویند که چطور میتوان همه فعالیت های آموزشی را صرفاً به سلوک های دیدنی انسان ارتباط داد زیرا به نظر آنها همه فعالیت های مغزی انسان در اینصورت به فراموشی سپرده میشود.

در صورت نیکو اندیشیدن میتوان گفت که دو فرضیه عمده اساس های اصلی این تیوری را تشکیل میدهد که انها عبارت اند از:

۱. سیستم حافظه انسانها در واقعیت امر یک پروسه فعال منظم معلومات میباشد
۲. دانش سابقه در امر آموزش بعدی کاملاً دارای نقش بسزایی میباشد

این تیوری آموزش بر مبنای فعالیت های مغزی را عمده تر از سلوک های قابل دید میدانند به نزد این دسته از دانشمندان این فعالیت های مغزی هستند که باعث آموزش میگردند.

این گروه را عقیده بر این است که بخاطر سپردن لست ها و اعداد ویا معلومات منحیث فعالیت های فیزیولوژیکی اولتر از همه به حافظه سپردن کوتاه مدت و طویل المدت حفظ میگردد که این در ذات خود برای مربیون تعلیم وتربیه حایز اهمیت میباشد.

برای مربیون تعلیم وتر بیه که معتقد به تیوری شناختی بوده آموزش منحیث یک فعالیت ویا پروسه داخلی شناخته شده که دربر گیرنده (حافظه - پروسس نمودن معلومات - بینش و یا بصیرت) باعث انکشاف ظرفیت های شاگردان گردیده که این باعث انکشاف و آموزش مهارت ها و معلومات میگردد. ایشان معتقد اند که معلمین اولتر از همه باید بالای انکشاف ذکاوت و یا هوش شاگردان از طریق نصاب تعلیمی مساعی بخرچ دهند. که این پروسه را بنام انکشاف بینش یا Metacognitive یاد میکنند. میتا کاگنیتیف در واقعیت امر عبارت از معلومات شخصی افراد پیرامو طرق اموزش میباشد. و یا به عباره دیگر از اینطریق شاگردان بحیث فکر کننده می آموزند تا معلومات پیرامون اینکه ما چطور می آمو زیم ما را کمک میکند که بهتر تر بیاموزیم.

تحقیقات جدید فعالیت های مغزی انسان نشان میدهند که به حافظه سپردن ویا فراموش نمودن و یا فرا گرفتن همه، از همه اولتر متعلق به همین تیوری میباشد. تحقیقات بیشتر در این مورد نشان میدهند که تحقیقات پیرامون فعالیت های مغزی با مقایسه تیوری های دیگر توسط عوامل اقتصادی، سیاسی وفلسفی متأثر نمیگردد. (در مورد انکشاف مغزی و فعالیت های ان در فصل بعدی به تفصیل بحث خواهیم نمود.)

معلمین طرفدار تیوری بینش یا ذهنی گرایی بالای مهارت های فکر کردن، مهارت های حل مشکلات، حافظه و تحلیل عالی مسایل تاکید مینمایند. آنها معتقد اند که نصاب تعلیمی به تنهایی اش وسیله رسیدن به اهداف نبوده بلکه نصاب تعلیمی میتواند که زمینه های انکشاف ذهنی و انکشاف مهارت ها گردد. به نزد طرفداران این تیوری انکشاف مهارت های اجتماعی و فعالیت های داخل صنف مهم بوده ولی در ردیف اولی قرار نمیگیرند.

۴. ساختار گرایی یا Constructivism

منحیث«تیوری فلسفه آموزش» به این فلسفه معتقد اند که انسان ها دانش جدید را بر مبنای فعالیت ها و تجارب لسانی و تماس های متواتر و دوجانبه با محیط ماحول و انسانهای دیگر فرا میگیرد.

Jean Piaget, Jerome Burner, Lev Vygostsky, and john Dewey منحیث دانشمندان اند که در واقعیت امر تهداب این تیوری را بوجود اورده اند. به نزد این تیور سن ها دانش منحیث یک مجموع کل در نظر گرفته میشود یعنی به اجزای دانش که در مضامین تقسیم شده اند تاکید نمی نمایند. انها علاوه مینمایند که این تقسیمات مضمون وار برای سهولت کار صورت گرفته در غیر آن دانش خود یک مجموع کلی بوده که نمیتوان و نه باید آنرا به مضامین تقسیم نمود. طوریکه در قبل تذکر داده شده ارسطو دانش جهان فزیکی را به کتگوری های مختلف که دارای کرکتر های مشترک نیز میباشند تقسیم مینماید. وی این کتگوری ها را تحت اسم بوتانی، زولوژی و ریاضیات وغیره وانمود مینماید. البته این کتگوری نمودن ارسطو در طول تاریخ طرفداران خویش را داشته است.

باید علاوه نمود که به نزد تعداد از دانشمندان این کتگوری نمودن ارسطو مصنوعی و محدود پنداشته میشود. بطور مثال: اگر مضمون جغرافیه را از مضامین جیولوژی - کیمیا و حتی تاریخ جدا نمایم در اینصورت شاگردان را به مشکل مواجه خواهد نمود زیرا در اینصورت شاگردان نخواهد توانست که ارتباطات ذات البینی را بین مضامین تأمین نمایند. و یا اینکه جدا نمودن جیولوژی از کیمیا و بیولوژی در واقعیت امر یک تقسیم بندی غیر واقعی خوا هد بود و یا اینکه تدریس مضمون تاریخ بطور جدا گانه یعنی جدا از مضامین جغرافیه - اقتصاد - مذهب و سیاست شاگردان را وادار خواهد نمود که صرف بطور جداگانه یک تعداد از اسما و تاریخ ها را بدانند مگر بدون اینکه این مجموع را بصورت کل و باهم در ارتباط بیاموزند و در این مجموع ارتباطات و علل و معلول را نمیتوانند دریابند. این تیور سن ها متعقد اند که دیوار فی مابین علوم در واقعیت امر باعث میگردد که ارتباطات موجود علوم را نادیده گرفت. در فرجام میتوان گفت که به نزد این تیورسن ها شاگردان نمیتوانند که جهان را در حالت تقسیمات علوم درک و یا مشاهده نمایند. باید بخاطر داشت که این یک قدم جدید در امر طرح و تنظیم نصاب تعلیمی جدید بوده که نصاب تعلیمی باهم مرتبط و متوازن باعث میگردد که شاگردان مسایل را در ارتباط هم و مرتبط باهم بیاموزند.

باید بخاطر داشت که این بدین مفهوم نبوده که بعد از این نباید علوم مضمون وار تدریس گردد ولی این کاملاً بدین مفهوم است که در حالت تدریس مضمون وار باید ارتباطات مضامین را مورد تاکید نیز قرار داد. باید شاگردان تشویق گردند که روابط را میان مضامین دریافته و از این طریق دانش شانرا با هم مرتبط بسازند یعنی مضامین جداگانه را با ارتباطات شان فرا گیرند

فصل پنجم

مقــدمه

در این فصل ما چندین تیوریهای رشد را که از دیدگاه ها و روشهای مختلف تحقیق و سوالات رشد انسان در آن مورد توجه قرار گرفته است مورد مطالعه قرار میدهیم. Ariksoon یک دیدگاه روانی را که از دوران شیر خواره گی آغاز میشود و با بحرانات تحول دوره بزرگی ختم میشود در نظر گرفته است. Havigarths دوران زنده گی را از دیدگاه بیولوژی، روانشناسی و اجتماعی می نگرد. هر کدام ازین دو شیوه به طور خالص استوار به اساس علمی نیست. با وجودیکه پیاژه مثل یک دانشمند و روانشناس معلومات خود را به صورت سیستماتیک در باره سه طفل جمع آوری کرده است. نظریه های وی با دقت به اساس همان مشاهدات مفصل وی ساخته شده است. نظریه های پیاژه بالای رشد و انکشاف ساحه معرفتی تمرکز میکند. او علاقه مند این بود که چطور طرز تفکر طفل با سن و تجربه وی تغییر میکند. با وجودیکه نظریه Havigarths نزدیکترین نظریه ها به تدریس است هیچکدام ازین سه نظریه بالای تدریس تمرکز نکرده اند. هیچکدام ازینها در تیوری های رشد خود مسئله جنسیت (جندر) را بر رسی نکرده اند. چنانکه معلوم میشود تیوریهای جدید اختلاف میان آموزش پسران و دختران را مورد مطالعه قرار داده است که این یک بررسی تقریباً سرنوشت ساز به نظر میرسد.

در سالهای اخیر محققین دیگر این تیوریها را به خاطر قادر ساختن مربیان در تعلیم وتربیه به کار بردند. تا مربیان یک شناخت بهتر از شاگردان خود و شیوه که رشد آن بالای آموزش تاثیر میگذارد داشته باشند. همچنان در سالهای اخیر محققین اختلاف جنسیت در آموزش و رشد مغز را مورد مطالعه قرار داده اند. با وجود دلچسپ بودن موضوع نتایج این مطالعات بی نتیجه و بحث برانگیز است. اختلاف جنسیت در آموزش وجود دارد مگر شاید فرهنگ نسبت به وراثت نقش بیشتر داشته باشد.

به صورت آشکار در علایق و دست آورد های مکتب میان پسران و دختران اختلاف جنسیت موجود است. مگر اینکه آیا استعداد تاثیر بیشتر دارد یا پرورش، نا معلوم است. استعداد (وراثت) یک نقش را بازی میکند مگر بسیاری از محققین به پرورش (اجتماعی سازی و فرهنگ) اشاره نموده اند. معمولاً عامل بیشتر در آنچه که جوامع بررسی میکنند عادات مختلف پسران و دختران است. برای اهداف این فصل ما بالای دسترسی به توسعه و رشد، بدون در نظرداشت جنسیت تمرکز خواهیم نمود. و مراحلی را که برای جنس مذکر و مونث به طور عمومی پیشنهاد شده اند مورد آزمایش قرار میدهیم.

نظریه اریکسون در مورد مراحل رشد

اریکسون روانشناس جرمنی، امریکایی مراحل رشد فزیکی، عاطفی و روانی را با موضوعات مرتبط به آن یا وظایف رشد هر مرحله شرح داده است. به طور مثال هرگاه نیاز های عاطفی و فزیکی یک طفل به قدر کافی برآورده شده باشد طفل وظیفه خود را با رشد توانایی اعتماد به دیگران تکمیل میکند. ولی یک شخصیکه در کوشش و مهارت وظیفه نا موفق است در مرحله بعدی میرود مگر با خود آسیب وظیفه نا تمام را انتقال میدهد. به طور مثال: مطابق نظریه اریکسون هرگاه یک طفل اجازه داده نشود تا به وسیله انجام دادن بیاموزد طفل یک احساس شک را در توانایی خود تقویت میکند که شاید کوشش های بعدی طفل را به صورت مستقل (یعنی در آینده نمی خواهد خودش مستقلانه کاری انجام دهد) مغلق تر بسازد. همین طور هر گاه یک طفل قبل از مکتب وادار به این شود که احساس کند فعالیت

هایی را که آغاز میکند خوب نیست شاید یک حس تقصیر را که شخص بعدا در زنده گی خود به نمایش میگذارد در خود تقویت کند.

حالانکه آموزش در باره مراحل اریکسون دلچسپ و اکثراً برای استادان و والدین مفید است. این مراحل به اساس مشاهده و شیوه علمی نیست. اریکسون یک تجزیه و تحلیل با مفکوره را تهیه میکند که شاید در فاصله زمانی افغانها از تولد تا مرگ کاربرد داشته باشد. ولی این مربوط استادان افغانی است که ببینند اگر تحلیل وظایف زنده گی شان در هر سطح رشد میتواند استادان را به خاطر بهتر دانستن و جواب گویی نیازهای شاگردان کمک میکند، همان را انتخاب کنند. طرح مراحل اریکسون در زیر به صورت خلاصه بیان شده است. برای معلومات و جزئیات بیشتر (که یقیناً دلچسپ است) استادان نیاز خواهد داشت تا منابع اضافی را جستجو کنند.

نوزاد: اعتماد در برابر بی اعتمادی.
به بیشترین راحتی و باکمترین تردید، طفل نیاز دارد تا به خود، دیگران و محیط اعتماد کند.

کودک نوپا: استقلال در برابر شرم و شک.
به خاطر تسلط پیدا کردن به محیط فزیکی کار میکند تا عزت نفس خود را حفظ کند.

۲ تا ۵ سالگی: ابتکار در برابر تقصیر
شروع به ابتکار فعالیت ها میکند نه تقلید. شعور و هویت جنسی خود را تقویت میکند.

۶ یا ۷ سالگی: در برابر سعی و کوشش، در برابر حقارت.
کوشش میکند که یک مفهوم ارزش شخصی را توسط بهبود دادن مهارت ها در خود تقویت کند.

بلوغ: هویت در برابر تعین نقش آینده
کوشش میکنند تا بسیاری نقش ها را (برادر، خواهر، شاگرد، ورزشکار و کارگر) در یک خویشتن نگری تحت نمونه نقش و فشار با همتا یکجا سازد.

بالغ بزرگسال: صمیمیت در برابر انزوا.
تعهد شخصی را با دیگران مثل: همسر، والدین و دوست می آموزد.

بالغ متوسط سال: نیروی تولید در برابر رکود.
قناعت را به وسیله باروری در حرفه، فامیل و علایق شهری جستجو میکند.

بالغ بزرگتر: تمامیت در برابر نا امیدی.
دست آورد های زنده گی را مرور میکند. در برابر زیان مبارزه میکند و برای مرگ آماده گی میگیرد.

نظریه اریکسون و همچنان دیگران که درباره مراحل رشد درین فصل معرفی شده است، صرفاً نظریه هاست، نه قوانین.

تیوریها شاید مورد مطالعه قرار گرفته باشند، بعضی بخش ها یا تمام آن قبول شده، یا نظر به دلایل منطقی که شاید دیگران را به خاطر دقیق فکر کردن درباره حل مشکل کمک کند، رد شده است. با آنکه درین مورد مشاهده، درک مستقیم و منطق به تقویت اندیشه های سودمند درباره طفل مکتب کمک کرده است. هیچکدام کامل و تمام شده نیست. هرکدام اینها بعضی چیز ها برای فهمیدن ما کمک میکند؛ مگر تا حال هرکدام کاری است در حال جریان.



شگفتی های رشد و توسعه انسان تا حدی مرموز باقی مانده است، ما فقط تصورات خود را در مورد تدریس و آموزش انجام داده ایم. شما باید به حیث مربیان علاقه مند باشید مگر شکاک. برای استادان، مربیان و دانشمندان افغان فرصت است که مطالعات خود را در مورد رشد، توسعه، تدریس و آموزش به خاطر مقایسه این مطالعات با مطالعاتی که به صورت بین المللی مشهور هستند جستجو کنند.

تیوری بعدی که برای ملاحظه استادان معرفی شده است، توسط یک مربی کیمیا دان و دانشمند علوم اجتماعی توسعه یافته بود و نسبت به کاری که اریکسون انجام داده است، یک ارتباط نزدیکتر به مکاتب و تدریس دارد.

به اساس معلومات جمع آوری شده تا هنوز هم این نظریه علمی نیست، مگر به اساس تجربه، مشاهده و اندیشه استوار است.

نظریه هاویگارتس در مورد وظایف رشد

در حالیکه اریکسون بالای جنبه های روانی و اجتماعی رشد تمرکز میکند؛ رابرت هاویگارتس بیولوژی، روانشناسی و جامعه شناسی را در چوکات کاری خود یکجا ساخته است.

رابرت هاویگارتس تأکید میکند که آموزش اساسی است، و آن در تمام فاصله زمانی زنده گی ادامه پیدا میکند. رشد و توسعه در شش مرحله به وقوع می پیوندد.

وظایف رشد طفولیت

۱. آموزش قدم نهادن و گشتن
۲. آموزش خوردن غذا های جامد.
۳. آموزش حرف زدن.
۴. آموزش کنترول رفع ضایعات بدن.
۵. آموزش زبان به خاطر شرح واقعیت فزیکی و اجتماعی و ساختن مفاهیم.
۶. آماده گی برای خواندن.

طفولیت متوسط

۱. آموزش مهارتهای فزیکی ضروری برای بازی های عادی.
۲. ساختن سلوک سالم نسبت به خود مثل، رشد کردن موجود زنده.
۳. آموزش گذران کردن همراه دوستان همسن.
۴. آموزش یک نقش اجتماعی مناسب زنانه و مردانه.
۵. تقویت مهارت های اساسی خواندن، نوشتن و حساب کردن.
۶. تقویت مفاهیم ضروری برای زنده گی روزمره.
۷. تقویت افکار و احساسات درونی، رعایت اصول اخلاق و میزان ارزشها.
۸. دستیابی به استقلال شخصی.
۹. تقویت سلوک به سوی گروپ های اجتماعی و مراکز فرهنگی و علمی.

وظایف رشد دوره بلوغ

۱. دسترسی به ارتباطات جدید و بسیار کامل با دوستان هردو جنس (مذکر و مؤنث).
۲. دسترسی به یک نقش اجتماعی مردانه و زنانه.



۳. سازگاری جثه و استفاده بدن به صورت مؤثر و یا عملی.
۴. دسترسی به استقلال عاطفی والدین و دیگر بزرگسالان.
۵. آماده شدن برای عروسی و طرز زنده گی فامیلی و خط مشی اقتصادی.
۶. حصول یک مجموعه ارزشها و یک سیستم اخلاقی به حیث یک رهنما به سلوک وتقویت یک آیدیالوژی.
۷. دسترسی و خواهش به سلوک معتبر اجتماعی.

وظایف رشد دوره جوانی

۱. دسترسی به نقش اجتماعی زنانه و مردانه
۲. انتخاب یک همسر
۳. آموزش زنده گی با همسر
۴. آغاز یک فامیل
۵. تربیت اطفال
۶. اداره یک خانه
۷. آغاز اشغال وظیفه
۸. به عهده گرفتن مسؤولیت اجتماعی
۹. پیدا کردن یک گروپ اجتماعی دلخواه

وظایف رشد متوسط سالان

۱. دسترسی به مسؤولیت اجتماعی، شهری بزرگان
۲. حفظ و تأمین یک اقتصاد ستندرد در زنده گی
۳. کمک کردن با اطفال نو جوان تا جوان مسؤول و خوشحال شوند
۴. تقویت فعالیت های اوقات فراغت بزرگسالان
۵. ارتباط خود به یک همسر مثل یک شخص
۶. قبول و سازگاری با تغییرات فزیکی و قبول کردن آن
۷. سازگاری با والدین سالخورده

وظایف رشد وقت های اواخر بلوغ

۱. میزان کاهش تقویت نیروی فزیکی و صحت
۲. میزان تقاعد و کاهش درآمد یا عاید
۳. سازگاری با مرگ همسر
۴. برقراری یک پیوستگی آشکار با گروپ همسال خود
۵. برخورد تعهدات اجتماعی ومدنی
۶. تقویت تنظیم زنده گی فزیکی رضایت بخش

هاویگارتس اظهار داشته است که تعداد وظایف در سطوح مختلف عمر مربوط به شخص و جامعه که او زنده گی میکند میباشد. بعضی وظایف برای هر شخص بدون توجه به اینکه در کجا زنده گی میکند یکسان است، طوریکه آنها از نگاه



بیولوژی انسان هستند. به طور مثال: آموزش چهار دست و پا رفتن و راه رفتن در همه جوامع تقریباً یکسان است، چون که آن متکی به عوامل وراثت میباشد.

بعضی وظایف در جوامع مختلف متفاوت است. بعضی وظایف شاید در فرهنگ های مختلف به اشکال متفاوت باشد؛ یا شاید در یک فرهنگ وجود داشته باشد ودر فرهنگ دیگر نباشد. به طور مثال: آماده گی برای خط مشی کار در تمام جوامع یکسان نیست. در بعضی فرهنگ ها وقتیکه یک فرد شامل وظیفه میشود، خیلی جوان است، وشاید زنده گی خود را در آن وظیفه سپری کند، در حالیکه در فرهنگ دیگر شاید یک شخص بعد از تحصیلات و تریننگ های طولانی شامل وظیفه شود.

هاویگارتس علاوه میکند که بیولوژی و جامعه تأثیر زیاد دارد، مگر ارزشهای شخصی فامیل و جامعه یک تأثیر بالای تشخیص دادن و تسلط یافتن وظایف رشد هر مرحله دارد.

نظریه هاویگارتس در مورد وظایف رشد یک گواهی بادوام را به عقیده ای که ما ادامه میدهیم تا در تمام زنده گی خود توسعه دهیم پیشنهاد میکند. تا هنوز این نظریه ناقص است. اریکسون و هاویگارتس هیچکدام طریقه توسعه تفکر اطفال را بررسی نکرده اند.

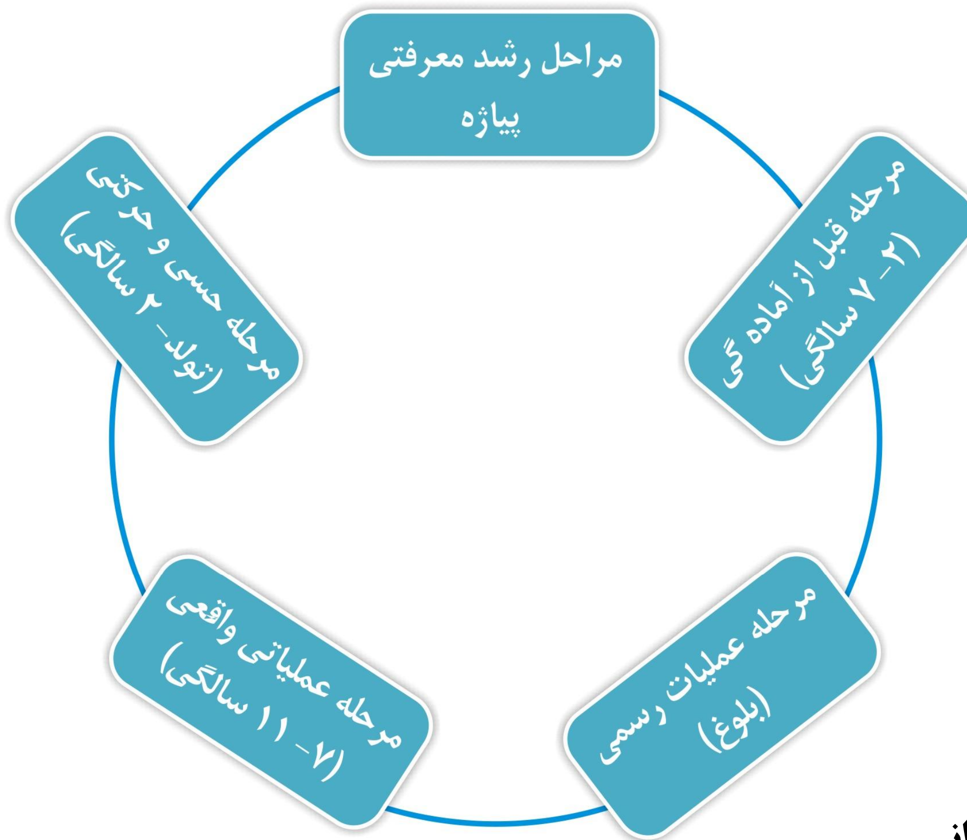
صریحاً برای اولین بار تغییرات ذهنی توسط پیاژه معرفی شده است. ولی در حقیقت یک نظر اجمالی اساسی در اختلافات جنسیت فزیکی، اجتماعی و رشد ذهن توسط هر سه صاحب نظر: اریکسون، هاویگارتس و پیاژه بازرسی شده است.

مطالعات پیاژه در باره مراحل رشد

چنانچه در فصل قبل بیان شد، اطفال جوان صرفاً بزرگسالان کوچک نیستند. آنها تنها در یک سایز کوچک مثل بزرگسالان نیستند. قبلاً شما درباره ژان ژاک روسو که کتاب وی بنام امیل(Amile) تفکر انقلابی در باره اینکه چطور اطفال رشد میکنند و چطور به آنان پرورش داده شود، خواندید. روسو طفولیت را به مراحل رشد با شروع کودکی و حرکت به سوی بلوغ و نوجوانی تجزیه میکند. این کتاب بنام منشور اطفال یاد میشود و اولین کتابی بود که تغییرات تفکر اطفال را طوریکه آنها رشد میکنند و بزرگ میشوند به یک طریقه سیستماتیک معرفی کرده است. کتاب او یک افسانه بود و فقط یک داستان، نه به اساس کدام مشاهده علمی و سیستماتیک طفل یا حتی بالای یک طفل واقعی. با وجود این نظریه او به طور شگفت آور درست بود؛ حتی اگر شما به فلسفه خوبی طبیعی طفل و اهمیت تربیت «] نادر آمیزی» او عقیده ندارید. دو قرن بعد، اروپایی دیگری بنام ژان پیاژه از طریق مطالعه دقیق سلوک طفل موضوع روسو را استحکام بخشید.

توانایی تفکر اطفال در تمام طفولیت و حتی در دوران بلوغ مثل رشد مغز و سیستم های عصبی بدن و مثل تجربه که آموزش را کمک میکند، رشد میکند. کار ژان پیاژه بیولوژی دان سویسی در قرن اخیر به طور اساسی معلومات مهمی را برای فهم ما که چطور اطفال فکر میکنند و می آموزند، افزوده است. تثبیت شده است که این معلومات برای مربیان، پلان گذاران نصاب تعلیمی، نویسنده گان کتب و والدین بسیار مهم میباشد. درینجا شما آنرا سودمند خواهید یافت که موضوعات او را تکرار کنید، و برای دانستن شاگردان از سن طفولیت تا بلوغ مفید است. با وجودیکه فرهنگ بالای آموزش تأثیرات زیاد دارد؛ یافته های پیاژه برای مدت طولانی و در بسیاری از فرهنگ ها ثابت مانده است. شما باید بر رسی کنید که آیا تیوریهای او به مشاهدات اطفال و جوانان افغانی شما شباهت دارد؟ شما یک ارتباط قوی را خواهید یافت. بیایید با شرح چهار مرحله، که او پیشنهاد کرده است شروع کنیم. پیاژه عقیده دارد که همه انسانها از چهار مرحله

رشد عبور میکنند. در واقعیت در عین دستور، و عموماً در عین سن. با این هم بعضی تفاوت ها خواهند بود. به طور مثال: بعضی مردم شاید مدت طولانی تر را نسبت به دیگران در تحول این مراحل در برگیرد. بعضی ها خصوصیات دو مرحله متفاوت را در جریان دوره تحول به نمایش خواهد گذاشت.



مراحل عبارت اند از

۱. کودکی) مرحله حسی و حرکتی

در جریان این دوره تقریباً دو سال طفل از طریق دیدن، شنیدن، حرکت کردن، لمس کردن، چشیدن و غیره، با استفاده از حواس و کوشش فعالیتها به خاطر کنترول بدن، می آموزد. طفل دیدن یک علت، اثر را در پاشیدن آب در حمام یا چرخاندن توپ آغاز خواهد کرد. یک حرکت تصادفی که یک اثر دارد، معلوم میشود که دفعتاً توسط طفل بعضی چیزهاییکه او توسط تکرار میتواند کنترول کند، مثل انداختن اشیاء در دهن خود، دیده شده باشند. دیده میشود که اندیشه تقریباً به یک شیوه ابتدایی کار میکند. یکی از رویداد مهمی برای این مرحله اینست که طفل دانش «دوام شی» را تقویت میکند. با شروع تقریباً ۳ یا ۴ ماهه گی یک طفل آشکار خواهد ساخت که میداند یک شی موجود است، با وجودیکه آن شی موجود نیست. مگر مهارت های حافظه را نخواهد داشت تا به یاد آورد که شی شاید در کجا باشد. معمولاً طفل در شش ماهه گی توانایی به خاطر داشتن را دارد. حتی آخرین مرتبه یک شی در کجا دیده شده بود. مگر معمولاً یک رشد بسیار مهم بعضی اوقات بعد از شش ماه مربوط به دوام شی است. وقتیکه مادر ناپدید میشود طفل میداند و شا ید تا اینکه اورا سرگرم چیز دیگر نسازی تسلی نمیکند. همچنان طفل در این سن چهره ها را میشناسد و اکثراً وقتیکه دیگران را برایش نشان دهیم از خود نگرانی نا آشنایی را نشان میدهد نسبت به کسانی که با آنها آشنا هستند. در یک مرحله قبل برای دیگران آسان بود تا آنها را در آغوش گیرند و حالا دفعتاً طفل در آغوش شخص بیگانه نارام میباشد. این سلوک نمایانگر رشد هوش است نه رد اجتماعی. در عین زمان رویداد های مهم رشد فزیکی و لفظی تماماً مربوط رشد ذهنی

است. وهمه برای والدین و محققین جلب توجه کردن است که از پرگویی و زیاد حرف زدن با آنها مشاهده کند که آنهاهجا ها را بگویند که برای پدر و مادر گفتن عنوان میشود. در اینجا باید نکات مهم رشد کودک مرور شود طوریکه ما کوشش میکنیم که مراحلی را که ما در صنف های درسی مکتب مشاهده میکنیم کسب کنیم.

۲. دوران کودکی در سالهای ابتدایی: مرحله قبل از عمل ۲ – ۷ سالگی

مرحله حسی و حرکتی با دو سالگی خاتمه نمی یابد، مگر یک اساس پیوسته برای مرحله بعدی است. ما به وسیله حواس خود و وابسته به آن در جریان تمام زنده گی می آموزیم. پیاژه در مرحله بعدی یک دوره تأسف آور را با کمی معنی مبهم انتخاب کرده است.

برای پیاژه «عملکردها» رفتار هایی اند که شخص آنرا با فکر کردن به عوض تحت اللفظی انجام دادن، به بیرون انتقال میدهد. در دوره قبل از عمل طفل زبان را محدود ساخته است. او اشیاء و کلمات ساده را به خاطر بیان کردن یک عمل یا اندیشه استفاده میکند. این مرحله تقریباً پنج سال ادامه می یابد. از دو سالگی شروع تاهفت سالگی (به شمول هفت سالگی) ختم میشود. مگر طفل عادی به صورت سریع درین زمان رشد میکند و بسیار تغییرات در وی رخ میدهد. در شروع مرحله عمل (۲ – ۴ سالگی)، قبل ازینکه تفکر انتزاعی به وقوع بپیوندد، طفل به خاطر بیان خود و تقلید از دیگران استفاده از کلمات ساده و سمبول ها را آغاز میکند. با وانمود کردن خوابیدن و بیدار شدن، نوشیدن با یک گیلاس خالی، آنها نشان میدهند که میدانند شی برای چه استفاده میشود. اینها همه مهارت هایی اند که در جریان این مرحله رشد میکنند. طفل در مرحله حسی و حرکتی عقل و درایت منطقی به خاطر داشتن را ندارد.... طفل دوساله این مهارت را دارد واکثراً با نکوهش و انتقاد طولانی بزرگسالان خاموش میشود. توانایی ذهنی است بعضی اشیاء را مالک شود و مالکیت را به خاطر داشته باشد یک قدم منطقی در پیشرفت است، که به جای ابراز خوشی، اکثراً عامل اذیت و خجالت کردن بزرگسالان میشوند. همچنان یک آشفتگی و حس بی عدالتی به طفل است. بزرگسالان شاید طفل را مجبور بسازند که بازیچه های خود را با او شریک سازند، داوطلبانه آنرا شریک میسازند، مگر تا از وسط مرحله عمل سخاوتمندانه را نمی شناسند. طفل میگوید که از من است و ظرفیت دانستن شریک ساختن را ندارد. رشد این اندیشه کلی به خاطر مشاهده کردن طفل خود تان دلچسپ است. به یک طفل میتوانیم شریک ساختن را آموزش دهیم، مگر احساس شریک ساختن در او نخواهد بود.

اطفال مرحله قبل از عمل معمولاً خود پسند هستند، به این معنی که آنها فقط قادر بر رسی اشیاء از نقطه نظر خود هستند، وتصور میکنند که هر کس از این نظریه استفاده میکند، زیرا تنها این امکان پذیر است. به تدریج در جریان این مرحله مقدار مشخصی غیر متمرکز سازی رخ میدهد. این وقتی است که کسی اعتماد داشتن را توقف میدهد که آنها مرکز جهان هستند، و آنها بسیار توانا هستند که تصور کنند که بعضی چیز ها یا بعضی اشخاص دیگر میتوانند مرکز توجه باشند. همدلی با دیگران طوری که فکر طفل به وسیله تجربه، اجتماعی سازی و رشد مغز، رشد میکند، آغاز میشود.

همچنان «روح گرایی» یک خصوصیت مرحله پیش عملیاتی است. این وقتی است که یک شخص عقیده دارد که هر چیزیکه موجود است از بعضی انواع آن آگاهی داشته میباشد. یک مثال این است که اطفال اکثراً عقیده دارند که یک موتر تکسی نمی خواهد روشن شود زیرا آن خسته یا مریض است. یا آنها وقتیکه فرنیچر را میدوانند آنرا لت و کوب میکنند، زیرا که آنها باید مستی کنند وقتی افگار میشوند. یک دلیل برای خصوصیت این مرحله آنست که طفل مرحله پیش عملیاتی اکثراً گمان میکنند که هرکس و هرچیز مثل آنها است. روی این ملحوظ از وقتیکه طفل بتواند درد را احساس کند و احساسات داشته باشد، به همینطور باید همه چیز دیگر را داشته باشد.



«واقع بینی و قضاوت» جنبه دیگر این مرحله است. این عقیده ای است که طریقه تفکر اطفال در باره تفاوت میان درست و غلط با هرکسیکه در اطراف شان است شریک ساخته میشود. یک جنبه یک مسئله در یک وقت همه جنبه هایی است که آنها قادر هستند بالای آن تمرکز کنند وآن بر آنها افزون است که بر رسی کنند که هر چیز دیگر میتواند امکان پذیر باشد. به علت این جنبه مرحله، اطفال احترام و پافشاری به اطاعت از قوانیین در همه وقت را آغاز میکنند و آنها قادر نیستند که هیچ چیزی را مثل انگیزه به حساب بیاورند. در جریان مرحله پیش عملیاتی آنها شروع به دانستن قوانین بازی ها، سلوک و رعایت قوانین، میکنند. فریب کاری یا تبدیل قوانین بازی طفل را ویران میکند. قبول باختن بازی همچنان بسیار مشکل است. اکثراً طفل ناتوان است که با رعایت قوانین با یک کشمکش در میان باختن، فریب یا ترک کردن به قهر بازی را برنده شود. برادران و خواهران بزرگتر و جوانتر، شاید کشمکش و ناکامی را فرونشانند. این احساسات و سلوک شاید نمونه ها را برای سلوک آینده شاگرد، وقتیکه در آموزش به ناکامی رو برو میشود تنظیم میکند.

آن نظریه ها با نظریات حال سازگار شده است که طفل در مفهوم آفرینی مشکل دارد. تفکر او توسط تخیل متأثر شده است. طریقه ای که او اشیاء را میخواهد باشد و او گمان میکند که دیگران اوضاع را از نقطه نظر خود می بینند. او معلومات را به دست می آورد و بعداً آنرا به فکر خود تبدیل میکند تا نظریات خود را برابر بسازد. تدریس، تخیلات درخشان طفل و حس تقویت ناشده همان وقت باید در نظرگرفته شود. طفل پیش عملیاتی، دراوایل ا ین مرحله فهم واقعی معنی فردا، دیروز وسال گذشته را نداشتند. والدین خواهند گفت که «انتظار کن تا...»، مگر طفل شاید چند دقیقه بعد دوباره بپرسد که «آیا وقت آن شده؟»، با سن ۶ یا ۷ سالگی وقت و فاصله را خواهند آموخت. مگر سپس دروس تاریخ مکتب یا آموزش درباره گذشته بعد از فهم واقعی است.

یک خصوصیت عمده طفل در این دوره ناتوانی تفکر دورو است، که درباره یک تسلسل ازآخر به شروع معکوس فکر کند. میتوان در رابطه به این موضوع نا توانی «حفظ کردن» را ذکر کرد. به این معنی که طفل پیش عملیاتی نمی بیند که مقدار یک چیز،حتی اگر شکلش هم تغییر کند، یکسان باقی میماند. به طور مثال، وقتیکه یک لوله گلی به شکل یک مار لوله شود شاید برای طفل بزرگتر معلوم شود، زیرا آن دراز تر است. یک مثال کلاسیک اینست که هرگاه ما در دو گیلاس که سایز متفاوت دارند، یکی بلند و باریک و دیگری کوتاه و دبل باشد و آب به یک اندازه در هردوی آن انداخته شود. طفل همواره میگوید که گیلاس بلند آب زیاد دارد. در آخر این دوره اکثریت اطفال تسلط بر توانایی «حفظ کردن» مهارت محافظت، پیدا میکنند. این مهارت واقعاً مطابق به پیشرفت رشد ذهن تدریس نمیشود. این وابسته به کمال و پختگی درک و تفکر است. یک استاد شاید کوشش کند که به یک طفل تدریس کند یا به او جواب درست را بگوید، مگر طفل گیج و مشکوک خواهد شد. خود تان آنرا با یک طفل ۵ یا ۶ ساله و سپس یک طفل ۱۰ ساله کوشش کنید و اختلاف را در فهم ایشان مشاهده کنید.

خصوصیت مهم دیگر مرحله پیش عملیاتی ناتوانی اینست که بیشتر از یک جنبه مشکل در یک وقت تنظیم کند. در تجربه گیلاس آب، به طور مثال، طفل تنها بالای ارتفاع تمرکز میکند نه به ارتباط ارتفاع و عرض. او واقعاً نمیتواند حقیقت را درک کند که آنجا بیشتر از یک بعد برای حل مشکل موجود است.

یک سوء تفاهم مکرر خصوصیت پیش عملیاتی طفل خود پسندی است. این دوره به مفهوم خود خواهی و اهمیت خودی نیست. این یک شرح منفی نیست. آن خصوصیت به طور ساده طفل پیش عملیاتی را مثل کسی که به طور نورمال قادر به بر رسی تفکر دیگران نیست، شرح میدهد. او کاملاً نمیتواند که اشیاء را از نقطه نظر دیگران بنا بر اصول فزیکی و روانی مشاهده کند. او به صراحت فرض میکند که جهان، یا وضعیت برای همه یکسان است و تجارب زنده



گی هر شخص دیگر مثلی که او انجام میدهد است. این مرحله تجارب رشد مغز را در بر میگیرد تا طفل قادر باشد که به جای دیگران قدم بگذارد و اشیاء را بدون خود پسندی ببیند. نکوهش طولانی توسط بزرگسالان درک و فهم طفل را تغییر نمیدهد، مگر سلوک طفل را سرزنش میکند حتی تقصیر را به وجود میآورد.

اطفال در بخش اوایل مرحله پیش عملیاتی بازی ها را به صورت تصوری میآموزند وشروع به جریان بازی اجتماعی میکنند. اکثراً اطفال درین سن رقابت تصوری دارند. یا اشیاء را مثل مردم نامگذاری میکنند و با این اشیاء برای ساعت ها بازی میکند. در آخر دوره، بین ۵ تا ۷ سالگی آنها می فهمند که بازی اجتماعی و بازی ها قوانین یا حداقل بعضی آداب ورسوم دارند که توسط گروپ به آن موافقه شده است. طفل شاید بخواهد که قوانین را تغییر دهد. از نقطه نظر خود پسندی اگر او بازی با قوانین را ببازد تفریح نیست و او شاید ناگهان بازی را خاتمه دهد. یکبار دیگر پیدا کردن فعالیت های مناسب سن که به رقابت تأکید نمیکند، مگر تشویق به همکاری و اجتماعی سازی میکند برای طفل این سن سالم تر است. او واقعاً نخواهد آموخت که ناکامی خود را توسط نکوهش طولانی و سرزنش کنترول کند.

اختلاف جنسیت در بازی، مگر نه در توانایی تفکر، شدیداً توسط فرهنگ، فامیل و مکتب متأثر شده است.

۳. مرحله عملیات واقعی: از ۷ تا ۱۱ سالگی

در طول این سال ها ممکن است که ذهن کودک تقریبا مانند ذهن یک فرد بزرگسال باشد. حرکت به سوی تفکر پیچیده ای منطقی برای بسیاری از کودکان، در حال توسعه میزان سریع است. در این حال، این تفکر انتزاعی و به طور واضح در ذهن نیست، اما به واقعیت فزیکی به اشیاء... گره خورده است. پیاژه این «اشیاء واقعی» را به معنی قابل مشاهده، قابل لمس و واقعی نامیده است. مهارت های استدلال، منطق، و حل مشکل کودک یک دگرگونی شگفت انگیز را به وجود آورده است. طفل مهارت ها را در طبقه بندی (طبقه بندی اشیاء نامتجانس به دسته ها)؛ دوامدار (تنظیم اشیاء در نظم ترتیبی مطابق به یک جنبه؛ مانند: اندازه، وزن و حجم) تقویت میکند. خودپسندی کنار گذاشته شده است و کودک یک چشم انداز وسیع تری از جهان فراتر از فضای خود با فاصله اندک خود دارد. او همچنین در حال حاضر دارای قابلیت همدردی با دیگران، که بعد دیگرمشکلات را نگاه کنند، دارد. او توضیحات پیچیده تر از درست و نادرست است را توسعه داده است، و توانایی ساده،اما رو به رشد تجزیه و تحلیل مشکلات اخلاقی و عدالت را دارد.

طریقه ای که کودکان با این نقاط عطف فکری برمیخورند، از کودک به کودک، صنف به صنف، و عوامل دیگر در محیط کودک، متفاوت خواهد بود. برخی از کودکان در این مرحله رشد با سرعت بیشتری نسبت به دیگران پیشرفت خواهند کرد. برخی به مرحله بعدی عملیات رسمی پیشرفت کرده نمیتوانند و ممکن است به طور برجسته در مرحله عملیات عینی در طول سالهای مکتب خود و یا حتی در طول زندگی باقی ماند.

٤. عملیات رسمی از ۱۱ سالگی تا بلوغ

حتی پیاژه موافقت کرده است که رسیدن به این مرحله از رشد روانی دشوار بود. برای بسیاری از کودکان توانایی تفکر انتزاعی و استدلال قیاسی با عوامل پیچیده محدود است.

بلوغ و نظریه پیاژه درباره مرحله عملیات های رسمی: به یک خصوصیت فرد بالغ که دانستن آن برای استاد مهم است، خود پسندی نامیده میشود. فرد بالغ برخلاف طفل میداند که دیگر مردم دیدگاه های متفاوت دارند. مگر او بالای همتایان شنونده تصوری و احساس اینکه دیگران می بینند و قضاوت میکنند، تمرکز میکند. خوشبختانه این احساس دردناک در سن ۱۴ یا ۱۵ سالگی برای بسیاری اشخاص بالغ به تدریج کاهش می یابد.



دانش یادگیری و مراحل معرفتی پیاژه با تحقیقات اخیر در انتقاد از نظریه مرحله بیش از حد ثابت بودن و بیش از حد جهت دار، برای کودکانی که ممکن است مهارت های فکری زودتر نسبت به پیشنهاد او از خود نشان دهند و یا مطابق همان پیشنهاد نمیباشد، اجازه نمیدهد، به مشکلات مواجه شوند. با این حال یک محدودیت بسیار جدی این است، که او در حال حاضر اطلاعات موجود در مطالعات مغز و یادگیری ندارد. او تقریبا به طور کامل جنسیت و محیط های اجتماعی را در مراحل یادگیری نادیده گرفته است. یکی بعد جنسیت را که پیاژه به آن توجه نکرده است، اما ما در حال حاضر میتوانیم بررسی کنیم با تحقیق مغز مرتبط است که نشان می دهد که رشد مغز به خصوص در مردان جوان فراتر از نوجوانی است. چیزیکه «عملکرد اجرایی» مغز نامیده میشود در لب قدامی مغز جاییکه تصمیم گیری، قضاوت و کنترول پیام عصبی پیدا میشود، موقعیت دارد. لب قدامی مغز بعداً در مردان جوان به پخته گی میرسد و اکثراً تا به سن ۲۰ سالگی به صورت کامل رشد نمیکند. ما این بخش را در فصل بعدی تحت عنوان مطالعات مغز مفصل بحث خواهیم کرد.

با این حال، ما می توانیم تفاوت رشد را از قبل از نوجوانی تا نوجوانی که برای معلمان مهم است تا عمق آن حتی بدون اطلاعات از مطالعات عصبی یا مغز بدانند. با وجود عدم اطمینان و فشار که گاهی اوقات نوجوانان این سن و سال با آن روبرو میشوند فرصت های منحصر به فرد را برای رشد در بسیاری از جهات فرصت هایی که معلمان ماهر تشخیص و پیگیری میکنند، ارایه میکند. استادان میدانند که چون شاگردان از طفولیت به بلوغ حرکت میکنند آنها تغییرات فزیکی، عاطفی و ذهن را متقبل میشوند. روی این ملحوظ استادان خود را آماده حساب میکنند تا شاگردان را با طیف گسترده ای از مسایل، از جریان کار تحصیلی تا ارتباط همتا به فرصت های فوق برنامه و مشکلات زنده گی، مشوره و نصیحت کنند.

این استادان ماهر تفاوت تنوع دانش آموز را به عنوان یک دارایی می بیند که میتواند هدایات شان را طوریکه آنها اهداف شهری، تحصیلی و اجتماعی را تعقیب میکنند غنی تر بسازد. با این حال آنها در اختلاف شاگردان آگاهی پیدا میکنند. همچنان آنها شباهت ها و نفع گرفتن ازین شباهت ها را که به عنوان فرضیهٔ مشترک برای نوجوانان خدمت می کنند، معرفی میکنند.

۵. انتقال برای نوجوانان (بالغ)

بلوغ یک دوره انتقال خیلی چیز ها برای نوجوانان و فامیل شان است. برای حصول اطمینان که بزرگسالان این انتقال را مؤفقانه پیمودند، برای هردو بسیار مهم است که بدانند به صورت فزیکی، ذهنی و اجتماعی چه به وقوع پیوسته است. طوریکه شما در زیر میخوانید به خاطر داشته باشید که هرگاه نوجوانان رشد میکنند زمان یکسان را تعقیب نمیکنند. طریقه یی گزارش جوانان افغانستان و ارزش قایل شدن به والدین و خانواده ممکن است درسی برای فشار برخی همسالان وفشار هویت تجربه شده توسط جوانان در بسیاری از فرهنگ ها باشد. اختلافات فرهنگی بحران هویت و فشار را به طور متفاوت برای نوجوانان شکل میدهد. مگر بسیاری چالش های اساسی این مرحله مشابه هستند.

رشـد فزیکی

رشد فزیکی چیست؟

در طی سالهای نوجوانی، نوجوانان تغییرات را در رشد فزیکی شان با یک مقدار سرعت نامتوازن از کودکی به اینطرف تجربه میکنند. رشد فزیکی شامل موضوعات ذیل است:

رشد سریع در قد و وزن: در طی یک سال جوش رشد، پسران و دختران حد اوسط به ترتیب۴۱ انچ و ۳۵ انچ قد شان رشد میکند. به طور معمول این فوران برای دختران دوسال قبل نسبت به پسران به وقوع می پیوندد. وزن پسران در نتیجه رشد مفصل ها واز دختران در چاقی بدن، افزایش می یابد.

رشد جنسی: در طی بلوغ، تغییر سطوح هورمونی یک نقش را در فعال ساختن خصوصیت پختگی رشد جنسی بازی میکند. رشد موی بدن، تغییر صدا و دیگر خصوصیات رشد بلوغ اکثراً برای نوجوانان گیج کننده و نگران کننده است. تفاوت های فردی را بر روی مجموعه ای از این تغییرات می تواند شرم آور به جوانان، و حتی ممکن است منابع تمسخر و تحقیر برای آنان باشد.

ادامه رشد مغز: تحقیقات جدید نشان میدهد که مغز جوانان تا آخر دوره بلوغ به صورت کامل رشد نمیکند. مطالعات دقیقاً نشان میدهد که ارتباط میان حجره عصبی و تأثیر آن بالای توانایی های عاطفی، فزیکی و ذهنی ناقص است. این می تواند توضیح دهد که چرا بعضی از نوجوانان در کنترول احساسات، تغیرات ناگهانی و قضاوت نا سازگار به نظر میخورند.

چطور این تغییرات بالای نوجوانان تأثیر میکند؟

اغلب نوجوانان طولانی خواب میکنند. تحقیقات نشان می دهد که نوجوانان در واقع نیاز به خواب بیشتری دارند تا به بدن خود اجازه دهند که کار داخلی مورد نیاز برای رشد سریع را انجام دهد. یک نوجوان به طور اوسط شبانه به نه ونیم ساعت خواب نیاز دارد.

ممکن است نوجوانان به دلیل فوران رشد بد قواره تر باشند: هرگاه به نظر رسید که بدن های نوجوانان همه بازوها و پا ها است سپس درک شما درست است. در طی این مرحله رشد، تمام اعضای بدن یکسان رشد نمیکند. این می تواند منجر به بد قواره گی شود. طوریکه به عنوان نوجوان سعی می کند در مقابله با دست و پا بپردازد که به نظر می رسد که رشد یک شبه است. نوجوان دراز و لاغر و ناهماهنگ به نظر میرسد. پسرها ممکن است دست و پا های شان بسیار بزرگ به نظر رسد و دختران ممکن است احساس کنند که بینی آنها بیش از چهره شان بزرگ است. در نهایت، بدن با خود رنج میبرد، اما این ممکن است زمان مشکل مبارزه نوجوانان با حس خود از جمله پذیرش تصویر بدن خودباشد.

ممکن است دختران نوجوان در مورد وزن خود بسیار حساس باشند: این نگرانی به دلیل افزایش وزن سریع همراه با بلوغ ناشی میشود. بسیاری دختران بالغ گزارش میدهند که آنها میکوشند تا وزن خود را کاهش دهند.

ممکن است نوجوانان به خاطر رشد بیش از حد جسمی شان نسبت به همسالان شان نگران باشند: ممکن است نوجوانان نسبت به همسالان شان بیشتر رشد کرده باشند «اوایل پختگی» یا نسبت به همسالان شان کمتر رشد کرده باشند «اواخر پختگی». بیرون بودن از مرحله رشد با همتایان یک نگرانی برای نوجوان است، زیرا او اکثر میخواهد برابر باشد. بلوغ زودرس بر دختران و پسران متفاوت است. تحقیقات نشان می دهد که در اوایل بلوغ پسران تمایل با محبوب شدن با همتایان و نگه داشتن مقامات رهبری میداشته باشند. بزرگسالان اغلب تصور میکنند که پسران در اوایل بلوغ ذهناً نیز به پختگی میرسند. این تصور می تواند منجر به توقعات غلط در مورد توانایی یک فرد جوان در تقویت مسئولیت وی، شود. به خاطر ظهور فزیکی شان، دختران در اوایل بلوغ به احتمال بیشتری دچار فشار برای نامزد شدن با پسران بزرگترهستند، و در افغانستان، قبل از اینکه آنها از لحاظ عاطفی آماده شوند ازدواج میکنند. دختران زودرس به بلوغ بیشتر با افسردگی، اختلالات خوردن، و اضطراب مواجه هستند.

ممکن است نوجوانان اظهار محبت با جنس مخالف و والدین را ناخوشایند احساس کنند. از آنجاییکه از نظر فزیکی رشد میکنند، دوباره فکر کردن در مورد عمل متقابل با جنس مخالف را آغاز میکنند. یک دختر بالغ که قبلاً عادت داشت پدر را حین آمدن او درخانه در بغل میگرفت و می بوسید، حالا از انجام این عمل می شرمد. پسری که عادت داشت مادر خود را با گفتن شب خوش و خدا حافظ ببوسد، حالا شاید حین بالا شدن به زینه ها تکان بخورد.

رشد ادراکی در نوجوانی: اکثر بزرگسالان تشخیص میکنند که نوجوانان مهارت تفکر بهتر نسبت به اطفال دارند. این پیشرفت ها در تفکر میتواند به چندین ساحه تقسیم شود:

رشد مهارت های پیشرفته استدلال: مهارت های استدلال پیشرفته شامل توانایی فکر در مورد گزینه های متعدد و امکانات است. این مرحله شامل روند منطقی تر فکر و توانایی فکر کردن در مورد چیزهایی فرضی است. این مرحله شامل پرسیدن و جواب دادن به این سوال، «چه می شود اگر...؟» میشود.

رشد مهارت های تفکرانتزاعی: تفکر انتزاعی به این معنی است، تفکر در باره اشیاییکه قابل دید، لمس و شنیدن نمیباشد. مثالها شامل اشیاء مثل: ایمان، اعتماد، عقاید و روحانیت میشود. نوجوانان سوالات عمیق را مثل: «من کی هستم؟» و «چرا من اینجا هستم؟» از خود می پر سد.

رشد توانایی تفکر درمورد فکر کردن دریک مرحله شناخته شده مثل «ماورای شناخت»: ماورای شناخت افراد را اجازه میدهد تا در مورد اینکه چطور آنها احساس میکنند؟ و چطور آنها تفکر میکنند؟ فکر کنند. این مرحله شامل قادر بودن فکر کردن در مورد اینکه، چطور یک فرد توسط دیگران درک میشود، میباشد.

استادان ماهر فعالانه کار میکنند تا انزوا و گوشه گیری شاگردان را کاهش دهند، و آنها وضعیت مکتب را نظارت میکنند تا امنیت هر فرد را در جامعهٔ آموزش تأمین کنند. کار کردن با شاگردان به این شیوه صرفاً آموزش و رشد شان را مثل یک فرد مسؤول جامعه کمک نمیکند، مگر استادان را هم آماده میسازد تا بسیار دقیق جنبه های خصوصیات، ارزشها، علایق و استعداد یک شاگرد را ببینند. بینش استادان در مورد شاگردان شان توسط دانش رشد و توسعه شان که اوایل سالهای نوجوانی را شرح میدهد، شکل گرفته است. این شاگردان اغلب حس جذاب از تعجب و خلاقیت، جهش چشمگیر یادگیری، و حساسیت های جدید به جهان اطراف آنها و مردم در آن را به نمایش میگذارند. در عین زمان، آنها زنده گی خود را شاید گیچ کننده، رهبری آنها برای آزمایش با نقش ها و رفتارهای متفاوت و گاهی متضاد، دریابند. ارتباطات نوجوانان با والدین، استادان و همتایان در حال انتقال است. قضاوت همتایان یا همسالان شان اغلب مؤثر و گاهی اوقات باعث تضاد میان نیازهای متناوب نوجوانان برای انطباق و استقلال میشود. ممکن است آنها خود را از صلاحیت بزرگسالان در خانواده و در عین زمان از روابط نزدیک با بزرگان مربوطه از خارج از خانواده، فاصله بگیرند. یک استاد میداند که نوجوانان به طور ویژه در توانایی شان پر تجربه میشوند، تا انتزاعی فکر کنند و دیدگاه های دیگران را نسبت به دیدگاه خود بر رسی کنند، و تشخیص کنند که چیزی را که آموخته اند اهداف شخصی شان را کمک میکند. آنها میدانند که شاگردان نگرانی های متعدد در مورد فامیل، مکتب، همسالان و خود دارند، که بالای رفتار و مؤفقیت مکتب شان تأثیر میکند. آنها میدانند که نوجوانان برای معنی و هویت در زنده گی شان به حیث دیدگاه در دنیای متحول جستجو میکنند. آنها تأثیرات مثبت و منفی تکنالوژی و رسانه ها را بالای نظریات و برداشت خودی نوجوانان تصدیق میکنند.

این استادان برای سنجیدن توانایی ها، نیاز ها و علایق شاگردان شان یک ظرفیت عالی را برای تقویت بینش و فهم شان در مورد شاگردان، رشد میدهند. انها فعالانه و بامیل گوش میدهند و شاگردان را در هر نوع سبک و طریقه یی که خود شاگردان بیان میکنند، خواه فعالیتهای رسمی صنفی، کنفرانس های فردی یا گردهمایی غیر رسمی باشد، مشاهده میکنند. همچنان درک استادان از شاگردان شان توسط بحث و گفتگو با والدین یا دیگر پرستاران و همتایان و با عمل متقابل شان با شاگرد زیاد میشود. این بینش را با توانایی خود برای شناسایی شاگردان با توانایی های استثنایی، نیازها



یا استعدادها، قادر ساختن استادان تا به عمل خود چوکات منصفانه را برای رفع نیازهای مشترک و منحصر به فرد هر یک از شاگردان خود بسازند.

میتود تحقیق پیاژه – مصاحبه کلنیکی و مشاهده

پیاژه از طریق آزمایشات متعدد نشان داده است که اشتباهات کودکان تصادفی و ناخوانا نیستند، اما بر اساس یک منطق سازگار است که به سادگی متفاوت از بزرگسالان است.

آزمایشات متعدد توسط پیاژه و همکارانش اجرا شد. آزمایشات ساحات مختلف موضوع، از قبیل تعداد، فضا و عملیات منطقی را تحت پوشش قرار داده است. با تحقیق در مورد پاسخ کودکان به این آزمون، و با با بازجویی کودکان در مورد چگونگی رسیدن آنها به جوابات، پیاژه، درک ما را در باره تفکر کودکان افزایش داده است.

آزمایشات طراحی شده توسط پیاژه و همکارانش کاملا ساده هستند زیرا آنها تنها از کودک، تقاضای جواب مستقیم به سوالات مانند «وزن کدام یک بیشتر است؟ یا» چه به آن تعلق دارد؟ را میکنند. این تنها آغاز آزمون است، با این حال، و می تواند به راحتی منجر به سلسله های نامحدود سوالات مربوط یا گوناگونی سوالات اصلی و چطور پاسخ را پیدا کردند، شوند. ازین رو ما میتوانیم مشاهده طرز تفکر طفل و کار های منطقی اورا آغاز کنیم. در روش پیاژه نقاط قوی و ضعیف هر دو وجود دارد. آنها این کار را در مورد مراحل تفکر کودک بسیار آشکار میسازند، اما سوال این است که کاملا بدون ساختار است. بعداً چند نمونه ای از پاسخ کودکان به وظایف رشد پیاژه بیان میشود. ممکن از شما خواسته شود که کوشش کنید تا این شیوه را خود تان با اطفال جوان به خاطر آزمایش تیوری پیاژه انجام دهید.

مثال های وظایف پیاژه:

محفوظ داشتن حجم

مواد: دو لوله از پلاستی سین یا خمیر چرب یا گل نرم یکسان در وزن، اندازه و شکل.

روش: ما از شاگرد پرسیدیم که آیا هر دو توپ گلی فضا را به مقدار یکسان اشغال میکنند؟ شاگرد گفت که آنهارا یکسان بسازید که کدام شک درانجا نباشد. بعداً پرسید، اگر یک آنها را به شکل استوانه بسازم، آیا آن مثل توپ مقدار فضای یکسان را اشغال خواهد کرد؟ و «چرا آنست؟».

نتایـج:

هفت ساله: رینا و کریس هردو فکر کردند که توپ های گلی هر دو فضای یکسان را اشغال نمودند، زیرا آنها در شکل و اندازه یکسان بودند. وقتیکه یک توپ را به شکل استوانه تبدیل نمودم هیچ یک از اطفال حقیقت را درک نتوانستند که توپ و استوانه هر دو فضای یکسان را اشغال میکنند. مفاهیم ساحه و ظرفیت برای شان بسیار انتزاعی بود که آنرا بدانند.

هشت ساله: جیمس توانست ببیند که هر دو توپ پلاستی سینی فضای مساوی را اشغال نموده اند, وبعد ازینکه ما بالای آن بحث کردیم, او دانست که هر دوی آنها دارای حجم یکسان میباشد. وقتیکه برای بار اول یکی از توپ ها را به استوانه تبدیل نمودم, او فکر کرد که آنها شاید فضای متفاوت را اشغال کنند؛ مگر بعد از دوباره فکر کردن بالای مفاهیم حجم او تصمیم گرفت که آنها فضای مساوی را اشغال خواهند کرد.

ده ساله: کامرون دانست که هر دو توپ فضای مساوی را اشغال کرده است، مگر این را فکر نکرد که هردو توپ فضای مساوی را اشغال میکند. استدلال او این بود که آنها دارای ساخت متفاوت هستند، به همین خاطر آنها فضای

متفاوت را اشغال میکنند. زیرا یکی آنها ساحه طولی اشغال میکند و دیگری ساحه دایروی را اشغال میکند. او توپ و استوانه را روی یک پارچه کاغذ گذاشت و در اطراف آنها رسم کشید تا نظر خود را تثبیت کند.

یازده ساله: وقتیکه از سوفیا پرسیده شد، نخستین جواب او «البته، شاید آنها فضای مساوی را اشغال کنند» بود. وقتیکه از او پرسیده شد که چرا این جواب تان است؟ او بیان کرد «من هفت سال به مکتب رفته ام، من احمق نیستم، البته من میتوانم بدانم که هر دو مساوی است. شما در وقت تبدیل کردن آن به استوانه کدام مواد دیگر با آن علاوه نکردید، پس چطور آنها میتوانند متفاوت باشند؟».

شاگردان مختلف به اندازه های متفاوت وابسته به توانایی شان پیشرفت خواهند نمود. به اساس آزمایشات ما، که اطفال قادر هستند تا بدون کمک به نتیجه درست برسند, این پیشرفت تا سن ۱۱ سالگی نیست.

هدایات برای وظایف پیاژه

۱. محفوظ داشتن مقدار

شما به دو توپ مساوی گلی یا خمیر نیاز دارید, یک اندازه ای که به آسانی طفل بتواند آنرا با کف دست لوله کند. خود تان آنرادست بزنید و آنرا به شکل توپ مدور کنید سپس آنر به دست طفل دهید و از ایشان بپرسید:
آیا مقدار گل هر دو توپ مساوی است؟ آیا آنها یکی اند؟

اگر طفل موافق شد که هر دو مساوی است، پیش بروید. اگر گفت که مساوی نیست. برایش بگویید که آنها را مساوی سازد. شاید طفل بخواهد که آنها را کمی فشار دهد، یا در واقع او یک کمی از یک توپ بگیرد و به توپ دیگر علاوه کند. کاملاً درست است. وقتیکه او این کار را انجام داد دو باره از او بپرسید: آیا مقدار گل هر دو توپ مساوی است؟ آیا آنها یکی اند؟
یکبار او موافق میشود که آنها یکی اند. برای طفل بگویید:

حالا میخواهم که این را با فشردن به شکل نان مبدل سازم. یکی ازین دو توپ را با فشردن به شکل نان مبدل سازید و دو شی توپ باقی مانده و نان را در پیشروی وی بگذارید.
سوالات زیر را به طور دقیق قسمیکه نوشته شده بخوانید و دقیقاً چیزی را که طفل میگوید ثبت کنید:
آیا مقدار گل مساوی در این (اشاره به توپ) مانند آن (اشاره به نان) است؟
وابسته به جواب طفل به سوال اول با پرسیدن چرا اینجا بیشتر است؟ یا چرا مساوی اند؟ تعقیب کنید.
سپس نان را به توپ تبدیل کنید و هردو توپ را برای چند لحظه پهلوی هم قرار دهید.

۲. محافظت اعداد

برای جریان کار این بخش شما به ۱۴ عدد سکه یا دکمه های یکسان نیاز خواهید داشت. با عدد آن شروع کنید و آنها را در میان خود و طفل بگذارید. به طور مساوی در دو قطار پنج عددی بین آنها فاصله بگذارید:

X X X X X
X X X X X

آیا در این قطار و قطار دیگر تعداد دکمه ها مساوی است؟ یا آیا آنجا (اشاره به قطار طفل) دکمه بسیار است یا (اشاره به قطار خود تان) اینجا؟
طفل قبل از موافق شدن به این که هر دو قطار مساوی است، اشیاء را کمی حرکت میدهد، که این کار او درست است.



یکبار طفل موافق میشود که تعداد دکمه ها مساوی است؛ دکمه ها را طوری پاش دهید که به طور قابل ملاحظه نسبت به قطار طفل طولانی تر باشد، مگر تا حال مثل زیر پنج دکمه است:

X X X X X
X X X X X

حالا سوالات زیر را از طفل بپرسید و جوابات دقیق طفل را ثبت کنید:
آیا تعداد دکمه های هر دو قطار مساوی است؟ یا آیا این جا زیاد است یا آنجا؟
وابسته به جواب طفل به سوال اخیر، هر دو سوال بپرسید. چرا آنها مساوی است؟ یا چرا آنها متفاوت است؟

حالا قطار طفل را بپاشید و دو دکمه دیگر را در هر قطار علاوه کنید. قطار طفل دوبار دقیقاً هفت عدد با فواصل مساوی است. سوال سوم و چهارم را مثل سوالات قبل بپرسید و جواب طفل را دقیقاً ثبت کنید.

حالا دکمه های قطار خود را با یکدیگر نزدیکتر سازید طوریکه حالا قطار طفل طولانی تر است. و سوالات سوم و چهارم را دوباره بپرسید و جوابات را ثبت کنید.

برای هر سوال بسیار مهم تصمیم بگیرید که آیا طفل «حفظ» مثل قضاوتش محافظت شده یا نه؟ طفل باید بعد از انتقال تنها نگوید که هر دو مساوی است، او باید یک دلیل معتبر بگوید.

۳. محافظت حجم

أ. دو ظرف (مثال: گیلاس ها) یکسان داشته باشید و سومی را که یا بلند تر و باریک تر یا کوتاه تر و دبل تر باشد هم داشته باشید. یک کوزه آب را داشته باشید (شما شاید بخواهید که آنرا به خاطر تأکید رنگ کنید).
ب. موضوع را به ظرف مشابه دهید. بگویید، «لطفاً در هر دو ظرف آب را به مقدار مساوی بیندازید». «آیا درهر دو ظرف طور دقیق آب به مقدار مساوی است؟» «شما چطور میدانید؟».
ج. موضوع را به ظرف سومی متفاوت دهید.

بگویید، «حالا یک (گیلاس) را بگیرید و آب را در ظرف جدید بیندازید». «حالا آیا هردو ظرف مقدار مساوی آب را دار میباشند؟» «شما چطور میدانید؟» «آب ظرف نو را در ظرف اصلی بیندازید» «حالا آیا در هر دو ظرف مقدار مساوی آب موجود است؟» «شما چطور میدانید؟»
انعکاس: آیا شما کدام شباهت و اختلافات را در باره توضیحات یاد داشت کردید؟
یک مفهوم مهم تیوری پیاژه انطباق آموزش سطح رشد آموزنده است. محتوای آموزش نیاز به سازگار بودن سطح رشد آموزنده دارد.

نقش استاد سهولت بخشیدن آموزش با تهیه نمودن انواع تجارب است. «آموزش کشفی» زمینه را برای آموزنده مساعد میسازد تا بر رسی و تجربه کند بدین طریق درک جدید را تشویق میکند. فرصت هایی که به شاگردان دارای سطوح مختلف ادراک اجازه میدهد تا با هم کار کنند؛ اکثراً شاگردان نا رسا را تشویق میکند تا درک و فهم خود را بیشتر رسا سازند. یک مفهوم بیشتر برای تعلیم، استفاده تجارب انتزاعی و عملی است که شاگردان را کمک میکند بیاموزند. پیشنهادات اضافی شامل موضوعات ذیل است:

- وسایل عملی و بصری را مانند: مودل ها و جدول زمانی تهیه میکند.
- مثال های مشهور را به خاطر تسهیل آموزش اندیشه مغلق مانند: داستان معادلات در ریاضی، استفاده میکند.

- فرصت ها اجازه میدهد تا معلومات را با تقویت پیچیده گی تقسیم بندی کند. عناوین و سلسله مراتب را به خاطر تسهیل کردن شبیه سازی معلومات جدید با دانش قبلی استفاده میکند.
- مشکلاتی را پیشکش میکند که تقاضای تحلیل تفکر منطقی را میکند. استفاده از ابزار مانند «بازی فکری» تشویق میکند.

نتیجه گیری و احتیاط در مورد مراحل پیاژه

پیاژه در کار تعلیم و تربیه پیشگام بود. قبلاً هیچ کس مثل او مطالعات دقیق در مورد شیوه تفکر اطفال نداشت. کار او تنها آزمایش هوش نبود بلکه بیشتر از ان وسیع ساختن تفکر مربوط به رشد عمومی و رشد اطفال بود. پس از اینکه کار های اساسی وی وسیعاً با دیگران شناسایی شد، او در یافته های خود نقصانات را پیدا کرد. مگر همچنان در تیوری های خود پیشرفت کرد. این رشته تیوری جدید پیاژه نامیده میشود. تیوری جدید پیاژه نسبت به کار اصلی او که خود قبلاً دارای جزئیات بیشتر و مغلق بود، مغلق تر است.

در حال حاضر ما نیاز به بسیارعمیق فکر کردن در باره تیوری پیاژه نداریم. برای استادان تنها همین قدر کافی خواهد تا از اطفال و نوجوانان آگاه باشند که طرز تفکر، درک واقعات و شیوه های مشکلات شان نسبت به دوره پختگی و کمال شان متفاوت است. برای استادان به خاطر معرفی معلومات و مهارت ها لازم است تا پیشکش خود را به سطح رشد طفل تنظیم کند. کار پیاژه مخصوصاً برای کمک کردن استادان بود تا تنظیمات منظم را وقتیکه طرز تفکر اطفال را بدانند, بسازند مفید است. به عوض درست کردن منطق شان این کمک خواهد کرد که اجازه دهند تا فهم شان با سن و تجربه رشد کند.

در فصل بعدی نگاهی به مغز انسان به بخش ها و عملکرد هایش، توجه خواهیم داشت. بنابران ما به رشد سالم آن برای آموزش در مکتب و زنده گی او وابستگی داریم.

فصل ششم

انکشاف مغز و آموزش

معرفی انکشاف مغز

درجریان ۴۰ سال اخیر ما درباره مغز انسان نسبت به ۴۰۰ سال گذشته مطالب بیشتر آموخته ایم. دانشمندان تعلیم و تربیه و متخصصین علم اعصاب کوشیده اند تا این معلومات را به صورت معلومات قابل فهم و مورد استفاده عملی به صنف انتقال دهند.

مهم است تا به خاطر داشته باشیم که همه آموزش ها با مغز ارتباط دارد. از طریق پروسه تعلیم وتربیه، ما می خواهیم و کوشش میکنیم تا بطور عینی ذهن را تغییر دهیم، نه غده پانقراس، طحال و یا شش ها را. در واقع تعلیم وتربیه یک موضوع عملی مرتبط به اعصاب است. این بدین معنی نیست که هر مدرس باید متخصص اعصاب باشد ویا ۱۰۰ ناقل عصبی و ۵۰ ساحه اعصاب را که برای درک موضوع مسؤل می باشد بخاطر بسپارد. ولی این بدین معنی است که معلمین می توانند با دریافت معلومات اندک در مورد تشخیص، مراحل پروسس تدریجی، ذخیره و دوباره بدست آوردن معلومات توسط اعصاب و مغز می توانند بطور مثمر عمل نمایند. این هم برای معلمین حایز اهمیت است تا در مورد بعضی مسائلی که می تواند سبب متأثر شدن انکشاف مغز و یا مشکلات آموزشی گردد بفهمند.

بعضی انکشافات مغز بطور طبیعی اتفاق می افتد. تقریباً هر طفل مانند همه اطفال دیگر نظر به رشد طبیعی که دارند فعالیت ها را بطور طبیعی انجام می دهند. ولی از طرف دیگر اطفال به اشکال متفاوت رشد و نمو می نمایند زیرا که آنها تجارب متفاوت دارند.

بزرگسالان می توانند در مواظبت بعضی مسائل متکی بر طبیعت باشند، آنها نیاز ندارند تا برای هر طفل مهارت های اندک را بیاموزانند. بیشترین اطفال طرز صحبت نمودن را بدون همکاری والدین شان می آموزند. اکثر اطفال بدون کمک والدین خود حرکت نمودن و چهارغوک نمودن را می آموزند. اما نمی توانند تا زما نی که کسی با ایشان صحبت نکرده باشد، تکلم و سخن گفتن را بیاموزند، و به همین ترتیب هرگاه طفل همیشه در قید یا آغوش والدین باشد نمی تواند چهارغوک کردن یا راه رفتن را بیاموزد.

انگیزه، جامعه پذیری و عمل متقابل در رشد ذهنی اطفال تآثیر مثبت دارد ولی یک طفل برای رشد و نموی بهتر و صحت خود به خواب کافی و استراحت نیز نیاز دارد.

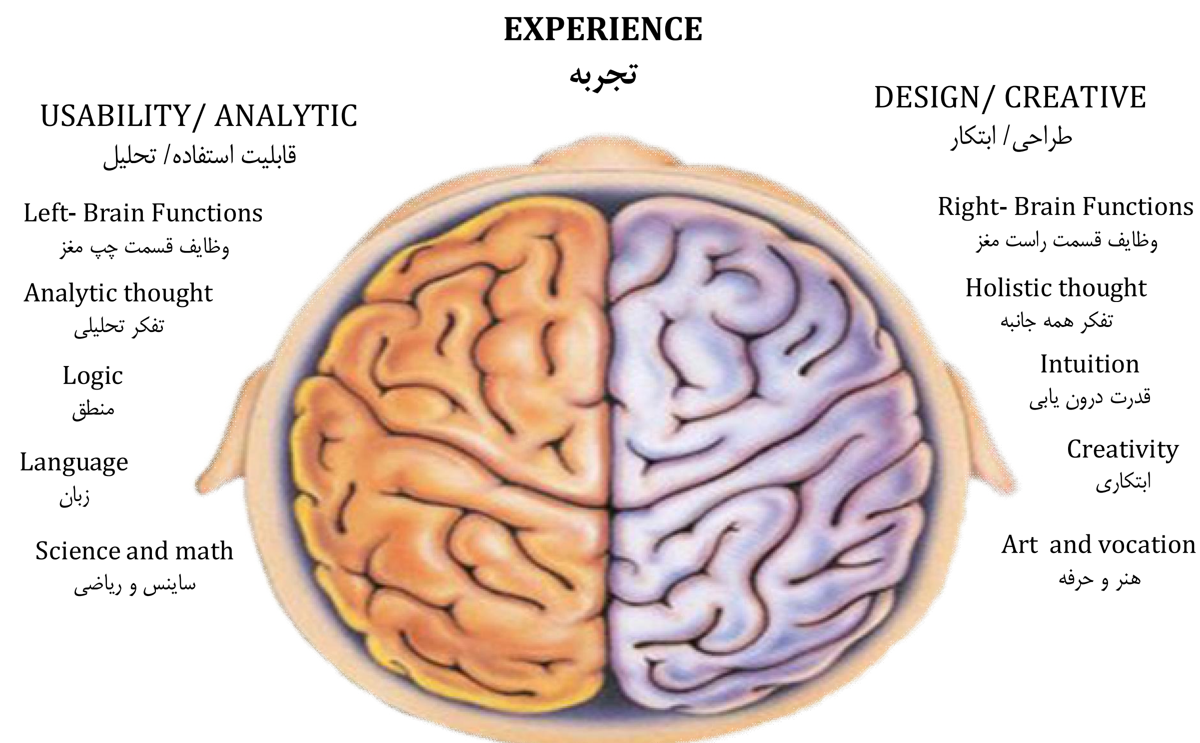
اکثر متخصصین بدین باور اند که رشد از ترکیب طبیعت و پرورش بوجود می آید . بسیار جالب است تا در باره اینکه این دو چطور باهم به طور هماهنگ فعالیت می نمایند پی گیری نمایم. برای اینکه مغز یک طفل بتواند تامین ارتباط نماید، وی باید صحتمند و از لحاظ فزیکی ضرورتهایش برآورده شود.

اگر اینها انجام داده شوند، بعضی تغییرات بطور طبیعی رونما می گردند. اما این هم کافی نیست بلکه آنها باید در محلی زیست نمایند که شرایط اجرای تجارب مهیا باشد. طبیعت و پرورش با هم در تامین ارتباطات مغز و مستحکم سازی این ارتباطات کمک و معاونت می نمایند.

مغز به بخش های متعدد تقسیم گردیده است

به نظر می رسدکه وظایف مختلف توسط بخشهای مختلف مغز انجام داده میشود، هرگاه ساحه یی از مغز مختل گردد، بعضی اوقات ساحه دیگر مغز فعالیت ساحه مختل شده را انجام می دهد. مغز نه تنها دارای ساحاتی برای یادگرفتن زبان و حرفه میباشد، بلکه دارای ساحات اختصاصی در مورد فرا گرفتن ریاضیات، احساسات و ساحاتی برای عملیه تفکر نیز میباشد. درمیان هر یکی از این ساحات، میلیون ها رشته های عصبی و محلات تماس (ساینپس) وجود دارند. ساحات مغز می توانند تا اندازه یی تغییر نمایند، چنانچه خللی در قسمت از مغز اش داشته باشد بعضی اوقات ساحه دیگر می توانند کارش را انجام دهد.

مغز از قسمت وسط به طرف پائین به دو نیم کره، که نیم کرهٔ راست و نیم کرهٔ چپ نامیده می شود تقسیم گردیده است. تصور میشود که این نیم کره ها از هم مجزا بوده ولی از لحاظ فعالیت باهم ارتباط دارند. به این معنی که قسمت راست مغز بیشتر برای فعالیت های ابتکاری مورد استفاده می گیرد و قسمت چپ آن بیشتر برای تفکرات منطقی و ریاضیات مورد استفاده قرار می گیرد. اکثراً مردم اصطلاحاتی را مبنی بر «شخصی راسته مغز» و «شخصی چپه مغز» مورد استفاده قرار می دهند. برای اینکه استادان بیشتر در مورد این اصول نظری اگاهی دریابند، دیاگرام ذیل می تواند مثمر واقع گردد:



نواحی مختلف مغز در در مراحل مختلف عمر به درجات مختلف رشد و نمو می نمایند. بدین معنی است که اطفال می توانند در مواقع مختلف بعضی مواد عالی را بیآموزند. «پنجره فرصت ها» و یا «موقع اساس» بهترین و آسانترین زمانی برای آموزش می باشد. پنجره فرصت ها را می توان بنام مواقع اساسی برای آموزش نامید. سه سال نخست زندگی برای آموزش بسیار با اهمیت می باشد. این زمانی است که رشد و نمو به صورت سریع صورت می گیرد.

مانند بنیاد یک تعمیر، مغز هم بر مبنای تهداب بسیار قوی تعمیر گردیده است. این همه قبل از تولد اتفاق می افتد و در جریان سه سال نخست زندگی حایز اهمیت می باشد. حجرات مغز را می توان منحیث مواد خام مغز تلقی نمود و آنرا با



تخته یی که بحیث مواد خام در هنگام اعمار تعمیر به کار می رود مقایسه نمود. تجارب و آموزشهای یک طفل در اعمار ذهن وی کمک می نماید، که می توان آنرا به نصب لین ها و رنگ آمیزی دیوار ها تعبیر نمود. این مثال نمی تواند تصویر مکمل را از پروسه بیان نماید ولی میتواند نمونه یی برای تجسم آن باشد.

مواد ارثی که از والدین به اولاد انتقال می یابد در عرصه مشخص ساختن تعداد ابتدایی رشته های عصبی مغز (حجرات عصبی مغز) که طفل با آن به دنیا می آید و در تنظیم ابتدایی آن نقش اساسی دارد. یک رشتهٔ عصبی مغزی عبارت از یک حجره عصبی می باشد که جزء ساختمان و تعمیر بلاک های ابتدایی سیستم عصبی را تشکیل میدهد. رشته های عصبی مغز در بعضی موارد با حجرات دیگروجود انسان شابهت دارند. رشته های عصبی مغز در عرصه انتقال معلومات به تمامی وجود انسان به صورت اختصاصی عمل میکند. حجرات مذکور به صورت بسیار اختصاصی مسؤول تامین ارتباط و معلومات به شکل کیمیای و الکترنیکی میباشند. همچنان انواع مختلف رشته های عصبی مغزی مسؤولیت فعالیت های گوناگونی را در وجود انسان به عهده دارند.

در زمان تولد، مغز یک طفل حاوی ۱۰۰ میلیون رشته های مغزی، عصبی می باشد. به طور اغلب می توان گفت که تعداد حجرات عصبی مغز برابر است با تعداد سیاره های نظام فلکی ما است. مغز سه ماه بعد از حاملگی آغاز به تشکل می نماید. مغز قبل از تولد، بلیارد ها رشته های عصبی و محل تماس دو عصب که به نام ساینپس هم یاد میشود (وسیله ارتباط میان حجرات مغز) تولید می کند. در طی سال اول بعد از تولد، مغز تحت تغییرات فوق العادهٔ قرار می گیرد.

در مغز، رشته های عصبی و نیز ساینپس ها (محل های تماس دو عصب) از زمان تولد در آن موجود می باشند. بعد از تولد، رشته های عصبی در وجود تولید نمی گردد، ولی با بالغ شدن رشته های عصبی مغزعملیهٔ تولید ساینپس بیشتر و بیشتر می گردد. درزمان تولد، تعداد ساینپس (محل تماس دو عصب) در فی رشته مغزی به ۲۵۰۰ می رسد، ولی تا دو الی سه سالگی تعداد آنها به ۱۵۰۰۰ فی رشته عصبی می رسد. مغز ارتباطاتی را که گاه گاهی و یا هیچ تامین نمی شود از بین می برد، که این یک بخش عادی پروسه فعالیت و انکشاف مغز می باشد.

دانشمندان به این عقیده اند که آموزش زبان مادری وحتی لسان دوم، در ده سال نخست زندگی می تواند بطور بسیار ساده صورت گیرد. در طی همین سال ها مغز اطفال به فعالیت فراگیری اصوات کلامی زبان خود می پردازد. تکرار متداوم کلمات برای یک طفل کمک میکند تا از طریق ارتباط رشته های عصبی مغز بین کلمات ارتباط تأمین شود و در نهایت طفل را قادر به فراگیری کلمات به شکل بهتر میسازد. یک زبان را می توان به طرق مختلف آموخت، بطور مثال: مکالمات غیررسمی، آهنگ ها، شعر ونظم، متن ها، مطالب خواندنی، قصه ها و غیره. انگیزش ها و تحریک های ابتدائی، یک مرحله را برای اینکه چطور یک طفل در طول زندگی اش می آموزد و با دیگران چطور برخورد می نماید تعیین می نمائید.

تجارب خوب و یا بد یک طفل،، تأثیر خاصی بالای رشته های عصبی مغز وی و دارد. ارتباط متقابل و گرایش های محبت آمیز بزرگان با اطفال در تحریک مغز طفل بطور فعالانه عمل نموده و سبب رشد ساینپس (محل تماس دو عصب) گردیده و ارتباطات موجود را قویتر می سازد. ارتباطاتی که مورداستفاده قرار می گیرد به مرور زمان دایمی می گردند. اگر طفل انگیزه های کمی را دراین مدت زمان دریافت نماید، ساینپس ها به طور کامل انکشاف ننموده و مغز ارتباطات کمی را برقرار می سازد.

فشار در بعضی مواقع می تواند مانع انکشاف مغز گردد، چنانچه اگر یک طفل اغلب اوقات ویا بطور متداوم با وضعیت هایی مانند؛ دشنام، فقر و یا سایر حالات نامطلوب بدون کمک بزرگان مواجه شود مغز وی از انکشاف لازم باز خواهد ماند. اما زمانیکه بزرگان اطفال را در عرصهٔ تجارب شان کمک نموده و در موقع ضرورت با ایشان موجود باشند، فشار های ذهنی اطفال کاهش می یابد. در مواردی که دست بزرگان مهربان بالای سر اطفال باشد و از آنها حمایت نمایند، دران صورت عوامل فشار (استرس) مانند از دست دادن یکی از اقارب نزدیک، مریضی، فقر و تنگدستی می تواند قابل تحمل گردد.

در بعضی موارد فشار می تواند تأثیر مثبت داشته باشد مانند زمانیکه یک مقدار کمی پریشانی و یا ترس موجود باشد، و یا بعضی چالش هایی که ما با آن دست و پنجه نرم می نماییم. در تجارب فشارهای مثبت، مغز و سیستم عصبی آن می توانند بطور کوتاه مدت به حالت آرامش برگردد. زمانیکه اطفال در معرض یک فشار روحی و یا فزیکی قرار می گیرد، دماغ سگنالی را از طریق هایپوتالاموس به ناحیهٔ قشری ادرینال (غدهٔ فوق الکلیه) که در نتیجه غدهٔ مذکور هورمون کورتیزون را آزاد میکند. مقدار زیاد هورمون کورتیزون می توانند سبب از بین رفتن و یا کم شدن حجرات مغز گردد. این کار سبب کم شدن ارتباطات میان حجرات و ساحات مختلف مغز گردیده و در نتیجه خسارات زیادی را به مغز وارد میسازد. به عبارت دیگر، سیستم سیم کشی (لین دوانی) خانه می توانند به طور شدیدی خساره مند گردیده و در صورت عدم موجودیت بزرگان، اگر یک طفل با آن برخورد نماید منجر به خرابی لین ها می گردد.

در صورتی که اطفال با پرستاران شان پیوند محکم عاطفی داشته باشند سطح هورمون کورتیزون به طور قابل ملاحظه کاهش می یابد. اطفالی که جنگ، خشونت، منازعه و بی امنیتی را تجربه می نمایند از خود در داخل صنف علایم اختلال دماغی را نشان می دهند. این علایم را می توان منحیث اختلالات فشار پس از سانحه (PTSD Post Traumatic Stress Disorders شمرد)

ساختمان دماغ

دماغ بخش مرکزی سیستم عصبی ما را تشکیل داده و نقش تصمیم گیرندهٔ را در کنترول بسیاری از فعالیت جسمی که در برگیرندهٔ فعالیت های ارادی مانند قدم زدن و صحبت کردن و نیز فعالیت های غیر ارادی مانند تنفس کردن و پلک زدن میباشد ایفا می نماید. با وجود آن که دماغ برای مقاصد حسی بالای اعضای مختلف وجود مانند سیستم دهلیزی که در برگیرنده چشم ها، گوش ها و حجرات اساس حسی و لمسی جلد می باشد دارای مراکزی میباشد اما در این فصل، ما صرف بالای دماغ تمرکز می نماییم نه بالای تمامی سیستم عصبی انسان. دماغ جایی است که فعالیت های ذهنی دران صورت میگیرد.

مغز از دو نیم کره تشکیل شده است که دارای چهار لوب می باشد. هر یکی از این لوب ها دارای لایه های متعددی می باشد. همه این لایه ها همه به طور همزمان به پختگی نمیرسند. مواد کیمیاوی که عملیه انکشاف مغز را تقویت میکند به شکل امواج ترشح می گردند. ساحات مختلف دماغ سیرتکامل خود را با تسلسل قابل ملاحظه می پیمایند. اوقات این تغییرات انکشافی را در قسمت های جداگانه بیان می داریم. چرا؟ برای انواع مختلف آموزش و انکشاف «بار نخست» وجود دارند.

بخش های مختلف مغز فعالیت های مختلف را کنترول میکند. بسیاری از فعالیت هایی مانند؛ تفکر، پلان نمودن و بخاطر آوردن،که ما آنرا بنام فعالیت مغز یاد میکنیم، همه اینها توسط قشر مغز کنترول می گردند، قشر مغز روی مغز را



پوشانده است. قسمت های دیگر مغز هم نقش بارزی را در حافظه و آموزش ایفأ می نماید، که شامل ماده خاکستری مغز، هایپو تالاموس، لوزتین، و قسمت اساسی و قدامی مغز می باشد. قسمت های زیر نهیج و لوزتین در واکنش در مقابل فشار و کنترول احساسات حایز اهمیت می باشند.
بلاک های اساسی مغز را حجرات عصبی مخصوص تشکیل داده است حجرات عصبی قبل از تولد رشد و توسعه می یابد. در حقیقت، یک مغز جنینی دوبرابر از مقداری که ضرورت به آن دارد رشته های عصبی و حجرات مغز را تشکیل می نماید. این یک نوع تدبیر احتیاطی می باشد که چانس زیادی را برای دنیا اطفال با مغز های صحتمند مهیا می سازد. اکثریت رشته های عصبی اضافی در قسمت رحم می ریزند و از بین می روند. در هنگام تولد یک نوزاد دارای بیشتر از ۱۰۰بلیون حجرات مغز می باشند.

هر رشته اعصاب دارای یک اکسون می باشد که آن بازده بوده که پیام عصبی را به رشته های عصبی دیگر انتقال می دهد. هر رشته عصبی دارای تعدای زیادی از آخذه های عصبی می باشد که آنها شکل گیرندۀ را ایفاء می نماید که پیام های عصبی را دریافت می دارند. بدین ترتیب یک ارتباط کاملاً مؤفق میان رشته های عصبی را تشکیل می دهند.

در جریان رشد و نموی طفل، تعداد رشته های عصبی به شکل نسبتاً ثابت باقی می ماند، مگر هرحجره به ذات خود بزرگتر و سنگین تر میشود. مرحله ازدیاد حجرات ها در بعضی از این نوع رشد مد نظر گرفته می شود. این حجرات را به شاخه های جداگانه دسته بندی می نمایند که آهسته آهسته درختی از حجرات را تشکیل می دهد که می تواند پیام های عصبی را از رشته های دیگر دریافت نماید.

ارتباط میان حجرات مغز

در ایام تولد، مغز انسان در یک حالت و شکل ناتمامی قرار دارد. اکثریت از ۱۰۰بیلیون رشته های عصبی به شبکه ها وصل نگردیده و بالغ نمی باشند. تشکل و تقویت بخشیدن این شبکه ها میان رشته های عصبی از جمله فعالیت های انکشاف ابتدای مغز می باشند. این ارتباطات میان رشته های عصبی طوری رشد و انکشاف می یابند که طفل محیط و اطراف خود را در جهان بیرونی تجربه نموده وا بستگی های را با والدین، اعضای فامیل و دیگر سرپرستان تشکیل می دهند.

در دهۀاول زنده گی، مغز طفل تریلیونها ارتباطات و ساینپس (محلات تماس دو عصب) را تشکیل می دهد. اکسون ها خود را با دندرایتها ارتباط داده و در تهیه مواد کیمیاوی که بنام ناقل های عصبی نامیده می شوند و وظیفه آن کمک و انتقال پیام ها که بنام «پیام های عصبی» نامیده می شود در نتیجه تماس دو عصب تشکیل می گردد میباشد. هر رشته عصبی بطور انفرادی میتوانند ارتباط را با بیشتر از ۱۵۰۰۰ رشته های عصبی قایم نموده، شبکه ها و راه های ارتباطی عصبی را به طور بسیار پیچیده تشکیل می دهند. این شبکه مغلق و اساس را بعضی اوقات می توان به سیستم سیم کشی(لین دوانی) مغز نامید. زمانیکه رشته های عصبی بالغ می گردند، محلات ارتباط میان دو عصب بیشتر می گردد. در موقع تولد، تعداد محلات ارتباط میان دو عصب در فی رشته عصبی به ۲۵۰۰ می رسد، ولی در سن دو و سه سالگی، تعداد آن به ۱۵۰۰۰ محل ارتباط در فی رشته عصبی می رسد. شبکه عصبی به شکل سرسام آوری رشد و وسعت می یابد.اگر آنها بشکل مکرر ویا کافی استفاده نگردند، از بین می روند. بدین شکل، تجارب نقش مهم و بارزی را در سیستم شبکه مغز یک طفل دارد. رشد مغز در مراحل آغازین طفولیت توقف نیافته، بلکه این اساس می باشد برای ادامه انکشاف مغز طفل.

آغاز طفولیت، زمانی است برای بار آمدن طفل بشکل قوی ویا ضیعیف و یک اساس غیرقابل اعتبار. این مراحل ابتدائی برای ادامه انکشاف دوره طفولیت، دوره بلوغیت و مرحله تکامل رشد حایز اهمیت می باشد.

سیر مغز

هر حیوانی که شما تصور آنرا می نمایید، مانند پستانداران، پرندگان، خزندگان، ماهیان، ذوحیاتین — هرکدام از آنها دارای مغز می باشد، مغز انسان از همه بی مانند و بی همتا می باشد. گرچه مغز انسان بزرگترین مغز نیست، ولی برای ما قدرت و توانائی صحبت نمودن، تصور نمودن و حل نمودن مشکلات را می دهد. این واقعاً یک عضوبسیار عالی در وجود ما می باشد.

مغز فعالیت های قابل ملاحظهٔ ذیل را انجام می دهد:

- مغز حرارت وجود، فشار خون، ضربان قلب و تنفس را کنترول می نماید.
- مغز معلومات را از جهانی که ما در آن زیست داریم به واسطه حواس پنجگانه ما؛ مانند: (حس بینائی، حس شنوائی، حس بویائی، حس چشائی و حس لامسه) قبول می نماید.
- مغز حرکات و سکنات فزیکی ما را مانند: قدم زدن، صحبت نمودن، ایستادن و نشستن اداره و کنترول می نماید.
- مغز فرصت تفکر، خواب دیدن، ارائه دلایل و تجربه احساسات را برای ما میسر می سازد.

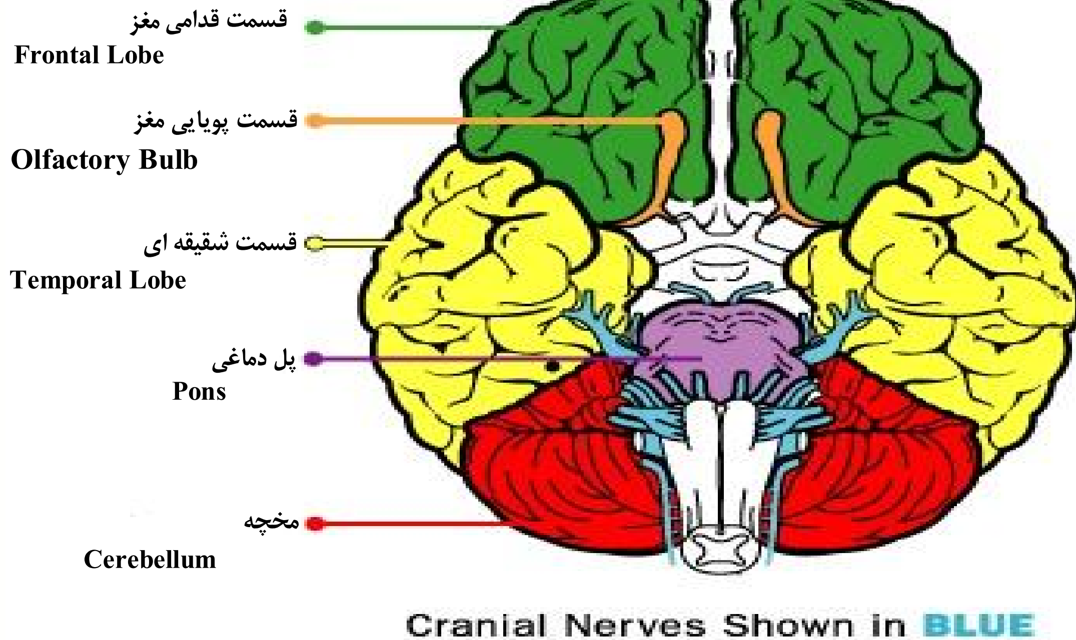
همه این وظایف توسط یک عضوء که به اندازه یک کرم خورد می باشد تنظیم، ترتیب و هماهنگ می گردد.

مغز تکامل خویش را از گانگلیون از بی مهرگان پیموده است. صرف نظر از نوع حیوانات، مغز دارای بخش های ذیل می باشد:

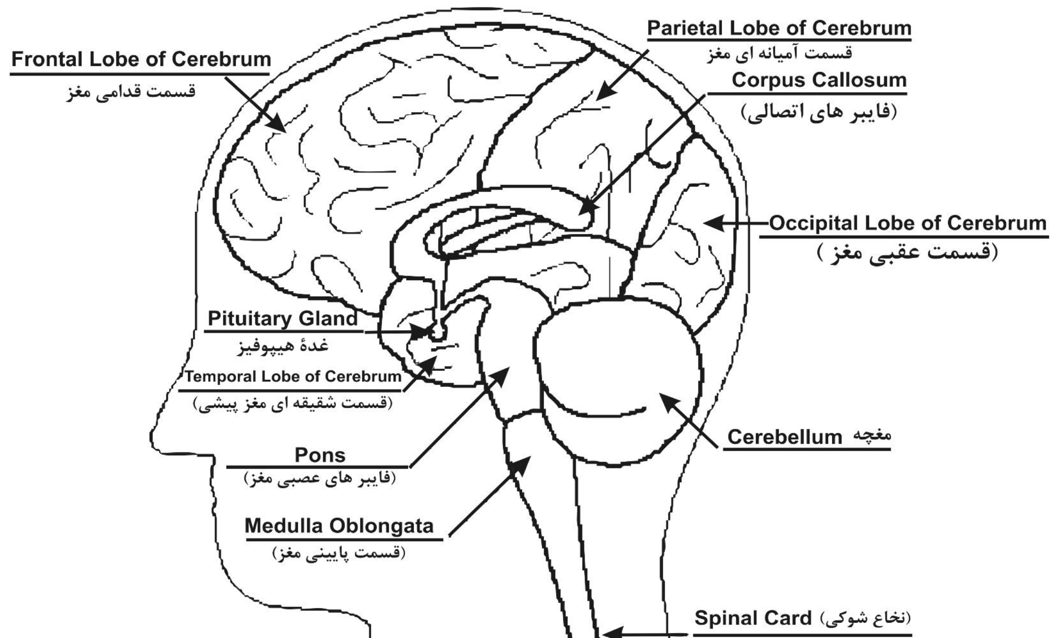
ساقه مغز: ساقه مغز متشکل از حرام مغز (یک بخش بزرگ از قسمت بالائی ستون فقرات)، پل دماغی و مغز میانی (در تعداد کمتر حیوانات) میباشد. ساقه مغز فعالیت های اتوماتیک را مانند ضربان قلب، فشار خون، حرکات اعضای بدن و فعالیت های احشایی مانند سیستم هضم غذا، دفع ادرار را کنترول و ارزیابی می نماید.

- دماغ اصغر: دماغ اصغر تمامی معلومات را از سیستم دهلیزی مانند چشم ها، گوش ها و جلد که بیان کننده موقعیت و حرکات بوده و از این معلومات برای تنظیم حرکات اعضای بدن استفاده می نماید.
- هیپوتالاموس و غدهٔ هیپوفیز: اینها همه فعالیت های احشایی، حرارت بدن و جوابات وابسطه به رفتار و کردار را مانند تغذیه، نوشیدن غریزه جنسی، پرخاشگری و احساس خوشی را کنترول می نمایند.
- دماغ اکبر (که میتوان آنرا قشر مغز نیز نامید): مغز قدامی متشکل از قشر، دستگای فایبر بزرگ و بعضی ساختمان های عمیق دیگری مانند گانگلیای اساسی، امیگدولا(بادامه) و هیپوکامپ می باشند. همه این ها تأمین کننده معلومات از کلیه اعضای حسی، آغاز حرکات توابع، کنترول احساسات نگهداری حافظه و پروسه تفکر میباشد. (بیان احساسات و تفکر را می توان در تعدادی کثیری از پستاداران بطور قابل ملاحظه دریافت نمود).





Major External Parts of the Human brain (Underside View)
اکثر بخش های خارجی مغز انسان
قسمت قدامی مغز
Frontal Lobe
قسمت پویایی مغز
Olfactory Bulb
قسمت شقیقه ای
Temporal Lobe
پل دماغی
Pons
مخچه
Cerebellum
Cranial Nerves Shown in BLUE



Lateral View of the Brain (نمای جانبی مغز)
Frontal Lobe of Cerebrum
قسمت قدامی مغز
Parietal Lobe of Cerebrum
قسمت آمیانه ای مغز
Corpus Callosum
(فایبر های اتصالی)
Occipital Lobe of Cerebrum
(قسمت عقبی مغز)
Pituitary Gland
غدهٔ هیپوفیز
Temporal Lobe of Cerebrum
(قسمت شقیقه ای مغز پیشی)
Cerebellum مخچه
Pons
(فایبر های عصبی مغز)
Medulla Oblongata
(قسمت پایینی مغز)
Spinal Card (نخاع شوکی)

ناحیهٔ پایینی مغز

ستون فقرات: ستون فقرات را می توان به شکل مجزا از مغز مشاهده نمود، و یا آنرا منحیث ارتباط دهنده نقاط پائین با ساقه مغز دانست. این متشکل از مسیر های حرکی و حسی بدن می باشد و برعلاوه حاوی مسیر های صعودی و نزولی از مغز می باشد. همچنان دارای مسیر های انعکاسی بوده که بطور خودمختار در مغز عمل می نماید، مانند: حرکت تند و سریع زانو.

در بین هرکدام از این ساختمان ها مراکزی از حجرات عصبی موجود می باشند که بنام (هسته) نامیده می شوند، این مراکز دارای فعالیت های خاص و مشخص می باشند، مانند: سیتم تنفس، تنظیم ضربان قلب، خواب و غیره.

دماغ اصغر: دماغ اصغر حاوی هسته هایی برای تنظیم فشار خون و سیستم تنفس میباشد. برعلاوه دماغ اصغر دارای اعصابی برای پخش معلومات میباشد که از اعضای حسی کاسه سر وارد میشود موجود می باشد. باید گفت که این بخش مهمی از مغز را تشکیل می دهد.

پل های دماغی: پل های دماغی بخشی از دماغ است که حاوی هسته هایی می باشد که تمامی حرکات و سکنات و معلومات ما را از دماغ اصغر به قشر مغز انتقال می دهد. همچنان دارای مراکزی است که در بخش تنفس، طعم، خواب و هم حرکات فزیکی حرام مغز را با مغز وسطی ارتباط می دهد.

مغز وسطی: مغز وسطی حاوی هسته هایی است که بخش های مختلف مغز را که دربرگیرنده فعالیت های اتوماتیکی میباشند مانند دماغ اصغر، گانگلیون بازال، حرکات چشم را کنترول میکند. بخش دیگر آن، بنام مادهٔ نیگراۀ Substantia یاد می گردد، که حاوی حرکات اختیاری بوده؛ در عدم این فعالیت ها، شما به بیماری پارکینسون که حاوی تکان ها و جنبش ها می باشد مبتلا می شوید.

تالاموس(ماده خاکستری میان مغزی): این بخش مسیر های ورودی حسی را به نقاط مختلف قشر پخش نموده، و اینکه کدام بخش بطور واقعی معلومات حسی را که بشکل هوشیارانه در تعویض معلومات اتوماتیک میان دماغ اصغر، گاگلیون بازال و قشر مغز سهیم می باشد.

هیپوتالاموس: این بخش دارای مراکزی است که ترشحات هورمونی غدهٔ هیپوفیز را کنترول می نماید. این مراکز در رهبری غده های جنسی، خوردن، نوشیدن، رشد، و رفتار مادری مانند: شیردهی (تولید شیر در پستانداران) سهیم می باشد. برعلاوه، این بخش در مسائل دیگری مرتبط با بخش های مختلف رفتار نقش بارزی دارد.

دماغ اصغر: دماغ اصغر بنام «مغز کوچک» نیز نامیده می شود زیرا که آن در لابلای چند لایه پنهان می باشد که در قسمت های بالا و عقب پل دماغی در بخش پائین سرقرار دارد.

بحیث دومین ساحهٔ مغز، این بخش معلومات حسی را از ورودی ستون فقرات، ورودی اتوماتیک قشر و گانگلیون بازال و مشخص سازی معلومات را از سیستم دهلیزی دریافت می نمایند.

دماغ اصغر بعداً، این معلومات را تحکیم بخشیده و آنرا برای مسیر های خروجی اتوماتیک مغز برای تنظیم حرکات و سکنات تشویق می نماید.

جهت نمایش بیشتر، شما یک قسمت از وجود خود را لمس نمائید که در نتیجه دست شما یک حرکت سریع را انجام می دهد. اگردماغ اصغر شما آسیب دیده باشد، این حرکت به شکل بسیار تشنجی انجام می گرفت، زیرا که قشر مغز یک سلسله انقباضات عضله را از مرکز تا نقطه مورد توجه آغاز نموده است.



مخچه می توانند در بخش زبان هم دخیل باشد مانند: (انقباضات قابل ملاحظه عضلهٔ لب ها و حلقوم) همچنان فعالیت های قابل درک دیگر.

دماغ اکبر: بزرگترین قسمت مغز انسانی را در داخل سر احتوا نموده است. این بخش دارای تمامی مراکزی است که تمامی معلومات حسی را دریافت و تعبیر نموده و حرکات را تشخیص، معلومات را تحلیل و احساسات را تجربه و برای آن دلایل فراهم می نماید. مراکز تامین کننده فعالیت ها در نقاط مختلف قشر مغز قدامی قرار دارند که درقسمت های بیرونی دماغ اصغر واقع بوده و دارای ماده خاکستری رنگ می باشد و داخل آن حاوی ماده سفید رنگ می باشد.

بخش های اساسی قشر مغز

این بخش سطح بیرونی مغز را تحت پوشش قرار می دهد. مساحت سطح آن در حدود (۲۳۳الی ۴۶۵) انچ مربع بوده که معادل (۱۵۰۰ الی ۲۰۰۰سانتی متر مربع) می باشد که معادل اندازه دو صفحه اخبار می باشد. برای اینکه این سطح در میان جمجمه مغز جابجا گردد، قشر نیاز به چند لا شدن دارد بشکل (کانال ها و چین خورده گی ها). چند کانال بزرگ قشر مغز را به نرمه ها ویا (لوب ها) تقسیم می نمایند. که عبارت اند از: قطعه اهیانه ای، قسمت قدامی (پیشانی)، قطعه پس سری (پشت سر) و قطعه شقیقه ای نامیده می شوند که هر کدام آن دارای وظایف خاصی می باشند.

زمانیکه از قسمت فوقانی ملاحظه نماییم، یک کانال بزرگ (دربین نیمکره) مغز را به دو حصه چپ و راست تقسیم نموده است. این دو بخش به وسیله یک مادهٔ سفید فایبر مانند بنام (Corpus Callosum) به هم پیوند پیدا میکند. همچنان، بخش های راست و چپ قطعه های شقیقه ای ارتباطش را با بقیه نقاط مغز ذریعه فایبر نزدیک و عقب مغز که بنام (بند قدامی) نامیده می شود تأمین می نمایند.

درین جا سیر ما بر ساختمان اساسی قشر مغز به پایان رسیده و حال بیائید تا درباره وظایف آن به معلومات بپردازیم.

قشر مغز و قطعات آن

ساحات مختلف قشر مغز دارای فعالیت های خاص خود می باشند:

قطعه اهیانه ای: این بخش تمامی پیامهای های حسی را دریافت و طی مراحل می نماید. مانند: (لمس، درد وغیره).

- الیاف ستون فقرات ذریعه (تالاموس) به بخش های مختلف قطعه اهیانه ای تقسیم شده اند.
- عقب قطعه اهیانه ای (پهلوی قطعه شقیقه ای) دارای بخشی که بنام ساحهٔ ورنیکی یاد می گردد، برای درک حسی مانند حس شنوائی و بینائی و معلومات متعلق به زبان حایز اهمیت می باشد. خساره در این ناحیه مغز باعث مشکل که بنام حسی آفازی (کمبود کامل قدرت به کار بردن یا فهم واژه ها معمولاً در اثر آسیب مغزی) زبان پریشی یاد می گردد. مبتلایان به این مشکل زبان را درک ننموده ولی می توانند هنوز آوازها را تولید نمایند.

قسمت قدامی (پیشانی): این بخش در مهارت های اتوماتیک (دربرگیرنده سخن و عملکرد های ادراکی) می باشد.

- بخش مرکزی و اتوماتیک مغز که در بر گیرندهٔ چین سینوسی مرکزی مغز و بر آمده گی چین خورده مغز میباشد در قسمت عقب قسمت قدامی و در قسمت پیشین اهیانه ای مغز موقعیت دارد. معلومات حسی را از قطعه اهیانه ای دریافت نموده و فعالیت های اتوماتیک را طی مراحل می نماید.



- یک ساحهٔ در قسمت چپ قطعه اهیانه ای که بنام ساحهٔ بروکا یاد می گردد. دربرگیرنده اعضایی می باشد که مسائل زبان و آواز را کنترول می نماید مانند دهن، لب ها و حلقوم. خساره در این ساحه باعث کمبود یا فقدان کامل قدرت به کاربردن یا فهم واژه ها معمولاً در اثر آسیب مغزی، زبان پریشی (محرک عدم قدرت تکلم) گردیده که مبتلایان آن زبان را درک نموده ولی نمی توانند تولید آواز ویا صوت نمایند.
- ساحات متباقی قسمت قدامی (پیشانی) فعالیت های انجمنی مانند(تفکر، آموزش و حافظه) را انجام می دهند.

قطعه پس سری (پشت سر): این بخش معلومات تصویری را دریافت و طی مراحل می نماید که این معلومات مستقیماً به چشم ارتباط داشته،معلومات را به قطعه اهیانه ای و همچنان به قسمت قدامی ارتباط می دهد. یکی از کارهای آن اینست که تصاویر چپه را که ما در حین تماشا اطراف خود به واسطه قرنیه چشم مینگریم تعبیر می نماید.

قطعه شقیقه ای: این بخش معلومات بخش شنوائی را که مربوط گوش ها می گردد طی مراحل نموده و آنرا به قطعه اهیانه یی و قسمت قدامی و قشر موتور ارتباط می دهد.

گانگلیون بازال: همچنان در بخش قطعه شقیقه ای موقعیت دارد و وظیفه آن همکاری با دماغ اصغر برای هماهنگی و تنظیم حرکات حسی می باشد مانند (حرکات انگشتان وغیره).

سیستم لیمبیک: در بخش عمیق قطعه شقیقه ای موقعیت دارد، این سیستم حایز اهمیت در بخش های رفتاری، ادراکی و کنترول حرکات عضلات احشایی مانند عضلات هضمی و کاواکی یا خالیگاه بدن می باشد.

هیپوکامپ: این بخش در بین قطعه شقیقه ای موقعیت دارد و در امر حافظه کوتاه مدت حایز اهمیت می باشد.

بادامه: این بخش در بین قطعه شقیقه ای موقعیت داشته و رفتار اجتماعی و جنسی و همچنان دیگر احساسات را کنترول می نماید.

اینسولا: این بخش فعالیت های اتوماتیک ساقه مغز را برمی انگیزد. بطور مثال: زمانیکه ما نفس خود را برای مدتی نگهمیداریم، تکان های اینسولا مراکز تنفسی حرام مغز را فرومی نشاند. این بخش همچنان معلومات طعم را طی مراحل نموده و نیز قطعه های شقیقه ای و قدامی را از هم جدا می سازد.

دانشمندان بطور سنتی بدین عقیده بودند که رشد مغز بطور کامل و ساختمان آن کم ویا بیش در سن سه سالگی تکمیل می گردد. آنها می دانستند که دانش در جریان آموزش شاگردان در مکتب به اندوخته های شان اضافه می گردد. همچنان بدین باور بودند که نقشه مغز دایماً و بطور عموم بشکل تغییر ناپذیر باقی می ماند.

هرچند، با استفاده از وسایل تصویر برداری جدید (MRI)، دانشمندان توانائی این را که بتوانند داخل مغز را مورد مشاهده قرار بدهند پیدا نمودند. آنها رشد و شکل پذیری باور نکردنی را دریافتند. تحقیقات در مورد دماغ در طول سه دهه اخیر بطور قابل ملاحظه در بخش های ساینس و علوم انکشاف یافته است. علاقمندی مدرسین در حال حاضر آغاز به تاثیر پذیری در بخش پیداگوژی نموده است، ولی ما تا حال درباره اینکه ازاین معلومات به چه نحوی در بخش انکشاف تدریس استفاده نمایم بطور کامل نمی دانیم. ما صرف آغاز به تأمین این ارتباطات نموده ایم.

در میان این همه اکتشافات جدید در مورد مغز، محققین دریافتند که تغییرات فزیکی در دوران بلوغیت بطور مثال: تغیر آواز، موی بدن، تمایل به جنس مخالف یگانه تغییرات بزرگی در دوران بلوغیت نمی باشد. مغز ظاهراً رشد ناگهانی می کند و این تغییر مغز می تواند گویای این امر باشد که چرا نوجوانان به گروه های طوفانی با رفتاری غیرقابل باورکردنی و نوسانات اکثراً خارج از کنترول رو می اورند.

انکشاف و رشد مغز نوجوانان

در جوامع مختلف آغاز بلوغ، خط فاصل میان طفولیت و بلوغیت تلقی میشود. در بعضی از جوامع نیازها و ضرورت های جوانان در نظر گرفته نمیشود. از لحاظ اجتماعی و تاریخی این قابل درک است. هرچند، دانش و خرد اجتماعی قدیم ما با آموخته ها و تغییرات وسیع در عرصه فزیکی و ذهنی در بشر هردو مرد و زن بوجود آمده است که تحت این شرایط، این سال های متوسط را می توان دوره بلوغ نامید. هورمون های جنسی تعاملات را که در وجود جوانان صورت می گیرد برای مدت متمادی به پیش می برد و هورمون هایی را که خلاف جهت فعالیت می نمایند، از بین می برد. جوانان را می توان بحیث عناصر پراحساس تصور نموده که آنها زمانی میتوانند آشفته گردیده و عکس العمل نشان دهند. آنها اکثراً دارای رفتار های سرکش و خطرناک بوده و از همین سبب اکثراً مبتلا به مشکلات جدی می باشند، ولی مطالعات و تصاویر اخذ شده از مغز توسط ماشین های تصویر برداری نشان می دهد که مغز می تواند سبب همچو رفتار و کردار در جوانان گردد. رشد و انکشاف بطی بخش قشری مغز قدامی یک پروسه پنهانی می باشد که در رشد و نموی فزیکی جوانان در مراحل اولیه بلوغیت شان تأثیر دارد.

بخش قشری مغز قدامی، بخشی از مغز می باشد که نتایج، تشکیل قضاوت ها و کنترول احساسات و ادراک را اندازه می نماید. این بخش همچنان برای اشخاص در درک همدیگر کمک می نماید. بخش قشری مغز قدامی ارتباط اش را با دیگر بخش های مغز تأمین نموده که بنام (محل تماس دو عصب) نامیده می شود. این بخش را می توان به سیستم لین های برق تشبیه نمود.

چیزی را که دانشمندان در مورد نوجوانان دریافتند این است که نوجوانان رشد سریع را در محل تماس دو عصب در جریان بلوغ تجربه می نمایند. برای اینکه متباقی محلات تماس دو عصب بطور مثمرعمل نماید مغز آغاز به ساده سازی محل تماس دو عصب می نماید. در نوجوانان، طوری معلوم می گردد که طی مراحل آن از عقب مغز آغاز یافته و به طرف پیش حرکت می نماید تا اینکه قشر مغز قدامی، بخش اساسی و مرکز کنترول، آخرین بخشی خواهد بود که تقلیل می یابد. زمانیکه این ارتباطات تقلیل می یابد، یک ماده عایق که بنام مایلن یاد می گردد این محلات را پوش نموده و نگهدارای می نمایند. به عنوان مثال: ناحیهٔ قشری مغزقدامی در نوجوانان نسبت به جوانان تا اندازه یی کمتر رشد یافته می باشد و تا سن ۲۰ سالگی بطور کامل رشد نمی نماید. مطالعات ناشی از تصاویر بیانگر این است که بیشترین انرژی مغزی را که نوجوانان برای تصمیم گیری ها به مصرف می رسانند در عقب مغز موقعیت دارد مگر جوانان بیشترین فعالیت های خویش را از قسمت قدامی انجام می دهند. زمانیکه نوجوانان از قسمت قدامی مغز خویش استفاده می نمایند طوری معلوم می گردد که کار را بیش از حد انجام می دهند و بالای مغزفشار بیشتر را وارد می نمایند تا کاری را نسبت به جوانان انجام دهند. زیرا که جوانان از قبل این محلات تماس دوعصب را تصفیه نموده و توانائی تصمیم گیری را بطور عاجل دارد.

مغز بزرگسالان همچنان به وجه احسن کانال بندی و رشته بندی شده و از همین سبب توانائی اخذ اشتباهات را در جریان تصمیم گیری دارند. در مطالعات علمی دانشمندان، هنگامیکه بزرگسالان وظایف را که نیاز به تصمیم گیری ها و پاسخ های عاجل دارد و همچنان نیاز به فشار دکمه ها بطور فوری دارند انجام می دهند، مغز آنها در هنگام اجرای اشتباه یک نوع سیگنال را می فرستد تا از آن جلوگیری نماید. قبل از اینکه ۸۰ ملی ثانیه بگذرد، مغز بزرگسالان قابلیت تشخیص دست و پاچه شدن را دارند ولی مغز نوجوانان این قابلیت اشتباه را ندارد.

یک ساحه از مغز نوجوانان که بطور متناسب و خوب از قبل انکشاف یافته است، هرچند، این همان (هسته اکومبنس) ویا ساحه یی از مغز است که در جستجو خوشی و پاداش می باشد. مطالعات تصویری که از اثر فعالیت های مغز نشان

میدهد زمانیکه مغز پاداش های کوچک، متوسط و بزرگ را دریافت می نمایند، نوجوانان نسبت به بزرگسالان و اطفال جوابات اغراق آمیز را ارایه می نمایند. زمانیکه آنها پاداش های کوچک را دریافت می نمایند، مغز نوجوانان نسبت به دیگران به بسیار مشکل کاری را انجام می دهد.

پس چه مفهومی را، یک قشر جلومغزی ناانکشاف یافته در رابطه با علاقه مندی قوی در قبال دریافت پاداش افاده نماید زمانیکه این پروسه اتفاق می افتد، این ترکیبات می توانند رفتاری تعداد زیادی از نوجوانان را براساس درک و خواهشات شان برای لذت فوری بیان و تشریح نماید.

قسمتی ارتباط با نوجوانان نیاز به تعمق در مورد اینکه آنها چیزی را که شما برای آنها می گوئید بطور ضروری نمی شنوند. ولی این همین ترکیبات قشر جلومغزی و ضرورت شدید برای پاداش می باشد که بعضی از نوجوانان را به ارایه رفتارهای تحمل ناپذیر وا می دارد. قشر دماغ اکبر آنها فعالیت ها را محدود می سازد، بخاطریکه نتایج منفی متوقع می توانند پیامد های وخیمی را به بار بیاورد.

ولی نوجوانان کوشش می دارند تا همچواعمال را برای لذت خود وقناعت بخشی مرکز پاداش دهی انجام می دهند. در عین حال، قشر جلومغزی آنها توانائی ثبت همه خطرات را از اثرانجام فعالیت ها ندارد.

راهنمایی برای به خاطر سپردن - استفاده هوشمندانه از مغز

۱۰بهترین نسخه برای حافظه بهتر

حافظه خود را با این راهنمایی های بزرگ بهبود بخشید

این راهنمائی ها برای تدریس شاگردان در هرسن و سال اعم از نوجوانان و بزرگسالان مفید است. یک تعداد تکتیک های تجربه شده و امتحان شده برای بهبود حافظه وجود دارد. این روش ها در میان پیداگوژی ادراکی، ادبیات تأسیس شده است و یک تعداد راه های خوبی را برای بهبود حافظه، رشد یاد آوری و حفظ اطلاعات افزایش می دهد.

۱. توجه خود را بر روی مواد در حال مطالعه متمرکز نمایید

توجه یکی از اجزای اساسی حافظه را تشکیل می دهد. برای اینکه معلومات شما از حافظه کوتاه مدت به حافظه طویل المدت انتقال بیابد، شما ضرورت به توجه فعال برای این معلومات دارید. کوشش نمایید در جای آرام و عاری از پریشانی حواس مطالعه نماید.

بازی ها برای رشد مغز: حافظه خود را با انجام بازی های علمی رشد حافظه تقویت بخشید.

۲. از ایجاد جلسات مطالعه بطور منظم صرف برای امتحان جلوگیری نمائید

مطالعهٔ مواد بطور منظم برای شما این موقع را فراهم می سازد تا بتوانید موادی را که مطالعه مینمایید بخوبی بخاطر بسپارید. تحقیقات نشان داده است شاگردانیکه بطور منظم مواد خودرا مطالعه می نمایند نسبت به آنانیکه صرف در روز امتحان به طور سریع مطالعه می نمایند بهتر می آموزند.

۳. موضوعاتی را که مطالعه می نمائید باید آنرا به طور منظم سازماندهی کنید

محققین دریافتند که معلومات در ذهن ما به بخش های مرتبط بطور منظم تقسیم می گردند. شما می توانید سودی را از سازمان دهی موادی که شما آنرا مطالعه می نمایید بردارید. کوشش نمایید معلومات مرتبط را باهم گروپ بندی نمائید، و یا یک خاکه را از نوت ها و موادمورد مطالعه خویش را تهیه نمایید. این کار برای شما در گروپ بندی مواد کمک می نماید.



٤. استفاده از دستگاه های حفظی برای یادآوری معلومات

دستگاه های حفظی یک روش است که اکثراً شاگردان برای یادآوری معلومات از ان استفاده می نمایند. دستگاه حفظی یک راه سادۀ برای یادآوری معلومات می باشد. بطور مثال: بعضی شاگردان یک کلمه معنی دار را از حروف نخست کلمات ترتیب می دهند که بتوانند آنرا بطور منظم بیاد بیاورند، و یا شما می توانید کلمۀ مشابه را به یک اصطلاحی که آنرا می توانید بیاد بیاورید ارتباط دهید. بهترین دستگاه حفظ، آنانی اند که بتواند از تصاویر، طنزها اشیا و وسایل نو استفاده نمایند. شما می توانید یک قسمت از معلومات را با استفاده از یک قافیه، آهنگ و یا فکاهی به یاد بیآورید.

٥. موضوعات را که مطالعه می نمایید آنرا تمرین و تکرار نمائید

برای اینکه موضوعات را به یاد آورید، ضرورت به رمز درآوردن مطالبی دارید که آنرا مطالعه می نمایید.. یکی از بهترین تکنیک های مثمر در رمز در آوری معلومات را بنام تمرین بجزئیات نامید. مثالهای این تکنیک خواندن موضوعات کلیدی، خواندن تعریفات آن موضوع و بعداً تشریحات بیشتر در مورد آن موضوع بطور منظم میباشد. بعد از تکرار آن برای چندین مرتبه، شما می توانید معلومات را بطور دقیق بیاد بیآورید.

٦. ارتباط موضوعات جدید با دانستنی های قبلی شما

زمانیکه شما یک موضوع ناآشنا ویا جدید را مطالعه می نمائید، یک لحظه وقت را برای تفکر در باره اینکه این معلومات را چطور با دانستنی های قبلی خود ارتباط دهید وقف کنید. برای تأمین ارتباطات میان مفکوره های جدید و از قبل موجود، شما می توانید بطور چشمگیری مشابهت را در یادآوری معلومات اخیراً آموخته شده افزایش داد.

٧. تجسم مفاهیم به منظور بهبود حافظه و یاد آوری

اکثریت افراد مفاد بیشتری را از به تصویر کشاندن معلومات که مطالعه می نمایند بدست آورده اند. توجه لازم را به تصاویر،چارت ها وغیره گراف ها در کتاب درسی خود مبذول دارید. اگرشما معلومات تصویری را در اختیار ندارید، کوشش نمایید خود یک تصویراز آن در ذهن خود طرح نمائید. ترسیم چارت ها و یا ارقام در حاشیۀ یاداشت های شما و یا استفاده از برجسته نگار و یا قلم های رنگارنگ برای گروپ بندی معلومات و ارتباط دهی آنها باهم در موضوعات تحریری شما اهمیت دارد.

٨. تدریس موضوعات جدید برای شخص دیگر

تحقیقات حاکی از آن است که خواندن مطالب تحریری به صدای بلند به طور قابل ملاحظه در حفظ معلومات کمک می نماید. مدرسین و روانشناسان همچنان دریافتند که داشتن شاگردان در واقعیت برای تدریس مطالب جدید برای دیگران در درک و یادآوری دوبارۀ موضوعات کمک می نماید. شما می توانید این روش را در مطالعات خود با تدریس مطالب جدید برای دوستان و یا همکاران درسی خود استفاده نمائید.

٩. توجه بیشتر خویش را بالای معلومات مشکل مبذول دارید

آیا شما گاهی ملاحظه نموده اید که یادآوری معلومات در آغاز ویا شروع فصل آسان بنظر می رسد ؟ محققین دریافتند که نظم معلومات می تواند نقش خوبی را در یادآوری معلومات بازی نماید. می توان آنرا بنام اثربخشی مسلسل نامید. درحالیکه یادآوری معلومات در میان موضوع می تواند مشکل باشد. شما می توانید با تمرین و تکرار موضوع براین مشکل نائل آیید. روش دیگر در این راستا، تغییر شکل معلومات برای بهتر به یاد آوردن موضوع می باشد. زمانیکه شما به یک مشکل در یک موضوع سر خوردید، یک مقدار وقت را برای حفظ موضوع به خرج دهید.

۱۰. روش مطالعه خود را تغییر دهید

بهترین راه دیگر که می توانید یادآوری خود را تقویت بخشید، معمولاً این است که روش مطالعه خود را تغییر دهید. اگر شما در یک موقعیت خاص برای مطالعه عادت دارید، کوشش نمائید تا موقعیت های مختلف را برای مطالعه خود اختصاص دهید. اگر شما در ایام شب مطالعه می نمائید، کوشش نمائید تا برای لحظه ای از طرف روز معلوماتی را که شب مطالعه نموده اید تکرار نمائید. با اضافه نمودن عنصر تازه گی در اوقات مطالعه خود، می توانید افزایش را در مؤثریت کوشش های تان برای تقویت قابل ملاحظه یادآوری برای مدت دراز تجربه نمائید.

نتیجه گیری و مفاهیم برای مربیان

این موضوع در رابطه به مغز یک نمای کلی از یک موضوع بسیار مغلق و پیچیده می باشد. مفهوم آن برای مربیان دراین ارایۀ مختصر در مورد مغز چیست؟ هرچند بیشترین رشد سریع مغز در سه سال نخست تولد به وقوع می پیوندد، مغز بازهم به رشد خود در جریان نوجوانی و آغاز بلوغیت ادامه میآبد. افزایش آموزش در جریان طفولیت، دورۀ میان طفولیت و کلانسالی می تواند در استادان و جوانان بر درک کارکردگی مغز در این مواقع رخ دهد. در فصل قبلی در رابطه به انکشاف، آموختید چطور توانائی های اطفال بر تفکر منطقی و گرفتن چشم انداز بر تغییرات دیگران در حال رشد... تغییرات در نتیجۀ رشد مغز از طریق ورودی ها از طریق حواس آنها. با استفاده از این معلومات، ما می توانیم دانش انکشاف عمومی را با معلومات علمی در مورد مغز ارتباط داد.
ما چطور می توانیم ازهر دو ساحۀ معلومات در تهیه بهترین محیط آموزشی برای اطفال و نوجوانان استفاده نماییم؟

در فصل های قبلی بحث در مورد میعار تدریس، تیوری های آموزش و تجارب مؤفق همه تأکید بر محیط آموزشی که در برگیرنده همه مشخصات و ضروریات آموزنده شامل: مراحل فزیکی، احساسی، شناختی وفکری. در بعضی صنوف تمرکز کاملاً بالای مسائل شناختی آموزش بدون درک اینکه انکشاف مغزیک آموزنده از همه این مشخصات که قبلاً ذکر گردید متأثز می گردد. مانند: آرامش فزیکی و تحرک، ارتباط اجتماعی با همصنفیان و دیگران، اهمیت احساسی، طرز بیان وغیره. صنف که انکشاف مغز و آموزش را پرورش دهد، همانا صنف است که شاگردان را بر تفکرو بیان افکارشان، مهیا سازی فرصت ها برای کارهای همگانی طوریکه آنها دانش و توانائی های خود را توسعه دهند.

این همان جایست که در آن همه شاگردان توسط مربی شان و توسط دیگران احترام می گردند. این همان جایی است که شاگردان را برای همکاری با دیگران در عرصه های مختلف مانند مسابقات سالم صنفی که آنها را به سوی قدردانی از همتایان شان و بسوی مؤفقیت راهنمائی می نماید، نه بسوی شکست و ناامیدی.

صنفی که بتواند مغز را بر انگیزد، همان صنفی است که دران میتود های مختلف تدریس به کاربرده میشود وبرای شاگردان فعالیت های مختلف درسی را مهیا ساخته تا بتوانند شاگردان را در سطوح مختلف و با آموختنی های مختلف چالش دهد و آنها را برای حل مسایل، طرح سوالات مرتبط با موضوع و بیان نظریات شان تشویق نماید.

در فصل بعدی، ما در رابطه با پیداگوژی جدید که مسؤولیت های مربیان را درقبال تدریس شان برای اطفال با ضرویات خاص در(صنوف تمام شامل ویا یکپارچه) مورد بحث قرارخواهیم داد. بسیاری از اطفال با ناتوانائی ها تحت تأثیر موضوعات انکشافی که با قطع انکشاف ورشد مغز یا قبل ویا بعد از تولد ارتباط دارند. این مشکلات می تواند ارثی ویا محیطی باشند. آنها همیشه می توانند سبب بعضی مشکلات آموزشی گردد که نه از سبب کندی ذکاوت بلکه می توانند از سبب مشکلات رشته های عصبی باشد.



تعداد کثیری از اطفال را می توان با ناتوانائی های آموزشی، نه ناتوانائی های جسمی مشخص نمود. این ناتوانائی های آموزشی را نمی توان با ذکاوت پائین مقایسه ویا شمرد ولی برعکس آن می تواند حقیقت داشته باشد. اکثریت آنها می توانند دارای ذکاوت بالا بوده ولی از لحاظ مغز می توانند شکار مشکلات باشند و از همین نگاه نمی توانند موضوعات را بطور فوری ویا آنی بیاموزند و یا بنویسند ویا مطالعه نمایند. توانائی تفکر آنها معمولاً غیر مختل می باشد و می توانند با میتود های مختلف طرق خوانش را آموخت و آنها را می توان از جمله بزرگسالان مؤفق شمرد.

تعدادی زیادی از شاگردان با مشکلات اجتماعی احساسی و رفتاری شامل مکاتب می گردند. این شاگردان همچنان می توانند در صنوف عمومی راه پیدا نمایند. مشکلات آنها را می توان هم از لحاظ انکشاف مغز و هم از لحاظ مشکلات فامیلی آنها ریشه یابی نموده و برای آنها راه های حل جستجو نمود. در افغانستان این حالت از توجه خاصی برخوردار است، زیرا که تأثیرات چندین دهه جنگ و مشکلات فامیلی اثرات عمیقی را بالای فامیل ها گذاشته است. شاگردان دیگر را که می توان در گروپ صنف عمومی اضافه نمود، شاگردانی خواهند بود با ناتوانائی های جسمی ولی آنانیکه از لحاظ توانائی ذهنی قابلیت درک و آموزش موضوعات را دارند همه این شاگردان، آنانیکه در گذشته به بخش ها و یا صنوف و یا مکاتب مختلف تقسیم بندی شده بودند، حالا آنها در زیر یک صنف کلی ثبت نام نموده و آغاز به درس می نمایند. استادان نیاز به دانستن فلسفه و اهداف در عقب این پالیسی را دارند و آنها ضرورت به آموزش میتود های تدریس جدید دارند که بتوانند تمامی اطفال را صرف نظر از تفاوت های خاصی آنها، قادر به آموزش نظربه ظرفیت شان سازند.

استفاده عملی از دانش خود را در قبال مغز می توان با یادآوری اینکه مغز یک ماشین نیست بیان نمود. آن ضرورت به تغذیه وانگیزش دارد. شما اکثراً شاگردان خود را در حالت نیمه خفته دیده باشید، این همه از سبب خسگی و یا پریشانی مغز می باشد. این برای شما یک اشاره برای استفاده از میتود ها و فعالیت های فعال سازی مغز می باشد، زیرا شما نیاز به تغییر میتود تدریس خویش دارید، تا شاگردان خود را با فعالیت های تازه و جالب به کار اندازید، چیزیکه ذهن آنها را بیدار و آنها را برای تفکر دوباره تشویق نماید.

حتی بزرگسالان می توانند از فعالیت های بیدار سازی مغز برای بیدار ساختن مغز شان استفاده نمایند. بازی های فکری در تقویت و تیز هوشی مغز کمک می نماید.، مغز هم مانند عضلات بدن برای فعالیت خوب و بیشتر نیاز به تقویت و تحرک دارد و گرنه منجر به ضعف مغز می گردد. بدین لحاظ، ما باید بطور متداوم مغز خویشرا برای حل چالش ها به کار باندازیم. مشغولیت در فعالیت های تفریحی می تواند مغز ما را تحرک بخشیده وبرای مدت طولانی خواهیم توانست زندگی خوش و راحتی را سپری نماییم. مطالعات حاکی از آن است که زمان سپری شده در تحرک مغز می تواند از امراض جنون و مرض سلول مغزی جلوگیری نماید.

بعضی مثال های بازی های فکری را می توان در ضمیمه دریافت نمود. شما شاید بعضی آنها را بدانید ویا آنرا آموخته باشید و بعضی از آنها را می توان در کتاب ها و سایت های انترنتی دریافت نمود.

در فصل بعدی توجه شمارا به مسؤولیت های مربیان براطفال دارای ضرویات خاص معطوف می داریم. هرچند برای درک هرچه بهتر و بیشتر در مورد این حالات، نیاز به مطالعه عمیق و دقیق می باشد. برنامه های تربیوی برای مربیان و روش های تدریس برای شاگردان با ضروریات خاص از طرف (جایکا) (JICA) برای مربیان افغان انکشاف یافته است.



فصل هفتم

صنوف فراگیر

شمولیت شاگردان دارای نیازمندی های خاص در صنف عادی

مقــدمه

در این فصل معلم فهم اصطلاح «صنف فراگیر» را انکشاف خواهد داد به این معنی که هر صنف و یا همه صنوف عادی، شاگردان با نیازمندی های خاص را که میتوان با سایر شاگردان در صنف جا داد طوریکه شاگردان دارای نیازمندی های خاص شناخته نشود، شامل نموده تعلیم خواهند داد. مدیر مکتب که این کار را رهنمایی میکند، به این عقیده است که اطفال دارای ناتوانیها، ضرور نیست که در صنوف خاص با سایر شاگردان ناتوان یا معیوب، شانده شوند. ناتوانی جسمی یک شاگرد شاید عاملی نباشد که توانایی آموختن وی را متأثر سازد. همه شاگردان دارای ناتوانیهای مشابه، مانند معیوبیت جسمانی، دارای ظرفیت آموختن مشابه نیستند، بناءً چرا آنها جدا از سایر شاگردان که یک عضو بدن مثلاً پای خود را از دست داده، صرف به سبب معیوبیت وی، در صنف جدا گانه بنشیند؟ روش جدید اینها را بنام شاگردان دارای نیازمندی های خاص یاد مینماید که باید در صنوف عادی شامل شوند. بناءً اصطلاح صنف فراگیر عبارت از مکتب، معلمین و شاگردان است که اطفال، تا حد وسعت ممکنه، با همسن و سال های خویش در صنوف معیاری، عادی شامل باشند. به بعضی ترتیبات، وسایل نیاز خواهد بود و معلمین باید استراتیژی های تدریس مطابق ضروریات شاگردان دارای نیازمندی های خاص، عیارسازند.

بطور عام، شاید در یک صنف چند نفر طفل دارای نیازمندی های خاص باشند. به معلم و سایر همصنفی ها این امکان را میدهد که با یک طفل معیوب در صنف کمک نمایند. بسا اوقات ممکن است که یکی از والدین بطور رضا کار، داوطلب به کمک صنف حاضر شود تا با همچو اطفال نیازمند کمک نمایند. اکثراً همچو اطفال که دارای ذهن خوب و ذکاوت متوسط میباشند، میتوانند به همان اندازه سریع بیآموزند که سایر شاگردان می آموزند. در این فصل فلسفه حقوق بشر و عدالت تشریح خواهد شد که برای شامل ساختن سفارش میگردد و به معلمین بعضی نظریات در مورد چگونگی تطبیق مؤفقانه این روش، را ارائه خواهد کرد.

پــس منظر

چند دهه گذشته یک تغییر شگفت انگیز در مورد نظریات که چه کسی باید تعلیم حاصل نماید، مشاهد نموده است. این یکی از سؤالاتی است که در فصل دوم، حین بحث بالای عقاید اساسی در مورد تعلیم، مطرح گردید. زمانی بود که تنها یک چند تن از ثروت مندان تعلیم حاصل میکردند: (نخبه گان، دارای استعداد ذهنی زیاد) و تعلیم تنها به پسران محدود بود. اطفال ناتوان اکثراً رد گردیده از انظار دور نگهداشته میشدند یا کم از کم، در مورد آنها کوتاهی میشد. جوامع و خانواده ها چنین می پنداشتند که این اطفال به سبب ضعیفی و ناتوانی، قادر نیستند که در حصول تعلیم موفق شوند. یکبار در قرن گذشته، برای تعلیم بعضی از همچو اطفال در مکاتب خاص، تلاشهای بشر دوستانه صورت گرفت. مکاتب برای اطفال نا بینا و ناشنوا نشان دادند که اگر زمینه برای تعلیم این اطفال فراهم گردد، پس میتوانند خوب بیاموزند. علاوه برآن، اطفالی با سایر وضعیت های فزیکی، احساساتی و ادراکی شناسایی گردیدند که شرکت برای آموختن در مکاتب عنعنوی برای آنها مشکل بود. گرایش مترقی، در آن زمان، نه چندان دور، برای این اطفال یک نوع تعلیم خاص در صنوف جداگانه، هرچند در مکاتب عام، فراهم مینمود.



تلاش بعدی تجربوی توسط مکاتب برای برآورده ساختن نیازمندی های شاگردان زیاد از این قبیل، پروگرام «بیرون کشیدن» بود، که در آن شاگردان دارای نیازمندی های خاص در صنف های عادی شامل میگردید، اما برای درس های خاص از صنف بیرون آورده میشدند تا نیازمندی های خاص آنها برآورده و در آموختن با آنها کمک شود. بعضی از این صنف ها به ناتوانیهای خواندن، مهارت های ریاضی، مشکلات نطق و گاهی هم بعضی مشکلات دیگری که مانع آموختن میشد، رسیدگی نمودند.

روش اخیر و موجوده بمنظور تشویق شامل نمودن همه اطفال تا حد ممکنه در صنف های عادی، بدون در نظر داشت نیازمندی های خاص و ناتوانیهای آنها میباشد. هدف این است که اطفال دارای نیازمندی های خاص، شامل تعلیم شوند نه اینکه از تعلیم محروم گردند. هدف دیگر فراهم نمودن زندگی عادی، سالم و تعلیم برای همه اطفال است، تعلیم ایکه آنها را در حال حاضر و در آینده برای امرار حیات آماده سازد. فلسفه تعلیم که اساسی برای اجرای «شمولیت» میباشد، به این بمنظور ایجاد گردیده است که به این سؤال های اساسی، مجتمع چگونه پاسخ میدهد. «شمولیت» بر مبنای یک عقیده استوار است که اطفال و جوانان دارای حق تعلیم اند؛ اینکه همه اطفال و جوانان بطرق مختلف و بمیزان مختلف میتوانند بیآموزند، اما نه همه آنها نتایج مشابه بدست می آورند، مگر همه آنها می توانند بیآموزند. همچنان این بر مبنای ارزشهای عدالت اجتماعی، اسلامی، تساوی و اهمیت روابط انسانی بدون تعصب و تبعیض، نیز استوار است.

همه اطفال دارای نیازمندی های خاص اند. هرطفل منفرد و مختلف است. وقتیکه ما فکر میکنیم که چیزی بنام صنف «عادی» وجود دارد، خود را فریب میدهیم. با آنهم، جا دادن اطفال دارای ناتوانیهای ظاهر و مشکلات خاص در صنف فراگیر، ساده و آسان نیست. معلمین باید نیازمندی های هر شاگرد را بدانند. معلمین در مورد وضعیت خاص کتگوری های ناتوانی یا نیاز مندی های خاص اطفال و جوانان در صنف خود و مکتب، باید آگاه باشند. ضروری نیست که هرچیز را در مورد هر ناتوانی بدانند اما در مورد دلیل و سبب (فلسفه و اصول) که اساس «صنف فراگیر» میباشد، حتماً بدانند. آنها باید به این فلسفه متعهد باشند، اما درعین وقت آنها باید برای آموختن طرق مختلف فرصت داشته باشند تا معلمین موفق با شاگردان موفق در همچو صنوف باشند.

وزارت معارف از طریق ریاست تربیه معلم (TED) ورکشاپ های آموزشی، کورس ها، و مواد درسی بمنظور فراهم نمودن تعلیم داخل- خدمت و قبل از خدمت برای معلمین، ایجاد نموده است تا آنها را برای برآورده ساختن تقاضا های تعلیم فراگیر، آماده سازد. همه معلمین برای شرکت در این ترینینگ کامل، فرصت خواهند داشت. به سایر معلمین ممکن است در ترینینگ جامعتر وکاملتر آموزش داده خواهد شد تا منحیث معلمین تعلیم خاص، شناخته شوند که بتوانند با مکاتب و معلمین انفرادی در تطبیق بهترین روشها برای صنوف فراگیر، کمک نمایند.

صنف فراگیر، دستورالعمل های جدید را برای مکاتب و معلمین ارائه میکند. این منابع، وسایل مزید، معاونت بیشتر بین معلمین، همکاری بیشتر با والدین، اولیا و خانواده ها و دخیل بودن زیاد اجتماع بمنظور رسیدگی به نیازمندی های خاص همه شاگردان، را ایجاب مینماید.

این شاگردان کی استند؟ هر صنف ممکن است که یک چند نفر شاگرد با نیازمندی های خاص آشکارا داشته باشد، و لو اینکه هر طفل دارای نیازمندی های انفرادی خواهد بود که معلم نمی خواهد از آن چشم پوشی نماید. وضعیت های خیلی عام آنها قبلاً ذکر گردیدند مانند، بینایی، شنوایی یا ناتوانی جسمی که برای آموختن به روش های خاص نیاز دارد، اما ذکاوت طفل نباید محدود گردد. سایر مشکلات خاص ممکن است با ناتوانی در خواندن بستگی داشته باشد که

مرتبط به synapses (محل تماس دو عصب) میباشد، اما با میتودولوژی، روش مناسب، موانع در قبال آموختن برطرف خواهد گردید. سایر مثال های اطفال دارای نیازمندی های خاص، که بخشی از «صنف فراگیر» میباشد، شامل اختلالات سلوکی مرتبط به مسایل عصبی یا تعلل در رشد و انکشاف، میباشد. این اطفال اکثراً دارای استعداد فکری خداداد میباشند که به سبب سلوک تلقایی، خود بخود و یا خجول آنها، شناخته نمی شوند. سایر موانع آموختن، که اکثراً شناخته نمی شود، در اطفال یا جوانانی که با صدمات روانی دچار شده باشند مانند خشونت جدی، جنگ یا بد سلوکی در خانواده، را احتوا میکند.

همه این نیازمندی های خاص که در بالا تشریح گردید، در بعضی از اطفال در افغانستان دیده میشود. علل این وضعیت ها از نتایج نمونه های جنیتکی که انکشاف عصبی و فزیکی را متأثر میسازد، همچنان مؤاظبت قبل از تولد و بعد از تولد که ممکن است طفل را از یک طفولیت سالم ابتدایی، تغذیه، مراقبت طبی و صحی قابل دسترسی محروم سازد، و البته تمام این ها در نتیجه تأثیرات جنگ و فشار های خانواده می باشد.

اکنون فهمیدن نیازمندی های انفرادی شاگرد دارای ناتوانیها و اینکه چگونه ارزیابی شود و در جهت رسیدگی به این نیازمندی ها، پلان مشترک چگونه طرح گردد، در مسؤولیت های معلم شامل میباشند. این پلانگذاری با یک گروپ کوچک جوانان هوشیار و دلسوز بشمول والدین و سایر افراد با تجربه، اگر میسر باشد، طرح میگردد. این پلانگذاری از طرف مربیان، معلمین بنام «پلان مجزا،انفرادی تعلیم» (IEP) یاد میشود.

بالای پلان انفرادی تعلیم (IEP) بحث عمیقتر خواهیم نمود، اما مقصد بقیه این فصل فراهم نمودن معلومات عمومی در مورد کمک با معلم در صنف است تا «چرا» ها و «چگونه» های صنوف فراگیر را بداند.

بر آورده ساختن ضروریات شاگردان دارای نیازمندی های خاص در صنوف فراگیر

تدریس به شاگردان دارای نیازمندی های خاص در داخل صنوف فراگیر خیلی مشکل خواهد بود. شاگردان سالم و دارای ناتوانیها، هردو در یک صنف فراگیر می آموزند. نظارت برصنوف مزدحم فراگیر برای معلمین فوق العاده مشکل خواهد بود. با آنهم، برای معلمین که به شاگردان سالم و شاگردان دارای ناتوانیها در عین صنف تدریس مینمایند، استراتیژی های مختلف وجود دارد.

دانستن ناتوانیها در یک صنف فراگیر

معلمین با تجربه، آگاه در مورد ناتوانیهای مختلف، میتوانند با شاگردان دارای نیازمندی های خاص در یک صنف فراگیر بهتر کمک نمایند. چون اطفال بیشتر با ناتوانیهای خاص آموزش، مانند اختلالات فقدان توجه،(ADD) اختلالات فقدان توجه و فعالیت بیش از حد (ADHD)، در جدوجهد اند، بطور مثال، معلمینی که میدانند که با اطفال دارای اختلالات فقدان توجه (ADD) و اختلالات فقدان توجه و فعالیت بیش از حد(ADHD Attention Deficit Hyperactivity Disorders) چگونه کار شود، میتوانند حین تدریس به این اطفال مؤثرتر واقع گردد.

هر گاه یک طفل دارای (ADD) و (ADHD) در یک صنف شامل گردد، معلم باید با والدین طفل ملاقات نموده ازچگونگی خصوصیات طفل معلومات حاصل نماید. این معلومات علاوه بر آگاهی عمومی در مورد ناتوانیها، معلمین را قادر خواهد ساخت تا در اثناء تدریس در صنف، بطور بهتر آماده و بخوبی رسیدگی نمایند.

معلمین با تجربه و آگاه در مورد ناتوانیهای خاص، قادر خواهند بود که صنوف خویش را بطور مؤثر تنظیم نمایند.

استفاده از شاگردان- در جهت کمک برای رفع نیازمندی ها در یک صنف فراگیر

شاگردان در صنف ها به معلمینی که صنوف فراگیر را نظارت مینمایند، اکثراً کمک ارزشمند را فراهم مینمایند. خیلی از معلمین وقتیکه آنها شاگردان سالم را در صنوف خویش بکار انداخته مشاهده نموده اند که در کار کردن با شاگردان دارای نیازمندی های خاص، توانایی بهتر را نشان داده اند. بسا اوقات معلمین، شاگردان لایق و خوب را به کارکردن با همصنفان دارای نیازمندی های خاص، در صنف میگمارند. این کار نه تنها فشار روانی معلم را کاهش میدهد بلکه معلم را قادر میسازد تا برای رسیدگی به سایر شاگردان دارای مشکل، وقت بیشتر داشته باشد. شاگردان همچنان می آموزند که در تیم ها چگونه کار نمایند. نظریات ذیل نشان میدهد که همکاری شاگردان سالم را چگونه میتوان با شاگردان دارای نیازمندی های خاص، بکار برد:

- یک شاگرد سالم میتواند به شاگرد دارای مشکلات فقدان توجه، یاد آور شود که یک فهرست تاریخ های آینده را برای انجام کار های خانگی، آماده سازد
- یک شاگرد سالم را میتوان برای فهماندن شاگرد دارای نیازمندی های خاص، در مورد سلوک،رفتار در صنف، گماشت.
- یک شاگرد سالم دارای مهارت فوق العاده خواندن، میتواند با شاگردی که در خواندن مشکلات دارد، بطور انفرادی کار کند.

اتکاء بیش از حد بالای شاگردان توصیه نمی گردد، اما شاگردان سالم با فرصت که با همسالان دارای نیازمندی های خاص، کار مینمایند، بهمان اندازه خود آنها نیز منفعت میبرند.

گزینه های مزید برای معلمین در یک صنف فراگیر

مکاتب اکثراً برای معلمینی که بر صنوف فراگیر نظارت مینمایند، جوانانی را برای کمک با شاگردان دارای نیازمندی های خاص، منحیث ممد صنف، میگمارند. اما، این کار اکثراً در مکاتب ایکه با کمبود بودجه مواجه اند، میسر نمی باشد.

بیشتر معلمین با تغییر دادن طرز تدریس خویش، با اطفال دارای نیازمندی های خاص، میتوانند بهتر کمک نمایند. بطور مثال، معلمین در صنوف پراز شاگردان دارای اختلال فقدان توجه، میتوانند درجریان تدریس، از فعالیت های آموزشی استفاده نمایند. این کار، ضمن آموختن، توجه اطفال را برقرار خواهد داشت. با آنهم، معلمینی که طرز تدریس خویش را تغییر میدهند، باید وقت زیاد را در آماده کردن درس خارج از صنف سپری نمایند.

تدریس همزمان به شاگردان سالم و رسیدگی به نیازمندی های اطفال تعلیم خاص، میتواند خیلی دشوار باشد. اما این کار، در صورتیکه صنف پر از شاگردان و بودجه مکتب محدود باشد، مشکل بخصوص خواهد بود. با وجود آن، معلمین ایکه در جهت آماده کردن دروس و آموزش در مورد آموختنی های ناتوانیها، بیشتر وقت خود را، در خارج از صنف سپری مینمایند، میتوانند یک صنف فراگیر را مؤفقانه تنظیم نمایند.

پلان انفرادی تعلیم (IEP) چیست؟

یک پلان انفرادی تعلیم (IEP) عبارت از یک پلان کتبی است که پروگرام های خاص تعلیمی و یا خدمات مورد نیاز یک شاگرد خاص را تشریح مینماید. این پلان تعدیلات در توقعات آموزش- مندرج در توقعات سند پالیسی نصاب تعلیمی برای صنف مناسب، مضمون یا کورس، و نیز سفارشات وخدمات تعلیم خاص مورد نیاز شاگردان را برای حصول توقعات آموزش، یا متبادل آن شناسایی مینماید. پلان انفرادی تعلیم (IEP)، یک پلان درسی روزمره نیست که همه جزئیات تعلیم شاگرد را بطور مفصل بیان نماید.

پلان انفرادی تعلیم (IEP)، با معلمینی که پیشرفت شاگرد را نظارت مینماید، کمک نموده، چارچوبی را برای مراوده معلومات در مورد پیشرفت شاگرد به والدین و شاگرد، فراهم مینماید. پلان انفرادی تعلیم (IEP) وقتاً فوقتاً تجدید میگردد تا تغییرات در پروگرام تعلیم خاص شاگردان و خدماتی که در نتیجه بررسی مستمر و ارزیابی موفقیت در اهداف و توقعات سالانه شاگرد، ضروری پنداشته میشود، ثبت گردد.

پلان انفرادی تعلیم (IEP)، کمیته تنظیم مکتب (شورا) و تعهد و التزام مدیر برای فراهم کردن پروگرام تعلیم خاص و خدمات در چوکات منابع ووسایل در دسترس مکتب که برای برآورده ساختن توانایی های مشخص و نیازمندی های شاگردان ضروریست، را منعکس میسازد.

استراتیژی ها برای کار با شاگردان دارای اختلال فقدان توجه (ADD) و مشکلات سلوکی

شناسایی سلوک مشکل آفرین: سلوک مشکل آفرین در صنوف عمومی، غیر معمول نیست، اما اطفال دارای ناتوانیها اکثراً چالش های خاص را به صنف می آورند.
ستراتیژی های تنظیم صنف: اولین گام، شما معاینه کردن تنظیم صنف است که شاید مشکلات سلوکی در آن موجود باشد. آیا شما تشکیلات کافی دارید؟ آیا تشکیلات شما واضح است؟ آیا شاگردان توقعات شما را میدانند؟

- کار های روزمره صنف یک نکته خوب آغاز، شما معاینه کردن کار های روزمره صنف شما است. اگر سال تعلیمی به همین طریق آغاز شود، خیلی بهتر است، اما هیچگاه دیر نشده است که کار های روزمره واضح و مفید وضع گردد.
- سازماندهی اطمینان حاصل نمایید که صنف شما بخوبی سازماندهی شده است، و شاگردان شما میتوانند که:
  ۱. منابع و وسایل که آنها نیاز دارند شناسایی کنند.
  ۲. درک این نکته که آنها چه وقت و در کجا کار های خود را تکمیل نمایند.
  ۳. بعد از ختم کار چه باید کرد، دریابند.

چشم پوشی: بدانید که کدام وقت مناسب است که در برابر حرکات ناگهانی، غیر منتظره یک طفل، اغماض صورت گیرد. اما هر بار به خود تذکر دهید که اغماض چه وقت مناسب است، و تنها در صورت ضرورت عمل کنید. بخاطر اتخاذ این تصمیم وضعیت را بسرعت ارزیابی کنید.

پاسخ گویی سریع: هرگاه مشاهده کنید که طفل درست و شایسته عمل میکند، عجله نموده آنرا قدر دانی نمایید. بعضی اوقات همچو طفل صرف بخاطر جلب توجه این کار را میکند. خوب است که بخاطر سلوک مناسب توجه جلب شود نه به سلوک نا مناسب. پاسخگویی شما با یک مکافات و یا مجازات، باید سریع عمل کنید.

وقفه: شاید دریابید که «وقفه» برای بعضی حرکات ناگهانی،غیرمنتظره مناسب باشد. اگر به طفل مهلتی داده شود، از طفل بپرسید که این وقفه به او چرا داده شده؟ و بخاطر جلوگیر از همچو مجازات، در آینده چه خواهند کرد. بخاطر اینکه وقفه ها مفید و مؤثر واقع شوند، بحثها همیشه مستقیم و دو بدو باشد. وقفه ها ارزش این را دارد که تعقیب گردد و والدین دخیل ساخته شوند.

«وقفه» یک تخنیک برای فراهم نمودن آرامش و خاموشی میباشد بناءً شاگرد ایکه حرکات ناگهانی غیر منتظره مینماید، خواهد توانست که خود را کنترول نموده با سلوک تحت کنترول، دوباره شامل صنف گردد. مقصد یک «وقفه» کیفری نبوده و نباید توسط یک معلم خشمناک منحیث آخرین چاره، اجرا گردد. این یک ستراتیژی است که برای یک

مدت کوتاه، با آرامش و مرحمت اجرا میشود. شاگرد از صنف کشیده نمیشود و نه رخ به کنج دیوار میشود. شاگرد مذکور فقط به یک جای خالی و خاموش در صنف منتقل میشود که سایر شاگردان را میتواند مشاهده نماید اما توسط این شاگرد به آنها مزاحمت نمیشود.

اوقات انتقال، تفریح – مواظب باشید: بنا به بعضی دلایل، حرکات ناگهانی غیرمنتظره چنین به نظر میرسد که در اوقات انتقال،تفریح خود را ظاهر مینماید. تدریس سلوک مناسب و شایسته در اوقات انتقال و تفریح مفید است. همچنان شما در اوقات انتقال، تفریح شاید بخواهید که بطور دقیق نظارت نمایید. یک بار دیگر، با شاگرد سخن بزنید نه نکوهش (این وقت سخنرانی و لکچر یا سرزنش کردن نیست) و شاگرد را بگذارید خود بگوید که در اثناء اوقات انتقال تفریح چگونه سلوک باید ظهور گردد. بعضی اوقات به طرف مجازات نیز متوجه ساخته شود.

رفتارو سلوک خوب آنها را تمجید نمایید: این یک روند طویل است! بهترین طریقه جلوگیری از رفتارو سلوک غیر مناسب، تأیید و تمجید رفتار،وسلوک مناسب است. بخاطر داشته باشید، که اکثر سلوک ورفتار ممکن است بخاطرجلب توجه باشند. متوجه ساختن و تمجید از سلوک،رفتار درست خیلی مثمر است نسبت به سرزنش و تذکر سلوک نادرست. بعضی اوقات یک تعریف کوتاه خیلی مؤثر میباشد.

در ترتیب نشست: (Impulsivity)، حرکات غیر مترقبه را پرورش میدهد. شاگردان مزاحم، مخل را از یکدیگر جدا نمایید. اطمینان نمایید که یک شاگرد مخل را در پهلوی یک شاگرد خوب و نمونه شانده اید. اگر این ممکن نباشد، طریقه معقول اینست که دایماً در پهلوی معلم شانده شود.

پیمان های سلوک ورفتار: در صورتیکه حرکات غیر مترقبه یک مسئله روزمره باشد، ایجاد یک پیمان سلوک و رفتار، کار بجا خواهد بود. در صورتیکه سلوک ورفتار مشکل آفرین را شناسایی نموده اید، یک پیمان سلوک و رفتار را امتحان کنید (یک قرار داد ساده تحریر شده) که دارای مکافات و مجازات باشد. باید مجازات شما معقول و «منطقی» و با سلوک ورفتار ربط داشته باشد. در تقویت مؤفقیت والدین را هم فهرست نمایید.

تنها در آنصورت جواب دهید که طفل دست ها را بلند نماید: این خیلی مهم است. شاگردی که بدون فکر جواب میدهد، تحسین نکنید، چون شما نمیتوانید از ۴۰ نفر شاگرد همچو جوابات نادرست را بشنوید. گرچه این آسان نیست، اما در دراز مدت، مفید است.

اصلاح و بهسازی سلوک و رفتار بخشی از IEP: وقتیکه شما اصلاح کار های روزمره صنف، تنظیم شاگردان و دخیل نمودن دیگران (والدین، شاگرد، مدیر) در جهت کمک مطابق طرق قبول شده، را انجام دادید، اگر سلوک مشکل آفرین دوام نماید، این وقتی است که باید در مورد مداخله سلوک طفل منحیث بخشی از پلان انفرادی تعلیم (IEP)غور نمود. این شامل سفارش تحریری میتود وروش های مشخص برای اصلاح سلوک و رفتار درIEP رسمی شاگرد، خواهد بود.

مشکلات روانی، اجتماعی، – شناسایی توسط معلمین و جوابات

جنگ در افغانستان، نه تنها زندگی مردها و زنها را بلکه اطفال را نیز متضرر نموده است. مطابق یک سروی UNICEF تعداد کثیر اطفال افغانستان به سبب مشاهده کردن اعمال خشونت، بشمول کشته شدن والدین، برادران، خواهران، همسایه ها و یا خویشاوندان، از فشار شدید روانی رنج میبرند. بین سال های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶، از ۷۲٪ اطفال که سروی گردیدند، یکی از اعضاء خانواده و از ۴۰٪ همان اطفال، یکی از والدین خویش را از دست داده بودند.



مسایل روانی واجتماعی هر روز در صنف مشاهده میشود؛ اینکه معلم به این مسایل چگونه رسیدگی مینماید، به صحت فضاء صنف و مؤفقیت در آموختن همه شاگردان، بشمول آنهاییکه مشکلات جدی دارند، خیلی مهم میباشد.
در حالیکه اطفال افغانستان و خانواده های آنها مشکلات جنگ را متحمل شده اند و اکنون نیز با نا امنی مرتبط به جنگ مواجه اند، شواهد نشان میدهد که اختلالات فشار روانی پس از صدمه، برای شاگردان به نسبت فشار های ناشی از زندگی روزمره، به آن اندازه مسئله گسترده نیست. هرچند علامات واضح فشار روزمره طفل و شاگرد در صنف مشاهده میشود، تاکید و تمرکز بالای صدمه شدید مانند صدمات بعد از جنگ و یا صدمات جنگ کنونی، شاید درست نباشد. بهتر خواهد بود که به معلمین ترینگ داده شود تا راه های که شاگردان علامات پریشانی های روانی را ظاهر میسازند، بدانند.

در یک بررسی صحت ذهنی اطفال افغانستان، از اطفال پرسیده شد که مکتب برای آنها چقدر اهمیت دارد. جواب های آنها به شرح ذیل گزارش میشود:

یک ساحه مهم، تعلیم بود. اطفال تعلیم و تربیه را منحیث کلید سعادت روانی خویش شناسایی نمودند. اطفال اظهار نمودند که عدم دسترسی به تعلیم، تبعیض در مکتب، دادن مجازات سنگین، معلمین خشمگین و بد زبان، عواملی بودند که در انکشاف علامات همچو نگرانی ها، اندوه و رنجش سهم داشتند. این نگرانی ها مختلط بودند زیرا که اطفال تعلیم را یک راه بسوی شایستگی و یک آینده بهتر، که شاید آنها را از فقر نجات دهد، میپنداشتند. در عین وقت، اطفال گفتند که معلمین مهربان و با توجه، نه تنها در کار های مکتب آنها بلکه در مقابله با منازعات و نگرانی های خانگی، آنها را میتوانند یاری دهند. اطفال اکثراً معلمین را «مانند والدین» می بینند با ترجیح گوش می دهند و به گفته آنها عمل میکنند. (گوپتا، ۲۰۰۷، صفحه ۱۴۷).

بعضی اطفال جوان بعد از تحمل یک وضعیت تکان دهنده، ممکن است در حین بازی با اطفال دیگر بسیار مهاجم باشند. این نکته بسیار مهم است که باید بخاطر داشت، بیشتر از اطفال شاید با صدماتی مواجه شده باشند که خیلی بالا تر از ظرفیت و برداشت آنها بوده باشد که بدانند آنرا چگونه تحمل نمودند. بعضی اوقات سلوک و رفتار یک شکل «سلوک باز آفرینی تجربه» (reenactment behavior) که در آن یک شاگرد نقش بازی میکند، بعضی اوقات، بشکل درامایی، سلوک حفاظتی که آنها فکر میکنند که صدمه و یا نتیجه مرگ بار، آن را تغییر داده باشد.

معلمین میتوانند مطمئن باشند که یک طریقه رسیدگی به سلوک و رفتار کج خلقی، مزاحم و تهاجمی، این است که در مورد سلوک و رفتار متوقعه باید صریح بود. در عین وقت، یک معلم شاید تلاش کند که بداند و به شاگردان در فهمیدن اینکه آنها در یک وضعیت خاص چرا خشمگین میشوند، کمک نماید. شاید دادن وقت خصوصی به شاگردان مفید تمام شود تا آنها در مورد خشم و نگرانی های موجوده خویش با شما صحبت نمایند. سپس درمورد اینکه آنها چگونه میتوانند سلوک و رفتار خویش را بهتر کنترول نمایند، با شاگردان داخل گفتگو شوید. اگر این سلوک و رفتار ادامه پیدا کند، شاگرد باید برای مشورت صحت ذهنی در صورتیکه همچو خدمات میسر باشد، ارجاع گردد.
شاگردان ممکن است به سبب جدا شدن از سایر اعضاء خانواده، و یا در اثناء فعالیت ها از معلمین خویش، در اضطراب باشد. آنها شاید به معلمین خویش بیشتر وفادار باشند، در کار های خود کمترمستقل، و گاه گاه، در آمدن به مکتب مشکلات داشته باشند. حتی جوانان خیلی فراتر از سن این علامات اضطراب ناشی از جدایی را نشان خواهند داد که شاید از آنها توقع برود. والدین شاید در این عکس العمل ها سهیم باشند، بطور مثال، با تمسک بیش از حد، زیرا آنها نیز بعد از یک صدمه، جدا بودن از اطفال را دشوار تلقی نمایند.



یک ستراتیژی عملی برای معلمین در رسیدگی به سلوک و رفتار قهقرایی یا پسمانی، گفتگو در مورد تقسیم اوقات با طفل بزگتر و نوجوان است تا او بتواند در کنترول رجعت خود به همان وظیفه قبلی کمک نماید. دانستن بطور مستمر مهم است تا تقسیم اوقات برای بعضی موانع مؤقت، انعطاف پذیر باشد. این میتواند در دادن بعضی وقت خصوصی به شاگردان ممد باشد تا در مورد نگرانی ها، ترسها و تشویش های موجوده خویش با شما صحبت نمایند. حین رسیدگی به این عکس العمل ها، از کاربرد کلمات تمسخر آمیز و تنقید تند، خود داری نمایید. در صورتیکه این سلوک و رفتار ادامه پیدا کند، شاگرد باید برای مشورت صحت ذهنی ارجاع شود.

اطفال خجول، منزوی یا خاموش مفرط

بعضی اطفال میتوانند خجول، منزوی و بطور افراطی خاموش باشند. شاید مشکلاتی برای صنف ایجاد نکنند. با آنهم، ممکن است آنها پریشان و افسرده باشند. همچو شاگردان باید شناسایی گردیده با آنها مانند سایر شاگردان که بطور متجاوزانه عمل میکنند، کمک شود. هر دو نوع از این شاگردان شاید صدماتی را متحمل گردیده باشند. آنها برای اشتراک در فعالیت های صنفی و مجذوب شدن با دوستان خویش، به کمک نیاز خواهند داشت. آنها ضرورت به تشویق واطمینان مجدد نیاز دارند. پیشکش نمودن وقت خصوصی به آنها که بتوانند با شما و یا کدام همصنفی اعتمادی خود، در باره نگرانی های موجوده و خاطره های صدمات گذشته، سخن بزند، شاید مفید واقع شود. اگربه حال خودش گذاشته شود، ممکن است بیشتر منزوی گردیده در درس های خود پس مان، و فرصت های تقویت مهارتهای اجتماعی و سهمگیری در فعالیت های اجتماعی معمول را از دست دهد.

معلمین باید محتاط بوده و به سبب داشتن همچو مشکلات، نباید به اطفال لقب بدهند. این کار خیلی آسان که کسی را بنام «مزاحم»، یا «خواب برده»، یا «کند ذهن»، یا «بیعلاقه» یاد نمود. اما این مهم است که تأثیرات صدمه، فلاکت و بدبختی بالای پیشرفت، برجستگی و عملکرد شاگرد در مکتب، درک شود. با کمک مناسب و توجه مقتضی، بسیاری از این مشکلات میتواند حل گردد.

بیشتر شاگردان صدمه دیده خواب های نا آرام دارند

همچو شاگردان اکثراً به اندکترین صدا بیدار گردیده و در دوباره بخواب رفتن مشکل دارند. آنها اکثراً خواب نا آرام دارند و خواب های مخوف و پر از وحشت می بینند، و هنگامی که بیدار میشوند، احساس نا راحتی میکنند. یک شاگرد خسته و کسل اکثراً نمیتواند در درس تمرکز نموده بخوبی بیآموزد و شاید در مقابل همصنفان و معلمین کج خلقی کند. اگر شاگردی دارای همچو مشکلات باشد، خیلی مهم است که در مورد عادت خواب، از خود آنها و یا از والدین آنها پرسیده شود.

معلمین باید بدانند که «علاج جادویی» وجود ندارد. شفا یابی یا بهبودی، مرحله وار است – هفته ها، ماه ها و سالها را احتوا میکند. نباید دلسرد شد، چون صحت یابی بعضی اطفال یا جوانان، به نسبت دیگران وقت زیاد را میگیرد.

جوانان صدمه دیده، در معرض خطر سلوک بی اعتنایی، بشمول سلوک که به صدمات تصادفی (مثلاً تصادم موتر) منجر گردد، استعمال مواد مخدر و جنایت، قرار دارند. گفتگو با این شاگردان و والدین آنها در مورد همچو خطرات، مفید است تا ارتباط صدمه و خساره، و ضرورت مؤقت احتیاط بیشتر در هفته ها و ماه های بعدی نشان داده شود.
این مهم است که ضیاع شاگردانی که به سبب مرگ یا مصیبت دیگر از صنف غایب اند، تأیید شود، و ضمناً برای یک سلوک مثبت و پر امید در سال تعلیمی آینده تشویق گردد. برای شاگردان صدمه دیده شاید در نصاب تعلیمی تعدیل و اصلاح برای یک وقت محدود، با در نظر داشت مشکلات در آموزش و یاد داشت، ناشی از فشار روانی بعد از صدمه و

عکس العمل های اندوه، مفید باشد. این روش برای شاگردانی که در حال اعاده صحت ناشی از صدمات فزیکی، تحمل صدمه شدید و ضیاع حافظه، اند که واقعاً مانع آموختن و پیشرفت در مکتب میشود، خیلی ممد خواهد بود.

بعضی از شاگردان شاید یک دوست خوب را از دست داده باشند و یا دوستی عوض شده باشد. بناءً این مهم است که با شاگردان در ایجاد روابط جدید و یا آغاز مجدد روابطی که قطع گردیده، کمک شود.

این نوع فعالیت های اجتماعی صنفی به شاگردان صدمه دیده، اهمیت خاص دارد، آنهایی که اکثراً یکنوع حس منفردیا مختلف بودن، احساس تنهایی درونی، و یا احساس بیگانگی از گروپ های روزمره شاگردان، دارند. فعالیت های اجتماعی که دارای نتیجه عملی و ملموس باشد، در ایجاد یک حس مجتمع و شهروندی، مهم میباشد. این فعالیت ها میتواند شامل یک پروژه برای کمک در تقویت مکتب و همسایگی، یک پروژه برای کمک به دیگران در محل آنها، و یک پروژه برای بهبودی صنف، باشد.

این پروژه ها در صحت یابی شاگردان صدمه دیده، بطور خاص مهم اند، زیرا این تلاش ها اکثراً یک ضرورت مهم در آنها در جهت بهبودی زندگی خود آنها و زندگی دیگران، پاسخ میدهند. مکتب یک جای بسیار مهم است جاییکه آنها در همکاری با سایر شاگردان، میتوانند قدم های اولی را بردارند.

خود مکتب و همچنان صنف، میتواند یک محل کنترول باشد، زیرا روابط در موسسه تعلیمی در بین کارمندان ممکن است برای کمک با یک طفل درگیربا مشکلات، خیلی مفید باشد. بیشتر مکتب ها دارای تیم های مطالعه، بررسی طفل میباشد که تجربه های آموزش را تجربه میکنند. معلمین (مسؤولین اداره و دیگران) میتوانند راه های کمک با یک طفل پریشان را جستجو نمایند.

نتیـــجه

بعضی اوقات اطفال ایکه دارای حرکات ناگهانی جدی اند، در پهلوی آن یک اختلال یا ناتوانی دیگر نیز دارند، و انجام دادن این حرکات ناگهانی یکی ازعلامات آنست. با آنهم، با تطبیق استراتیژی های درست و نسبتاً ساده، جلو همچو سلوکها را رفتار ها را تا حدی میتوان گرفت. بعضی اوقات یک تغییر کوچک در روش معلم یا جواب مثبت به یک شاگرد، باعث تغییرات بزرگ در زندگی شاگرد میگردد. اگر یک طفل حرکات ناگهانی جدی را اظهار مینماید، باید برای رسیدگی به آن، یک ساحه معین را در یک وقت مختص نمایید. بطور مثال ظهور حرکات ناگهانی اکثراً بشکل:

- جواب دادن قبل از تکمیل سؤال یا بدون بلند کردن دست؛
- انتظار نکردن در قطاریا لین یا عدم مراعات نوبت در مواقع آموزش و بازی؛
- اخلال کردن دیگران یا مداخله به امور دیگران (زورگویی) ظاهر میشود.

تصمیم بگیرید که کدام سلوک یا رفتار در قدم اول تغییر کند و بعد پیمان سلوک یا رفتار و یا سفارشات که در فوق فهرست گردیدند، را تطبیق کنید. هیچگاه از مجازات جسمانی استفاده نکنید. خشم شاید پاسخ طبیعی باشد، اما یک معلم مؤثر در برابر صحت ذهنی همه شاگردان صنف، مسؤولیت دارد. اظهار خشم در برابر یک طفل، فضاء آموزش همه شاگردان را مختتل میکند.

مانند همیشه، شکیبا باشید. تغییر دادن سلوک، رفتار نا مناسب، به وقت نیاز دارد و صبر، ثبات و پایداری را ایجاب میکند اما هر تلاش در این راستا، در دراز مدت، مثمر خواهد بود.

استراتیژی های با جزئیات بیشتر برای تدریس به اطفال دارای نیازمندی های خاص در صنف فراگیر در یک ترینگ خاص و متمرکز به موضوع، ارائه خواهد گردید. کار کردن با اطفال دارای مشکلات بینایی یا شنوایی، معلومات مفصل



مزید را ایجاب میکند. اطفال دارای معیوبیت جسمانی نیز به ترتیبات و وسایل خاص تدریس و همچنان منظم نمودن آنها در صنف نیاز خواهند داشت، بطور مثال، دسترسی به چوکی عرابه دار. راجع به اطفال دارای مشکلات صحی مانند مرگی، وهم گرایی، اختلالات دماغی، و سایر معیوبیت عصبی، یک معلم باید در مورد این وضعیت ها و اینکه در صنف به این نوع موضوعات چگونه رسیدگی نماید، معلومات داشته باشد.

نکته اساسی این فصل این است که همه شاگردان به آموزش و تعلیم، حق دارند. عقاید اسلامی نیز این تصور را تأیید مینماید که شمولیت در مقابل محرومیت برتری دارد به جز از موارد استثنائی. پیداگوژی جدید با معلمین در تطابق با صنف و طرز تدریس، خصوصیات و نیازمندی های شاگردان آنها، کمک خواهد کرد بعوض اینکه تنها از شاگردان خواسته شود که با مکتب تطابق نمایند. مکتب محل حصول تعلیم برای آنهاییکه در جستجوی آموزش اند، است، نه اینکه محل آسوده گی برای معلمین. یک معلم قابل، شایسته در فکر آموزش، تفکر، احساس و انگیزه شاگردان، است. معلم قابل و مواظب راه های همکاری با هر طفل را برای پیشرفت جستجو و از یک معیارانفرادی رشد برای هر طفل استفاده مینماید نه اینکه تنها وضع نمودن معیار که هر طفل باید آنرا برآورده سازد و در غیر آن ناکام شود. خوشبختانه، در صنف فراگیر، همه اطفال دارای نیازمندی ها اند، هر شاگرد خاص است؛ اما تنها یک چند طفل در هر صنف دارای مشکلات جدی میباشد.

در فصل بعدی، یک موضوع جدید در مورد تفاوت های انفرادی که ایجاب یک پیداگوژی جدید را میکند، بحث خواهیم کرد. این موضوع تنوع در صنف، فرهنگهای متعدد، زبانهای متعدد، فقر و تربیه اطفال، میباشد. معلمین اکنون درمی یابند که این مسایل برای مؤفقیت شاگردان در آموزش و زندگی، چقدر اهمیت دارد. معلمین بعد از این تنها مضامین و خود نصاب تعلیم را تدریس نمی نمایند. لذت و سرور تدریس، مانند همه وقت، مشاهده نمودن طفل در حال آموختن و مشاهده نمودن صفایی دانش و فهم که در اذهان آنها جاری است، میباشد. اما اکنون، معلمین برداشت جدید از آموختن، برداشت جدید از انکشاف، و برداشت از پیداگوژی جدید برای «روشن کردن چراغ» در ذهن شاگردان خود، دارند.

در فصل بعدی، به تأثیرات اختلافات فرهنگی در صنف و اینکه معلمین در مورد ایجاد یک فضاء مملو از احترام، عدالت، برابری، خوبی در صنف که تبعیض و تعصب در آن جای نداشته باشد، چگونه فکر میکنند، توجه معطوف و متمرکز گردیده است. درافغانستان، مردم در وفاداری به اسلام متحد اند. ما صنوف مکاتب افغانستان را مانند سایر صنوف در جهان پر از تنوع اقوام، و زبانها و هویت قبیلوی مختلف می بینیم شاگردان حتی در صنف های که تنوع زیاد بچشم می خورد هنوز هم به آموختن در یک محل متنوع چگونه با احترام و قدر دانی برای دیگران در فضای صلح و ارامش زندگی نمایند



فصل هشتم

تدریس افراد متنوع

استراتیژی ها برای استادان جهت ارزش به شاگردان متنوع و عدالت اجتماعی

مقــدمه

بر علاوه مراقبت از شاگردان با نیازهای ویژه ای آشکار در صنف های درسی به طور منظم (که در فصل گذشته به عنوان ورود به مطالعه به آن اشاره شد)، تفاوت آشکار دیگری نیز موجود است که باید آنرا به طور حساس (قبول) و درمان کرد، چیز های هستند که توسط اطفال و جوانان پیشینه های گوناگون از جمله فرهنگ، نژاد،، قومیت، اقلیت زبان، شرایط اقتصادی و جنسیت (را نمی توان نا دیده گرفت) به نمایش گذاشته شده است. ما باید در آغاز تکرار و مشخص کنیم که شمول صنف های درسی، صنف های ویژه ای برای کودکان با نیازهای ویژه نیست. تمام صنوف درسی باید صنف های شمول برای هر یک و تمام شاگردانیکه که خردمندانه قادر به آموزش هستند باشد. شمول یک دوره یی با اشاره به مفهوم و تمرین شمولیت تمام اطفال با یک دسترسی مساوی در تعلیم و تربیه است. ما درین فصل به اطفال با نیاز های ویژه آنها به خاطر معلولیت فزیکی آنها اشاره نمی کنیم. مگر بالای نیاز های آموزنده گان زبان دوم و شاگردان اقلیت در یک صنف درسی بحث خواهیم نمود.

استراتیژی ها برای شاگردان متنوع از لحاظ فرهنگی و قومی

مکاتب با ارایه سابقه شاگردان متنوع با تدریس کاملاً متنوع از سابقه شاگردان جریان اصلی، با وجود نگهداشتن آنها در یک صنف درسی ثابت به مشکل مواجه اند. به طور مثال: اطفال فقیر و شاگردان متنوع از لحاظ فرهنگی و زبانی تمایل به دریافت دستورالعمل پایین دارند، زیرا آنها معمولا در گروه های خواندن پایین قرار می گیرند و یا خارج از صنف درسی برای آموزش درمانی فرستاده شده است. اکثراً این شاگردان به طور مکرر نسبت به شاگردان غیر اقلیت شاید غیر حاضر باشند.

همچنان تحقیق نشان میدهد که مکاتب تمایل دارند تا در مقابل شاگردان با سابقه های گوناگون از طریق ارزیابی های که به زبان خانه شان ارزش نمیدهد و از طریق استفاده از روش های تدریس که تطبیق به روی نقاط قوت فرهنگ و یا زبان خانه شان نیست، تبعیض نشان دهند. مطالعات نشان میدهد که بسیاری از استادان قادر به برقراری ارتباط مؤثر با شاگردان سابقه های متنوع نیستند. روش های آموزشی سنتی (و مشکل است تا آنرا تغییر دهید) اغلب نقض نورم های رفتار فرهنگ خانه این شاگردان است. همچنان استادان شاید برای شاگردان سابقه های متنوع و به این ترتیب با قادر نبودن با پیشکش دروس دلچسپ و چالش برانگیز برای شان توقعات پایین داشته باشند.

تعدادی از محققین بسیاری از عوامل قابل شناسایی را که با سطح توانایی مردم در مکتب پیوند دارد دریافته اند. مکاتب بالای بعضی عوامل کنترول دارند نه دیگران. اگر استادان این عوامل و تأثیرات شان بالای شاگردان را بدانند آنها بهتر قادر خواهند بود تا نیاز های شاگردان و نقاط قوت آنها را ارزیابی کنند و راه های ابتکاری را جهت کمک به موفقیت شان در مکتب پیدا میکنند.

شواهد قابل توجه این نتیجه گیری حیاتی را حمایت میکند. اختلافات در دست آورد ها میان شاگردان با سابقه های متنوع و مسیر اصلی از لحاظ فرهنگی و قومی مشاهده شده است که نتیجه توانایی اختلافات آموزش نیست. آنها بیشتر



نتایج این اختلافات در کیفیت تدریس که این مردم جوان در مکتب به دست آورده اند، همچنان اوضاع خانواده ها که در اجرای وظایف مکتب شرکت میکنند، میدانند.

علاوه بر این، بسیاری از شاگردانیکه در خطر مبتلا به ناکامی هستند آنها شیوه های سنتی آموزشی را تمرین میکنند. بسیاری از عوامل پیچیده و مغلق که شاگردان را در معرض خطرقرار میدهد، عبارت اند از: جنایت، مواد مخدر، فقر و رسم و رواج و توقعات خانواده در میان دیگران فراتر از کنترول مربیان هستند. مگر مربیان قدرت جایگزینی میتود های فعال و مؤثر را عوض شیوه های نا کارآمد و بلند بردن نتایج آموزش را برای این شاگردان دارند.

هنگامی که معیارهای آموزش و ارتباطات در صنف درسی از معیار ها و ارتباطاتی که شاگردان آموخته اند بسیار متنوع باشد، آنها ممکن است سردرگمی و اضطراب را تجربه کنند و قادر به شرکت در آموزش، و ندانستن چگونگی جستجوی مناسب مورد توجه معلمان و یا اشتراک در بحث قرار نگیرند.
استراتیژی هاییکه برای افزایش دستاورد های شاگردان مؤثر است در زیر بیان شده است.

أ. حفظ ستندرد های عالی و بیان توقعات عالی برای همه از لحاظ قومی، فرهنگی و زبانی برای شاگردان متنوع:

هنگامیکه شاگردان توسط معلمان که توقعات زیادی از ایشان دارند، به چالش کشیده میشوند بیشتر می آموزند. آنها را به شناسایی مشکلات، شامل ساختن آنان در فعالیتهای مشترک، و سرعت بخشیدن به یادگیری ایشان تشویق کنند. استادانیکه توقعات زیاد از شاگردان شان دارند به این عقیده اند که شاگردان شان توانایی موفقیت فعالیت های صنفی را دارند. همچنان استادان از آموزش تکراری طوطی وار اجتناب میکنند و آنها به عوض آن شاگردان را علاقه مند به سهم گیری در فعالیت های حل مشکل میسازند. آنها از شاگردان سوالات بی انتها را می پرسند و از آنان تقاضای قضاوت و نظر دادن را میکنند. آنان فعالیت هایی را انتخاب میکنند که شاگردان باید مهارت های تحلیلی، ارزشیابی و ارتباطات موضوعات را با یکدیگر استفاده کنند. آنان از شاگردان توقع اجرای تحقیق، تکمیل وظیفه خانگی و مدیریت مؤثر وقت را میکنند.

ب. رهنمایی شاگردان جهت دقت آنان با آشنا شدن با نیازهای فردی خود و نقاط قوت و به اشتراک گذاشتن نگرانی ها، امیدها و رؤیا ها:

شاگردان تمایل به مشارکت و بهترین انجام کار خود هنگام پرورش و مراقبت استاد دارند. البته ما برای شاگردان خود دست آورد علمی میخواهیم. مگر آنها نخواهند به این دستاورد علمی نایل شوند به جز اینکه آنها عقیده داشته باشند که از آن مراقبت میکنند. بدون احساس ارزش و مراقبت از آن، آنها نخواهند آموخت که از دیگران مراقبت کنند.

ممکن است ما در تفکر دروس «مراقبت از خود» مراحل زندگی، رشد معنوی، و مفهوم آن به خاطر رشد یک شخصیت قابل تحسین را در نظر بگیریم. با درنظر گرفتن کلیه جوانب دروس و تجارب در باره توجه به دیگران، ممکن است ما بخش هایی را در محبت، دوستی، پدری و مادری شامل بسازیم. به خاطرتحت مراقبت گرفتن بیگانه ها و دیگر اشخاص جهانی، ممکن است ما جنگ، فقر و تحمل را مطالعه کنیم.

شاگردان جوانتر زمانی که آنها یاد بگیرند که می توانند برای محیط زیست از طریق بازیافت پروژه مراقبت از خود، پیوستن به دیگران در پاک کردن و زیبا ساختن پارک های محلی، شروع یک باغ عامه و یا به غرس نهال توجه کنند، هیجان زده میشوند. این موضوعات میتواند از دوره مکتب ابتدایی تا لیسه برای شاگردان سازگار باشد.



ج. دانستن فرهنگ خانه شاگردان جهت درک بهتر عادات شان در صنف و خارج از صنف:

معلمین باید طریقه های گوناگون احترام پدری و فرزندی و اظهار علاقه در باره تعلیم و تربیه اطفال را بدانند. به طور مثال: بعضی والدین شدیداً عقیده به این دارند که تربیت اطفال وظیفه استادان است و والدین نباید در مسایل مکتب دخیل باشند. بعضی اوقات والدین تعلیم وتربیه اطفال شان را با تقاضای اجرای کار خانگی و حصول اطمینان از اینکه اطفال شان وقت را با شاگردان دیگر ضایع نمیکنند یا وقت شان را با تیلفون و تماشای تلویزیون سپری نمیکنند، تمویل میکنند. مگر به عوض آن خود شان به کار مکتب سعی به خرج میدهند.

دخالت والدین شدیداً مربوط به دست آورد های علمی شاگرد میشود. در افغانستان بخشی بزرگ از شبکه اجتماعی یا اقارب بسیار منابع تشویق شخصی را برای پیشرفت در مکتب فراهم میکند. در افغانستان شبکه های خانواده گسترده است و شاید بیشتر یا کمتر آنها تعلیم و تربیه همه اطفال شان را تمویل کنند. مخصوصاً دختران آسیب پذیر و حساس به خانواده گسترده برای تشویق و یا مخالفت در خصوص حضور و دسترسی به مکتب هستند.

د. استراتیژی های تدریس برای خانواده های گوناگون:

معلومات را در مورد فرهنگ خانواده شاگردان با درخواست از آنها برای مصاحبه با پدر و مادر شان در مورد زندگی خود به عنوان کودکان در مورد داستانهای دیگر که به یاد دارند، اشعار مورد علاقه شان، و دستور العمل خانواده را جستجو کنند. نتایج این مصاحبه می تواند معلم را در مورد تفاوت زیاد در میان شاگردان صنف آگاه سازد. مصاحبه ها نیز می تواند به شکل کتابچه ساخته شده و پس از آن، خواندن مطالب برای تمام صنف شریک ساخته شود.

سازمان های اولیای شاگردان و مربیان می توانند در زمان های مناسب برای حضور پدر و مادر جلسات را دایر نمایند، و آنها می توانند برای کسانی که قادر به تکلم زبان مسلط نیستند مترجمان را آماده کنند. ممکن است اطاقی را در مکتب برای پدر و مادر برای ملاقات و بحث در مورد مسائل مربوط به آموزش و پرورش فرزندان شان در مکتب تنظیم کنند. استادان میتوانند که با والدین شاگردان در خانه های شان ملاقات کنند یا آنها میتوانند ملاقات معلم و والدین را به خاطر بحث کارخانگی و دسپلین استفاده نمایند.

والدینی که به مکتب به خاطر مناسب بودن فرهنگ شان با فرهنگ مکتب استقبال میشوند بیشتر به عنوان منابع فرهنگی مناسب و زبان آموزان قابل دسترس میباشد. والدینی که به دو زبان متنوع تکلم میکنند ممکن است خواسته شود که برای آنانی که هنوز تسلط به فصاحت زبان دوم ندارند ترجمه کنند. والدینی که در ورکشاپ های مکتب حاضر میشوند می توانند سواد خانواده و فعالیت های ریاضی که ایجاد توانایی های خود را برای حمایت از یادگیری فرزندان خود از این مهارت ها را یاد بگیرند. هنگامی که دانش آموزان می بینند که پدر و مادر شان از سوی مکتب مورد احترام قرار میگیرند، ممکن است مغایرت بین فرهنگ خانه و مکتب که می تواند باعث فروپاشی نظم و انضباط در درون خانواده و یا در صنف درسی شود، شاید کمتر شود.

۱. تشویق مشارکت فعال والدین یا سرپرست های فامیل

والدین و سرپرست ها اولین معلم طفل هستند، مگر آنها همیشه از شیوه های رشد زبان و مهارت های ارتباطات آگاه نیستند. اطفال زبان را در خانه یاد میگیرند. هر چند که طفل در خانه محاوره، فعل و انفعال بیشتر داشته باشد به همان اندازه بیشتر می آموزد.

استادان میتوانند به عنوان «کار گزار فرهنگی» با صحبت همراه والدین بالای نقش کلیدی که آنها در تعلیم و تربیه اطفال شان بازی میکنند تأکید کنند. استادان میتوانند والدین را در دانستن توقعات مکتب و صنف درسی طوریکه آنها

از والدین توقعات استاد شان و شاگردان را آموختند، کمک کنند. همچنان استادان میتوانند شیوه هایی را که ممکن است والدین بیشتر با اطفال شان صحبت کنند تا آنان را به ارتباطات صنف درسی آماده سازند پیشنهاد کنند. هنگامیکه والدین بالای اهمیت تعلیم و تربیه بحث میکنند شاید آنها از چگونگی تمویل کوشش های علمی اطفال شان آگاه نباشند. اطفال اهمیت زبان را در بیان نظریات، احساسات و درخواست ها می آموزند، اگر والدین و سرپرست های فامیل به آنان جواب دهند و افکار شانرا تأیید کنند. همچنان اطفال در آموزش نمونه های ارتباطات که در صنف درسی به شمول درخواست کردن، پرسیدن سوال و جواب دادن سوال به یک روش قابل قبول نیاز به رهنمایی دارند.

اگر والدین یا سرپرست های فامیل در خواندن و نوشتن هر زبان دسترسی داشته باشند، میتوانند به همان زبان به اطفال شان بخوانند تا آنها را تشویق به خواندن با میل (علاقه) کنند و اطفال را به ارتباط دادن زبان شفاهی و خواندن کمک میکنند. حتی اگر والدین یا سرپرستان فامیل بی سواد هم باشند میتوانند نثر را طوریکه با آنان بازی میکند ایجاد کند و با اطفال شان بخوانند.

والدین یا سرپرستان میتوانند بخاطر صحبت کردن با اطفال شان در باره هر فعالیتی که آنها با یکدیگر انجام میدهند وقت را بگیرند. به طور مثال خوردن غذا، بدین طریق تشویق رشد زبان. این محاوره ها میان والدین و طفل خواه به زبان خود شان باشد یا زبان دوم سودمند است. والدین یا سرپرستان فامیل میتوانند از اطفال شان در باره هر فعالیتی که آنها به کار بردند و جطور به فعالیت دیگر مربوط میشود بپرسند. آنها شاید بپرسند که، آیا آنها در باره فعالیت چطور احساس میکنند؟ یا آنها چه پیشبینی میکنند که ممکن بعداً واقع شود. آنها بدین طریق در فکر مدل سازی انواع الگوهای ارتباطی است که جوانان در مکتب از آن استفاده خواهند کرد. البته، در عین زمان دادن تحفه ساده توجه برای اطفال به صورت عالی پر ارزش است.

برنامه های سواد آموزی خانواده ها، والدین را به حصول یا تقویت مهارت های سواد، بهتر قادر ساختن آنان جهت دستیاری رشد سواد اطفال شان کمک میکنند. دیگر روش ها مانند‌استفاده از کتاب های ثبت شده برای اطفال و بزرگسالان اجازه میدهد تا مهارت های خواندن مشترک را بیاموزند. اطفال تشویق شوند تا بخوانند وقتیکه مشاهده میکنند که والدین شان می خوانند و والدین برای شان بخوانند. کاملاً به طور ساده، خواندن برای تفریح و مشاهده خواندن دیگر اعضای فامیل، اطفال را به زیاد خواندن تشویق میکند. حتی تا دوره لیسه سهم گرفتن فامیل موجب نتایج مثبت؛ مانند: دست آورد های عالی، حاضری بهتر، کسب کریدت بیشتر کورس، آماده گی بیشتر در صنف و دیگر شاخص های مؤفقیت در مکتب برای شاگردان میشود. ملاحظات نشان میدهد که شاگردان در مجاورت با تمرکز زیاد فقر دست آورد پایین در نمرات امتحان ریاضی داشتند، مگر این اثر با سهم گیری والدین در لیسه بهبود یافت. مطالعات در سطح لیسه اشاره میکند که این بسیار نا وقت نیست که پروگرام های سهم گیری خانواده و جامعه منحیث منفعت های حاصل شده تا صنف دوازدهم آغاز گردد.

۲. گوش دادن به سابقه شاگردان جهت بلند بردن سطح آموزش

اعتماد به نفس و انگیزه شاگردان وقتی افزایش می یابد که استادان تجارب خود را در بحث های صنفی آشکار سازند و چیزیکه آنها میخواهند بگویند آنرا اثبات کنند. جوانان وقتی در درس ها بسیار تشویق میشوند که از آنها پرسیده شود که آنها در باره موضوع چه میدانند و کدام موضوع را میخواهند بدانند. اگر سوالات شان یاد داشت شود و در رهنمایی موضوع تحقیق استفاده شود، احتمال بیشتر دارد که شاگردان در تحقیقات بیشتر علاقه مند شوند نسبت به اینکه اگر به طور ساده سوال نوشته شود. همچنان استاد یک فهم بهتر دانش قبلی شاگردان را در باره یک مضمون (یک پیش ارزیابی جهت پلان درس بعدی) کسب میکند.

یک طریقه ای که استادان میتوانند در شناسایی شاگردان به خاطر سهم گیری شان در درس اطمینان حاصل نمایند، استفاده از «نوار معنایی» در آغاز آموزش یک موضوع جدید است. استاد از شاگردان بپرسد که آنها در باره موضوع چه میدانند. ساده ترین طریقه انجام دادن این فعالیت میتود طوفان مغزی است که روابط گوناگون یا ارتباط شبکه ای را به عنوان یا موضوع قایم میسازد. به طور مثال: استاد یا یکی از شاگردان موضوع «فرهنگ» را در مرکز دایره بالای تخته مینویسد. بعداً استاد کلمات شاگردان را در دایره ها در اطراف دایره مرکز یاد داشت میکند.

در قدم بعدی، شاگردان میتوانند در باره همه کلمات مربوط به «فرهنگ» با ساختن ارتباط شبکه یی در تخته (با وصل کردن خط ها) بحث کنند. این کار میتواند با کتگوری کردن موضوعات فرعی توسعه داده شود. همچنان استاد میتواند از شاگردان بپرسد که در مورد موضوع داشته تان چه میدانید؟ سوالات شاگردان که برای استفاده بعدی ثبت شد، میتواند به حیث یک رهنما در تحقیق به کار برده شود. احتمال دارد شاگردان در تحقیق موضوع بیشتر علاقه مند شوند وقتیکه آنها با سوالات و اقعی خود شروع کنند. آن سوالات واقعی منجر به تحقیقات گسترده میشود.

تطبیق این استراتیژی میتواند مثل اینکه استاد به شاگردان در آغاز درس بگوید که در مورد موضوع داده شده سوالات شان را بپرسند ساده است. بعد از جمع آوری سوالات شاگردان، استاد میتواند از هر یک از شاگردان که قبلاً در باره موضوع معلومات داشتند بپرسد. قبل از شیفته شدن به کتاب ها و دیگر منابع، شاگردان خود شان میتوانند با استفاده دانش خود و تجارب قبلی منابع باشند.

۳. انتخاب نصاب و مواد تعلیمی مناسب فرهنگی و شناسایی شـده متحد و منعکس کننده میراث فرهنگی شاگردان و مشارکت گروه های مختلف قومی

اعتماد به نفس شاگردان وقتی تقویت خواهد کرد که آنها در باره مشارکت های که توسط گروه های قومی و نژادی خود شان در تاریخ و فرهنگ افغانستان ساخته شده، آنرا مشاهده کنند و بخوانند. هر وقت امکان پذیر است که استادان نصاب تعلیمی را تنظیم بکنند تا دروس بالای موضوعاتی تمرکز کند که با مفهوم هستند. این نوع تمرکز شاگردان را به تمرین زبان، تفکر، و مهارت های نوشتن واقعی، با مفهوم و اوضاع تعاملی اجازه میدهد. همچنان شاگردان می آیند تا درک کنند که استادان فرهنگ و زبان هر طفل را ارزش داده و قدر دانی میکنند.

استادان میتوانند که کتاب هایی را انتخاب کنند، و یا اگر لازم باشد، مواد مکمل که شامل دیدگاه ها، صداها، رویدادهای تاریخی، شعر، هنر، مجلات و تصاویر مربوط به طیف وسیعی از گروه های نژادی و قومی باشد که جامعه افغانستان را تشکیل می دهند (ممکن است درصنف ارایه شود) را انتخاب کنند.

٤. شناسایی و برطرف کردن کلیشه ها

اگر معلم اجازه می دهد تا زبان و کلیشه های جنسیتی یا نژادپرستانه بدون منازعه به تصویب برسد، شاگردان در دو راه آسیب پذیر خواهند شد:

١. تصویر بد از گروه خود، که ممکن بخشی از مفهوم خود یابی شود.
٢. با محدودیت های آنها در توانایی خود برای زندگی و کار هماهنگ با دیگران در صنف و در جامعه خود احساس راحتی میکنند.

٥. استفاده از استراتیژی های آموزش تعاونی

یکی از سخت ترین مسائلی که معلمان در صنف های درسی چند قومی با آن مواجه است آنست که شاگردان، به ویژه کسانی که از گروه های قومی رنج می برند تبعیض های اجتماعی و تمایل به گروه های جداگانه بر اساس قومیت می

باشد. ممکن است شاگردان مشاهده کنند که یکی از گروه های قومی از هم جدا می شود و در واکنش، ممکن است شاگردان دیگر احساس کنند که آنها باید همچنان جداگانه باشند. این گروه «چوب با هم» بدون اینکه دوستان پیدا کنند در سراسر موانع گروه هستند.

برای شکستن این رو گردانی دفاعی گروه های قومی، معلمان نیاز دارند تا شاگردان را وقت بدهند که یکدیگر را بشناسند و دریابند که آنها زمین مشترک، مشکلات مشترک و احساس مشترک دارند. یکی از راه های شکستن موانع در میان شاگردان اینست که آنها را به منظور شرکت در یک گروه کوچک در طی مدت زمان طولانی، همکاری در یک فعالیت مشترک با یک هدف مشترک که تنها می توانند با همکاری با یکدیگرآنرا به دست آورند تشویق کنیم.
کودکانی که فرصت دارند تا با یک گروه آموزش تعاونی با شاگردان از نژادها و اقوام دیگر کار کنند باید که آن شاگردان را به عنوان افراد واقعی بشناسند و نه به عنوان کلیشه. طوریکه شاگردان با یکدیگر آموختند و در مورد احترام متقابل یکدیگر آشنایی حاصل کردند، میتواند دوستی رشد کند.

مثال های صنفی: استاد شاگردان را به گروپ های پنج یا شش نفری تقسیم کند و به هر شاگرد یک وظیفه مشخص در یک تجربه علمی دهد و آنها به همکاری یکدیگر وظایف خویش را انجام دهند. یک تن آنان مواد را برای تجربه تنظیم کند و دیگری تجربه را انجام دهد. شاگرد دیگر نتایج را ثبت کند، دیگر یافته ها را توضیح کند و دیگر آنها تجارب ثبت شده را برای شاگردان بخواند.

مهارت های اجتماعی که همچو آموزش تعاونی را کمک میکند باید تدریس شود. شاگردان باید گوش دادن و باز دهی، اداره بحران یا تضاد، رهبری، مشارکت و مسؤولیت پذیری برای بخشی از وظیفه را یاد بگیرند. استادان نیاز دارند که گروپ ها را اجازه دهند تا در اجرای وظیفه «در جریان وظیفه» برای شان با صحبت کردن در باره فعل و انفعال شان و چطور این وظیفه انکشاف داده شود، وقت زیاد را در نظر بگیرد. وظایفی که شامل وابستگی متقابل مثبت به عنوان بخشی از فعالیت است که از هر فرد گروپ تقاضا میرود تا به خاطر انجام دادن خو ب وظیفه کل گروپ به منظور دستیابی به هدف سهم بگیرد که ممکن بیشتر موفق خواهد بود. مخصوصاً فعالیت های «jigsaw» مؤثر است. که بدون کمک دیگران یا بدون آموختن یک بخش وظیفه و تدریس به دیگران تکمیل نخواهد شد. آموزش تعاونی بیشتر از نشستن شاگردان پهلوی یکدیگر است؛ این آموزش شامل ساختار نیاز جوانان میشود تا با یکدیگر ارتباط بگیرند، تا یکدیگر را بشناسند و با یکدیگر کار کنند. جریان («jigsaw» در ضمیمه به طور کامل تشریح میشود).

٦. ارتقاء سطح صحی شاگردان

مراقبت برای دانش آموزان شامل مؤثریت مثبت تصامیم مربوط به رفاه فیزیکی شان میشود.
معلمین می توانند به مقابله با تبلیغات تلویزیونی و تبلیغات برای غذای آماده، سودا و غذاهای شیرین کمک کنند.

مثال های صنفی: برای ترویج عادات سالم غذا خوردن، معلمان می توانند پروژه های تحقیقاتی در مقایسه کالوری موجود در غذاهای سریع در نوشابه (شامل سودا رژیم غذایی)، غذاهای صبحانه و عصرانه اختصاص دهند. اگر هر شاگرد بالای یک محصول تحقیق کند، صنف میتواند یک چارت مقایسه همه غذا ها را بسازند. یک پروژه مشابه صنف می تواند از شاگردان بپرسد که به عنوان کارشناسان عمل می کنند، کشف مقدار از شربت ذرات با فروکتوز بالا در محصولات مختلف با بررسی و ضبط اطلاعات بر روی برچسپ مواد تشکیل دهنده بپرسید. همچنین شاگردان می توانند یک لست غذای فردی یا فامیلی روزانه را که برای خوردن آماده شده است نگاه کنند. در اخیر هفته آنها میتوانند غذای شان را تجزیه و تحلیل کنند و ویتامین های سودمند گرفته شده و میزان گروپ غذا های توصیه شده و شاید یک تخمین کالوری را ارزیابی کنند.

معلمان در ساختن سلامتی بخشی از برنامه درسی واحد در مورد منافع صحی مواد غذایی با کار بوهایدریت های پیچیده (لوبیا، حبوبات چند نوعی یا تمام حبوبات) در مقایسه با کاربو هایدریت بسیار تصفیه شده (مانند نان سفید و بیشتر مکرونی) علاقه مند هستند. همچنان آنها شاید شاگردان را کمک کنند که تحقیق کنند، چرا مردم سیب و دیگر میوه ها را میخورند طوریکه غذا های سبک سلامت بخش و خوشمزه است، صحت از سبزیجات پر برگ سبز و بریان شده نفع میبرد.

البته، تمرین همچنان یک بخش مهم صحت مند بودن است. شاگردان میتوانند دیگر لست غذای روزانه را با نشان دادن انواع تمرینات که آنها در یک هفته، مخصوصاً با قدم زدن از خانه تا مکتب، تا مسجد یا تا مارکیت به دست می آورند نگاه کنند. با افزایش موتر های تکسی و توسعه سیستم ترانسپورت عامه در افغانستان این شاید متحیر کننده باشد که تعداد کم شاگردان را با تمرینات اندک پیدا کنیم مگر آنها در پرورش اندام با وسایل کلب تمرین میکنند. مخصوصاً دختران شاید نسبت به بچه ها کمتر تمرین کنند. این یک روند جهانی است چرا که پروگرام های ورزش مکتب برای دختر ها و بچه ها امروز بسیار مهم است.

همچنان استادان میتوانند که شاگردان را به نفع گرفتن از پروگرام های ورزشی که توسط سازمان های اجتماعی پیشکش میشود تشویق کنند. شرکت در فعالیت های ورزشی، یوگا، تای چی و تنفس آرام نیز به کاهش فشار کمک می کند. حتی دعوت پدر و مادر با اطلاع و یا یک معلم یا یک متخصص صحی از شفاخانه های محلی برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات در مورد تغذیه سالم، ورزش و کاهش فشار به طور مثبت بالای شاگردان در این ساحه تأثیر خواهد گذاشت.

۷. استفاده از روش های جامع و متحد، به تجارب زبان برای زبان آموزان دوم به جـای روش هـای حفظ طوطی وار و تمرین آن

میتود حفظ طوطی وار و تمرین برای جوانان خسته کن و بی معنی است. تجارب همه جانبه بسیار با میتود همه جانبه در حال صحبت کردن در مورد روش های هستیم که در شیوه های چند بعدی و کامل، بسیاری از مفاهیم و مهارت های تدریس استفاده میشود، نه تنها به دنبال یک ایدیا تنها به عنوان یک موضوع محدود اندیشه. به طور مثال: شاگردان میتوانند شیوه های تجارب زبان را بخاطر آموختن ساینس در زبان دوم استفاده کنند. در انجام دادن همچو تجربه آنها انجام دادن و مشاهده یک تجربه را به خواندن، نوشتن و صحبت کردن وصل کنند. زیرا زبان شفاهی شان برای خواندن بعدی یاد داشت شده است. چیزی را که میخوانند میتوانند بدانند و خواندن شان با معنی است.

تحقیق نشان میدهد که در یادگیری زبان های دوم افزایش تأکید بالا ی ارزش «مهارت ارتباطی» است. برای ماهر بودن در بر قراری ارتباط، شاگردان نیاز دارند تا در ماورای قوانین دستور زبان تسلط پیدا کنند. همچنان آنها باید بیاموزند که چطور قوانین اش، فرهنگی و اجتماعی را مواظبت کنند. شاگردان باید زبان دوم را بیاموزند، به طور مثال: زبان غیر رسمی که با همتایان و دوستان استفاده میشود شاید در بسیاری حالات رسمی نباشد؛ مانند: تقاضا کردن از استاد یا حرف زدن با دیگر بزرگسالان. شاگردان باید یاد بگیرند که چگونه به نوبت در یک مکالمه شروع کنند، زمانی صحبت میکنند و یا تا هنوز صحبت خود را توقف داده اند، با این حال، چگونه «بیان میکنند» گوش میدهند، زمانی که صحبت مستقیم یا غیر مستقیم باشد. این طریقه های مناسب حرف زدن فرهنگی میتواند زمانی آموخته شود که شاگردان به قصه ها گوش دهند، درامه ها را ببینند، کتاب ها را با دیالوگ بخوانند و بنویسند و نمایشنامه ها را اجرا کنند.

مثال های صنفی: یک استاد آغاز تعلیم و تربیه ابتدایی یا اساسی را به خواندن قصه اطفال با نشان دادن عکس ها و پرسیدن ایشان به خاطر تشریح آن میکند. بعد از خواندن قصه، استاد از یک شاگرد بپرسد تا قصه را دوباره به زبانی که خود را راحت احساس میکند بگوید. در نتیجه شاید استاد از شاگردان سوال کند که قصه را مثل یک بازی با خاتمه های متنوع بنویسد یا ادامه قصه را بنویسد. این تکنیک جوانان را کمک میکند که ارتباط میان خواندن و نوشتن را ببینند. این همچنان برای شان اجازه میدهد که زبان اصلی و همچنان زبان دومی را استفاده کنند. استاد از شاگردان بخواهد که به گروپ های پنج نفری تقسیم شوند. هر گروپ برای نوشتن و توضیح دادن یک قصه مسؤول هستند. اعضای گروپ باید در قدم اول بحث بکنند که کی انجام دهد، کدام وظیفه در زبان استفاده شود سپس کدام واقعه توضیح شود. آنها باید در ترتیب واقعات موافق باشند و آنها را به ترتیب شماره بنویسند. یک راه ساختن این فعالیت تهیه لیبل صفحات است «شاخص های اصلی» مشکل حل شود، «واقعه اول»، «واقعه دوم»، «واقعه سوم» و «تجزیه مشکلات».

شاگردان دوره متوسطه میتواند به تماشا کردن، یا بلند خواندن یک صحنه نقش (در ویدیو یا اجرای صنفی) در فرهنگی که آنها می آموزند جا میگیرد، گماشته شوند. سپس آنها گروپ ها را تشکیل میدهند و صحنه ها را طوریکه آنرا به یاد داشته باشند مینویسند. بعد ازینکه گروپ ها به چالش های یکدیگر جواب دادند و دیالوگ را اصلاح کردند (شاید با رجوع کردن در ویدیوی بازی نقش) آنها صحنه را عملی کنند. یک ماموریت بعدی باید برای شان داده شود که نقش یکی از شخصیت ها تبدیل شود و تصمیم بگیرید که چطور آن شخصیت حرف بزند: چطور به صورت مختلف او بگوید؟ چطور دیگر شخصیت ها جواب دهند؟ سپس شاگردان میتوانند صحنه را با استفاده محتویات اساسی یکسان اجرا کنند، مگر با گفتن جمله ها به کسی به طریقه های مختلف با نقش های اجتماعی متنوع. همچنان شاگردان می توانند موقعیت های زندگی واقعی که در آن ممکن است به خود و پیدا کردن و عمل کردن بخش هایی از سخنرانان مختلف، متناوب در نقش اجتماعی تصور کنند. آنها میتوانند از همتایان خود که اعضای گروه زبانی آنها که مطالعه میکنند هستند بازدهی دریافت کنند.

۸. تدریس زبان براساس موضوع نه براساس تمرین مهارت های خاص زبانی

آموزش زبان نمیتواند از محتوا و معنی ایکه آموخته شده است جدا باشد. در بسیاری از موارد، شاگردان با مهارت محدودی در زبان غالب در صنف درسی یا مکتب موارد نیاز برای یادگیری جنبه های انتزاعی یا گرامری زبان به عنوان مخالف به جنبه های کاربردی و ارتباطی تقاضا میشود که بیاموزند. این مهارت های بسیار مهم عملکردی همراه با یادگیری محتوا بهتر رشد کرده میتواند.

هنگامی که دانش آموزان زبان دوم را در یک راه کاربردی آموختند، شبیه به طریقه زبان اول خود با استفاده واقعی آن آموختند، این مراحل معنای واقعی دارد. آموزش با مفهوم و جالب میشود. همچنان شاگردان با آموختن مهارت های میان فرهنگی بهره مند شوند. آموزش احوال پرسی در زبان دوم، طور مثال، به عنوان رفتار «مودبانه» در ارتباط با آن زبان جوانان را قادر می سازد تا به راحتی در یک فرهنگ جدید ارتباط بر قرار کند. آموزش نحوه درخواست غذا در میز نان شب، نیاز به دستور زبان اساسی و رفتار مودبانه دارد. دانش آموزان می توانند در مورد چگونگی رفتار مودبانه تفاوت در فرهنگ های مختلف و «مودبانه» در میان دوستان در صنف درسی در یک رستورانت و کانتین مکتب بکند که چی معنی دارد.

مثال های صنفی: به جای انتقال دادن شاگردان از محتوای درس در ریاضیات، معلم می تواند شاگردانی که در زبان های خانواده های مختلف صحبت کرده میتوانند در گروپ کوچک و دو نفری یا جوره یی تقسیم کند زیرا آنها هنوز در زبان مسلط ماهر نیستند و درمیان این گروه ها سوالات مربوط به وظیفه ریاضی را تهیه کند. شاگردان یکدیگر را در



تکمیل این وظایف کمک خواهند کرد، در حالیکه تهیه مودل های طبیعی انکشاف زبان در قلمرو محتویات است. البته این تکنیک می تواند در هر موضوع مورد استفاده قرار گیرد. شاگردان جوره یی ممکن است یک آزمایش ساده را در صنف درسی خود انجام دهند. آنها برای پیدا کردن «چه اتفاقی خواهد افتاد اگر...؟» از روی لیبل اشیاء به خاطر رهنمایی تحقیق شان استفاده میکنند. شاگردان مراحل تجارب شان را در یک شکل چارت تجربه مینویسند و بگویید چه خواهد واقع شد وقتیکه آنها مراحل را تعقیب کنند. اگر آنها سر در گم هستند میتوانند جوره یی دیگر را به خاطر کمک بخواهند. سپس ترتیب مراحل نوشته میشود و شاید با تصاویر توضیح گردد. در روز دیگر آنها میتوانند چارت تجربه را استفاده کنند تا خواندن بلند را در دری و پشتو تمرین کنند.

نصاب تعلیمی پنهان

مکتب باید منحیث یک جریان اجتماعی شدن دانسته شود جاییکه شاگردان پیام ها را به وسیله تجربه ی در مکتب انتخاب میکنند نه از اشیاییکه آنها صریحاً تدریس میشوند.

نصاب پنهان یک تاثیر بزرگ بالای شاگردان دارد،آنرا مهم بسازید، و به اندازۀ نصاب ملی مهم هم نیست. به طور مثال: این یک مسئله برای مکتب است که درباره دیموکراسی در درس شهروندی یا تابعیت تدریس می کند، اگر برای شاگردان مکتب اظهار نظر داده نشود و با آنها توسط سیستم مکتب غیر عادلانه برخورد شود، سپس پیام های بلند و منفی برای آن شاگردان در باره طبیعت جامعه داده میشود.

اکثراً نصاب پنهان به انواع مختلف دانش حاصل شده در مکتب ابتدایی و متوسطه مربوط میشود. معمولاً با یک دلالت مفهومی با اشاره به نابرابری ها به عنوان یک نتیجه حاضر. نصاب پنهان به حیث افزایش نابرابری های اجتماعی موجود با تعلیم دادن شاگردان در موضوعات مختلف و عادات مطابق به صنف شان و حالات اجتماعی گفته شده است. نصاب پنهان همچنان میتواند به انتقال نورم ها، ارزش ها و عقایدی که در هردو محتویات تعلیم و تربیه رسمی و تعاملات اجتماعی در این مکتب ها تقدیم شده رجوع کند. نصاب پنهان مشکل است که به طور واضح تعریف شود زیرا آن در میان شاگردان و تجارب ایشان متنوع میشود و زیرا آن همیشه مثل دانش و نظریات جامعه در حال تغییر است.

مفهومی که نصاب پنهان بیان میکند نظریه ی است که مکاتب نسبت به انتقال ساده دانش آنرا بیشتر انجام میدهند. طوریکه در نصاب رسمی گذاشته شده است. در پشت آن انتقاد پیامدهای اجتماعی، سیاسی و نتایج فرهنگی فعالیت های مدرن تعلیمی نهفته است. جنبه های مختلف یادگیری منجر به موفقیت نصاب پنهان میشود، از جمله شیوه ها، روش ها، قواعد، روابط و ساختارها.

بسیاری از منابع مشخص مکتب به عناصر مهم نصاب پنهان افزایش میدهد. این منابع شاید شامل: محدود نبودن ساختاراجتماعی صنف درسی، تمرین صلاحیت استادان، حاکمیت قوانین بالای ارتباط میان استادان و شاگردان، فعالیت های استندرد آموزش، استفاده زبان استادان، کتاب ها، ممد های صوتی و تصویری، فرنیچر، ساختمان، اقدامات انضباطی، تقسیم اوقات، سیستم پیگردی و اولویت های نصاب میباشد.

به عنوان یک وسیله کنترول اجتماعی، نصاب پنهان اعتقاد سرنوشت اجتماعی را بدون افزایش ملاحظه منطقی و انعکاسی رشد میدهد. نصاب پنهان شاید شامل: تلقین از ارزش ها، جامعه پذیری سیاسی، آموزش در اطاعت و تمکین، تداوم سنتی ساختار صنف و عملکرد که ممکن است به طور کلی به عنوان کنترول اجتماعی باشد.

نصاب پنهان نیز می تواند با تقویت نابرابری اجتماعی به عنوان توسعه روابط مختلف به پول (سرمایه) بر اساس نوع کار و فعالیت های مربوط به کار اختصاص یافته به شاگردان مختلفی که بر اساس طبقه اجتماعی هماهنگ شود.

نصاب پنهان نه تنها به تقویت تعصب و صنف و یا تبعیض فرهنگی از طریق فراتر از برنامه نگرش و رفتار مورد توجه قرار میگیرد. این نیز یک عامل مهم در تبعیض جنسیتی حتی در صنف های که در آن دختران و پسران یکجا هستند. پسرها از پسر دیگر که با آنها به دوستان و یا دشمنان تبدیل می شوند یاد می گیرند؛ پسر دیگر که به چالش کشیده میشود آنها را به فعالیت هایی که آزمایش شجاعت و یا قدرت خود را امتحان کنید، و پسران که تمسخر هر زمانی که یکی بیش از حد هوشمند، بیش از حد مودب، خیلی متنوع است. حس اعتماد به نفس آزمایش شده و اغلب آسیب دیده است. و اعتماد به نفس ممکن است ناپدید شوند.

در مکاتب امروز، معلمان باید محیطی را برای آموزش بسازند که تأثیر نصاب درسی پنهان را خنثی سازد. معلمان نه تنها می تواند شاگردان را از بسیاری خطر های نصاب درسی پنهان محافظت کنند، اما آنها میتوانند با یکدیگر کار کنند تا والدین را کمک کنند از تاثیرات آگاه شوند، هر دو در مکتب و در خانه، حق توانایی تحرک فرزندان خود را انکار میکنند. این تاثیرات اغلب کودکان را به اشتباه و افسرده گی رها میکند، محروم ساختن آنان از لذت یادگیری که باید نتیجه عمده ای مکاتب باشد.

همانطور که ما در فصل دوم بحث کردیم، تحصیلات مکتب برابر به آموزش و پرورش نیست – از آن است که تنها یک بخش است و آن هم یک بخشی رسمی. تعلیم و تربیه و آموزش بسیار قدرتمند از طریق برنامه غیر رسمی، نصاب درسی پنهان آمده است. هر معلم باید از تأثیرات قدرتمند، به خصوص تأثیرات منفی، بخش نهان تجربه مکتب برای هر دانش آموز – زن و مرد، کودک و یا نوجوان آگاه باشد.

نتیـجه گیری

در این فصل ما چالش های پیشکش شده استادان را مورد ملاحظه قرار داده بودیم، جاییکه شاگردان مختلف در جامعه و مکتب است. و به ویژه اختلاف فرهنگی و تنوع زبانی در صنف درسی وجود دارد. نظریه های عملی برای کمک به معلمان که مبارزه میکنند تا از برابری و احترام در صنف جلوگیری کند. ما همچنین در مورد آنچه که به عنوان «برنامه درسی پنهان» شناخته شده است. که از طریق آن که یادگیری بسیار مهم است در واقع صورت می گیرد، درست در زیر بینی معلم، بدون آگاهی آشکار شان شناخته می شود. این نصاب است که از گروه همسالان می آید، از فرهنگ به عنوان آن که دوباره در مکاتب به روش های نا محسوس به اجرا در آورده شده است، چه اتفاقی برای شاگردان در راه شان و در مکتب می افتد.
در فصل بعدی ما در مورد دیگر موضوعات انتقادی تساوی جنسیت که دختران را متأثر ساخته است تمرکز خواهیم کرد. این مقاله برای تعلیم و تربیه افغانها بسیار مهم است که فصل جداگانه بر رسی استراتیژی های صنف درسی که حضور دختران را در مکتب افزایش دهیم، رشد دادن درک خودی دخترها را به حیث آموزگاران و بلند بردن سطح پیشرفت علمی دختران از تعلیم و تربیه اساسی تا پوهنتون داده شده است. در افغانستان تعلیم و تربیه دختران یک هدف ملی است. اگر دختران تحصیل شان را در ماورای دوره ابتدایی ادامه ندهند آنجا کم زنهای خواهد بود که ظرفیت تدریس را داشته باشند. اگر زن ها نتوانند منحیث استادان در مکاتب ملی استخدام شوند، و اگر فرهنگ بی میل است که دختران افغان توسط مردان تدریس شود، پس خود بخود پیشگویی انجام شدن مهم است. تعلیم و تربیه دختران ادامه خواهد یافت که محدود باشد. یک فصل کوتاه در تعقیب می آید که این معضله را مورد بحث قرار داده است.



فصل نهم

برابری جنسیت در صنوف درسی

مقدمه

دولت ملی افغانستان پالیسی های بلند بردن برابری جنسیت در جامعه با اولویت بزرگ تعلیم و تربیه برای دختران و زنان را به وضاحت اعلان کرد. اهمیت تعلیم و تربیه برای دختران و همچنان برای پسران شناخت شفاهی داده شده، مگر در حقیقت تعلیم و تربیه دختران به مراتب نسبت به پسران عقب می افتد. شمولیت مکتب بچه ها نسبت به دختران تقریباً دو برابر است و این تنها در سالهای دوره ابتدایی است. در صنف چهارم شمولیت دختران، مخصوصاً در روستا های ولایات به طور حیرت انگیز کاهش می یابد. در دوره متوسطه تعداد دختران بسیار کم باقی میماند. برای این کاهش خیلی دلایل قابل فهم به شمول اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ثبات و امنیت موجود است؛ مگر این دلایل قابل فهم به مفهوم قابل قبول نیست. ارزش تعلیم و تربیه دختران در جامعه در سطح فامیل، جامعه و کشور در منفعت های اجتماعی و اقتصادی دریافت شده است. یک زن با سواد با فکر قوی زمینه رشد اطفال و بلند بردن سطح صحت و خوشی خانواده را فراهم میسازد. با سواد بودن اولین قدم به طرف تقویت عقاید اسلامی، حفاظت منابع خانواده و حرکت خانواده به طرف پیشرفت است.

شاخص های اجتماعی و اقتصادی برای افغانستان و دیگر کشور های رو به انکشاف به طور موافق نشان میدهد که زنان در جوامع فقیر بار مسؤولیت سخت زنده گی را متحمل میشوند. کوشش ها به خاطر عصری ساختن قانون و جلوگیری از سکوت تبعیض آمیز میتواند توسط موانع فرهنگی دیرینه که بار ها موازی با فقر جریان داشته است خنثی شود. زنها تنها نماینده های کلیدی برای پخش پروگرام های کاهش فقر نیستند؛ مگر همچنان خود را در پیشروی خط بسیاری از موضوعات جهانی؛ مانند: تولید غذا، رشد نفوس، موضوعات محیطی و تغییر شرایط در می یابد.

زنان باسواد میتوانند در تقویت اقتصاد خانواده همچنان در رفاه فزیکی و عاطفی خانواده کمک کنند. زنان تحصیل کرده در جهان امروزی و در آینده میتوانند دانش و مهارت خود را در شریک ساختن مسؤولیت ها برای اداره مالی خانواده به کار ببرند. و همچنان آنها قادر خواهند بود که در زنده گی جامعه به یک طریقه آگاه و با هوش اشتراک کنند. در بسیاری حالات زنان تحصیل کرده از فرصت ها برای مأموریت در جامعه لذت خواهد برد و به طریقه های گوناگون رهبری را فراهم خواهد ساخت. یک نقش بسیار عمده برای زنان تحصیل کرده در زمینه تعلیم و تربیه است. دلیل موانع تعلیم و تربیه دختران نبود معلمان زن است. افغانستان بیشتر به معلمان واجد شرایط زن نیاز دارند. افغانستان بیشتر به زنهای که میتوانند نقش رهبری را در زیربنای تعلیم و تربیه به عهده بگیرند نیاز دارد. آنها باید مسلکی بار بیایند تا سرمعلم مکتب، ماستر ترینر، مدیر های ولایتی، استاد انستیتوت های تربیه معلم محلی همچنان استادان و پروفیسوران در پوهنتون ها باشند. افغانستان جهت تکمیل کردن اهداف ملی به زنهای تحصیل کرده نیاز دارد؛ و زنان جهت برآوردن استعداد فردی شان به تعلیم و تربیه نیاز دارند.

منفعت های اجتماعی و اقتصادی تعلیم و تربیه زنان فقط بخشی از تصویر هستند. یک دختر ذکاوت دارد که نباید ضایع شود. هر دختر یک فردی با ذهن پرجنب و جوش، استعداد شخصی و لذت از یادگیری که تحقق و رضایت شخصی به او در طول زندگی اش خواهد آورد، است. در حقیقت، تحرک برای آموزش همیشگی یک نتیجه سواد و مکتب است.

قانون اساسی افغانها برابری را در حقوق تعین شده دستور میدهد. قانون از این مفهوم در شرایط عملی حمایت میکند ولی تا هنوز به این هدف نرسیده اند و حتی به صورت جهانی قبول شده است. تعلیم و تربیه در نهایت موثر تر از قوانین در توانمند سازی زنان برای غلبه بر موانع برای برابری است. احتمال بیشتر میرود که دختران تحصیل کرده در برابر فشار بیش از حد، ازدواج در اوایل جوانی، داشتن کودکان بیش از حد و رضایت شان در کار های بی مزد مقاومت نشان دهند. آنها یک شایستگی عالی را منحیث مادران و نماینده های فعال جامعه شان دارند.

موانع در تعلیم و تربیه دختران

بسیاری از مسلمانان در افغانستان به این عقیده هستند که در اسلام در مورد تعلیم و تربیه دختران تاکید ورزیده شده است. طوریکه به آنها در زنده گی به حیث یک خانم و مادر اختصاص داده شده اند. لیکن یک پدر شاید بگوید، «من میتوانم برای پسرم پول پرداخت کنم نه برای دخترم. این راهی است که ما در جامعه خود تفکر میکنیم و این زنده گی است که ما استفاده میکنیم». بنابرین پول بالای پسران به مصرف میرسد، بالآخره آنها میتوانند که آنرا پس بپردازند. این قابل درک مگر غیر عاقلانه است.

اما عرف قومی ،عقاید اسلامی نیست، که شدیداً نظریات عمیق را در مورد نقش جنسیت انتقال میدهند. از یک دختر توقع میشود تا خود را به ازدواج آماده کند و مهارت های خانوادگی را بیاموزد. از بچه ها توقع میشود تا محافظ و والا مقام خانواده باشند و شاید یک فامیل وسیع را تمویل کنند. قلمرو عمده علاقه زنان خانواده است. او باید یک مباشر خوب باشد و رفاه خانواده را حفظ کند، در حالیکه مرد نان آور و فراهم کننده خانواده است. هدف زنده گی فامیل وسیع و ترجیحاً داشتن پسران زیاد است. این قوانین جنسیت اکثراً اندیشه عرف و عادت است، مگر در واقع رسوم قبل از اسلام هستند. آنها به افغانستان محدود نیستند، مگر رسوم نگهداشته شده طولانی در بسیاری بخش های جهان است، غرب، شرق، شمال و جنوب.

یکی از نتایج این رسوم دیرینه یک دایره ناقص است که به موجب آن بسیار کمی از زنها میتوانند نیاز تعلیم و تربیه شان را حاصل کنند تا استاد یا منحیث یک شهروند شوند، و به این اساس پالیسی تعلیم و تربیه با کمی منفعت خواسته ها، نظریات و استعداد های زنان تحصیل کرده، تحت تسلط مردان باقی میماند.

تعلیم و تربیت زن و مرد در اسلام

درباره کسب علم و دانش آیات و احادیث زیادی وجود دارد. اسلام برای مرد و زن حق تعلیم و تربیه را داده و توصیه میکند تا پسران و دختران به طور جداگانه تحصیل کنند.

اولین آیه ازطرف خداوندمتعال به حضرت محمد (ص) با کلمه "بخوان" آغاز شد.
{اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ (١) خَلَقَ الإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (٢) اقْرَأْ وَرَبُّکَ الأَکْرَمُ (٣) الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ} (سوره علق)

بخوان به نام پروردگارت که (همه جهان را) آفریده است. انسان را از خون بسته آفریده است. بخوان پروردگارتو برزگوارتر و بخشنده تر است. همان خداییکه بوسیله قلم آموخت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند. {طلب العلم فریضه علی کل مسلم} جستجو و طلب علم فریضه هر مسلمان است. در این حدیث کلمه مسلم یعنی مسلمان؛ مرد و زن راشامل میشود. به اساس این حدیث فریضه علم یک فریضه عمومی است که منحصر به طبقه ای صنفی یا جنسی نیست. در حدیث دیگر درین مورد چنین است. {اطلبوا العلم من المهد الی اللحد} در همه عمر، از گهواره تا گور، در جستجو و طلب علم باشید. گفته دیگر از فقه

است که: «برای مرد و زن کدام معذرتی وجود ندارد که ادعا کنند نمیدانند». آیات واحادیث فوق هیچ فرق را میان زن و مرد قایل نمیشود، مرد و زن را درتعلیم وتربیه شامل میشود

زن باید نزد کسی برود تا امور دینی‌اش را به او بیاموزد.

الله(ج) در آیه هفتم سوره بیست و یکم میفرماید{فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون ط} اگر شما نمیدانید از عالم (کسانی که میدانند) بپرسید. امام بخاری در صحیح خود از ابوسعید خدری(رض) روایت کرده که گفته است: زنان به پیامبر(ص) گفتند: «مردان در استفاده از محضر شما بر ما پیشی جسته‌اند و فرصتی برای ما نمانده است، پس خود روزی را به ما اختصاص نمایید و پیامبر (ص) چنین کرد و روز مشخصی را در هفته برای ملاقات با آنان تعیین کرد که در آن روز به تعلیم زنان می‌پرداخت». در شرح این حدیث آمده: معنای «مردان در استفاده از محضر شما بر ما پیشی جسته‌اند» این است، که مردان همه روز با تو همنشینی می‌کنند و دانش و کارهای دین را از تو می‌شنوند و ما زنان نمی‌توانیم با آنها رقابت کنیم پس روزی را برای ما تعیین کن که دانش و امور دینی را از تو بیاموزیم.

از آیت وحدیث فوق جواز پرسش زنان ازاموردینشان ونیز درمسایلی که زنان بآن نیازمندند، استنباط می‌شود.[1] پیامبر(ص) به زنان آموزش داد.

امام بخاری در صحیح خود از ابن عباس روایت کرده است: پیامبر (ص) در حالی که بلال همراه او بود از خانه خارج شد و پنداشت که زنان در مسجد حضور نداشته و پیام او را نشنیده‌اند بنابراین آنها را پند و اندرز داد و به صدقه امر نمود. زنی گوشواره و انگشترش را تقدیم کرد و بلال آن را با گوشه لباس خود گرفت. امام بخاری این حدیث را در باب {عظة الامام النساء وتعلیمهن} آورده است.[2]

در شرح این حدیث و مواردی که از آن استنباط می‌شود، آمده است:

«عینی» درباره این حدیث گفته است: «پیامبر (ص) از صف مردان خارج به سوی صف زنان رفت و چنین پنداشت آنچه به مردان گفته زنان حضور نداشته و نشنیده‌اند». نووی گفته است: «این کار بیانگر مستحب بودن پند و اندرز برای زنان، یادآوری آخرت، آموزش احکام اسلام و تشویق آنها به دادن صدقه است این استحباب (ایستاده شدن مردان پیش زنان برای وعظ ونصیحت) زمانی است که بر آن مفسده‌ای مرتب نشود یا ترس فتنه بر واعظ و مستمع وجود نداشته باشد».[3]

اسلام نه تنها به زن اجازه داده تا علوم دینی و اجتماعی را بیاموزد بلکه او را تشویق و تمجید نیز نموده است و تعلیم و تربیت زن را مانند تعلیم و تربیت مرد حتمی و لازم می‌داند، در زمان حیات پیامبر اکرم ع زنان مسائل دینی و اخلاقی را مانند مردان از وی یاد می‌گرفتند و پیامبر اکرم (ع) برای زنان وقت معینی را تعیین کرده بودند که در آن ساعت زنان برای تعلیم و آموختن حاضر می‌شدند، همسران مطهر آن حضرت و بخصوص عایشه‌ی صدیقه به منزله‌ی معلمانی بودند که نه تنها زنان بلکه مردان نیز از آنان مسائل دینی را می‌آموختند و بزرگان صحابه و تابعین از آن‌ها تفسیر، حدیث و فقه یاد می‌گرفتند، این تعلیم تنها به زنان آزاد و اشراف منحصر نبود بلکه پیامبر اکرم ع امر می‌کرد تا کنیزان را هم تعلیم دهند، چنانچه در حدیث شریف آمده است: {أَيُّمَا رَجُلٍ كَانَتْ عِنْدَهُ وَلِيدَه فَعَلَّمَهَا فَأَحْسَنَ تَعْلِيمَهَا، وَأَدَّبَهَا فَأَحْسَنَ تَأْدِيبَهَا، ثُمَّ أَعْتَقَهَا وَتَزَوَّجَهَا فَلَهُ أَجْرَانِ}[4]. یعنی: (اگر کسی کنیزی داشته باشد و تعلیم و تربیت او را به خوبی

[1]- عمدة القاری به شرح صحیح البخاری، امام عینی، ج ۲، ص ۱۳۴-۱۳۳.

[2]- صحیح البخاری به شرح العسقلانی، ج ۱، ص ۱۹۲.

[3]- صحیح‌البخاری به شرح العینی، ج ۲، ص ۱۲۴-۱۲۳.

۴- صحیح بخاری، کتاب نکاح.

انجام دهد و به بهترین علوم و آداب او را آراسته کند، سپس او را آزاد ساخته و با وی ازدواج کند خداوند به او دو پاداش می‌دهد).

امام بخاری از مالک بن حویرث روایت کرده که پیامبر به ما فرمود: {ارجعوا إلى أهليكم فعلموهم}.[5] یعنیبه خانه برگردید و آنچه آموخته‌اید به خانواده‌تان نیز بیاموزید.

تعلیم و تربیه برای دختران افغانستان امروز

تحریم تعلیم و تربیه دختران در اثر جنگهای داخلی بیشتر مکاتب نسوان شهر ها را متأثر ساخته بود. در مناطق روستایی که در آن اکثریت جمعیت افغانستان زندگی می کنند، این حکم قابل اجرا نبود و تعداد زیادی از مکاتب کوچک برای دختران ظاهر شد، که اغلب با حمایت مالی از جامعه محلی است. با این حال، کل میزان ثبت نام دختران در کشور در طول سال ۱۹۹۰م به عنوان یک نتیجه از تعطیلی مکاتب شهر برای دختران کاهش یافته است. علل دیگری نیز به خاطر پایین بودن تعداد دختران در میان افغان های عادی به این نوع تعلیم و تربیه، و دست کم، به علت وضعیت امنیتی و نگرانی والدین از امنیت برای دختران وجود دارد.

وقتیکه از بعضی والدین پرسیده میشد که چرا دختران شان را به مکتب رفتن اجازه نمیدهند، تعداد از آنها میگفتند «زیرا این درست نیست، فعلا شرایط مساعد نیست. این روا ج ما نیست. آنها باید در خانه باشند تا برای زنده گی واقعی خود آماده گی بگیرند، که عبارت در زنده گی مشترک ازدواجی شان است» البته دلایل دیگری نیز در خانه و مکتب وجود دارد. شاید راه مکتب برای اطفال مخصوصاً برای دختران خطر ناک باشد. شاید طرز برخورد دختر در مکتب مشکل ایجاد کند و او را مایوس سازد. شاید این امر شامل سوء طرز برخورد توسط معلم و بچه ها باشد که در اطراف مکتب به آن بر میخورد. شاید استادان طبقه اناث در صنف شان نباشند. اغلب خانه به او نیاز دارد تا با کودکان دیگر و کارهای روزمره خانه کمک کند. تعلیم و تربیه و حضور در مکتب به خاطر اولویت دیگر خواست ها کنار گذاشته شده است.

تعصب جنسی و مشکلات از لحاظ اجتماعی و فرهنگی ایجاد شده است. آنها با جنس طفل از قبل تعین نشده اند مگر بیشتر با شیوه یی که جامعه قوانین مناسب (جنس) را باز رسی میکند تعین گردیده اند. این است که ما چرا اصطلاح جندر «جنسیت» را نسبت به جنس وقتیکه در باره اختلافات توقعات اجتماعی در مقایسه دختران با بچه صحبت میکنیم بیشتر استفاده میکنیم. شیوه های فرهنگی و اجتماعی کودکان را در مکاتب تحت تاثیر قرار می دهد، مخصوصاً طریقه ی که آنها به همتای جنس مخالف خود می بینند. عقاید فرهنگی و ساختار های اجتماعی اینکه چطور اطفال ارتقاء کردند و چطور آنها میان نقش ها و مسؤولیت هایی که به مرد ها در مقابل آنهایی که به زنان اختصاص داده شده تمایز میگذارند بسیار نقش ها را بازی میکند.

مطالعات تحقیقی نشان می دهد که مسائلی که بر آموزش دختران تأثیر میگذارد، شامل تبعیض علیه دختران در صنف های درسی، تعامل بین پسران و دختران، تاثیر جنسیت بالای تعلیم و تربیه و نصاب تعلیمی پنهان میباشد.

اجتماعی شدن جنسیت در مکاتب این اطمینان را میدهد که دختران آگاه باشند که آنها با بچه ها برابر نیستند. شاگردان هر وقت به اساس جنسیت در چوکی می نشینند یا قطار میشوند، استادان تاکید میکنند که باید با بچه ها و دختر ها به طور متفاوت رفتار شود. وقتیکه عادات سوء برای بچه ها نسبت به دختران جایز شمرده شود مکاتب نگرانی زنان را تداوم می بخشد. عادت حاضر جوابی یا با جرأتی دختران اکثراً منحیث یک مزاحم نگریسته میشود و شاید

---

[5]– صحیح‌البخاری به شرح العینی، ج ۲، ص ۹۹.

توسط بزرگسالان بسیار منفی نگریسته شود. بعضی شواهد موجود است که دختران نسبت به پسران از نظر تحصیلی بسیار مؤفق هستند.

استادان دختر ها را برای یک آرمان زنانه اجتماعی میسازند. دختر ها با آرام بودن و خاموش بودن تحسین میشوند، در حالیکه بچه ها تشویق میشوند که مستقلانه فکر کنند، فعال باشند و حرف بزنند.

اگر محیط مکتب خوب نباشد، دور و نا پاک باشد و تشناب نداشته باشد اینجاست که دختر از مکتب منصرف میشود و پس به خانه میرود. اگر استاد خوب و مسلکی نباشد در اخیر سال دختر ها بدون شک ناکام میشوند. بعد از دو یا سه مرتبه ناکامی دخترها تماماً از مکتب منصرف میشوند.

«بعضی از جوامع و مکاتب با فراهم ساختن زمینه تعلیمی به طور غیر عادلانه در برابر زنان تبعیض میکنند و کسب احترام خودی دختر ها نسبت به بچه ها بسیار مشکل است. اجتماعی سازی جنسیت در مکاتب اطمینان میدهد که دختر آگاه ساخته شده اند که آنها با بچه ها مساوی نیستند. وقتیکه عادات متفاوت برای بچه ها نسبت به دختر ها جایز شمرده شد، زیرا «بچه ها بچه ها هستند» مکاتب نگرانی زنان را تداوم می بخشند. هر بررسی صنفی نشان میدهد که دختر ها و بچه ها تعقیب میکنند که اجتماعی باشند و در برابر تساوی جنسیت کار کنند. استادان دختر ها را برای یک آرمان زنانه اجتماعی میسازند. دختر ها با پاکیزه بودن، آرام بودن و خاموش بودن تحسین میشوند، در حالیکه بچه ها تشویق میشوند که مستقلانه فکر کنند، فعال باشند و حرف بزنند».

وقتیکه به بچه ها با گفتن اینکه مانند دختر ها اشیا را پرتاب می کنند یا مانند دختران گریه می کنند طعنه داده شوند این دلالت بر آن میکند که دختر بودن نسبت به بچه بودن بد تر است. پیام واضح برای بچه ها و دختر ها آنست که دختر ها قابل احترام نیستند و عادات مناسب برای بچه ها شامل اعمال قدرت بالای دختران و دیگر بچه های ضعیف تر میباشد.

دختر ها این را می آموزند که باید آنها در بسیاری راه ها از بچه ها متفاوت باشند؛ مانند: کمتر مؤفق بودن نسبت به بچه در مضامین مشخص، کسب نمره پایین تر نسبت به بچه ها در مکتب و در بسیاری حالات. اگر دختر ها به دوره متوسطه دسترسی پیدا کنند یا به تحصیلات عالی شامل شوند، هر چند که آنها مؤفق و درس خوان بودند، طوری وانمود خواهند شد که نسبت به بچه در صنف و در زنده گی شخصی کمتر لایق هستند.

موجودیت تبعیض جنسیت در تعلیم و تربیه منحصر به پروسه پرورش و اجتماعی بودن نبوده اگثر اوقات تبعیض در کتاب ها، دروس وهدایات استادان با شاگردان جا داده شده است. این نوع تبعیض بخشی از نصاب تعلیمی پنهان دروس است که به طور ضمنی هر روز در صنف برای شان تدریس میشود.
تبعیض جنسیت به طور ضمنی در لابلای منابعی که برای استفاده در صنف انتخاب شده تدریس میشود. استفاده کتب درسی که اشتراک زنان را حذف میکنند، تجارب زنان را دست کم می گیرند و یا به شکل سمبولیک جلوه می دهند یا نقش های کلیشه یی و روایتی جنسیت را بیشتر ترویج می دهند مثال های اند که تبعیض جنسیت را در نصاب تعلیمی مکتب عمیق تر میسازد.

تأثیر نصاب تعلیمی پنهان بالای دختران

تدریس غیر رسمی، پلان نشده و به طور نا آگاهانه فراگرفتن محتویات مکتب توسط شاگردان اغلب نصاب تعلیمی پنهان نامیده میشود. نصاب تعلیمی پنهان شامل سلوک و نظریات میشود که توسط استادان، شاگردان و همه مکتب (پیام های پنهان و نهفته) تداوم بخشیده شده است.



نصاب تعلیمی پنهان شاید این طور هم تعریف شده باشد «مجموعه پیام های انتقال داده شده برای جوانان در باره حالت و موقف اجتماعی افراد و گروپ اجتماعی». تحقیق نشان میدهد که طرز تلقی یا عادت استادان درداخل صنف یک مثال نصاب تعلیمی پنهان است. بعضا استادان گرایش دارند که بچه ها را به طریقه بهتر و مکرر نسبت به دختر ها توصیف کنند وقتیکه آنها به یک سوال جواب میدهند. همچنان بچه ها نسبت به دختر ها بازدهی و پاداش بیشتر از استاد دریافت میکنند، خواه استاد زن باشد یا مرد. البته، تنها در صنوفی که دختر ها بدون بچه ها میباشند این اختلافات به وقوع نمی پیوندد. لیکن برخورد و توقعات استادان برای دختران حتی در صنوف که دختران تنها درس می خوانند نیز آنقدر تشویق کننده نمی باشد.

در صنوف مختلط بعضاً شاگردان ذکور به محاوره صنف مسلط میشوند. آنها بسیار سوال میکننڈو بسیاری سوالات را جواب میدهند. آنها برای کیفیت معنوی نظریات شان بسیار تحسین میشوند... وقتیکه متردد میشوند از طرف استادان کمک میشوند.

نصاب تعلیمی پنهان میتواند برای دختران به طور مساوی و حتی بیشتر زیان آور باشد. اکثراً دختر ها از برادر های شان یا دیگر مرد ها در خانواده می آموزند که دست آورد های مکتب یک منبع افتخار شخصی یا خانواده نیست. آنها اکثراً توسط استادان شان خواه مرد باشد یا زن برخورد و تشویق خوب نمیشوند که در مکتب کامیاب شوند. اکثر اوقات دختران مانند پسران به طور مکرر از طرف استادان شان تهدید فزیکی و روانی میشوند. بخشی از نصاب تعلیم پنهان برای دختران آنست که از آنها توقع نمیشود تا مثل برادر خود بیاموزند. از آنها خواسته نمیشود تا در مفاهیم ساینس و مهارت های ریاضی ماهر شوند. به آنها اجازه داده نمیشود تا صدای خود را بلند کنند و خود شان بیان کنند یا یک سوال را بپرسند و جواب دهند. اکثراً خاموش بودن برای دختران در مکتب و در فامیل ها مثبت پنداشته میشود یعنی دختریکه خاموش باشد او یک شخصیت خوب معرفی میشود.

اگر یک دختر کاملاً خوش چانس باشد که تعلیم و تربیه خود را تا دوره متوسطه یا (انشاءالله) پوهنتون ادامه دهد، او در هر قدم تعلیم خود به نصاب تعلیمی پنهان مواجه میشود. حالا این شگفت انگیز است که تعدادی کمی از زنان میتوانند در سالهای تعلیمات اساسی شان و یا فراتر از آن در برابر فشار های مکتب استقامت کنند. این یک شگفتی است که خیلی ها دارند.

نصاب تعلیمی پنهان استادان، دسترسی تحصیلی دختران، تبعیض جنسیت در صنف درسی و برابری جنسیت در مکتب های مختلف موجود است، خواه مکتب عامه باشد یا شخصی. مدارس اسلامی نیز ازین موضوعات متأثر شده است.

جنبه های دیگر نصاب تعلیمی پنهان بعضی تصورات و فرضیه های از قبل وضع شده است که در تمام فرهنگ (و در سراسر جهان) نگهداشته شده است. به طور مثال: تصوری که مردان در ریاضی، ساینس و تکنالوژی عالی هستند و زنان در هنر و ادبیات عالی هستند. این دو جنبه و تأثیرات فرهنگی از جمله عقاید زیادی هستند که بوسیله نسل های والدین و استادان ثبت شده است... تحرک و تاثیر این تصورات بسیار پرقدرت است، زیرا بزرگان شاید ندانند که آنها این عقاید را دارند و به آن به شکل غیر شعوری عمل میکنند. پیام های مبهم و غیر قصدی میتواند یک اندیشه را در میان دختر ها و بچه ها ایجاد کند که رشته های و ساحات علمی موجود است که آنها نمیتوانند به خاطر جنس شان در آن کامیاب شوند . اطفال این سلوک را در تعاملات با همبازی هایشان منعکس ساخته و تقویت میکنند.

بسیاری از دختران کامیابی شان را به چانس و طالع که ناپایدار است وابسته میدانند در حالیکه بسیاری از بچه ها کامیابی خود را در توانایی خود که قابل اعتماد است نسبت میدهند. این کمک میکند که اعتماد به نفس پایین را با وجود توانایی عالی تر بسیاری از دختران در مکتب بیان کند.

تأثیر استادان بالای تعلیم و تربیه دختران

تعلیم و تربیه استاد، یک قدم مهم منطقی و ضروری برای امتحان موضوعات کلیدی است که بالای شاگردان تأثیر میگذارد تا کمتر به جنسیت توجه کنند. به طور مثال: کتاب های درسی تربیه معلم کمتر جا ها را به مسایل جنسیت اختصاص میدهد و در حقیقت موضوع کلیشه ای و رفتار نادرست را میدهد.

تعلیم و تربیه چندین فرهنگی یک بخش پر رونق ملی تربیه معلم شده است. با این همه تساوی جنسیت در اولین مرحله بر رسی قرار دارد. به طور دلخواه توجه به موضوعات جنسیت باید در تربیه معلم های داخل خدمت و قبل از خدمت در کنار دیگر دسپلین های شان گنجانیده شود. زیرا آن اکثراً برای همچو دلایل مثل نبود استادان مسلکی یا علاقه مندی در این زمینه، محدودیت های وقت، و نظریات که این موضوعات برای مدت طولانی موجود نخواهد بود، توجه جداگانه به وسیله کورس های انفرادی یا مثل مواد مورد تدریس متفاوت که شاید در کورس های مختلف تضمین شده باشد به وقوع نخواهد پیوست.

استادانیکه در برنامه های ترینینگ که از نگاه جندر حساس نیستند آموزش دیده اند به شکل روایتی رفتار می کنند و نقش های تبعیضی جندر را استحکام می بخشند. در حالیکه در جهان اسلامی تدریس به حیث یک و ظیفه بسیار مشهور است، این حالت در تمام جهان است، لیکن به معلمین معاش کافی داده نمیشود و ندرتاً ترینینگ کافی را در یافت میکنند. همچنان بسیاری استادان از میتود های کهنه استفاده میکنند.

میتود های صنفی

تدریس مستقیم (استاد صحبت میکند در حالیکه شاگردان گوش میدهند) میتود مسلط صنفی است و اکثراً منحیث اصطلاح احترام برای استاد به حساب میرود.

احترام برای استادان در مکاتب افغانستان معمول است و استاد (ملا امام در مکاتب سابق و اغلب امروزی) معمولاً به خاطر علم و دانش شان بسیار احترام میشود. همچنان در اسلام، کودکان نیز محترم شمرده میشوند. مهربان و شایسته بودن به کودکان به عنوان یک وظیفه اسلامی در نظر گرفته شده است.

متاسفانه درصنف های درسی تعداد بسیار زیادی از این اصول اسلامی توسط معلمان به اشتباه یا نادیده گرفته میشوند، و آنها را مورد ضرب و شتم با چوب، گوشمالی، و در غیر این صورت از نظر جسمی آنها را مجازات میکنند. حتی بیشتر معلمان از تحقیر، انتقاد، خشونت در رفتار و تصحیح اشتباهات یا سوء رفتار کودکان استفاده میکنند. اگر چه پسران نسبت به دختران بیشتر احتمال دارد از نظر جسمی مجازات شوند، دختران از این بدرفتاری فرار نمیکنند و ممکن است به خاطر تخلف جزئی از قوانین با یک خط کش زده شوند.

بهترین روش های توصیه شده برای دستیابی به برابری جنسیت در صنف درسی افغانستان

شیوه های تعصب جنسیت به سه بخش زیر تقسیم می شوند:

۱. تعامل استاد و شاگرد
۲. پلان درسی و مدیریت صنف
۳. نصاب تعلیمی

تعامل استاد و شاگرد

- به دختران به همان مراتب نوبت بدهید که به پسران میدهید، و مطمئن باشید از دختران بعضی سوالات را به سطح بالاتر شناختی/ ذهنی بپرسید. تحقیق نشان میدهد که استادان مرد و زن هر دو بیشتر جر وبحث را با بچه ها به سطوح عالی فکری / ذهنی آغاز میکنند.
- از شاگردان ذکور و اناث توقعات عالی داشته باشید. دختران تشویق کنید و انمود نکنید که آنها در آموزش ضعیف اند.
- با تهیه نمودن تجارب آموزش عملی دختران را تشویق کنید که یادگیرنده فعال باشند.
- در گفتمان صنف کلمات بدون تفکیک جنسیت را استفاده کنید.
- از بازدهی دقیق و با کیفیت به دختران و نیز پسران فقط با پاسخ – «خوب» یا نه استفاده نکنید.
- با شاگردان تماس چشم داشته باشید و همه شان را با نام صدا کنید.
- زمان کافی انتظار را فراهم کنید، شاید ۳ یا ۵ ثانیه، قبل از فراخوانی یک دانش آموز به پاسخ به سوال. برای زنان اغلب صبر میکنند تا آنها قبل از اینکه دست خود را بلند کنند به طرح جواب می پردازند، پسران اغلب بلافاصله دست خود را بلند میکنند و پس از آن به طرح جواب می اندیشند.
- وقتیکه دختران سوال میکنند یا جواب میدهند حرف های آنها را قطع نکنید و به دیگران هم این اجازه را ندهید.
- خودداری از سپردن کارهای «صنف» بر اساس نقش های جنسیت عنعنوی. از پسران تنها برای کمک به حمل جعبه و از دختران به پاک کردن قفسه ها نپردازند.
- یک نمونه بدون تعصب در تمام مکتب باشید نه تنها در صنف خود.

پلان درسی و مدیریت صنف

- ذهناً اتاق خود را به چهار بخش تقسیم نمایید. اگر دانش آموزان در تمام چهاربخش در درس شرکت نمی کنند، می توان گفت، «بیایید از کسی که در گوشه سمت راست عقب نشسته است بشنویم.»
- فعالیت های رقابتی و تعاونی را برابر بسازید. تحقیق نشان میدهد که بسیار از دختران در حالات تعاونی به آسانی یاد میگیرند.
- برای سهم گیری شاگردان قوانین را وضع بکنید و وظایف را در هر گروپ به نوبت انجام دهید.
- یک مقدار مساوی کمک و بازدهی را برای دختران بدهید. بچه ها معمولاً بسیار کمک و تحسین را دریافت میکنند که خود باوری را میسازد.
- از شاگردان بخواهید تا بالای مفاهیم شفاهی بحث کنند. این برای شاگردان کمک میکند که لغت نامه مضمون را بیاموزند.
- تمام شاگردان را تشویق کنید تا کورس ها اضافی ساینس و ریاضی بگیرند. تشویق بزرگسالان تثبیت میکند که عامل قوی در پروسه تصمیم گیری شاگردان باشد.
- دختران را تشویق کنید تا در فعالیت های ریاضی و ساینس بیرون از بر نامه مکتب سهم بگیرند. بعضی مکاتب کورس های دختران را تنظیم کرده اند، جاییکه شاگردان اناث با مشاوران خود در رشته های ریاضی، ساینس، تکنالوژی و انجینری مراورده کرده میتوانند.
- کورس تکنالوژی دختران را تمویل کنید. فعالیت هایی را پلان کنید که در زنده گی واقعی تکنالوژی کار برد دارد. (برای ریاضی و ساینس یکسان پلان گذاری کنید).



- فرصت ها را برای شاگردان اناث فراهم کنید تا دروس، معلم خصوصی جوانتر یا حتی والدین را در ریاضی، ساینس و تکنالوژی تدریس کند. منحیث یک استاد شما به اثبات خواهید رساند که دختران واقعاً مضمون و فرصت را میدانند که همچو پرورش دادن خود باوری را بیان کنند.
- بالای امنیت و مصئونیت به عوض خطر تاکید کنید. بعضی اوقات دختر ها در سهم گرفتن فعالیت ها بی میلی خواهند کرد اگر آنها بسیار خطرناک به نظر بخورند.
- پا فشاری کنید تا همه دختران و همچنان بچه ها وسایل تکنالوژی را استفاده و تنظیم کرده بتوانند.
- عادات نا مناسب را با روش زیبا و احترام آمیز بدون در نظرداشت جنسیت، نژاد، قومیت یا طبقه اقتصاد اجتماعی شاگردان مخاطب قرار دهید.
- از کمپیوتر لابراتوار را استفاده کنید. دوباره قابل ذکر است که بسیاری دختران در گروپ های تعاونی و تیم بهتر کار میکنند.
- دروس را با یک نظر اجمالی معرفی کنید. زنان نسبت به جزئیات ناپیوسته از تصاویر بزرگ بسیار به آسانی یاد میگیرند.
- مودل های نقش اناث را فراهم کنید. تحقیقات نشان می دهد که دختران نیاز به دیدن زن در حرفه ای خاص و یا انتخابهای شغلی به منظور مجسم ساختن خود در نقش های یکسان و یا مشابه دارند، در حالی که بچه ها فقط نیاز دارند فقط در مورد نقش های خاص بشنوند تا خود را در نقش های مشابه تصور کنند.
- تجارب آموزش را برای دختران فراهم بسازید تا مهارت ها بشکل مکانی قابل تجسم را رشد دهند.
- نوشتن را استفاده کنید تا شاگردان را کمک کند که احساسات و افکار شان را واضح و بیان نمایند (زندگینامه نگاری، ساینس و ژورنال ها).
- یک محیط جذاب صنفی را ایجاد کنید. تحقیق نشان میدهد که دختران در یک محیط هنری مطبوع خوبتر می آموزند.
- دانش آموزان را با انواع سبک های یادگیری، تجدید نظر، تشویق دانش آموزان برای حل مشکلات با استفاده از روش های گوناگونی متوصل بسازید.

محتوای نصاب تعلیمی

- زبان فراگیر جنسیت را استفاده کنید.
- از گفتار عمومی که زن ها را در نقش های مشخص، کلیشه سازی میکنند اجتناب کنید.
- یک روش که «میتواند انجام دهد» را تشویق کنید؛ شاگردان را تدریس کنید تا خود را اعتماد بدهند. زنان تمایل دارند تا دست آورد های خود را به چانس ربط دهند نسبت به توانایی شان.
- مواد های برنامه تحصیلی از لحاظ تبعیض تحلیل کنید و در صورت ضرورت از آن حمایت کنید.
- در تدریس مفاهیم ساینس و ریاضی اسباب بازی را استفاده کنید. نقلاً، بازیچه ها که آموزش مفاهیم ریاضی و ساینس را بهتر میسازد به طور ویژه مثل «بازیچه های بچه ها» فروخته میشد.
- یک ساحه را در یک کنار صنف تنظیم کنید که منحیث یک مرکزمنبع به کار برده شود و شامل مواد در فرصت های حرفه در ریاضی، ساینس، تکنالوژی و انجینری شود.
- منابع صنف را متنوع بسازید که زنان و نژاد های مختلف را شامل شود.
- روز زن را با قصه های در مورد دست آورد های زنان افغانستان تجلیل کنید.

- مقالات زنده گینامه را برای شاگردان تعیین بکنید. بالای مخترعان زن و مرد و زنان در دیگر ساحات ریاضی، ساینس و تکنالوژی تمرکز کنید.
- شرکت زنان و مردان را در ریاضی و ساینس از طریق پوستر ها، راپور ها، مثال ها، مشکلات قصه و غیره اعتراف کنید.
- نماینده حوادث فعلی زنان ودیگر اقلیت ها را با نگرانی های مختلف اجتماعی، قانونی و اقتصادی تامین بکنید.
- سخنرانان پر تلاش هر دو جنسیت را دعوت کنید تا به شاگردان سخنرانی کنند.
- نظریات شاگردان را در لکچر ها منعکس سازید. این شیوه درک مفاهیم شاگردان را معتبر میسازد.
- زنان را کمک کنید تا به خود ارزش قایل شوند. اغلب دختران یک کاهش شدید اعتماد به نفس را در طول سالهای دوره متوسطه تجربه می کنند. معلمان زن باید عزت نفس سالم را داشته تا به دیگران به شکل الگو باشند. و معلمان مرد باید احترام شاگردان اناث و همکاران زن را داشته باشند .

نتیـجه گیری

استادان زن و مرد هر دو در افغانستان میتوانند از نیاز مبرم تعلیم دادن دختران برای آینده ملت آگاه شوند. این به این معنا نیست که ما باید راضی به آموزش دختران صرف در سطح سواد باشیم که انها را به خواندن، نوشتن قادر میسازد. این به این معناست که بچه و دختر ها در نزد الله«ج» یکسان است. دختران از پسران از لحاظ جسم فزیکی متفاوت اند مگر ذکاوت و تحرک شان در آموزش با بچه ها مساوی است. استادان با صلاحیت و شایسته باند بدانند که اختلافات جنسیت وسیعاً از لحاظ تاریخی توسط جوامع سنتی، رسوم، اوضاع جغرافیایی و نیاز های انسان ساخته شده است. نقش عمومی زنان تقریباً در همه جوامع از مردان متفاوت است. بیشتر بالای سهم شخصی زنان در خانواده تمرکز شده است. زنان و دختران در طی قرن ها آرزو داشتند که مانند مردان مواقع آموزشی داشته باشند. و اکثراً چیزیکه به پسران تدریس میشد آنها به طور مخفی می آموختند. طوریکه مکتب برای نفوس بچه بیشتر توسعه یافت، و تعلیم و تربیه برای شهروندان معمولی فراهم شد. طرفداران برای تعلیم وتربیه مساوی زنان و دختران در کوشش های شان مؤفق شدند تا تعلیم و تربیه برای همه را ارتقاء دهند. نه تنها برای همه مرد ها و بچه ها. با وجود پیشرفت های بزرگ، موانع همچنان وجود دارد تا از تحقق کامل حق تحصیل برای همه جلوگیری کند. حتی زمانی که دختران به طور کامل در مدارس ثبت نام کردند، تعصب پنهان در شکل اعتقادات گاهی اوقات ناخودآگاه وجود دارد که آنها مثل بچه ها قادر به یادگیری مضامین مشکل نیستند. همچنان رویه استادان، دیگر شاگردان، والدین و خانواده شاید دلالت بر این کند که دختران مثل بچه ها در اهداف شان بلند همت نیستند. حتی در بهترین مکاتب در صورتی که صنف آموزشی مختلط است، دختران اغلب نادیده گرفته میشوند طوریکه معلم به پسران که جواب میدهند کمک میکند یا امتیازات ویژه می دهد. دختران یاد میگیرند که فکر کنند از بچه ها پایین تر هستند، که این کار منجر به کلیشه های قدیمی حقارت زن میشود.

بنابراین، تعلیم و تربیت جدید برای معلمان باید شامل استراتیژی های باشد که در صنف های درسی آموزش کامل دختران را حمایت کند. توقعات معلمان از دست آورد های دختران همانگونه باشد که از بچه ها توقع میرود. دختران از مضامین مشکل نباید معاف شوند و ذهنیت های چون «برای یک دختر بسیار مشکل است» یا «برای یک دختر ضرور نیست» برای دختران زیان آور تمام می شود.

این همچنان مسؤولیت استاد آگاه، شاگردان دیگر و جوانان افغان خواهد بود تا دختران را در شمولیت مکتب شان کمک کنند، پا فشاری کنند که حضور شان قانونی است و ایشان را تشویق کنند که تحصیل شان را حد اقل تا دوره

متوسطه و یا بالا تر از آن ادامه دهند. استادان در جامعه با خانواده ها کار خواهند کرد تا ایشان را کمک کنند که اهمیت تعلیم دختران شان ببینند. استادان خواهند کار نمود تا اطمینان حاصل کنند که شرایط برای دختران از لحاظ فزیکی، ذهنی و اجتماعی امن است. این موضوعات فکر دقیق، بحث و آماده گی در هر جای مکتب را تقاضا میکند.

برای مطالعه موضوع بعدی انکشاف نصاب تعلیمی و پلان درسی خواهد بود. ما به پرسش فلسفه اولیه در مورد آنچه که باید شاگرد چه را مطالعه کند بر میگردیم. کدام موضوع به کدام هدف باید شامل نصاب گردد؟ ما همچنان به پالیسی سوالات که کی باید محتویات نصاب تعلیمی را مشخص کند به اولویت ها در نصاب تعلیمی نگاه خواهیم کرد. یک استاد چقدر انعطاف پذیری در تنظیم نصاب تعلیمی و محتویات مواد مورد تدریس به واقعیت های وقت صنف درسی، توانایی ها و علایق شاگردان و اوضاع فعلی یا دانش جدید داشته باشد؟ معلم خواننده و معلم در تریننگ نظریات اضافی در مورد انکشاف نصاب تعلیمی و اصلاح آن خواهد داشت.

فصل دهم

تهیه ساختن نصاب تعلیمی و تطبیق استراتیژی ها در صنف برای معلمان

مقـــدمه:

اصطلاح نصاب تعلیمی در راه های مختلف توسط والدین، آموزگاران، و کسبه کاران استفاده میشود. بعضی ها نصاب تعلیمی را مثل پروگرام اکادمیک میدانند که از نیازمندی معلمان به منظور تطبیق آن در صنوف مکاتب است. بعضی ها فکر میکنند که سلسله از مضامین تحریر شده برای دوره ها و موضوعاتیکه تصویر کلی را از صنوف ابتدایه تا به مکاتب متوسطه باید آموخته شود دربر دارد. دیگران به این باور اند که هدایات معلم و فعالیت های شاگردان که از تعداد ناشران نصاب تعلیمی بدست آمده است میباشد. معلمان خودشان اصطلاح نصاب تعلیمی را در راه های مختلف مطابق به افکار و نیازمندی های شان استفاده مینمایند. در بحث با معلمان بعضی جملات ذیل را خواهیم شنید.

وقت کافی در یک روز نیست تا تمام نصاب تعلیمی را تطبیق کرد.

نصاب تعلیمی مضمون خوانش عالی است، مگر از نصاب تعلیمی مضمون ریاضی نفرت دارم.

من روز دیگر صفحه انترنتی خوبی نصاب تعلیمی را دریافتم که تمام نظریات برای دروس ساینس را دارا میباشد.

از زمانیکه من نصاب تعلیمی را برای نیل به نیازمندی های اطفال تشریح نموده ام آنها واقعاً رشد میکنند.

فرهنگ لغات ویبستر نصاب تعلیمی را بطور مختصر چنین تعریف نموده است، «یک دوره تعلیمی که توسط یک مکتب پیشنهاد شده باشد» نصاب تعلیمی همچنان به مطالب آموزشی، فعالیت ها، و ساختار های که توسط شاگردان تجربه شده باشد ارتباط میگیرد. نصاب تعلیمی یک مکتب شامل مطالب رسمی و غیر رسمی بوده و طور تهیه شده است که بواسطه آن آموزگاران دانش و فهم کسب مینمایند، مهارت های خودرا توسعه میدهند، و روش ها، درک، و ارزش های خودرا را تحت رهنمایی همان مکتب بهتر میسازند.

این آخرین تعریف است که شاید برای آموزگاران و کسانیکه آرزو دارند آموزش شاگردان را بهترو مؤثرتر بسازند، بسیار مفید است. این بخاطری که ابهام را که بسیاری از تعریف ها دارند از بین میبرد، و خاصتاً بخاطراینکه نصاب تعلیمی فایده های دارد که قابل سنجش است، اجازه میدهد تا نصاب تعلیمی تهیه و عملی گردد. این تعریف میتواند شامل کتب درسی، رهنمای معلمان، فعالیت های صنفی، سلوک و رفتار معلمان، و تمام شرایط مکتب باشد.

رابطه بین نصاب تعلیمی و رهنمود

این معلوم است که رهنمود به شاگردان ارتباط میگیرد، در نصاب تعلیمی باید یک منبع و رهنما برای رهنمود باشد. رهنمود پیدایش و تطبیق هدف مند پلان ها برای تدریس مطالب نصاب تعلیمی است. به همین منظور است که معلمان معمولاً بطور مختصر به پلان و تدریس رجوع میکنند. نصاب تعلیمی از مطالب است که چطور در تمام دوره آموزش تدریس شود. رهنمود پلان مفصل، و طریقه هایکه همان پلان ها به منظور تدریس مطالب نصاب تعلیمی است. این واضح است که هردو به منظور توسعه آموزش شاگردان باید سازگار باشند.

اساسات برای پلان نصاب تعلیمی

نصاب تعلیمی ملی توسط یک گروپ متخصصین که تاریخ، عقاید، ارزشها و دیدگاهای ملت را در نظر گرفته و از جانب دولت گماشته شده باشند تهیه خواهد شد. علاقمندی خاص این گروپ در تهیه نصاب تعلیمی رول مهم را دارد. به طور

مثال در افغانستان شامل نمودن مضامین اسلامی در کل نصاب تعلیمی بسیار مهم است. در بسیاری کشور های غیر اسلامی جاییکه تفاوت های مذهبی بیشتر است، تصمیم دولت های شان در این است که آزادی مذاهب را حفظ نموده و به مکاتب و معلمان اجازه نمیدهند تا از یک مذهب خاصی حمایت کنند. این به آن معنا نیست که ارزش های مذهبی را از نصاب تعلیمی خارج نمایند. علاقمندی دیگر گروپ ها بالای تصامیم تهیه نصاب تعلیمی مکاتب تاثیر خودرا خواهد داشت. به طور مثال بعضی اوقات دولت تقاضای بهبود نصاب تعلیمی را خواهد کرد که شامل تجدید نصاب تعلیمی و باز نگری کتب درسی به خواست دولت باشد. تجدید کتب درسی تاریخ غیرمعمول نیست. معمولاً مضامین بخث بر انگیز بخاطر فشار های فامیلی از نصاب تعلیمی خارج میشود، حتی دانش شاگردان در همان مضامین برای شاگردان و فامیل شان سودمند است. مثال، این موضوعات که در نصاب تعلیمی در رابطه به موضوعات صحت مثل اچ. آی. وی و ایدز است، موضوعات روابط جنسی و تعلیمات قوه توالد بوده و همچنان موضوعات خاصی دیگری را که در نصاب تعلیمی افغانستان تحریم شده است.

موضوع در این جاست که نصاب تعلیمی معیاری وجود ندارد که قابل قبول هر جامعه باشد. «عین اندازه مناسب تمام مردم دیگر نیست.» تهیه نصاب تعلیمی یک پروسه در حال تغیر است. این چنان پروسه نیست که توسط معلمان کنترول شود ویا حتی برای افراد تحصیل یافته که کتب درسی را مینویسند محدود باشد، بلکه توسط مردم، فرهنگ و همچنان سیاست تاثیر گذار است. نصاب تعلیمی به سوالات فصل های پیش «ما از اطفال و جوانان خود چه میخواهیم؟ آنها چه را به کدام هدف میخوانند؟» ارتباط دارد.

توجه فعلی دولت ها این است تا معیار های قابلیت را که از هر لحاظ در تربیت شاگردان به اشکال مختلف آزمایش شده اند ایجاد نمایند. امتحان به هدف آن است که آیا نصاب تعلیمی تایید شده به شاگردان تدریس شده است و آنرا میاموزند. این امتحانات به دلیل آنست که مکاتب و شاگردان جوابگوی برای عملکرد شان در امتحانات باشند. حساب این امتحانات برای والدین دلچسپ است تا بدانند که چطور اطفال شان رقابت به سطح منطقه، ملی و بین المللی انجام میدهند. نمرات امتحان مکرراً به رسانه های محلی راپور داده میشود و این ممکن فشاری بالای جمعیت محلی باشد تا نصاب تعلیمی شانرا تهیه نمایند. هرچند نمرات امتحان به ذات خود شاگردان را کمک نمی نماید تا بیاموزند زیرا معلمان کسانی اند که برای آموزش صنف مسؤل هستند. معلمان طور تدریس نه نمایند «در امتحان» که بیشتر شاگردان را برای دریافت جوابات درست رهنمایی نمایند. بلکه معلمان شاگردان را اساس تعلیمی بشکل جامع و مهم، یعنی از چیز های که به شکل نمونه در امتحان ملی می باشد تدریس نمایند. امتحانات نصاب تعلیمی نیست. نصاب تعلیمی نسبت به یک امتحان بیشتر جامع و کامل است. بگذارید که حال درمورد امتحان صحبت نه نماییم و به آن بعداً مراجعه نماییم. در حال حاضر ما باید به معیار برای تهیه نصاب تعلیمی، پلان گذاری، و اهمیت فهم معلمان در مورد آن که چطور نصاب تعلیمی تهیه شود فکر نماییم.

اصول و معیار برای پلان، انکشاف، تهیه و تطبیق نصاب تعلیمی

ده اصل ذیل را که میتواند رهنما برای تصمیم گیری در عرصه پلانگذاری و ارزیابی نصاب تعلیمی باشد، ملاحظه نمایید. این اصول شامل پروسه تهیه نصاب تعلیمی معیاری با کیفیت، مراحل پلانگذاری، تهیه و تطبیق نصاب تعلیمی می باشد.

تصامیم نصاب تعلیمی باید به طور ذیل ملاحظه شود.

۱. دلایل معتبر تعلیمی که مطابق به نیازمندی ها و آرزو های افغانستان باشد.
۲. بهترین شواهد قابل دسترس که با نیازمندی ها و کیفیت دانش ارتباط داشته باشد.



۳. اهداف تعلیمی که به طور وسیع تصور شده باشد و به طور کلی مربوط به ملت باشد.
۴. تصامیم گرفته شده قبلی، و نیازمندی ها برای گرفتن تصامیم بیشتر، به طور موازی و نکات مهم دیگر نصاب تعلیمی که ممکن در جریان انتقال و تغییر حفظ شوند.
۵. همسان سازی پروسه عوامل رقابتی مربوط به طبیعت و انکشاف آموزگاران، ماهیت پروسه های آموزش، خواست های جامعه به طور وسیع، ضروریات جامعه محلی، ماهیت و ساختار محتوای مضمون که باید آموخته شود.
۶. چطور میتوان اشخاص همکار، کسانی که تصامیم شان به طور قانونی اثر گذار است شامل نمود.
۷. مد نظر گرفتن حقایق زنده گی بشر مثل، تکثیر دانش و نیاز برای درک نو از وحدت در تفاوت های ما.
۸. مد نظر گرفتن تفاوت های زیاد در میان آموزگاران.
۹. یک دیدگاه واقعی موانع تشکیلاتی معین که در کیفیت تصامیم خود شان میتواند مؤثریت داشته باشد.
۱۰. راه های که در آن شاید سهیم نمودن تصامیم درمورد نصاب تعلیمی بحث شود.

در پلانگذاری نصاب تعلیمی مکاتب باید از نیازمندی های شان باخبر باشند.

- گام به طرف ایجاد تهیه نصاب تعلیمی که برای مکاتب کشور جالب و واقعی باشد بپذیرند.
- مدنظر گرفتن پلان ملی برای تطبیق نصاب تعلیمی ملی.
- نائل آمدن به ایجاد تمام برنامه تحصیلی که اولویت آن رسیده گی به سواد است.
- توجه از هردو لحاظ نگهداری و انکشاف به قسم یک عنصر ضروری برای پروسه است. این رسیده گی ما را متیقن میسازد که نصاب تعلیمی در یکجا نگهداری شده و در عین زمان در جای دیگری در حال انکشاف است.
- یقین بر آن که تمام پروسه پلانگذاری مکتب با تدریس و آموزش صنوف انفرادی تاثیر و ارتباط دارد.
- نظارت از تطبیق پلان ازیک مرجع خاص بر نتیجه آموزش برای شاگردان، و ارتباط با کمیته اداره مکتب، شورای مکاتب، رئسای ولایتی و ولسوالی ها و وزارت معارف.

این پلان خاصتاً برای معلمان سودمند است. آنها باید با پلان تکمیل شده قسمیکه اساس برای دوره های طویل المدت و کوتا مدت شان است آشنایی داشته باشند. همچنان معلمان جدید الشمول و قراردادی را از میتود های جدید که در مکاتب استفاده میشود باخبر میسازد. کاپی پلان باید برای هر معلم قابل دسترس باشد تا آنها را در پلان انفرادی شان رهنمایی نماید. این پلان همچنان توسط گروه وسیع مکتب بررسی میشود.

ارزشها چطور میتواند، تاثیرات بالای پلان نصاب تعلیمی داشته باشد

بسیاری از نیروهای اجتماعی بالای پلانگذاری نصاب تعلیمی مؤثریت خود را دارد. نظریات و ارزش های گروپ های مختلف مردم شامل اهداف اجتماعی، نظریات در مورد فرهنگ واحد و متنوع، فشار های اجتماعی، نظریات درمورد تغییرات اجتماعی، پلان های شان برای آینده، و تصور شان از فرهنگ می باشد.

فلسفه تعلیمی اساس فیصله های نصاب تعلیمی است

در اساس هر نصاب تعلیمی، به شمول پلانگذاری، دیزاین و مراحل تطبیق، فلسفه تعلیمی آنهای که مستقیماً در پروسه دخیل اند. معمولاً در رهنمایی یک مکتب، یک ولسوالی و کشور که نصاب تعلیمی شان را ترتیب میکنند موثریت خود را دارد.

دیاگرام زیر نشان دهنده عوامل است که باید در تهیه نصاب تعلیمی در نظر گرفته شود. در باره آنکه چطور در پلان تعلیمی افغانی از آن استفاده خواهد شد، فکر شود.



ارزش ها خرد، عدالت، ترحم، اتزاج (شرکت) نصاب تعلیمی باید فراگیر باشد، یک انگیزه برای موفقیت خودی و در سراسر دنیا تجربه شده باشد، تشویق برای باشنده ها باشد.	نصاب تعلیمی: مجموع تمام چیز های که برای اطفال و جوانان در تعلیم و تربیه شان پلان شده باشد. • عادات و زنده گی مکتب به قسم یک اجتماع • نصاب تعلیمی و مضامین • آموختن رشته های مختلف علمی • فرصت ها برای موفقیت خودی	تدریس نمودن و آموختن: • فعال بودن و سرگرم • تنظیم اهداف مشکل • تجارب سهیم شدن و معیار ها • فیدبک به موقع و درست • شدت در آموختن، معیارهای موفق، پلان آموزش خودی
تجارب و نتایج، تنظیم توقعات برای آموزش و پیشرفت در • هنر های پرمعنا • زبان ها و سواد آموزی • صحت و سلامتی • ریاضی و هندسی • مذهب و تربیت اخلاقی • علوم طبیعی • اجتماعیات • تکنالوژی • مراحل نصاب تعلیمی پیشرفت و انکشاف را شرح می دهد.		تمام اطفال و جوانان حق دارند تا تجربه نمایند • یک نصاب تعلیمی دارای تسلسل منطقی از ۳ تا ۱۸ • تعلیم و تربیه عمومی وسیع که شامل تجارب خوب پلان شده و محصول تمام نصاب تعلیمی باشد. این باید شامل شناخت دنیا مناطق سکاتلند و یا هر منطقه دیگر و شناخت از محیط زیست باشد. • یک سطح عالی فرصت برای شایسته سالاری و فرصت های دیگر برای انکشاف چهار قابلیت باشد. • فرصت ها برای انکشاف مهارت ها برای آموختن، مهارت ها برای زنده گی، و مهارت ها برای کار باشد. • فرصت ها برای رسیده گی به بلندترین سطوح که آنها از طریق حمایت خودی و قبول مشکلات ها برآورده شود. • فرصت ها برای پیشرفت به طرف مثبت بودن وحفظ مقاصد بطرف مکتب شود.
حمایت خودی مرور بر آموزش و پلان مراحل بعدی دیگر دسترسی به فعالیت های آموزشی که نیازمندی های شانرا برآورده بسازد. پلان برای فرصت های موفقیت خودی	قواعد برای دیزاین نصاب تعلیمی • چالش و اشتغال • وسعت • پیشرفت • عمق • شخصی ساختن و انتخاب • تسلسل منطقی • ارتباط	ترتیب برای شرایط ارزیابی • ارزیابی • شرایط • ارزیابی خودی و حسابدهی • انکشاف مسلکی • از مقاصد آموزش حمایت می کند

آماده گی برای تغییرات و گزینش ها و حمایت از طریق تغییرات و گزینش ها مراکز قبل از مکتب و کارهای مکاتب با همقطاران		

بعد از بررسی هر باکس دیاگرام بالا، ما به موضوع نصاب تعلیمی برای افغانستان برمی گردیم. با وجودیکه ما میدانیم که نصاب تعلیمی همیشه «ثابت یا ساکن» نیست. با کتب درسی جدید پیهم در حال تغییر، بهبود، تجدید و اصلاح است تا نصاب تعلیمی که در حال اصلاح است مطابقت کند.

پلان ناقص برای معلمان انفرادی آنست که در نصاب تعلیمی تدریس یک سال در نظر گرفته می شود.

پلان درسی: یک رهنمای آزمایشی برای معلمان

در یک سال تعلیمی ۹ ماهه دو دوره می باشد. دوره تدریس ۴ ماه است که با یک امتحان ۱۵ روزه و ۱۰ روز رخصتی در بین دوره های اول و دوم می باشد.

روز های مکتب متشکل از ۵ ساعت درسی ۴۵ دقیقه یی در مکتب ابتدایه می باشد. در جریان ماهای زمستان به ۴۰ دقیقه کاهش میابد. این تقریباً روز ۴ ساعت تعلیمی می باشد.

در مکاتب متوسطه روز ۶ ساعت درسی است که هر ساعت درسی ۴۵ دقیقه می باشد. این تقریباً روز ۴ ساعت و ۳۰ دقیقه تعلیمی می باشد.

پلان طویل المدت- سالانه نصاب تعلیمی

مراحل زیر به منظور تکمیل نمودن موضوعات نصاب تعلیمی به موقع بدون عجله در اخیر دوره پیشنهاد میشود. پلان زیر تنها برای یک مضمون است، مگر عین دیزاین باید برای هر مضمون که شما آنرا تدریس میکنید مطابقت داشته باشد. اول با یک تصویر کلی از تمام سال را آغاز نموده، و بعداً یک جدول ابتدایی برای هر ماه را پلان نمایید. بالاخره شما برای هر هفته و هر روز پلان خواهید داشت. این یک پلان امتحانی خواهد بود، زیرا هر روز که سپری میشود شما نیاز دارید تا تدریس خود را ارزیابی کنید و یک تغییر را به منظور اینکه شاگردان نیازمند تدریس دوباره را پشت سر نه گذاشته و یا توضیحات متفاوت بدهیم.

بخاطر داشته باشید که شما از یک پلان نصاب تعلیمی پیروی می کنید و این شاگردان هستند که شما آنها را تدریس می نمایید نه نصاب تعلیمی. اگر آنها درس را نفهمند، گر چه شما مطابق به مضمون تدریس نموده اید، شما آنها را بشکل درست تدریس نه نموده اید. انتظار به تدریس دوباره، مرور و بازگشتن به موضوعاتی که قبلاً توضیح شده است از بخش های معقول و لازمی تدریس و آموزش است. شاگردان زمانی که موضوع و مهارت های که برای شان درسال گذشته و یا درس گذشته تدریس شده است به خاطر نمی داشته باشند، نه تقصیر معلمان قبلی شان است و نه تقصیر شاگردان. این بخشی از انکشاف بشری و تیوری آموزش است. یک بخشی است که چطور دماغ در سنین مختلف کار میکند. تمام نیازمندی های آموزش، دانستن و تقویت مهارت های شاگردان از طریق دانش قبلی خودشان است. انتظار مرورها و تدریس دوباره را به شکل نارمل در بخش آموزش داشته باشید. این را مشکل و یا غفلت و غلطی کسی دیگر

و یا تنبلی و کندی شاگردان حساب نه نمایید. به یاد داشته باشید که مرور مواد روزانه، هفته وار، ماهانه، سالانه و حتی تشخیص آنرا زمان بندی نمایید. و حال بگذارید تا پلان نمایم!

۱. نصاب تعلیمی ملی را برای صنوف که شما به تدریس مضامین تعیین شده اید امتحان نمایید. قبل از مراجعه به کتب درسی به نظریات در نصاب تعلیمی نگاه کنید. چند فصل، بخش و عناوین در نصاب تعلیمی وجود دارد؟ یک لست ترتیب نمایید.

   حال به کتاب درسی همان مضمون نگاه کنید. یک لست فصل ها، بخش ها و عناوین را ترتیب نمایید. مشاهده نمایید که کتاب درسی و چارچوب نصاب تعلیمی یکسان هستند. آیا عناوین در هر کدام شان عین چیز است؟ یک لست آنرا بسازید.

۲. آیا کدام چیزی است که در یکی آن شامل باشد و در دیگری آن نباشد؟ وظیفه شما تدریس نصاب تعلیمی ملی است. کتاب درسی با آن هم که از نصاب تعلیمی پیروی میکند نصاب تعلیمی اصلی نیست. لست تانرا تجدید نموده و ازعناوین مهم نصاب تعلیمی ترتیب نمایید و چیز های که در کتاب درسی است نشانی نمایید. اگر بعضی شان در کتاب درسی نیست، شما بعداً میتوانید در مورد آماده گی گرفته و آن معلومات و مهارت ها را به شاگردان تان تدریس نمایید.

۳. حال لست که شما ترتیب نموده اید به دو بخش مساویانه تقسیم نمایید... فصل های عمده، بخش ها ویا عناوین. اگر بعضی از عناوین عین چیز و یا مشابه است، شما قبل از جدا نمودن عناوین به دو بخش بزرگ آنرا به یک عنوان مدغم نمایید.

۴. حال همان هردو بخش را به چهار گروپ منطقی تقسیم نمایید. در این قسمت شما یک بخش بزرگ برای تدریس ماه – به ماه در دوره اول چهار ماهه و بخش دیگری آن را در دوره دوم خواهید داشت. این یک پلان طویل المدت برای هردو دوره هشت ماهه تدریس تان خواهد بود.

پلان کوتاه مدت – یک ماهه (چهار هفته) در یک زمان

۱. عناوین را برای ماه اول انتخاب کنید: ماه ۱. لست عناوین را به چهار بخش تقسیم نمایید که هر بخش برای یک هفته باشد.

۲. به لست عناوین یک ماه، هفته به هفته نگاه کنید. درمورد عناوین که چطور آموخته شوند فکر نمایید. آموختن کدام های شان دشوار است؟ کدام شان مهمتر است تا بالای آن بیشتر تاکید شود؟ هرکدام نیاز به زمان مساوی تدریس و کوشش ندارد. بعضی مهارت ها قبل از مهارت های دیگر لازم است تا آموخته شوند. فکر کنید که شما چطور میتوانید در یک هفته برای تدریس مهارت های ضروری، خاصتاً آنهایکه برای شاگردان مشکل است، وقت بیشتر را پلان کنید. بخاطر داشته باشید که شما بطرف درس نو قدم نمیگذارید جاییکه شما می فهمید که شاگردان تانرا به جایکه به هدف تقسیم اوقات تان برسید نرسیده اند.

۳. حال شما یک پلان عناوین آزمایشی، مگر تغییر پذیر برای چهار هفته که باید تدریس نمایید دارید.

پلان هفته وار

شما یک نظریه درمورد عناوین برای تمام ماها و برای چهار هفته ماه اول دارید. شما معین ساخته اید که کدام عناوین نیاز به کوشش بیشتر و زمان کافی برای تدریس درست دارد. حال عناوین را برای هفته اول گرفته و پلان هفته وار آنرا ترتیب بدهید که شامل (۱) پلان روز مره، (۲) میتود های که باید استفاده شود، (۳) مواد و وسایل درسی لازم، (۴)



پلان ارزیابی که چطور شما تدریس نمودید و چقدر شاگردان آموختند، (۵) استفاده معلومات ارزیابی و دوباره دیزاین پلان ها برای هفته های آینده.

پلان روزانه

پلان هفته وار را به تعداد روز های تدریس تقسیم نمایید، شما در هفته (پنج و یا شش) روز دارید. تصمیم بگرید که روزانه چه را تدریس می نمایید، و در پلان تان بسیار سخت نباشید. شما نیاز دارید تا برای وارسی از شاگردان تان که گویا درس را فهمیدند یا خیر وقت تعیین نمایید، بنابرین شما باید پلان تانرا برای چنین روز ها تجدید نمایید. گرچه که داشتن پلان درسی روزانه خوب است، اما شما نمیتوانید روز های آینده تانرا بسیار پیش پلان نمایید، زیرا اندازه که شما از نصاب تعلیمی استفاده میکنید مستقیماً ارتباط به فهم شاگردان از درس شما دارد. حادثات غیر مترقبه و مشکلات در راه آموختن هر روز واقع خواهد شد که شما آنرا قبلاً پلان نکرده اید.

چرا پلان درسی را ترتیب کرد؟

به اساس تجربه چرا فقط از کتاب پیروی و یا آنرا مرور ننماییم؟ معلمان که برای پلان های درسی گوناگون وقت را سپری میکنند فوائد ذیل را گزارش میدهند.

پلان های درسی معلمان را تشویق میکند تا بیشتر درمورد آن که چه میتواند یا باید در صنف تکمیل شود، فکر نمایند. تمام اجزای یک صنف خوب – نمونه، نظم و ترتیب، مرور، و بررسی – در پلان مؤثر است.

پلان درسی معلمان را تشویق می نماید تا بیشتر بالای نیازمندی های هر شاگرد در صنف فکر نمایند. از اینرو نیازمندی های خاص (که معمولاً تغییر پذیراند) و شیوه آموزش هر شاگرد همچنان شیوه تدریس و آموزش معلم در پلان تطبیق خواهد شد.

پلان درسی اساس خوب را برای بحث بین همصنفان، مدیر و معلم، و معلمان و شاگردان فراهم میسازد. پلان درسی اساس خوب برای انکشاف دیزاین پروگرام، پلان انکشاف مسلکی، و شریک ساختن اهداف درس با شاگردان و حتی دخیل ساختن شان در پلان صنفی را برای معلمان جدید و سابقه فراهم میسازد.

پلان های درسی معلمان را تشویق میکند تا با ابتکار باشند، تنوع را در پیشرفت مدنظر بگیرند، ویا چیز های جدید را امتحان نمایند تا نتایج خوبتر داشته باشد. بشر، بشمول معلمان بعضی اوقات مغرور میشوند، که تقسیم اوقات پرکار معلمان وسوسه گر را مصروف نگهمیدارد. سپری نمودن وقت بالای پلان درسی معمولاً عادت های سابقه معلمان به میتود های تازه مبدل میسازد.

پلان درسی معلمان را کمک میکند تا آماده باشند، احساس اطمینان نمایند، و با شگفت ها معامله خوب نمایند. یک پلان خوب درسی معلم را کمک مینماید تا با احساس، مطمئن و قادر به پیشبینی مشکلات ها و سوالات شاگردان باشد. عین مشخصه معلم را وادار میسازد تا در مقابل انحرافات و مشکلات غیر مترقبه و طعنه آمیز ایستاده گی نماید و بیشتر تغییر پذیر باشد.

پلان درسی دانش و مهارت های خود معلم را کامل میسازد. ما میتوانیم از طریق پلان درسی معلم را وادار بسازیم تا موضوعات را که میدانند معین بسازند، بدانند که چطور مهارت ها را در صنف یا صنوف پلان شده بکار ببرد، و بعد از بررسی صنف دریابد که چطور چیز ها بخوبی پیش میرود.

پلان درسی میتواند شریک ساخته شود. نصاب تعلیمی تهیه شده و پلان های درسی از «خرد» که با معلمان دیگر میتواند شریک و عیار شود که در صنوف دیگر قابل تطبیق شود ترتیب شده است، بنابرین آنها نباید هر صنف را از صفر آغاز نمایند. این کار به معلمان که با پروگرام یا تدریس برای شان نو است کمک مینماید و از معنی هدایت پروگرام خاص آنها را آگاه میسازد.

پلان درسی از چیز های که در صنف رخ میدهد یک گزارش تهیه میکند. این گزارش ها در یک دوسیه نگهداری شده تا اساس برای صنوف آینده باشد، یا با معلمان جدید کمک مینماید تا در پیشبرد صنف موثر باشند.

پلان درسی روزانه باید شامل چیز های ذیل باشد، اما محدود نباشد.

۱. مقدمه یا آماده سازی برای درس امروز (توسط معلم)
۲. مرور درس قبلی- معلومات و یا مهارت های آموخته شده که با درس امروز ارتباط دارد (رهنمایی معلم مگر سهم فعال شاگردان)
۳. تصویر کلی، نظریات، لغات برای موضوع امروز- ارتباط دادن شان با دانش و دروس قبلی.
۴. فعالیت ها برای آموزش شاگردان: بخش تعیین شده برای خواندن، حل مشکل، تمرینات، بحث، نوشتن، سوالات، (سوالات را که شما در درس استفاده خواهید کرد قبلاً ترتیب نمایید).
۵. تمرین ارزیابی برای امتحان نمودن کار شاگردان، سوال برای فهمیدن، دادن یک فعالیت ارزیابی مثل امتحان کوچک و یا تمرین تحریر شده که برای تجدید پلان به روز بعدی.
۶. پایان صنف... ارتباط دادن درس با زنده گی شاگردان، بر اساس موفقیت و مشکلات آموزش امروز از فعالیت های روز دیگر به شاگردان بگوید. اگر امکان داشته باشد کارخانگی بدهید.

در تجدید پلان درسی از شاگردان که در قسمت فهمیدن درس مشکل دارند یادداشت بگیرید که چطور آنها را تنظیم کنید. شما شاید نیاز به تدریس از طریق کار گروپی و دونفری بخاطر تقویت آموزش داشته باشد. شما شاید نیاز به دادن کار های نو برای شاگردان که درس را فهمیدند دارید، درحالیکه شما همان گروپ را از طریق دیگری دوباره تدریس میکنید.

بعد از این کوشش ها اگر بعضی شاگردان هنوز هم چیزی را که تدریس شد و آنها در کاربرد آن مشکل دارند و نمی فهمند، شما نیاز به استراتیژی های دیگر برای جلوگیری از جلو رفتن متباقی صنف، دارید. همکاری والدین و داوطلبان دیگر برای شاگردان که در عرصه کارهای صنفی و درک مشکل دارند، کمکی بزرگی خواهد بود. همچنان برای معلم خوب شاگردان که موضوع جدید یا مهارت را نمی آموزند شاگردان که آموخته اند معیار خوب مقایسه اند. شاگردان دیگر متوجه میشوند که مشکل در کجا است، زیرا که آنها آنرا مرور کردند درحالیکه معلم که به آن آشنایی دارد، متوجه این نقطه نمیشود.

دو نمونه پلان درسی روزانه در اینجا ضمیمه است.

ما باید آزمایش کنیم که چطور فلسفه تعلیم و تربیه از طریق مرور نصاب تعلیمی ملی که در سال ۲۰۰۳ نوشته شده بود بر اهداف نصاب تعلیمی فعلی تاثیر گذار است. چارچوب نصاب تعلیمی ملی مجموعه از اهداف عمومی برای هر دوره است. بعداً ما به بعضی مثال های نصاب تعلیمی مفصل نگاه میکنیم. پلان های نصاب تعلیمی شامل موضوعات ذیل برای هر دوره است.

چارچوب نصاب تعلیمی ملی برای افغانستان – سال ۲۰۰۳

اهداف عمومی هر دوره تعلیمی

دوره تعلیمی	اهداف
قبل از مکتب	• مواظبت از صحت روانی و فزیکی اطفال مطابق به تغذیه با معیار های ملی و بین المللی • آشنا کردن اطفال به قوانین اساسی زنده گی اجتماعی • آماده ساختن اطفال به مکتب • صنف قبل از مکتب • تغذیه روحی و انکشاف اخلاقی • آشنا ساختن اطفال با کار های انفرادی و گروپی • احساس خوشی از انجام فعالیت های انفرادی و گروپی • انکشاف حس کنجکاوی برای تحقیق اطفال دنیا • تقویت قوانین حفظ الصحه • آماده گی برای تعلیمات ابتدایی: تقویت مهارت های ذهنی و فکری
تعلیمات ابتدایی	دورهٔ اول • تغذیه روحی و انکشاف اخلاقی • کسب دانش و مهارت های ابتدایی (خواندن و نوشتن، خوش نویسی، عدد شماری • انکشاف مهارت های حرکی • انکشاف حس مناسب جهت براه انداختن کارهای سودمند با دسپلین و درست • انکشاف مهارت های هنری اساسی • کسب قوانین اساسی حفظ الصحه
متوسطه	دورهٔ دوم • تغذیه روحی و انکشاف اخلاقی • استفادهٔ دانش و مهارت های اساسی برای معرفی خود، بسط دادن دانش و مهارت ها از طریق کاوش محیط طبیعی، اجتماعی و مصنوعی. • انکشاف مهارت ها برای مراقبت خودی از پروسه آموزش • بکاربردن دانش و مهارت ها در حل مشکلات زنده گی روزمره • مواظبت از صحت • انکشاف مهارت های کار دسته جمعی • ازدیاد علاقمندی در کار های عامه • تقویت مهارت های هنری • تقویت انکشاف روحی و اخلاقی • انکشاف ظرفیت ها برای کاوش محیط طبیعی، اجتماعی و مصنوعی از نظر علمی وسایل و طرزالعمل ها • تشویق خبرگیری و علاقمندی در کار ذهنی



	• تقویت ظرفیت برای نظارت خودی از پروسه آموزش • توسعه مهارت های افهام و تفهیم از طریق کسب زبان های خارجی • انکشاف مهارت های تخنیکی، شامل تکنالوژی معلوماتی • مواظبت از صحت • تقویت آگاهی خودی، ظرفیت برای مطالعات بیشتر و انتخاب مشی زنده گی • انکشاف مهارت های کار دسته جمعی و ظرفیت اشتراک در رقابت ها
لیسه	دورۀ سوم • انکشاف بیشتر روحی و اخلاقی • آماده گی برای تحصیل بیشتر در تحصیلات عالی،انکشاف مهارت ها و طرز برخورد در ترویج برتری اکادمیک • توسعه دانش و ازدیاد علاقمندی برای کار های اکادمیک و ذهنی • آماده گی برای زنده گی آینده و استفاده کلی دانش، مهارت ها و طرز برخورد در حل مشکلات اکادمیک و زنده گی روزمره • رسیده گی به حقوق و مسؤلیت ها در شرایط مختلف اجتماعی • مواظبت از صحت • انکشاف مهارت های بیشتر برای مراقبت خودی از پروسه آموزش و توانایی برای ادامه استعداد و علاقمندی • انکشاف مهارت های کار دسته جمعی و علاقمندی به اشتراک در رقابت ها

در نصاب تعلیمی ملی، قوانین برای هر صنف و دوره و مضامین که بالای شان تاکید میشود قرار ذیل توضیح داده میشود.

۱. مکتب ابتدایه (از صنف ۱– ٦، سن ٦،۷ تا ۱۲،١٤)

در حال حاضر مکتب ابتدایه مرحله اول (۶ سال) تعلیم تربیه اجباری (۹ سال) را پیشکش می نماید رایگان است. این شامل دو دوره ذیل است.

أ. دوره اول ابتدایه (صنوف ۱ تا ۳، سن ۶،۷ تا ۸،۹)

شاگردان در سن ۶،۷ به دوره اول ابتدایه شامل میشوند. در دوره اول شاگردان به تعلیمات ابتدایه (خواندن، نوشتن، شنیدن، گفتن، عدد شماری) و با تعلیمات مذهبی و اخلاقی آشنا میشود. توجه خاص به آشنا ساختن شاگردان با زنده گی مکتب بوده و آنها را کمک می نماید تا در مقابل کار های مختلف منظم تحمل داشته باشند. وقت آموزش روزانه چهار ساعت یعنی ۲۴ ساعت در هفته میباشد. (ما درمورد شش روز کاری در هفته صحبت میکنیم)

ب. دوره دوم ابتدایه (از صنف ۴ تا ۶، سن از ۹،۱۰ تا ۱۱،۱۲)

در دوره دوم ابتدایه شاگردان با مشکلات جدید گوناگون نصاب تعلیمی و نیازمندی های نو مثل انکشاف دانش، مهارت ها و طرز برخورد مقابل میشوند. وقت آموزش روزانه پنج ساعت یعنی ۳۰ ساعت در هفته میباشد. (شش روز کاری در هفته) دوره مکمل ابتدایه (شش سال) شاگردان واجد شرایط را برای داخل شدن به دوره متوسطه که شامل (تعلیمات عمومی و تعلیمات اسلامی) میشود، میسازد.

۲. دوره متوسطه مکاتب پایینتر از لیسه (صنوف ۷ تا ۹، سن ۱۲،۱۳ تا ۱۵،۱٦) همچنان اجباری است

در مرحله دوم (صنوف ۷ تا ۹) تعلیم و تربیه اجباری است و (صنوف ۱ تا ۹) دوره متوسطه هم برای تمام شاگردان در سرتاسر کشور اجباری است.

در دوره متوسطه بینش شاگردان بیشتر گسترش میابد و آنها با مشکلات بیشتر در عرصه اکادمیک، روحی، اخلاقی، احساس و انکشاف اجتماعی مقابل میشوند. توجه خاص به تعلیمات بیشتر، و مشوره و رهنمایی برای ساختن آینده میباشد. وقت آموزش روزانه شش ساعت یعنی ۳۶ ساعت در هفته میباشد. (شش روز کاری در هفته)

بعد از فارغ شدن از دوره متوسطه پایین، شاگردان واجد شرایط به لیسه های تعلیمات عمومی و مسلکی (ادامه تعلیمات اسلامی، تعلیمات حرفه ای و تخنیکی و تربیه معلم) داخل میشوند.

۳. لیسه (صنوف ۱۰ تا ۱۲، سن ۱۵،۱٦ تا ۱۸،۱۹)

در لیسه ها شاگردان با دو بخش عمدۀ الف (ساینس و ب) اجتماعیات آشنا میشوند. شاگردان از طریق خاصی بحیث معلم (برای دوره ابتدایه) آموزش میابند، و تکنیشن های مسلکی در تولید و خدمات تربیه میشوند.

بعد از فارغ شدن از لیسه شاگردان واجد شرایط نظر به فعالیت های شان در مکتب، سویه و علاقمندی شان در پوهنتون ها، مراکز تربیه معلم و انستیتیوت های مسلکی شامل میشوند.

نصاب تعلیمی مکتب برای افغانستان

شماره	مضامین	ملاحظات
	تعلیمات اساسی (صنوف ابتدایه ۱ تا ۳)	
۱.	در صنوف ۱-۳ - ۶ مضمون به زبان ملی شان تدریس میشوند که قرار ذیل است. ۱. مهارت های زنده گی ۲. ریاضی ۳. پشتو یا دری ۴. علوم دینی ۵. حسن خط ۶. هنرها	
	تعلیمات اساسی (صنوف ابتدایه ٤ تا ٦)	
۲.	مضامین برای صنوف ۴-۶ ۱. ساینس ۲. محیط زیست ۳. علوم اجتماعی (تاریخ و جغرافیه) ۴. انگلیسی ۵. علوم دینی ۶. دری	



	۷. پشتو ۸. ریاضی ۹. هنرها ۱۰. حسن خط		
تعلیمات اساسی (صنوف متوسطه ۷ تا ۹)			
۳.	مضامین برای صنوف ۷-۹ ۱. علوم دینی ۲. دری ۳. پشتو ۴. ریاضی ۵. هندسه ۶. فزیک ۷. کیمیا ۸. بیولوژی ۹. تاریخ ۱۰. جغرافیه ۱۱. حدیث شریف (گفته های حضرت محمد(ص)) ۱۲. عربی ۱۳. انگلیسی ۱۴. تعلیمات مدنی	اخلاق برای صنف ۷ تعلیمات مدنی برای صنف ۸ و اقتصاد برای صنف ۹	
تعلیمات لیسه (صنوف ۱۰ تا ۱۲)			
۴.	عین مضامین در صنوف ۱۰ تا ۱۲ تدریس میشود باوجود که در صنف ۱۰ مضمون اقتصاد با مضمون جیالوژی عوض میشود: در صنف ۱۰ و ۱۱ مضمون حدیث شریف با مضمون تفسیر شریف تفسیر قرآن کریم) عوض میشود، برعلاوه در مضامین صنوف ۱۱ و ۱۲ بحیث یک مضمون اضافه میشود.	مثلثات	

یک مثال از انکشاف نصاب تعلیمی برای معلمان و شاگردان افغان مضمون مهارت های زنده گی در نصاب تعلیمی برای صنوف ابتدایه است. ما در این بخش صنف ۳ بطور مثال استفاده میکنیم تا موازی و سازگاربه میتود پلانگذاری باشد. به هر صورت این مفردات نسبت به نصاب تعلیمی بخش اجتماعیات صنف ۴ بیشتر طویل و فشرده تر است. از معلم خواسته خواهد شد تا درمورد تعدادعناوین، اهمیت آن در صنف که وی درس میدهد، وقت اختصاص داده شده برای هر عنوان و فعالیت های تدریس که شامل ارزیابی نیز میشود، فکر کند. این یک وظیفه بزرگ و دشوار برای هر معلم است، مگر برای رسیدن به اهداف نصاب تعلیمی ضروری است. این پروسه تدریس و آموزش را بیشتر آسان و زیادتر پرمعنا میسازد.

نصاب تعلیمی مهارت های زنده گی افغان – صنف سوم

مفردات های زنده گی صنف سوم

اهمیت و ضرورت کورس مهارت های زنده گی

بنابر جنگ های طویل و ویران کننده مردم در فقر و بیچاره گی زنده گی میکنند. آنها در حال حاضر در ترس و بیم تبعیض، دشمنی دیگران، و ترس از بروز زور و جبر میباشند. بخاطر عدم دسترسی به حق تعلیم در دهه های گذشته، اطفال نه تنها در نبود سواد، بلکه در قسمت ارتباطات اجتماعی با دیگران متاثرشدند. برعلاوه، افغانستان سال های متمادی را در خشکسالی سپری نموده که اقتصاد اش را ضعیف نموده، مردم اش را غمگین ساخته، و بیشترین محیط زیست طبیعی را خراب نموده است. چنین نوع حالات صحت روانی و جسمانی اطفال و فامیل ها را متاثر ساخته و تا آینده های نزدیک ادامه خواهد داشت.

یکی از استراتیژی های خوب برای جلوگیری از خشونت، فقر، و عدم مسؤلیت در فرهنگ افغانستان، ایجاد شرایط آموزش جوابگو و مفید برای اطفال است. برعلاوه ریاضیات، ساینس و زبانها، اطفال باید ترحم، یکدلی، مسؤلیت خودی، بردباری اجتماعی و غرور در خود و دیگران را همچنان بیاموزند. شریک ساختن موضوعات بشکل مشورتی برای ایجاد نصاب تعلیمی مکتب برای بلند بردن سطح آرزو های افغان ها برای رسیدن به صلح، عدالت و مساوات در کشور عزیز شان هدف عمده است. افغانستان با اقتصاد، اتحاد و امن نیاز دارد تا نسل بعدی شایستگی آنرا داشته باشند تا زنده گی را برای خود و دیگران بهتر بسازند. مضمون مهارت های زنده گی برمبنای اسلام، افغانیت، و ارزش های انسانی در صنف دوم، دانش، مهارت ها، و طرز برخورد خوب انسانی و بهتر ساختن هویت و اصول اخلاقی اولاد وطن را عرضه میدارد.

دلایل برای نصاب تعلیمی مهارت های زنده گی صنوف ۱-۳

اطفال مکاتب ابتدایه نیاز به کسب فهم دارند که چطور دنیای اطراف خودرا بشناسند. گرچه که مهارت های زنده گی شامل مضمون اجتماعیات است و دانش ضروری را برای نصاب تعلیمی اجتماعیات صنوف چهارم و پنجم فراهم میسازد، همچنان شامل عناصر ساینس (مثل شناخت محیط زیست و حفظ الصحه) و مهارت های ریاضی عملی مثل استفاده از پول میباشد. گرچه که این نصاب تعلیمی ارتباط به دانش و مهارت های مربوط به سلامتی، موفقیت اجتماعی، و احساس زنده گی آرام است، شاگردان همزمان نیاز به کسب مهارت های زبان (تلفظ، توسعه لغات، و افهام و تفهیم با دیگران) دارند. برعلاوه خواندن، نوشتن، ریاضی، و هنر های ابتدایی بطور موثر آن با این نصاب تعلیمی مدغم شده است.

تمرکز بالای نصاب تعلیمی مهارت های زنده گی صنف سوم

شاگردان در صنف سوم قادر به فهمیدن ماهیت و نتیجه سلوک و رفتار خود و دیگران میشوند. بحیث شهروند افغانستان آنها باید مهارت های شنیدن، فهمیدن و قدردانی از تفاوت ها، شناخت حوادث دشوار زنده گی، و آسیب پذیری، و فایده خوشبینی، همکاری و کار سودمند را بیاموزند. آنها باید بدانند تا کسی باشند که مثبت فکر کنند تا به خود، فامیل و کشور شان مفید واقع شوند.



مهارت های زنده گی – نصاب تعلیمی صنف سوم

صنف سوم فهرست مطالب (عناوین)

فصل اول: هم زیستن و کار با یکدیگر بطور صلح آمیز

فصل دوم: شخصیت و اخلاق

فصل سوم: مصؤنیت زنده گی



درس ۲۹: مصؤن و صحتمند بودن در حوادث خراب: زلزله، سیل

درس ۳۰: مصؤن در اطراف حیوانات خانگی و وحشی

درس ۳۱: مصؤن در خانه و جاهای شخصی

درس ۳۲: مصؤن در جاهای عامه: سرک ها

درس ۳۳: مصؤن در ساحه فرش شده به راکت، تفنگ، و مهمات

درس ۳۴: مرور فصل سوم

فصل چهارم: قدردانی از تنوع

درس ۳۵: بخش ها کل را تشکیل میدهد: تنوع در زنده گی (هنر، قصه ها، طرز لباس و غذا)

درس ۳۶: تنوع نژادی

درس ۳۷: تنوع زبان (دری، پشتو، ازبکی، انگلیسی)

درس ۳۸: تنوع مذهبی (، شیعه، سنی،)

درس ۳۹: تنوع ها در عین گروپ

درس ۴۰: تشابه ها در داخل گروپ های مختلف

درس ۴۱: تنوع بحیث غنامندی

درس ۴۲: مرور فصل چهارم

بحیث یک نمونه برای پلان نصاب تعلیمی

پلان درسی: یک رهنمای مقدماتی برای معلمان که از مهارت های زنده گی صنف سوم استفاده می کند

در یک سال تعلیمی ۹ ماهه دو دوره می باشد. دوره تدریس ۴ ماه است که با یک امتحان ۱۵ روزه و ۱۰ روز رخصتی در بین دوره های اول و دوم می باشد.

روز های مکتب متشکل از ۵ ساعت درسی ۴۵ دقیقه یی در مکتب ابتدایه می باشد. در جریان ماهای زمستان به ۴۰ دقیقه کاهش میابد. این تقریباً روز ۴ ساعت درسی می باشد.

در مکاتب متوسطه روز ۶ ساعت درسی است که هر ساعت درسی ۴۵ دقیقه می باشد. این تقریباً روز ۵ ساعت و ۳۰ دقیقه تعلیمی می باشد.

پلان طویل المدت- (سالانه) نصاب تعلیمی

مراحل زیر به منظور تکمیل نمودن موضوعات نصاب تعلیمی به موقع بدون عجله در اخیر دوره پیشنهاد میشود. پلان زیر تنها برای یک مضمون است، مگر عین دیزاین باید برای هر مضمون که شما آنرا تدریس میکنید مطابقت داشته باشد. اول با یک تصویر کلی از تمام سال را آغاز نموده، و بعداً یک جدول ابتدایی برای هر ماه را پلان نمایید. بلاخره شما برای هر هفته و هر روز پلان خواهید داشت. این یک پلان امتحانی خواهد بود، زیرا هر روز که سپری میشود شما نیاز دارید تا تدریس خودرا ارزیابی کنید و یک تغییر را به منظور اینکه شاگردان نیازمند به تدریس در درس عقب نه مانده باشند که به توضیحات اضافی و یا تدریس دوباره با روش مختلف ضرورت داشته باشدند.

بخاطر داشته باشید که شما از یک پلان نصاب تعلیمی پیروی می کنید و این شاگردان هستند که شما آنها را تدریس می نمایید نه نصاب تعلیمی. اگر آنها درس را نمی فهمند، گر چه شما مطابق به مضمون تدریس نموده اید، شما آنها را

بشکل درست تدریس نه نموده اید. انتظار به تدریس دوباره، مرور و بازگشتن به موضوعاتی که قبلاً توضیح شده است از بخش های معقول و لازمی تدریس و آموزش است. شاگردان زمانی که موضوع و مهارت های که برای شان درسال گذشته و یا درس گذشته تدریس شده است به خاطر نمی داشته باشند، نه تقصیر معلمان قبلی شان است و نه تقصیر شاگردان. این بخشی از انکشاف بشری و تیوری آموزش است. یک بخشی است که چطور دماغ در سنین مختلف کار میکند. تمام نیازمندی های آموزش، دانستن و تقویت مهارت های شاگردان از طریق دانش قبلی خودشان است. انتظار مرورها و تدریس دوباره را به شکل نارمل در بخش آموزش داشته باشید. این را مشکل و یا غفلت و غلطی کسی دیگر ویا تنبلی و کندی شاگردان حساب نه نمایید. به یاد داشته باشید که مرور مواد روزانه، هفته وار، ماهانه، سالانه و حتی تشخیص آنرا زمان بندی نمایید. و حال بگذارید تا پلان نمائیم!

نصاب تعلیمی ملی را برای صنوف که شما تعیین شده اید و مضامین آن را تدریس می نمایید امتحان نمایید. قبل از مراجعه به کتب درسی به نظریات در نصاب تعلیمی نگاه کنید. چند فصل، بخش و عناوین در نصاب تعلیمی وجود دارد؟ یک لست ترتیب نمایید.

حال به کتاب درسی همان مضمون نگاه کنید. یک لست فصل ها، بخش ها و عناوین را ترتیب نمایید. مشاهده نمایید که کتاب درسی و چارچوب نصاب تعلیمی یکسان هستند. آیا عناوین در هر کدام شان عین چیز است؟

آیا کدام چیزی است که در یکی آن شامل باشد و در دیگری آن نباشد؟ وظیفه شما تدریس نصاب تعلیمی ملی است. کتاب درسی با آن هم که از نصاب تعلیمی پیروی میکند نصاب تعلیمی اصلی نیست. لست تانرا تجدید نموده و ازعناوین مهم نصاب تعلیمی ترتیب نمایید و چیز های که در کتاب درسی است نشانی نمایید. اگر بعضی شان در کتاب درسی نیست، شما بعداً میتوانید در مورد آماده گی گرفته و آن معلومات و مهارت ها را به شاگردان تدریس نمایید.

حال لست که شما ترتیب نموده اید به دو بخش مساوی تقسیم نمایید، فصل های عمده، بخش ها و یا اگر بعضی از عناوین یک سان یا مشابه باشند شما آنرا پیش از جدا کردن به یک عنوان مدغم نمایید.

حال همان هردو بخش را به چهار گروپ منطقی تقسیم نمایید. در این قسمت شما یک بخش بزرگ برای تدریس ماه – به ماه در دوره اول چهار ماهه و بخش دیگری آن را در دوره دوم خواهید داشت. این یک پلان طویل المدت برای هردو دوره هشت ماهه تدریس تان خواهد بود.

به جنتری دیده تا روز های رخصتی، رخصتی های ملی، و دیگر اوقاتیکه شما انتظار داشتن درس نه خواهید داشت تنظیم نمایید.

پلان کوتاه مدت – یک ماهه (چهار هفته) در یک زمان

عناوین را برای ماه اول انتخاب کنید: ماه ۱. لست عناوین را به چهار بخش تقسیم نمایید که یکی برای یک هفته باشد.

به لست عناوین یک ماه هفته به هفته نگاه کنید. درمورد عناوین که چطور آموخته شوند فکر نمایید. آموختن کدام های شان دشوار است؟ کدام شان مهمتر است تا بالای آن بیشتر تاکید شود؟ هرکدام نیاز به زمان مساوی تدریس و کوشش ندارد. بعضی مهارت ها قبل از مهارت های دیگر لازم است تا آموخته شوند. فکر کنید که شما چطور میتوانید در یک هفته برای تدریس مهارت های ضروری، خاصتاً آنهایکه برای شاگردان مشکل است، وقت بیشتر را پلان کنید. بخاطر داشته باشید که شما بطرف درس نو قدم نمیگذارید جایکه شما می فهمید که شاگردان تانرا به جایکه برسانید تا به هدف تقسیم اوقات تان برسید نرسیده اند.

حال شما یک پلان عناوین آزمایشی، مگر تغییر پذیر برای چهار هفته که باید تدریس نمایید دارید.

پلان هفته وار

شما یک نظریه درمورد عناوین برای تمام ماها و برای چهار هفته ماه اول دارید. شما معین ساخته اید که کدام عناوین نیاز به کوشش بیشتر و زمان کافی برای تدریس درست دارد. حال عناوین را برای هفته اول گرفته و پلان هفته وار آنرا ترتیب بدهید که شامل: (۱) پلان روز مره، (۲) میتود های که باید استفاده شود (۳) مواد و وسایل درسی لازم (۴) پلان ارزیابی که چقدر شما تدریس نمودید و چطور شاگردان آموختند (۵) استفاده معلومات ارزیابی و دوباره دیزاین پلان ها برای هفته های آینده.

پلان روزانه

پلان هفته وار را به تعداد روز های تدریس تقسیم نماید، شما در هفته (پنج و یا شش) روز دارید. تصمیم بگرید که روزانه چه را تدریس می نمایید، و در پلان تان بسیار سخت نباشید. شما نیاز دارید تا برای وارسی از شاگردان تان که گویا درس را فهمیدند یا خیر وقت تعیین نمایید، بنابرین شما باید پلان تانرا برای چنین روز ها تجدید نمایید. گرچه که داشتن پلان درسی روزانه خوب است، اما شما نمیتوانید روز های آینده تانرا بسیار پیش پلان نمایید، زیرا به اندازه که شما از نصاب تعلیمی استفاده میکنید مستقیماً ارتباط به فهم شاگردان از درس شما دارد. حادثات غیر مترقبه و مشکلات در راه آموختن هر روز واقع خواهد شد که شما آنرا قبلاً پلان نکرده اید.

پلان درسی روزانه باید شامل چیز های ذیل باشد، اما محدود نباشد.

۱. مقدمه یا آماده سازی برای درس امروز (توسط معلم)
۲. مرور درس قبلی- معلومات و یا مهارت های آموخته شده که با درس امروز ارتباط دارد (رهنمایی معلم مگر سهم فعال شاگردان)
۳. تصویر کلی، نظریات، لغات برای موضوع امروز- ارتباط دادن شان با دانش و دروس قبلی
۴. فعالیت ها برای آموزش شاگردان: بخش تعیین شده برای خواندن، حل مشکل، تمرینات، بحث، نوشتن، سوالات، (سوالات را که شما در درس استفاده خواهید کرد قبلاً ترتیب نمایید)،
۵. تمرین ارزیابی برای امتحان نمودن کار شاگردان، سوال برای فهمیدن، دادن یک فعالیت ارزیابی مثل امتحان کوچک و یا تمرین تحریر شده که برای تجدید پلان به روز بعدی.
۶. پایان صنف... ارتباط دادن درس با زنده گی شاگردان، بر اساس موفقیت و مشکلات آموزش امروز از فعالیت های روز دیگر به شاگردان بگوید. اگر امکان داشته باشد کارخانگی بدهید.

در تجدید پلان درسی از شاگردان که در قسمت فهمیدن درس مشکل دارند یادداشت بگیرید که چطور آنها را تنظیم کنید. شما شاید نیاز به تدریس از طریق کار گروپی و دونفری بخاطر تقویت آموزش داشته باشید. شما شاید نیاز به دادن کار های نو برای شاگردان که درس را فهمیدند دارید، در حالیکه شما همان گروپ را از طریق دیگری دوباره تدریس میکنید.

بعد از این کوشش ها اگر بعضی شاگردان هنوز هم چیزی را که تدریس شد آنهار در بکاربرد آن مشکل دارند و نمی فهمند، شما نیاز به استراتیژی های دیگر برای جلوگیری از آهسته جلو رفتن متباقی صنف دارید. همکاری والدین و داوطلبان دیگر برای شاگردان که در عرصه کار های صنفی و درک مشکل دارند کمکی بزرگی خواهد بود. همچنان برای معلم خوب شاگردان که موضوع جدید یا مهارت را نمی آموزند شاگردان که آموخته اند معیار خوب مقایسه اند. جوره ها متوجه میشوند که مشکل در کجا است، زیرا که آنها آنرا مرور کردند. در حالیکه معلم به آن آشنایی دارند، متوجه این نقطه نمیشود.

خلاصه مفردات برای معلمان (در پایین کاپی شده است) دانش، مهارت ها و طرزبرخورد که دست آورد آموزش برای هر فصل است لست می نماید. همچنان نظریات را برای فعالیت های که برای رسیده گی به اهداف درس میکند پیشنهاد می نماید. مفردات، راه های ارزیابی آموزش شاگردان را برای هر درس و فصل توصیه می نماید. این یک دوره طویل المدت یا کوتاه مدت ویا پلان درسی برای درس نیست.

مفردات و رهنما دستوری بیشتر ازده سال پیش تثبیت و تجدید شده است، و آنها بطور نمونه پلان نصاب تعلیمی را پیشکش می نماید که معلمان از آن پلان نصاب تعلیمی استفاده می کنند. از جزئیات مضمون اجتماعیات صنف چهارم بطور مثال برای پلان مقدماتی استفاده خواهد شد.

فصل اول: هم زیستن و کار باهمی بطور صلح آمیز

درس ۱: در زنده گی سازگار ی با دیگران

درس ۲: دانستن اینکه چطور از صنف درسی یا خانه به شکل مشترک استفاده نمائیم.

درس ۳: یکدلی

درس ۴: خود شناسی و خود مختاری

درس ۵: شناخت مشکلات و منازعات

درس ۶: حل اوضاع بحرانی

درس ۷: مثبت بودن

درس ۸: عملکرد دلیرانه به نماینده گی از دیگران

درس ۹: قهر، خشونت، تجاوز

درس ۱۰: عملیه و مفاد استی

درس ۱۱: عملکرد عدم خشونت

درس ۱۲: مرور فصل

فصل دوم: شخصیت و اخلاق

درس ۱۳: قدردانی از نعمت های خداوند(ج)

درس ۱۴: میانجیگری جهت نیکو کاری

درس ۱۵: خوشبینی و بدبینی

درس ۱۶: شخصیت واقعی

درس ۱۷: صفات شهرت خوب

درس ۱۸: شناخت خودی

درس ۱۹: حمایت و ستایش

درس ۲۰: واکنش سودمند و منفی

درس ۲۱: جوابگو به دیگران = طرز برخورد

درس ۲۲: عاطفه با خود و دیگران

درس ۲۳: غمگینی و تنظیم آن

درس ۲۴: به دیگران گوش دادن

درس ۲۵: قدردانی از نظریات متنوع

درس ۲۶: مذاکره، مصالحه و توافق

درس ۲۷: مرور فصل دوم

فصل سوم: مصؤنیت زنده گی

درس ۲۸: مصؤن و صحتمند بودن در آب هوای خراب: هوای گرم و سرد

درس ۲۹: مصؤن و صحتمند بودن در هوای خراب: زلزله، سیل

درس ۳۰: مصؤن در اطراف حیوانات خانگی و وحشی

درس ۳۱: مصؤن در خانه و جاهای شخصی

درس ۳۲: مصؤن در جاهای عامه: سرک ها

درس ۳۳: مصؤن در ساحه فرش شده با ماین و دارای، راکت، تفنگ، و مهمات

درس ۳۴: مرور فصل سوم

فصل چهارم: قدردانی از تنوع

درس ۳۵: کل بخش ها را تشکیل میدهد: تنوع در زنده گی (، هنر، قصه ها، طرز لباس و، غذا)

درس ۳۶: تنوع نژادی

درس ۳۷: تنوع زبان (دری، پشتو، ازبکی، انگلیسی)

درس ۳۸: تنوع مذهبی (، شیعه، سنی،)

درس ۳۹: تفاوت ها در عین گروپ

درس ۴۰: تشابه ها در داخل گروپ های مختلف

درس ۴۱: تنوع بحیث غنامندی در آرایش

درس ۴۲: مرور فصل چهارم

پایان دوره دوم... دوره امتحان نهایی آغاز میشود

در نصاب تعلیمی مهارت های زنده گی صنف سوم ۴۱ درس می باشد. اگر آنرا به دو قسمت تقسیم نماییم ما میتوانیم ۲۱ درس آنرا در دوره اول و ۲۰ درس آنرا در دوره دوم بطور امتحانی تدریس نماییم. امتحان نماییم که اولین پیشنویس آن به چه شکل خواهد بود.

در دوره اول ۲۱ درس را در ۴ ماه تقسیم نمایید. در ماه اول پلان نمایید تا ۶ درس و در سه ماه بعدی پنج پنج درس را تدریس کنید. رسیدن به ۲۱ درس ختم دوره دوم و شروع دوره سوم است. بهتر خواهد بود که این بخش را تا درس ۲۷ ختم نماییم. حال ما ۲۷ درس را به ۴ هفته تقسیم نموده و مشاهده نماییم که چه تعداد درس در یک هفته تخصیص داده میشود. ما میتوانیم در ماه اول ۶ درس را ارائه کنیم تا بتوانیم در ختم ما چهارم درس ها را مکمل نماییم. البته در اصل زمان تدریس این پلان ها نیاز به تجدید دارند.

ماه اول–– فصل اول: هم زیستن و کار باهمی بطور صلح آمیز

هفته اول	درس ۱: در زنده گی سازگار ی با دیگران
	درس ۲: دانستن اینکه چطور از صنف درسی یا خانه بشکل مشترک استفاده نمائیم.
هفته دوم	درس ۳: هم آهنگی
	درس ۴: خود شناسی و خود مختاری



هفته سوم	درس ۵: شناخت مشکلات و منازعات
درس ۶: حل اوضاع بحرانی
هفته چهارم	درس ۷: مثبت بودن
مرور هفته قبلی

ماه دوم-- درس: ۸ – ۱۲

هفته اول	درس ۸: عملکرد دلیرانه به نماینده گی از دیگران
درس ۹: قهر، خشونت، تجاوز
هفته دوم	درس ۱۰: عملیه و مفاد اس آشتی
هفته سوم	درس ۱۱: عملکرد عدم خشونت
هفته چهارم	درس ۱۲: مرور فصل
معرفی فصل جدید: درس ۱۳: قدردانی از نعمت خداوند

ماه سوم-- فصل دوم: شخصیت و اخلاق

هفته اول	درس ۱۴: میانجیگری جهت نیکو کاری
درس ۱۵: خوشبینی و بدبینی
هفته دوم	درس ۱۶: شخصیت واقعی
درس ۱۷: صفات شهرت خوب و همچنان مرور فصل
هفته سوم	درس ۱۸: شناخت خودی
درس ۱۹: حمایت و ستایش
هفته چهارم	درس ۲۰: واکنش سودمند و منفی
درس ۲۱: جوابگو به دیگران = طرز برخورد
مرور این هفته و درس های گذشته

ماه چهارم

هفته اول	درس ۲۲: عاطفه با خود و دیگران
درس ۲۳: غمگینی و تنظیم آن
هفته دوم	درس ۲۴: به دیگران گوش دادن
هفته سوم	درس ۲۵: قدردانی از نظریات متنوع
درس ۲۶: مذاکره، مصالحه و توافق
هفته چهارم	درس ۲۷: مرور فصل دوم

مرور دوره از فصل اول تا سوم- درس از ۱ تا ۲۷

دلیل آوردن مواد بیشتر در دوره اول به منظور آن است که یک فصل را در هر دو دوره نباید بگنجانیم. فصل ۱۱ را تکمیل نمایید و تا قبل از مرور دوباره آن وقفه ما هانه نداشته باشید. در یک نصاب تعلیمی نمونه فصل ها بخاطر یک نصاب تعلیمی خوب عین تعداد را میداشته باشد.



دوره دوم– ٤ ماه– ١٦ هفته

فصل های ۳ و ۴ تدریس خواهد شد. از درس ۲۸ تا ۴۱. فصل سوم دارای ۷ درس، و فصل چهارم دارای ۸ درس میباشد. این به ما اجازه یک درس و مرور آن در ۱۵ هفته را میدهد، هفته اخیررا برای مرور اختصاص بدهید.

عناوین ماهوار و هفته وار، دوره دوم

ماه پنجم–- فصل سوم: مصؤنیت زنده گی

هفته اول	درس ۲۸: مصؤن و صحتمند بودن در آب هوای خراب: هوای گرم و سرد
هفته دوم	درس ۲۹: مصؤن و صحتمند بودن در حواث خراب: زلزله، سیل
هفته سوم	درس ۳۰: مصؤن در اطراف حیوانات خانگی و وحشی
هفته چهارم	درس ۳۱: مصؤن در خانه و جاهای شخصی

ماه ششم

هفته اول	درس ۳۲: مصؤن در جاهای عامه: (سرک ها)
هفته دوم	درس ۳۳: مصؤن در ساحه فرش شده با ماین و دارای، راکت، تفنگ، و مهمات
هفته سوم	درس ۳۴: مرور فصل سوم
هفته چهارم	مرور درس های قبلی

ماه –- هفتم فصل چهارم: قدردانی تنوع

هفته اول	درس ۳۵: بخش ها کل را تشکیل میدهد: تنوع در زنده گی (، هنر، قصه ها، طرز لباس و، غذا)
هفته دوم	درس ۳۶: تنوع نژادی
هفته سوم	درس ۳۷: تنوع زبان (دری، پشتو، ازبکی، انگلیسی)
هفته چهارم	درس ۳۸: تنوع مذهبی (شیعه، سنی،)

ماه هشتم

هفته اول	درس ۳۹: تفاوت در عین گروپ
	درس ۴۰: تشابه در داخل گروپ های مختلف
هفته دوم	درس ۴۱: تنوع بحیث غنا مندی
هفته سوم	درس ۴۲: مرور فصل چهارم
هفته چهارم	مرور فصل چهارم و تمام دوره

ماه نهم–- یک دوره ۱۵ روزه امتحانات... بعداً رخصتی

نمونه پلان درسی هفته وار و روزانه

فصل اول: هم زیستن و کار باهمی بطور صلح آمیز

هفته اول	درس ۱: زنده گی خوب با دیگران

تصویر، لغات کلیدی: جامعه، شرکت، همکاری

درس ۲: دانستن اینکه چطور از صنف درسی یا خانه بشکل مشترک استفاده نمائیم.

به اساس تقسیم اوقات روزانه، اگر مضمون مهارت های زنده گی هروز تدریس شود و شش روز در هفته (بجز از روز های رخصتی) باشد، پس در این هفته باید سه ساعت به درس اول، و سه ساعت به درس دوم داده شود. در اخیر هر هفته مرور درس های هفته، همچنان مرور فشرده درس های قبلی در ساعات درسی این مضمون باید گنجانیده شود.
یک درس شامل موضوعات ذیل با جزئیات بیشتر بشمول زمان برای هر بخش.

۱. مرور درس قبلی- معلومات و یا مهارت های آموخته شده که با درس امروز ارتباط دارد (رهنمایی معلم یا سهم فعال شاگردان)
۲. تصویر کلی، نظریات، لغات برای موضوع امروز- ارتباط دادن شان با دانش و دروس قبلی.
۳. فعالیت ها برای آموزش شاگردان: بخش تعیین شده برای خواندن، حل مشکل، تمرینات، بحث، نوشتن، سوالات، (سوالات را که شما در درس استفاده خواهید کرد قبلاً ترتیب نمایید).
۴. تمرین ارزیابی برای امتحان نمودن کار شاگردان، سوال برای فهمیدن، دادن یک فعالیت ارزیابی مثل امتحان کوچک و یا تمرین تحریر شده که برای تجدید پلان به روز بعدی از آن استفاده شود.
۵. تمرین ارزیابی... بطور رسمی یا غیر رسمی برای معلم در قضاوت از موثریت درس مساعدت میکند.

فصل اول: هم زیستن و کار باهمی بطور صلح آمیز

هفته اول. درس اول: سازگار ی در زنده گی با دیگران
تصویر، لغات کلیدی: جامعه، شرکت و همکاری
مواد مورد ضرورت: کتاب درسی، تصویر فامیل ها، تصویر خانه افغانها و دیگران، تصویر مکاتب، صنوف درسی، و شاگردان در کار.
به لغات دیگر در کتاب درسی نگاه کنید که به تشریح و بررسی نیاز دارد

روز اول: وقت صنف ۴۰ دقیقه

- دقیقه: آغاز صنف با کار های که روزمره مورد استفاده است.
- دقیقه: معرفی درس و در صورت ضرورت تشریح پلان درسی.

این درس بخشی از فصل هم زیستن و کار باهمی بطور صلح آمیز است. در این هفته ما درمورد آنکه چطور بطور صلح آمیز با یکدیگر زنده گی کنیم و چطور جای را در خانه و مکتب بشکل مشترک مورد استفاده قرار دهیم، فکر خواهیم کرد.

ما اکثر اوقات تعداد زیاد مردم را در جا های خود، مثل فامیل بزرگ در یک خانه کوچک، تعداد زیاد شاگردان در مکتب خود، تعداد زیاد شاگردان در یک صنف درسی کوچک داریم. هم زیستن و کار باهمی بطور صلح آمیز نیاز به همکاری و احترام به دیگران دارد.

- ۲۵ دقیقه: فعالیت در گروپ کوچک – ۲ یا ۳ شاگردان خاموشانه بایکدیگر درمورد وظیفه ذیل صحبت مینمایند.
- ۵ دقیقه: رهنمایی: بعد از اینکه گروپ ها تنظیم شد، برای شان بگوید تا بایکدیگر آزمایش هوش کنند و یک لست که چطور فامیل شان در خانه کار ها و مسؤلیت ها را تقسیم میکنند ترتیب نمایند. برای این بخش ۵ دقیقه و یا کمتر از آن تعین شده است. تصمیم بگرید که چه وقت نوشتن لست را توقف بدهید، زمانیکه بحث بین شاگردان خاموش شده میرود وقت ختم میشود.
- ۵ دقیقه: یک شاگرد را در هر گروپ موظف بسازید تا لست را بخواند. گروپ های دیگر را وظیفه بدهید که مطالب لست هر گروپ را که قبل از ایشان میخوانند چک نمایند تا مطالب تکرار نشود. اگر گروپ ها بیشتر



باشد تمام شانرا فرا نخوانید، بلکه به همان تعداد که شما برای شان وقت دارید انتخاب نمایید. از دو شاگرد تقاضا نمایید تا در روی تخته یا در ورق پیشنهادات را یادداشت نمایند.

- ۱۵ دقیقه: بحث تمام صنف – بعضی مشکلات که شما در زنده گی تان در خانه تجربه نموده اید کدام ها است. مشکلات با برادر یا خواهر کوچک؟ مشکلات با برادر یا خواهر بزرگ؟ مشکلات برای دریافت جای با امن برای نگهداری چیز های مربوط تان؟ در لست پیشنهادات خوب برای شریک ساختن جای در خانه کدام ها است؟ آیا ما کدام مشکل در شریک ساختن جای در مکتب یا صنف داریم؟ اگر چنین است، پس مشکلات چه است؟ پیشنهادات خوب برای سهیم ساختن جای و منابع در صنف چه خواهد بود؟ ما درمورد روز دیگر بحث خواهیم نمود.
- ۵ دقیقه: رهنمایی های دادن کار خانگی برای شاگردان: ما در دو روز بعدی درمورد اینکه چطور در خانه، صنف و جامعه بطور صلح آمیز زنده گی کرد درس خواهیم خواند.
- کارخانگی: اگر شما اجازه دارید، یک تصویر فامیل تان، یک تصویر از مجله یا اخبار فامیل ها، خانه ها و اطفال را در صنف بیاورید. به شما اجازه میدهیم تا تصاویر تانرا بایکدیگر شریک بسازید، بعداً میتوانید به خانه ببرید. ما میتوانیم از تصاویر مجله یا کتاب ترتیب کنیم.

اگر شما نمی توانید تصاویر پیشنهاد شده را بیاورید، پس در یک ورق X۸,۵ ۱۱ یا بزرگتر از آن خانه و اعضای که در آن زنده گی میکنند ترسیم نمایید. یک پراگراف درمورد رسم تان بنویسید. حتی اگر شما تصاویر فامیل تان یا از مجله را میاورید، شما میتوانید این کارخانگی را انجام بدهید. ما تمام رسم ها را بالای دیوار نصب میکنیم.

وقت باقی مانده: مواد را کنار گذاشته و فصل کتاب درسی را بخوانید. اگر کتاب درسی کافی در صنف نمی باشد و شاگردان که کتاب ندارند و یا کتاب را شریک ساخته نمی توانند باید رسم خانه و فامیل خودرا بکشند.

روز دوم درس اول دوام دارد: شریک ساختن جای در خانه

- ۵ دقیقه: جزئیات احوال پرسی و حاضری
- ۵ دقیقه: مرور عنوان درس دیروز. معین بسازید که کی کارخانگی داشت: تصاویر فامیل، مجله یا تصاویر دیگر، رسم های خانه.
- ۱۰ دقیقه: کسانی که کار خانگی را انجام داده اند باید برای شان اجازه داده شود تا آنرا در صنف پیشکش نمایند. سه دسته شاگردان را با دو یا سه نفر در یک گروپ انتخاب نموده تا کارهای خانگی را بالای دیوار تنظیم نمایند. کمیته های شاگردان باید مواد را در کتگوری های که آنها بعداً بتوانند پیشکش نمایند، با دیدن هر تصویر و رسم آنرا شناسایی کرده و تنظیم نمایند. زمانیکه کار به شاگردان دیگر داده میشود، این کمیته ها میتوانند کار خودرا در اخیر صنف یا در کنار صنف انجام بدهند. برای این وظیفه ۱۰ دقیقه بدهید.
- ۱۰ دقیقه: زمانیکه کمیته ها مواد را برای دیدن دیگران تنظیم میکنند، اعضای که رسم خانه و یا فامیل خودرا نکشیده اند در همین جریان انجام بدهند. اگر آنها کار خود را انجام ندادند، آنها فردای آن روز در وقت اضافی انجام خواهند داد.
- ۱۵ دقیقه: رسم های نو را جمع نموده و آنها را تا فردا در یک گوشه بگذارید. بعداً موضوع را به آواز بلند بخوانید. هنگامیکه تمام صنف گوش بدهند آنرا بخوانید، ویا طریقه بهتر آن که صنف را به گروپ های ۵ یا ۶ نفری تقسیم کنید و در هر گروپ یک نفر موضوع فصل را به آواز بلند به گروپ شان بخواند. از آنها بخواهید تا لغاتی که آنها آنرا نمی دانند و یا نمی فهمند معین بسازند. یک شاگرد را در هر گروپ تعیین کنید تا آن لغات را بنویسند.



- ۵ دقیقه: در ۵ دقیقه اخیر ختم صنف تنظیم خواهد شد. اوراق و کتاب ها را کنار گذاشته، تنظیم تصاویر را ختم نموده و تصاویر نو را جمع کنید. به شاگردان درمورد آموزش شریک ساختن خانه شان بطور صلح آمیز خاطرنشان شود. فردا فوکس یا تمرکز درمورد شریک ساختن مکتب بطور صلح آمیز خواهد بود.

روز سوم: درس دوم: فهمیدن آنکه چطور خانه و صنف را شریک ساخت.

- ۵ دقیقه: با صنف احوال پرسی نمایید و به شیوه دوستانه سوال جواب نموده و حاضری را بگیرید.
- ۵-۱۰ دقیقه: فعالیت های درس دو روز قبل را تکرار نمایید. درمورد آن که حال آنها چطور درباره جای در خانه فکر میکنند و چطور هر عضو فامیل شان درمورد شریک ساختن جای فکر میکنند، بحث نمایید. نتایج طوفان مغزی روز اول را مرور نمایید و از آنها بپرسید که آیا آنها هم نظر اند و یا در قسمت شریک ساختن جای مشکل داشته و راه های حل برای مشکلات دارند.
- ۱۰ دقیقه: صنف را به گروپ های ۳ نفری تنظیم نموده تا درمورد مشکلات شریک ساختن جای که آنها باور دارند در صنف و مکتب رخ میدهد، فکر نمایند. یک گروپ را انتخاب نمایید تا همان مشکلات را یادداشت نمایند.
- ۱۰ دقیقه: شاگردان لست شان را در صنف میخوانند، حتی اگر بعضی چیز های آن تکراری باشد.

به دو تن از شاگردان بگویید تا همینکه لست ها خوانده شد اقلام را در یک ورق کلان یا روی تخته بنویسند، در این هنگام که یک شاگرد گزارش میدهد از چیز های مختلف یادداشت بگیرید. اگر بعضی چیز ها بسیار مشابه میباشد، فقط روی تخته بنویسید و بار دیگر اگر تکرار میشود فقط یک نشانی در پهلوی آن بگذارید.

- ۱۰ دقیقه: پنج یا شش مشکل جدی شریک ساختن جای در مکتب یا صنف را انتخاب نموده و از صنف راه ها حل آنرا بپرسید.
- ۵ دقیقه: آماده گی برای رفتن به طرف خانه. برای کسانیکه فرصت خواندن فصل ۱ و ۲ را نداشته گفته شود تا کتاب شان را در خانه بخوانند. و به شاگردان بگویید که فردا در صنف تمرکز بالای مشکلات شریک ساختن جای در خانه، و مشکلات مهم دیگری مثل کشمکش های مکتب که میتواند توسط صنف و رفتار شاگردان از آن جلوگیری شود.

روز چهارم:

- ۵ دقیقه: احوال پرسی با صنف و در صورت ضرورت گرفتن حاضری-- این میتواند بشکل غیر رسمی در جریان ساعت درسی صورت بگیرد. یاد آوری از درس امروز درمورد زنده گی صلح آمیز در مکتب و انکشاف قوانین صنف برای همکاری در صنف.
- ۱۰ دقیقه: خواندن خاموشانه فصل دوم کتاب - یا خواندن با یکدیگر اگر کتاب های درسی کم باشد.
- ۱۰ دقیقه: تکرار مشکلات لست شده دیروز که کشمکش ها در مکتب، مشکل خواندن، شریک ساختن جای و مواد مکتب را تشریح میکند با تمام صنف بررسی نمایید. بعداً صنف را به گروپ های پنج نفری تقسیم نموده تا درمورد پنج مشکل که برای شاگردان بیشتر مهم است و یا شما (معلم) از لست دیروز انتخاب کرده بودید بررسی نمایند. آنها باید قوانین شان را روی ورق بنویسند.
- ۱۰ دقیقه: گروپ ها درمورد قوانین که آنها برای تطبیق آن در صنف پیشنهاد نموده اند، گزارش میدهند. معلم از جمله چند قوانین برای صنف تایید میکند یا چند قوانین را رد میکند. اگر بعضی آنها مخالف قوانین باشد، آنها باید آنرا بدون سروصدا و کلمات شکننده به دیگران توضیح بدهند. قوانین که توسط معلم انتخاب شده است باید با ارتباطات صلح آمیز و شریک ساختن صنف و وقت ارتباط داشته باشد... نه آن قوانین که فقط برای راحتی معلم باشد.

- ۵ دقیقه: آماده گی برای ختم صنف. از داوطلبی در صنف بپرسید تا چیزی که آنها در طول یک هفته آموخته اند گزارش بدهد. اول آنها چه چیز ها که برای شان مهم باشد یاد آور میشوند؟

آنها را آگاه بسازید که در دنیا امروزی باهم زیستن بطور صلح آمیز از خانه آغاز میشود. مکتب جای دوم برای شریک ساختن بطور صلح آمیز و عادت های صلح آمیز با دیگران است. پس دایره شامل جامعه، ملت، و دنیا میباشد. صلح در دنیا با هر شخص - با هر شاگرد آغاز میشود. امشب درمورد این موضوع با فامیل تان فکر نمایید. که به یک فضای صلح یا فضای قهر، خودپرستی، و کشمکش چطور کمک کرده میتوانید.

روز پنجم:

- ۵ دقیقه: احوال پرسی و صحبت دوستانه. از پیشنهاد و موافقت بالای قوانین صنف شاگردان را با خبر بسازید.
- ۱۵ دقیقه: مشکلات پیشنهاد شده دیروز و قوانین پیشنهاد شده برای حل مشکلات را تکرار نمایید. از شاگردان بخواهید تا درمورد هر یک از قوانین صحبت نمایند و بگویند که چرا این قانون مفید است. بپرسید که اگر کسی درمورد موافق نیست و توضیح بدهد که چرا. درمورد هر قانون پیشنهاد شده صحبت نمایید و بعداً از شاگردان بپرسید که چطور تصمیم باید گرفت. راه های ممکن... رأی دهی ذریعه بلند کردن دست با تصمیم اکثریت، یا معلم تصمیم بگیرد، و یا کمیته پنج نفری قوانین انتخاب شود تا درمورد تصمیم بگیرند. صنف در هر سه پیشنهاد رأی خواهد داد.

  همینکه رأی در پروسه معین شد، بعداً درمورد تصمیم صنف اقدام نمایید. اگر تمام صنف آماده برای رأی به هر قانون باشند، آنرا به شکل موثر آن بدون بحث های بیشتر انجام بدهید.
- ۵ دقیقه: قبل از بحث در گروپ های کوچک، با تمام صنف بگویید که حقایق شریک ساختن منابع و جای در جامعه یک حالت است نیاز به گفتگو با ملاحظه، تصمیم جامعه و قوانین مثل قوانین صنف دارد. یک جامعه کدام نوع مشکلات را در شریک ساختن جای و منابع دارد؟ با صنف همکاری نمایید تا درمورد آب، مسکن، استفاده از مزرعه، راه ها، برق، چیز های یکبار مصرف، شرکت های تجارتی، و دیگر چیز ها فکر نمایند.
- ۱۰ دقیقه: از شاگردان بخواهید تا در گروپ های پنج نفری راه های را که در آن جامعه در استفاده جای و منابع بایکدیگر همکاری می نمایند، لست کنند. کدام خدمات را جامعه برای فامیل ها یا مردم به منظور ممکن ساختن زنده گی باهمی بطور صلح آمیز و همکار، فراهم میسازد؟
- ۵ دقیقه: گزارش فشرده از گروپ ها
- ۳ تا ۵ دقیقه: فعالیت های امروز صنف مثل خواندن...، گرفتن تصامیم درمورد قوانین صنف، فکر نمودن درمورد آن که چطور جامعه یکجا باید کار کنند تا منابع و جای را شریک بسازند، خلاصه نمایید. فردا روز ششم صنف فرصت برای نقش بازی کردن رفتار و سلوک مثبت و منفی شریک ساختن جای در فامیل و مکتب خواهد داشت.

روز ششم: ختم فصل دوم: متیقن باشید که شاگردان از تصاویر فامیل ها، رسم ها و توضیحات فامیلی، و تصاویر که از مجله یا منابع دیگر گرفته شده، لست های که در دیوار صنف برای شان ترتیب شده اند دیده و لذت میبرند. همین چیز ها را برای هفته دیگر نگهدارید تا که عکس های فامیل ها بزودی برگردانیده شوند. قوانین صنف باید در یک چارت روی کاغذ نوشته و بالای دیوار آویزان شود.

- ۵ دقیقه: احوال پرسی و آماده گی برای ساعت درسی. امروز ما درس شریک ساختن جای، برخورد خوب با دیگران بطور صلح آمیز را ختم خواهیم کرد. ما هفته دیگر درس توجه برای دیگران ذریعه دانستن سلوک و



رفتار شان، حساس بودن در مقابل احساسات و نیاز مندی های شان را شروع خواهیم کرد. ما به سلوک و رفتار خود نیز مینگریم تا خودرا خوبتر بشناسیم، بدانیم که چه ما را غمگین میسازد، و چطور میتوانیم بالای همان احساسات بدون عصبانی شدن بالای دیگران غالب شویم.
مگر امروز ما نقش های را بازی میکنیم که رفتار و سلوک مثبت و منفی را در مورد شریک ساختن جای و منابع نشان بدهد.

- ۳۵ دقیقه: هر شخص باید در گروپ ها برای نقش بازی کردن یک وضعیت شرکت نماید. ما صنف را به گروپ های پنج نفری تقسیم میکنیم. شما پنج دقیقه دارید تا درمورد یک مشکل تصمیم بگیرید که چطور آنرا پیشکش نمایید. هر عضو گروپ یک نقش را بازی خواهد کرد. شما ۳ تا ۵ دقیقه وقت برای پیشکش و چند دقیقه برای نظریات اعضای صنف خواهید داشت.

عناوینی که باید تعیین شود: (بعضی این ها بخاطر حل مشکلات شاگردان که در مباحث قبلی در مورد آن اشاره شده بود، تغییر خواهد یافت).

۱. منفی: یک اوضاع فامیلی که در آن شما تحت فشار بوده و خشمگین شده اید، بخاطریکه شما جای برای نگهداری اوراق مکتب نه داشته اید، یا کار خانگی خودرا انجام بدهید. (قهر، به شکست مواجه شدن نتایج با کشمکش فامیلی).
۲. مثبت: مثل موضوع بالا، حل قابل قبول را پیشکش نمائید.
۳. طرف منفی: یک اوضاع فامیلی که در آن خواهر یا برادر شما چیز های تان را گرفته استفاده میکنند یا گم میکنند نتایج آن عصبانی شدن است.
۴. طرف مثبت: مثل موضوع بالا، مگر با حل بحث مثبت.
۵. منفی: یک اوضاع مکتب که در آن یک شاگرد چیز های شما را مثل پنسل ها، کتاب ها و مواد دیگر مکتب را میگیرند- نتایج خراب دارد.
۶. مثبت: عین اوضاع، مگر با حل بحث مثبت.

مثال های دیگر؟

اگر شش گروپ باشد، به عجله کار نموده مگر در اخیر پیشکش برنامه وقت برای بحث کوتاه توسط شاگردان درمورد نقش (منفی یا مثبت) پیدا کنید- و حل آن.

۵ دقیقه: به پایان رساندن صنف و ارزیابی. یاد آور شوید که هفته بعدی درس با خواندن و صحبت نمودن درمورد احساسات و چطور احساسات منفی و سلوک خراب را کنترول کرد آغاز خواهد شد.

ارزیابی: به هر شاگرد یک دقیقه وقت بدهید تا یک جمله درباره چیزی که در این هفته درمورد شریک ساختن جای آموخته اند بنویسند. نام ها باید در اوراق باشد. معلم بعداً آنها را میخواند و آنها را دسته دسته در جای میگذارد. معلم بعداً تفاوت ها بین شاگردان را که چطور هدف درس های این هفته را فهمیده اند بررسی نموده و بعضی یادداشت ها را ترتیب میدهد تا دریابد که اگر موضوعات مهم که شاگردان آنرا تذکر نداده اند نیاز به تکرار و وادار ساختن دارد.

بطور مثال، نصاب تعلیمی افغانی برای مضمون فزیک صنوف ۷،۸ و ۹ که با بیشترین عناوین بدون جزئیات پلان درسی یا صفحات کتاب درسی، در زیر داده شده است. این مثال به مقصد مجهز ساختن معلمان با سلسله عناوین (گرچه ناتکمیل است) از چیزیکه شامل فعالیت های آموزش زنده گی شاگردان (تجربه و توضیحات) و راه های بررسی فهم



شاگردان و ارزیابی آموزش میباشد، معلم تقسیم اوقات اش را ترتیب میکند. اجازه بدهید که یک نظریه راه های مقدماتی بررسی نصاب تعلیمی دو دوره مضمون فزیک صنف هفتم داشته باشیم. عناوین نصاب تعلیمی قرار ذیل لست شده اند.

اول، معلم نیاز دارد تا بداند که قبل از رفتن به فهرست زیاد مواد دوره اول شاگردان چه را میدانند. یک امتحان قبل شروع درس در اولین روز ها معلم را کمک میکند تا از توانایی و ضعف شاگردان باخبر شود. حتی با مشغول ساختن شاگردان در کار مشترک بالای مشکلات و معلومات درمورد آن که چطور شاگردان به آن رسیده گی میکنند یعنی زمانیکه چانس برای شان داده شود تا یک دیگر را کمک کنند.

بعداً فکر کنید که یک و نیم هفته گذشت، و دو دوره آزمایشی را پلان نمایید، چند روز برای ختم هر فصل بدهید تا موضوع را مرور کنید، یا در صورت ضرورت دوباره تدریس کنید، و نتایج آموزش را ارزیابی نمایید.

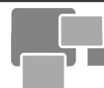
هفت فصل است، مگر ما نمیدانیم که آیا هر کدام آنها در اهمیت، ترکیب و ارزش مساوی اند. بطور مثال ما فکر میکنیم هر فصل دارای عین وقت است.

در یک سال تعلیمی ۸ ماه درس و یک ماه امتحانات (۱۵ روز + ۱۰ روز رخصتی) است، ۳۲ هفته با ۶ روزه درهفته (رخصتی ها بعداً جدا میشود) با یک مجموعه تخمینی ۱۹۲ روز خواهد بود. اگر ۳ روز برای مرور و ارزیابی بعد از هر فصل (یعنی ۷ فصل) داده شود، پس ۳۰ روز برای این مضمون که شامل یک هفته تدریس قبلی، ۳ روز بعد از هر فصل برای مرور و ارزیابی نیاز است که در هنگام تهیه تقسیم اوقات سالانه اضافه شود.

به منظور جلوگیری از اغتشاش، ۳۰ روز را از مجموع ۱۹۲ روز سال ۹ ماهه (X۸ ۴ هفته X۶ روز مساوی به ۱۹۲ روز) کم کنید. حال ۱۶۲ روز باقی میماند که به ۷ فصل تقسیم شود. در حدود ۲۱ روز برای هر فصل جمع ۳ روز مرور و ارزیابی که مجموعاً ۲۴ روز میشود. تقریباً ۴ هفته برای هر فصل میشود. اگر عناوین مساویانه مشکل داشته باشند این یک فرضیه قابل قبول برای نصاب تعلیمی است.

پلان فصل اول را برای تشریح فزیک از هفته ۲ تا هفته ۵، فصل دوم را از هفته ۶ تابه هفته ۹، فصل سوم را از هفته ۱۰ تا ۱۳، فصل چهارم را از هفته ۱۴ تا ۱۷، فصل پنجم را از هفته ۱۸ تا ۲۱، فصل ششم را از هفته ۲۲ تا ۲۵، فصل هفتم را از هفته ۲۶ تا ۲۹ آغاز نمایید. در۸ ماه یک سال تعلیمی ۳ هفته باقی میماند که برای وقت ضایع شده در یک سال تعلیمی استفاده خواهد شد. پلان به شکل تنظیم شود که یک فصل در اخیر دوره اول باقی نماند. بطور مثال در این پلان نیاز است تا فصل چهارم بجای چهار هفته در سه هفته ختم شود، بخاطریکه بخشی از فصل دوم به دوره دوم باقی نماند. از طرف دیگر فصل چهارم مکمل به دوره دوم انتقال شود زیرا در دوره دوم سه هفته اضافی داریم. در دوره اول به نسبت ماه رمضان درس کم میشود.

هرگاه ساختار کلی برای فهرست تمام هفته ها سال مکمل تعلیمی طرح ریزی شود، باید هر یک چیز بشمول رخصتی درنظر گرفته شود، و پلان های درسی ماهانه، هفته وار و روزانه با مرور و ارزیابی طرح ریزی شود.



فزیک صنف هفتم فصل اول	لست فهرست، صنف هشتم فزیک صنف هشتم فصل اول	فزیک صنف نهم فصل اول الکترو ستاتیک
طبیعت، فزیک و خواص فزیکی اشیأ. ماده فضا، وزن، کثافت، حجم	اهتزازات و موج اهتزازات موج	برق مقناطیس مقناطیس برقی الکتریکی کیمیای
	فصل دوم	
حرکت، قوه، کار و انرژی ویکتور	خصوصیات زمین صدا	جریان برقی ساحه مقناطیسی جریان برقی
	فصل سوم	
چرخه چاه سطح مایل	نور انعکاس نور آیینه ها انعکاس نور معرفی زمین و مهتاب	قوانین دست راست واحد مقدار برقی جریان برقی ای سی و دی سی وسیله اندازه گیری
	فصل چهارم	
غلظت، وزن خالص و حرکت شی		
	فصل پنجم	
فشار فشار چیست؟ فشار و سطح		
	فصل ششم	
حرارت انواع ترمامتر تبادله و انتقال انرژی حرارتی انبساط حرارتی		
	فصل هفتم	
معلومات درمورد زمین و بخش های آن زمین، اتومسفیر و فشار آن		

پلان اساسی برای پارچه ساختن اهداف و وقت برای نصاب تعلیمی موضوعات فزیک صنف هفتم که در حال حاضر مهم پنداشته شده است. موضوعات اصلاح نصاب تعلیمی یا متیود تدریس را مطرح نمی کند. به هر صورت، اصلاح نصاب تعلیمی یک پروسه طولانی است که در آن بسیاری متخصصین و کتاب نویسان مشغول اند. ضمناً شاگردان هستند که تدریس شوند. معلمان به پلان درسی خود با تسلسل با چیز های قابل دسترس باید ادامه بدهند. مرحله اول اینکه بدانیم تا کدام عناوین باید تدریس شود، به کدام ترتیب، و به کدام شدت، و چقدر وقت برای هر عنوان تخصیص

داده شود. این یک تقسیم اوقات و نقشه نصاب تعلیمی را تهیه خواهد نمود. مرحله دوم بررسی آموزگاران و اینکه چطور آنها خوبتر میاموزند میباشد. این در قسمت ترتیب پلان درسی و استفاده پیداگوژی کمک خواهد نمود. پیداگوژی پیشرفته برای معلمان مضامین خاص دوره متوسطه باید دارای میتود تدریس باشد که شاگردان را درعرصه آموزش، هنگامیکه شاگردان قوه درک و توانایی استفاده از دانش شانرا در مسلک آینده و زنده گی روزمره خود گسترش میدهند، تشویق نماید. این تخنیک ها شامل رسیده گی به قوه درک فراتر(دانستن اینکه چطور یک شخص بطور انفرادی میاموزد)؛ لابراتوار تجربوی عملی یا تمثیل؛ استفاده تکنالوژی ساده و پیشرفته؛ آموزش در گروپ های کوچک یا حل مشکل نسبت به لکچر دادن؛ تاکید بالای آموزش و یادگیری انتقادی نسبت به حفظ کردن حقایق، سنه ها و ترمینالوژی میباشد.

نتیـــجه گیری

این یک فصل مشکل برای خواندن و بحث کردن است. فهمیدن بر نکات عمدهٔ نصاب تعلیمی بحیث یک وسیله برای آموزش است که تجدید، توسعه و تغییر آن در افغانستان مثل کشور های دیگر دنیا باید ادامه داشته باشد. تیوری های انکشاف نصاب تعلیمی توضیح میدهد که چطور جامعه مضامینی را که در مکاتب تدریس شود انتخاب میکنند. پالسی های دولت یک نصاب تعلیمی ملی معیاری را میپذیرد، مگر معلومات واقعی که باید تدریس شود، از طریق ورکشاپ های آموزشی، و کتب درسی به معلمان واگذار میشود. معلمان به هر صورت آخرین اشخاص در کنترول آنکه چه باید تدریس شود هستند. آنها معمولاً نمی توانند رسیده گی به تمام مواد کتب درسی کنند، و بعضی اوقات آنها با بعضی عناوین آشنایی کامل نداشته تا آنرا به صورت درست تدریس نمایند. چیزی که شاگردان در مکتب میاموزند ارتباط به معلم میگیرد نه به نصاب تعلیمی و کتب درسی. معلم است که اطفال و جوانان را تدریس میکند نه کتاب درسی. شاگردان با دیدگاه ها و تجارب مختلف، توانایی ها و علاقمندی های متفاوت، حتی شیوه های متفاوت آموزش و درجه انکشاف، به مکتب آورده میشوند. آنها دانش شانرا از چیزی که برای شان آماده میشود حاصل می کنند، مگر تمام شاگردان از چیزی که معلم به آنها تدریس میکند و آنها میاموزند در فهم کمی تفاوت دارند. چیزی را که شاگردان میفهمند و بخاطر میداشته باشند، به محیط صنف، میتود های که توسط معلم استفاده میشود، و عوامل دیگری پیشبینی نشده و نامعلوم به هردو معلم و شاگرد ارتباط دارد. معلم فقط میتواند از موفقیت اش با استفاده از استراتیژی ها و ارزیابی های مختلف قضاوت نماید. فصل بعدی به اهمیت ارزیابی که در تعلیم و تربیه جریان دارد، متمرکز میشود. بطور خلص به معنا رسیدن به تصویر کلی انکشاف شاگردان نه از طریق اتکا کردن به امتحان اخیر سال، بلکه از طریق جمع آوری معلومات از فعالیت های مختلف آموزش و دادن نظریه به شاگردان تا آنها را در انکشاف آموزش کمک نماید و مسؤلیت را به عهده بگیرند.

ادامه فصل بعدی ارزیابی آن است که امتحان شما را چطور بحیث یک معلم انکشاف بدهد. فلسفه اخذ امتحان این است که چیزی که شما از شاگردان تان میخواهید که بیاموزند باید مطابقت کند. امتحان شما نباید بالای چیز های غیر مهم، اطلاعات مبهم و سوالات فریبنده تمرکز کند، بلکه شما باید بالای اهداف تدریس و آموزش تمرکز کنید.



روز دهم

کتاب رهنمای ترینگ عالی و معاصر در پیداگوژی

عنوان: تهیه نصاب تعلیمی و تطبیق استراتیژی ها در صنف برای معلمان

اهداف: اشتراک کننده گان قادر به

- درمورد راه های که نصاب تعلیمی در آن معین شده باشد خواهند شد- منابع گزینش ها
- توضیح اهمیت داشتن نصاب تعلیمی ملی خواهند شد.
- تشریح راه های که در آن نصاب تعلیمی به جامعه و ولایات تطبیق شده بتواند، میشوند.
- ایجاد پلان ها برای تدریس مضامین به گروپ خاص در تمام سال، یک دوره و یک هفته خواهند شد.
- طرح پلان درسی روزانه، دانستن بخش های لازمی پلان، و توضیح اهمیت آن که چرا پلان درسی که قابل تغییر باشد، داشت.

مواد: کاغذ چارت، مارکر، تایپ

کاپی سوالات امتحان از تمام فصل تا شماره ۱۰ به هر اشتراک کننده.

کاپی نصاب تعلیمی ملی برای هر مضمون که اشتراک کننده تدریس میکند. کاپی کتب درسی برای همان مضامین. این معلومات باید در روز اول در جریان ثبت نام و پلان ها برای روز دهم جمع آوری و در لست یادداشت مربیان گذاشته شود.

وقت	فعالیت
۸:۳۰- ۸:۳۵	قرائت قرآن کریم
۸:۳۵- ۹:۱۰	ارزیابی آموزش: امتحان کوچک از فصل گذشته. (به ضمیمه مراجعه کنید)

۱۰ دقیقه برای امتحان کوچک؛ ۵ دقیقه برای چک کردن جوابات، و ۱۰ دقیقه برای بحث در گروپ های ۳ تا ۵ نفری.
معرفی مفاهیم فصل دهم (مربی ۵ دقیقه)

گزارش پنج نفر که قبلاً برای پیشکش نقاط عمده بخش های ذیل تعیین شده اند. (۵ دقیقه هر کس باید ورق چارت که قبلاً برای نقاط کلیدی موضوع شان ترتیب کرده اند، داشته باشند).

۱. ارتباط بین نصاب تعلیمی و درس
۲. اساسات برای پلان نصاب تعلیمی
۳. معیار برای پلان، انکشاف و تطبیق نصاب تعلیمی.
۴. چطور ارزش ها بالای پلان نصاب تعلیمی تاثیر دارد.
۵. فلسفه تعلیم و تربیه اساس تصامیم نصاب تعلیمی است.

وقت	فعالیت
۹:۴۵- ۱۰:۱۵	بحث و توضیح
۱۰:۱۵- ۱۰:۳۰	وقفه چای (هر اشتراک کننده بخاطر تهیه پلان درسی یک مضمون به کتاب درسی و رهنمای نصاب تعلیمی نیاز دارد).

۱۰:۳۰ – ۱۰:۴۵	هر شخص بخش پلان درسی را میخواند (که دیاگرام را برای طرح نصاب تعلیمی در فصل تعقیب مینماید).
۱۰:۴۵– ۱۲:۰۰	هر اشتراک کننده یک کاپی نصاب تعلیمی و کتاب درسی حداقل برای یک مضمون که وی آنرا تدریس میکند ویا تدریس کرده است میداشته باشد. با پلان دوره طویل المدت آغاز می نماید. آنها با یکدیگر مشوره میکنند، مگر گروپ های رسمی برای آن تعیین نمیشود.

پلان نصاب تعلیمی سالانه طویل المدت

مراحل ذیل برای تقسیم نصاب تعلیمی لازمی در اخیر دوره به بخش های مرتب به منظور تکمیل بموقع آن بدون عجله. پلان زیر فقط برای یک مضمون است، مگر دیزاین آن (و یا دیگری که ثابت شده باشد) برای هر مضمون که شما تدریس میکنید، باید تطبیق شود. اول با تصویر کلی تمام سال را آغاز نموده، و بعداً تقسیم اوقات ابتدایی را برای هر ماه پلان نمایید. بالاخره شما تقسیم اوقات هر هفته و هر روز را ترتیب خواهید نمود.

نصاب تعلیمی ملی مضمون همان صنف که شما برای تدریس آن گماشته شده اید امتحان نمایید. قبل از مراجعه به کتاب درسی به نظریات نصاب تعلیمی نگاه کنید. چه تعداد فصل ها، بخش ها یا عناوین در نصاب تعلیمی وجود دارد؟ یک لست آنرا ترتیب دهید.

حال به کتاب درسی همان مضمون نگاه کنید. یک لست فصل ها، بخش ها یا عناوین را ترتیب دهید. مشاهده کنید که آیا کتاب درسی و نصاب تعلیمی یکسان است. آیا عناوین در هریک عین چیز است؟

آیا چیزی است که در یکی آن وجود داشته باشد و در دیگری آن نباشد؟ وظیفه شما به صفت یک معلم تدریس نصاب تعلیمی ملی نیست کتاب درسی نصاب تعلیمی ملی است، گرچه که هردو یکسان دنبال شود. لست تانرا تجدید نموده تا یک لست از عناوین مهم نصاب تعلیمی را ترتیب نموده و چیز های که در کتاب درسی شامل است نشانی نمایید. اگر بعضی آنها در کتاب درسی نیست، شما در مورد بعداً پلان نموده که چطور همان معلومات و مهارت ها را به شاگردان تان تدریس کنید.

حال لست تمام فصل ها، بخش ها یا عناوین را که شما ترتیب نموده اید به دوبخش (دو بخش مساوی) تقسیم نمایید. اگر بعضی عناوین عین چیز یا مشابه به یکدیگر است، شما میتوانید پیش از تقسیم عناوین به دو بخش مساوی، آنها را به یک عنوان (بخش) مدغم کنید.

حال هر نیم را به چهار گروپ منطقی عناوین تقسیم نمایید. این یک ترتیب خوب تدریس ماه به ماه در چهار ماه دوره اول و یک ترتیب مساوی در دوره دوم را به شما میدهد. این یک پلان طویل المدت بی ترتیب برای هردو دورۀ هشت ماهه تدریس خواهد بود.

وقت	فعالیت
۱۲:۰۰– ۱:۳۰	وقت نان چاشت و نماز
۱:۳۰– ۱:۴۵	۱۵ دقیقه گزارش و بحث انکشاف
۲:۰۰– ۲:۳۰	ادامه پلان های طویل المدت یا انفرادی که با پلان های کوتاه مدت آغاز میشود (کارخانگی را بعد از وقت چای تشریح نمایید)
۲:۳۰– ۲:۴۵	وقفه چای
۲:۴۵– ۳:۱۰	پلان های کوتاه مدت – یک ماه (۴ هفته) در یک وقت



۱. عناوین را برای ماه اول گرفته: ماه اول. لست عناوین را به چهار دسته تقسیم نمایید، برای هر هفته یک دسته.
۲. به عناوین ماه اول نگاه نموده و آنها را هفته به هفته تقسیم نمایید. درمورد این عناوین فکر نمایید که چطور آموخته شوند. کدام چیز ها برای آموختن بیشتر دشوار است؟ کدام چیز ها مهم است که در مورد بیشتر تاکید شود؟ هر چیز نیاز به عین تدریس و کوشش ندارد. بعضی مهارت ها لازم است تا قبل از مهارت های دیگر آموخته شوند. راجع به آن که چطور در هفته برای تدریس مهارت های ضروری وقت بیشتر داده شود فکر نمایید، خاصتاً اگر آنها برای فهم شاگردان مشکل است. بخاطر داشته باشید که شما در صدای دهل مارش نمیکنید که در آن شاگردان را در جا های که شما میخواهید تنظیم نموده و اهداف تانرا تدریس کنید.
۳. حال شما پلان آزمایشی مگر قابل تغییر عناوین که در چهار هفته تدریس شود دارید.

وقت	فعالیت
۳:۱۰ –۳:۱۵	۵ دقیقه برای ارزیابی فهم، برای دریافت مشکلات و داشتن راه های حل دیگر.
۳:۱۵–۳:۴۵	پلان هفته وار

حال شما یک مفکوره در مورد عناوین برای تمام ماه ها و هر چهار هفته برای ماه اول دارید. شما مشخص نمودید که کدام عناوین کوشش زیاد و وقت بیشتر برای تدریس بهتر آن دارد. حال عناوین هفته اول را گرفته و پلان هفته وار که شامل:

۱. پلان درسی روز مره
۲. میتود های خوب مورد استفاده
۳. مواد و وسایل درسی
۴. پلان ارزیابی که چطور شما تدریس نمودید و چطور شاگردان آموختند
۵. استفاده از پلان ارزیابی برای طرح بهتر پلان ها برای هفته بعدی، باشد.

وقت	فعالیت
۳:۵۰ –۳:۵۵	بحث درمورد کار مهم

کـــــار: پلان های طویل المدت، کوتاه مدت و هفته وار را تکمیل نموده و آنها را فردا بیاورید تا درمورد بحث شود.
کار خانگی امشب: فصل یازدهم– ارزیابی آموزش

وقت	فعالیت
۳:۵۵	پایان، تکمیل

فصل یازدهم

ارزیابی آموزش اصول و فعالیت ها برای معلمین

معرفی ارزیابی:

معلمین در افغانستان عادت دارند که امتحان را آخرین گزینه برای ارزیابی یا نمره (فیصدی یا درجه بندی) برای نتیجه آموزش شاگرد تشخیص میکنند. امتحان در جهان میتود بسیار عام است برای تشخیص اینکه شاگرد از محتوی نصاب آموخته یا خیر؟ با وجودیکه از امتحان بطور وسیع استفاده میشود و یک ریشه عمیق در تعلیم و تربیه هم دارد. میتود ارزیابی امتحان بیش از حد قابل استفاده بوده و ارزش سوال را دارد. اکثراً به مثل مجازات. قضاوت آخری در باره ارزش شاگرد اکثراً به اساس یادآوری؛ حقایق درک کم شاگردان را در مورد که چی آموختند بیان میکند. همین دانش را میتواند در حوادث ها یا مشکلات زندگی تطبیق کند یا خیر.

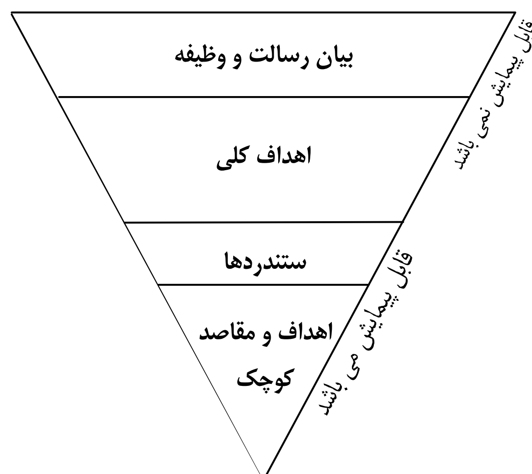
آزمون گیرنده می تواند شاگردان را به اساس حافظه و ذکاوت شان آزمون نماید، بهترین سوالات جواب کوتاه فقط میتواند یک نظریه را بدهد که شاگردان حقایق، مفاهم و بعضی مهارت ها و توانایی ها را که آموخته اند چطور باز گو نمایند.

ما هر یک در بخش آموزش دارای استعداد های متفاوت هستیم به همین لحاظ ما آموخته های خود را بطور متفاوت بیان میداریم ارزیابی عقیده وی سوالات چهار جوابه شاگردان را اجازه نمیدهد که دانش و مهارت های را که آموخته اند توضیح دهند. از طرف دیگر توان آزمون مطمئن میسازد که شاگردان یک سان مقایسه شده اند که اندازه استحکام و قابلیت آنها را بیشتر میسازد. به صورت دیگر آزمون پسندیده است که برای آزمون گیرنده خوب و به شاگردان نوبت نمیدهد که آنها بتوانند چیزی را که آموخته اند بصورت پسندیده توضیح دهند.

توصیه میشود که از ارزیابی های گوناگون و متعدد استفاده کنید: ۱- نمونه های متعدد موثر کسب گردد (متعدد) ۲- اندازه گیری های گوناگون و مناسب استفاده شود.

اندازه گیری گوناگون میتواند توسط ارزیابی شاگردان بدست آید استفاده از میتود های مختلف که برای شما اجازه میدهد تا بدانید که آیا شاگردان چیز هایی را که آموخته اند از آن استفاده میتوانند یا خیر؟

دیاگرام ذیل بیان رسالت مکتب را توضیح میدهد و مربوط به ولایت و مردم همان محل میباشد رسالت مکتب باید حد اکثر از ۵۰ کلمه تشکیل شده باشد و این رسالت بیان میکند که وقتی شاگردان از مکتب فارغ میگردند باید کدام چیز ها را بیاموزند و به کدام مهارت ها قادر شوند.



در دیاگرام واضیح نوشته شده که رسالت یک مکتب آغاز پسندیده است. برای رهنمایی، ارزیابی و انکشاف نصاب علاوه بر این رسالت میتواند رهنمای مفید برای مقایسه پیشرفت باشد که آیا پیشرفت که صورت گرفته مطابق رسالت تعین شده است یا خیر.

بیان رسالت یک مکتب وسیع است که در آن مکتب اکثراً اهداف خویش را به صورت وسیع مشخص نموده است، توقعات شاگردان مشخص شده اند همچنان مقاصد رابطه متمرکز به پلان مکتب و ولسوالی دارد.

اگر بطرف پایین دیاگرام متوجه شویم که شاگردان چی را بدانند و توان انجام آنرا داشته باشند مقاصد کوچک و هدف مشخص تر و عددی میشود، اهداف معمولاً با یک یا بیشتر مقاصد برای هر درس در سطح پلان درس نوشته میشود،

اگر به فصل های گذشته رجوع نمایید وقتیکه مطالعه و صحبت می نمایید نظریات تان را که چرا یک اجتماع تعلیم یافته را میخواهند شما با فکر روشن این فصل را مطالعه خواهید کرد. بیاد بیآورید سوال های فصل های گذشته را که شما چی عقیده دارید در مورد مقاصد تعلیم و تربیه مکاتب؛ در مورد ماهیت هر علم و دانش، روش های آموزش که شاگردان چگونه میاموزند؟ این فصل هیچ وقت برای شما بیان نمیکند که شما آزمون را به نوع ارزیابی استفاده نکنید. برای شما بیان میکند که متخصصین امروزی تعلیم و تربیه فکر میکنند که شیوه های بهتر برای تدریس و آموزش ارزیابی است.

اصطلاح «ارزیابی شاگردان» اکثراً با عبارت ارزشیابی اشتباه میشود هر دو مفهوم یکی به عوض دیگر استعمال میشود اما مختلف اند. ارزیابی بخاطر نشان دادن اینکه شاگرد چی میداند و چی میتواند انجام دهد. مگر ارزش یابی بخاطر نشان دادن ارزش یا اهمیت یک برنامه یا کورس یا برای تصمیم گیری نهائی استفاده میشود. ارقام ارزیابی در پیشرفت قرار دادن درجه شاگرد مفید است. ارزیابی همچنان برای مناظره های در مورد هدایات استراتیژی ها و نصاب استفاده میشود.

ارزشیابی تعلیم و تربیه اکثراً ارقام ارزیابی را با دیگر منابع مورد استفاده قرار میدهد تا در مورد تجدید نظر، مطابقت و یا رد کردن یک کورس یا برنامه صورت گرفته بوجود آید.

بدنه مهم تحقیق در مورد آموزش اینست که ما نمیتوانیم علم و دانش را تغذیه نماییم. علم و دانش در ذهن ما نمیتواند ریختانده شود. ما ضرورت داریم جهان خویش را از دل خود تعبیر کنیم. استفاده از معلومات که ما جمع آوری کردیم و آموختیم با تجارب خویش از جهان مقایسه می کنیم. همچنان ارزیابی از شاگردان نمیخواهد معلومات که آموخته اند تکرار نمایند. از شاگردان باید خواسته شود که درست شرح دهد به مفهوم آنچه که برای شان آموخته شده. بیشتر از آن به شاگردان نوبت دهد که در ساختن مفهوم سهم گیرند.

نکات کلیدی اینست که ارزیابی یک پروسه دوامدار است نه تنها قضاوت نهایی

نکته دیگری انواع مختلف ارزیابی موجود است فقط به آزمون محدود نیست؛ برای هر شاگرد مهم است که آموزش خویش را شرح دهد و شاگردان را کمک میکنندکه بالای موانع آموزش فایق آیند. هدف نهائی پیدا گوژی به تمرینات پسندیده ارتباط دارد که به شاگردان میآموزند که آموزش را خود شان ارزیابی نمایند تا اهداف آموزش را تعین نمایند و مسؤلیت پیشرفت اهداف که خود شان میتوان تعین کند بسازند. تکنیک های مختلف ارزیابی مورد بحث قرار خواهد گرفت بعضی آن برای شما مفید خواهد بود. بر شما راه های را نشان میدهد که چی را شاگردان شما آموختنه و حال آنها به آموزش چی نیازخواهند داشت.

به صورت واضح ارزیابی به اهداف تعلیم وتربیه ملی، ستندرد های معلمین، ستندرد های نصاب و توقعات آموزش معلم ارتباط دارند.

بخاطریکه رسیدن به نتایج ارزیابی آموزش که هدف طولانی دارد شاگردان را جداً متاثر میکند: مسؤلیت معلم است که آموزش شاگرد را بصورت درست و مناسب به اساس ثبوت حاصل شده از محتویات مختلف و کاربرد ها گزارش دهد.

حالا بسوی کار حقیقی فهم ارزیابی آ موزش شاگردان میرویم

شایستگی معلم: معلمین شایسته انواع مختلف میتود های ارزیابی را بکار خواهند برد تا معلومات مفید را در مورد آموزش و پیشرفت شاگرد و ارزیابی نمودن شاگردان که پیشرفت خویش را منعکس سازد.

اندازه گیری فهم و پیشرفت شاگردان در جریان تدریس که مرکز سعی و کوشش شاگردان است گزیده شده است. معلمین لایق و شایسته ارزیابی را به نظر یک بخش کامل از هدایات که برای شاگرد و معلم مفید است نه تنها برای نشان دادن پروسه درجه دهی، همچنان از ارزیابی هر شاگرد اهداف و هدایات برنامه تربیتی تکامل میابد. معلمین میدانند که ساخت ارزیابی خوب برای فرصت های شاگردان آموزش پر مفهوم را تهیه میسازد.

در نتیجه ارزیابی یک پروسهٔ مداوم برای تهیه اساس تصامیم در دوره های طولانی و کوتاه مدت است در داخل صنف. یک ارزیابی کننده لایق و ماهر در یک صنف میتواند مهارت و توانایی های شاگردان را از طریق خواندن، شرح دادن و انجام دادن کار های آنها با استفاده از میتود های مختلف ارزیابی نموده و اندازه پیشرفت انفرادی شاگردان را دریافت نماید. لایق و مستحکم است که توانای شان تمیز میشود در خواندن و شرح نمودن کار، رویه درست و سریع شاگرد. آنها ماهر اند در ارزیابی به ذریعه میتود های گوناگون ارزیابی میکند، وضعیت جداگانه شاگردان و درجه پیشرفت آنها و همچنان پیشرفت صنف در مجموع.

معلمین از معلومات در مورد پیشرفت شاگردان خویش برای موفقیت ارزش یابی نسبی تدریس از آنچه را که در پلان های خویش برای تمام گروپ ها آموخته است، استفاده می کند ترکیب و یکجا میسازند.

شایستگی های معلمین در امر استفاده از انواع اصول ارزیابی

برای فهم و آموزش شاگردان و توانایی شان در بخش های ریاضی و اعداد به ارزیابی ضرورت است. تا از اینصورت نیاز آموزشی شاگردان درک و مهارت های مورد نیاز شان برای شان مهیا گردد.

معلمین میدانند که تمرکز به وقت و مقصد برای ارزشیابی مهم است آنها به یک میتود ارزیابی متکی نمی باشند بخاطریکه رویه تحت تأثیر محیط قرار میگیرد که در آن واقع میشود.

آنها میدانند که شاگردان مهارت های دارند که در محیط های مشخص و با یک کار خانگی مشخص. آنها نمی شود معلمین شایسته ارزیابی شاگردان را در جریان تدریس توسط تمرینات انجام میدهند ارزیابی قبل از تدریس و بعد از تدریس با هم پیوسته اند و از یکدیگر تمیز نمی شوند به همین خاطر پیشرفت شاگرد را با انواع میتود های ارزیابی هر یک را با مقاصد توانایی ها و ضعف شان نشان میدهند. معلمین میدانند که طرح و انتخاب اسباب اندازه گیری درست، مناسب و صحیح باشد. آنها میتود های پسندیده و متبادل را انتخاب میکنند تا هردو جانب به اهداف تدریس نایل آیند.

که بدین وسیله دانش آنها را وسعت میبخشد برای ایجاد انواع ارزش یابی مثل دوسیه بزرگ (پورت فولیو)، برای نشان دادن پیشرفت آنها، نمایش عکس ها و پروژه های ابتکاری ارایه یا نمایش کار تحریری و در معرض نمایش قرار دادن نوت های روزانه و هفته وار، در مورد کار های شاگردان (سر فصل {یا روبریک} به قسم اوراق ارزش یابی سریع) بعض از کار خانگی شامل وسایل ارزیابی میباشند.

معلمین در جریان بحث های گروپی سوال میکنند تا فهم شاگردان را بصورت خوب ارزیابی کنند بالای نظریات تمرکز کنند. با شاگردان انفرادی صحبت میکنند و بصورت مستقل فعالیت ها را انجام میدهند. در اوقات دیگر معلمین رویه

شاگردان را مشاهده میکنند که آنها چگونه با یکدیگر مطالعه میکنند و مشکلات را چگونه حل مینمایند. جهت ارزیابی بعضی وظایف دسته جمعی که در جریان سال سازماندهی و انجام داده می شود به وسایل دیگری ارزیابی ضرورت است.

معلمین شایسته و لایق مراقبت و رهنمایی را به طریق بسیار عالی انجام میدهند. آنها به سمینار های رسمی ارزیابی ضرورت دارند تا شاگردان را کمک کنند که توانایی و ضعف خود را بفهمند. شاگردان خویش را تشویق نمایند که به آموزش متعهد شوند. معلمین درک و فهم شاگردان را بصورت غیر رسمی توسط سوالات و مشاهده ملاحظه مینمایند. آنها شاگردان را تقریری و تحریری امتحان نمایند تا فعالیت های شان را ملاحظه کنند.

معلمین صنف را توسط مباحثه ها و نو آوری خویش ارزیابی نمایند و پیشرفت شاگردان را بصورت عموم در درک نظریات و مفاهیم ملاحظه نمایند.

ارزش یابی شاگردان کمک میکنند که در ارزیابی سویه ابتدایی درک و فهم شاگرد و مشکلات استعداد هر شاگرد را پیش بینی میکنند. آنها تکنیک و مهارت های را برای توانایی های و مشکلات انفرادی استفاده کنند تا بتوانند به توانایی انفرادی شاگرد توجه نمایند نه تنها به فعالیت شاگرد. معلمین نتایج ارزیابی را تحلیل میکنند، نصاب و رهنمایی را تنظیم مینمایند. ارزیابی هر شاگرد نشان میدهد که به تدریس دوباره ضرورت دارند؛ استراتیژی های مشخص را عملی سازند و چی وقت پیش قدمی نمایند. این تغیر و تبدیل رهنمایی، معلمین را قادر میسازند تا آموزش را توسط درست کردن معلومات در مشکلات با مهارت قبل از اینکه در ذهن شاگرد جا گزین شود بیشتر بسازند.

توجه به ارزیابی ظرفیت های شاگردان برای تفکر انتقادی و درک عمیق

معلمین ارزیابی را محدود نمیسازند تا مشخص نمایند که شاگردان میتوانند حقایق را تکرار کنند. آنها به شواهد جستجو میکنند برای فهم عالی ـ (طبقه بندی بلوم را بیاد آورید). توانایی ارتباط دادن و طی مراحل انواع مختلف علم و دانش. آنها میتوانند تعین کنند اگر شاگردان آگاهی مغلق از جهان را نشان دهند. معلمین لایق و شایسته توانایی شاگردان را توسط پرسش سوالات خوب آغاز کرده فعالیت ها و پروژه ها را اندازه و قیاس میکنند به گذاشتن گمان و تصور چالش و خطر را به دوش میگیرند.

آنها همچنان عمق دلچسپی شاگردان و مصروفیت شان را با مواد درسی نیز ارزیابی میکنند. توانایی های شان در تکمیل پروژه ها. از طریق توانایی شریک ساختن بینش شاگردان. با گرفتن تمام این معلومات؛ معلمین پاسخ شاگردان را به مهارت خوب افاده میکنند تا رهنمایی نمایند که بعداً در مورد فهم مضمون تعلیم بگیرند. آنها همچنان کیفیت مؤثر و محرک شاگردان را امتحان میکنند. ارزیابی رشد اجتماعی و احساسات تقوای شاگردان را بطور متداوم ارزیابی نموده و انکشاف شخصی شاگردان را تقویت بخشیده و یاد داشت می نمایند.

کمک به شاگردان جهت ماهر شدن شان در ارزیابی خودی

نسبت به ارزیابی معلم هم ارزیابی خودی شاگرد مهم است. در طول مدت با شاگردان بصورت حقیقی در فعالیت های آموزشی کمک میکند تا توانایی و ضعف فعالیت شان را خود شان قضاوت کنند. معلمین لایق و شایسته بصورت واضیح با طرح توقعات به آموزش شاگردان ارتباط میگیرند که در نتیجه شاگردان قضاوت کنند فعالیت های شان به چی اندازه با توقعات آن توافق میکند. معلمین با شاگردان کمک میکنند که آنها چه را میدانند و چطور میدانند فکر کنند. معلمین ضرورت طویل مدت برای پیشرفت آگاهی اطفال و نو جوانان را در مورد آموزش شان میدانند. به همین خاطر معلمین شاگردان را تشویق میکنند که اهداف عالی را به خود تعیین کنند. برای شان رهنمایی میکنند که چطور پیشرفت شانرا

توسط آن اهداف. ارزش یابی نمایند معلمین برای شاگردان چندین فرصت را مهیا میکنند که کیفیت فعالیت شانرا توسط پروژه ها؛ مجله ها، نمایش ها، دوسیه (پورت فولیو)، سمینار ها و دیگر منابع مناسب ارزیابی نمایند. معلمین شاگردان را در ارزیابی فعالیت یکدیگر مصروف میکنند که روش های تازه در فعالیت شان افزوده شود.

مهیا کردن فید بک بیشتر برای شاگردان، والدین و دیگران

معلمین لایق و شایسته میدانند که مهیا کردن فورمه ها و تکنیک های مختلف ارزیابی مهم و ضروری است. اما ارزش آن هنگامی احساس میشود که شاگردان، والدین و دیگران در پروسه شامل شوند و به هر فرد بصورت انفرادی توجه و فید بک مشخص داده شود. آنها میدانند که فید بک آموزش را ارزیابی می کند و معتبر است و هنگامی با ارزش است که به یک فعالیت مشخص ارتباط داشته باشد و با فعالیت مشخص تکمیل شود. در صورت فید بک منفی، معلمین نباید اعتماد به نفس شاگردان را تقلیل دهند. شاگردان باید مطمئن شوند که احساس کمی در فهم شان به مدت کوتاه است. علاج و درمان آن راه های مختلف خواهد داشت نباید به آن تسلیم شوند.

معلمین علم و دانش مضمون را دریافت میکنند که خلا علم شاگردان در کدام قسمت وجود دارد. آنها با شاگردان کار میکنند توسط ساعات جبرانی برای پیشبرد آن ساحه های که قابل کنترول اند توجه می نمایند. یک معلم شایسته میداند که امتحان سختگیرانه که صرف به منظور در جه بندی و یا طبقه بندی شاگردان باشد جز ضیاع وقت تعلیمی و تربیتی آنان چیزی دیگر نیست همچنان آنها میدانند که اشنایی و اسفتاده اندک از معلومات در مورد امتحان و ارزیابی نمی تواند مهارت شاگردان را سنجش و امتحان کند.

استفاده از استراتیژی های ارزیابی

ارزیابی وقت زیاد را در مورد آموزش نیمگیرد. ارزیابی در خود تجارب اموزش را دارد. ارزیابی نه تنها مسؤلیت معلم است بلکه بصورت تساوی شاگرد را نیز شامل میسازد. ارزیابی عبارت از این نیست که معلم از شاگرد انجام آنرا تقاضا کند بلکه آنرا با شاگرد یکجای انجام میدهد. استراتیژی ارزیابی فعال درک و فهم شاگرد را تقویت میبخشد و مهارت های را انکشاف میدهد که شاگرد در زندگی خویش از آن مستفید میشود تا بشکل واضح آنرا نظارت کند. گذارش های تقریری و تحریری را بشکل مؤثر انکشاف میدهد. با همکاران خویش فعالیت ها را شریک و از آنها در انجام آن کمک بگیرند این همه مهارت های اند که توسط ارزیابی فعال انکشاف میکند. بعضی از ارزیابی های که معلم آنرا بعوض آزمون پیشنهاد و تحقیق کرده اند قرار ذیل اند.

- عناوین یا سر فصل (ضمیمه را مشاهده نمایید) توجه شاگردان را درمحتویات متن متمرکز می سازد که در رهنمایی مهارت های شانرا در تهیه برنامه ها، ارایه نمایش و گذارش های تقریری و تحریری رشد انکشاف میدهد.
- نقشه اصطلاحات (ضمیمه را مشاهده نمایید) شاگردان را در ارزیابی کمک میکند «نظارت شکل بزرگ» یا از نگاه (دید وسیع)
- سند کاغذ های بزرگ (ضمیمه را مشاهده نمایید) آموزش شاگرد و انکشاف روانشناسی شاگرد.
- تعاون و کمک در آموزش با استفاده از استراتیژی های ارزیابی که آموزش گروپ هم صنفی به هم صنفی و انفرادی و درجه بندی گروپی را تشویق میکند.
- اصطلاحات آزمون: (ضمیمه را مشاهده کنید سوالات چندین جوابه برای صنوف بزرگ مفید است.
- ارایه یا نمایش تقریری (ضمیمه را مشاهده نمایید) نکات برای ارزش یابی ارایه یا نمایش های شاگرد.
- تجدید نظر توسط همصنفان: شاگردان یکدیگر را و خود را ارزیابی نمایند.



- گذارش های تحریری: (ضمیمه را مشاهده نمایید) نکات برای ارزیابی گزارش های تحریری.
- دیگر انواع ارزیابی شامل اصطلاحات نگارش و طرح؛ مطالعه اوضاع و شرایط؛ سمینار ها؛ تفکر ریاضیات و فعالیت های ارزیابی اجراآت وفعالیتها میباشند.

نگهداری ریکارد ها

هر کدام دیدگاه را که معلمان برای ارزیابی آموزشی انتخاب میکنند، این همان نگهداری های شان است که در مورد نوعیت اندازه گیری جزئیات را فراهم میکند. جزئیات ریکارد از بخش مختلف ارزیابی آموزشی با توضیح هر بخش که چه را اندازه میکند، و با کدام معیار های درست باشد ضروری است و باید شامل شواهد حمایتی نتیجه باشد.

زمانیکه معلمان ریکارد را با جزئیات و مفصل نگهداری میکنند، آنها برای تهیه گزارش به والدین و دیگران در یک موقف عالی قرار دارند. ارائه سمبولیک از اجرای کار شاگرد (بطور مثال درجه یا فیصدی) کافی نیست. گزارش به والدین و دیگران باید پروسه آموزش، میتودهای ارزیابی جمع آوری معلومات حمایتی و معیار که برای قضاوت کردن استفاده میشود یا درجه نهایی را ارائه کند تشخیص شوند.

رهنمود برای درجه بندی

۱. برای درجه بندی اهداف آموزشی از مفردات استفاده نمایید.
۲. یقین داشته باشید که معنای درجه بندی ها از تشریحات واضح نتایج و معیارهای مفردات بدست آمده است.
۳. اساس درجه بندی فقط رسیده گی به نتایج آموزشی است. گزارش، اشتراک، و طرز برخورد، تمام شان نتایج مفردات میباشد. هر تنبیه (بطور مثال برای سهل انگاری در کار و غیابت ها) در صورت استفاده شود که شاگرد را از روند موفقیت و تحرک بدور نگاه ندارد.
۴. استفاده از میتود های مختلف بمنظور فراهم نمودن نمونه های عملکرد شاگرد. تنها درجه بندی را شامل ارزیابی نساخته، بلکه نوعیت و توضیح را نیز شامل آن میسازد. بخاطر عملکرد همیشه از طریق کلمات، جدول ارزیابی، لست بررسی فیدبک بدهید نه با دادن درجه.
۵. ریکارد را با پنسل تحریر نمایید بخاطریکه به ساده گی تجدید میشود و میتوان دست آورد های تازه را نیز ثبت کرد. فرصت های چانس دوم (یا بیشتر) را برای ارزیابی فراهم بسازید. شاگردان زمانیکه دوباره ارزیابی میشوند، باید بلند ترین و خوبترین نمره را اخذ کنند، نه اینکه نمره متوسط را اخذ کنند.
۶. با شاگردان در درجه بندی از آغاز تا تمام پروسه آموزش بحث نمایید و آنها را دخیل بسازید.

تفاوت در آموزش: شاگردان با نیازمندی های خاص

در ارزیابی آموزش تفاوت گذاشتن برای شاگردان با نیازمندی های خاص در خود ارزیابی اتفاق میافتد. یک مثال خوب این است که از یک شخص نزدیک بین پرسیده شود که مهارت راننده گی را بدون عینک نشان بدهد. زمانیکه راننده عینک را استفاده میکند، برای ممتحن ممکن است که یک تصور درست از توانایی راننده را حاصل کند و تصدیق کند که وی یک شخص مسلکی است. تفاوت ارزیابی آموزش همچنان نیاز دارد که سازش لازم جانشین آن شود تا به شاگردان اجازه بدهد که از پروسه آموزش شان شواهد ارائه نمایند. فرم های مختلف ارزیابی راه های مختلف را به معلمان برای شفاف ساختن پروسه آموزش شاگردان پیشنهاد میکند. نیازمندی نتیجه خاص مفردات مثل دانستن تعلیمات اجتماعی تصور جنگ ممکن بطور تصویری، شفاهی، نمایشی و یا ارائه های تحریری نشان داده شود. تا

زمانیکه شاگردان در نگارش یک زمان مشکل داشته باشند، نگارش جز واضح نتیجه شده نمیتواند بطور مثال مثل دیگران عین مشکل را برای اثبات آموزش شان خواهند داشت.

گرچه ارزیابی آموزش همیشه معلمان را برای فرق نمودن آموزش یا منابع مجبور نمی سازد و یک تاثیر خوب در کاریابی و انکشاف شاگردان دارد. همچنان بالای تفاوت آموزش که شاگردان اخذ میکنند در آینده تاثیر دارد. بنابرین نتایج ارزیابی باید درست و فشرده و دارای پیشنهادات قابل پذیرش باشد.

قابل توجه معلمان متوسطه

جزئیات در مورد درجه بندی (دادن ارزش به اساس نمره) کار شاگردان (اوراق امتحان) برای معلمان متوسطه:

استراتیژی های عمومی برای معلمان متوسطه: به اساس دانش و مهارت های شاگردان درجه بندی نمایید. ارزیابی تانرا به اجرا اکادمیک منحصر بسازید. ملاحظات مثل رفتار صنفی، کوشش، سهم گیری در صنف، حاضری، وقت شناسی، طرز برخورد، ویژه گی های شخصی، علاقمندی شاگرد در مواد کورس مثل اساس مراحل کورس را حذف نمایید. اگر شما این عوامل غیر اکادمیک را در نظر بگیرید پس شما معنای درجه بندی را به صفت مسؤل زیر سوال می آورید.

از درجه بندی که شاگردان را در رقابت نا سالم با همصنفی های شان میاندازد و گرفتن درجه های عالی را محدود میسازد، خود داری کنید. این سیستم معیاری مانند درجه بندی بالای منحنی (نمرات بلند، متوسط و پائین) در مقابل استراتیژی های آموزش تعاونی که در رشد آموزش شاگردان مؤثر نشان داده شده است قرار میگیرد. درجه بندی معیاری نتایج نا مطلوب ذیل را برای بسیاری از شاگردان ببار میاورد مانند:

- کاهش تشویق برای آموزش
- ایجاد نگرانی ضعف ارزشیابی
- کاهش توانائی غرض استفاده فید بک جهت انکشاف آموزش
- کاهش رشد ارتباطات اجتماعی

کوشش کنید که تأکید بیشتر بالای درجه بندی نکنید. معنا و اساس درجه بندی و طرزالعمل های را که برای درجه بندی استفاده میکنید به شاگردان تان قبلاً توضیح بدهید. در شروع دوره به شاگردان تان بگویید که چقدر امتحانات تحریری دارند، چقدر کار خانگی دارند و از امتحان نهایی که برای درجه بندی نهایی است چند نمره اخذ میکنند. زمانیکه خط مشی تانرا تشریح نمودید، از صحبت زیاد در مورد درجه بندی و نمره دادن جلوگیری نمایید که فقط نگرانی شاگردان را زیاد میسازد و تحریک شانرا در انجام دادن فعالیت های صنفی کم میسازد و همیشه در جستجوی کسب نمره میباشند.

شاگردان را از پیشرفت شان در طول دوره باخبر سازید. برای هر کار خانگی، امتحان وسط و پروژه که شما از روی آن نمره میدهید به شاگردان تان بگویید و آنها را آگاه سازید که نمره شان چه معنا دارد. بعوض درجه حرفی برای شان نمره عددی بدهید. دادن درجه حرفی آنها را احساساتی میسازد که نمره عددی چنین مفهوم را ندارد. حدود نمرات را نشان بدهید و وانمود بسازید که چقدر اجراآت شان رضایت بخش است. این معلومات شاگردان را تشویق مینماید تا کسانیکه کم فعالیت میکنند رشد کنند و کسانیکه زیاد فعالیت میکنند آنرا ادامه بدهند. آگاه ساختن از تمام دوره از هیجانات ناخوش آیند در ختم دوره جلوگیری میکند.

کاهش شکایات شاگردان در مورد درجه بندی

طرزالعمل درجه بندی دقیق برنامه درسی شما معلومات بیشتر را در صنف ارائه میدارد. شاگردان نیاز دارند تا بدانند که چطور درجه بندی شان معین میشود، یعنی از طریق امتحانات مختلف و کارهای خانگی و نمونه درجه بندی برای حساب درجه ها سنجش میشود. آیا صنف از طریقه مختلف یا از طریق معیاری درجه بندی خواهد شد؟ خط مشی شما در مورد کار خانگی دیر تر باید واضح باشد.

تعیین خط مشی برای کار دیرتر: آیا شما از قبول کردن کار دیرتر انکار میکنید؟ آیا شما از انجام کار دیرتر نمره را کم میکنید؟ آیا شما کار دیرتر را به اساس قضیه به قضیه حل میکنید؟

از پالیسی های تغیر دادن درجه جلوگیری کنید: هرگونه تغییر در وسط کورس ممکن اعتبار شاگردان را در مقابل صداقت، ثبات، بیطرفی و مهارت های منظم شما خراب بسازد. اگر شما در پلان درجه بندی تان تغییر وارد می نمایید باید تمام آنرا به شاگردان تان توضیح بدهید.

فرصت های بیشتر را برای شاگردان. تان فراهم نمایید تا بدانید که آنها چه را میدانند. برای دادن فرصت های بیشتر برای شاگردان تان که آنها چه را میدانند، شما تصویر درست قابلیت های آنها را داشته و میدانید که کی یک روز خراب در روز امتحان دارد. بر علاوه امتحان نهایی دو امتحان وسط و دو آزمایش کوچک را به شاگردان تان بدهید. برای کورس های مقدماتی امتحانات کوتاه یا کارخانگی های تحریری، فورم های ارزیابی در هر دو یا سه هفته تهیه کنید.

به شاگردان اجازه بدهید تا از میان کار خانگی های مختلف یکی آنرا انتخاب نمایند. یک معلم لست از فعالیت ها را با نمبر آن برای هر کدام پیشکش میکند که ارزش تعلیمی و تحرکی، مشکلات و کوشش ها را در نظر بگیرد. به شاگردان گفته میشود که چقدر نمره برای امتحان نهایی نیاز است، بطور مثال ۱۰۰ نمره برای یک تیم، و آنها همان ترکیب کارخانگی ها که برای همان بخش کورس شان نیاز دارند انتخاب میکنند. معلم به نمره های هر کار خانگی ذیل اشاره میکند که چقدر نمره برای فعالیت ذیل نیاز است.

- نوشتن موضوع برای مطالعه
- دخیل ساختن و گزارش دهی در مورد تجربه کار ساحوی
- رهبری یک گروپ مباحثه یی.
- کار در گروپ مباحثه یی.
- نگهداری ژورنال یا کار نامه نظریات مربوط به کورس.
- ایجاد مواد آموزشی برای کورس (رهنما های مطالعه، سوالات امتحان، یا مواد سمعی و بصری) به اساس یک موضوع یا تصویر کلی یا خاص.
- به عهده گرفتن پروسه اصلی تحقیق یا اوراق تحقیق.
- نگهداری و خواندن گزارش که شامل خلاصه نظریات، پیشنهادات و انتقادات میباشد.
- تکمل ارزیابی حل مشکلات (مثل طرح و تجربه برای آزمایش فرضیه یا ایجاد آزمایش برای اندازه گیری بعضی چیزها).

به شاگردان بگویید که درجه های نتایج کار بالای فعالیت ها است نه قضاوت بالای مردم. شاگردان را آگاه بسازید که معلم فقط اوراق امتحان را درجه بندی میکند. در صورت امکان به شاگردان اجازه بدهید تا بدانند که درجه بندی ها ارتباط به سن و سال ندارد و شما نباید اهمیت خوبترین کار کرد های یک شخص را کم جلوه بدهید.

شاگردان را که کم کار میکنند تشویق نمایید: اگر شاگردان مشکل دارند، از یک طریق کمک نمایید تا در ارزیابی یا امتحان دیگر بهبود بیابند. اگر آنها کار درست میکنند، آنها را تقویت بخشید و آنهائیکه کار های خوب نمی کنند و یا به کار ها کم توجه می کنند انگیزه بدهید تا آماده فعالیت های بیشتر تعلیمی شوند.

به شاگردان که در قسمت های شان مضطرب یا ناخوش هستند معامله مستقیم نمایید. از یک شاگرد نا خوش بخواهید تا با گرفتن یک روز رخصتی راحت شود. همچنان به شاگرد گفته شود تا شکایت نامه یا نامه برای تصدیق در تغییر درجه بنویسد. زمانیکه شما با شاگردان برای کنفرانس ملاقات میکنید، تمام مواد مربوط، مثل سوالات امتحان، جوابات یا معیار، مثال های جوابات خوب را با خود داشته باشید. به نگرانی های شاگرد گوش بدهید و یا یاد داشت را با دقت بخوانید و بطور آرام جواب آنرا بدهید. بخود اجازه ندهید تا دشمن شوید و شاگرد را دشمن خود نسازید. جوابات را بطور خوب توضیح نمایید و نشان بدهید که چطور جوابات شاگرد نا درست و یا نا تکمیل است. شاگرد را بفهمانید که روی کدام دلایل به وی نمبر کم داده اید. در مورد پیشنهادات شاگرد فکر نمایید و یا سوالات امتحان را دوباره بخوانید، مگر در قسمت تغییر نمبر بخاطر نیاز شخصی شاگرد (آمدن به پوهنتون حفظ وضعیت و رتبه در صنف) پا فشاری نکنید.
ریکارد درست درجه شاگردان را حفظ نمایید. برای شما مهم است تا ریکارد تمام درجه های دوره را نگهداری نمایید.

مؤثر ساختن استفاده از تکتیک های درجه بندی

تا حد امکان به اولین امتحان یا وظیفه خانه گی نمره داده شده مراجعه کنید: وظیفه های خانه گی قبلی شاگردان را کمک میکند تا تصمیم بگیرند که آیا در صنف کار های خود را خوب انجام میدهند. بعضی استادان شاگردان را اختیار کنار گذاشتن ورق امتحان اول را میدهند و نمرات آنان را از امتحان اول حساب نمیکنند، زیرا شاید شاگردان نمره پایین را کسب کنند به خاطریکه آنها نمیدانند که استاد چه خواسته است یا آنها سطح آماده گی و نیاز مطالعه برای کامیابی را نادیده گرفته اند.

در صورت امکان نتایج را عددی ثبت نمایید نه به حروف: امتحانات، مجموعه مشکلات، کارخانه گی و غیره از نقطه نظر آنها بهترین ریکارد ها جهت حصول اطمینان از درستی در هنگام محاسبه درجه نهایی است.

به شاگردان چانس دهید که درجه خود را با دوباره نوشتن اوراق شان بلند ببرند: بسیاری از فاکولته ها دوباره نوشتن را تشویق میکنند مگر درجه شانرا از ورق دوباره نوشته شده معادل ورق اولی محاسبه نمیکنند. حتی اگر درجه را هم بلند ببرد.

اگر اکثر شاگردان در امتحان بودند عین امتحان را در هفته بعدی اخذ نمایید: یک یا بیشتر صنوف را برای مرور بر مواد مشکل اختصاص دهید. قبل از فراهم نمودن امتحان جدید تمرینات صنفی، کار خانگی یا سوالات، تمرین امتحانات کوچک و فرصت های مطالعه گروپی را فراهم سازید. باوجودیکه مرور و دوباره امتحان گرفتن شاید خسته کن و ضیاع وقت تلقی شود. ولی شاگردان بیشتر تلاش مینمایند تا خود را برای امتحان بعدی آماده سازند.

هدف شما به حیث یک استاد اینست تا اطمینان حاصل نمایید که شاگردان از تدریس شما آموخته اند. اگر آنها درس را نفهمیدند با استفاده از میتود های جدید برای شان دوباره تدریس نمایید. هدف شما دانستن شاگردان از درس و قادر بودن برای آموزش بیشتر و استفاده آن در زنده گی است.

گزارش ارزیابی از پیشرفت شاگرد

برای گزارش دهی مهارت شاگرد طریقه های زیادی وجود دارد. گزارش دهی ارزیابی آموزش برای شنونده گان و برای کس که در نظر گرفته شده است مناسب باشد و همه معلومات ضروری را جهت ساختن تصامیم منطقی برای شان فراهم سازد. بدون در نظر داشت شکل گزارش دهی باید درست و زیبا باشد و جزئیات مناسب و معلومات متن را که به

صورت واضح و قابل فهم باشد فراهم کند. گزارش دهی سنتی که فقط بالای اوسط نمره شاگرد اعتماد میکند معلومات کم در باره مهارت رشد یا دانش همان شاگرد را تهیه میکند. کنفرانس معلم و والدین یک فرصت عالی برای همه شاگردان که کار های خود را خوب انجام میدهند و انهاییکه به کمک بیشتر نیاز دارند میباشد. شاگردان درین کنفرانس شامل بحث و گفتگو میشوند، یا حد اقل بخشی از کنفرانس میباشند. از این کنفرانس به عنوان یک زمان تنبیهی جهت گفتن والدین به خاطر ضعف توانایی طفل شان استفاده نمیشود؛ مگر به خاطر بحث صادقانه بالای تمام ساحات پیشرفت شاگرد استفاده میشود. این انجمن برای والدین مقدار زیادی معلومات را فراهم میکند و مسؤولیت شاگردان را برای آموزش شان تقویت میکند.

نتیـــجه

طوریکه درین فصل شرح گردید هدف ارزیابی انکشاف درک و آموزش شاگرد با انجام انواع مختلف ارزیابی فهم شاگرد به طور مداوم میباشد. نتایج مواد ارزیابی فوراً و به طور مکرر با شاگردان شریک شود تا آنها آگاه شوند که به خاطر پیشرفت خود به انجام دادن کدام کار ها نیاز دارند. هدف ارزیابی رسیدن به درجه نهایی هر شاگرد نیست مگر تدریس و کمک همه شاگردان به خاطر تقویت شان است. این شیوه ارزیابی فهم شاگرد به طور مکررصورت گیرد. معلومات از ارزیابی روزمره استادان را کمک خواهد نمود تا بدانند که شاگردان شان در کدام ساحه به کمک نیاز دارند و کدام شاگرد به کمک اضافی با استفاده از میتود های مختلف نیاز دارد.درین فصل پروسه ارزیابی پیشنهاد مینماید که اهداف مشخص آموزش و پلان تدریس واضح داشته باشید و از شیوه های مختلف ارزیابی برای بررسی استعداد ها و تفاوت شاگردان در صنف استفاده نمایید.

البته در بسیاری مکاتب تا هنوز هم شیوه امتحان کهنه استفاده میشود. در فصل بعدی در باره شیوه اخذ امتحان بحث صورت خواهد گرفت. فصلی که درباره شیوه اخذ امتحان طراحی شده معلمان را در انکشاف انواع مختلف برای ارزیابی آموزش شاگردان در صنف کمک میکند. این شیوه های امتحان شامل تجزیه ارقام یا مهارت های مختلط نمیشود... بلکه فقط یک فهم اهداف تدریس و سطوح آموزش شاگردان تان را در بر میگیرد.

امتحان یک تمرین تربیتی است که کاملاً بحث برانگیز است مگر اجتناب ناپذیر به نظر میخورد. به منظور ایجاد امتحانات مفید برای آموزش و پالیسی ساز ها امتحان یه یک ساختار خوب نیاز دارد یک امتحان نیاز به ساختار خوب دارد. در فصل بعدی بالای موضوعات ساختار امتحان به طور خلاصه بحث خواهد گردید.

فصل دوازده هم

خلاصه، معرفی فصل

در فصل اخیر (فصل یازدهم)، ارزیابی آموزشی، مفهوم عالی ارزیابی را شرح داده است. هدف ارزیابی اینست که شاگردان چطور خوب آموخته اند. ارزیابی نسبت به امتحان مفهوم وسیع تری را احتوا میکند. یک ارزیابی شاید شامل مشاهده شاگردان طوریکه آنها با هم یا مستقلانه کار میکنند، بحث با شاگردان در باره آموزش شان، مثال کار شاگردان، محصولات و پروژه ها است. یک «ارزیابی معتبر» که شواهد رشد کار شاگردان را در آموزش اندازه گیری میکند، مثال های کار اولیه صنف را با مقایسه مثال های بعدی در صنف جاییکه آموزش و رشد میتواند دیده شود شامل خواهد شد.

۱. امتحان دانش شاگردان: چه وقت همه آن شروع شد؟

کدام شخص در میان ما ترس امتحانات را احساس نکرده است؟ آیا تشویش تان را به یاد دارید؟ یک شب بی خوابی قبل از امتحان، کف های دست پر از عرق، پرش قلبی، دهن خشک، دست های لرزان — آیا شما این ترس ها را تجربه کرده اید؟ اطفال و جوانان اکثراً قبل از امتحان ترس و نگرانی احساس میکنند. همچنان استادان وقتیکه به امتحانات ملی و دیگر امتحانات خواسته میشوند این نگرانی را احساس میکنند. چرا ما همین طور هیجان زده هستیم؟ ما از چه میترسیم؟ آیا از ناکامی ترس دارید، یا از ترس شرم و خجالتی یک نتیجه ضعیف نگران هستیم؟ این تجربه به خوشی و افتخار آموزش به این احساس ترس و خجالتی چی رابطه دارد؟ چه وقت و چرا این جریان ایجاد ترس امتحان برای انسان شروع شود؟

امتحان همیشه وجود داشت، مگر قبلاً امتحانات زیاد با همچو علم امتحان که آنها را طراحی کنیم و یک علم اندازه گیری که آنها را تجزیه و تحلیل کنیم و علم ارزشیابی که انها را انتخاب کنیم که کی آنهارا خوب انجام داده و آنهاییکه خوب انجام نداده اند کنار گذاشته شود، هر گز نبود.

در یونان باستان، سقراط شاگردان خود را به وسیله محاوره امتحان میکرد. به جوابات طور درست و غلط نمره داده نمیشد. آنها فقط بیشتر دیالوگ (تبادل نظر) میکردند. بسیاری از نخبگان فکری در قرن چهارم و پنجم قبل از میلاد نسبت به ارایه یک جواب درست، مراقبت بیشتر در مورد پیدا کردن طرق برای دانش درجه بالاتر فکر میکردند. به ایشان، دقت برای دوکان داران بود. ایجاد دیالوگ سقراط در یک صنف مشکل است، مگر بسیاری استادان به این میتود نسبت به دادن امتحانات برای تشویق آموزش ترجیح میدهند.

در دوران حکمروایی مینگ چین (۱۳۶۸ – ۱۶۴۴)، یک سیستم بررسی به عنوان یک رویکرد مبتنی بر شایستگی برای انتصابات را به دفتر دولت تاسیس کرد. برای امتحانات سه سویه وجود داشت ولی امتحان نهایی توسط خود امپراتور اخذ میشد. موضوع امتحانات استندرد و فراتر از هر چیزی که امروز ما می بینیم بود. امتحان به اساس مجموعه کار های محدود قدیم بود که قابلیت به آن اضافه شده بود. امتحانات به طور انحصاری وابسته گی به حفظ کردن این آثار دارد. امتحانات به طریقه ای اداره شده است، کسانی که امتحان اخذ میکند افشأ شود. رسیدن به سطح سوم در خانه های جداگانه معادل کابین های روز عالی نوشته شده است. آنها پس از چند روز نوشتن به معنای واقعی کلمه مقالات خود را بالای یک دیوار انداختند، جایی که در آن نگارش توسط نویسنده برای حصول اطمینان از اینکه که هیچ نشانه ای از داستان شاگردان وجود ندارد چاپ شد.

کسانیکه در جستجوی دفاتر دولتی نخبگان بودند سالهای زیادی را برای تهیه امتحان سپری کردند. آنهاییکه ناکام میشدند، میتوانستند هر قدریکه بخواهند درخواست امتحان کنند. این سیستم به مردم امیدواری میداد که حتی کسانی که بسیار عاجز هستند می توانند به طبقه بالا با زور، اراده و تلاش خود را رشد دهند. این طریقه به نوبه خود ثبات این سلسله را توسعه داد، زیرا که ممکن است آنها ناکامی خود را مربوط به این میدانستند که از خارج سیستم محسوب میشود وکسیکه که استعداد برانگیختن انقلاب را داشت می توانست به مراحل نخبگان جامعه برسد.

این سیستم توسط دیگر کشور های آسیایی به ویژه جاپان و کوریا پذیرفته شد و تا عصر معاصر با کمی تغییر ادامه پیدا کرد. این سیستم برای مکاتب و دولت در تمام خاور دور، آسیای مرکزی و جنوبی به شمول افغانستان یک تمرین سنتی شد. مسیر به پوهنتون های عالی از طریق امتحانات استندرد مشابه بر اساس توانایی به خاطر سپردن و آموختن توسط حفظ طوطی وار به وجود آمد. این امتحانات از اهمیت حیاتی برخوردار بودند که شاگردان کار های صنفی خود را با ساعت ها مطالعه پس از مکتب تعقیب میکردند و اکثراً یک سال اضافی را برای آماده گی در بر میگرفت. امتحانات ورود به مکاتب متوسطه نخبگان، که به نوبه خود شاگرد را برای مجموعه ای امتحانات به مکاتب نخبگان بالا، که سپس به پوهنتون نخبگان آماده میساخت اداره میشد.

مؤرخان افزایش امتحان را یک رشد سریع اجتناب ناپذیر توسعه تکنالوژی مینامند. طوریکه اموال یا اجناس و خدمات با سرعت عالی و کیفیت و کمیت عالی تر عرضه میشود، سطح تعلیم و تربیه باید به سرعت بلند برده شود.
امتحانات استندرد دارای منابع زیاد میباشد. همانطور که در بالا نشان داده شد، در امپراتوری چین در قرن هفتم میلادی متقاضیان کار، دولت مجبور به نوشتن مقاله در مورد فلسفه کنفسیوسی و سرودن شعر بودند. در اروپا، اختراع چاپ و تولید کاغذ مدرن رشد امتحانات تحریری را شدت بخشید.

تا سال ۱۸۴۵ در ایالات متحده امریکا استادان مترقی خواستار امتحان مقاله استندرد بودند. با وجود آنکه امتحانات املاء، جغرافیه و ریاضی ندرتاً استندرد بود در مکاتب شگوفان شد.

در قرن نوزدهم مکاتب غرب شاگردان شان را به خاطریکه چیزی که به آنها تدریس شده اند بر آن مسلط هستند یا نه امتحان میکردند و شاگردانیکه امتحان را مؤفقانه سپری نمیتوانستند ناکام محسوب میشدند. معلمان مکاتب در قرن نوزدهم اغلب خواسته میشد تا امتحان از دانش خود را مؤفقانه سپری کنند و می تواند توسط یکی از اعضای هیئت مدیریت مکتب محلی (که معمولا شامل یک عضو روحانیت بود) مصاحبه شود تا مطمئن شوند که آنها در هیچ دیدگاه های غیر متعارف و غیر معمول اعتقادات مذهبی پناه داده نشده اند. اما زمانی که آنها برای خدمات پذیرفته میشد، معلمان با آزمایشات بیشتر از شایستگی و یا ظرفیت آنها روبرو میشدند. اگر شاگردان در آموزش ناکام میشدند اشتباه شاگردان بود.

در آغاز قرن بیستم، مربیان غربی به تجربه امتحانی که کلید جوابات داشت و در مورد مقاله روش قدیمی صورت میگرفت شروع کردند. آلفرد بینه، روانشناس فرانسوی، یک آزمون هوش را در سال ۱۹۰۵م. توسعه داد. در سال ۱۹۱۴م. فریدریک جی کلی امریکایی، امتحان سوالات چهار جوابه را طراحی کرد. بسیاری از آمریکایی ها این امتحانات را به عنوان ابزار مؤثر برای کمک به ایجاد یک جامعه بر اساس شایستگی، نه جنسیت و یا نژاد یا ثروت پذیرفتند.

با توسعه امتحان به عنوان یک ابزار علمی در قرن بیستم با روانشناسان و متخصصان روان با توسعه معیارهای آزمایش، دستورالعمل ها، و امتحان برای اندازه گیری جنبه های از شخصیت انسان به سرعت گسترش یافته است. این آزمایشات شامل امتحانات یادگیری، هوش، و شخصیت برای مطابقت با خط مشی، امتحان برای اندازه گیری نگرش ها، علایق و حتی امتحان در مورد معلومات استعداد حرفه ای در آن شامل میشد.

در مکاتب امروزی از استادان خواسته میشود تا امتحانات را به خاطر اندازه گیری مؤفقیت های شاگردان ایجاد کنند. اکثراً درجه نهایی شاگردان تنها بر اساس نتایج امتحان است. اکثراً سوالاتی را که استادان میسازند خوب نوشته نشده است و بسیار ضعیف ساخته شده است و بالای مهارت های مهم و مفاهیمی که آموخته شود تمرکز نمیکند و شاید کاملاً برای شاگردان نا درست باشد.

اگر از استادان خواسته شود که برای امتحان شاگردان شان سوال بسازند آنها نیاز دارند که به خاطر ساختن سوالات آگاه باشند. این فصل پیشنهادات مفید را در باره ساختن و گرفتن امتحان برای استادان پیشکش میکند.
به هر حال اول اجازه دهید تا بر رسی نماییم که چرا ما به استفاده و توسعه امتحان ادامه میدهیم و چطور امتحان به مفهوم وسیع تر ارزیابی شاگردان مناسب است، در فصل اخیر شرح داده شده است.

۲. هدف امتحان چیست؟

امتحان فقط یک بخشی از ارزیابی است.

ارزیابی در تعلیم و تربیه دارای سه هدف میباشد:

۱. ارزیابی تشخیصی: معلوم میکند که شاگردان در کدام بخش مشکل دارند و به همکاری بیشتر، میتود دیگر یا وقت بیشتر برای آموختن نیاز دارند.
۲. ارزیابی تکوینی: این ارزیابی در جریان آموزش به خاطر مشخص نمودن این که شاگرد یاد گرفته یا استاد نیاز دارد که دوباره آنرا تشریح نماید به کار برده میشود. ارزیابی تکوینی به این معنی است که آموزش در جریان شکل گیری ارزیابی شود.
۳. ارزیابی نهایی: ارزیابی نهایی در پایان یک برنامه آموزشی، کورس یا سال صورت میگیرد. ارزیابی نهایی ثبوت اینکه شاگردان چه را آموخته اند خلاصه میکند. هر چند در ارزیابی نهایی این هم پایان نیست. استادان نیاز دارند تا به نتایج تمرینات ارزیابی نهایی شان نگاه کنند تا ببینند که کدام نوع معلومات را بسیاری شاگردان شان نفهمیده اند. این بازدهی شاید برای استادان وقتیکه این مواد را در یک روش تصحیح شده با استفاده از معلومات نتایج ارزیابی نهایی قبلی صنوف دوباره تدریس میکنند کمک کند.

چرا شاگردان امتحان شوند؟

به پاسخ این سوال میتوانیم بگوییم که ما نیاز داریم بدانیم که شاگردان چطور در مکتب کار های شانرا انجام میدهند. از زمانیکه مکاتب وجود داشت استادان انواع مختلف امتحانات را به خاطر چگونگی آموزش شاگردان و مؤفق بودن یا نبودن هدایات شان استفاده میکردند.

مطابق نظریه کار شناسان و محققین، امتحان بسیار اهداف مهم را انجام میدهد. امتحان نه به خاطر مجازات و مکافات شاگردان بلکه به خاطر بسیاری ازدلایل استفاده میشود.

بعضی محققین در برابر افزایش امتحان اعتراض کرده اند و میگویند که افزایش امتحان تنها به خاطر انجام دادن اهداف بسیار نیست بلکه امتحان نسبت به دیگر اصلاحات مکتب؛ مثل، انکشاف مسلکی (پروگرام های تربیه معلم) ارزان تر است. او اشاره می کند که امتحان را می توان به جای نسبتاً سریع قرار داد که می تواند معلمان را تحت فشار قرار دهد تا ایشان را به تغییرات آموزشی به امید بهبود عملکرد امتحان و تمایل به جذب رسانه ها و توجه افکار عمومی وادار سازد.

جواب مختصر به اینکه «چرا شاگردان امتحان میشوند؟» این است که امتحان در خدمت گسترش تعدادی از اهداف مهم تعلیم و تربیه، تقویت برخی از ملاحظات سیاسی و مالی است.

امتحان ملی معلمان و شاگردان، پیامدهای سیاسی دارد و به پالیسی و سیاست مرتبط است. هرچند استادان امتحانات شان را شاید به خاطر اهداف ذیل استفاده کنند:

- تشخیص توانایی و ضعف شاگردان
- کنترول کردن پیشرفت هر شاگرد
- تعیین درجات
- مشخص کردن مؤثریت تدریس استاد
- ارایه اطلاعات برای اطلاع رسانی به تصمیم گیری های آموزشی و برنامه تحصیلی.
- کمک استادان جهت مشخص نمودن مقاصد آموزشی شان

هنگامیکه نتایج وظایف مکتب، امتحان دولتی، مشاهدات استاد و امتحانات صنفی یکجا شود میتواند تصویر توانایی ها و ضعف های شاگرد را تهیه کند. همچنان میتواند استاد و والدین را آگاه سازد که شاگردان در حال رشد هستند یا عقب میمانند.

مشخص نمودن مؤثریت درس یک استاد میتواند یک جنبه دیگر بسیار مفید امتحان صنفی باشد. اگر تمام شاگردان کمتر از توقعات استاد کار های شان را در یک امتحان انجام دادند استاد میتواند در نتیجه تدریس خود را تغییر دهد. او باید میتود های مختلف تدریس را استفاده کند، وقت بسیار را بالای مفاهیمی که فراموش شده سپری کند یا از مواد گوناگون تدریس استفاده کند.

همچنان امتحانات صنفی استاد را کمک میکند تا مقاصد تدریس خود را واضح سازد. امتحانات رو به توسعه مقدم بر هدایات است که استادان را تشویق میکند تا یک نقشه رهنمای واضح را برای آموزش که شامل استندرد ها، هدایات و ارزیابی میشود گسترش دهد.

۳. ساختن امتحانات مؤثر

بسیاری مربیان تازه به تدریس شروع کردند. فرض کنید که آنها میدانند سوالات امتحان را بسازند، مگر این یک مهارت آموخته شده است که سالها را در بر میگیرد تا توسعه داده شود. خوشبختانه، چند استراتیژی های کلیدی کمک می کند تا امتحانات متوسط را به آمتحان مؤثر تبدیل کنیم. بعضی استراتیژی های عمومی که در زیر ذکر میشود مربیان را کمک میکند تا بیاموزند که چطور سوالات خوب را برای امتحان آماده کنند یا به اساس مهارت هایی را که قبلاً دارند سوالات را آماده کنند.

مرحله اول: چطور یک سوال امتحان را طراحی کنیم؟

آموختن طریقه ساختن سوالات امتحان اکثراً بخش مشکل پروسه است. مربیان باید با مشخص نمودن اهداف اصلی یا نتایج آموزش کورس آغاز کنند. این ممکن است که برای استادان مفید باشد تا با خود لست ده چیزی را که از شاگردان شان میخواهند به یاد داشته باشند با خود بیاورد. سپس آنها میتوانند این ها را به خاطر تمرکز بالای سوالات امتحان استفاده کنند.

بعداً ساختار امتحان را مشخص کنند. اکثراً یک آمیزش سوالات چندین گزینه ای، جواب کوتاه و سوالات مقالوی شاگردان را اجازه خواهد داد تا وسعت و عمق دانش خود را بیان کنند. با این حال، موضوعات خاصی است که بر تفکر



انتقادی بر حفظ، مانند مطالعات ادبیات، که بیشتر وابسته به امتحان مقالات است تاکید میکند. هنگامیکه مربیان مشخص میکنند که چطور امتحان را طراحی کنند آنها باید برای هر بخش یک نمره تعیین کنند.

نوشتن سوالات مؤثر وقت و تمرین بیشتر را در بر میگیرد. این که هدف شما اندازه گیری دانش و مهارت ها، نظریات و بررسی نگرش و یا افزایش تجربه یادگیری، کلمات ضعیف سوال می تواند به شکل معکوس بالای کیفیت نتایج تاثیر بگذارد.

در صورت امکان یک همتای خود را که در ساحه محتوای امتحان تخصص دارد چیز های مبهم، زاید و مشکلات ساختاری سوالات امتحان، آنرا مرور می کند.

پس از تکمیل سوالات که ممکن است ما به خاطر تکمیل وظیفه که عبارت از اخذ امتحان است به طور معمول خود را راحت احساس میکنیم. ممکن است ما هر سوال را در شکل نهایی و دایمی اش بگذاریم.

با این حال قانون برای تعقیب آن تجدید دوباره است.

مراحل تهیه سوالات امتحان

۱. پلان محتوا و شکل امتحان

- تعیین مواد تحت پوشش توسط امتحان.
- مرور اهداف آموزش ارزیابی شده با امتحان.
- ایجاد جدول خصوصیات.
- مشخص نمودن زمان و شکل امتحان.

۲. نوشتن سوالات امتحان

- ایجاد سوالات امتحان با استفاده از تهیه دستورالعمل ها.
- ترتیب موضوعات در امتحان توسط گروپ بندی بر اساس نوع موضوع.
- نوشتن هدایات برای موضوعات هر گروپ.

۳. مشخص نمودن معیار و میزان درجه بندی

- شامل شرح مختصری پالیسی درجه بندی یا توزیع نمرات براساس هدایات امتحان.

٤. تجدید نظر و اصلاحات

- بررسی نتایج امتحان برای شناسایی مشکلات موضوعات خاص امتحان
- تجدید، اصلاح یا حذف موضوعات در صورت ضرورت
- چگونه میتوان انواع مختلف سوالات امتحان را برای یک مضمون بسازیم؟

۱. سوالات صحیح و غلط

- سطح محتوای دانش
- ارزیابی شاگردان با درک غلطی های معمول شان.
- مفاهیم با دو جواب منطقی

فواید

- میتواند محتویات زیاد را امتحان کند.
- شاگردان میتوانند ۳-۴ سوال را در یک دقیقه جواب دهند.

نواقص

- سوالات آسان است.
- مشکل است تا شاگردان فهمیده را از نا فهم فرق کنیم.
- شاگردان ۵۰ فیصد چانس دارند تا با حدس زدن جواب درست را پیدا کنند.
- برای قابلیت اعتماد عالی نیاز به موضوعات زیاد دارد.
- اجتناب از دو منفی

رهنمود ها برای نوشتن سوالات خوب صحیح و غلط

- اجتناب از جملات طولانی و مغلق
- استفاده از عوامل تعیین کننده خاص با احتیاط: هرگز، تنها، همه، هیچ، همیشه، می تواند، ممکن است، گاهی اوقات، به طور کلی، برخی، و چند.
- استفاده فقط از یک نظریه مرکزی در هر موضوع
- تاکید نکردن بالای جزئیات
- استفاده دقیق زبان کمی (از لحاظ کمیت)
- انتقال ندادن مستقیم موضوعات از کتاب
- بیشتر ساختن سوالات غلط نسبت به درست (۴۰،۶۰). ممکن است شاگردان بیشتر به سوالات درست جواب دهند.

۲. چندین گزینه ای

- خوب است برایش درخواست، ترکیب، تجزیه و تحلیل و سطوح ارزیابی

انواع

- سوال، جواب درست
- بیانیه نا مکمل
- بهترین جواب

فواید:

- بسیار مؤثر
- دارای کاربرد زیاد در همه سطوح
- حد اقل نوشتن برای شاگردان
- کاهش حدس زدن
- پوشش ساحه وسیع محتویات

نواقص

- مشکل بودن ساختن مطالب خوب امتحان
- مشکل بودن ساختن جوابات گیج کننده یا گزینه جوابات



رهنمود ها برای خوب نوشتن سوالات چندین گزینه ای

- سوال باید مجرد بوده و مشکل را به شکل فورمول شده پیشکش کند.
- سوال باید ساده و زبان آن قابل فهم باشد و کلمات اضافی را حذف کنید.
- از موضوعات فوق الذکر جلوگیری کنید زیرا شاگرد میتواند به اساس دانش جزئی خود (اگر یک آن نا درست و دو جواب درست باشد، مگر در سومی مشکوک باشد) جواب دهد.
- همه موضوعات گیج کننده را (جوابات ممکن الف تا د) محتمل و یکسان سازید.
- جوابات یک بخش ارائه کننده جوابات بخش دیگر نباشد. (تبعیض در میان شاگردانی که محتویات سوال را میدانند یا آنهایی که نمیدانند را کاهش دهید).
- دو جواب منفی را استفاده نکنید.
- گزینه ها را به ترتیب عددی و منطقی پیشکش کنید.
- جواب را در یک جای تصادفی بگذارید (جوابیکه اغلب زیاد است).
- هر بخش را در امتحان مستقل از بخش دیگر سازید.
- طریقه ای که جواب دران خوب قضاوت میشود را انتخاب کنید: شاگردانیکه محتوا را میدانند باید قادر باشد تا سوال را قبل ازخواندن گزینه ها جواب دهد.
- گزینه ها را در خط های متفاوت برجسته سازید البته به طور جداگانه توسط خط های خالی، برای جوابات گزینه ها در مقابل شماره ها حروف را استفاده کنید.
- به بیشتر از سه گزینه نیاز داریم. چهار گزینه بهترین است.

۳. جواب کوتاه

خوب است برایش

- درخواست، ترکیب، تجزیه و تحلیل و سطوح ارزیابی

فواید

- ساختن آن آسان است.
- برای محتویات کی، کدام، کجا و چه وقت خوب است.
- حدس زدن را کاهش میدهد.
- شاگردان را به مطالعه دقیق تشویق میکند. شاگردان باید در مقابل تشریح جواب اصل جواب را بدانند.

نواقص

- شاید حفظ حقیقت ها را بیش از حد تاکید کند.
- مراقبت سوالاتی که ممکن بیش از یک جواب درست باشد.
- نمره دادن دشوار است.

رهنمود ها برای بهتر ساختن سوالات کوتاه جواب

- هنگام ساختن سوالات جواب کوتاه باید اصطلاحات را فراهم نمود نه تعریفات را تا اینکه در مورد دانش شاگردان قضاوت خوب صورت گیرد.
- نشان دادن درجه دقیقی که برای اعداد انتظار میرود یا خواسته میشود.
- استفاده سوالات مستقیم نه یک بیانیه نا مکمل



- اگر شما بیانیه های نا تکمیل را استفاده میکنید کوشش شود که بیش از دو خانه خالی در یک سوال استفاده نکنید.
- ترتیب و تنظیم خانه خالی ها طوری صورت گیرد که نمره دادن آن آسان باشد.
- عبارات سوال را طوری تحریر نمائید که در آن یک جواب درست باشد.

٤. سوالات مقایسوی

- خوب است برای سطح دانش
- اگر به طور مناسب ساخته شود، در سویه درک شاگردان کمک میکند.

انواع

- اصطلاحات با تعریفات
- عبارات با عبارات دیگر
- دلایل با تاثیرات
- بخش ها با اجزای بزرگتر
- مشکلات با راه حل ها

فواید

- پوشش حد اکثر سطح دانش شاگردان در مدت زمان کم

نواقص

- برای سطوح عالی آموزش خوب نیست.

رهنمود ها برای ترتیب کردن سوالات ارتباطی

- به ۱۵ مورد یا کمتر از آن نیاز دارد.
- دادن رهنمایی های خوب به اساس ارتباط دادن عبارات
- استفاده موارد در ستون جواب بیش از یکبار (تاثیرات حدس زدن را کاهش دهید).
- استفاده یکنواخت مواد در هر تمرین
- ممکن ساختن همه جوابات
- گذاشتن همه موارد در یک صفحه
- گذاشتن جوابات در یک ترتیب منطقی
- کوتاه بودن جوابات

۵. سوالات آسان

- خوب است برایش، درخواست، ترکیب، تجزیه و تحلیل و سطوح ارزیابی

انواع

- جواب گسترده: ترکیبات و سطوح ارزیابی، بسیار آزاد بودن در جوابات
- ثابت بودن نمره دهی و محدود بودن عناوین جوابات

فواید

- احتمال کم حدس زدن شاگردان
- تهیه کردن یا ساختن آسان است



- وانمود کردن مطالعه بسیار
- اجازه دادن شاگردان برای بیان کردن توانایی تنظیم دانش، بیان نظریات و نشان دادن خلاقیت

نواقص

- محدود ساختن مواد امتحان شده که روی این ملحوظ اعتبار امتحان کاهش می یابد.
- بشکل ذهنی و به طور بالقوه اعتبار نمره دادن را کاهش میدهد.
- مصرف وقت بیشتر در نمره دادن

رهنمود ها برای نوشتن سوالات آسان

- محدودیت زمان برای تفکر و نوشتن
- اجتناب شاگردان از جواب دادن بخش از سوالات بشکل انتخابی (شما نخواهید یک مفکوره خوب و وسیع را از دستیابی شاگرد به دست آورد وقتیکه آنها فقط یک بخش سوال را جواب میدهند).
- دادن وظایف معتبر برای شاگرد در باره مقایسه، تجزیه و تحلیل، ارزشیابی و غیره.
- استفاده سیستم چک لست برای نمره دادن با مودل جواب: عنوان را بنویسید و مشخص بسازید که چقدر نکات را برای هر بخش تعیین کنید.
- نمره دادن سوالات در یک وقت – همه در عین وقت.

۵. پیشنهادات بیشتر برای تهیه کردن انواع سوالات امتحان

سوالات چند گزینه ای

گرامری را که شما در جواب گزینه استفاده میکنید شاید بالای شاگردان تان تاثیر کند که چطور یک جواب را انتخاب کنند. اطمینان حاصل نمایید که همه گزینه های تان از نگاه دستوری موازی است. به عبارت دیگر، اگر شما بپرسید که خرگوش در کجا زنده گی میکند؟ در تهیه جوابات از حروف اضافی مانند (در) استفاده نمائید.

أ. در خانه
ب. در موتر
ج. در زیر پل
د. در جای حیوانات.

هرگاه شما گزینه «ه» را علاوه کنید به طور خطر ناک به راه نزدیک میشوید و این آشکارا نادرست خواهد بود زیرا این گزینه نسبت به دیگر گزینه ها به طور متفاوت ساخته شده است.

أ. یک زردک
ب. یک پروتین
ج. یک تخم
د. یک پارچه نان گرم شده.
ه. یا خرگوش یک ________ در چای صبح میخورد.

همه جوابات تان را به یک اندازه بسازید. هرگاه یک جواب به طور مشخص نسبت به دیگران طولانی تر باشد شاید بهترین جواب برای شاگردان انتخاب یا ترک آن باشد. کوشش کنید تا همه جوابات را به طور مساوی بسازید تا از جواب دادن فوری و بدون تفکر شاگردان اجتناب کنید.

سوالات خانه خالی

میان شناخت یک کلمه و بیاد آوردن آن تفاوت موجود است. معنی شناسایی اینست که شما هنگامیکه کلمه را میشنوید یا میخوانید آنرا میدانید. به یاد آوردن به این معنی که شما میتوانید کلمه را به عبارت استفاده نمایید. مشکل نیست که لغات زبان کسی نسبت به زبان فراخوانی یا به یادآوردن عالی تر باشد. توانایی شاگردان تانرا امتحان کنید که آیا موادی را که شما تدریس کرده اید دانسته اند یا خیر ذخیرهٔ لغات، میتواند بسیار لغت را که شاگردان شما به خاطر پر نمودن خانه خالی نیاز دارند داشته باشد. زیرا تهیه ذخیره لغات، دانش به یاد آوردن آنها را امتحان میکند. این یک سیستم خوب اندازه گیری دانسته های شاگردان نسبت به امتحان دانش به یاد آوردن و پرسش ایشان تا ذخیره لغات شان را به زبان خود آشکار نمایند، است.

سوالات صحیح و غلط

کوشش نکنید که شاگردان تانرا با سوالاتی که اندک تغییر دارند گول بزنید تا آنها را ناکام بسازید. هنگام امتحان ادبیات نامهای غلط را برای حروف یا تغییر حروف در کلمات نسازید تا آنها را فریب دهید. این سیستم شاگردان تان را متردد میسازد و یک معیار مفید را به خاطر درک آنها از درس برای تان نمیدهد. به عوض آن درک عمومی شان را از موضوع امتحان کنید. اگر شما واقعاً میخواهید که بدانید که شاگردان تان چه را آموخته اند برای شان بیانیه های غلط را بسازید تا آنرا درست بسازند. این طریقه حدس تصادفی را از بین خواهد برد و یک مفکوره خوب را برای تان خواهد داد که شاگردان تان کدام مفاهیم را تا هنوز ندانسته اند. همچنان شما خواهید دریافت که شما باید مواد مشخص را دوباره تحت پوشش قرار دهید یا یک مفهوم را به طریقه دیگر شرح دهید.

سوالات سطح مشکل

سوالات امتحان را از آسانترین شروع کرده و به طرف سوالات بسیار مشکل بروید. با وجودیکه شاید شما بخواهید که ترتیب خود را یکجا بسازید تا شاگردان تان را به چالش مواجه سازید، رفتن از سوالات آسان به مشکل فشار شاگردان را کاهش میدهد و به ایشان یک امتحان بهتر را میسازد. امتحانات استندرد مانند: SAT و TOEFL (امتحان انگلیسی به حیث زبان خارجی) را که این ارگان ها تعقیب میکنند قابل ذکر نیست. طوریکه ساختار امتحانات شما به این طریقه شاگردان تانرا در این امتحانات مهم در آینده کمک خواهد نمود.

آموزش به سطوح متعدد را امتحان میشود. هدف اکثریت سوالات تان باید سطوح پایین به یاد آوردن، درک و درخواست را در بر گیرد. هر چند که یک یا دو سوال را جهت امتحان سطح عالی آموزش مانند تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی علاوه کرده اید (تکسانومی آموزش بلوم را برای معلومات بیشتر سطح آموزش مشاهده کنید) در هراس نباشید. این سطوح عالی را با کیفیت عالی امتحان کنید، مخصوصاً اگر شما وقت زیاد را در جریان درس بالای این نوع فعالیت ها سپری نکرده اید.

رهنمود های عمومی

شاگردان خود را به سوالات آشنا سازید که شما میخواهید از آن امتحان بگیرید. امتحان نباید برای بار اول باشد که آنها سوالات خانه خالی یا درست سازی یک جمله نا درست را تازه دیده باشند. باید شاگردان تان به شکل سوالاتی که شما میتوانید محتوا را امتحان کنید نه اینکه شکل را تمرین کنند.

برای شان ساختمان و محتوای امتحان را بگویید. هرگاه منحیث یک استاد برای شاگردان تان درباره انواع سوالات امتحان درست معلومات دهید نتایج امتحان را صدمه نخواهند رساند. دادن این معلومات بموقع برای شاگردان به این معنی است که شما نمیتوانید سوالات تانرا یک شب قبل از امتحان تهیه کنید، مگر به هرحال کیفیت ارزشیابی را بالا



میبرد. همچنان شما باید در مورد محتویات امتحان برای شان معلومات دهید مگر این معلومات نباید مشخص در مورد همان سوالات باشد. صفحات، تاریخ لکچر و فصل های کتاب کافی است.

این نکات را شامل بسازید که هر بخش با ارزش است. در این طریقه شاگردان میتوانند وقت خود را به طور درست تنظیم کنند. نه شما و نه آنها میخواهند که ده دقیقه خود را بالای حل سوال کم اهمیت سپری کنند. اجازه دهید تا دانش کامل درین مورد داشته باشند تا بدانند که گرانترین چیز در امتحان چیست و آنرا اولویت دهند.

از شاگردان بخواهید تا مهارت نوشتن موضوعات خارجی داشته باشند. با وجودیکه انگلیسی در تمام دنیا تدریس میشود، نوشتن در هر جا یکسان نیست. متعجب نباشید از اینکه شاگردان تان حسن خط ندارند و خواندن خط شان شما را به مشکل مواجه میسازد.

هنگامی که یک شخص در حال ترس، خشم و هر گونه احساسات قوی است، زبان به طور غریزی به آنچه که طبیعی ترین برای آن شخص است برگشت میکند. آیا شما می توانید برای از بین بردن فشار شاگردان خود با نوشتن بهترین شکل سوالات دانش آنها را نیز امتحان کنید. این طریقه شما را یک معلم خوبتر و شاگردان تانرا آموزنده بهتر وانمود میسازد.

هدایات عمومی برای نوشتن موضوعات امتحان

انجام دادن	انجام ندادن
هدف ارزیابی و سودمندی نتیجه نمره را بیان کند	پرسیدن سوالاتی که یک هدف آموزش را ارزیابی نمیکند.
	تمرکز بالای موضوعات کم اهمیت که حفظ کم عمق حقایق و جزئیات را رشد میدهند.
ارتباط داشتن سوالات امتحان با اهداف آموزش	عمداً سوالات امتحان به هدف خاص شاگردان که اهمیت فرعی دارد متوجه ساختن.
نوشتن و استفاده کلمات ساده و دستوری	قصداً مشکل ساختن سوالات
ساختن سوالات متوسط مطابق سویه خواندن شاگردان	ساختن موارد زیاد امتحان که حد اوسط شاگردان بتوانند در وقت معین جواب دهند.
حصول اطمینان از اینکه هر سوال یک جواب درست دارد	استفاده موارد که توسط ناشر ساخته شده بدون مرور از اینکه آیا سوالات با اهداف آموزش تناسب دارد یا نه
نوشتن سوالات امتحان در یک سطح مشکل که با اهداف آموزش ارتباط داشته باشد	
فارمت سوالات گوناگون	

رهنمود ها برای رشد کیفیت همه موارد امتحان و ارزیابی

- تهیه سوالات بیشتر نسبت به ضرورت به خاطر اینکه بعضی سوالات بعد از مرور به نسبت ضرور نبودن آن حذف میشود.
- سوالات امتحان را خوب و عالی مطابق تاریخ امتحان بنویسید بعداً چندین روز انتظار بکشید تا آنرا تکرار کنید. این نوع جنبه تازه شاید شمارا کمک کند تا مشکلات متحرک و ساحات مشکوک را مشخص کنید.
- تمام سوالات را یکبار مرور کنید تا اطمینان حاصل کنید که کلمات یک سوال به جواب سوال دیگر ارتباط ندارد.



- در هر گروپ سوالات سوالات را از آسان به مشکل ترتیب کنید.
- یک خواننده بی ریا داشته باشید تا سوالات امتحان تان را مرور کند و نکات مشکوک و اشتباه گرامری را مشخص کند.

مشخص نمودن تعداد سوالات ارزیابی

تعداد سوالات امتحان به دوره کورس و انواع سوالات استفاده شده ارتباط میگیرد. رهنمود های زیر شما را برای مشخص نمودن یک ارزیابی مناسب برای شاگردان کالج کمک میکند.

نوع سوال	حد اوسط زمان
درست و غلط	۳۰ ثانیه
چند گزینه ای	یک دقیقه
چندین گزینه سطح عالی اهداف آموزش	یک و نیم دقیقه
جواب کوتاه	دو دقیقه
مقابله ای	سی ثانیه در هر سوال
مقاله کوتاه	۱۰-۱۵ دقیقه
مقاله گسترده	۳۰ دقیقه
خانه خالی	یک دقیقه

رهنمود های اضافی برای تهیه سوالات امتحان، رهنمود های دیگر برای رشد امتحان برای استادان

۱۲ رهنمایی خوب برای تهیه سوالات خوب امتحان

تهیه سوالات مؤثر برای امتحان به وقت و تمرین نیاز دارد. خواه هدف شما اندازه گیری دانش و مهارت شاگردان، سروی نظریات و طرز سلوک است یا تقویت تجربه آموزش، سوالات ضعیف به طور مخالف بالای کیفیت نتایج تاثیر میگذارد.

۱. بیانیه ها و موضوع را تا حد ممکن کوتاه بسازید و زبان واضح و مختصر را استفاده کنید.
۲. سوالات ممکن (کدام، کی، چه وقت، کجا، چرا و چطور) را استفاده کنید.
۳. رعایت نکات دستوری (دستور زبان).
۴. گزینه ها را در یک ترتیب منطقی لست کنید.
۵. از کلمات منفی مخصوصا از دو منفی اجتناب کنید.
۶. از معین کننده های غیر ضروری، مخصوصاً محض (مثال: همیشه، هرگز وغیره) اجتناب کنید.
۷. با احتیاط از موضوعات متذکره اجتناب کنید.
۸. از ضمایر مهم این و انها اجتناب کنید.
۹. از گزینه های متضاد اجتناب کنید.
۱۰. از گزینه های استدلالی (مانند، الف و ب هر دو درست است) مگر اینکه کاملاً ضروری است اجتناب کنید.
۱۱. از تهیه سخن رهنما در جواب درست سوال اجتناب کنید.
۱۲. از تهیه کلید های جوابات برای سوال دیگر اجتناب کنید.

مرحله نهایی: مرور و دوباره نوشتن سوالات امتحان

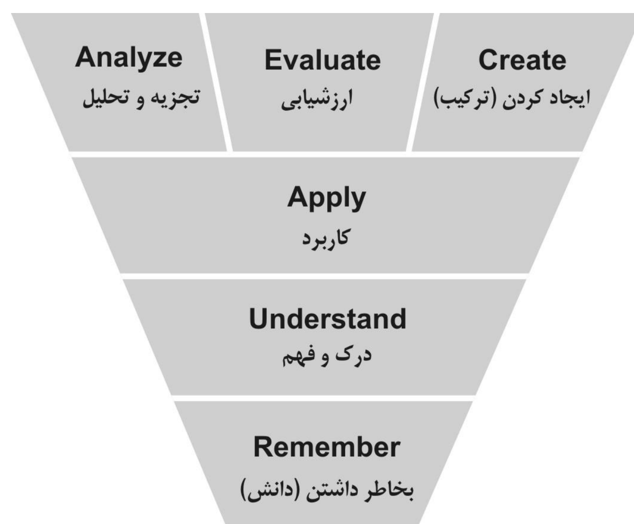
مربیان باید سوالات شان را قبل از امتحان مرور کنند ترجیحاً با خواستن از شخص دیگر تا سوالاتش را مرور کند. این طریقه شاید از اشتباهات دستوری و زبان گنگ جلوگیری کند. پوهنتون اندیانا به توصیه های ساختن سوالات امتحان رهنمایی میکند که مربیان باید در ساختن سوالات چند گزینه ای توصیه های زیر را به خاطر داشته باشند:

- کلمات اضافی و زبان مغلق و غیر ضروری (بخصوص مشکل زا برای شاگردان زبان دوم) را تصحیح کنید.
- از همه موضوعات فوق تا حد امکان جلوگیری کنید طوریکه آنها سوال را بسیار آسان میسازد.
- اطمینان حاصل نمایید که جواب درست نسبت به غلط طولانی و کوتاه نباشد.
- اطمینان حاصل کنید که ماده ایکه جواب درست را معرفی میکند تا حدی به سوال جواب ندهد.

در جریان آموزش اینکه چطور سوالات خوب امتحان را بسازیم میتواند با مشکل و تمرین مواجه شویم که در نتیجه نتایج مثبت به بار میآورد. همچنان مربیان باید درخواست بازدهی سوالات امتحان شاگردان را خود شان بر رسی کنند، طوریکه این بررسی یک بینش با ارزش را پیشکش میکند و میتواند که بیشتر کمک کند.

٦. اهداف طبقه بندی عینیت های تعلیمی بلوم – سلسله تفکر و آموزش معرفتی

مهارت ها در قلمرو معرفتی در اطراف دانش، درک، و تفکر انتقادی یک موضوع مخصوص میپردازد. تعلیم و تربیه سنتی مواظبه است که بالای مهارت ها در این قلمرو، به ویژه ترتیب پایین تر اهداف تاکید کند.



در تکسونومی بلوم شش سطح وجود دارد که از پایین به بالا ترتیب شده است:

۱. دا.نش

موضوعات آموخته شده قبلی را با بازگو کردن حقایق، اصطلاحات، مفاهیم اساسی و جوابات نمایش میدهد.

- دانش خاص – اصطلاحات، حقایق خاص
- آگاهی از شیوه ها و استفاده از جزئیات – همایش ها، گرایش ها و تسلسل، طبقه بندی ها و دسته بندی ها، ضوابط، روش
- دانش عام و مجرد در یک ساحه، اصول و تعمیم ها، نظریه ها و ساختارها

<u>پرسش هایی همچون</u>: فواید خوردن سیب چه است؟

۲. درک

نمایشی از درک حقایق سازماندهی نظریات، مقایسه، ترجمه، تفسیر، شرح دادن، و بیان ایدیه های اصلی

- ترجمه
- تفسیر
- برون یابی

<u>پرسش هایی همچون</u>: مقایسه فواید خوردن سیب در مقابل نارنج.

۳. کاربرد و ساحه تطبیق

با استفاده از دانش جدید مشکلات را به موقعیت های جدید با استفاده از کسب دانش، حقایق، تکنیک ها و مقررات در راه های مختلف حل میکند.

پرسش هایی همچون: کدام نوع سیب، بهترین پشتوانه برای پخت کیک است، و چرا؟

٤. تجزیه و تحلیل

بررسی و تجزیه اطلاعات به بخش ها با شناخت انگیزه ها یا علت ها. ساختن استنتاج ها و یافتن شواهد تا عمومیت را تمویل کند.

- تجزیه و تحلیل عناصر
- تجزیه و تحلیل روابط
- تجزیه و تحلیل اصول سازمانی

پرسش هایی همچون: چهار طریقه صرف غذاهای ساخته شده از سیب را لست کنید و آنهایی را که بیشترین منافع بهداشتی دارند توضیح کنید. برای حمایت از بیانیه های تان منابع را تهیه کنید.

٥. ترکیب

اطلاعات را با هم به شیوه های مختلف با ترکیب عناصر موجود در یک نمونه جدید و یا ارائه راه حل گزینه ها تدوین میکند.

- تولید یک ارتباط منحصر به فرد
- تولید یک طرح یا پیشنهاد از عملیات
- اشتقاق مجموعه ای از روابط انتزاعی

پرسش هایی همچون: غذا های نا سالم را برای سیب به شکل «سالم» به جای انتخاب خود به مواد تشکیل دهنده تبدیل کنید. منافع بهداشتی استفاده از موادی را که شما در مقابل شی اصلی انتخاب کردید توضیح کنید.

٦. ارزشیابی

نظریات را با قضاوت در باره اطلاعات اعتبار نظریات یا کیفیت کار به اساس مجموعه ای از معیار ها پیشکش میکند.

- قضاوت در شرایط شواهد داخلی
- قضاوت در شرایط معیار خارجی

پرسش هایی همچون: آیا شما احساس میکنید که خوردن یک غذای سیب بعد از خوردن غذای مکتب برای اطفال صحی است؟ چرا و چرا نه؟

مرحله بعدی: تهیه سوالات امتحان با استفاده از تکسانومی بلوم

یک سوال در سطح دانش از شاگرد بپرسید که آیا شاگرد معلومات را آموخته است. یک سوال در سطح ارزشیابی خواهد ارزیابی کرد که آیا شاگرد میتواند ارزش تیوری های گوناگون، نظریات یا سیستم ها را ارزیابی و مقایسه کند. مربیان باید هدف داشته باشند تا هر یک از سوالات شانرا مطابق شش سطح بلوم تهیه کنند. در رهنمای تریننگ یک وظیفه از شما خواهد پرسید که سوالات را برای مضمون خود با استفاده از تکسانومی معرفتی بلوم بنویسید.

نتیـــجه گیری

در این فصل و در فعالیتهای ورکشاپ برای شما در باره تهیه سوالات امتحان در آینده یا کمک با دیگران در ساختن سوالات معلومات داده میشود. به خاطر داشته باشید که امتحان شاید بسیار مهم باشد ولی این فقط بخشی از ارزیابی شاگردان است. همچنان به خاطر داشته باشید که در اخذ یک امتحان یا امتحانات مختلف برای تشخیص و مشخص نمودن استفاده میشود. بعضی اوقات شاید برای چک نمودن کار شاگرد طوری که شما در تدریس مواد جدید به عنوان همراه استفاده میکنید، بکار میرود. و در اخیر امتحان ارزیابی نهایی خلاصه آموزش شاگردان از شروع تا ختم کورس خواهد بود.

شما در این فصل به یاد دارید که ارزیابی نهایی نیاز به پوشش همه موضوعات تدریس شدهٔ استاد ندارد. رهنمایی برای اینکه چطور میتوان مقاله را انتخاب کرد و چطور اولیت داد و چطور میتوان انواع مختلف سوال را تا اینکه یک امتحان با کیفیت بسازیم که شاگردان را اجازه دهد تا آموزش شانرا بیان کنند نه اینکه آنها را بشکل غیر منصفانه امتحان کنیم و از سوالات فریبنده استفاده شود.

از این فصل برای ماخذ آینده استفاده کنید. این فصل دارای بسیار طوری نظریه های است که باهم پیوند دارند شما به گونهٔ نخواهید امتحان شد که چقدر بیاد دارید بلکه شما امتحان خواهید شد که چطور از این پیشنهادات منحیث یک معلم و رهنما استفاده میکنید.



فصل سیزدهم

سهمگیری مردم محل
فرصت ها و مکلفیت های معلم

مقــدمه

برای معلمین و مکاتب دلایل زیادی وجود دارد که بیرون از صنف با مردم محل علاقمند شوند. اول و از همه مهمتر، بمنظور پیشرفت در آموزش شاگردان، نیاز به تشریک مساعی با خانواده های شاگردان میباشد. هر طفل، والدین یا سرپرست و یا خانواده گسترده دارد که خواهان مؤفقیت شاگرد بوده که هر کدام آن در دل خویش علاقمندی دارد. والدین و معلمین باید همکار باشند، باهم کار نمایند، تا شاگرد در حصول اهداف نصاب، کوشش نماید، والدین باید آن اهداف ضروری را بدانند. و نیز بدانند که تعلیم و تربیه به اطفال، خانواد و ملت شان چگونه منفعت میرساند. آنها این اهداف را آنگاه میتوانند بخوبی درک نمایند که اگر معلمین و اداره مکتب بمنظور شریک ساختن این معلومات به نزد والدین مراجعه نمایند و همچنان والدین را نیز وادار نمایند تا اهداف برای اطفال خویش را با آنها (معلمین و اداره) شریک سازند. در افغانستان این یک روش معیاری یا عام نیست، اما مقررات تعلیمی دولت آن را بشدت سفارش مینماید.

تفاهم با والدین نیز مهم است اگر معلم خواسته باشد که نفوذ والدین را بالای حاضری و پیشرفت شاگرد در مکتب، بداند. در مورد غیرحاضری، عدم پیشرفت در درسها و رفتار شاگرد در صنف، دلایلی زیادی وجو دارد(فصل های که در مورد پیشرفت و نیازمندی های خاص را نیز ببینید). با در تماس بودن با خانواده شاگرد، معلم میتواند که با شاگرد، خصوصاً آنهاییکه در درس ضعیف اند، بهتر کمک نماید.

اگر معلم با والدین رابطه صمیمی داشته باشد، مباحثه بالای مشکلات و مؤفقیت شاگرد در آموزش، برای آنها آسانتر میشود. هرگاه یک معلم بطور منظم و مثبت با والدین در مفاهمه باشد و در مورد طفل آنها قضاوت و ارزیابی های منفی نه نماید، والدین با اشتیاق زیاد با معلم همکاری مینمایند تا طفل آنها کامیاب باشد. این مفاهمه آنگاه خیلی مؤثر واقع میشود که بالمشافه روبرو صورت بگیرد نه اینکه از طریق ارسال یک نامه به خانه، که آنرا نیز کسی دیگر برای والدین بخواند. باً انهم، اگر در خط پیشرفت و رفتار نیک شاگرد ذکر شده باشد، همچو خطوط از طرف والدین همیشه مورد استقبال قرار میگیرد ولو که والدین قادر به خواندن خط نباشند.

از آوان شمولیت طفل در مکتب، ایجاد روابط نیک و قوی با والدین و خانواده ها، احتمال دارد روابط حسنه مزید تقویت گردیده باعث پیشرفت طفل در درسها و به کسب نمرات اعلی منتج گردد.

یک حقیقت مهم برای معلم درک این نکته است که والدین طفل خویش را از همه بهتر می شناسند. آنها طفل خود را خیلی بیشتر و بهتر از معلم می شناسند و در خوشی و کامیابی اولاد خویش از همه بیشتر علاقمند اند. معلمین باید به این نکته متوجه شوند که والدین میتوانند در دوران یک گفتگو، مذاکره معلومات و نظریات مفید ارائه نمایند. در ملاقات با والدین، معلم نباید تنها سخنران و گزارش دهنده باشد بلکه به سخنان و نظریات والدین نیز گوش دهد.

یک دلیل مهم دیگر برای ایجاد روابط نزدیک و حسنه با والدین و خانواده های اطفال این است که آنها میتوانند برای بهبود صنف و مکتب، وسیله قوی باشند. خانواده ها در تشویق نمودن سایر خانواده ها که دختران و پسران خویش را به مکتب فرستند، میتوانند خیلی مؤثر واقع شوند. آنها میتوانند سایر خانواده های مردم محل را وادارو تشویق نمایند که

اطفال آنها به مکتب بروند و بلا ضرورت غیر حاضری نکنند. آنها منحیث حامی تعلیم و تربیه در محل، و با مکتب ایکه اطفال آنها در آن درس میخوانند بخصوص، میتوانند شرکاء خوب مکتب باشند. والدین وقتیکه با خدمات داوطلبانه و رضا کارانه در مکتب و صنف با معلیمن همکاری مینمایند، وسایل و ذرایع ارزشمند مردم محل اند. اعضاء خانواده های شاگرد میتوانند در اکثر اوقات در مورد مسلک خویش و سایر موضوعات مورد علاقه شاگردان بشمول تاریخ مردم محل و یا سایر تجارب و موضوعات زندگی در مورد نصاب تعلیمی در صنف ها سخنرانی نمایند. معلمین افغانستان با این امر آشنا نسیتند که والدین یا اقارب کدام شاگر در مکتب یا صنف داوطلبانه کار نماید، اطفال آنها مورد طعنه سایر شاگردان قرار گیرند. با آنهم، اگر این کار انجام گیرد، به مرور زمان عادی گردیده نتایج مثبت را به بار خواهد آورد.

انجمن معلمین و والدین (PTA)

سندی که بسطح ملی برای انجمن معلمین و والدین (PTA)، پذیرفته شده، در ماده شماره ۳ تحت اهداف انجمن معلمین و والدین(PTA)، اهداف این انجمن را چنین تصریح مینماید:

أ. ایجاد تفاهم ذات البینی و همکاری در جهت تقویت پیشرفت بهتر تعلیم برای شاگردان مکتب.
ب. جلب توجه والدین و کارمندان مکتب به مسایل مذهبی، اخلاقی و اجتماعی و مشاورت با آنها درمورد اسلوب و روش های تعلیمی و نصاب تعلیمی در مکتب و خانه.
ج. بهره برداری از همکاری والدین و کنترول منظم صحت.
د. استفاده از همکاری والدین و سایر افراد ذیعلاقه در محل برای رفع نیازمندی های نصاب تعلیمی مانند لابراتوار، ورکشاپ ها، کتابخانه و میدان ورزش.

ماده ۵ چنین تصریح مینماید: در داخل ۳۰ روز بعد از آغاز سال تعلیمی، مدیر مکتب باید شاگردان و والدین آنها را به یک دعوت عمومی فرا بخواند تا اهداف انجمن معلمین و والدین را تشریح نماید و انتخاب اعضاء این انجمن را سازمان دهد. سند انجمن معلمین و والدین(PTA) تصریح مینماید که این انجمن دارای هفت عضو خواهد بود که دونفر آن معلمین میباشند. در بخش های بعدی این فصل، جزئیات مزید در جهت برانگیختن نظریات در مورد کار با والدین و مردم محل منحیث شرکاء تعلیم، فراهم خواهد گردید.

کار با شورای بهبودی مکتب و آنجمن معلمین و والدین (PTA)

پالیسی های وزارت معارف در مورد مکاتب، ایجاب میکند که هر مکتب دارای یک شورای بهبودی مکتب و یک انجمن معلمین و والدین(PTA) باشد. هر یک از اینها دارای وظایف مهم بوده در ایجاد پیوند با مردم محل کمک مینماید. حضور انجمن معلمین و والدین (PTA) بعضی اوقات ضعیف میباشد و نماینده معلمین اکثراً در مجالس شرکت نمی کند. این کار والدین را در یک حالت قرار ندهند که رابطه حقیقی آنها با مکتب قطع کنند بلکه صدای خویش را به مدیر، رئیس برسانند مگر اینکه مدیر، رئیس نیز عضو این انجمن باشد. بمنظور حفظ علاقمندی و شرکت در انجمن معلمین و والدین(PTA)، به انجام کار زیاد ضرورت است. این انجمن باید بعضی از اهداف را برای خود تعیین نموده یک پلان را برای تمرکز بالای این اهداف، طرح نمایند. اگر مکتب یک کمیته پلانگذاری را (منحیث بخشی از دید، رسالت و روند وضع اهداف) تشکیل نماید، یک نفر عضو از (PTA) و دو نفر معلم، یکنفر از شورای بهبودی مکتب و یکنفر بیرون از مردم محل، اگر مطلوب باشد، باید اعضاء این کمیته باشد.

شورای بهبودی مکتب اولین مرجع کمک، حمایت و معلومات مردم محل میباشد. این شورا را در سایرادارات دولتی مانند یک «هئیت مدیره» است که بیشتر مسؤولیت تسهیلات، تدارکات و سایر جنبه های غیر تعلیمی، که با مکتب کمک میکند، را

بدوش دارد. این شورا همچنان میتواند برای درک بهتر معلمین، مردم محل، تاریخ، وسایل و مشکلات آن، یک ذریعه مفید باشد. این مرجعی است که خارج از صنف شما در مورد شناخت وسایل مردم محل، باید به آن تماس گرفته شود.

اولین کار برای معلمین، شناخت مردم محل است که در چار طرف مکتب قرار دارد و ضروریات خانواده های که در آنجا زندگی میکنند بشناسند.

والدین و اطفال یگانه کسی نیستند که از یک مکتب خوب بهره مند میشوند بلکه هر یک از اعضاء مردم محل از مکاتب خوب مستفید میگردد. یک مکتب خوب ارزش های معنوی را بلند نموده آگاهی در مورد صحت را متعارف و برای تمام اعضاء جامعه کیفیت زندگی را بهبود می بخشد. یک مکتب محلی جزء لاینفک و بافت نا گسیختنی مردم محل است.

مردم محل مشتمل بر گروپ های مختلف (تجاران، سازمان های غیر دولتی... و غیره) میباشد که میتوانند رضا کاران و داوطلبان احتمالی مکتب باشند. این گروپ ها میتوانند خدمات و منفعت های مختلف را برای مکتب محلی فراهم نمایند. هرگاه مردم محل با یک مکتب علاقمندی بگیرد، آنرا اظهار مینماید که این علاقمندی آنها از احاطه مکتب گرفته الی سیمای شاگردان مشاهده میشود. هرگاه یک جامعه در نزد شهروندان محترم ارزشمند باشد، مردم از مکتب قدردانی میکنند. یک مکتب میتواند برای مردم محل یک منبع ارزشمند باشد. شاگردانی که در سازمانهای اجتماعی و پروژه های آن داوطلبانه سهم میگیرند، تجارب ارزشمند را در طول پروسه حاصل خواهند نمود. این تجارب با شاگردان نه تنها در انتخاب یک مسلک بلکه در تقویت ارزش فعالیت های داوطلبانه در ذهن آنها، کمک میکند. این روحیه فعالیت داوطلبانه، مردم محل را برای سالهای زیاد بهره مند خواهد نمود.

یک طریقه تماس با مردم محل برای مکاتب عبارت از آغاز مذاکره و دخیل ساختن مساجد، گروپ های محلی و سازمانهای اجتماعی محل در فعالیت های پلانگذاری میباشد. مکاتب میتوانند منابع، وسایل مزید و درک بهتر از سوابق شاگردان را از طریق تماس با سازمانهای اجتماعی محل، حاصل نماید. والدین در این سازمانها، تلاش های توسعه تماس از طرف مکتب را استقبال خواهند کرد. بالآخره، وقتیکه معلمین، گروپ های مردم محل، و والدین یک جبهه واحد را تشکیل دهند، میتوانند برای مؤفقیت مکتب یک قوه محرکه نیرومند باشند.

مکتب های خوب برای پیشرفت کاروبار، بسیار مهم اند. تلاش های مشترک بین مکاتب محلی و تجاران و کسبه کاران محلی برای هردو پر منفعت میباشد و به هر گروپ در حصول اهداف انفرادی و اجتماعی آنها ممد واقع میشود. تجاران مؤفق میدانند که مکتب های خوب ارزش این را دارند که در آن سرمایه گذاری نمایند. از طریق پروگرام های کوتاه مدت آموزشی و تعقیب، با شاگردان در یافتن قابلیتها، توانایی ها و مهارتها و اینکه آموخته های خویش از صنف را چگونه میتوانند در یک کاروبار و تجارت تطبیق نماید، کمک میکند. کاروبار و تجارت ها نه تنها کارکنان را پیدا میکنند بلکه در آماده سازی نیروی کاری مجهز در آینده نیز کمک مینماید. با تشریک دانش، مهارتها و معرفت که در مسلک های مربوطه در طول سالها اندوخته اند، افراد مسلکی محلی میتوانند در تقویت معلومات و موادیکه معلمین تدریس نموده اند، کمک نمایند. بصیرت آنها با شاگردان در اتخاذ تصامیم مهم و تعیین اهداف برای آینده و نیز انتخاب درست در رسیدن به اهدافی که برای خود انتخاب نموده اند، میتواند ممد واقع شود. کاروبا و تجارت ها همچنان میتوانند از طریق فراهم نمودن منابع بشری و مالی برای مکاتب در جهت ایجاد پروگرام های خاص برای شاگردان، بطور مثال، میدان های ورزش و تجهیزات، فوق العاده ارزشمند باشند. همکاری کاروبار و اهل کسبه در تدویر پروگرام



های امتحان های رقابتی در جهت فراهم نمودن سکالرشپ ها برای شاگردان ممتاز، میتواند برای یک مکتب خیلی مفید و ارزشمند باشد.

طریق دیگر استفاده از روابط نیک بین مکتب و مردم محل، خصوصاً برای جوانان در ایام رخصتی عبارت است از: دخیل بودن مردم محل در پروگرام های مکتب در ایام رخصتی عبارت از اشتراک اعضاء مردم محل در جنبه های مختلف یک تلاش که برای خدمت به جوانان قبل از رفتن به صنف، بعد از درس، در ایام اخیر هفته، در دوران رخصتی های تابستانی، زمستانی و غیره مکتب، میباشد. اعضاء اجماع میتوانند افراد، خانواده ها، مکاتب، تجارت، سازمان های مذهبی، موزیم ها، کتابخانه ها، کالج ها و پوهنتون ها، را شامل نمایند و آنها دخیل بودن خویش را به طرق مختلف نمایان خواهند کرد، بطور مثال، آنها میتوانند وسایل فزیکی را مساعدت نمایند، مانند یک میدان یا یک جای خالی را به کرایه بگیرند و یا تدارکات فراهم نمایند. وسایل اجتماعی مانند ایجاد روابط با نوجوانان (از ۱۳ الی ۱۹ ساله) که در معرض خطر شدید قرار دارند: وسایل معنوی مانند کمک های بلا عوض و یا سایر زمینه ها تمویل کند.

اقدامات در جهت استفاده از مردم محل منحیث یک شریک و وسیله

یک مکتب با معلمین همکار در این فعالیت ها، میتواند از اقدامات ذیل در جهت تشکیل یک شبکه دخیل ساختن مردم محل و کمک مرتب و قابل تنظیم، استفاده نمایند.

قدم ۱: انجام یک ارزیابی منابع، وسایل مردم و تهیه یک فهرست کمک کننده های احتمالی.

- اولاً، فکر کنید که آیا اینگونه مشارکت ها موجود است که بتواند انکشاف نماید.
- بعد در چهار طرف ساحه قدم بزنید و منابع احتمالی را یاد داشت نمایید. هر تجارت، کتابخانه ها، موزیم ها، مکاتب، ادارات خدمات اجتماعی و سایر سازمانها که به مردم خدمت مینمایند. در صورت دسترسی به انترنت، که خیلی از سازمانهای عمومی و خصوصی دارای ویب سایت اند، معلومات تماس اشخاصی را که بتواند شما را به فرصت های منابع و وسایل رهنمایی کند، به سوال هاو پیشنهاد های ساحه جواب بدهد، فهرست نمایید.
- بالآخره، اشتراک کنندگان پروگرام را در تحقیق مثلاً از طریق نقشه کشی مردم محل جوانان را دخیل سازید. نقشه کشی مردم محل برای جوانان روندی است که جوانان را در سروی نمودن مردم محلات تریننگ میدهد تا مقامات محفوظ برای تفریح، حفظ الصحه، اشتغال، و سایر خدمات و منابع را ثبت نمایند. جوانان این معلومات را جمع آوری مینمایند سپس در «نقشه» درج و بدسترس مردم محل قرار داده میشود.

قدم ۲: انجام یک ارزیابی نیازمندی ها و انتخاب اعضاء مردم محل که بتوانند کمک نمایند.

- قبل از برقراری تماس با کمک کنندگان احتمالی، وسایل را ارزیابی و اولویت بندی نمایید که صنف و یا مکتب شما برای فراهمی کمک بهتر به شاگردان خویش نیاز دارد. در حال حاضر به کدام وسایل، منابع ضرورت است؟ چه توقع میرود؟ به فهرست کمک کنندگان احتمالی خویش بنگرید و آنها را شناسایی نمایید که در رفع ضروریات ترجیحی، دارای اولویت، کمک کرده میتوانند. بطور مثال، اگر برای یک صنف، معلمین یا ممد صنف در اولویت قرار داشته باشد، برای مکتب شاید تماس با مردم محل و تجاران محلی در قدم اول بهتر باشد.

قدم ۳: ایجاد یک ستراتیژی برای دخیل ساختن کمک اعضاء شایسته مردم محل.

- قبل از تماس با مردم محل، باید موافقه مکتب برای خود منحیث معلم و یا کمیته معلمین باخود داشته باشید. برای مدیر مکتب و یا اعضاء شورای مکتب، بهتر خواهد بود با مردم محل که شما منحیث وسیله، منبع شناسایی نموده اید، گفتگو شوند.



برای دسترسی به وسایل مردم محل و ایجاد یک مشارکت حمایتی، مکتب شما کدام ستراتیژی ها را میتواند بکار برد؟

- مکتب ها اکثراً بالای کمک های بیرونی– وسایل و مواد اهدا شده و وقت داوطلبان، شدیداً اتکاء دارند. بنابرآن، ایجاد و تقویت مشارکت قوی و دارای منفعت متقابل با اعضاء مردم محل در جهت طرح و حفظ یک پروگرام مؤفق، بسیار ضروری میباشد. در استراتیژی های ذیل پروگرام ها و مکاتب میتوانند از وسایل مردم و محل استفاده کنند:

اطمینانی ساختن کمک و مشارکت با امامان مساجد، مدارس دینی و پروگرام های تعلیمی

- مسجد میتواند دسترسی به مردم محل و والدین را فراهم نماید. امامان مساجد میتواند یک وسیله مهم کمک و فید بک به مکتب و پروگرام های آن، باشد.

از وسایل ریاست معارف ولایت و مدیریت معارف ولسوالی استفاده نمایید

- این وسایل به انکشاف معلمین، رهنمایی مدیر، رئیس، رسیدگی به مشکلات والدین و نظریات در جهت حصول اهداف مکتب، کمک مینماید.

استفاده از کاروبار تجارت و سازمانهای غیر دولتی

- دسترسی به وسایل، منابع فزیکی و مالی. شرکت های بزرگ برای پروگرام های مردم محل، بودجه را تخصیص میدهند. کمک های مالی میتواند بشکل پول نقد کمک شده، تحفه، تدارکات یا کرایه ساحه و وسایل باشد. آنها بطور معقول این توقع را داشته باشند که مکتب و صنف شما باید به نفع کمکهای آنها تبلیغات نموده آنرا نمایان سازد. این نوع تبلیغات میتواند سایر کاروبار تجارت را منحیث شرکاء تشویق نماید. زیرا این نشان میدهد که هم پروگرام های مکتب و هم تمویل کنندگان بیرونی چطور میتوانند از ایجاد و تقویت همکاری ها منفعت ببرند.

همکاری والدین و سایر بزرگان

- دخیل ساختن والدین در پروگرام های مکتب برای سهمگیری اطفال و نوجوانان و حاضری مداوم آنهامهم است، اما والدین و بزرگان مردم محل شما نیز میتوانند با فعالیت ها و محدوده پروگرام ها از طریق کار داوطلبانه و فراهمی وسایل و سایر فعالیت ها، کمک نمایند.
- مفاهمه باز: والدین را در گفتگو های رسمی و غیر رسمی دخیل ساخته تعدادی از فعالیت ها را از طریق آنچه که آنها میتوانند مهارت ها و توانایی ها را بکار برند، شریک سازید.در حالیکه بعضی والدین و بزرگان ممکن است علاقمند نباشند و یا برای کمک با فعالیت های تحصیلی قادر نباشند، اما آنها ممکن است در ورزش، مهارت یا فعالیت های روز های رخصتی، کمک نمایند.
- عرضه مشوقات. مجالس میزبانی با طعام، و گرد همآیی های دیگر، که والدین و سایر بزرگان میتوانند با همسالان خود که در ایجاد مردم محل در جوار خود علاقمند باشند، ملاقات نمایند. والدین و سایر بزرگان را با دعوت به شرکت در کمیته های پلانگذاری، بورد مشورتی، یا در گروپ متمرکز، احساس مالکیت بدهند. سعی نمایید که مسایل ترانسپورتی را حل نمایید که ممکن است در شرکت موانع ایجاد نماید. به مسایل عدم دلچسپی و یا ناتوانی زنان رسیدگی نمایید تا در همچو مجالس شرکت نمایند.
- از، امامان مساجد، مدارس، مکتب و مردم محل در برقرار نمودن تماس، استفاده نمایید.

نتیـــجه گیری

در این فصل شما در مورد ایجاد روابط نزدیک با اعضاء خانواده های شاگردان خویش، در مورد طرق باز نمودن صنف و مکتب شما بروی مردم محل، خواندید و فکر کردید. پشتیبانی از تعلیم و همکاری با اهداف مکتب از طریق دخیل ساختن والدین و مردم محل خیلی افزایش می یابد. اما، این یک جاده دو طرفه است. چنان نیست که مردم محل به مکتب میدهد بلکه مکتب نیز به مردم محل عرضه میکند. معلمین جزء مردم محل اند؛ و شاگردان اعضاء مردم محل اند. پیوند بین مکتب و مردم محل دارای منافع مشترک است که هر دو از آن بهره مند میشوند.

شاید همه سفارشات و پیشنهادات که در اینجا درج اند، ممکن در افغانستان عملی نباشند، خصوصاً در ساحات روستایی، پس شما منحیث معلمین، در مورد جستجوی طرق پیوند دادن مکتب با مردم محل فکر نمایید و این مفکوره را بدون اینکه امتحان کنید، ناممکن تلقی نموده نباید مسترد نمایید.

در فصل بعدی و نهایی، شما خود را منحیث یک فراگیرنده دایمی و یک معلم مسلکی فکر کنید. موضوع این فصل عبارت از انکشاف مسلکی، پیشبرد وظیفه و جلوگیری از فشار روانی از کار و زندگی، میباشد.



فصل چهاردهم

انکشاف مسلکی معلمین

مقـــدمه

معلمین با کیفیت یگانه عامل تعیین کننده در پیشرفت شاگردان بشمار میروند. تعلیم، توانایی و تجارب یک معلم، نسبت به همه عوامل دیگر، عامل پیشرفت شاگردان بحساب میرود.

مطالعات نشان داده است که از ۴۰ الی ۹۰ درصد تفاوت در نمرات امتحانات شاگردان به کیفیت و شایستگی معلم نسبت داده شده است. درک اصل موضوع، دانستن اینکه شاگردان چگونه می آموزند، و عملی نمودن روش های مؤثر تدریس چگونه به پیشرفت بیشتر شاگردان منتج میگردد، خیلی مهم است. بناءً وقتیکه معلمین به تدریس آغاز مینمایند باید بخوبی آماده باشند و بهبودی دانش و مهارت های آنها باید در سراسر وظیفه دوام نماید.

مزید برآن، پولیکه در آموزش، تریننگ و پرداخت به معلمین جدید سرمایه گذاری میگردد، میتوان از طریق یک فکاهی « مثال موتر» تمثیل نمود. در مثال استدلال میشود وقتیکه یک مشتری یک موتر جدید را خریداری مینماید، او میداند که این پایان آنچه که پرداخته است نمی باشد. برای اینکه موتر در حالت خوب باشد و از آن بخوبی استفاده شود، پول اضافی را برای دوام طولانی تر و کار بهتر بالای آن موتر خرچ مینماید. به همین ترتیب، وقتیکه یک مکتب یک معلم مسلکی را استخدام میکند، اداره مکتب نیاز دارد تا پول و وسایل بیشتر را برای افزایش دانش و تقویت مزید معلم مصرف نماید در غیر آن، کار او را خسته میسازد و از کار می افتد.

امروز در افغانستان معلمین تحت فشار فزاینده قرار دارند. اما بیشتر معلمین جدید به اندازه کافی آمادگی ندارند تا به نیاز مندی های شاگردان خویش رسیدگی نمایند، و بسیاری از معلمین تجربه کار به وقت نیاز دارند تا با معیار های جدید آشنا شوند. کمترین شرایط برای معلم شدن، تنها آغاز به آموختن است که چگونه تدریس نماید. فقط مثل نو کاران در سایر مسلک ها، معلمین نیز به افزایش دانش و بهبود بخشیدن مهارتهای خویش در طول دوره وظیفه، نیاز دارند. متأسفانه، ضرورت به انکشاف مسلکی با کیفیت، برای آنهای که در مسلک معلمی اند اکثراً برآورده نمی شود.

ولایات و ولسوالی ها و مکاتب باید برای استفاده منابع مکاتب و نتایج شاگردان، مسؤول شناخته شوند. معلمین برای بهبودی پیشرفت شاگردان، بطور آشکارا پاسخگو اند. این کار با روز های که شاگردان یا بکلی ناکام میشدند و یا بطورعادت با میزان خیلی پایین آموزش و نتیجه ناچیز برای شاگردان و یا معلم، از یک صنف به صنف بالاتر ارتقا میکردند، یک تفاوت بزرگ دارد.

در عین زمان، محیط صنف نیز خیلی چالش برانگیز گردیده است، بخصوص در مکتب های که پیشرفت شاگردان خیلی بطی است. شاگردان زیاد که به زبان دوم تعلیم مینمایند، دارای نیازمندی های خاص تعلیمی میباشند، یا از فقر و خانواده های بی ثبات و یا هم از همسایگی غیر مصؤون آمده اند. تدریس به همچو شاگردان یک چالش بزرگ است. مفهوم پاسخگو بودن اینست که مکتب ها و معلمین پیشرفت در آموزش و تعلیم را یقینی سازند.

اگر خواسته باشیم که همه شاگردان مجال کامیابی داشته باشند، آنها باید معلمینی داشته باشند تا بدانند که به هر شاگرد چگونه به معیار بلند تدریس شود. متأسفانه، بیشتر معلمین برای این کار فاقد مهارتها می باشند و نه آنها با دانش و تجارب مجهز اند تا با چالش ها و اثرات منفی وضعیت که ممکن است به آن مواجه شوند، مقابله نمایند.

حتی اگر همه کاندیدان معلمی از عهده شرایط مقتضی برآیند، باز هم به پر نمودن کمبودی ها نیاز خواهد بود و ولسوالی ها شاید هیچ ندانند که مؤثریت این کاندیدان، در صنف ها چگونه خواهد بود. تقاضا برای معلمین همیشه از عرضه بیشتر است خصوصاً در مکاتب کمزور و دور افتاده. با در نظر داشت تعداد کلی مردم که در مکاتب کشور استخدام شوند، برای ولایات و ولسوالی ها مقدور نیست که معلمین جدید واجد شرایط را استخدام نموده معلمین غیر مؤثر را، که ممکن است زیاد باشند، تعویض نمایند. علاوه بر آن، حتی معلمین جدید و واقعاً واجد شرایط، باید خیلی چیز ها را بیآموزند قبل از اینکه به تدریس کامل آغاز نمایند. تدریس پنج ساعت پوره روزانه بمعه یک تجربه معلمی، نمیتواند جاگزین مسؤولیت های روزانه و چالش های غیر متوقعه ایکه نگران یک صنف، دارد، بشود.

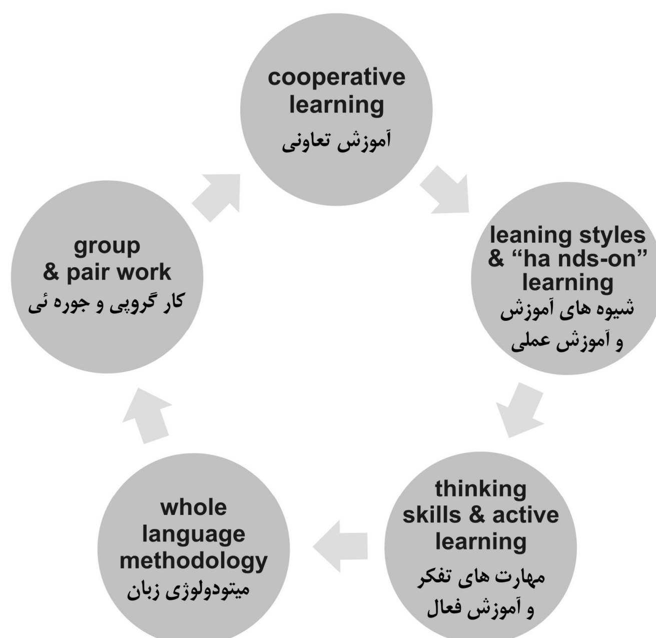
چون تصامیم استخدام اکثراً با معلومات نسبتاً کمتر در مورد مهارتهای درخواست دهنده، صورت میگیرد، مکتب ها بمنظور بهبودی مهارتهای همه معلمین، باید بالای انکشاف متداوم مسلکی اتکاء نمایند.

بناءً، مکتب ها به انکشاف و حفظ نیروی معلمی موجوده نیاز دارند. این یک ضیاع جدی وسایل، وجوه و سرمایه گذاری وقت خواهد بود که برای تعلیم یک معلم صرف میشود، محض برای اینکه بعد از چند سال نا امیدی، ولی مسلک را ترک نماید. چون این معلمین از لحاظ آمادگی، تجارب، و مهارتها از هم تفاوت زیاد دارند، به همین ترتیب در نیازمندی های انکشاف مسلکی خویش نیز از هم متفاوت اند. ولسوالی ها مسؤولیت پاسخگویی به همه این نیازمندی ها و تقویت انکشاف معلمین را بعهده دارند تا شاگردان از تدریس با کیفیت بهره مند گردند.

ولسوالی های که دارای فعالیت های انکشاف مسلکی معلمین اند، شاهد نتایج بهتر شاگردان بوده اند.

انکشاف مسلکی باید ضروریات معلمین را مرفوع بسازد

یکی از بزرگترین شکایت معلمین و مدیران معارف در مورد پروگرام های انکشاف مسلکی کارمندان این است که آنها پروگرامهای زیاد را خیلی سریع معرفی میکنند و یا اینکه آنها میگویند برای «وظیفه ام» بی معنی اند. هر سال تعداد زیاد پروگرام های جدید را با معلومات جدید که معلمین باید آنها را بیآموزند و تجربه حاصل نمایند، معرفی میشوند. یک مکتب ممکن است در عین زمان دارای چندین توپ انکشاف کارمندان در هوا داشته باشد و از معلم خواسته شود که توپ ها را از هوا بگیرد بشمول «توپ های» که در زمین اند.



معلمین برای تعقیب طرزکار، معلومات، فید بیک و آمادگی، به وقت ضرورت دارند. اولویت ها باید مطابق پلان مکتب، توسط کارمندان در همکاری با مکتب و مدیریت معارف، تعیین شود. در افغانستان، معمولاً بعضی از تریننگ ها از طرف منابع بیرونی فراهم و از طرف وزارت معارف مستقیماً به مکاتب ارسال میگردد. مدیران مکتب باید به معلمین اجازه دهد تا در جهت کاربرد درست همچو تریننگ های بیرونی در ساحه مکتب، صدای خود را بلند نمایند.

بیشتر کارشناسان توافق دارند که معیارها، ستندرد ها برای «نهادینه سازی» یک پروگرام جدید روش کاری مکتب، که واقعاً با ریشه های قوی باید ایجاد گردد، از سه الی پنج سال را در بر میگیرد. این یک حقیقت جدی است که اجتناب از ورکشاپ انکشافی «بزن- و- بگریز» یا «یک ضربه» را بسیار مهم میسازد.

پروگرام های انکشافی کارمندان تنها در آنصورت مؤثر اند وقتیکه معلمین برای تعویض روش های کهنه با روش های جدید، یک دلیل و نیازی را احساس نمایند. هر نوع فعالیت انکشافی کارمندان باید با دید و اهداف مکتب، مرتبط باشد.

بهترین پلان انکشافی آن است که اجزای ترکیبی انکشاف مسلکی را در یک نمونه منسجم بافت دهد تا آموزش، تریننگ های داخل خدمت(یا در داخل و یا خارج از ساحه مکتب) در یک مجموع پرمعنی، مرتب شود.

متأسفانه، پولی که اکثراً بالای پروگرام های انکشاف مسلکی به مصرف میرسد، نه معلمین آنرا میخواهند و نه به آن ضرورت دارند، و با اهداف مجموعی ولسوالی برای پیشرفت شاگردان، ندرتاً پیوند دارد. در یک سروی بین المللی، که از ۵۰٪ معلمین پرسش بعمل آمده نشان میدهد که منحیث معلم، انکشاف مسلکی را که آنها حاصل نموده اند، تغییر اندکی را بوجود آورده است.

در حالیکه مسلک تعلیم و تربیه میتواند در مورد مشخصات مرتبط به انکشاف مسلکی با کیفیت، رهنمایی فراهم نماید، این خیلی مشکل است نشان دهد که انکشاف مسلکی، بالای پیشرفت شاگردان یک تأثیر سببی داشته است چون مشخصات متفاوت دخیل اند- مانند مشخصات معلم، مشخصات شاگرد، تغییر در مکتب، و شرایط در خانه.

فعالیت های انکشاف مسلکی اکثراً از دفاتر مرکزی وزارت معارف در کابل تطبیق میگردد، که توسط مشاورین بین المللی در همکاری با کارشناسان تعلیم و تربیه داخلی، طرح گردیده است. آنها با یک مقصد آموزش، تریننگ همه معلمین در یک سلسله موضوعات اصلی یا موضوعات جدید پیدا گوژیکی، در سراسر کشور توزیع میگردد. در حالیکه این تلاش ها به سطح ملی، بمنظور بهبودی تدریس به معلمین استراتیژی ها را فراهم مینمایند البته این استراتیژی ها، همیشه اهداف ولسوالی، مکتب یا ضروریات و یا اولویت های معلم را بطور انفرادی، مورد هدف قرار نمی دهند.

پلان انفرادی انکشاف مسلکی

آنچه در آینده بیشتر مطلوب است این خواهد بود که با معلمین چنان رفتار شود که ما از آنها توقع داریم که با شاگردان همان گونه رفتار نمایند. با هر معلم در ارزیابی توانایی ها و ضعف های وی منحیث یک معلم- برای شناسایی مهارت ها و ظرفیت های وی که به تقویت نیاز دارد، کمک شود. معلم، در مشوره با مدیر مکتب، باید یک پلان انکشاف مسلکی را برای خود طرح نماید. در این پلان، اهداف انکشاف مسلکی، شناسایی طرق برای برآورده ساختن این اهداف از طریق وسایل معقول و موجود، و طرح یک جدول زمانی برای تکمیل اهداف انکشاف شخصی، باید شامل باشد. این اهداف در مشوره با مدیر مکتب، میتواند کسب مهارت های بیشتر در مضمون باشد.

این نوع اهداف و اهداف مشابه، ممکن تعلیمات مزید رسمی را ایجاب نمایند که میتواند از طریق دارالمعلمین ها، آموزش از فاصله دور، و یا ورکشاپ ها و جلسات تریننگ که بطور خاص بالای موضوع اصلی و ظرفیت تمرکز مینمایند که معلم به تجدید آنها نیاز دارد، حاصل گردد. یک هدف میتواند انکشاف مهارتهای رهبری در تدریس سایر معلمین، یا احراز مدیریت مکتب، یا متخصص شدن در تعلیم و تربیه در دفاتر مدیریت،ریاست معارف ولسوالی ها یا ولایات و یا هم در خود وزارت معارف در مرکز باشد. همچنان یک هدف میتواند گام های کوچک مرتبط به مؤثریت صنف، یا اهداف بزرگتر مانند حصول درجه تحصیل مکاتب و یا فراغت از پوهنتون، باشد.

پیشرفت انکشاف معلم یک روند مستمر میباشد که به وقت و زمان نیاز دارد. در پروسه انکشاف معلم «جور کردن فوری» وجود ندارد. معلمین خوب همواره طریق کار خویش را در مورد نیازمندی های شاگردان، ترتیب و اصلاح مینمایند. معلمین در یک روند مستمر پیشرفت و رشد مهارتها بوده که نظریات اداره در مورد ارزیابی سالانه و ارقام جمع شده از پلان های انکشاف مسلکی خود معلمین، آنها را کمک مینماید. با هر معلم باید در ایجاد یک پلان انکشاف مسلکی دارای اهداف محسوس و معقول، اما در عین حال چالش برانگیز و دارای انگیزه، کمک صورت گیرد. این اهداف باید با شایستگی ها و آرمانهای مسلکی معلم پیوند داشته باشند. معلمین باید در هر سال رشد مسلکی را در تحقق شایستگی های انتخاب شده که در پلان انکشافی مسلکی معلم مشخص گردیده اند، نمایان سازد. پلان مذکور برای معلمین جدید، به نسبت معلمین با تجربه در مراحل مختلف مسلک با ضروریات مختلف انکشاف، باید تفاوت داشته باشد. برای معلمین جدید، روند معرفی و رهنمایی شاید برای آموختن کافی باشد.

مشخصات کیفیت در انکشاف مسلکی

فهرست ذیل برای مقاصدیکه باید در پلانگذاری انکشاف مسلکی، یا به یک معلم و یا برای همه معلمین در یک ساحه، در نظر گرفته شوند، رهنمود ها را فراهم مینماید.

انکشاف مسلکی با کیفیت بلند برای معلمین باید شامل نکات ذیل باشد:

- آموختن متداوم، نه در یک سمینار.
- تمرکز بالای بهبودی در روش درس در صنف و افزایش آموختن شاگرد.
- جا سازی در کار های روزمره معلم، نه اینکه به مواقع خاص و یا از نیازمندی های آموختن شاگردان جدا ساخته شود.
- تمرکز بالای فعالیت های آموختن و تدریس جدی- پلان نمودن درسها، ارزیابی کار شاگردان، و ایجاد نصاب درسی.
- ترویج یک فرهنگ مکتبی که شامل تشریک دانش و تجارب در اهداف پیشرفت عین شاگرد باشد.
- کمک توسط نمونه سازی و تدریس که تکنیک ها حل مشکلات را می آموزاند.
- از طریق تحلیل و تجزیه، موارد و گفتگو های روش کاری را به پایان رساندن.

خیلی از چالش ها در طرح و ارائه انکشاف مسلکی مؤثر، از جنبه های منحصر به مسلک معلمی، نشأت مینمایند. برخلاف افراد سایر مسلک ها، معلمین برای افزایش مهارت های خویش از طریق انکشاف مسلکی، دارای مشوقات مالی و مسلکی کمتر میباشند. معلمین در افغانستان دارای پیشه، مسلک نیستند در حالیکه ترفیعات بر اساس دانستن تکنیک، روش های جدید یا نشان دادن مؤفقانه مهارت های جدید، حاصل میگردد. مزید برآن، ارزیابی های پیشرفت، که آیا معلمین انکشاف مسلکی را به روش تدریس مؤفقانه در صنف و پیشرفت شاگرد، انتقال داده اند، به ندرت سنجش میگردد. در عوض، به معلمین بطور عام، صرفاً به سبب طول خدمت آنها، پاداش، مکافات داده میشود. حصول یک درجه تحصیل (ماستری) در این قاعده یک استثناء میباشد، اما ضروری نیست که درجه تحصیلی در مضمون مربوطه باشد، برای حصول درجه تحصیل مشوق موجود است بدون اینکه بهبودی تدریس در صنف و یا میزان آموختن شاگردان، در نظر گرفته شود.

انکشاف مسلکی باید دارای کیفیت بلند باشد تا جالب و تشویق کننده باشد و پر ارزش تلقی گردد. اما ابتکارات، پروژه های انکشاف مسلکی به یک طریقه مفید و سازنده، به ندرت ارزیابی میگردد. فقدان کلی ارزیابی و پاسخگویی نه تنها به نبود معلومات در مورد مفیدیت و مؤثریت انکشاف مسلکی کمک میکند، بلکه به معلمین هیچ مشوقی را نمی دهد تا انکشاف مسلکی را جدی بگیرند. بدون مشوقات و یا پاداش، مکافات ملموس، احتمال آن خیلی کم میرود که در انکشاف مسلکی که برای آنها میسر است، شرکت نمایند.

رهنمود ها برای انکشاف مسلکی معلمین افغانستان

اگر به رهنمود های وزارت معارف و چارچوب شایستگی مدیر، رئیس برای معلمین و مدیران، رئیسان افغانستان یک نظر سرسری بیاندازید، خواهید دید که انکشاف مسلکی و آموختن در طول عمر برای معلمین بطور صریح بیان و یا ضمناً کمتر تطبیق میگردد. معلمین افغانستان به همچو فرصت ها در جهت بهبود بخشیدن مسلک معلمی و توسعه دانش و ظرفیت، ضرورت دارند و استقبال مینمایند. آنها فرصت های شریک ساختن تجارب و مشکلات خویش را با سایر معلمین با تجربه، استقبال میکنند. آنها شناسایی ناشی از ادامه و بهبودی، پیشرفت در آموختن را ارج میگذارند. این شناسایی اکثراً به شکل افزایش در معاش، تأیید حیثیت آنها منحیث معلمین رسمی، نه معلمین قرار دادی و مؤقت، مسؤولیت های زیاد و ترفیعات، تحقق میپذیرد.

با آنهم، چون هدف انکشاف مسلکی معلمین در حقیقت برای معلمین نه بلکه در مورد اینست که آموختن شاگردان چگونه انکشاف نماید، فعالیت های که برای انکشاف کارمندان در نظر گرفته شده اند، باید بر مبنای اهداف مکتب، ارزیابی توانایی ها و ضعف ها، و اهداف مکتب مرتبط به ارزیابی، استوار باشند. تعلیمات داخل- خدمت، که متناسب با نیازمندی های حقیقی شاگردان نباشد، با وجود دلچسپ و جالب بودن معلمین و مکتب آنها، پروگرام های مکتب را، طوریکه آرزو میرود، متأثر نخواهد ساخت.

بناءً محل آغاز تعلیم داخل- خدمت در داخل مکتب است و از ضروریات شروع شود که معلمین، آمرین ادارات، و اداره مکتب مشخص نموده اند. تعلیم داخل- خدمت در محلی بیرون از مکتب نیز محل خوب آغاز است. پیشکش یا ارایه (ارائه) توسط کارکنان مکتب یا مردم که دارای مهارتهای مرتبط اند، با مکتب پیوند مستقیم دارد. تشریک پروگرام های داخل- خدمت با سایر مکتب های همجوار نیز مؤثر میباشد. موضوعاتیکه برای تعلیم داخل- خدمت انتخاب میشود، نه تنها دلچسپ باشد بلکه به پروگرام نیازمندی های مکتب اعم از دانش محتویات مضمون، ستراتیژی های تدریس، کاربرد مواد جدید و تکنالوژی، دانستن والدین و نگرانی های آنان، دانستن مشکلات اطفال، آگاهی در مورد پالیسی های وزارت معارف و اینکه پالیسی های مذکور بالای صنف چگونه تأثیر میکند، باید مستقیماً مرتبط باشند. پیشکش یا ارایه ها باید عملی، الهام بخش و نیز بحث ها باید معیاری باشند. پنج پیشنهاد برای رسیدگی، نظریاتی را که از قبل بحث شده است، خلاصه میکند:

۱. انکشاف مسلکی برای معلمین (مدیران و رئیسان) بخشی اساسی پیشرفت مکتب بشمار میرود که شامل پلانگذاری به سطح مکتب و به سطح انفرادی میباشد.
۲. در فعالیت های انکشاف مسلکی یک قسم پروگرام برای تمام معلمین مناسب نیست. معلمین جدید و معلمین با تجربه در مراحل مختلف پیشرفت میباشند که به تریننگ های مختلف داخل- خدمت و یا به آموختن سایر فعالیت های مسلکی نیاز دارند.
۳. انکشاف مسلکی بطور مشترک پلانگذاری شود که بر مبنای یک ارزیابی نیاز مندی های مکتب استوار و مستقیماً با طرز کار صنف مرتبط و مؤثر باشد.
۴. انکشاف مسلکی به معلم و یا برای معلم در باره انجام چیزی نمی باشد، بلکه در مورد انکشاف استعدادها و مهارت ها در جهت پیشبرد اهداف تدریسی مکتب، میباشد.
۵. در انکشاف مسلکی مدیران، رئیسان نیز شامل میشوند که باید نمونه های تجدید مستمر مسلک و آموختن دوامدار باشند.

بالآخره، تطبیق کردن پروگرام ها با اهداف وسیع مکتب (افراد و گروپ ها در داخل مکتب)، نه تنها مهم است بلکه جا سازی پروگرام بر بنیادی که بتواند برای مکتب و پیشرفت تدریس در افغانستان بهترین روش تشخیص گردد، میباشد. با انجام این کار، در جهت طرح و تطبیق پلان، باید تهیه بودجه درخواست گردد. به طرح پلان های طویل المدت نیز ضرورت است که ارزیابی ها و فید بک در آن شامل نمایند تا انکشاف مسلکی بخش از:

- فرهنگ مکتب و همچنان پلان انکشافی معلم، گردد. البته، در جهت حمایت انکشاف مسلکی، به پالیسی ها و بودیجه از طرف وزارت معارف، ضروری میباشد.

رهنمایی، معرفی و انکشاف معلمین جدید

رهنمایی آشناسازی آغاز یک پروگرام منظم مسلکی، کسب تجارب و آموختن مزید برای معلمین جدید، میباشد. این پروگرام در تسهیل داخل شدن به تدریس، با معلمین جدید بطور منظم و متداوم کمک میکند. بنابراین، مفهوم معرفی برای توضیح هر نوع رهنمایی داخل- خدمت، و فراهم کردن کمک در آشنا سازی معلمین جدید با مسؤولیت های جدید، بکار میرود. بعبارت دیگر این را میتوان بنام پروگرام کمک با معلمین جدید یاد نمود که شامل آشنا سازی با محیط و شرایط مکتب و مجتمع، و کمک متمرکز در تنظیم و اداره صنف و تدریس مؤثر، میباشد. معمولاً پروسه رهنمایی،آشنا سازی، بالای ضرورت حاضری در ترینبنگ،کورسهای که بطور رسمی تنظیم میگردد، کمتر اتکاء میکند. معلمین جدید اکثراً از طریق بحث های انفرادی و مشاهدات توسط سپروایزر ها یا مربیان رهنمایی میگردد تا مؤثریت و سودمندی تدریس انکشاف نماید. خود اعتمادی یک معلم جدید آنگاه رشد مینماید که یک محیط مثبت مکتب، تشویق، کمک در اثناء مشکلات و رهنمایی قوی توسط یک معلم با تجربه، موجود باشد.

مدیران، سپروایزر ها، برای پیشبرد پروگرام های مؤفق باید عوامل آتی را اطمینانی سازند:

- تلاش منظم در جهت کمک با معلمین جدید در صنف و فرصت ها برای مشاهده و گفتگو، محاوره با معلمین با تجربه.
- عرضه نمودن کمک خاص در سال های اول اشتغال در مورد پیوند دادن تدریس آنها با معیار های ولسوالی و به سطح ملی.
- طرح فعالیت های انکشاف مسلکی در جهت افزایش مؤثریت مربی و پاداش، مکافات برای آنها.
- تحمل یک کمک رهنمایی به مشکلات روزمره و تشویق، تا معلمین جدید روش و رفتار فکری و مسلکی خود را تقویت نماید.

تحقیق نشان میدهد که پروگرام های انکشاف مهارت با استفاده از پیشکش، نمایش، تکرار تمرین، نظارت و رهنمایی، هنگامی مؤثر اند که در آنها ترینبنگ و فیدبک شامل باشد. این یافته ها پیشنهاد مینماید که معلمین مهارت های جدید را وقت حاصل و بکار میبرند که تشویق موجود باشد و به دنبال آن در صنف خود آنها تعقیب گردد. برای انکشاف مهارت، ورکشاپ ها در گروپ های کوچک، به نسبت ورکشاپ ها با گروپ های بزرگ، مؤفقتر معلوم میشود.

در اثناء بحث با مدیران، رئیسان در مورد انکشاف کارمندان که اکثراً اغماض صورت میگیرد، پلان انکشاف مسلکی خود مدیران، رئیس ها میباشد. چون رئیس، مدیر، سرمعلم، و سران ادارات، پیشرفت معلم را در پلان انکشاف مسلکی وی نظارت مینمایند، آنها باید نمونه تعهد به انکشاف مسلکی و آموختن با دوام خویش باشند.

<u>بعضی از نظریات در مورد پلانهای رشد مسلکی برای مدیران مکتب:</u>

مؤفق بودن یک مدیر کار تصادفی نیست، باید بداند که چگونه مدیریت کند و برای تداوم مدیریت کردن باید به آموختن ادامه بدهد. یکی از علامات ممتاز بین یک مدیر عادی و یک مدیر ماهر و مؤفق، ظرفیت و تعهد برای رشد متداوم مسلکی، اخیرالذکر میباشد.

از لحاظ مسلک رشد کردن کار سهل نیست. بعضی مدیران، رئیس ها تاب مقاومت را از دست داده موقف را اختیار مینمایند که «من برای خواندن وقت ندارم» و یا «من نمیتوانم بیشتر از این مضامین را بگیرم». این یک روش کوتاه بینی یک رهبر است که در طول راه آنرا «ضایع» میسازد. یک مدیر رئیس خوب نمیتواند این را تحمل کند که تداوم آموختن، رشد و پیشرفت را از دست دهد. شاگردان کارمندان و مجتمع به نسبت یک رهبر که نمیخواهد در مسلک خویش دارای تجربه و مهارت باشد مستحقتر اند.

بهترین طریقه برای ماندن با جهان تعلیم رو به تغییر، خواندن، تداوم خواندن و خواندن بیشتر است. هر مدیر ایکه ادعا کند برای خواندن وقت ندارد، امین و صادق نیست. در جلسه گذشته ما در مورد تنظیم وقت بحث نمودیم؛ خواندن برای رشد و پیشرفت در وظیفه یک اولویت مهم است.

سایر اشکال انکشاف مسلکی برای مدیران رئیسان را میتوان خود مان زمان بندی نمود. یک تعداد مشخص روز های انکشاف مسلک بیرون از محوطه مکتب، ممکن است برای ولسوالی شما، توسط وزارت معارف از قبل پلان شده باشد. بدست آوردن یک تصدیقنامه برای حاضری و یا ثبت در دیتابیس یک کمپیوتر برای تکمیل یک ترینگ، کافی نمیباشد. ترینگ در مورد اینکه شما به وظیفه خود بکدام نظر مینگرید، وظیفه خود را چگونه انجام میدهید، و در فرجام، اطفال در آموختن چگونه بهتر میشوند است.

تحقیق بررسی درس: انکشاف مسلکی برای معلمین منحیث همکاران

یک مجتمع آموزش معلمین

بررسی درس یک مدل امید بخش برای تفکیک انکشاف مسلکی معلمین میباشد. بررسی درس یک پروسه پوهنتونی غرض پیشرفت تدریس و آموزش است. در جاپان استادان تدریس خود را توسط بررسی درس رُشد و انکشاف میدهند. پروسه که معلمین درس های واقعی صنف را بطور مشترک پلان، مشاهده، تحلیل و اصلاح می نمایند، بنام «تحقیق دروس» یا «بررسی درس» یاد میکنند.بررسی درس و سیعاً برای پیشرفت گسترده تدریس ساینس و ریاضی در دوره ابتدائیه مدار اعتبار داشته است.

از سال ۱۹۹۹ به این طرف بررسی درس سریعاً در سر تا سر جهان ظهور کرده است.
در پروسه بررسی درس گروپ از استادان از چندین ماه الی یکسال جهت کار کردن بالای طرح و دیزاین، تطبیق، امتحان و پیشرفت و انکشاف بررسی درست با همدیگر به طور منظم ملاقات میکنند. مثال:
استراتیژی های تفکیک برای شاگردان لایق در صنوف منظم کار می نمایند.

أ. تمرکز بالای مشکل ایجاد شده معلم، هدف و یا بینش پیداگوژیکی معلم.
ب. پلانگذاری دقیق، اکثراً در همکاری با یک یا همکاران بیشتر.
ج. مشاهده توسط سایر معلمین.
د. ثبت برای تحلیل و انعکاس.
ه. بحث توسط اعضاء گروپ بررسی و سایر همکاران.

یک معلم درس معیاری را در یک صنف واقعی تدریس میکند در حالیکه سایر اعضاء تیم آنرا مشاهده نموده شاخص های آموختن شاگردان را یاد داشت مینمایند. اعضاء تیم سپس با هم جلسه نموده در مورد مشاهدات خویش از همدیگر سؤال نموده درس را بیشتر اصلاح مینمایند. درسهای تجدید نظر شده، سپس توسط یک عضو تیم دیگر به یک صنف دیگر تدریس گردیده شواهد مزید جمع آوری و اصلاح میگردد. در اخیراین روند، تیم مذکور یک تحلیل و نظریه را

تحریر مینماید و نتایج آنرا با سایر گروپ ها شریک میسازد. در صورتیکه برای تیم بررسی مشاهده درس ممکن نباشد، درصورت امکان باید یک فلم ویدیوی برای تیم تهیه شود تا در جلسه بررسی دیده شود.

در بررسی درس، معلم باید:

- در مورد اهداف دراز مدت تعلیم، مانند علاقه به آموختن و احترام بدیگران فکرکند.
- هدف مضمون مشخص شود(مثلاً، چرا ساینس تدریس میشود، در مورد وسیله یا ابزار چه مهم است، ابزار ها را چگونه معرفی نماییم)؛ را بطور دقیق رسیدگی نماید.
- پلان کردن صنف «تحقیق دروس» که اهداف مشخص موضوع اصلی و اهداف دراز مدت برای شاگردان است.
- بررسی دقیق در مورد اینکه عکس العمل شاگردان به این درس ها چگونه است، بشمول آموختن آنها، مشغولیت و معامله با یکدیگر.
- بسیاری ارگانهای مسلکی، همکاری معلمین را تقویت مینمایند. اما بررسی درس فراتر از همکاری بوده، پلانگذاری مشترک و مشاهده درس واقعی را با تمرکز بالای فکر کردن شاگردان، شامل میسازد. در بررسی درس نمونه آموختن مسلکی مستمر، معلمین با همدیگر، با مدیران و متخصصین، و حتی با سایر مکتب ها می آموزند. شرکت کنندگان، «تحقیق درس» پلان را، مشاهده، و اصلاح مینمایند که برای اهداف دراز مدت آموختن و پیشرفت شاگردان، طرح گردیده اند.
- یک جزء ملموس و کلیدی بررسی درس عبارت از مشاهده تدریس درس میباشد که بعداً بطور مشترک اصلاح میگردد. درس واقعی بررسی درس محصول نیست بلکه یک پروسه است. این معلمین را وادار میسازد تا روش خویش را در رابطه با آموختن شاگردان، کاملاً امتحان کنند. آنها را با شاگردان و مجتمع مسلکی آنها وصل نموده به پیشرفت متداوم تشویق میکند. این نمونه انکشاف مسلکی مستمر به رهبری معلم، در جاپان بطور وسیع و مؤفقانه تطبیق میگردد. در سال های اخیر، معلمین آنرا اصلاح نموده در بسیاری جا های جهان مورد استفاده قرار میدهند.

بخش II. کاهش فشار در کار و زندگی معلمین

افراد قانع معلمین مؤثر شده میتوانند. تعیین هدف در ساحات شخصی و مسلکی زندگی یک معلم، در کسب موفقیت کمک میکند. آرزو های شخصی هر کس فرق میکند، اما آرزو ها یا اهداف مسلکی مرتبط به تعلیم چیزیست که همه معلمین در آن شریک اند. بطور مثال، کسب توانایی برای دانستن و مفاهمه با افراد در سنین مختلف، توانایی برای انگیختن حس کنجکاوی و آرزو برای آموختن، اهداف اند که در بین معلمین شریک میباشند. ارزوی انکشاف دادن دماغ شاگردان، و ایجاد مستمر تجارب جدید و تحریک کننده در یک صنف عبارت از اهداف معلمینی است که برای مسلکی شدن تلاش مینمایند. با آنهم، تا حدی که معلمین تدریس و آموختن را دوست خواهند داشت، وظیفه مشکل است. تنش و فشار، چنان معلوم میشود که بخش روزمره کار معلم باشد. تدریس میتواند یک وظیفه پرتنش و فشار روانی باشد. معلمین چگونه میتوانند از همچو فشار زندگی جلوگیری نمایند که آنها را از انجام کار و حس افتخار محروم میسازد.
معلومات و نظریات ذیل ممکن است ممد باشند:

- داشتن فشار برای همه انسانها عام است، بخصوص رهبران مکتب.
- بعضی فشارها در تکیمل وظایف به یک طریقه درس و مؤثر، با یک شخص کمک میکند.
- فشار بیش ازحد میتواند بالای صحت، سلوک، مزاج و سرور زندگی اثرات مضر داشته باشد.



- جنبه های مشخص وظیفه یک معلم به نسبت دیگران بیشتر پر از پریشانی اند مانند احساس خستگی از کار و ختم نشدن توقعات، مشکلات با شاگردان و کار در انتظار تکمیل شدن.
- بعضی وضعیت های فشار روانی را میتوان با پلان کردن دقیق وقت، کنترول نمود.
- سایر وضعیت های فشار روانی را میتوان با تکنیک،شیوه ها در پلانگذاری و آمادگی، قبل از وقت به مکتب رفتن، از بین بردن ضیاع وقت، کاربرد معمولات بطور مؤثر، کنترول نمودن اختلالات و بد حواسی، به تعویق نه انداختن کارهای کمتر لذت بخش، مانند نمره دادن به پارچه ها.
- سایر سفارشات برای کاهش فشار روانی شامل ترک نمودن کار در مکتب و لذت بردن از زندگی با اعضاء خانواده و دوستان؛ لذت بردن از یک علاقمندی خاص مانند باغبانی، آشپزی، کار ساختمانی و سایر تفریح خوشگوار؛ تخصیص وقت برای تمرین و ورزش، خواندن قرآنکریم، نماز وغیره.

معلمین خوب اکثراً تا دیر در کار میمانند، بشمول ساعات شام و روز های اخیر هفته. آنها مسؤولیت شاگردان زیاد را بدوش دارند، که هر کدام آنها دارای توانایی ها و ضروریات خاص میباشند. اختیارات جدید اکثراً با توقعات بلند تحمیل میگردد. علاوه بر آن، توده ای از کار های دفتری و جلسات، سؤالات والدین، وظایف میدان بازی و طعام چاشت، و شما نیرومندی در مقابل فشارات زیاد را دارید.

یک فهرست عوامل ممکنه فشار برای معلمین، مدیر و رئیس

۱. ضرب الاجل ها برای گزارش ها و سایر کار های دفتری.
۲. حجم کار خیلی زیاد.
۳. توقعات به حد افراط.
۴. اخلال مکرر توسط مردم یا زنگ های تلیفون.
۵. فعالیت های مکتب بیرون از ساعات کار رسمی.
۶. رعایت، تطبیق پالیسی ها و مقررات ولسوالی یا ملی.
۷. حل منازعات والدین، مکتب.
۸. تصامیم که زندگی های شاگردان را متأثر میسازد.
۹. این احساس که پیشرفت در وظیفه ام طوری نیست که باید باشد.
۱۰. جلسات وقت زیاد را میگیرند.
۱۱. فشار برای انجام بهتر وظیفه.

استراتیژی ها برای مهار کردن فشار روانی

در سطور آتی اظهارات بعضی معلمین را مشاهده میکنید که برای کاهش فشار روانی در وظیفه چگونه مشوره میدهند:

اختصاص وقت برای تفریح: یک معلم گفت: «خوش طبعی بهترین طریقه کاهش فشار روانی است. سخنان شوخ طبعی و خنده دار کاهش دهنده فشار اند».

حفظ یک «افتخار»: معلمین زیاد دارای یک زندگی پرستایش اند. هر وقت که آنها از والدین، شاگردان و یا همکاران خویش یک نامه مثبت دریافت نمایند، آنرا در یک دوسیه حفظ میکنند. یکی از معلمین گفت: هر وقتیکه احساس کنم که از من قدردانی می شود، دوسیه را باز نموده همان نامه ها را که والدین، شاگردان و یا همکارانم در مورد کار هایم که انجام میدادم تحسین کرده اند، میخوانم.

توسعه،گسترش افق فکری. بعضی معلمین به این نظر اند که انجام دادن سایر فعالیت های مرتبط با تعلیم، در کاهش فشار روانی کمک میکند. یک معلم گفت: من در فعالیت های دیگر مانند خواندن یا نوشتن مضامین، یا تصحیح کتابهای درسی خود را مشغول میسازم، هرچند این یک کار است، اما یک کار کاملاً مختلف، و فراتر از کار صنف.

خواندن. یک معلم دیگر گفت: «من هرنوع کتاب را دوست دارم، اما کتاب دلخواه من که خواندن آن فشار روانی ام را کاهش میدهد، قرآن مجید است و نیز کتاب های دیگری که خواندن آنها فشار های روانی ام را کم کند. من هر شب وقت را برای خواندن کتاب اختصاص میدهم ولو برای چند دقیقه هم باشد. این کار، کم از کم برای مدتی که میخوانم، برایم آرامش میبخشد و با خاطر آرام می خوابم».

هیچگاه فشار روانی را با خود به خانه مبرید. یک معلم با تجربه گفت: «در نزد من بهترین طریقه مقابله با فشار اینست که آنرا در محل کار بگذارم».

از طبیعت لذت گرفتن. یکی دیگر از معلمین گفت: «هر گاه من با یک وضعیت پریشانی مواجه شوم، برای چهل قدمی بیرون رفته از مناظر طبیعت لذت میبرم. مناظر درختان در حال شگوفه و رشد، و حیوانات در جستجوی علوفه، بیادم میدهد که همه ما دوره زندگی را طی مینماییم. مشاهده نمودن محیط چهار طرف خویش بمن تسکین و آرامش میبخشد». یک معلم دیگر گفت: من از دیدن مناظر طبیعت و زیبایی های آن احساس فرحت و آرامش میکنم. هوای تازه و پاک به دماغ ما تازگی میبخشد و از تنفس آن لذت میبرم. قدم زدن چیزیست که به آسانی انجام میشود، و این چیزیست که من همیشه به آن ضرورت دارم، من در آوان روز چندین پروژه را آغاز مینمایم اما یکی از آنها به انجام نمی رسد، کم از کم به انجام قدم زدن اطمینانم حاصل میگردد که از فهرست کارها، یک کار را انجام داده ام.

کار در باغ. یک معلم دیگر میگوید: «هرگاه هوا خوب باشد من در باغ کار میکنم، من خیلی دوست دارم که در احاطه حویلی یا در باغ خود کار کنم. فرصتی برای خاک آلود ساختن دستهایم و مشاهده آنی نتیجه کارم، فشار و خستگی ها را می زداید و سکون و اطمینان برایم حاصل میگردد».

پلان و تنظیم مؤثر وقت. یک معلم دیگر گفت: «پلان نمودن درست وقت میتواند در محو فشار روانی کمک کند. مقدار زیاد فشار روانی اکثراً از پلان گذاری ناقص وقت، و فکر نکردن در مورد چیز های که میتواند در یک وضعیت مشکل ایجاد گردد، ناشی میشود. پلان گذاری و تنظیم درست وقت، میتواند در جلوگیری از فشار روانی کمک کند».

انجام دادن کار با همکاران بیرون از مکتب. یک معلم دیگر گفت: «برای کاهش فشار روانی، من با سایر همکارانم، صحبت میکنم – و یا به دیدار آنها میروم. با دانستن اینکه دیگران نیز همان مشکلات را تحمل مینمایند که من نیز دارم، برایم مایه تسکین و تسلیت را فراهم میکند».

رخصتی در روز های اخیر هفته. معلم دیگر میگوید: «اگر در روز اخیر هفته اکثراً در مکتب کار میکنید، یک روز اخیر هفته را رخصت بگیرید تا کدام کار خاص مورد پسند خویش را بیرون از مکتب انجام دهید».

ورزش، تمرین. یک معلم دیگر میگوید: «من فشار روانی و خستگی خویش را با انجام بعضی کارها و ورزش،تمرین سپری مینمایم. من از عرق ریزی اندک بعد از کار در خانه، احساس آرامش میکنم بناءً میگویم: ورزش، ورزش و ورزش ولو پیاده گردی برای یک مدت کوتاه در اطراف صحن مکتب در اثناء صرف طعام چاشت هم باشد».

عبادت و تفکر. یک معلم دیگر گفت: «من با فشار روانی و خستگی به طرق مختلف مبارزه میکنم. اولاً، من بطور منظم نماز میخوانم، و من دوست دارم که تفکر و تعمق نمایم. هرچند کار آسان نیست، این به وقت و تمرین زیاد نیاز دارد، اما وقتیکه عادت کردی، نمی توانی آنرا رها کنی، زیرا که نتایج آن خوشی زاینده است».

حفظ سلوک و رفتار مثبت. یک معلم گفت: «حفظ یک سلوک و رفتار مثبت در همه اوقات، یک جهان تغییرات را ببار میآورد. تغییر دادن افکار درونی به تغییر در رفتار و سلوک بیرونی منتج میگردد».

سپری نمودن وقت با خانواده و دوستان. داشتن یک دوست خوب که به سخنانت گوش میدهد، بهترین ذریعه زدودن فشار روانی است. دوستان میدانند که هرگاه به کمک یکدیگر ضرورت باشد میتوانیم آنها را بخواهیم و مسایل را در میان بگذاریم، از نظریات و مشوره های یکدیگراستفاده نماییم، و همواره یکدیگر را تشویق، تقویت و اظهار همدردی نماییم.

با فشار روانی خو کردن. بعوض مقابله با فشار روانی، شما نیزهمان کنید که یک معلم میکند — او میگوید: «آنرا همدم خویش بسازید! او دوستم است– من بر فشار روانی غلبه نموده ام. توانایی ام برای مقابله با یک وضعیت پر اضطراب، مرا از سایر همکاران تدریس ام مجزا میسازد».

۱۰ ستراتیژی دیگر برای جلوگیری از فشار روانی طاقت فرسا

۱. تحمل مشکلات بطور خوشبینانه
۲. حفظ یک عادت خوش طبعی
۳. کاربرد مهارتهای روابط خوب به سایرین
۴. کار و تلاش زیاد تر(بشمول شامگاهان و روز های اخیر هفته در مکتب)
۵. انتخاب اهداف معقول (با درک محدودیت های وظیفوی)
۶. صحبت با اعضاء خانواده و دوستان نزدیک
۷. حفظ عادت خواب منظم
۸. مشغولیت در کارهای خفیف و فعالیت های ورزشی
۹. مشغولیت در کارهای که باعث رشد معنوی میگردد
۱۰. حفظ عادات خوب صحی

کار های دیگر فشار افزا عبارت اند از مسؤولیت های سرپرستی اطفال و خانه، خصوصاً برای معلمین اناث. خیلی از معلمین اظهار مینمایند که داشتن خوش طبعی، اعتقادات مذهبی و عمل برآن، در کنار سایر چیز ها، در کاهش و تنظیم فشار روانی، از استراتیژی های مؤثر بشمار میروند.

نتیـــجه گیری

در این فصل بالای اهمیت و ضرورت انکشاف مسلکی تمرکز شده است. این واضح است که وظیفه تدریس در سالهای اخیر، متمرکز تر، جالبتر، وقت گیرتر و پیچیده تر گردیده است. پیشرفت در دانش، گسترش تکنالوژی جدید، افزایش شاگردان و تفاوت آنها، و توقعات رو به افزایش والدین و حکومت، همه اینها وظیفه معلمی را نسبت هر وقت دیگر در تاریخ کشور، بیشتر چالش برانگیز ساخته است. معلمین باید از هر فرصت میسر در افزایش مهارتهای خویش از طریق ورکشاپ ها و تریننگ ها، حد اعظمی استفاده نمایند. همچنان آنها باید یک (پلان انفرادی انکشاف مسلکی) (Individual Professional Development Plan IPDP) را ایجاد نمایند که در آن اهداف شخصی را برای پیشرفت مسلکی، وضع نمایند.

تغییرات و توقعات و تقاضا ها از معلمین، همچنان شرایط زندگی شخصی آنها، بدون شک فشار روانی را ایجاد و حتی صحت آنها را متضرر خواهد ساخت. مانند هر مسلک دیگر، نمیتوان از فشار روانی بطور کامل جلوگیری نمود، اما روش ها و نظریات برای کاهش فشار روانی سفارش گردیده اند. شما قادر خواهید بود تا بدیگران، البته سفارشات بهتر، را برای سایر معلمین افغانستان سفارش نمایید.

حفظ روحیه قوی و انرژی برای تدریس آنگاه آسانتر خواهد بود که اهمیت آنچه را که شما برای اطفال، جوانان و در مجموع برای تمام افغانستان منحیث یک ملت، انجام میدهید، درک نمایید. با یک حس قوی مقصد و تعهد، فرصت های رشد و انکشاف مسلکی باعث خواهند شد که شما با اشتیاق کامل و قابلیت به مسلک تدریس خویش ادامه دهید. شما روزی شاگردان را خواهید دید که برای آنها تدریس کرده اید، ممکن است آنها جوان شده و دارای اطفال شوند. شما افتخار خواهید نمود که بخشی از زندگی و تعلیم آنها بوده اید.

فصل بعدی و نهایی، بالای اصول آموزش و پرورش متمرکز خواهد بود که از تدریس سالهای ابتدایی مکتب الی مکتب ثانوی تطبیق میگردد. آموزش فعال و شاگرد محوری، استراتیژی های که به شاگردان فکر کردن در مورد اینکه چگونه آموختند (معلومات در مورد خود)، ارزیابی منحیث بخشی از روند آموختن، بعوض یک ارزیابی ساده نهایی، کاربرد عناوین منحیث شکلی از ارزیابی دقیق، و سایر استراتیژی ها که میتواند توسط معلمین دارای تخصص در مضمون استفاده شود، را تعلیم میدهد. فصل ۱۵ پایان این تریننگ است، اما نه پایان پیشرفت شما منحیث یک معلم.

فصل پانزدهم

پیداگوژی برای معلمین که مضامین اختصاصی را تدریس می کنند

معرفـی

تفاوت عمده در تدریس میان مکاتب ابتدائیه و مکاتب ثانوی ارتباط بین اطفال و معلمین میباشد. در مکاتب ابتدائیه دور اصول صنفی هر صنف توسط یک معلم تدریس میگردد که این معلم تقریباً تمام نصاب تعلیمی را تدریس میکند. در مکاتب ثانوی صنف ها توسط معلمان مختلف مسلکی تدریس میگردد. تمام ساعات درسی در طول روز توسط ۱۰ معلم مختلف و یا بیشتر از آن تدریس میگردد. ارتباط بین شاگردان و معلمین در مکاتب ابتدائیه نزدیکتر است نسبت به مکاتب ثانوی. معلمین متخصص در طول روز با اطفال مانند والدین آنها رفتار میکنند. تفاوت دیگری نیز موجود است مانند توانائی ها و تفکر شاگردان بزرگتر. شاگردان بزرگتر که هنوز بالغ نگردیده اند، اما دارای توانائی های بحث، تحلیل و درک افکار منطقی میباشند.

شاگردان نوجوان به دلیل داشتن مهارت و دانش بیشتر، نسبت به اطفال بزرگتر بیشتر مسؤولیت پذیر هستند. به همین منظور معلمین آن شاگردان را که اطفال بزرگ، نو جوان و یا جوان هستند در آموزش شریک و سهیم میسازند. که این موضوع را بعداً بطور مفصل مورد بحث خواهیم گرفت.

بدبختانه در صنوف بالاتر ابتدائیه و (مکاتب ثانوی) اکثراً معلمین بدین باور اند که، چگونه تدریس میکنیم مهم نیست. مهم اینست بر آنها تا بدانند که چی را تدریس میکنند. آنها شاید بحث بر این کنند که ندانستن میتود مهم نیست، مهم اینست تا محتوای درس را بدانیم، یقیناً این بحث قابل درک است مگر منطقی نیست و نمیتوانیم که از هر دو یکی را انتخاب کنیم و ضروری نیست که انتخاب کنیم، هر دو دانش موضوع درس و دانستن روش تدریس یعنی دانستن میتود ها تدریس را کامیاب میسازد. و شاگرد محوری مقام معلم را کاهش نمیدهد. دقت زیاد باید به این موضوع شود تا بتوانیم محتوای درس را برای شاگردان پر مفهوم بسازیم تا شاگردان بتوانند به آسانی آنرا به ذهن خود بسپارند.

بعضی معلمین شخصیت شان دارای ویژه گی های خاص است که با این ویژه گی خود میتوانند صنف را برای شاگردان دلچسپ سازند. نه در باره آن معلمینی که دارای جذابیت ظاهری هستند، این فصل در مورد شاگردان است. درمورد شاگردانی که درصنوف شما استند: شاگردانی که میخواهند بیاموزند مگر نمیتوانند موضوع درس را درک کنند. شما منحیث یک معلم در صنوف مختلف، شاگردان مختلف را تدریس میکنید چطور میتوانید موضوع مضمون تانرا زیادتر قابل حصول سازید؟

پیداگوژی جدید برای معلمین مضامین اختصاصی به دانش محتوای آموزش مرتبط است به این معنی که استفاده میتود های مشخص برای مضامین مشخص است، با ارائه کردن درس توسط میتود های مشخص میتوان درس را برای شاگردان بیشتر قابل فهم سازد

در این فصل ما بعضی روش ها را در یافت خواهیم کرد، آرزومندیم تا این روش های جدید را جاگزین روش های قدیمی سازید. هنوز هم بعضی شاگردان از روش های قدیمی استفاده میکنند یعنی عادت حفظ کردن درس را دارند، البته درس ها را حفظ میکنند تا در امتحان کامیاب شوند. این ها شاگردان زرنگ و خوش طبع هستند که داشتن چنین خصوصیات



در صنف شما ضروری نیست. قسمیکه شما مشاهده میکنید، شاگردانی که میخواهند بهترین باشند، میدانند که در مکتب چطور رفتار کنند و کار ها را خوب انجام دهند مگر انیها شاگردانی نیستند که دارای افکار انتقادی خلاق و یا مبتکر باشند.

پیام این فصل اینست که چطور میتوانیم برای تمام شاگردان خوب تدریس کنیم. نه اینکه صرف شاگردان لایق را از باقی صنف طبقه بندی کنیم: و دیگر اعضای صنف را در نظر نگیریم، این پیامی است که شما را تشویق میکند تا در عرصه تدریس مسلکی باشید نه اینکه در مطالب مضمون متخصص باشید.

دانش محتوای پیداگوژیکی

دانش اختصاصی، محتوای پیداگوژیکی و استفاده از میتود های متنوع و تدریس مضمون نهایت مهم است.. این دانش در بر گیرنده این خواهد بود که کدام روش و یا میتود مطابق محتوای مضمون شما است. همچنان اینکه چطور میتوانیم برای بهبود تدریس محتوا را منظم سازیم این دانش متفاوت است با دانش و تخصص در نظم و ترتیب و همچنان با دانش تعلیمی عمومی که با معلمین در مورد دسپلین است، با این دانش شریک میگردد. محتوای دانش تعلیمی علاقمند به ارائه و قاعده سازی مفهوم است، روش های پیداگوژی و دانش که چی میتواند مفهوم درس را برای آموزش ساده و یا مغلق بسازد، البته دانش و تیوری های قبلی شاگردان این دانش شامل روش های تدریس است که این روش ها میتواند شاگردان را متوجه مشکلات شان سازند و همچنان درس را برای شاگردان پر مفهوم میسازد و به زودی میتوانند که درس را درک کنند. همچنان این دانش شامل اینست که چی را میتوانند در موقع یادگیری بیاورند، این دانش میتواند هر دو باشد یعنی هم تسهیل کننده است و هم همکار است البته برای آموزش وظیفه مشخص.

طریقه که شما میتوانید با مهارت شوید البته درمحتوای دانش پیداگوژی و در رشته تخصصی خود تان اینست که آزمایشات میتود های مختلف را در تدریس مضمون تان انجام دهید، با دیگر معلمین که به پیداگوژی علاقمند استند کمک کنید. با همکاری با معلمین که مضمون شما را تدریس میکنند یا مضامین دیگر ارتباط محکم دارد. توسط اجرای روش های جدید و نگهداری یادداشت از آن که چگونه آنها کار کردند، و با جمع آوری نطریات مختلف و روش های مختلف تشریح درس که شما اجرا میکنید. شما مهارت بیشتر در عرصه ارائه درس دریافت خواهید نمود.

به خاطر باید داشت که هیچ مضمونی و یا رشته اکادمیک نمیتواند که به تنهائی ثابت بماند. دانش یک پارچه روش های متفکر البته برای کمک شاگردان در رشته های علمی مختلف از دسپلین های دیگر ضروری است. ساحه مضامین مختلف است و میتوانیم مضامین را با همدیگر ارتباط دهیم توسط طریقه های قوی به طور مثال: ورزش و ریاضیات، هنر ها و تکنالوژی معلوماتی، تاریخ، سیاست و جغرافیه. در اینجا کدام لست و یا محدودیت و حتی که خطوط میان ناحیه مضامین را از بین ببرد وجود ندارد.

بسیاری از این تکنیک ها بصورت عموم توسط معلمین استفاده میگردد و این میتواند با مضامین خاص در مکاتب ثانوی نیز استفاده شود. چنین تکنیک ها میتواند شامل تغیر در کار گروپی و پروژه ئی باشد، مطالعه مستقل برای تحقیق، پروژه های نو آور، جمع آوری و تحلیل معلومات، اذیت کننده مغز، استفاده از تکنالوژی معلوماتی که شامل کمره فلمبرداری، عکاسی و اشتراک نمودن در پروژه های اجتماعی که ارتباط زیاد با صنف و آموزش دارد.

نظریات پیرامون میتود های تدریس در مکاتب ثانوی

معلمین مکاتب ثانوی پیداگوژی را برای معلمین ابتدائیه پیشنهاد میکنند. آنها بدین باور اند که شاگرد محوری یک روش موثر برای شاگردان بزرگتر نیست. مفهوم شاگرد محوری تدریس توسط تجارب و فعالیت ها است با استفاده از

میتود های مختلف که برای صنوف پائین پیشنهاد میگردد، که این روش ها برای معلمین که صنوف بالاتر و یا شاگردان بزرگتر را تدریس میکنند لازمی پنداشته نمیشود. آنها بدین باور اند که شاگردان بالغ دیگر طفل نیستند. انواع فعالیت ها و بازی ها برای اطفال خوب است نه برای شاگردان بالغُ، و تطبیق انواع میتود های پرتحرک و بازی ها برای شاگردان بالغ و معلمین آن بسیار مزخرف قلمداد میکند. اگرچه باوجود که طریقه های آموزش شاید متفاوت باشد، مگر مشخصات آموزش هردو گروپ مشابه است، ذهن یک طفل بزرگتر و یک شاگرد بالغ هردو ذهن است مگر نظر به سن و سال شان متفاوت است و هر دو به کمک و همکاری در مشکلات ضرورت دارند. در هر دو سن آنها میتوانند خوب بیاموزند اگر به درس دلچسپی داشته باشند

معلمین زمانی میتوانند که به مشکلات فایق آیند، که محتوای درس را با تجارب و میتود های عملی یکجا سازند و همینطور میتوانند که دانش و مهارت های را که یاد گرفته اند استفاده کنند. تدریس شاگردان جوان در مکاتب ثانوی که مانند شاگردان پوهنتون باشند در این صورت معلمین میتوانند که در تدریس خود از موضوع مضمون زیادتر استفاده کنند که این طریقه در صنف میتواند کمتر موثر واقع شود. معلمین مضمون مشخص مسولئیت دارند که تمام صنف را تدریس کنند نه اینکه شاگردان خوش طبع را تشویق کنند. بیائید دلایلی را برای داشتن پیداگوژی یکجا شده از مکتب ابتدائیه الی مکتب لیسه ملاحظه کنیم، و تا حال پیداگوژی تفاوت های انکشافی را در شاگردان جوان تشخیص کرده است شاگردان که باید مسولیت های بیشتری برای شان داده شود. بیائید بر بعضی از طبقه بندی ثانوی پیداگوژی نظر کنیم.

میتود های تدریس

در مکاتب ثانوی تدریس باید با استفاده از میتود های متنوع نظر به سطح دانش، و ذکاوت شاگردان صورت گیرد. بعضی از میتود های مهم در مکاتب ثانوی متناسب به ترتیب و اراده صنف انتخاب گردد.، صنف باید دارای محیط خوب و همه شاگردان فعال باشند و همچنان داشتن نصاب تعلیمی و استفاده از شیوه های آموزشی متنوع ضروری است.

محیط و انگیزه

در محیط یک صنف باید مساوات در نظر گرفته شود و آموزش باید به شکل متنوع و مستقل صورت گیرد. زمانیکه در مکاتب ثانوی مساوات درنظر گرفته شود شاگردان خود را محفوظ و مطمئن احساس نموده و در فعالیت های آموزشی زیادتر سهیم میگردند. محیط متنوع در صنف بدون تبعیضات فرهنگی و اجتماعی. برای شاگردان حس یگانگی را میدهد در یک صنف درسی که آموزش مستقل صورت میگیرد فرصت این را مهیا میسازد که شاگردان به آموزش و دست آورد های خود ببالند و باعث شوق وعلاقه برای کسب دانش میشود. زمانیکه چنین محیط آموزشی با انگیزش (انگیزه دادن) یکجا شود فرصت این مهیا میشود تا شاگردان ثانوی به آموزش خود ادامه داده و علاقه بیشتر به انکشاف خود پیدا کنند.

شیوه های آموزش

معلمین مکاتب ثانوی باید تدریس خود را بر اساس این سه طریقه ترتیب کنند: سمعی، بصری متحرک. عدهٔ شاگردان توسط شنیدن محتوای درس را میاموزند البته زمانیکه درس تشریح میشود. بعضی شاگردان توسط دیدن میاموزند البته زمانیکه با محتوا روبرو میشوند، و بعضی شان با حرکات فزیکی محتوای درس را میاموزند. این نوع میتود تدریس صنف را فعال نموده و نتیجه پر ثمر را میتوان به دست آورد.

اداره و کنترول صنف درسی

گرچه تمام مکاتب دارای دستورالعمل رسمی هستند، مگر در تطبیق ان معلمین دریافتند که عدهٔ شاگردان قابل اداره و کنترول نیستند، نظم و دسپلین را مراعات نمیکنند. تعداد شاگردان در هر صنف معمولا ۴۰ و یا ۵۰ شاگرد است. حفظ

نظم در صنف باعث این میگردد که توجه معلم از تدریس و آموزش منحرف گردیده و در ساحات کم تدریس و آموزش تمرکز صورت گیرد. در چنین حالات توجه معلم زیادتر به شاگردان از قبل فعال گردیده و از توجه به شاگردان که به تحریک و انگیزه نیاز دارند غافل میشوند. و شاگردان فعال به پوهنتون راه پیدا نموده که دست آورد های زیادی میداشته باشند. که چنین پروسه و پالیسی را شاید عدهٔ مدیران و مسؤلین مناسب بدانند ولی درست نمی باشد. پس معلمین به همهٔ شاگردان توجه نمایند تا همه ایشان دست آورد های خوب داشته باشند.

- هدف از شیوه تنظیم صنف درسی اینست که با استفاده از این شیوه ما میتوانیم یک صنف فعال و منظم داشته باشیم. با اداره خوب در صنف استاد میتواند صنف را کنترول کند و شاگردان را وادارد تا به درس توجه داشته باشند. بعضی از میتود پیشنهادی هم وجود دارد که نام تمام شاگردان نوشته و در یک قوتی انداخته و بر اساس قرعه انتخاب مینماید.
- در پلان درسی تان نو آوری ها را اضافه کنید به طور مثال فعالیت های ذهنی مشوق کننده، اضافه کردن چنین روش ها شاگردان را فعال نموده و ایشان در برابر درس احساس مسؤولیت میکنند. بر علاوه مضامین اساسی میتوانید موضوعات دیگری از قبیل معلومات جهانی که ارتباط به درس تان داشته باشد اضافه کنید، محتوای درس را با معلومات حساس وقت یکجا نموده و شاگردان را مصروف نگهدارید.

برای بهبود اداره و کنترول صنف باید از ۱۰ اشتباهات ذیل جلوگیری گردد.

۱. با شاگردان تان هیچگاه دوست نشوید تا زمانیکه آنها در صنف هستند.

شما باید برخورد تان با شاگردان دوستانه باشد. مگر با شاگردان تان دوست نشوید. دوستی باعث این میشود تا ما چیز های را از دوست خود بگیریم و بدهیم، این شما را با شرایط خیلی دشوار با تمام شاگردان صنف روبرو میسازد. اینرا همیشه به یاد داشته باشید که شما یکی از دختران و پسران آن صنف نیستید.

۲. در مقابل شاگردان که تخلف میورزند درس خود را متوقف نسازید.

البته دراین حالت شاگردان متخلف راه بیرون رفت ندارند و میتواند شما را به مشکل جدی رو برو کند فلهذا بهتر آنست تا آنها را در یک صف قرار داده تا با ایشان جداگانه صحبت شود.

۳. هیچگاه شاگردان تانرا تحقیر و توهین نکنید.

تحقیر و توهین شاگردان در صنف کار درستی نیست، از یکطرف روحیه آنها ضعیف میگردد و از طرف دیگر آنها هیچگاه در صنف تان خود را راحت احساس نمیکنند. و همچنان هیچگاه به شما اعتماد نمیکنند و این خفه گی ها باعث نفاق در صنف تان میگردد که این روش درستی نیست.

۴. هیچگاه چیغ نزنید

اگر یکبار چیغ بزنید به این معنی است که در مبارزه شکست خوردید. به این معنی نیست که شما هیچگاه صدای تانرا بلند نکنید، اما معلمین که غالمغالی هستند همیشه دارای بدترین صنف ها میباشند.

۵. هیچگاه کنترول را به شاگردان ندهید.

هر تصمیمی که در صنف گرفته میشود باید توسط شما و با دلایل خوب گرفته شود. شاگردان صرف اینرا میخواهند تا از امتحانات به در آیند و شما باید هیچگاه نگذارید چنین شود حتی اگر دلایل شان خوب و با ارزش هم باشد نگذارید چنین واقع شود. اگر به تمام تقاضا های شاگردان توجه کنید به آسانی وقار تان از بین خواهد رفت.



۶. هیچگاه با شاگردان برخورد متفاوت مبنی بر دوست داشتن و دوست نداشتن شخصی نکنید.

امکان دارد در بین اطفال طفلی باشد که شما آنرا دوست داشته باشید نسبت به دیگر اطفال. شما باید زیاد کوشش کنید که این احساس تانرا به دیگر شاگردان نشان ندهید، همه شاگردان را به یک نظر ببینید، همچنان در وقت مجازات شاگردان را که دوست دارید مجازات شان را کم نکنید.

۷. قوانین نا مناسب را ایجاد نکنید.

بعضی اوقات قوانین شما را به شرایط دشوار روبرو میسازد. بطور مثال اگر یک معلم قانون اجازه دادن برای شاگرد را داشته باشد، این خود باعث ایجاد مشکلات میشود. اگر یک شاگرد بهانه درست داشته باشد؟ چگونه میتواند یک بهانه درست باشد؟ بهتر این خواهد بود تا از چنین حالات جلوگیری شود.

۸. در باره معلمین دیگر شکایت و بد گوئی نکنید.

شاید شما روزی از شاگردان تان در باره معلمین دیگر سخنان نا شایسته بشنوید، شما باید چنین سخنان را رد کنید و با خود معلم و یا با بخش اداری در میان بگذارید. و هر آنچه که شاگردان تان میگوید باید مخصوص نباشد.

۹. ناهماهنگ نباشید.

هر آنچه که میگویید باید انجام بدهید، و هر چه را که انجام میدهید باید مطابق کورس تان باشد. در جریان درجه بندی باید کار های گذشته شاگردان را در نظر بگیرید و این کار تان باید دارای قواعد باشد. به شاگردان اجازه ندهید که به خاطر گرفتن تمام نمرات به کار های گذشته رجوع کنند، این موجب میگردد تا از کار های فعلی باز خواهند ماند. زمانیکه شاگردان را درجه بندی میکنید برای درجه بندی آنها بهتر است از قلم سرخ استفاده کنید. این کمک میکند تا شما محفوظ باشید و دلیل برای شاگردان تان داشته باشید. اگر شاگردان تان راضی بود پس مفکوره تان را تغیر ندهید.

۱۰. وقت صنف رابا صحبت کردن در باره زندگی شخصی وفامیلی تان ضایع نکنید.

شاگردان شاید دلچسپی داشته باشند تا درباره شما معلومات داشته باشند، مگر این بعضی اوقات باعث تدریس موثر میشود. شاگردان شاید درباره شما صحبت کنند و بعداً شاید با همدیگر شرط ببندند در باره شما و بعد از درس با شوخی و حیله مزاحم شما شده و قصه های شخصی خود را بیان میکنند.

قبل از شروع هر ساعت درسی باید فعالیت های مختلف، ساده و سرگرم کننده داشته باشید. از این فعالیت های سرگرم کننده روزانه تمام معلمین تعلیم و تربیه باید استفاده کنند و مواد آنرا از قبل داشته باشند. این فعالیت برای شاگردان در شروع هر ساعت درسی داده شود، این فعالیت تکرار درس گذشته و یا معرفی درس جدید باید باشد. معلمین بعضی فعالیت های تعلیمی را برای شاگردان میدهد در جریان فعالیت معلم میتواند دیگر وظایف را انجام دهد ااین فعالیت ها برای شاگردان نیرو میبخشد تا نکات مهم درس را به خاطر بسپارند. چنین فعالیت ها بسیار مؤثر بوده و هر معلم باید از از آن استفاده کنند. این مثال ها برای صنف های جغرافیه و ریاضی، از فعالیت های سرگرم کننده است. شما میتوانید چنین فعالیت ها را برای مضامین که تدریس میکنید مطابق مضون تان استفاده کنید.

فعالیت سرگرم کننده ریاضی

۱. حد فاصل یا میدین Mediun درست ارقام ذیل را دریابید.

۳۳، ۱۸، ۴۰، ۲۶، ۲۹، ۲۰، ۳۰

جواب: ۲۹



۲. برای رقمی که زیاد تکرار شده (مود Mood) دریابید.

۲۰، ۵۰، ۲۰، ۵۰، ۱۷، ۱۵، ۲۵، ۵۰، ۲۵، ۱۵

جواب: ۵۰

۳. در ارقام ذیل حد وسط را در دریابید.

۱۵، ۲۰، ۸۰، ۷۵، ۵، ۵۰

جواب: ۴۰۸۳=۶/۲۴۵

۴. در ارقام ذیل حد وسط، حد فاصل و عددی که زیاد تکرار شده دریابید.

۱۶، ۴۰، ۴۴، ۱۶، ۴۰، ۴۰، ۸۰، ۱۷، ۶۴، ۶۴، ۱۰۰

جواب: حد فاصل–۴۰، عدد یک زیات تکرار شده –۴۰، حد وسط–۴۷,۳۶/۵۲۱

۵. در ارقام ذیل حد وسط، حد فاصل و عددی که زیات تکرار شده دریابید.

۱۰۰۰، ۵۱۰۰، ۵۰۲۵، ۱، ۱۰۰، ۳۲۷۵، ۳۲۷۵، ۵، ۱۰۰۰۰، ۱۲۵۰

جواب: حد فاصل– (۱۲۵۰+۳۲۷۵)/۲=۲۲۶۲,۵: وجه– ۳۲۷۵: حد وسط– ۱۰/۲۹۰۳۱=۲۹۰۳,۱

فعالیت سرگرم کننده جغرافیه

۱. زمین از آفتاب چقدر فاصله دارد؟

جواب: ۹۳ میلیون میل و ۱۵۰ میلیون کیلومتر

۲. سه قشر زمین کدام ها اند؟

جواب: هسته، قشر، پوشش

۳. کدام تیوری اظهار کرده است که زمین از سنگ ها، صخره ها و فلز های بزرگ تشکیل گردیده است که دارای حرکت میباشد.

جواب: تیوری پلات زمین شناس

دلچسپی و ذوق معلم نقش بارزی در آموزش دارد

معلمین میتوانند اثر مثبت از استفاده مواد در عرصه تدریس شاگردان داشته باشند، و این دریافت گردیده است که معلمین که به مواد درسی علاقمندی نشان داده اند، از شاگردان شان نتیجه مثبت در قسمت آموزش بدست آورده اند. در پروگرام ارزشیابی معلمین دریافتند که معلمین که به تهیه مواد درسی علاقمند بودند نتیجه مثبت به دست آوردند. این معلمین به شکل تکرار تدریس نمیکنند بلکه کوشش میکنند تا مواد درسی را مطابق روز ترتیب کنند. مشکلاتی که در این روش وجود دارد اینست که معلمین به شکل دوامدار یک نصاب تعلیمی را تدریس میکنند که این برای شان خسته کن است و همچنان برای شاگردان نیز خسته کن میگردد. شاگردان نیز معلمان را که با علاقمندی تدریس میکنند در ردیف بالاتر قرار میدهند نسبت به معلمین که علاقمند نیستند. سه جنبه مهمی که معلم باید به آنها ذوق و علاقه داشته باشند عبارت اند از علاقه به تدریس، علاقه به شاگردان و علاقه به موضوع مضمون است که یک معلم باید از تدریس لذت ببرد.



ارزیابی و ارزشیابی آموزشی شاگردان در مکتب ابتدائیه و ثانوی

- آیا امتحان یگانه راه است؟
- ارزیابی معیاری چیست؟
- ارزیابی نهایی چیست؟
- آیا شاگردان به اندازه کافی آموخته اند و آموزش بسیار خوبی در صنف شما صورت گرفته است. و چطور میتواند بگوید؟

که آموزش خوب صورت گرفته است. فقط معلمین و مکاتب میتوانند پیشرفت شاگردان را سنجش کنند، همچنان باید ضروریات آموزش را تشخیص کرده و به آنها پاسخ گویند. ارزیابی موثر ضرورت به جوابات مؤثر و به سوالات انتقادی دارد.

امتحان یک طریقه کهنه برای سنجش پیشرفت شاگردان در سیستم تعلیم و تربیه است. این فورم نتیجه گیری پیشرفت، قابل دسترس است که همچنان توسط والدین و کارمندان نیز استفاده میشود.

مگر این یک بخش از موضوع است. اگر ارزیابی واقعا موثر باشد پس از ارزیابی اصلاحی باید استفاده کرد، با این نوع ارزیابی ما میتوانیم جوابگو به نیاز های آموزشی شاگردان باشیم. در صنوف درسی معلمان که از ارزیابی اصلاحی استفاده میکنند، آنها ارزیابی را بطور تکراری از عمل متقابل از فهم شاگردان میداشته باشند. به این طریق آنها میتوانند تا از نیاز های انفرادی شاگردان آگاهی یابند. به این طریق به شکل بهتر میتوانند به شاگردان کمک کنند. معلمین همچنان شاگردان را در پروسه دخیل ساخته و در رشد و انکشاف مهارت های آموزشی به آنها کمک میکند تا بهتر بیاموزند.

بعضی معلمان ارزیابی جریان سال را با تدریس خود یکجا نموده اند، مگر جنبه عملی کمتر را دارا میباشد. اگر ارزیابی جریان سال در تدریس استفاده شود، معلمین شیوه را که با شاگردان مقابل میشوند تغیر میدهند، چطور میتوانند وضعیت آموزشی را تنظیم کنند و چطور شاگردان را به طرف اهداف آموزشی رهنمائی کنند، و حتی چطور کامیابی شاگردان را توضیح کنند.

ارزیابی جریان سال خیلی مؤثر بوده و باعث ازدیاد عدل وانصاف در نتیجه آموزش شاگردان و همچنان باعث توانائی شاگردان در آموزش میگردد.

مکاتب که از ارزیابی جریان سال استفاده میکنند نه تنها اینکه دست آورد های زیاد در ساحه اکادمیک داشتند بلکه بطور مشخص دست آورد های زیادی در مورد معلومات قبلی شاگردان داشتند. این ارزیابی کیفیت کار شاگردان را نیز بهبود می بخشید.

ارزیابی اصلاحی باعث ایجاد یاد گیری و فراگیری شاگردان در پروسه آموزش و پرورش میشود. و همچنان شاگردان را در این پروسه دخیل و سهیم میسازد. ارزیابی جریان سال مهارت های شاگردان را در ارزیابی همتا و ارزیابی خودی بیشتر میسازد و شاگردان را کمک میکند تا از استراتیژی های آموزشی بطور موثر استفاده کنند.

آن شاگردان که درک موضوعات جدید را در خود ایجاد کرده اند و آن شاگردانی که آموخته اند تا خصوصیت خود و همتای خود را قضاوت کنند و در مقابل معیار های بهتر کار کنند و انکشاف مهارت ها را بطور فوق العاده آن برای همیش بیاموزند.

معلمین که از ارزیابی جریان سال استفاده میکنند فضائی ذهنی و فکری صنوف را تغیر داده اند. تاکید زیاد بر این دارند که شاگردان خود را محفوظ احساس کنند، خطر را قبول کنند و اشتباهات را متقبل شوند و اعتماد به نفس را در صنف تقویت بخشند.

معلمین میکوشند تا از سابقه شاگردان آگاه شوند حتی بیشتر از خود شاگردان کوشش میکنند که بدانند و تعصبات فرهنگی و نژادی را درک کنند. معلمین به طور تکرار با افراد و گروپ های مختلف شاگردان رو برو میشوند و آنها را در پروسه ارزیابی دخیل میسارند و از آنها میخواهند تا کار خویش را ارزیابی کنند. و همچنان معلمین توانسته اند با ایجاد اهداف آموزشی این پروسه را واضح سازند. تعین اهداف برای درک بهتر نیاز های شاگردان است و همچنان برای دریافت پیشرفت در آنها. معلمین میتوانند که ارزیابی خود را با معلمین دیگر مقایسه کنند تا خود را مطمئین سازند که با شاگردان عادلانه برخورد کرده اند. با چنین روش معلمین دریافتند که نظریات برای بهبود کار شاگردان بهتر است نسبت به نمرات. و این ساده نیست که نمرات تکراری را کم و یا زیاد کنیم، گرچه والدین شاگردان نمرات را ترجیح میدهند تا بدانند که اطفال شان چگونه عملکرد دارند.

موثریت ارزیابی جریان سال چیست؟ ارزیابی جریان سال شامل کدام عملکرد ها است؟

برای دریافت نیاز های شاگردان، بر معلمین لازم است تا از میتود های متنوع استفاده کنند. آنها اطمینان بر این دارند که در توضیح درس جدید از میتود های مختلف استفاده میگردد. تهیه نظریات برای کار صنف های جداگانه تشویق شاگردانی است که دارای فهم بیشتر اند تا با همتای خود کمک کنند. معلمین در تدریس خود از انواع میتود های متنوع استفاده میکنند تا شاگردان درس را درک کرده بتوانند که کدام موضوع را فراگرفته اند. آنها شاید اکثراً از ارزیابی تشخیصی استفاده کنند تا بتوانند سطح دانش شاگردان که تازه به مکتب و یا در جریان سال تعلیمی به مکتب آمده اند، بدانند. در جریان صنف باید زیادتر از میتود سوال و جواب استفاده شود. سوال در باره خاصیت سببی آنها و یا سوالات باز میتواند استفاده شود. بطور مثال: یک استاد بیالوژی سوال میکند اگر فعالیت کلوروفیل توقف یابد چه رخ می دهد؟، و در جواب یک تصور غلط را دریافت کند. جواب چنین بود که تمام دنیا تاریک میگردد. معلم شاید برای کار شاگرد بازدهی تحریری و یا تقریری تهیه کند. محققین و معلمان دریافتند که بازدهی مؤثر باید مشخص، واضح و به وقت باشد. معلمین نیز استراتیژی های خود را قسمی تنظیم نموده اند که نیاز های شاگردان را توسط ارزیابی دریابند.

طریقه ها برای آزمایش چراغ های ترافیک

زمانیکه معلمین میخواهند مطمئین شوند که شاگردان شان مفهوم درس را درک کرده اند. آنها از شاگردان میخواهند که علامت سبز و یا سرخ را در دست بگیرند برای نشان دادن اینکه اگر آنها فهمیده اند مگر مطمئن نیستند، و یا نفهمیده اند. آنها وقت زیاد را با شاگردان و نشان دادن علامت ها مصرف میکنند. (این علامت ها باید سه دانه برای هر شاگرد باشد)

به جای اینکه دست های خود را بلند کنند باید فکر کنند.

در بعضی مکاتب معلمین بطور تکرار یک پالیسی را تعقیب میکنند و آن اینست که دست تان بلند نباشد. معلم یک سوال را مطرح میکند و سپس سکوت اختیار میکند و بعد از سه ثانیه الی چند دقیقه یک شاگرد را صدا میکند. آنها در می یابند که کیفیت جواب وقتی تقویت میگردد که شاگردان وقت برای فکر کردن داشته باشند.

دوسیه آموزشی (Portfolio) گزارش نامه و جدول نمره دهی

دوسیه آموزشی و گزارش نامه برای مطالعات موردی استفاده میشود. این فرصت را مکتب برای شاگردان داده است تا گفتگو های که در بین شاگرد و معلم صورت میگیرد بنویسند و همچنان مکتب برای شاگردن این فرصت را داده است تا پروسه آموزش خود را با خود محاسبه کنند.

جدول نمره دهی یک رهنمود مشخص و با معیار است که توسط آن کیفیت کار شان را میتوان ارزیابی کرد. معمولاً نظر به میزان نمرات شاگردان نیز از این جدول استفاده میکنند.

بطور نهائی هدف از ارزیابی جریان سال برای شاگردان این است تا آموزش را بهبود بخشند و مهارت ها را بیاموزند. زمانیکه ارزیابی جریان سال در مکاتب بشکل موفقانه استفاده شود، معلمان نمونه آموزش موثر را برای شاگردان الگو قرار میدهد. برای شاگردان مهارت های ارزیابی خودی را تدریس نموده و آنها را کمک نمایید تا استراتیژی های کار شده را تحلیل کنند. شاگردان خود شان مسؤولیت خود را در بهبود آموزش بیشتر میسازند. این نوع روش های تدریس به ویژه به اطفالی خوب است که در خانه کمک آموزشی ندارند.

اهمیت جدول نمره دهی و طرز استفاده آن

نمره دهی توسط جدول نمره دهی

نمره دهی توسط جدول نمره دهی بهترین طریقه است برای درجه بندی نمراتی که مشکل است آنرا منصفانه قضاوت نمود. بطور اساسی جدول نمره دهی برای معلمینی است که هر بخش از کار خانگی شاگردان را باید به شکل کلی و یا جزئی نمره بدهند. زمانیکه یک معلم میخواهد یک مقاله را نمره دهد، او میتواند مقاله را بخواند و با جدول نمره دهی مقایسه کند تا بداند که کدام نمره را باید بدهد. جدول نمره دهی یک طریقه بسیار عالی است و به کار تان سهولت میبخشد و همچنان شاگردان نیز میتوانند به طور دقیق بدانند که توقع شان چی است؟

ایجاد جدول نمره دهی

اگر بخواهیم یک جدول نمره دهی موثر را ترتیب کنیم وقت زیادی را در بر خواهد گرفت. قبل از اینکه شاگردان را به انجام کاری موظف سازیم باید جدول نمره دهی را ترتیب دهیم تا بدانیم که از شاگردان خود چی خواسته ایم تا انجام دهند. شاید شما دریابید که بعضی از هدایات ضروری است تا تغیرات را به وجود آورد که شاگردان بتوانند کار بهتری را انجام دهند.

نکات ذیل را در نظر بگیرید تا بتوانید جدول نمره دهی بهتری را ایجاد کنید:

- کار های را که از شاگردان تان میخواهید انجام دهند لست کنید.
- لست خود را از بیشترین تا کمترین ترتیب دهید.
- تصمیم بگیرید که کار خانگی شما چقدر ارزش داشته باشد.
- در مرحله دوم برای هر سوال فیصدی انتخاب کنید که مجموع آن مساوی به ۱۰۰ فیصد شود.
- فیصدی خویش را با مجموع فیصدی کار خانگی ضرب نموده تا برای هر سوال فیصدی آنرا بدست آورید.
- برای هر سوال یک معیار مشخص را تعین کنید.
- معلومات را در یک جدول که دارای ردیف ها باشد انتقال دهید در ردیف چپ جای خالی برای نمرات و نظریات بگذارید.
- زمانیکه شما میخواهید کار های خانگی را نمره دهید از این فورم استفاده کنید.
- طوریکه شما مشاهده میکنید این یک طریقه بسیار ساده است. اگر شما بدانید که، کدام طبقه برای کدام مواد استفاده میشود.

ارائه جدول نمره دهی برای شاگردان:

این یک نظریه خوب است که جدول نمره دهی را که برای شاگردان خود ترتیب کرده اید برای شان تشریح کنید. قبل از اینکه آنها را موظف به کار سازید. با این طریقه شاگردان میتوانند بدانند که نمره دهی شان چطور صورت میگرد. در حقیقت این یک جز اساسی برای مکاتب ابتدائیه است.



بعضی معلمین دریافتند که استفاده جدول نمره دهی مؤثر است تا شاگردان بتوانند نمرات خود قبل از اینکه به کار خانگی خود رجوع کنند به نمرات خوب بفهمند. و این بدین معنی نیست که شما از این نمرات استفاده میکنید مگر با شاگردان زیاد کمک میکند تا در کیفیت کار خود دقت بیشتر کنند.

یک استفاده دیگر جدول نمره دهی اینست که شاگردان میتوانند که همتای خود را نمره دهند اگر شما جدول نمره دهی را در اختیار شاگردان بگذارید مؤثر نخواهد بود چرا که آنها همتای خود را به دقت نمره نخواهد داد.

نتیـــجه گیری

این فصل اخیر برای استادان با مهارت ها و ساحات خاص آموزش طرح گردیده است. این بحث دلالت بر دانش و محتوای پیداگوژی می نماید، دانش که موضوع را با محتویات پیداگوژیکی رابطه داده و آنرا به نحوی خاصی در بخش مربوطه ارتباط می دهد.

این فصل به متخصصین مضمون در باره پیوستگی دانش با همه مضامین و اهمیت آن در راستای کمک به شاگردان بیان نموده تا بتوانند این ارتباطات را بنگرند و از آن تقدیر نمایند. این یک یاد آوری عملی در قبال چالش های که سد راه استادان هنگام تدریس به جوانان و نوجوانان می باشد. ما می دانیم که اینها نوجوانان اند نه جوانان.این مهم است تا تفصیلات عمومی انکشاف فزیکی، ذهنی، احساسی، اجتماعی آنها را درک نموده و نباید این مشخصات واقعی را کنار گذاشت. اگر درباره تنوع در مقابل تعصبات و نامساوات آگاهی داشته و مطلع باشند نیز حایز اهمیت می باشد.

این هم خالی از اهمیت نیست تا موارد قبلی را درقبال مغز نوجوانان، تاثیرات فرهنگی بالای رفتارو کردار، اهمیت تعلیم و تربیه برای همه در برگیرنده نوجوانان با ناتوانی ها وآنهایکه اختلالات روانی و یا فشار روحی ویا فقرزدائی و یا آسیب ها و دشنام ها را متحمل گردیده باشند به یاد بیآوریم.

فصل های قبلی که در مورد کارکرد با والدین و ارتباط آنها با اجتماع برای مدرسین که نوجوانان را تدریس میکنند مناسب و حایز اهمیت می باشد. همچنان بشکل مساویانه برای استادان که پیشنهادات شان را درقبال تهیه پلان درسی، ارزیابی شاگردان و نیز اخذ امتحان بیان می دارند حایز اهمیت می باشد.

ناگفته نباید گذاشت که نظریات مبنی بر انکشاف مسلکی و جلوگیری از فشارکارزیاد در مسلک شما را برای آینده درخشان کمک می نماید.

استادان که در مکاتب ابتدائیه و متوسطه تدریس می نمایند نباید خود را در موارد پیداگوژی مقدم تر ویا خارج از موضوع بشمارند. منحیث یک معلم آنها ضرورت به تشویق وترغیب در مورد اینکه آنها چطور و چگونه تدریس میکنند، دارند.
آنها باید در مورد اینکه بالای موضوع و مسلک خود و نیز دانش تطبیق اهداف و اساسات پیداگوژی و تدریس بهتر و همچنان ایجاد دانش محتوای پیداگوژیکی در مضامین شان تقدیر و مورد افتخار قرار گیرند.

نمونه جدول نمره دهی

	شروع	پیشرفته	کامل	نمونه	امتیاز
اهداف و کار کردها	توضیح و تشریح کار کردهای قابل ملاحظه در یک سطح ابتدایی	توضیح و تشریح کار کرد های قابل ملاحظه در یک سطح پیشرفته تر	توضیح و تشریح کار کردهای قابل ملاحظه در یک سطح کامل	توضیح و تشریح کار کرد های قابل ملاحظه در یک سطح عالی	

نمونه جدول نمره دهی

جدول نمره دهی محتوای مضمون با سه سطح ارزشیابی

ویژه گیها	در حال پیدا شدن	شایسته	نمونه و سر مشق
تحقیق و بر رسی	تحقیق اندک با نمایش دانش محدود	بر رسی موضوع با کنجکاوی بیشتر	نمایش فهم به اساس دانش دقیق و باکیفیت
تحلیل و بر رسی	جدا کردن به بخش های کم و آشکار کردن ارتباطات و نمونه های اندک	ترتیب و تنظیم درست معلومات، شناسایی نمونه ها و ارتباط معلومات جهت شرح موضوع	تجسس کردن برای نمونه ها و ارتباطات. استفاده پلان ها یا مودل ها جهت شرح ماهیت تمام موضوع
ساختار و ترکیب	استفاده معلومات اندک. ترکیب حقایق و نظریات به صورت کم. انکشاف بیشتر نیاز ها	فراهم نمودن و ترکیب دانش جدید جهت منسجم ساختن یا ارتباط منطقی همه موضوع	ترکیب حقایق و نظریات جهت ایجاد دانش جدید که وسیع و مهم است
محاسبه و تعبیر	درک اندک نظریات، بیان کردن استنباط به طور اندک. مفهوم موضوع مبهم است.	استفاده جنبه ها و بینش یا تصورات جهت شرح ارتباطات و محاسبه زنده گی واقعی	نقطه نظر مفهوم موضوع را با توجه به اهمیت آن واضح میسازد. استفاده آن در زنده گی واقعی

نمونه فورم روبریک ارزیابی در س معلم

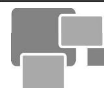
۱- شیوه افهام و تفهیم اهداف درس نمرات ذیل را دارد	نمبر
۲- معلم در آغاز درس، هدف های درس جدید را به روی تخته نوشت و یا طور شفاهی گفت و به درس گذشته ارتباط داد. در نتیجه شاگردان اهداف درس را واضحاً فهمیدند. ۱- معلم در آغاز درس به اهداف درس با نوشتن روی تخته و یا طور شفاهی ارتباط گرفت. معلم فقط عنوان درس را گفت. ۰- معلم در آغاز درس به هدف های درس ارتباط نگرفت.	
۲- شیوه معرفی مفاهیم و اصطلاحات جدید	**نمبر**
۲- معلم مفاهیم و اصطلاحات جدید درس را برای شاگردان تشریح و به دقت مورد بر رسی قرار داد و خود را مطمئن ساخت که شاگردان آنها فهمیدند. ۱- معلم مفاهیم و اصطلاحات جدید درس را برای شاگردان تشریح کرد و فقط بعضی از شاگردان فهمیدند. مگر معلم خود را مطمئن نه ساخت که شاگردان آنها را آموختند. ۰- معلم مفاهیم و اصطلاحات جدید را بدون توضیح به شاگردان استفاده کرد.	

۳- شیوه ساختار درسی	نمبر
۲- معرفی، انکشاف و تحکیم درس به صورت واضح معلوم میشد. ۱- معرفی یا تحکیم درس در هیچ کدام مشخص نبود. ۰- ساختار درس مشخص نبود.	
٤ – شیوه وسعت بخشیدن فرصت آموزش برای شاگردان	**نمبر**
۲- معلم تا حد امکان سوال های تمرینی را برای شاگردان جهت حاکم شدن یا آموختن مفاهیم داد. معلم در عین زمان از چند شاگرد جهت حل سوالات نام برد، مگر تا حد امکان شاگردان دیر آموز را سهیم ساخت. ۱- اشتباه سوال های و تصورات غلط و درست میان تمام شاگردان شریک گردید. ۰- معلم سوال های تمرینی برای شاگردان داد و فقط یک شاگرد را جهت حل سوالات نام برد. او صرف شاگردان زود آموز را در نظر گرفت.	
۵- شیوه ارزیابی تدریس	**نمبر**
۲- معلم طریقه های مختلف مانند: (بلند کردن دست ها، نوشتن روی تخته، پاسخ شفاهی، دیدن کار خانه گی و غیره) را جهت ارزیابی کار و فهم شاگردان استفاده نمود. موصوف آن معلومات را در فعالیت های بعدی مورد استفاده قرار داد. او در جریان و اخیر درس ازیابی نمود. ۱- معلم کار و فهم شاگردان را رزیابی کرد، اما موصوف معلومات را در تدریس بعدی مورد استفاده قرار نداد. او در جریان و اخیر درس ارزیابی نمود. ۰- معلم فهم و کار شاگردان را در درس ارزیابی نکرد.	

ضمایم

آن وظایف و فعالیت های الگوی موضوع که شرح می گردد:

شماره		شروع	در حال وسعت (انکشاف)	اجراء شده	سرمشق و نمونه
۱	وضاحت اهداف یا فعالیت	شرح خصوصیات فعالیت ها، شناخت و منعکس کردن فعالیت آغاز سطح.	شرح خصوصیات فعالیت ها، شناخت نشانی شده، انکشاف و حرکت به سوی فعالیت ها و چیره دستی بر آن.	شرح خصوصیات فعالیت ها، شناخت نشانی شده و چیره دستی بر فعالیت ها.	شرح خصوصیات فعالیت ها و شناخت منعکس کننده، معیار بلند فعالیت ها.
۲	وضاحت اهداف یا فعالیت	شرح خصوصیات فعالیت ها، شناخت و منعکس کردن فعالیت آغاز سطح.	شناخت خصوصیات فعالیت نشانگر و حرکت به سوی فعالیت و چیره دستی بر آن.	شرح خصوصیات فعالیت ها، شناخت نشانگر و چیره دستی بر فعالیت ها.	شرح خصوصیات، شناخت منعکس کننده فعالیت های معیار بلند.



۳	وضاحت اهداف یا فعالیت	شرح خصوصیات فعالیت ها، شناخت منعکس کننده فعالیت و آغاز سطح.	شناخت خصوصیات شرح فعالیت ها و حرکت نشانگر به سوی انکشاف و چیره دستی به فعالیت ها.	شناخت نشانگر چیره دست بر فعالیت ها و شناخت خصوصیات کارکرد های آن.	شناخت منعکس کننده فعالیت معیار بلند و شرح خصوصیات فعالیت های آن.

و مطلب موضوع ۳ سطح ارزیابی

ویژه گیها	در حال ظهور	شایسته	نمونه و سر مشق
بررسی و تحقیقات	تحقیق کوچک. دانش محدود نشان داده شده است	کاوش موضوع را با کنجکاوی. دانش کافی از انواع منابع نمایش داده می شود.	پایگاه دانش نمایش دامنه، نظم و دقت و کیفیت است
تجزیه، تحلیل و بررسی	جدا به چند بخش است. کشف اتصالات یا چگونگی الگوهای.	وارسی کردن و سازماندهی اطلاعات. کشف الگوها. اتصال اطلاعات را به توضیح این موضوع.	چشم انداز الگوها و اتصالات با استفاده از طرح یا مدل برای توضیح ماهیت کل موضوع
ساختار، ترکیب، امیختن	صدق اطلاعات کمی. ترکیبی از حقایق یا چند ایده. نیاز به توسعه بیشتر.	مونتاژ و ترکیب دانش جدید به صورت یک کل منسجم است.	ترکیبی از حقایق و ایدیه برای ایجاد دانش جدید است که جامع و قابل توجه است
تفسیرو انعکاس	Conceivesچند ایده. تساوی استنتاج چند. معنای این موضوع مبهم است.	از دیدگاه و بینش برای توضیح روابط است. منعکس کننده زندگی واقعی است.	نقطه نظر نشان می دهد به معنی از موضوع را با بصیرت به اهمیت آن است. در مورد زندگی واقعی.

Math Rubric Sample

MATH PROJECT

Name: ____________________ Date:________________

Grade:____________________ Teacher:_____________

	Criteria		Value		
	1	2	3	4	5
Problem Solving	Little or no understanding of the problem is evidenced.	Numerous errors when solving problem	Few errors when solving problem	No errors when solving problems.	_____
Math Content	Demonstrates little or no knowledge or application of math skills.	Demonstrates a limited know ledge and application of math skills.	Demonstrates general knowledge and application of math skills.	Demonstrates clear knowledge and application of math skills.	_____
Math Communication	Inaccurately communicates solutions to problems and concepts.	Limited communication of solutions to problems and concepts.	Satisfactorily communicates solutions to problems and concepts.	Accurately communicates solutions to problems and concepts.	_____
Presentation	The reader is unable to follow the steps taken in the solution.	Solution is difficult to follow at times.	Solution is presented in a logical manner.	Solution is presented in an easy follow step-by-step model.	_____
Use of mathematical terminology	No mathematical terminology is used or attempted.	Some mathematical terminology is presented, but not correctly used.	Mathematical terminology correctly used.	Mathematical terminology is prevalent and used correctly.	_____
Total					

TEACHER COMMENTS



Social Studies Rubric Sample

CURRENT EVENT RUBRIC

Name: ____________________ Date:________________

Grade:____________________ Teacher:____________

		Criteria		Value	
	1	2	3	4	5
Choice of article	Article chosen is irrelevant in class material.	Article relevance is weak.	Article chose is relevant to class material.	Article is carefully chosen for its relevance to class material.	_____
Who	The student did not detail any of the parties affected by this news.	The student details some of the parties affected by this news.	The student details most of the parties affected by this news.	The student details all of the parties affected by this news.	_____
What	The student does not identify any major facts of the article.	The student identifies some of the major facts of the article.	The student identifies most of the major facts of the article.	The student identifies all of the major facts of the article.	_____
When	The student does not identify any major dates relative.	The student identifies some of the major dates relative to this article.	The student identifies most of the major dates relative to this article.	The student identifies all of the major dates relative to this article.	_____
Where	The student does not identify any major locations relative to this article.	The student identifies some of the major locations relative to this article.	The student identifies most of the major locations relative to this article.	The student identifies all of the major locations relative to this article.	_____
Total:					

TEACHER COMMENTS

طبقه بندی بلوم (Bloom) با کلماتی کلیدی

دانش - فراخوانی

در تشکیل سؤالات، یک نوع تفکر طبقه بندی که اغلبأ به عنوان دانش یاد میشود، حقایق را به یاد می آورد که در این سطح آموزنده اصول دانش را فرامیگیرد. «پرسش ها غالبا با کلمات مانند: کی،چی، چه وقت، و یا کجا شروع میشوند. ازآموزنده خواسته می شود تا برای مطابقت ازکلمات مانند لست کردن، خط کشیدن زیر لغات، انتخاب کردن، گفتن، و یا نشان دادن استفاده نماید که دراین وقت تصمیم گیری بالای انتخاب جواب که آیادرست یا نادرست سهولت بارمیاورد»

کلمات کلیدی

• کی • چه • چرا • وقتی که حذف کردن • کجا کدام انتخاب کردن	• پیدا کردن • چگونه هر تعریف کردن • نشان دادن • املا و انشا کردن • لست کردن • ارتباط دادن	• گفتن • حفظ کردن و یاد کردن • انتخاب کردن • مطابقت دادن

درک توضیح و دانستن: درکدرسطح درک تفکرآمده است که،آنچه را شماشنیده و یاخوانده اید در آن فهم صورت گرفته است.پرسش هادر این سطح از آموزشگر به منظور دوباره بیانکردن، دوباره نویسی، مثال گفتن، به نمایش درآوردن، تعریف کردن، خلاصه کردن، و یا درغیرآن ثابت نمایند که دانش وحقایق اساسی درونی شده اند سوالات هدف اصلی و سوالات در رابطه به لغات دراین سطح درک آمده است.

کلمات کلیدی

• مقایسه کردن • در مقابل قرار دادن • تفسیر توضیح کردن • گسترش دادن	• شرح دادن • استنباط کردن • ارتباط برقرار کردن • دوباره گفتن	• ترجمه کردن • نشان دادن • دسته بندی کردن

موارد استعمال: استفاده درسطح موارد استعمال از آگاهی بشکلی استفاده شود، که سوالی از شما برای سازماندهی حقایق، ساختن برخی از مدل ها، طراحی یانقاشی به طوری مثال، جمع آوری معلومات ازخواندن و یا به نمایش دراوردن رویداد پرسیده اند.

کلمات کلیدی

• درخواست کردن • ساختن • انتخاب کردن • توسعه دادن • مصاحبه کردن	• استفاده کردن • سازمان دادن • آزمایش کردن • برنامه دادن	• بهره برداری کردن • مدل ساختن • شناسایی کردن • حل و فصل کردن

تجزیه، تحلیل و سهم گیری: سطح تجزیه وتحلیل دلالت به بررسی حقایق مانند طبقه بندی، بررسی، آزمایش، دسته بندی، و یا اکتشاف میکنند.به طوری مثال، با یک لیست مشکلات روبروشدن در خواندن، تجزیه و تحلیل گفته میشوند. سوالات تجزیه و تحلیل میتوانند کلماتی مانند سهم گیری، تحلیل، طبقه بندی، مقایسه، تفاوت، دسته بندی، تقسیم بندی فرعی، و یا خلاصه از موضوعات را در خود شامل سازد.

کلمات کلیدی

• تجزیه و تحلیل کردن	• بازرسی کردن	• روابط برقرار کردن
• دسته بندی کردن	• ساده کردن	• تابع شدن
• مقایسه کردن	• شرکت کردن	• انگیزه دادن
• در مقابل قراردادن	• امتحان کردن	• استنباط کردن
• کشف کردن	• تشخیص کردن	• فرض کردن
• تقسیم کردن	• لست کردن	• نتیجه گیری کردن
• بررسی کردن	• فرق دادن	• تشریح دادن

ارتباط دادن دانش– دست آورهای جدید: سطح تفکرذهن شما را دراطراف اطلاعات جدید مشغول ساخته وتصاویر جدید را بوجود میآورد و وقتیکه آگاهی دریافت کرده اید باآنچه شما در حال حاضردارید یک اتصال جدید رابوجود میآورد. برخی از کلمات مانند تصور، ترکیب، نقش بازی کردن، تشکیل، اختراع، پیش بینی، طراحی دراین سطح شامل اند.

کلمات کلیدی

• ساختن	• تشکیل دادن	• در جهت بهبود رفتن
• انتخاب کردن	• سرچشمه گرفتن	• انطباق دادن
• ترکیب کردن	• برنامه ریزی کردن	• به حداقل رساندن
• تدوین کردن	• پیش بینی کردن	• به حداکثر رساندن
• سرودن	• پیشنهاد کردن	• حذف کردن
• ایجاد کردن	• حل و فصل کردن	• استدلال نظری کردن
• طرح کردن	• راه حل دریافت کردن	• توضیح دادن
• توسعه دادن	• فرض کردن	• آزمایش نمودن
• تدوین و فرموله کردن	• مورد بحث قراردادن	• بهبود یافتن
• تصور کردن		• اتفاق افتادن
		• تغییردادن
		• تخمین زدن

ارزیابی و قضاوت کردن: سطح ارزیابی تفکر از شما تقاضا مینماید تامطابق با بعضی ازاستاندرد ها قضاوت کنید. یک سوال می تواند از شما بخاطری معیار مهمی برای تکمیل یک وظیفه پرسان شود، و یا از قبل تعیین شده باشد.

کلمات کلیدی

• جایزه دادن	• تفسیرکردن	
• انتخاب کردن	• توضیح دادن	
• نتیجه گیری کردن	• حمایت کردن	
• مورد انتقاد قرار دادن	• اهمیت دادن	
• تصمیم گرفتن	• معیارقراردادن	
• دفاع کردن	• ثابت کردن	
• تعیین کردن	• تکذیب کردن	
• نزاع کردن	• تاثیر کردن	
• ارزیابی کردن	• درک کردن	
• توجیه کردن	• ارزش دادن	
• اندازه کردن	• تخمین زدن	
• مقایسه کردن	• تاثیر کردن	
• توصیه کردن	• وضع کردن	
• رد کردن	• قضاوت کردن	
• موافقت کردن	• علامت زدن	
• دیدن	• میزان کردن	
• اولویت بندی کردن		



فصل شانزدهم

پرسش و آزمون در مورد دماغ

۱- دماغ انسان در کدام سالهای زنده گی به صورت سریع رشد و انکشاف میکند؟

a. در سه سال اول زندگی.

b. بین ۶ تا ۱۰ سالگی زندگی.

c. در مرحلهٔ نوجوانی؛ از ۱۲ تا ۱۵ سالگی.

d. در مرحلهٔ جوانی؛ از ۱۸ تا ۲۵ سالگی. زمانی که شاگردان شامل آموزشگاه اند.

۲- قوت عقلانی یک فرد اکثراً به یکی از گزینه های ذیل ارتباط میگیرد:

a. به عوامل ارثی والدین شان

b. به تجارب اندوخته از فامیل و محل زیست.

c. به تحرک و انگیزه از استادان خوب.

d. به عوامل ارثی و تأثیرات اجتماعی.

۳- کدام یک از این گزینه ها در انکشاف دماغی یک فرد نادرست می باشد:

a. تکلم، انگیزش و سرگرمی با اطفال و نوجوانان سبب رشد و انکشاف دماغ میگردد.

b. سوء استفادهٔ، فقر، غفلت و فشار بالای انکشاف دماغ یک طفل اثر منفی گذاشته به خاطری تولید زیاد هورمون کورتیزول در دماغ.

c. نوجوانان زبان را به اسانی می آموزند زیرا که نیورون ها و محل تماس دو عصب (ساینپس) در دماغ شان فعالیت انعطاف پذیر داشته امکان ایجاد ارتباطات جدید را فراهم میسازد.

d. دماغ در جوانی به نقطهٔ اعظمی خود میرسد اما بعد ازان حجرات دماغ رو به نابودی می آورند.

۴- کدام یکی از گزینه های ذیل در رابطه به رشته های مغزی نادرست اند؟:

a. تعداد حجرات مغزی (Neurons) از هنگام تولد در یک فرد کم گردیده و امکان افزایش آن وجود ندارد.

b. حجرات یا رشته های مغزی و سایر حجرات بدن یک شخص تماماً دارای اکسون(axon) و دندرایت (dendrites) بوده و معلومات را به دماغ توسط یک شبکه ارسال می نماید.

c. یک حجره یا رشتهٔ مغزی (Neurons) اکثراً دارای یک اکسون میاشد، در حالیکه تعداد دندرایت ها زیاد بوده جریان های عصبی را از رشته های مغزی دیگر وساینپس ها (Synapses) که در حقیقت جریانهای برقی- کیمیاوی اند دریافت می نمایند .

d. اگر پیام وارد شده به دماغ قابل استفاده نباشد، امکان از بین رفتن آن در شبکهٔ دماغی وجود دارد.

۵- کدام یکی از گزینه های ذیل ضربان قلب (حرکت قلب) را اداره می نمایند:

a. ساقهٔ دماغ (Brain stem).

b. دماغ اصغر (Cerebellum).

c. هیپوتالاموس (Hypothalamus).

d. دماغ اکبر (Cerebrum).

۶- کدام بخش دماغ اصغر بیشتر پاسخگوی حرکات فزیکی بدن می باشد؟

a. بخش قدامی (Frontal Lobe).
b. بخش جانبی (Parietal Lobe).
c. بخش پشت سری (Occipital Lobe).
d. بخش شقیقه یی (Temporal Lobe).

۷- کدام قسمتی از Temporal Lobe پاسخگوی حافظهٔ کوتاه مدت است:

a. (Auditory).
b. (Limbic).
c. (Hippocampus).
d. (Amygdyla).

۸- علما دریافت کرده اند که در نوجوانان به خصوص به ها بروز سلوک و یا رفتار خطرناک وابستهٔ به این حقیقت است که یکی از قسمت ذیل دماغ به شکل کامل الی سالهای ماقبل از ۲۰ سالگی رشد درست نکرده است.

a. The pre-frontal lobe.
b. The parietal lobe.
c. The occipital lobe.
d. The temporal lobe.

۹- استفاده از بازی ها، تخنیک های حافظوی شامل یکی از گزینه های آتی است:

a. مفکوره های ضعیف به فهم درست موضوعات کمک نکرده و تنها کمک به حفظ سطحی می کنند.
b. یکی از طریقه های مفید به خاطر نگهداشتن معلومات است که توانایی های دماغ را تحت مراحل گوناگون مورد استفاده قرار میدهد.
c. یکی از مفکوره های ضعیف برای بزرگ سالان چرا دماغ شان چیز های نو را جذب نمیکنند.
d. یکی از طریقهٔ سپری کردن امتحانات وقتیکه شخص برای آموختن وقت نداشته باشد.

۱۰- کدام یک از جملات آتی احتمالاً کمترین حقیقت دارد:

a. استاد از طریقه های گوناگون استفاده می نماید تا راه های مختلف را برای فهمیدن مهیا نماید.
b. یک استاد میتواند بعضی از مشکلات آموزش بصری و سمعی را نسبت به یک شاگرد خوبتر بفهمد.
c. یک استاد به آسانی میتواند شاگردان ذکی را از شاگردان کند ذهن تفکیک نماید و آنها را جداگانه تدریس نمایند.
d. یک استاد به آسانی فرق بین درجهٔ انکشاف دماغی و توانایی شناخت شاگردان را در سنین مختلف میتواند دریابد.



امتحان مختصر از برنامهٔ آموزشی (Workshop) از بخش اول تا به نهم

قبل از معرفی بخش دهم، قابل استفاده است.

۱. معیار های تدریس و شایسته گی های استادان افغانستان که آنها را به سهولت آوری آموزش توسط شاگردان نسبت به «تدریس» آن تشویق می نمایند، این نوع آموزش یا فن... نامیده میشود.
۲. افلاطون (Plato) به این عقیده بود که به هر طفل باید حق رفتن مکتب داده شود و این طبیعتاً پیدا شد که عدهٔ آنها شاگردان خوب و خوش دار آزادی و علم هستند این گروپ کوچک لایق رهبران اند، وی گفت....
۳. در صنف درسی، جاییکه استادان مشغول تدریس هستند، شیوهٔ که آن را تمرین ها مینامند، شاگردان....
۴. در یک نوع آموزش نظری که برای ساختن سلوک شاگردان توسط تقویت منفی و یا مثبت همراه با مکافات و یا مجازات صورت میگیرد نامیده میشود...
۵. شخصی که مطالعه کرده شناخت انکشاف را در اطفال و کمک کردن مدرسین را بدانند که اطفال جوان ذهناً آمادهٔ آموختن وظایف مانند برگشت پذیری و محاوره نیستند تا به من که هفت نامیده میشود....
۶. پیشنهاد میکند که نظر یهٔ آموختن را براساس عمل متقابل و هم بیولوژیکی و تقاضا به این است که یک طفل میتواند آموزش را پیش ببرد به شرطی که ضمانت شود از کسی که کمی بالاتر باشد تا بتواند مرحله به مرحله به او راهی پیشرفت را مساعدت نماید...
۷. بزرگترین ساحهٔ دماغ دارای چهار لوب (بخش) با عملکرد های مختلف می باشد، که این ساحهٔ دماغ به نام قشریا کارتکس دماغ نامیده میشود.
۸. جدا کردن اطفال با درنظرداشت ضرورت های خاص شان در صنوف همراه با اطفال معیوب و سوق دادن شان به سوی اطفال غیر معیوب در یک صنف منظم رجوع به این نوع طرز... صنف درسی است.
۹. هنگام تدریس اطفال از طبقات مختلف، فرهنگهای مختلف، اقلیت ها و اجتماع دو زبانه، استاد باید در مورد زبان و ویژگی های فرهنگی شان آگاهی داشته باشد..
۱۰. هر استاد چه از طبقهٔ ذکور و یا اناث باشد، نقش عمده را در تشویق دختران به درس و پابندی شان به حاضری و دست آورد شان به مکتب در افغانستان بازی می نمایند به خاطری...



ورق ارزيابي روزمره

(به استفادهٔ همه روزه ضرورت نیست)

۱- محتوای چپتر امروزی برای من دلچسپ بود.

بلی ⟵ نخیر

۲- پیشکش ترینگ امروزی با ارزش بود.

بلی ⟵ نخیر

۳- چیزی که من در ترینگ مفید پیدا کردم عبارت بود: .

۴- چیزی که من پیشنهاد کردم در جلسهٔ امروزی جلسه را بسیار مفید گردانید.

بلی ⟵ نخیر

۵- ترینران حاضر به وقت و انعطاف پذیر بودند.

بلی ⟵ نخیر

۶- اگر نظری داشته باشید تشریح نمایید:

نمونه تدریس

معلومات قبلی	عنوان درس	اهداف
ارتباطات نصاب تعلیمی	آماده گی برای صنف	TEKS

وظیفهٔ خانگی	تغییرات

یاداشت ها

۱. ترسیم نقشه های ذهنی (به چیزی گفته میشود که ذهن به چه شکل معلومات را جمع آوری می نماید.) مانند شاخه ها در یک درخت، اگر از همین ترسیم ذهن استفاده کنید شما قادر به گرفتن هدف اصلی میشوید.

نوت: با استفاده از خطوط انترنتی شما میتوانید معلومات بیشتر بدست بیاورید.

۲. آموختن با تمام حواس: اگر شما چیزی را ببینید، تماس نمایید کوشش کنید مزه نمایید و یا بو نمایید؛ شما بیشتر تمایل به حفظ نمودن آن را خواهید داشت.

۳. آموختن در هنگام انجام دادن:

حافظۀ عضلاتی بسیار قوی است: چرا که اگر بایسکل رانی برای ۲۰ سال هم بایسکل رانی نکرده باشد، روزی از آن استفاده نماید بازهم کاملاً بالای عمل بایسکل رانی حاکم خواهد بود.

۴. استفاده از ابزار مرکب تا معلومات جدید در حافظه باقی بماند:

هر قدر که معلومات را باهم دیگر ارتباط بدهید، به همان اندازه انجام دادن آن را می آموزید، این عمل کلید حافظوی ما است. لذا معلومات جدید را با معلومات که شما قبلاً دارید یک جا نمایید.

۵. بصری سازی خطوط ارتباطی:

مانند بصری سازی (نمایش دادن) منحنی رستورانت مکدونلد (Mc Donolod) با یک تمساح در زیر آن، تا بازگو نماید که بنیانگذار غذای زود پخت ری کراک (Ray Krok) میباشد.

۶. معلومات را جسماً ارتباط بدهید؛ به گونه یی که شما اعداد جاپانی را با استفاده از حرکات بدن شمارش کنید.

۷. معلومات را با استفاده از وزن و قافیه بصری بسازید تا خوبتر ذهن نشین شود.

۸. مژده، مژده، مژده: اگر شما زبان فرانسوی را یاد میگیرید، در یک رستورانت فرانسوی کار نمایید، قصه های کوتاه فرانسوی را بخوانید برای مدیر مسؤل روزنامه روان نمایید و به یک کورس فرانسوی برای تکلم روزمره ثبت نام نمایید.

۹. حفظ کردن حروف آغازین: مانند: AIDA= (Attract Attention, arouse Inlernot, Create Desire, and Urge Action.) این کلمات کلید های عمدۀ اعلانات تجارتی اند. شما میتوانید از این کلمات استفاده نمایید.

۱۰. خود را احساساً در آموختن مشغول نمایید. احساسات در آموختن رول عمده را باز میکند.

تکنیک یا روش حفظ کردن

بعد از آموزش این روش ها شما کوشش کنید که یک لست از لغات را از یاد نمایید و روز آینده خود را امتحان نمایید که به کدام اندازه لغات در حافظۀ تان باقی مانده است و به همین ترتیب هفتۀ آینده.

روش اول تصور نمودن (Visualization) :

وقتی که شما میخواهید یک شی را به حافظۀ تان بسپارید ابتدا آن شی را در ذهن تان مجسم نمایید. هر قدر که آن شی را در ذهن تان مجسم سازید، به همان اندازه حفظ کردن آن برای شما آسان میشود.

روش دوم ارتباط دادن زنجیری (Chaining):

ارتباط دادن یکی از اشکال بصری سازی بوده، مگر شما باید چندین اشیار را منظم از یاد نمایید. حالا باید اشیا را با هم دیگر ارتباط بدهید و در ذهن تان مجسم سازید.

باوجود اینکه حفظ کردن لست خریداری ضروری نیست، اما بطور مثال از آن استفاده نماییم:

(شیر، نان خشک، تخم، پنیر و نوشابه) حالا به شکل یک تصویر در ذهن تان این لست را ترسیم نمایید.

- یک قطی شیر در آماده سازی نان.
- سندویچ با تخم.
- تخم با پنیر سویسی.
- توته های پنیر که در درختان نارنج آویزان اند.

یک بار شما کوشش کنید!

حالا یک لست از لغات طولانی را آزمایش می نماییم:

بوت، پیانو، درخت، پنسل، پرنده، موتر، کتاب، سنگ، پیتزا، گل، باسکتبال، دروازه، تلویزیون، قاشق، چشم، چوکی، خانه، کمپیوتر.

حال شما دریافت کردید هماهنگ کردن به این شکل آسانتر به حافظه مینشیند. برای شما ۳ لغت اول یک مثال از ارتباط زنجیری است.

روش سوم موقعیت گزینی Location=Place it:

در این روش باید شما اشیا را با همدیگر ارتباط موقعیتی بدهید تا شما به شکلی از اشکال دیده بتوانید. بطور مثال شما فکر کنید در رابطه به مسیر خانه تا به مکتب تان.

- اطاق (برخاستن)
- آشپزخانه (صبحانه)
- دروازۀ مقابل خانۀ تان
- ایستگاه سرویس
- چوکی های موتر
- خانه های دوستان که شما از داخل موتر به آن نگاه می نمایید.
- ایستگاه روغنیات -Gas Station
- بازار
- مکتبی را که درس میخوانید.

شما باید اشیا را با همدیگر ارتباط بدهید، باید مکانها را اولاً از یاد نمایید و بعد آنها را با همدیگر ارتباط موقعیتی بدهید.

شما میتوانید از مثال های بالا هم استفاده نمایید. مانند ریختن شیر در اطاق.

نان را از ماشین توستر نگرفتن، شکستن تخم در دروازۀ رو به روی خانه و امثال آن.

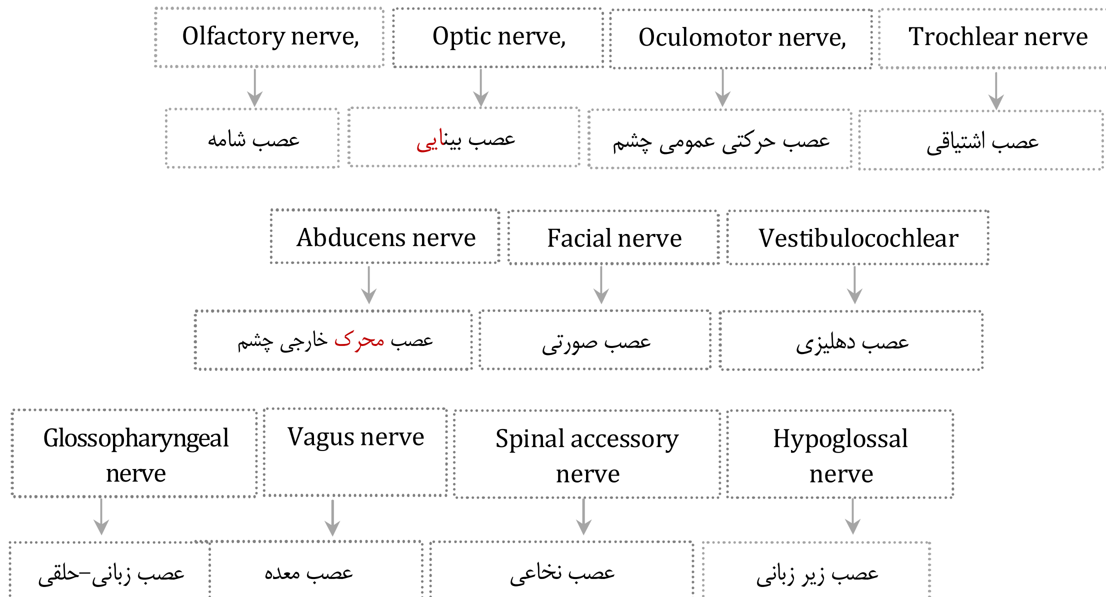
روش چهارم کوتاه کردن یا قطع کردن Chunk:

آیا تعجب کرده اید که چرا ارقام اعداد به ۳ یا ۴ رقم می آید و اضافه از آن مانند ۷ رقمی نیست و همچنان شماره های امنیتی کوتاه رقمی مانند ۹۹۹۹-۹۹-۹۹۹ برخلاف ۹۹۹۹۹۹۹۹۹ نمرات کوتاه یا شکستن نمرات برای حفظ کردن آسان است.

روش پنجم: شعر کوتاهی که حروف اول شان عبارت را برساند ⇐ Acrostics Acrostics یک عبارتی است که حروف اول شان یک مفهوم را میرساند برای حفظ کردن آسان مانند جملهٔ آتی:

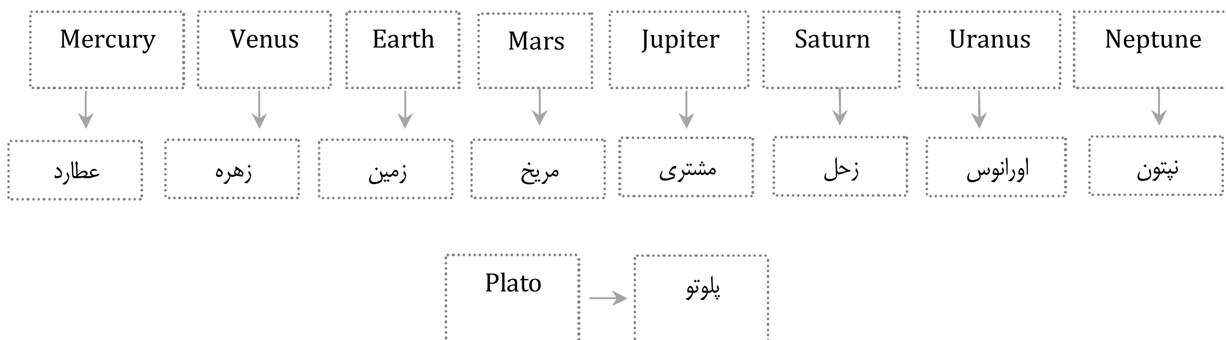
An old Olympus Towering Top A Famous Vocal German Viewed Some Hops.

اگر شما به حروف اول هر یک از کلمات این جمله نگاه بکنید در میابید که سیستم عصب دماغ را افاده می کند.



اینجا یک مثال دیگر هم داده شده: My very Excellent Mom just served Us Nine Pizzas.

این عبارت ترتیب نظام شمس را برای ما افاده مینماید که هر حرف نمایانگر نامی از یک ستاره است.



او

Plato → پلوتو

آیا شما ردیف رنگ ها را در (کمان رستم) می دانید؟ اگر نه این نام را حفظ نمایید.

Roy Gbiv

R=red
O=orange
Y=yellow
G=green
B=blue
I=indigo
V=violet



میتود عـــالی

نام اشتراک کننده: ______________________________ تاریخ: ____/____/ __________

پروگرام ارزیابی تربیوی

با انتخاب نمودن هر گزینه از نمرات؛ یعنی نمبر ۵ عالی، ۴ خوب، ۳ حد وسط، ۲ پایین و ۱ بسیار ضعیف، سوالات آتی را انتخاب نمایید و هر نظر که داشته باشید در پایین سوالات بنویسد.

۱- آیا لوازم ترینگ، مواد ترینگ به شکل درست تطبیق شده اند ؟

۱ ۲ ۳ ۴ ۵

۲- تهیه و ادارهٔ ترینگ، جلسات ترینگ آیا بسیار طویل، کوتاه و یا مناسب بود؟

۱ ۲ ۳ ۴ ۵

۳- کیفیت مواد ترینگ از نگاه خوانش بسیارسخت، بسیار آسان، خسته کن، نامناسب، به سویهٔ استادان و یا بسیار دلچسپ، چالش نما، مفید و خوب و یا نه چندان خوب.



تهیه کننده: **موضوع:** **صنف:** **عنوان:** **درس**

معیارات تعلیمی	مرام و مقصد

	رهنمایی شاگرد	رهنمایی استاد	
لوازم مورد ضرورت			اهداف: (مشخص کردن مهـارات و معلوماتیکـه تحـت آمـوزش قـرار میگیرد).
			معلومـات: ارایـه کـردن معلومات ضروری.
			تعیـین مرحلـه بـرای ارزیابی فهم.
			فعالیـت: شـرح فعالیـت هـای خـودی بـرای تقویت درس.
نوت های اضافی		۴teachers.com	خلاصه

نام استاد: ________ مضمون: __________ تاریخ:__/__/______ صنف:_____ عنوان درس:_________

اهداف درسی صنف: دو تا پنج اهداف را بالای تخته بنویسید.

منابع مورد ضرورت

نقطهٔ تمرکز شاگرد Student Focus Called "Anticipatory set": معرفی درس، لست کردن بعضی از جملات مشخص که شما با استفادهٔ آن توجه شاگردان را به درس امروزی جلب نمایید.

اطلاعات ورودی Input: (چه نوع معلومات برای شاگردان قبل از شروع درس ضروری است و آن معلومات به کدام شکل به شاگردان رسانده شود.)

سرمشقModel: از مهارت و شایسته گی تان چطور استفاده می نمایید.

ارزیابی"check for Understanding "Assessment: (راه های را پیدا نمایید تا دریابید که آیا شاگردان اهداف درس را گرفته اند.)

تمرین رهنمایی شده Guided Practice: فعالیت های صنفی را لست نموده تا شاگردان را به اجرای تمرینات رهنمایی نمائید و برای این تمرین یک وقت مشخص تعیین نمایید.

خاتمهٔ تدریس Closure: شاگردان در خاتمهٔ درس شرکت داشته باشند (Students Participate in this) کدام نوع شیوه ها و فنون آموزش استفاده می نمایند؟

تمرینات مستقل Independent Practice: لست از وظایف خانگی، وظایف صنفی برای شاگردان بدهید تا آنها موضوع را به صورت کُل و بدون استاد انجام بدهند.



استاد: ____________ مضمون:___________ موضوع: ______________ تاریخ: ___/___/______

معیارهای نصاب درسی:	
موضوعات:	مربوط به اهداف شاگردان
اهداف آموزشی:	اشیا و لوازم مورد ضرورت
معرفی و آماده ساختن شاگردان برای درس: ارتباط مفهموم و مهارت های گذشته. معرفی نظریات عمده: سوالات برای پرسیدن (وقت تعیین شده برای فعالیت ها.)	
فعالیت ها:	
پلان توافق پذیری برای شاگردان که به وقت بیشتر ضرورت دارند.	
کارخانگی:	
تدارک آموزش (کارخانگی) گروپی و انفرادی.	آماده سازی انعکاس صنف: ۱. چه را آموختی؟ ۲. به چه نیاز داری؟ ۳. چطور خوبتر می آموزید؟
نظریات: چه باعث پیشرفت این درس میشود؟ بالای چه دوباره فکر شود، کدام شاگرد به کمک بیشتر ضرورت دارد. مشکلات، کار پیشرفت نوت گرفتن و توجه به موضوعات مربوط سلوک.	

چپتر دوم «قبل از امتحان»

(فلسفه از تعلیم و تربیه... به چیز ی که من معتقدم)

وقتی ما به یک سلسله نوشتارها رو به رو میشویم که آنها را «سوالات بزرگ» می نامند، باید جوابات ما براساس عقاید باشد و چطور میتوانیم سوالاتی را در رابطه به افغانستان پاسخ بدهیم.
جوابات شما به چه شکل خواهد بود؟ شما احتمالاً یک چانس مقایسه با همکاران را دارید.

۱. در جامعهٔ ما هدف و مقصد اصلی از تعلیم چه است؟
۲. هدف از مکاتب چه است؟ و مکتب رفتن از تعلیم و تربیه چه فرق دارد؟
۳. آیا تعلیم و تربیه مسئولیت فامیل، جامعه، حکومت و یا هر سه است؟
۴. چی کسانی باید تحت تعلیم قرار گیرند؟ تشریح نمایید.
۵. چی موضوعات باید تدریس شوند (محتوای نصاب، مهارت ها، سلوک، روشها و یا علوم)؟
۶. کی ها باید نصاب تعلیمی را تعیین کنند؟
۷. کی ها باید محور تدریس طبقهٔ جوان را به عهده بگیرند؟
۸. فطرت آموزگار چه نوع میباشد؟ اساساً خوب، اساساً بد، معلوم و یا مجهول؟
۹. یک شاگرد باید چه نوع تدریس شود؟
۱۰. ماهیت علم و حقیقت چه است؟ تغییرناپذیر، تغییر پذیر، توسعه پذیر و یا همیشگی.

❋ اگر شما کدام سوالی را به این لست زیاد می نمایید چه سوالی خواهد بود؟



حکایت از افلاطون در رابطه به مغاره

۲۴۰۰ سال قبل از امروز مردی زنده گی میکرد که ما امروز وی را فیلسوف بزرگ (افلاطون) می نامیم. وی در رابطه به انسانها معلومات عمیقی داشت. وی می دانست که تمام انسان ها متنفر از تغییرات اند. او میدانست که تمام انسانها راحت طلب، خواهان زنده گی بی جنجال اند و میدانست که آنها معتقد و تابع به یک سلسلهٔ از نورم ها و آیین و رفتن اند که بدون آنها زنده گی کرده نمیتوانند.

بعضی اوقات احساس میکردند که به نورم هایی که به آن عقیده دارندبا مفکوره های شان مطابقت ندارند، و در این زمینه هم هیچ وقت سوالی مطرح نمیکردند، باوجود آن به داستان نمادگری از مغاره، افلاطون تمام ویژه گی های طبیعت انسان ها را روشن ساخت. مانند رفتن به مسیر نامعلوم، اداره کردن یک زنده گی پرچالش وغیره.

وی در یک کتابش که به نام The Republic است داستانی بین برادرانش که نمایان گر حقیقت است و چطور یک شخص از آن می آموزد و همچنان یک شخص چطور خرافات و فریب را ترک و به راستی دست می یابد جاداده است.

همین حکایت برای ما پیشنهاد بینایی که ما توسط آن اشیا را دیده و زنده گی خود را پیش میبریم. حقیقت و راست نیست. ما انسانها جهالت، زنده گی نامکمل، گرفتن مسیر ها، اطاعت قوانین، نورم ها، اصول اخلاق را که توسط نسل گذشته به ما میراث مانده است بدون کدام سوال آنها را موردقبول قرار داده ایم.

افلاطون گرفتاری های انسان ها را به مانند زندانیان در مغاره بیان کرده است.

وی می افزاید مردم چیز هایی را که واقعیت میشمارند جزء از خیال باطل چیزی دیگری نیست. او از Glaucon خواست تا مغاره را تصور کند که زندانیانی که از دوران طفولیت در ان بدون نقل مکان اقامت کرده اند. نه تنها دست ها و پا های شان در آن جابسته اند حتی باید به بجز یک نقطه دیوار آن ساحه دیگری را نه بینند.

در عقب زندانیان آتش است، در بین آتش و زندانیان راهی وجود دارد که مردم از آن عبور و مرور و بعضی چیز ها را هم انتقال میدهند. مانند مجسمه های انسانی و حیوانی چوبی، سنگی و اجناس دیگر.

زندانیان سایه ها را تماشا و صدا های منعکس کننده که از عقب دیوار به گوش می رسید آن را می شنیدند و حتی در عقب آتش و خارج از دهن غار روشنی طبیعی و شعاع آفتاب به نظر می رسید.

نسل ها آمد و نسل ها رفت، زندانیان به قسم گذشته به زنده گی جاهلانهٔ شان ادامه میدادند تا وقتیکه یکی از همان زندانیان تقاضاء آزادی نمود، او استاد شد و رویش را به طرف آتش که در دهانهٔ غار بود کرد و به مسیر ی که توسط نوری از آتش روشن شده بود حرکت کرد و بالاخره از غار خارج شد و به جایی رسید که آفتاب می درخشید. اگر کسی سایهٔ چیز ها را برایش نشان میداد وی باور نداشت که آن یک سایهٔ حقیقی است زیرا در او تغییرنه آمده بود.

وی حیوانات، اشیا و انسانها را نمیتوانست تشخیص کند و حتی نام گرفتن آنها برایش مشکل بود و فکر میکرد سایه یی که در غار بود حقیقی بود نسبت به چیز های که حال میبیند.

زندانی مذکور آزاد و رویش به طرف آتش مگر به روشنی آتش دیده نمی توانست چرا که با زنده گی مغارهٔ تاریک برای مدت زیاد بینایی اش را تقریباً از دست داده بود. وی روی گردانید و خواست به همان سایهٔ آرام دوباره برود، او مجبور شد که به طرف روشنی برود مگر بسیار ناراحت و پریشان به نظر میرسید چرا که اشیای نو به نظرش میرسید و او تمام اشیا را اشیای واقعی قبول نمی کرد.

در روشنی آفتاب، آن شخص یک زندانی نبود؛ بلکه به مثابۀ شخصی بود که با چالشهای گوناگونی مواجه شده بود. و این همه به خاطر عدم موجودیت شعاع آفتاب و اشیای طبیعی در اطرافش بود. این شخص کاوشگر باوجود موفقیت ها خواست که کشفیات بیشتر نماید تا در این جهان به حقیقت دست یابد. او تمایل رفتن به تنهایی، راه های نامعلوم پیدا کرد تا حقیقت را دریابد.

بعد از یک مدت زنده گی کردن در سطح و روشنایی، زندانی آزاد خود را عیار ساخت و خواست چیز هایی بیشتر را در اطرافش مشاهده کند تا بتواند به روشنی آفتاب نگاه کند. وی در بارۀ آفتاب خواهد فهمید قسمیکه سقراط میگوید: آفتاب مبدأ فصول و سال ها میباشد عامل تمام اشیای که قابل دید بوده و سبب تمام چیز هاییست که همه آنرا میبینند.

باز گشت به مغاره

وی مکان اول، یعنی خانۀ تاریکش را بیاد آورد او به خاطر آورد که برای آزادی چه گذشت و چطور دوستان زندانی اش به جهالت زنده گی می نمایند.

وی خود را خوشبخت احساس میکرد و دوستانش را قابل ترحم. او خوش داشت که دوباره به غار رفته و به دوستانش بگوید که حقیقت چی است؟ مگر وقتی دوباره رفت هیچ سایه یی را که قبلاً میدید ندید و نتوانست که با آنها به شکل سابق تکلم کند و خود را دریافت که معتاد تاریکی نبوده و اودر مکان اصلی اش حالا یک بیگانه است.

حال شخص سوال کننده، شخص فیلسوف که میخواست علم خود را با مردم که در غار ی که اسیر شده بودند شریک بسازند، وی را کسی باور نمی کرد. مردم فکر میکردند که او یک شخص کی بوده باید او از این اجتماع بیرون رود تا جلوگیری از عقایدش شود. آنها میگفتند، که این مرد یا دیوانه یا دماغش فاسد شده است و ما نمیخواهیم او را تعقیب نماییم. فیلسوف هر قدر که از علمش (راست و حقیقتش) بیان میکرد مردم برضد او استاده گی میکردند.
آنها عادت کردند و تابع آن نورم ها بودند که از اجداد شان برای شان انتقال شده بود

برای افلاطون این مرد روشن فکر بیانگر همان پادشاه فیلسوف بود. کسیکه کوشش نمود تا خود را به مراحل عالی درک و فهم برساند، سقراط این سوال را پرسید: اگر آنها دسترسی به آن شخصی که کوشش نمود تا آنها رهانموده و رهنمایی نماید، داشته اند . پس چرا آنها آن شخص را از بین نه بردند. حقیقتاً این همان چیزی است که سقراط خودش اینرا عملاً انجام داده بود. از اینکه نظریات خود را خودش دوباره رد نماید خواستار نوشیدن شربت زهر آگین گردید. خود شربت زهراگین را نوشید تا این که حرف خود را پس بگیرد.

در پلان افلاطون نسبت به اجتماع، فیلسوف یک وظیفه داشت که در رابطه به دوستانش که در تاریکی زنده گی میکردند برسد و آنها را تدریس کند.

در داستان حکایت از مغاره توسط افلاطون، این خلاصه میشود، که بسیاری از انسانها زنده گی پر از افسرده گی، بی معنی، همراه با جهل و نادانی سپری میکنند، مع الوصف آن را نسبت به یک زنده گی پُر از آموزش، پُر از مفکوره های جدید که به مدد آن بالاخره به حقایق زنده گی می رسند، انتخاب می نمایند. تمام انسانها راضی به واقعیت های اجتماع خود اند، بطور مثال: حقیقت که تصور خیالی هم داشته باشد مانند سایه یی است که در دیوار مغاره بود.

❋ ❋ ❋



امتحان بعد از تدریس (ترینگ)

ترینگ فنون عالی آموزش

سوالات صحیح و غلط

بخاطر داشته باشید که در سوالات صحیح و غلط، اگر جز ءی از سوال اشتباه باشد آن سوال کاملا غلط شمرده می شود.

۱. قوای کاری وزارت معارف دولت اسلامی افغانستان در سال ۲۰۰۴، هشت معیار را برای استادان افغان اساس گذاشتند، تا حمایت از آموزش اطفال/ شاگرد محوری نماید. (   )

۲. دولت اسلامی افغانستان در رابطه به معیارات آموزگاران لایحه را وضع نمود که تمام استادان دارای حاضری و پلان همه روزه باشند. (   )

۳. توسط موفق شدن در امتحان ملی برای اساتید، استادان باید از خود شایستگی در رابطه به موضوع تدریس و شیوه تدریس نشان دهند. (   )

۴. قسمیکه یک استاد به هدف تعلیم و تربیه و فطرت شاگردان معتقد است، این حالت بیشتر اثر گذار روی شیوه تدریس او است نسبت به محتوای کتاب. (   )

۵. شاگرد محوری استادان را به مجازات جسمانی، شرمنده گی و مایوس کردن شاگردان تشویق نه می نمایند. (   )

۶. اصطلاح (Best Practice) شیوه خوب در معارف اساس گذار درجهٔ شاگرد در امتحان نهایی بوده بدون رعایت از پیشرفت در آموزش.

۷. اصطلاح شیوه خوب (Best Practice) در پلان های برنامهٔ آموزشی و تدریس تقاضا می نماید که تاریخ و زمانبندی برای پلان های سالانه تدریس یک مضمون باید تعقیب شود بدون در نظرداشت مؤفقیت آموزش.

۸. مؤفقیت یک شاگرد در آموزش براساس توانایی ذهنی و علاقه اش است، نه بر اساس سلوک و یا روش استاد در صنف.

۹. در فرضیهٔ شیوه خوب (Best Practice) شاگردان باید مستقلانه، خاموشانه و بدون گفت و گو و یا شریک ساختن کار های شان آموزش نمایند.

۱۰. تقریباً در سن هفت سالگی، تغییرات شناخت بزرگی در اطفال صورت میگیرد که آنها را قادر به خودپسندی و ارزش دادن ساخته و در عوض توانایی بیشتر به فهمیدن احساسات و بینایی دیگران را میدهد.

۱۱. بهرهٔ هوش یا (IQ=Intelligent quotient) یک طفل در هنگام پیدایش تعیین شده و امکان تغییر و یا پیشرفت در آن توسط آموزش و تجارب نیست. (   )

۱۲. شاگردانی که دارای معیوبیت جسمانی اند، باید در صنوف عادی در صورت امکان با شاگردان سالم تحت تعلیم و تربیه قرار بگیرند تا از یک دیگر تقدیر نمایند. (   )

۱۳. در صنوف تدریس در افغانستان، وقتی یک شاگرد بشکل متداوم از خود سلوک نفاق افگن را نشان میدهد، استاد باید سعی نماید تا سبب سلوک نامطلوب را دریابد.(   )



۱۴. مشکلات روانی–اجتماعی در زنده گی یک شاگرد در صنف به آسانی مشاهده شده می تواند وقتی یک شاگرد دستاورد های خوب آموزشی داشته و هیچ نوع مشکلات را ایجاد نمی کند. (   )

۱۵. حاضری دختران در مکاتب افغانستان در سطح عالی قرار دارد، با درنظرداشت وضع امنیت، عرف محلی و امکانات آموزش در آنها. (   )

۱۶. هنگام تدریس در یک صنف دارای شاگردان متعدد، به زبان های مختلف تکلم می نمایند و از طبقهٔ اقلیت هم اند، استادان باید شاگردان دیگر را تشویق نماید تا تفاوت ها را در نظر گرفته و شاگردانی را که دارای زبان و سلوک مختلف اند مسخره ننمایند. (   )

۱۷. هنگام تدریس دختران، استادان باید توقع آموزش هر مضمون را از آنها مانند پسران داشته باشند، بجز از تأثیرات اجتماعی و فرهنگی که اثر در ساحهٔ اطمینان شان ممکن داشته باشد. (   )

۱۸. برنامهٔ آموزش ملی در افغانستان طوری تهیه شده است که برای استادان ملی و مکاتب پلان ها مورد استفاده قرار گرفته تا بودیجه را از مؤسسات بین المللی و دولت مان دریافت نمایند.(   )

۱۹. نصاب پنهان یک پروسه است که شامل پروگرام تدریسی قبول شده نبوده؛ بلکه چیزی است که شاگرد از شاگردان دیگر چیز را یاد گرفته و یا از داخل و یا خارج از صنف می آموزد.(   )

۲۰. از ارزیابی سازنده طوری استفاده به عمل می آید، که استاد بار ها سطح آموزش شاگردان را ارزیابی می نماید ولی ارزیابی تشخیصی یک ارزیابی است که در اخیر وقتی که نتایج برای شان داده می شود اجراا می گردد. (   )

۲۱. اوراق آماده شده امتحان توسط استاد باید دارای سوالاتی باشند که دارای کمترین اهمیت برای شاگردان است تا استادان بدانند که شاگردان تا چه اندازه درسهای خودرا به صورت دقیق مطالعه کرده اند.(   )

۲۲. با داشتن روابط خوب با والدین، یک استاد مسلکی و شایسته والدین را تشویق نموده تا بدانند که اطفال شان به چه اندازه آموخته و هم به ارزیابی آنها به صنوف شان بیایند.

۲۳. هدف اصلی فرصت های انکشافی و مسلکی استادان این است تا امتیازات شان را با مجموع از ریکارد ورکشاپ ها و تریننگ ها بیافزایند.(   )

۲۴. بخاطری جلوگیری از فشار و خسته گی تدریس یا مشکلات زنده گی، استاد باید اوقات خارج از رسمیات را برای فعالیت هایی که از آن ها لذت میبرند تخصیص بدهد، ولو اگر کار های مکتبش هنوز هم ناتمام باشد.

۲۵. فن تدریس برای آن عده استادانی که موضوعات اصلی خود را تدریس می نمایند، تقاضا می نماید که فلسفهٔ شاگرد محوری را در نظر بگیرند. این شیوه برای شاگردان دورهٔ ابتدائی مناسب است. برعلاوه این شیوه به طور درست در تدریس آموزنده گان بالغ نیز مناسب است.



ارزیابی قبل از تدریس

ترینگ پیداگوژی عالی

این آزمایش طوری تهیه شده است تا معلومات استادان را قبل از شروع شدن ترینگ دریافت نمایند و بعد از ترینگ یک تست دیگر برای شما داده میشود تا دریابیم که به چه اندازه تغییرات در سطح آگاهی شما به میان آمده است.

همچنان در اخیر این ترینگ برای شما وقت داده میشود تا ارزیابی این ترینگ را از نظر مفیدیت آن در رابطه به مسلک استادی در افغانستان و زنده گی شما در افغانستان چی میباشد بنویسید.

۱. وزارت معارف دولت اسلامی افغانستان در سال ۲۰۰۴ قوای کاری را برای معیارات معلمین مکاتب ابتدائی تعیین نمود تا یکی از گزینه های ذیل را بوجود بیاورد:
   a. یک سلسله از قواعد تا تعلیمات حداقل معلمین را تعیین نمایند.
   b. یک سلسله از قواعدی هشت ماده ای تا توقعات را برای معلمین ابتدائی تصدیق نمایند.
   c. یک بسته یی از موضوعات برای برنامه های آموزشی.

۲. ریاست عمومی تربیۀ معلم، وزارت معارف افغانستان یک لست از سوالاتی را ترتیب نموده تا کیفیت تدریس معلمین را در صنف های شان مقیاس نمایند. این لست به یکی از گزینه های ذیل ارتباط دارد:
   a. چارچوب شایسته گی استادان.
   b. معیارها برای معلمین ابتدائی.
   c. بستۀ ترینگ (Inset-I).

۳. کدام یکی از این گزینه ها را شما برای تدریس در افغانستان و یا نقاط دیگری جهان در اولویت قرار میدهید؟
   a. معلمین همیشه حاضری متداوم، ساعت وار و همیشه آماده گی به صنف را داشته باشند.
   b. معلمین دارای یک شخصیت خوب، روحیۀ قوی و جدیت با شاگردان را داشته باشند.
   c. شایسته گی استاد در موضوع تدریس و شیوۀ تدریس.

۴. عقیدۀ یک استاد در رابطه به اهداف تعلیم و تربیه کدام یکی از این گزینه های ذیل را تحت اثر قرار میدهد:
   a. کتابهای درسی و برنامه های تدریسی.
   b. پلانهای تدریسی و اجراآت آن.
   c. طرز برخورد به سوی والدین و فامیلها.

۵. یک روش در بارۀ تعلیم و تربیه که در تربیۀ معلم افغانستان پذیرفته شده ولی همیشه در تضاد همراه با شیوه تدریس سنتی است:
   a. روش شاگرد محوری، شاگرد محوری و تدریس صنف.
   b. روش آموزش به وسیلۀ از یاد کردن.
   c. روش مجازات بدنی تا به کوشش های شاگردان انگیزه بدهد.

۶. در گفت و گو های حاضر در رابطه به تعلیم و تربیه اصطلاح (روش عالی/ Best Practice) زیاد استفاده میشود. کدام یکی از این گزینه ها برای استادان افغان Best Practice است:
   a. تعیین نمودن درجه شاگرد به اساس نمرات وی در امتحان نهایی.
   b. تعیین نمودن درجه شاگرد به اساس میتود های متنوع ارزیابی نمرات وی.
   c. تعیین نمودن درجه شاگرد به اساس حاضری و سلوک وی

۷. در مباحثات امروزی در رابطه به انکشاف تعلیم و تربیه توسط اصطلاح Best Practice (روش عالی) کدام یکی از گزینه های ذیل در اصطلاح Best Practice شامل میباشد.

a. با استفاده از تعلیمات قبلی توانایی ها و علاقه مندی مشغول ساختن به آموزش.
b. مطمئن بودن در مورد این که هر هدایت با اهداف برنامه آموزشی ارتباط دارد.
c. بسیار به دقت در نظر گرفتن پلانهایی کوتاه مدت و طویل المدت بدون درنظرداشت ناکامی شاگرد به آموختن مواد درسی نو.

۸. یک شاگرد زمانی خوب می آموزد که:

a. ذهن خوب، اخلاق خوب داشته، و مطالعهٔ بیشتر نماید تا دروس را حفظ نمایند.
b. استاد استفاده از میتود های مختلف می نماید تا شاگردان را فعال به آموزش نگاه بدارند.
c. استاد درس را به شکل واضح توسط لکچر و مستقیم به هدایات آن عمل نمایند.

۹. در یک صنف وقتیکه اصطلاح (Best Practice) (روش خوب) استفاده میشود:

a. هر شاگرد مسؤلیت آموختن خود را دارد بدون گفت و گو با دیگران.
b. کار های گروپی قبول شده است، مگر درجه بندی نمیشود چرا که هیچ کس مسؤلیت ندارد.
c. شاگردان تشویق میشوند وقتیکه باهم کار کنند، باهم دیگر کمک نموده تا مفهوم آموزش و مهارت ها را درک نمایند.

۱۰. کدام یک از گزینه های ذیل درست است؟ وقتی که انکشاف طفل مشاهده شود واضح است که:

a. وقتی که یک طفل به سن و سال ۳ یا ۴ میرسد دماغش کاملاً انکشاف یافته و او باید توانا باشد تا خواندن و آموختن را مانند یک طفل که دارای هفت سال است بتواند.
b. وقتی که یک طفل به سن هفت سالگی میرسد، او به فهمیدن مسائل خوب و بد قادر میباشد و باید نظریات دیگران را بفهمد.
c. زمانیکه یک طفل به سن نوجوانی میرسد وی باید مانند یک جوان قادر به قضاوت کردن باشد.

۱۱. مطالعات جدید در رابطه به انکشاف دماغ انسان برای ما میرساند که:

a. فهم اساسی یک طفل در هنگام تولد تعیین می شود و باقی می ماند به همان شکل تا آخر عمر.
b. فهم در وقت تولد تعیین نمیباشد؛ بلکه در اثر تجربه تحرک و فرصت های آموزشی رشد می نماید
c. فهم و توانایی آموزش توسط محیط زیست و یا محیط فامیلی شکل نمیگیرد.

۱۲. شاگردانی که دارای ناتوانایی هایی فزیکی اند، باید تحت مطالعه قرار بگیرند:

a. در یک صنف متداوم، جاییکه امکانات باشد همراه با اطفال غیر معیوب در جاییکه هردو بتوانند آموزش را فرا گرفته و از همدیگر قدردانی نمایند.
b. در مکاتب خاصی که همراه با شاگردان معیوب دیگر تا تعلیمات منصفانه در یک محیط محفوظ صورت بگیرد.
c. در صنوف جداگانه به شکل گروپی؛ و یا اگر در مکاتب منظم که امکانات وجود دارد اجرا شده، تا تفکیک در جامعه نشوند.

۱۳. در صنف هایی درسی افغانها یک معلم شاید کوشش کند تا اطفال دارای خصلت های نفاق انگیز را آموزش دهد پس استاد باید:

a. شاگرد مذکور را مجازات کند تا سلوک مطلوب را دریابد.
b. کوشش نماید تا اسباب سلوک نامطلوب را دریابد.
c. طفل را از مکتب کشیده داستانش را به والدینش گذارش دهد.

۱۴. کدام یکی از این گزینه ها به طور اجتماعی سبب اجرأت ضعیف نمیباشد:

a. مشکلات روانی و اجتماعی در اثر سلوک های نا درست در مکاتب ایجاد میگردد و شرمندگی و ناتوانی در حفظ حقایق
b. مشکلات فامیلی که مانع رفتن به مکتب و یا خوش نبودن در مکتب باشد.
c. محیط صمیمانهٔ صنف و یا مکتب، احترامات و بوجود نیامدن ترس.

۱۵. حاضری دختران در افغانستان قرار ذیل است:

a. تقریباً در گراف های که از نگاه وضع امنیت، عرف محل و امکانات آموزش دختران.
b. چندان اولویت زیاد توسط دولت و یا وزارت معارف داده نشده است.
c. یک نگرانی بزرگ، مخصوص در رابطه به داشتن خانم های تحصیل یافته جهت سهم گیری شان در جامعه و استادان طبقه اناث در آینده.

۱۶. هنگام تدریس در صنف با داشتن شاگردان متعدد که به زبان های مختلف تکلم می نمایند و مربوط به اقلیت جامعه هم هستند، با عقاید مختلف اسلامی استاد باید چه کرد:

a. تمام تفاوت ها را نادیده گرفته، به تدریس برنامهٔ آموزش به صورت امکان ادامه بدهد.
b. سعی نماید تا تعلیمات گذشته شاگرد را فهمیده و به توافق همدیگر برنامه های آموزشی را دنبال نمایند.
c. تشویق نمودن شاگردان تا تفاوت هایی که در بین ایشان است آن را درک نموده و در نظر گرفتن شاگردانی که زبان و سلوک شان قابل فهم نیست.

۱۷. هنگام تدریس طبقه اناث توقع است که:

a. آنها دارای انگیزه مثبت آموختن، زیرک و توانا مانند بچه ها در مراحل آموزش اند.
b. آنها در مضامین ریاضیات، علم ساینس مانند بچه ها قادر نمیباشند.
c. آنها حاضری منظم نداشته و امکانات ترک نمودن شان بعد از صنوف سه و یا چهار میرود.

۱۸. برنامهٔ آموزشی افغانستان برای استادان و شاگردان یکی از این گزینه ها را تدارک دیده است:

a. یک محتوای یکسان که هر استاد را در هر صنف و هر مضمون با اهداف آموزشی که در سال تعلیمی است رهنمایی کند.
b. یک سلسله اهداف و رهنمایی ها که برای مکاتب شهر طرح و برای مکاتب دور از شهر قابل تطبیق نمیباشد.
c. یک پلان که مورد استفاده قرار گرفته تا توسط آن هدف بدست آوردن بودیجه از مؤسسات بین المللی و حکومت ها.

۱۹. مکاتب برنامه های آموزشی تحریر شده را در هر صنف استفاده می نمایند مگر تعلیمات و آموزش از صنوف خارج اند؛ مگر یک پروسه غیررسمی ادامه می یابد درینصورت کدام یک از گزینه های ذیل درست است.

a. آموزش در صنوف آمیخته با سنین مختلف.

b. برنامه آموزشی پنهان.

c. برنامه آموزشی دختران.

۲۰. بخاطر ارزیابی پیشرفت شاگرد و تهیه گذارش اخیر که فعالیت شاگرد را بیان می نماید، استاد باید:

a. ارزیابی شاگردان به شکل متداوم و نظردهی در رابطه به نقاط مثبت و منفی تا شاگرد بتواند قوه آموزش خود را تقویت نماید.

b. در نظر گرفتن حد وسط نتیجه امتحانات وسط و اخیر برای درجه بندی اخیر.

c. درج نمودن اخلاق روزمره و حاضری شاگرد در درجه بندی اخیر.

۲۱. وقت که یک استاد امتحانات را آماده و میخواهد از شاگردانش امتحان بگیرد، امتحان باید:

a. شامل بخش های مهم باشند که استاد آن ها را تدریس و شاگردان آن ها را فهمیده اند.

b. شامل بخش های مبتذل و ناچیز تا استاد دریابد که کی ها درس ها را با جزئیات آموخته اند.

c. سوالات امتحانات طوری ساخته شده باشد که شاگرد تنها جوابات درست آن را نشانی و ضرورت به کدام تشریح نباشد، تا برای استادان دیدن اوراق امتحانات آسان تمام شود.

۲۲. کدام یکی از این گزینه ها برای یک استاد نادرست است، تا در مقابل والدین شاگردان از آن استفاده نمایند:

a. اداره مکتب و استادان باید تا حدی ارتباط باهم داشته باشند بخاطریکه از والدین توقع تدریس بدون کدام دخالتی میرود.

b. استاد باید یک رابطه محکم با اولیاء شاگردان به خصوص کسان که برای آموزش اطفال شان علاقه مندی دارند و کوشش های استاد را حمایت می نمایند.

c. استاد باید والدین شاگردان را تشویق نموده تا از سطح آموزش اطفال در صنوف شان آمده تا آنها را تحت مشاهده قرار دهند.

۲۳. کدام یکی از این گزینه ها ضعیفترین جواب برای انکشاف سطح مسلکی استادان است:

a. بلند بردن معاشات استادان با تجموع از ترینگ ها و ورکشاپ ها.

b. بلند بردن سطح مهارت های استادان تا آنها بتوانند به سطح آموزش شاگردان بهبودی بیاورند.

c. حمایت کردن از آموزش دائمی استاد برای بلند بردن سطح زنده گی شان.

۲۴. بخاطر از بین بردن خسته گی و مشکلات زنده گی استاد باید:

a. گرفتن رخصتی های رسمی و یا غیر رسمی در اوقات جلسات درسی.

b. فراموش نمودن پلان های درسی در روز های رخصتی و تدریس به صورت غیر مسؤولانه.

c. تدوین تقسیم اوقات در اوقات غیر رسمی برای فعالیت هایی که از آن لذت میبرد. ولو اگر کار های مکتب ناتمام هم باشد.

۲۵. خط مشی ها برای تشویق و ترقی مسلکی استادان در دولت اسلامی افغانستان باید:

a. تعین ساختن نقاط ضعف عمومی که در استادان است توسط وزارت محترم معارف.

b. تعیین نمودن ترینگ های ضروری توسط کمیسیون انکشاف مکاتب و یا آمر حوزه ها.

c. تعیین نمودن نقاط ضروری برای تدریس بهتر به همکاری دادن و توانایی برای استادان.



فصل هفدهم

آزمایش یا آزمون انکشاف مسلکی

اسم:________________________ تاریخ:________________

۱. سه فعالیت انکشاف مسلکی را نام ببرید که شما آنرا در گذشته تجربه نموده اید.

ا.

ب.

ج.

۲. کدام یکی از ارقام فوق برای شما مفیدترین بود و چرا؟

۳. یک تریینگ انکشاف مسلکی برای کارمندان را بیان دارید که برای شما حایز اهمیت کم یا هیچ اهمیت نداشت. دلیل بی اهمیتی آنرا نیز بیان دارید.

۴. پیشنهادات شما برای بهبود بخشیدن برنامه های انکشاف مسلکی آموزگاران چه می باشد؟

a.
b.
c.
d.

نظریات دیگر؟

۵. برای تهیه پلان طویل المدت رشد مسلکی خود تان، اهداف و اولویت های شما چه می باشد؟ برای بدست آوردن آن اهداف به چه چیز نیاز دارید؟

بخش دوازدهم

غورو تعمق در امتحانات

- آزادنه میتوانید که هر دو ورق بنویسید. هر قدر که امکان نوشتن است بنویسید.

۱. شما بالای اقسام امتحانات بر یک شاگرد سپری کرده باشید فکر نمایید. شما چه نوع امتحان را میخواهید و چه را به طوری یک تجربه ارایه می نمایید. هر یک نظر یات خوب تان را بیان می نماید.

۲. به چه نوع امتحان شما علاقه مند نبودید؟ بعضی از خاطره های ناخوش تان را بیان نمایید. خود را امتحان و استاد را چه فکر میکردید؟

۳. بعضی از دلایل امتحان گرفتن را بنویسید؟

۴. بعضی از پیشنهادات برای امتحانات خوب چه ها میتوانند باشند؟



برنامه آموزشی دندان شمشیری



درگذشته های بسیار قدیم یعنی در دورهٔ دوم سنگ، مردی با معیارات زنده گی در قبیله یی که زنده گی میکرد ناراضی بود. روزی اطفال را دید که در اطرافش مصروف بازی با سنگ ها و چوب ها هستند، او با خود فکر کرد که اگر اطفال را تشویق نماید تا کار هایی را انجام بدهند که که به واسطه آن خیلی غذا، خانه، لباس و امنیت بدست بیاورند. «اگر من این کار را بکنم این قبیله را به زنده گی خوبتر سوق داده باشم» و هنگامیکه این اطفال بزرگ شوند غذا، پشم حیوانات برای گرم نگهداشتن بدن شان، پناه گاه های امن برای زیست و حتی خطری کم از پلنگ های خونین را بدست آوردند، تا این نوع افکار هدف تعلیمی ایجاد شد.

از روی این هدف تعلیمی برنامهٔ تعلیمی و تربیوی را نیز میتوان ساخت. او دریافت که اطفال ضرورت به آموختن گرفتن ماهی ها و شکار کردن اسپ های پشمی دارند تا بتوانند در هنگام هوای سرد از پشم های شان بخاطری گرم کردن بدن شان استفاده نمایند و حتی تخنیک های ترسانیدن پلنگ های خونین را دارند. وی مهارت های ضروری زنده گی برای اطفال آموختاند و در اثر گذشت زمان برای تمام قریه معلوم شد که اطفال آماده گی بیشتر برای زنده گی دارند.

بعداً در رابطه به این مهارت ها مکاتب ایجاد شد. اطفال شروع به مکتب رفتن نمودند، براساس این تعلیمات سیستماتیکی مانند: گرفتن ماهی ها، به دام انداختن اسپ ها و ترسانیدن پلنگ های خونین تعلیمات صورت گرفت.
این قبیله پیشرفت کرد و حسادت را با قبایل همسایه برجا گذاشت اگر این حالت تغییر نمیخورد.

یخبندانی رو به ذوب شدن شد که از طرف قطب شمال یک قطعه یخ بزرگ آهسته آهسته نزدیک جویی که آنها از آن ماهی میگرفتند شد و بلاخره در همان جا آب شد. کثافات که در یخ وجود داشت جویی که وقتی آب پاک صاف داشت، به یک جوی کثیف تبدیل گشت. در آن جا دیگر امکانات گرفتن ماهی نبود و ماهی قدرت پنهان شدن را در صخره های بزرگ دریافت که در آن وقت امکانات گرفتن ماهی توسط دستان خالی نبود و حتی برای کسانی که آنها در رشتهٔ ماهی تحصیل کرده بودند مشکل ایجاد شد.

هر قدر که یک شخص مهارت ماهی گیری را میداشت وقتی که ماهی را نمی یافت، ماهی گیری کرده نمی توانست.
همین قطعه یخ سبب نرم ساختن زمین ها در این ناحیه شد و اسپ ها رو به فرار به طرف شرق را نمودند و جا های شان توسط بز های کوهی اشغال شد. این بز های کوهی بسیار با سرعت حرکت میکردند و هیچ کس قادر به بدام انداختن آنها را نداشتند. آهسته آهسته شکارچی ها با دست های خالی به سوی خانه های شان می آمدند.

بعداً به اثر رطوبت آب و هوای این منطقه پلنگ های خونین به مریضی التهاب سینه دچار شدند و همین مریضی سبب از بین رفتن شان شد و عده یی دیگری که دارای حیات بودند به طرف جنوب فرار کردند. این بدین معنی نیست که خطر مردم این ناحیه را تهدید نمیکند؛ بلکه خرس های وحشی از مهارت های ترسانیدن پلنگ ها ترسی نداشتند.

این قریه روبه نابود شدن را گرفت، چرا که هیچ ماهی برای خوردن و هیچ نوع پشم برای گرم ساختن بدن شان و یا خانه های شان و هیچ نوع امنیت از طرف شب وجود نداشت.
یک مرد از آخرین مهارت های گرفتن ماهی استفاده کرد؛ ولی نتوانست ماهی بدست بیاورد و از تمام مهارت های که در دوران تحصیل آموخته بود صرف نظر کرد و کوشید تا مهارت نوی را بیاموزد تا بتواند یک لقمه طعمه نان بدست بیاورد. او یک تاک بسیار قوی را دید که بالای درختی آویزان است، تاک را به پایین آورد تا آن را بسته نماید در هنگام

بسته کردن تاک فکرش به طفلی شد که در خانه اش گریه میکند، بایک جاکردن این دو مفکوره – فکرش به جال ماهی آفتید. وی این مفکوره اش را انکشاف داد و توانست تا ماهی های زیادی را که آن قبیله با استفاده از مهارت های شان در یک روز استفاده می کردند، وی بیشتر از آن بدست آورد.

به همین شکل خانمی با استفاده از درختان تازه جوان توانست دامی برای بز های کوهی بسازد. بعداً مردی با خانمش برای نجات از فامیل شان در اطراف خانه اش یک چاه را حفر کرد تا خرس های وحشی را بدام بیاندازند.
وقتی که این مهارت گسترده شد، بسیاری از اهالی قریه توانستند تا جال های ماهیگیری، بدام انداختن ماهی ها، بز های کوهی و حفر کردن چاه ها برای خرس های وحشی را فرا گرفتند.

عده یی از اهالی خردمند قریه سوالاتی را مطرح نمودند در رابطه به این سه مهارت های جدید که چرا شامل پروگرام درسی در مکاتب این قریه نیسند.

اکثریت اهال این ناحیه به خصوص بزرگسالان کسانی که مکاتب را اداره میکردند بالای این پیشنهادات لبخند زدند و گفتند که این تعلیم نیست؛ بلکه تنها یک تریننگ است.

به هر صورت فن ماهی گیری، بدام انداختن اسپ ها و ترسانیدن پلنگ ها با جزئیات آموزشی شان مضامین اصلی نصاب اند و ما نمیتوانیم تا این چیز های نو دیگر را در آن درج نماییم. فقط چیزی که ما میتوانیم این است که زمینه را برای آموزش اساسات آماده بسازیم.

شخصی گفت: «چطور یک شخص میتواند به این فعالیت های بیهوده علاقه مندی نشان بدهد؟» وقتیکه هدف گرفتن ماهی با دست خالی چه است؟ وقتیکه با جال ماهی گیری عده یی زیاد ماهی بدست می آید. چطور یک پسر می آموزش گرفتن اسپ ها بیاموزد وقتیکه اسپی وجود نداشته باشد؟ اطفال آموزش ترسانیدن پلنگ های خونین را ببینند زمانیکه پلنگ نبوده و یا از بین رفته باشد؟

- یکی از مردان خردمند و هوشیار برای آن شخص گفت: جاهل نباش! ما به دام انداختن ماهی ها را بخاطری ماهی گرفتن، تدریس نمیکنیم؛ بلکه ما چیز عمومی را که در ترییننگ ها امکانات نیست مورد مطالعه و تدریس قرار میدهیم.

وی نیز افزود که به دام انداختن اسپ ها را برای اسپ گرفتن، تدریس نمیکنیم بلکه ما قوت عمومی را در آموزگاران ایجاد می نماییم که از ان استفاده نمایند و همچنان گفت که ما مهارت ترسانیدن پلنگ ها را برای ترسانیدن پلنگ ها تدریس نمی کنیم؛ بلکه تدریس بخاطر به وجود آوردن جرئت در تمام ابعاد زنده گی شان را بحث قرار میدهیم، که توسط مهارت کشتن خرس ها بوجود نمی آید.

برعلاوۀ آن همه، مردی به تندی گفت: اگر شما خود تعلیمات و آموزش را دیده باشید خواهد دریافت که ماهیت اصلی آموزش بعضی اوقات نامناسب میباشد.

شما باید بدانید که بعضی اوقات حقایق دائمی وجود نمی باشد که Saber Tooth Curriculum یکی از برنامۀ آموزش آنها می باشد.
و به این فکر شدند که چطور آموزش خانم ها شامل این پروسه شود. آنها احتمالاً راه های حل آن را دریافت کردند که چطور استادان سال خورده شیوه های به دام انداختن ماهی ها، گرفتن اسپ ها و ترسانیدن پلنگ ها را دریابند.

مرد سال خوردۀ گفت: من به آنها به شکل خوب تدریس کرده ام و به قدر کافی برای شان تعلیمات داده ام با مثال ها واضح که چطور یک کاری را انجام بدهند و زمینه را برای خو مساعد کند و بلاخره در می یابیم که به همین شکل دماغ انسان ها از زمان های خبلی ها گذشته تا به امروز انکشاف کرده است.

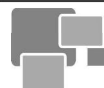
فهرست خسته گی و فشار

<u>هدایات</u>: برای هر سوال علامه X قابل اجرا است.

<u>به طور نمونه</u>: ۱ = ندرتاً ۲ = بعضی اوقات

نمرات: تمام نمرات را جمع نمایید و ضرب در اعداد داده شده (weight) نمایید.

سوالات	اصلا نه	ندرتاً	بعضی اوقات	ا کثراً	بسیاری اوقات
۱. آیا شما در وظیفه خود احساس خسته گی می نمائید؟					
۲. آیا دریافت کرده اید که در رابطهٔ وظیفهٔ تان به شکل منفی فکر کرده باشید؟					
۳. آیا در یافت کرده اید که با اشخاص و افراد با خشم و عدم غمخواری رفتار کرده اید؟					
۴. آیا احساس زود اذیت شدن توسط یک مشکل کوچک همکاران و یا گروپ کاری تان شده اید؟					
۵. آیا با سوء تفاهم و عدم تقدیر از طرف همکاران تان رو به رو شده اید؟					
۶. آیا شما گاهی احساس کرده اید که هیچ کس نیست همراهش صحبت نمایید؟					
۷. آیا احساس کمتر حاصل کردن دستاورد کرده اید از آنچه باید میکردید؟					
۸. آیا احساس فشار زیاد برای مؤفق شدن کرده اید؟					
۹. آیا احساس کرده اید چیزی که باید از وظیفهٔ تان بدست بیاورید نیاورده اید؟					
۱۰. آیا احساس کرده اید که در یکی از مؤسسات و یا حرفه در جریان کار اشتباه کرده باشید؟					
۱۱. آیا گاهی کدام بخش از وظیفهٔ تان شما را نا امید می سازد؟					
۱۲. آیا احساس کرده اید که پالیسی ها و کاغذ پرانی ها تأثیر منفی بالای توانایی هایی شما برای انجام دادن وظیفهٔ تان دارد؟					



۱۳. آیا احساس کرده اید که کار زیاد است نسبت به توانایی های شما؟					
۱۴. آیا احساس کرده اید که وقت برای انجام دادن وظیفهٔ تان به شکل درست و کیفیت عالی زمان بندی نه شده باشد؟					
۱۵. آیا احساس کرده اید که شما وقت کافی برای پلان گذاری ندارید؟					
	۰	۰	۰	۰	۰

Answer	Number	Weight	Total Weighted
Not all	0	0	0
All	0	1	0
Really	0	2	0
Sometimes	0	3	0
Often	0	4	0
Very Often	0		0

THE MYTH OF THE METALS (Plato's *Republic* 414c-417b) or The Noble Lie

جمهوریت افلاطون (414C-417b افسانه فلزات و یا دروغ اصیل)

Throughout _The Republic_ one of Plato's primary goals is to unify social experience. He perceives a variety of conflicting elements in the constitutions of states and souls, elements that prevent harmonious functioning. Thus, he seeks to reorder experience in order to eliminate sources of conflict. A "class society" (which Plato's just state is) has an inherent source of discord: The largest class of the state-merchants, farmers, craftsmen, peasants, and others who form the state's economic foundation-may not accept rule by the elite order of the guardians. In turn, some of the guardians may resent the lack of personal freedom and lack of private wealth imposed by their position. The problem, then, is how to educate the members of each class to respect and to accept their stations in the life of the state.

در تمام اثرجمهوریت The Republic یکی از اهداف اولیه افلاطون متحد کردن تجارب اجتماع است. او انواع عناصر متضاد در قوانین اساسی کشورها ملاحظه کرد. بنابراین، او به دنبال تجربه به منظور از بین بردن «منابع جنگ» شد ودران زمان بزرگترین دسته از بازرگانان، کشاورزان، صنعتگران، دهقانان، و دیگران که پایه وا اساس اقتصادی



دولت را تشکیل میدادند، حکومت نخبگان را به سفارش نگهبان قبول نمی کرد زیرا برخی از نگهبان ممکن است درانتظاری عدم وجود آزادی های فردی و فقدان ثروت فردی باشند. پس مشکل این است که چگونه به آموزش اعضای هرطبقه پرداخت تا به احترام آنرا در زندگی قبول کنیم.

To promote unity in the state Socrates proposes a myth, which he calls a "noble lie." This myth, the Myth of the Metals, will be propagated for two reasons: to illustrate that all people are brothers and sisters born of the same earth (autochthons), and to impart a sacred authority to the unequal status of the three classes.

برای ترویج وحدت سقراط پیشنهاد یک افسانه، که او را «دروغ نجیب» می نامد کرد. این افسانه، افسانه فلزات روی دو دلیل، برای نشان دادن که همه مردم برادران و خواهران متولد یک سرزمین اند و برای بیان یک مقام مقدس به وضعیت نابرابر سه طبقه ایی گسترش میابد.

The myth goes like this: In reality, during all of the years of their education and training, the young Athenians are within the earth being molded with proper equipment for doing their life's work. When their education is finished the earth, mother of all of the citizens, delivers them to the land so that they can protect her.

افسانه به این طورآمده است، که در حقیفت در طول تمام سال های استفاده از تعلیم، تربیت و آموزش، جوانان اهل اتن (پایتخت یونان) در داخل زمین با تجهیزات مناسب برای انجام کار و زندگی خود اماده هستند.هنگامی که تحصیلات خود را به پایان برسانند. زمین، یعنی مادر همه ساکنین، آنها را تحویل و به خاک شان کرده تا بتوانند از او حفاظت کند.

Even though all citizens are brothers and sisters, the supreme deity fashions the young Athenians with three different materials, some more precious than others. The rulers have gold in their veins; the warriors have silver; the producers have iron or brass. Once the people are fashioned, they cannot change their basic characteristics, nor can they ignore their responsibilities to mother earth. Yet there may be, on occasion, golden children born to silver parents and brass children to golden parents. When this happens the children will be quickly appointed to the class in which, by nature, they belong.

چنان چه همه ساکنین برادران و خواهران اند، جوانی از اهل اتن (پایتخت یونان) با سه ماده مختلف، اما با ارزش از دیگران– که حاکمان طلا، جنگجویان نقره و تولید کننده گان آهن و برنج را در رگهای خود دارا اند. هنگامی که مردم به عصر رو میاورند، آنها می توانند ویژگی های اساسی خود را تغییر دهند، و نمیتوانند از مسئولیت های خود چشم پوشی نمایند. با همه این ممکن است، که کودکان طلایی از پدر و مادر نقریی و کودکان برنجی از پدر و مادر طلایی به دنیا آمده باشند.وقتی این اتفاق می افتد کودکان را می توان به سرعت طبقه بندی نمایم که در آن فطرت شامل است.

<u>NOTE:</u> One of the key issues of the Myth of the Metals is what is sometimes called the nature-nurture problem: Are people born with certain abilities and characteristics (nature/heredity), or do they acquire these through

experience and training (nurture/environment)? In this myth Plato reveals that he believes men are by nature unequal. His educational plan (the nurturing process) functions to determine which children have the potential to guard and then to develop this existing potential. Plato believes that children of guardians will usually inherit the potentials of their parents. But he also knows that often the children of parents with good character and high intelligence lack their parents' qualities. On the other hand, children of ignoble parents sometimes exhibit superior abilities. Therefore, Plato makes provisions for social mobility based upon the demonstration of the children's inherent potential during their basic education, during the time when mother earth is nurturing each child in accordance with his nature.

توجه:

یکی از مسائل کلیدی افسانه فلزات، چیزی است که بعضی اوقات به نام «مشکل طبیعت وپرورش» امده است. آیا افراد با توانایی های خاص و ویژگی ها (طبیعت / وراثت) به دنیا می آیند، و یا از طریق تجربه و آموزش (و پرورش / محیط زیست) به آن دست پیدا می کنند؟ در این افسانه افلاطون نشان می دهد که او معتقد به این است که بشر طبیعتاً نابرابر اند. برنامه آموزشی که تعیین قوه کودکان برای محافظت است و سپس این قوه را توسعه میدهد. افلاطون به این باور است که کودکان نگهبان معمولاً ظرفیت های پدر و مادر خود را به ارث می برند. اما بعضی از کود کان مانند پدر و مادر خویش از شخصیت و هویشاری برخوردار نمی باشند بعضی از اطفال گاه گاهی لیاقت و استعداد بهتر و زیاد از پدر و مادر خویش در خود نشان و نمایان میکند بنابراین، افلاطون مقرراتی را برای تحرک اجتماعی بر اساس تظاهرات بالقوه ذاتی کودکان در آموزش و پرورش ابتدایی در مدت زمانی که هر کودک مطابق با طبیعت پرورش داده میشود ساخت.

What do you think about this myth? Has Socrates provided an acceptable rationale for having a "class society"? Will the people believe the myth? Glaucon thinks that the first generation of the just society will not accept it, but that their sons and grandsons will. Socrates remains skeptical on the myth's acceptance but hopes that it will help make the people "more inclined to care for the state and one another."

نظر آیا شما در مورد این افسانه چه فکر می کنید؟ سقراط منطق قابل قبول برای یک جامعه داشت؟ مردم بر این افسانه باور خواهد کرد؟ Glaucon (نامی برادری بزرگ سقراط) فکر می کرد که اولین نسل جامعه آن را قبول نمی کند، اما فرزندان شان خواهند کرد. سقراط تردید در پذیرش این افسانه را احساس کرد، اما امیدوا آن بود که آن کمک کند تا مردم بیشتر تمایل به مراقبت دولت و یکی دیگررا دریابند.

Socrates abruptly returns to the city's economic and educational composition. Besides having the proper education, he says that the guardians (both the auxiliaries and the rulers) must not possess any private property or personal wealth. Their food, clothing, and housing will be of the simplest kind- communal and provided by the state. Why? To prevent jealousy and corruption.



سقراط ناگهان دوباره به ترکیب اقتصادی و آموزشی این شهر برگشت. علاوه بر داشتن آموزش و پرورش مناسب، او می گوید که نگهبان (هر دو خدمه و نگهبان) نباید هیچگونه مالکیت خصوصی و یا دارایی های شخصی داشته باشند.

The guardians are public servants. In the private sector, however, the householders and other producers can own property and have money. The producers lack prestige; the guardians lack possessions. Thus, each class has its benefits and disadvantages.

نگهبانان، خدمتگزاران مردم هستند و در سکتور های خصوصی، تولید کنندگان ملکیت و تملک پول دارند. بنابراین، هر طبقه دارای فواید و کاسته گی ها اند، یعنی نگهبان فاقد اموال و تولید کنندگان حیثیت فاقد نفوذ را دارند.

The society is like the individual, only greatly enlarged.

جامعه مانند فرد است، فقط تا حد نهایی بزرگ.

The Head or intelligence of the philosopher kings, represents the gold metal, rare in Mother Earth.

افکار و اطلاعاتی از پادشاهان فیلسوف.

The chest, is the guardian or warrior class, from silver metal. The brave protectors of the society. Both of the upper groups are considered guardians, but only those who are philosophers will be the rulers.

قفسه سینه، سرپرست و یا جنگجو، از فلز نقره است هر دو گروه های بالا نگهبان در نظر گرفته می شوند، اما فقط آن عده ازکسانی که فیلسوفان اند حاکمان خواهند بود.

The Trunk of the body, the largest part of the society will be of brass and iron metals and will be the producers or the laborers. Occasionally a laborer may have a child of gold and a philosopher may have a child of iron. The children must all be tested to prove their "metal" and then be placed in the ranks nature intended. Plato believed that justice will be served when every individual is in the life nature intended. No one would be privileged above others. All would be happy... no warfare, no jealousy, no destructive competition. He called this myth the Noble Lie which people would come to believe in one or two generations of telling it to the children.

تنه بدن یعنی بزرگترین بخش جامعه فلزات برنج و آهن خواهد بود که آنها و تولیدکنندگان یا کارگران هستند. بعضی اوقات یک کارگر ممکن است کودک از طلا و یک فیلسوف کودک از آهن را داشته باشند. کودکان همه باید آزمایش شود برای اثبات «فلز» و سپس در طبیعت صفوف برایشان در نظر گرفته شوند. افلاطون متعهد به این عدالت است که برای هر فرد در طبیعت زندگی در نظر گرفته شده باشد و هیچ کس بالاتر از دیگری نیست ..همه خوشحال هستند... نه جنگ، نه حسادت، و نه رقابت ناسالم. در اخیر او نام این افسانه را «دروغ اصیل» گذاشت که مردم معتقد و از آن در یک یا دو نسل استفاده نمایند.



دو نوع شیوهٔ ارزیابی آموزش برای فصل چهارم

ارزیابی اول چهار شیوهٔ آموزش

برای ۳۶ سوال آتی یکی از حروف ذیل را انتخاب نمایید، برای هر یک سوال یک جواب را انتخاب نمایید. اگر در اثناء انتخاب به کدام مشکل رو به رو شدید فقط یکی از حروف که جواب را ارایه میکند انتخاب کنید. وقتی که انتخاب جواب را به پایین رساندید، حساب نمایید که هر حرف را چند بار انتخاب نموده‌اید.

۱. شما یک موضوع را خوب درک می‌نمایید اگر:
   a. خود آنرا متحان و تجربه کنید.
   b. برای شما شرح شود.
   c. به آن گوش دهید
   d. آنرا روی کاغذ یا تخته ببنید

۲. زمانیکه طفل بودید. شما علاقمند به....بودید:
   a. بازی کردن.
   b. اجرای کارخانه.
   c. بازی کردنت وسط یک آله.
   d. هنر و رسامی.

۳. وقتی که مطالعه مینمایید شما کدام یکی از گزینه های ذیل را ترجیح میدهید:
   a. استفاده از تجربه.
   b. بحث با دیگران.
   c. شنیدن کتاب ها روی نوارهای صوتی.
   d. خواندن کتاب و نگریستن به رسم های آن.

۴. وقتیکه شما یک با شخص برای اولین بار ملاقات می نمایید، شما یکی از گزینه های ذیل را به مدت طولانی بیاد میداشته باشید:
   a. چه و چطور یک عمل کرد را آن شخص انجام داد.
   b. مکالمهٔ که شما داشتید.
   c. آنها در رابطه به خود چه گفته اند.
   d. چه نوع معلوم می شد.

۵. هنگامیکه به املا یک لغت مشکلات دارید، شما یکی از فعالیت ذیل را انجام میدهید:
   a. به فرهنگ لغت رجوع کردن.
   b. املا کردن با صدای بلند.
   c. گفتن با صدای بلند.
   d. نوشتن به روی یک صفحه.



۶. شما استادی را ترجیع میدهید که او استفاده از..... می نماید:

a. فعالیت های تجربی.
b. بحث گروپی.
c. تدریس لکچر و استفاده از نوار ها.
d. چارت های تدریسی و تصاویر.

۷. شما بیشتر علاقه مندی به یکی از فنون ذیل دارید:

a. ورزش.
b. سیاست.
c. مطالعه.
d. نوسینده گی.

۸. شما یک چیزی را خوب به حافظه میگیرید وقتیکه:

a. عملا آنرا انجام میدهید.
b. آنرا می گویید.
c. آن را میشنوید.
d. آن را میبینید.

۹. در رابطه با هدایات:

a. شما بدون خوانش عمل می نمایید.
b. آنها را خوانده هم زمان عمل می نمایید.
c. کسی بخواند تا شما عمل نمایید.
d. اول آنرا می خوانید بعداً آنها را در حافظه خود ترسیم می نمایید.

۱۰. وقتی یک حالت یا اوضاع جدید برای شما معرفی میشود شما:

a. همان لحظه آنرا انجام داده و آن را یاد میگیرید.
b. ضرورت به یک شخص دارید تا آن را مرحله به مرحله به شما تشریح دهد.
c. به هدایات گوش میدهید و بعداً آنرا اجرا میکنید.
d. شما اول شخص را که آنرا انجام میدهد تماشا می کنید و بعدا آنرا انجام میدهید.

۱۱. شما علاقه بیشتر به... دارید:

a. تلاوت قرآنکریم.
b. مطالعه.
c. گوش دادن به اخبار.
d. خطاطی.



۱۲. بحیث یک شخص شما تمایل به چه دارید:

a. کار های عملی با دوستان تان و یا بازی های سپورتی، تمرینات.
b. ابراز کردن احساسات خود با نوشتن و یا با سخن گفتن.
c. مطالعه و یا شعر گوش کردن.
d. استفاده از تصاویر، نقشه ها برای افهام و تفهیم با دیگران.

۱۳. اگر چیزی باعث اذیت شما میشود شما تمایل به کدام یکی از راه های ذیل را دارید:

a. رفتن به یک گردش و یا تمرین.
b. سخن گفتن با دیگران در رابطه به آن موضوع.
c. نصیحت گرفتن از دیگران و گوش دادن به نظریات شان.
d. نوشتن موضوع و مقایسه کردن نقاط مثبت و منفی آن.

۱۴. در اوقات بیکاری تان شما تمایل به یکی از گزینه های ذیل را دارید:

a. انجام دادن یک فعالیت مانند سپورت و یا کار های داخل حویلی.
b. خواندن یک کتاب.
c. گوش دادن به شعر.
d. تماشا کردن تلویزیون.

۱۵. هنگام نوت گرفتن در اطاق درسی شما تمایل به.... دارید:

a. نگرفتن نوت و در عوض رسم کشیدن خیالی.
b. گوش دادن به استاد و بعداً گفت گو در مورد درس با همصنفان.
c. ثبت کردن درس بر نوار.
d. نوت گرفتن.

۱۶. وقتی به یک سفر میروید شما به کدام یک از گزینه های ذیل رجوع می نمایید:

a. سفر را فورا شروع نموده فعالیت ها را همزمان انجام میدهید.
b. بحث در باره سفرنامه قبل از سفر.
c. کسی را وادار می سازید که جزییات هر روز را یک یک برای تان بیان دارد.
d. داشتن سفرنامه و تصاویر از هر محل.

۱۷. شما تمایل به بکاربردن یکی از این عبارات را دارید:

a. در تماس باش.
b. بیا بعداً صحبت کنیم.
c. به نظرم آشنا می رسد.
d. من هیچ وقت یک چهره را فراموش نمیکنم.



۱۸. در هنگام دریوری شما تمایل به چه دارید:
a. شنیدن قرآنکریم.
b. تیز چلانی.
c. قصه با اشخاص دیگر در موتر.
d. توجه به سرک.

۱۹. برای صرف طعام شب شما کدام جای را ترجیح میدهید:
a. به محل ورزشی یا سپورتی تا کدام بازی را تماشا کنید.
b. در محل زیبا خاموش تا بتوانید صحبت نمایید.
c. در محل که شعر سروده میشود.
d. در محل که مانند یک جهیل است که تا بتوانید نشست آفتاب را تماشا کنید.

۲۰. اولین کاری که شما بعد از نماز صبح به انجام دادن آن تمایل دارید آن است:
a. حمام کردن و ورزش.
b. امادگی رفتن به وظیفه.
c. شنیدن اخبار.
d. تلاوت قرآنکریم

۲۱. وقتی در معاینه خانه منتظر داکتر می باشید شما تمایل به کدام یکی از این گزینه ها را دارید:
a. بیقراری و گردش در داخل و یا خارج از محوطه.
b. مجله خوانی.
c. گوش کردن به گوشکی های تان.
d. تماشا کردن تلویزیون.

۲۲. وقتیکه آگاهی در باره یک خبر حاصل میکنید شما تمایل به چه دارید:
a. گفتگو در بارۀ آن با دیگران.
b. بیشتر معلومات در بارۀ آن از روزنامه و یا مجله.
c. شنیدن در بارۀ آن از رادیو.
d. تماشای CNN و یا کانال های دیگر.

۲۳. هنگام انتخاب نمودن یک صنف کدام یک از گزینه های ذیل را انتخاب می نمایید.
a. صنف اول الی سوم.
b. صنف چهارم الی ششم.
c. صنف هفتم الی نهم.
d. صنف دهم الی دوازدهم



۲۴. شما کدام نوع وظیفهٔ خانگی را ترجیح میدهید:

a. پیشکش کردن گروپی.
b. پروژه تحریری.
c. پیشکش کردن شفاهی.
d. رهنما ها و چارت ها.

۲۵. کدام نوع وظیفه را ترجیح میدهید:

a. کار های بیرونی و ساحوی.
b. کار های گروپی.
c. مشاورت.
d. در عقب میز کمپیوتر.

۲۶. من به بسیار آسانی توسط یکی از موارد ذیل میتوانم بگویم که بالای من چه میگذرد:

a. احساسات و شریک ساختن آن با دیگران.
b. الفاظی که من انتخاب می نمایم.
c. با لحن صدایم.
d. از طریق لباس ها و ظاهرم.

۲۷. هنگام امتحان دادن به کدام یکی از گزینه های ذیل ترجیح می دهید:

a. تسلیم کردن یک پروژه.
b. امتحانات شفاهی.
c. به استاد که سوالات را به لحن بلند تشریح نماید.
d. امتحانات تحریری.

۲۸. وقتی با چیز های مشخص روبرو میشوید، شما... هستید:

a. حساس درقسمت به لباس ها.
b. بامهارت بسیار در رابطه به حقایق و معلومات.
c. بسیار موافق با صداهای اطرافتان.
d. بسیار حساس در مقابل رنگها و نمای یک اطاق.

۲۹. شما تصمیم های مهم را براساس کدام یک گزینه های ذیل میگیرید:

a. احساسات هوایی.
b. گفتگو با دیگران در رابطه به آن.
c. کدام راهی که عالی به شما به نظر میرسد.
d. آنچه خوب به نظر می رسد.



۳۰. وقتی در رابطه به آشپزی صحبت نماییم شما...:

a. مواد مورد ضرورت را انداخته و در هر مرحله غذا را میچشید.
b. هر دستور آشپزی را خوانده و بعداً تصمیم میگرید.
c. با استفاده از نظریات دیگران که چه خوب است.
d. دیدن به یک دستورالعمل آشپزی و استفاده از آن.

۳۱. شما چه چیز را بحیث تحفه ترجیح میدهید؟

a. یک جوره کرمچ.
b. یک جلد کتاب.
c. یک عدد جای نماز.
d. یک عدد تسبیح.

۳۲. برای شما چه دارای اهمیت زیاد است؟

a. در اجتماع چه عمل می نمایید.
b. با دیگران چه نوع تکلم می نمایید.
c. مردم در بارهٔ شما چه میگویند.
d. چه چیز ها را میپوشید.

۳۳. وقتیکه شما مشغول به محاوره میشوید یکی از گزینه های ذیل را استفاده می نمایید:

a. استفاده از دست تان.
b. یک گویندهٔ خوب هستید.
c. یک شنوندهٔ خوب هستید.
d. بسیار با تمرکز و تماس چشمی با جانب مقابل.

۳۴. وقتیکه شما یک محفل یا واقعه را برای دوستان تان مورد شرح قرار میدهید، شما یکی از گزینه های ذیل را بیان می دارید:

a. شما و یا اشخاص دیگر چه کار ها را انجام داده اید.
b. گفتگو های که با اشخاص کرده اید.
c. چگونه گی غذا.
d. اشخاص.

حالا به ابتدای سوالات رفته و تعداد هر حروف را که انتخاب نموده اید حساب نمایید. این عمل شما را کمک می کند تا که بدانید کدام نوع آموزنده هستید و یا کدام نوع از آموزش را ترجیح میدهید: چند بار شما انتخاب نموده اید:

a. تماسی
b. شفاهی
c. سمعی
d. بصری



در بارۀ چهار نوع شیوه های آموزش

تمامی ما شیوه های مختلف آموزش را در محلات مختلف می آموزیم و حالا شما باید شیوۀ و شکل آموزش خود را آموخته و یا اینکه شما شیوۀ آموزش مختلط داریده حالا در ظرف چند دقیقه، تفاوت این شیوه های آموزش را خوب فهمید و مورد مطالعه قرار دهید.

۱. آموزنده گان تماسی: آموزش از طریق حرکت، اجرا و یا انجام دادن: این نوع آموزنده گان توسط حرکات بدن و یا تماس آموزش را فرا میگیرند.

آنها فعالانه اشیایی را که در اطراف شان وجود دارد توسط تماس خوب مطالعه می نمایند. در آنها وقتیکه احساس خستگی به نظر برسد آرام می نشینند. تا هنگام که فعالیت جسمانی میکنند معمولاً آنها به سپورت و دیگر تمرینات جسمانی علاقه مندی نشان میدهند تا بتوانند از این طریقه بالای مشکلات غالب شوند. آنها معمولاً از دستان شان و دیگر تکلمات جسمانی شان برای افهام و تفهیم استفاده می نمایند. وقتیکه آنها چیز های نو را یاد میگیرند، آنها به فعالیت های جسمانی بیشتر علاقه دارند نسبت به مطالعه کردن.

۲. Verbal: (آموزنده گان که توسط گفتن، شنیدن و دیدن میاموزند) این نوع آموزنده گان با استفاده از قوه های نوشتن و گفتن یک موضوع را یاد میگیرند. آنها به بسیار آسانی میتواند خود را نمایان کنند با استفاده از قوه های نوشتن، تکلم و همچنان از خواندن لذت میبرند. همچنان آنها به قصه گفتن علاقه مند بوده و بسیار خوب کلمات و یا عبارات جدید را می آموزند.

۳. آموزنده گان سمعی: (آموزنده گانی که توسطه شنیدن یک موضوع را یاد میگیرند.)

این نوع افراد تدریس موضوع را توسط حس شنیدن تحت بحث قرار میدهند. از گفتن با خود وشنیدن به دیگران آموزش میگیرند. این نوع افراد با قدرت شنوایی که دارند یک موضوع را از صدا، سرعت صدا و دیگر نکات آن تفسیر و ترجمه می نمایند.

۴. آموزنده گان بصری: (افراد که توسط حس باصرۀ شان یک موضوع را یاد میگیرند.)

این نوع افراد موضوعات را توسط دیدن به تصاویر، رنگها عکسها، طرح های رهنمایی، فلم ها و برنامه های کمپیوتر (Power Point) و غیره خوب یاد میگیرند. آنها به بسیار آسانی یک موضوع را در دماغ شان تصویر و راهی حل آن را تجسم می نمایند.

پرسشنامه ارزیابی خودی: سه نوع شیوۀ آموزش:

با نشانی کردن هر یک از گزینه های سوالات آتی شما طرز سلوک تان را آشکار سازید:

بهتر است که اول سوالات را حل کرده و بعداً به تشریحات مراجعه نمایید.

۵. وقتیکه من یک آلۀ نو را مورد استفاده قرار میدهم.

a. اولاً هدایات لازمه را مطالعه می نماییم.

b. گوش دادن به یک شخص دیگری که او آن آله را قبلاً مورد استفاده قرار داده است.

c. پیش میرویم تا بفهمیم چطور استفاده میشود.



۶. وقتی که در بارهٔ سفرم معلومات ضرورت داشته باشم:
   a. به نقشه رجوع می نمایم.
   b. تقاضا برای معلومات شفاهی می نمایم.
   c. اعتماد به خود و یا استفاده از قطب نما.

۷. وقتی که یک غذایی نو را میپزم:
   a. دستورالعمل آشپزی را تعقیب می نمایم.
   b. صحبت تیلفونی با دوستم در رابطه به طرزالعمل آن.
   c. با استفاده از شعورم و چشیدن غذا در هنگام پختن.

۸. اگر کسی را تدریس نمایم، تمایل به:
   a. نوشتن هدایات برای آموزگاران.
   b. توضیحات شفاهی.
   c. تشریحات و بعداً پیشروی.

۹. من تمایل دارم که بگویم:
   a. ببینین من چطور انجام میدهم.
   b. به تشریحات من گوش بدهید.
   c. شما به پیش.

۱۰. در اثنای بیکاری، من به یکی ازگزینه های ذیل لذت میبرم:
   a. رفتن به موزیم و خریداری.
   b. گوش دادن به شعر و گفتگو با رفقایم.
   c. سپورت کردن یا ترمیمات خانه DIY (Do it yourself).

۱۱. وقتیکه برای خرید میروم، تمایل ام به یکی از گزینه ها:
   a. تصور نمودن اشیا که چطور معلوم خواهد شد.
   b. مشوره کردن با کارمندان مغازه (دکان.)
   c. پوشیدن و یا آزمایش اشیای خریداری شده.

۱۲. وقتیکه بالای رخصتی ام می اندیشم اکثراً:
   a. سفرنامه را مطالعه می نمایم.
   b. به سفارش های دوستانم.
   c. تصور بودن در ساحه قبل از رفتن.

۱۳. اگر یک موتر جدید را خریداری می کنم:
   a. روزنامه ها و مجلات را مورد مطالعه قرار میدهم.
   b. مشوره با دوستانم در رابطه به چیز های مورد ضرورت.
   c. اقسام مودل را آزمایش کردن.



۱۴. وقتیکه یک مهارت تازه را می آموزم، آرامش به:
a. تماشای استاد که او چه میکند.
b. در مورد چیزی اجرا میکنم با استاد گفتگو
c. خودم کوشش میکنم تا بیاموزم.

۱۵. اگر غذایی را از غذا ها انتخاب نمایم:
a. تصور غذا را می نمایم.
b. صحبت با خود و یا دوستم در بارهٔ انتخاب غذا ها.
c. تصور می نمایم که غذا چه مزه خواهد داشت.

۱۶. وقتیکه بالای چیزی تمرکز می نمایم اکثراً:
a. بالای کلمات و تصاویر که در مقابل من است:
b. تحلیل مشکل و راه های حل آن را در افکارم.
c. حرکت کردن و تماس اشیاء با قلم که در دستم است.

۱۷. لوازم خانه را انتخاب می نمایم بخاطریکه میل به:
a. رنگ هایش و یا چطور معلوم می شود.
b. تشریحات فروش دارد.
c. به آمیخته گی شان به خانه و احساس که هنگام تماس به آن به شما رخ میدهد.

۱۸. اولین چیزی را که به خاطرم می سپارم:
a. دیدن به آن.
b. گفتن آن.
c. انجام دادن آن.

۱۹. وقتیکه مشوش استم:
a. حالات وخیم را تصور می نمایم.
b. با خودمی اندیشم که چی سبب پریشانی ام می شود.
c. آرامش ندارم بلکه تحرکات از خود نشان میدهم.

۲۰. من با اشخاص زمانی میپیوندم که:
a. چطور معلوم میشوند.
b. به من چه میگویند.
c. من را چطور احساس میکنند.

۲۱. وقتیکه امتحان را اصلاح می نمایم، معمولاً:
a. نوت های اصلاحی و رهنمایی های فراوان را در اوراق تحریر میکنم.
b. گفت گو های زیاد با دیگران و یا باخودم مینمایم.
c. تصور کردن راه های پیشرفت و به وجود آوردن فورمول.



۲۲. اگر به کسی چیزی را شرح می نمایم، مایل ام به:

a. نمایش مقصد یا اهداف که دارم.
b. تشریح کردن از راه های مختلف به منظور فهماندن دیگران.
c. تشویق براساس مفکورهٔ که دارم.

۲۳. من واقعاً دوست دارم:

a. دیدن فلم ها، عکسها، و رسم ها و یا هنر های زیبا دیگر را.
b. گوش دادن به شعر، تکلم به دوستان و یا گوش دادن به رادیو ها.
c. اشتراک کردن به سپورت ها، خوردن غذا های خوب و یا خوش طبعی.

۲۴. بسیاری از اوقات بیکاری را به یکی از گزینه های ذیل به مصرف می رسانیم:

a. تماشا کردن تلویزیون.
b. گفت گو با دوستان.
c. انجام دادن فعالیت های بدنی و یا ساختن بعضی از چیز های مورد نیاز.

۲۵. وقتی با کسی برای اولین بار تماس میگیرم، معمولاً...دارم.

a. قرارگذاشتن یک ملاقات رو به رو.
b. گفت گو با استفاده از تیلفون.
c. کوشیدن یکجا شدن در هنگام فعالیت ها و یا خوردن غذا.

۲۶. من اول اشخاص را مشاهده بعداً یکی از گزینه های ذیل انتخاب مینمایم:

a. نمای ظاهری شان و لباسهای شان.
b. لحن و تکلم شان.
c. ایستادن و حرکت کردن شان.

۲۷. اگر من قهر باشم پس:

a. با خود اندیشیدن که چه چیز من را به این حالت کشانیده است.
b. با بلند کردن صدا احساساتم را به دیگران نشان میدهم.
c. با لگد زدن، در زدن و یا با حرکات فزیکی احساساتم ابراز مینمایم.

۲۸. برای من آسان است که به حافظه بگیرم:

a. چهره ها.
b. نامها ها.
c. کار های که من کرده ام.

۲۹. به نظر من شما گفته میتوانید که اگر یک شخص به شما دروغ بگوید:

a. او اجتناب دیدن به شما را میکند.
b. صدا های شان تغییر میخورند.
c. برای من یک حالت مضحک رخ میدهد.



۳۰. وقتی من یک دوست سابقه ام را ببینم برایش میگویم:

a. عالیست دیدن شما.

b. عالیست که صدایی شما را میشنوم.

c. او را در آغوش میگیرم و با او قول میدهم.

۳۱. اشیا را خوب به حافظه میسپارم :

a. نوشتن و دیدن یاداشت هایم با جزئیات.

b. گفتن با لحن بلند، تکرار کردن لغات و به حافظه سپردن نکات مهم.

c. اجراء کردن آنها به شکل تمرینات.

۳۲. اگر من در رابطه به مواد فاکولته ها شکایت داشته باشم، به آرام:

a. شکایت از طریق نامه درج می نمایم.

b. شکایت را از طریق تیلفون می نمایم.

c. توسط نت (Net) ارسال میکنم.

۳۳. من تمایل به گفتن این الفاظ را دارم:

a. من میدانم شما چه میگویید.

b. من میشنوم شما چه میگویید.

c. من میدانم چه احساس دارید.

حالا شما چه تعداد A، B و C را انتخاب نموده اید؟

A=

B=

C=

اگر عدۀ زیاد از حرف A را انتخاب نموده اید شما Visual یا بصیر هستید که توسط حس باصره میتوانید یاد بگیرید.
اگر عدۀ زیاد از حرف B را انتخاب نموده اید شما Auditory یا آموزگر هستید که با حس شنوایی یاد میگیرید.
اگر شما عدۀ از حروف C را انتخاب نموده اید شما Kinesthetic یا آموزگر که توسط حرکت و فعالیت بدنی می آموزید هستید.

در بعضی از اشخاص امکانات شیوه های آموزش دو و یا سه اند و حالا شیوه های آموزش را بخوانید که در تشریحات بعدی برای شما صدق می نماید.
وقتی شیوۀ آموزش خود را دریافت کردید، آنرا خوانده و سعی نمایید که در پیشرفت تان چه تغییرات مثبت به میان می آید.

تشریحات شکل و شیوه های آموزش
Vak Learning Styles Explanation

شکل و شیوه های آموزشی برای ما میرساند که بسیاری از اشخاص به یکی از این شیوه ها آموزش میابند. این شیوه های آموزشی را هر یک تحت تشریح قرار میدهیم. در این شیوه ها کدام تفاوت مثبت و منفی از یک دیگر وجود ندارد.

- شخصی که شیوهٔ آموزش بصری Visual را داشته باشد بیشتر ترجیع به دیدن و مشاهد. را میدهد، با دیدن تصاویر، رهنمایی ها، نمایش ها، دیدنی ها، رهنمایی های واقعت بینی ها، فلم ها، چارت های آموزشی و با غیره موادی دیدنی این شیوه را به پیش میبرد. این نوع اشخاص از عبارات مانند «نشان بدهید» «بیا که ببینیم» استفاده نموده و بسیار خوب اند تا وظیفه را بعد از خواندن هدایات و یا بعد از انجا دادن کسی دیگر به خوبی انجام بدهند. این نوع اشخاص با هدایات و رهنمایی های داده شده فعالیت شان را انجام میدهند.
- اشخاصیکه با شیوهٔ آموزش (شنوایی Auditory معلومات را توسط قوه شنوایی منتقل می نمایند. این اشخاص از عبارات مانند «بگو» «بیا که صحبت نمایم» و به بسیار خوبی بعد از شنیدن کارهای خود را انجام میدهند. این نوع اشخاص به خوشحالی هدایات را از طریق قوه شنوایی جذب می نمایند و قادر به حفظ نمودن هر آهنگ که میشنود اند.
- اشخاص که با شیوهٔ آموزش (حرکی یا جنبشی = Kinesthetic) می آموزند:
- این نوع اشخاص اجرا نمودن کار ها را توسط قوه های تماس، احساسات، اجرأت و یا عملاً انجام میدهند. این اشخاص از عبارات مانند: «اجازه بدهید آزمایش کنم» چه احساس دارد، استفاده نموده و بسیار فعال اند تا یک وظیفه را آغاز نموده و در هر مرحله آموزش میابند. این نوع اشخاص دوست دارند اول آزمایش نمایند و هیچ وقت اولاً به هدایات گوش نمیدهند.

در اخیر گفته میتوانیم که هر کس معمولاً دارای یک نوع شیوهٔ آموزشی است، و این شیوه ها غالباً به هم آمیخته اند. بعضی ها یکی از این شیوه ها را بسیار زیاد ترجیع میدهند در حالیکه دیگران از شیوه های آمیخته دو و یا سه استفاده می نمایند.